

تبرستان
www.tabarestan.info



ایران نو

تغم. ایل. پی. الول ساتن متسخرق معروف نگهبانی

ترجمه و تالیف: عبدالعزیم صبوری

این کتاب با ملحقات لازم شامل تاریخ صحیح و کامل کشور
ایران از آغاز تا امروز و همچنین کلیه اصلاحات و اقدامات
اساسی سلسله جلیل پهلوی در تمام شئون کشور است .

حق حیاب محفوظ و مخصوص مترجم و مؤلف است

تبرستان
www.tabarestan.info

پاپ افست محمد علی علی

تبرستان
www.tabarestan.info

آبادگردن گشوده، مبارزه با فقر و جالست تغییر درجه است
و بدهشت، با حرف امکان پذیرنیت باید کار کرد
کار مدام و طولانی. رضا شاپور

منم داریوش بزرگ شاه شاهان ممالک پسر و تاسیب نوہ ارشام نجاشی
ا ھور مزد شاهی را بین ^{لطف}^{گذشت}، ا ھو جفر و مردار ماری کرد تاین مملکت را
بست آ درم، بفضل ا ھور مزد من ^{لطف}^{گذشت} رکن ا را گشتم.
^{از کتبه و ایشان}^{کسری در میون}

در نهاد ایرانی قوه ای وجود دارد که هستی فاتحین را می بخشد و هر فخری را
هضم می کند ولی خودش همیشه زندو و پایدار است.

ال. پ. الول ساتن



میرستان تبرستان [tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)
سعادت و توفیق عزوم و هنرمندی ایران و محبیین
دیگران ملکت که در راه هدفهای نیزگرک تلی ایران قدم بر مید الامنه خداونه
تعال خواهند مدهن بستسم که چه دست در دست بودی یکریسمی آیینه
و حشانی که در استخاره را است قدم برخواهیم داشت .

محمد رضا شاه پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info



اعلیحضرت رضا شاه کبیر

تبرستان
www.tabarestan.info



اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران

تبرستان
www.tabarestan.info

فهرست کتاب رضا شاه کبیر = یا = ایران نو

صفحه

موضوع

- | | |
|-----|---|
| ۱۱ | ۱ - مقدمه استاد معظم دکتر جهانشاه صالح رئیس محترم دانشگاه |
| ۱۴ | ۲ - دستور وزارت فرهنگ |
| ۱۵ | ۳ - مقدمه استاد ارجمند دکتر رضالله شرق |
| ۱۷ | ۴ - مقدمه مترجم |
| ۲۷ | ۵ - مقدمه چاپ دوم |
| ۳۱ | ۶ - یادداشت چاپ سوم |
| ۳۳ | ۷ - مقدمه نویسنده کتاب |
| ۳۷ | ۸ - یادداشت نویسنده کتاب درباره چاپ دوم |
| ۴۰ | ۹ - فصل اول . کشور ایران |
| ۴۹ | ۱۰ - « دوم . دشت خوزستان و بلوچستان |
| ۵۴ | ۱۱ - « سوم . سلسله جبال البرز و دریای خزر |
| ۵۹ | ۱۲ - « چهارم . وضعیت جغرافیائی ایران |
| ۶۶ | ۱۳ - « پنجم . دوره باستانی ایران |
| ۷۷ | ۱۴ - « ششم . سلاطین سلسله هخامنشی |
| ۹۱ | ۱۵ - « هفتم . پارتها یا اشکانیان |
| ۱۰۲ | ۱۶ - « هشتم . سلسله ساسانیان |
| ۱۱۴ | ۱۷ - « نهم . ظهور پیامبر بزرگ اسلام |
| ۱۲۲ | ۱۸ - « دهم . حمله اعراب به ایران |
| ۱۲۸ | ۱۹ - « یازدهم . خلافت عباسیان |
| ۱۳۵ | ۲۰ - « دوازدهم . رواج مذهب حقه عقفری در ایران |
| ۱۴۲ | ۲۱ - « سیزدهم . حمله ترکها و منولان به کشور ایران |
| ۱۶۰ | ۲۲ - « چهاردهم . پادشاهان سلسله منقوی و نادرشاه |
| ۱۶۵ | ۲۳ - « پانزدهم . توسعه و پیشرفت نفوذ غرب در ایران |
| ۱۷۲ | ۲۴ - « شانزدهم . احداث خطوط تلگراف و راه آهن در ایران |

صفحه

موضوع

- ۲۵ - فصل هفدهم . تأسیس مدارس خارجی در ایران
- ۲۶ - » هجدهم . نهضت مشروطه خواهان و پیدایش نفت ایران
- ۲۷ - » نوزدهم . توسعه و پیشرفت نفوذ آلمان در ایران
- ۲۸ - » بیستم . رژیم رضا شاه پهلوی
- ۲۹ - » بیست و یکم . ولیمهد و خاندان رضا شاه
- ۳۰ - » بیست و دوم . تشکیل ارتش ذوب ایران
- ۳۱ - » بیست و سوم . مجلس شورای اسلامی و سازمانهای اداری
- ۳۲ - » بیست و چهارم . سازمانهای کشاورزی و صنایع سنتان
- ۳۳ - » بیست و پنجم . پایه و اساس اقتصادی ایران
- ۳۴ - » بیست و ششم . کشاورزی و راهسازی
- ۳۵ - » بیست و هفتم . راه آهن ایران
- ۳۶ - » بیست و هشتم . بنادر - کشتی رانی - هوایپمایی - تلگراف و رادیو - کارخانجات
- ۳۷ - » بیست و نهم . نفت ایران
- ۳۸ - » سیام . شهرسازی - بازار گانی داخلی و خارجی - انحصارها - امور ارزی
- ۳۹ - » سی و یکم . گمرک - مالیات‌ها - بانک‌ها - بودجه
- ۴۰ - » سی و دوم . ترقیات اجتماعی
- ۴۱ - » سی و سوم . بهداشت و فرهنگ
- ۴۲ - » سی و چهارم . دیرستانهای - دانشگاه
- ۴۳ - » سی و پنجم . آموزشگاههای سالم‌دان - تنبیه لباس - اقلیت‌ها - مطبوعات
- ۴۴ - » سی و ششم . رادیو - سینما - آثار باستانی
- ۴۵ - » سی و هفتم . روابط خارجی ایران
- ۴۶ - » سی و هشتم . امتیاز نفت و اختلاف دولت ایران با شرکت نفت
- ۴۷ - » سی و نهم . روابط سیاسی و اقتصادی ایران با روسیه شوروی
- ۴۸ - » چهلم : روابط سیاسی و بازار گانی ایران با آلمان
- ۴۹ - » چهل و یکم . روابط ایران با همسایگان خود
- ۵۰ - » چهل و دوم . موقعیت ایران در جهان کنونی
- ۵۱ - » چهل و سوم . نفت خاورمیانه و خطوط ارتباطی

موضوع

صفحه

- ۵۲ - فصل چهل و چهارم . بیطری ایران در جنگ دوم جهانی
 ۴۹۵ ۵۳ - « چهل و پنجم . اهمیت ایران در پیروزی متفقین
 ۵۰۰ ۵۴ - « چهل و ششم . بریتانیا و ایران
 ۵۱۳ ۵۵ - « چهل و هفتم . آغاز جنگ دوم جهانی
 ۵۱۹ ۵۶ - « چهل و هشتم . حمله آلمان به روسیه شوروی
 ۵۲۹ ۵۷ - « چهل و نهم . منشور ایلانیک
 ۵۳۲ ۵۸ - « پنجاه هم . اثرات جمعه موسسه آلمان و استعفای
 ۵۴۶ ۵۹ - « پنجاه و یکم . پیمان اتحاد سه گانه
 ۶۰ - « پنجاه و دوم . اعلامیه ملل متحد . اعلان جنگ ایران به آلمان اعلامیه سران سدودت
 ۵۵۲ ۶۱ - « پنجاه و سوم . حمله آپن به ایالات متحده آمریکا .
 ۵۶۱ ۶۲ - « پنجاه و سیام و زاپون و پایان جنگ دوم جهانی
 ۵۶۶ ۶۳ - « پنجاه و چهارم . اصلاحات ارضی ایران
 ۵۷۱ ۶۴ - « پنجاه و پنجم . اولین کنگره ملی شرکت های تعاونی روستائی ایران
 ۵۷۹ - « پنجاه و ششم . ترویج کشاورزی - بانک اعتبارات کشاورزی
 ۶۵ - « پنجاه و هفتم . ملی شدن جنگلها . سهم کردن کارگران در منافع کارگاهها . فروش سهام کارخانه های دولتی
 ۵۸۷ ۶۶ - « پنجاه و هشتم . اصلاح قانون انتخابات . آزادی زنان
 ۵۹۲ ۶۷ - « پنجاه و نهم . سیاه داش
 ۵۹۶ ۶۸ - « شصتم . اصلاح امور اجتماعی و عمران دهه ای . آبیاری و سدسازی
 ۵۹۹ ۶۹ - « شصت و یکم . پیشرفت صنعت نفت در دهه سال گذشته

فهرست عکس‌های کتاب رضا شاه کبیر-یا ایران نو

صفحه

شرح

- ۱ - رضا شاه کبیر بینان گذار ایران نو
- ۲ - علیحضرت همایون شاهنشاه و علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران
- ۳ - نقش بر جسته نقش هامورابی و قسمتی از کتبیه زرتشت که در شوش
بدست آمده واکنون در موزه ایران باستان است
- ۶۷ - کعبه زرتشت در (نقش دستم) نزدیک تخت جمشید
- ۷۱ - تخت جمشید ، قصر داریوش کبیر بنام تالار آئینه (تخت) استان
- ۷۵ - خاورس ، پازار گاد ، آرامگاه کورش کبیر.
- ۷۹ - کتبیه داریوش کبیر در بیستون نزدیک کرمانشاه
- ۸۰ - تخت جمشید ، نقش بر جسته شیر و گاو که مکرر در پله کانها حجاری
شده است
- ۳۹ - تخت جمشید ، نقش بر جسته داریوش و خشایارشاه از کاخ سه دروازه
یا کاخ مرکزی
- ۱۰۳ - نقش بر جسته مناظر مختلفی از آثار ساسانی واقع در تنگه چوگان
کارزوون
- ۱۰۷ - اصفهان ، محراب کاشی کاری نفیس و منبر سنگی مدرسه چهارباغ
از آثار صفویه
- ۱۱۵ - تخت جمشید ، نقش بر جسته داریوش و خشایارشاه
- ۱۳۹ - تخت جمشید ، منظرهای از کاخ آپادانا
- ۱۴۹ - ایوان و گنبد اصلی مسجد شاه اصفهان ، از آثار صفویه
- ۱۵۷ - نقش بر جسته اردشیر در طاق بستان کرمانشاه از آثار ساسانی
- ۱۶۷ - دو کتبیه پارسی که معروف بگنج نامه است و در دره عباس آباد همدان
واقع شده ، از آثار هخامنشی
- ۱۸۳ - رضا شاه کبیر بینان گذار ایران نو در اوایل سلطنت
- ۱۹۵ - علیا حضرت ملکه پهلوی
- ۱۹۹ - شاهنشاه فر هنگ دوست و داش پرورد ایران
- ۲۰۷ - علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران
- ۲۱۵ - والاحضرت همایون رضا پهلوی ولیهد ایران
- ۲۱۹ - والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی
- ۲۲۳ - والاحضرت شاهدخت فرخناز پهلوی
- ۲۲۷ - والاحضرت شاهپور غلام رضا پهلوی
- ۲۳۱ - والاحضرت شاهپور غلام رضا پهلوی

شرح

صفحه

- ۲۵ - والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی
۲۶ - والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی
۲۷ - والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی
۲۸ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام بازدید از کشتی جنگی پرس
۲۹ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام بازدید از بندر شاهپور
۳۰ - فرودگاه عظیم مهرآباد (تهران)
۳۱ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام افتتاح کارخانجات دخانیات
۳۲ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه پس از رفع حجاب در میان ایل بختیاری
۳۳ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه روز افتتاح کارخانه قند میاندوآب
۳۴ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر هنگام اتصال راه آهن تهران به اهواز در ایستگاه درود
۳۵ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام مسافرت با قطار سلطنتی
۳۶ - والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی بریاست عالیه جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در لباس مخصوص جمعیت بامداد و بازو بند
۳۷ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر هنگام نصب لوح تاریخی دانشگاه تهران
۴۰۹ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام بازدید از اسکله خرمشهر
۴۵۵ - سد سفید رو
۶۰۳ - مترجم و مؤلف کتاب رضا شاه کبیر - یا - ایران نو
۶۱۵ -

مقدمه و قریب

بکن زین کارخانه در کتب روی خیال خویش را ده با کتب خوی گهی از رفتگان تاریخ خوانند گه از آینده اخبارت رسانند گهی باشد چون صافی درونان بانوار حقایق رهنمونان (جامی) دانشمند هترم آقای عبدالعظیم صبوری تا کنون دونوبت بترجمه و تألیف و چاپ کتابی بنام رضا شاه پهلوی با - ایران نو نوشته الأول - ساتن (۱) مستشرق معروف انگلیسی همت گماشته وایلک برای سومین بار در این مجلد تاریخ عصر پهلوی را به نحو احسن تکمیل نموده اند. براستی مینوان گفت کتاب جامعی که امروز تقدیم داشت پژوهان مینمایند مجموعه ایست از تاریخ پر افتخار کشور ایران که شامل سرگذشت زندگانی و خدمات رضا شاه کبیر بنیان گذار ایران نوین و همچنین حاوی اصلاحات و اقداماتی است که از شهریور ۱۳۲۰ تا کنون در شؤون اجتماعی و اقتصادی کشور بعمل آمده است . در این چاپ از قیام تاریخی و ملی ایران که دیپاچه زرینی را برای فصل مهمتر و شگرفتر تاریخ حاری ایران گشود و اخیراً منجر به تحولات عظیم ششم بهمن گردیده مفصل یاد شده است ترقیات و پیشرفتی که در این مدت تحت توجهات و ارشاد اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی نصیب کشور و ملت ایران گردیده گوشزده است . مطالعه و تحقیق درباره رضا شاه کبیر و سرگذشت آن را درمدد بزرگ . صفات ممتاز و برجسته و شخصیت باز آن فقید سعید را از هر حیث برهمگان آشکار میسازد .

بحث در خصائیل و اوصاف رضا شاه کبیر واستعداد فطری او و اصلاحات دامنه‌داری را که در دوران سلطنت خود شروع و با تمام رسانید کار آسانی نیست. برای هر محقق و مورخی واضح و روشن است که تاریخ معنوی زندگانی رضا شاه کبیر باید سرمشق و رازکامیابی بزرگان دنیا شاخته شود چه در مدتی کمتر از بیست سال منزلت وی تا بدانجا رفت گرفت که اوصاف اوردر شرق و غرب بسط یافت و برای کلیه ایرانیان مشخص گردید که در عصر پهلوی چه قدر های بزرگی در راه احیای کشور عزیز ما برداشته شده و میشود.

اقدام آقای عبدالعظیم صبوری مستشار محترم دیوان محاسبات در نشر این کتاب الحق شایسته تقدیر و تحسین است.

اینجانب مدت زمانی است که از نزدیک به کیفیت مطالعه و قوت مباحثه ایشان آشنا هستم و بخوبی میدانم که با وجود گرفتاریهای زندگی و اداری تا چه اندازه از کوچکترین فرصت و ایام فراغت استفاده نموده وقت خود را صرف تحقیق و مطالعه مینمایند. هر موضوعی که توسط ایشان در صفحات این تاریخ مطرح شده نتیجه دقت و نظر حقیقت ثمری است که با خلوص نیت و عقیدت بر شنیده تحریر درآمده است. آنانکه ذوق خواندن کتاب و شوق مطالعه دارند میدانند که هر قدر بگذشته و وقایع تاریخی بیشتر توجه شود آینده را روشن تر و بهتر میتوان دید. این است که مطالعه تاریخ زندگانی رضا شاه کبیر که علی التحقیق از فرمایروايان بزرگ و نوابغ نامی ایران زمین بشمار میآیند و توجه به تحولات انقلابی که در سالهای اخیر، حیات قدیم و قرون و سلطائی اکثریت نفوس کشور را دگرگون کرده است برای هر ایرانی وطن پرست لازم و واجب است. این تحولات از آتیه

درخشنانی نوید میدهد که ایران را با خیز و جهشی عظیم وارد مرحله صنعتی و نوین خواهد نمود و ملت ایران تحت درایت و رهبری خردمندانه شاهنشاه عدالت پرور خود همواره سیر ترقی را خواهد پیمود و با سایر ملل و ممالک راقیه دوش بدوش رو بجلو خواهد رفت بطور خلاصه نظری به تاریخ گذشته و تحولات روز و آینده روشن بما ثابت میکند که باید: از گذشته الهام بگیریم سبب حال مؤمن و معتقد باشیم - و با آینده امیدوار .

هوقیقت مترجم دانشمند و نویسنده محترم آفای صبوری را از خداوند مسئلت مینماید و امیدوار است این کتاب نفیس مورد توجه دانش پژوهان و دانشگاهیان قرار گیرد .

دکتر جهانشاه صالح - رئیس دانشگاه تهران

شهریور ۱۳۴۴



وزارت فرهنگ

شماره ۱۰۱۸۲

تاریخ ۱۴۰۱۰۲۱۳۴۲

تبرستان

www.tabarestan.info

اداره کل فرهنگ استان

اداره فرهنگ شهرستان

پیروپخشناهه شماره ۱۲۴۴۰۹۲۰ به امر مطاع ملوکانه، آقای عبدالعظیم صبوری مستشار دیوان محاسبات کتاب رضا شاه کبیر- با- ایران نورا برای بار دوم انتشارداده است. این کتاب تاریخ صحیح و کامل کشور ایران و شرح خدمات بزرگ رضا شاه کبیر پیشان گذار ایران نو و اعیان حضرت همایون شاهنشاه یکشود رومت ایران است و مخصوصاً کلیه اقدامات و اصلاحاتی که از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا کنون در تمام شئون اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته بچاپ دوم اضافه گردیده است.

وزارت فرهنگ که با توجه باینکه کتاب مذکور بسیار با اهمیت و قابل استفاده است و از باب علاقه‌های که به آفرایش اطلاعات فرهنگیان دارد مطالعه آنرا برای کلیه آنان لازم و ضروری میداند و توصیه می‌کند که برای هر یک از دیپرستاناها و کتابخانه‌های عمومی از محل درآمد شهریه و اعتبارات بلا مانع یک جلد از کتاب مذکور خریداری کنند و نیز مطالعه آنرا بعد از ایران و کارمندان و آموزگاران توصیه فرمایند و نتیجه را به وزارت فرهنگ اعلام دارند.

وزیر فرهنگ

کتاب رضا شاه کبیر = یا ایران نو

ترجمه : آقای عبدالعظیم صبوری

یکی از ترجمه های سودمند که درین سالوات اخیر بعمل آمده همانا ترجمه کتاب ایران نو است که مترجم فاضل آن آقای عبدالعظیم صبوری با انجام این کارمنی عظیم بگردن طرفداران علم و فرهنگ فراهم آورد. مؤلف این کتاب یکی از صاحب نظران نقاد انگلیسی است بنام الول ساتن L. P. Elwell مشارکیه چند سالی در تهران یکی از اعضای بر جسته سفارت انگلیس بوده و در این مدت چنانکه از کتابش هم پیداست جریان امور کشور و تاریخ گذشته ها را بدقت تمام مطالعه کرده است. این کتاب با وجود اینکه متن انگلیسی آن بیش از ۳۳۶ صفحه بیست در باب جغرافیا و تاریخ و واقعیت مهم سیاسی و اقتصادی عصر پهلوی محتوی معلومات بسیاری است. یکی از محسنات عمدی آن بیطرفی مؤلف آنست که غالباً حق مطالب را گفته و بجهت بدفاع از سیاست انگلیس پرداخته حتی گاهی آن سیاست را مورد انتراض قرار داده و از حق ایران دفاع گرده است. همچنین توان گفت کتاب ساتن از جمله کتابهای محدود بیست که در باب دوره سلطنت اعلیحضرت رضا شاه قید و اقدامات بر جسته او حقایقی را شرح میدهد و برای نوشتن تاریخ این دوره مهم بیشتر از منابع مفید بشمار است.

آقای صبوری که آثار دیگر سودمند ایشان نظری تاریخ طبیعی و سیاسی بریتانیا و تندباد حوادث وغیره معرف کمالات و همت ایشانست با ترجمه این کتاب وبخصوص با جلوه دادن مراتب خدمتگزاری اعلیحضرت فقید نسبت بملک و ملت ایران ییگمان قدمی بزرگ در راه نشر فرهنگ ملی در ایران برداشته‌اند.

حق مطلب اینست آنچه زمان میگذردوما از جریانها و برخوردهای کوچک و نظرهای کوتاه رها میگردیم و عصر بهلوی را از دور یعنی با نظر وسیعتر واقع پهناورتر مینگریم نیک درمی یا یم آلمده بزرگ چه قدمهای فراخ در ساحة اصلاح و احیای این کشور برداشته که در زمان سلطنت خودش باین وضوح معلوم نبود حتی علایق و اتفاقات و منافع و احساسات سبب میشد برخی آن خویها را نبینند حتی بدینی و بدگونی گزینند. من خود در مواردی از منتقدین آن زمان بوده ام گرچه توفیق الهی انتقادات من آلوده اغراض نبود ولی در هر صورت اکنون میینیم ظهور و افول رضا شاه از خوارق تاریخ ما بوده و فکر واراده نیرومند اوروحی تازه بکالبد ناتوان این کشور دمیده است و در مدت کوتاهی کمتر از بیست سال کشوری را صد سال به پیش برده است.

امیدوارم مترجم محترم با پیدا کردن خوانندگان زیاد کار علمی خود را ادامه دهنده و کتب سودمند دیگری را ترجمه کنند از آنچمه تازه‌ترین تأثیف ساتن را که در باب مسئله نفت ایران و شامل اسناد و مدارک مهمی است نیز بفارسی کنند.

از خداوند توفیق برای ایشان مسئلت میکنم.

تهران فروردین ماه ۱۳۳۷

دکتر رضازاده شفق

هقدمهٰ مترجم
تبرستان
بنام خداوند بخشندۀ مهربان

برای افراد هرملتی اطلاع کامل از تاریخ کشورش لازم و واجب است زیرا هر انسانی طبعاً میخواهد از آنچه در اداره گذشته رخ داده مطلع گردد و از رفتار و کردار پیشینیان پند گیرد و آنرا در کارهای خود و اموری که در پیش دارد بکار بند و بهمین جهت است که میتوان گفت در بین رشته های مختلف دانش و فرهنگ که دانستن آن برای آدمیزادگان لازم و حتمی است تاریخ اهمیت خاصی را دارد است .

تاریخ کشور عزیز ما ایران در بین تاریخ ملل جهان درخشندۀ و تابناک است زیرا این کشور کهنسال از قرنها پیش مرکز تمدن جهانی و علم و هنر عالم بوده و نیاگان پر افتخارما از نظر عدالت و نوع پروری درین کلیۀ کشورهای دنیا معروفیت داشته‌اند، میهن پرستی و ایران دوستی آنان زبانزد خاص و عام است .

وقتی که انسان موقع مطالعهٰ تاریخ ایران باستان از طرز حکومت و فرمانروائی کورش کبیر و داریوش کبیر و انشیروان دادگر آگاه می‌گردد و عدالت و نوع پروری و بشردوستی را در خلال تاریخ سلطنت پر افتخار

آنان می‌بیند از هر قوم و ملتی که باشد بر روان این سلاطین دادگستر درود می‌فرستد و بر ملتی که این پادشاهان عادل و دانا از بین آن ملت برخاسته‌اند آفرین می‌گوید.

بطوری که تاریخ کشور کهنسال ایران حاکیست این سرزمین فرزندان لایق و فداکار زیادی داشته است و هر یک از این فرزندان از خود گذشته اوراقی زرین که حاکمی انجان بازی و فداکاری آنها در راه ملک و ملت است در تاریخ کشور ما از خود به یاد گذاشته‌اند.
دانشمندان و علمای اجتماع عقیده دارند که هر وقت ملتی به منتهی درجه احاطه میرسد فرد نابغه‌ای از میان آن ملت برمی‌خیرد، و استاخیزی پایمی‌سازد، روح تازه‌ای در کالبد ملت خود میدهد، استقلال و حاکمیت از دست رفته را بازمی‌یابد، اوضاع هرج و مرچ و درهم و بره کشور را با فداکاری و از جان گذشتگی وصف ناپذیری سرو صورت میدهد و اصلاحات عمیقی در تمام شئون اداری و اجتماعی سرزمین خود بعمل می‌آورد که معاصرین خودش و یام طالعه کنند گان تاریخ زمامداری او از این عمل دچار حیرت و تعجب می‌گردند.

آنچه در سطور بالا بنظر خوانند گان گرامی میرسد در باره رضا شاه کبیر سر سلسله خاندان پهلوی صدق می‌کند زیرا موقعی این پادشاه لایق و توانا از بین مردم ایران برخاست و زمام امور کشور را بدست گرفت که ملت ایران به منتهی درجه احاطه رسیده بود و از استقلال و حاکمیت کشور ما هم جز اسمی بی‌سمی چیز دیگری باقی نمانده بود.

برای اینکه از علت قیام اعلیحضرت رضا شاه کبیر بخوبی آگاه گردیم و از اوضاع آن روز کشورمان هم اطلاع حاصل کنیم با اجازه خوانند گان

ارجمند به روز سوم اسفندماه سال ۱۲۹۹ که آنرا باید روز سعادت و سیاست ملت ایران داشت بر میگردیم وضعیت و موقعیت آن تاریخ را مورد بحث و مطالعه قرار میدهیم.

قبل از سوم اسفندماه سال ۱۲۹۹ اوضاع کشور ما در هم و بر هم و پرهج و مر ج بود. در گیلان و مازندران طغیان و یاغی گری بحدا کمل ادامه داشت عده‌ای بنام افقلاب با پیشنهادی ییگانگان سرنوشت مردم را بدست گرفته و بر جان و مال آنان حکومت میگردند و بعد از این هم در شهر رشت حکومت کمونیستی تشکیل داده بودند.

سر بازان و کشتیهای یک دولت خارجی به اراضی و آبهای ایران وارد شده و عملیاً در امور داخلی ما دخالت میگردند و دستور میدادند. دامنه تحریکات خارجیان به ایالات دیگر نیز کشیده شد و چیزی نمانده بود که نظریه‌مین جریان در آذربایجان و حتی خراسان رخ دهد. قشون انگلیس که در زمان جنگ بین‌المللی اول در ایران با قیمانده بود آزادانه و بدون اعتنا بحق حاکمیت ما از جنوب تا شمال را میدان عملیات خود ساخته بود. یک قسمت از قوای سابق روسیه تزاری تحت فرماندهی بیچرا خف در اثر سازش با انگلیسیها در حوالی قزوین موضع گرفته و مستقر گردیده بودند. در جنوب ایران یک نیروی انگلیسی بنام تفنگداران پلیس جنوب تشکیل شده بود که در تمام امور آن نواحی دخالت میگرد. ایالات و عشاير محلی با این نیرو در حال جنگ بودند و در نواحی دیگر هم هرجا که ایل و عشیره‌ای بود بر اوضاع تسلط داشت. بعلت آشتفتگی اوضاع و پیچیدگی امور شیرازه حکومت مرکزی بکلی از هم گسیخته و از دولت ایران جز اسمی باقی نماند بود. از تعطیل مجلس شورای ملی سالها میگذشت و با اینکه

انتخابات دوره چهارم تحت شرایط خاصی انجام گرفته بود معهداً افتتاح مجلس صورت نمیگرفت.

دولت وقت قرارداد سال ۱۹۱۹ را با دولت انگلستان منعقد ساخته و اجازه داده بود که مستشاران انگلیسی امور وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی را تحت نظر بگیرند. مردم بشدت با این قرارداد مخالفت میکردند. بازاریها و دانشجویان دست بتظاهرات دامنه‌داری زدند.

دولتها می‌آمدند و میرفتندو کاری از دستشان ساخته‌نبوذ هیچ مشکلی حل نمیشد و برآشتنگی اوضاع روز بروز افزوده میکند. بکار کنان دولت بجای حقوق ماهیانه حواله آجر و گچ میدادند که آن را در بازار بفروشند و پولش را بمصرف اعاشه خودشان برسانند.

دولت اصولاً بودجه‌ای نداشت زیرا مالیات وصول نمیشد و خزانه بکار تهی بود امور تجارت و صنعت بسرعت بطرف انحطاط میرفت یأس و نامیدی‌همه را فراگرفته بود.

در چنین شرایطی تحول تاریخی سوم اسفند ماه انجام گرفت. رضا خان میرپنج با سه هزار نفر قزاق تحت فرماندهی خود که در قزوین مستقر شده بودند تصمیم گرفت بسوی تهران حرکت کند ابتدا تکلیف حکومت مرکزی را روشن سازد و پس از آن با اعتماد و اطمینانی که بخود داشت یاغیان و خارجیان را بر سر جای خود بنشاند.

سر بازان تحت فرماندهی رضا خان میرپنج آنهاست بودند که بدون در دست داشتن وسایل و تجهیزات لازم با دست خالی در مقابل دشمنان ایستاد گی کرده و چندماه بود که حتی حقوق خود را نگرفته بودند و عائله آنها در تهران و سایر شهرها باعسرت زندگی میکردند.

عصر روز دوم اسفند ماه سال ۱۲۹۹ این عده از کرج عبور کرده و بطرف تهران پیش آمدند. رئیس وزیر ای وقت آنچنان در خواب غفلت بود که باین نیرو توجهی نکرد و فقط عده‌ای زاندارم برای جلوگیری از ورود آنان اعزام داشت که این عده هم چون ناراضی بودند در چند کیلومتری خارج شهر توقف کردند و منتظر شدند تا بهینند اوضاع چه خواهد شد. ساعت سه بعد از نصف شب بود که نیروی قراقوی از میدان جلالیه عبور کرده وارد تهران شد رحین ورود فرقه‌ها نه تنها هیچ‌گونه مقاومتی در مقابل آنان انجام نگرفت بلکه نیروی انتظامی دولت وقت مقدم آنها را گرامی داشت و پیروزی آنان را آرزو می‌کرد.

وقتی که رضاخان میرپنج با نیروی تحت فرماندهی خودوارد پایتخت شد مردم تهران در خواب خوشی فرورفتہ بودند. تمام خیابانها به سهولت بتصرف قراقویها درآمد و فقط شهر باشی که تحت نظر افسران سوئی اداره می‌شد مقاومت مختصری از خود نشان داد که آن را هم با چند گلوله توب بمباران کردند و آخرین مرکز مقاومت شهر را هم تصرف نمودند.

قبل از اینکه آفتاب روز سوم اسفند طلوع کند پیروزی قطعی نصیب فرمانده شجاع ولایق نیروی قراقوی شده بود و اهالی تهران موقعی که از خواب برخاستند دریافتند که آن هرج و مرج و ناامنی برای ابد از شهر و مملکت آنان رخت بر بسته است و از آن پس میتوانند با آسودگی خیال بکار روزانه خودشان مشغول گردند.

رضاخان میرپنج با این ترتیب آتش طغیان و ناامنی را خاتمه داد ابتدا وزیر جنگ و بعد از آن رئیس وزراء شد و اندکی بعد از آن تاریخ موقعي که احمد شاه آخرین پادشاه سلسله قاجار برای خوشگذرانی به

اروپا رفته بود و در آنجا اقامت داشت از سلطنت خلع شد و رضاخان میر پنج به سلطنت رسید و اولین پادشاه سلسله پهلوی در ایران گردید.

این بود اوضاع و احوال کشور عزیز ما ایران قبل از اسفندماه سال ۱۲۹۹ و جریان قیام اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنیان گذار ایران نو.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای حفظ استقلال ایران و برآنداختن اساس ملوك الطوايفي ابتدا ارتشي قوى و نير و مند بوجود آورد زира بدون داشتن قواي تأمينيه محيط ايران ببيچوجه برای انعام اصلاحات آماده بود و فرو نشاندن آتش طغيان در اطراف واکناف مملكت ميسرنمیگردید و پس از آن طبق برنامه دقیق و م Tin اصلاحات امور کشوری و اجتماعی را شروع کرد. اين مرد بزرگ کلیه شئون اجتماعی و نظامی و فرهنگی ایران را با فکر تواني خوش اصلاح کرد و به نیروی ايمان و اعتماد به نفس تمام مشكلات فائق آمد.

براهيل نظر پوشیده نیست که اغلب از مردان بزرگ دنيا در يك يا دومورد بخصوص استعداد فطري دارند و فردی که بتواند کلیه شئون ملتی را تحت نظر بگيرد و انواع و اقسام دردهای بی درمان و متعدد آنرا بررسی و چاره جوئی کند و در کلیه امور اصلاحات دائمداری را شروع و عملی سازد البته نادر است و اکثريت ندارد.

این قبيل افراد کم نظر بندت یافت ميشوند و الحق و الانصاف يکی از آنان اعلیحضرت رضاشاه کبیر بوده است.

بگواهی دوست و دشمن رضاشاه کبیرداری نوع خارق العاده ای بود زیرا تمام آرزوهاي ملي مارا با سرعانی عجیب اجرا و عملی نمود و ایرانی هترقی و سربلند بوجود آورد.

آری وقتی که مشیت الهی بر بقای ملت و مملکتی تعلق میگیرد
چنین مردان فداکار ولایتی را با قوای خارقالعاده‌ای بر میانگیزد که آن
ملت و مملکت را از پرتگاه سقوط و نابودی نجات دهنده و از هیچ همه‌چیز
بسازند.

رضا شاه کبیر بدون اینکه از دولت قوی و منابع مالی بین‌المللی کمکی
bekirid جاده‌های شوشه و راه آهن سراسری ایران را بوجود آورد و با وارد
کردن کارخانجات صنایع کشور را بنیان گذاشت کرد. سپس
بهداشت و فرهنگ و کشاورزی را بحدا کم ترقی خود رسانید و این
مرد بزرگ بالاراده آهنین خود و با دست ایرانی و هوش ایرانی و شرمنایه ایرانی
در مدت کوتاهی باندازه چند قرن ایران را ترقی داد، پیش آور دومارا در
میان ملت‌های دنیا سربلند ساخت.

مطلعین در امور بین‌المللی و مورخین خارجی که اوضاع و احوال کشور
ایران را در سال ۱۲۹۹ دیده بودند ویا بوسیله مطبوعات و خبرگزاریها
از آن وضع رقت بار و منحط مطلع شده بودند یقین داشتند که دیگر این
کشور کمر راست نخواهد کرد و برای ابد نام کشور که هنسال ایران از صفحه
تاریخ محظوظ شد و حقاً انصاف باید داد که تا حدی هم نظر آنان
بجا و بمورد بود زیرا هر کسی که ایران آن روز را میدید نظرش درباره
کشور عزیز ما جزاین نمیتوانست باشد و بهمین جهت استعدمه‌ای از مورخین
خارجی که مطالعاتی درباره اوضاع ایران دارند عقیده‌مندند بهمان اندازه
که قرن یستم بر سایر قرنها از نظر ترقیات مادی و معنوی برتری دارد بهمان اندازه
هم مقام اجتماعی رضا شاه کبیر نسبت به اسلام خودش که خدمات گرانبهائی
در این کشور انجام داده‌اند مشخص تراست. این نظر بسیار منطقی و برای تمام

مطلعین در امور قابل قبول است برای آنکه کشیدن راه آهن سرتاسری ایران، الفای امتیازات و حقوق ویژه یکصد و پنجاه ساله بیگانگان، سرکوب و مطیع ساختن یاغیان و برهم زدن اساس نافرمانی ایلات و عشاير و برانداختن بنیان یاغی و یاغیگری، توسعه و تعمیم فرهنگ، تأسیس دانشگاه تهران و نظایر آن از اقداماتی بوده که با اوضاع و احوال قرن بیست و مربوط است و انجام و اجرای آن با مشکلات طاقت فرسای این قرن ارتباط دارد.

اما نباید از نظر دورداشت که رضا شاه کبیر با اراده‌ای آهین و عزمی راسخ و با نیروی خارق العاده‌ای که تماماً از حسن وطن دوستی و میهن پرستی شدید وی سرچشمۀ میگرفت بر تمام این مشکلات فائق آمد چون خدای بزرگ ایران این را در مردم مشکل گشا را برای سروسامان دادن باین هر ز و بوم و حل مشکلات بوجود آورد بود.

تا کنون کتاب جامع و کاملی که حاکی از خدمات رضا شاه کبیر باشد و افراد کشور را از اقدامات اساسی فرزند لایق ایران آگاه سازد وجود نداشت و اگر هم در بعضی از موارد بخصوص اطلاعاتی در دسترس همگان قرار میگرفت خالی از حب و بغض نبود و در نتیجه منظور نهائی و غائی که همان درک حقیقت تاریخ است میسر نمیگردید.

این جانب از دیر زمانی متصرف بودم که با جمع آوری مدارک و دلایل کافی کتابی درباره زندگی و خدمات اعلیحضرت رضا شاه کبیر برشته تحریر در آورم ولی از نظر اینکه مردم از آنچه این را در بزرگ کرده است بخوبی مستحضر گردند و خود کتاب هم خالی از هر گونه حب و بغضی باشد تصمیم گرفتم از نظر نویسنده گان خارجی که قطعاً مردمانی بی طرف و بی نظرند

استفاده کنم و کتابی را که آنان در باره ایران و پادشاه فقیدما نوشته‌اند ترجمه کرده و درسترس عامه قرار دهم زیرا ملت ایران برای ابراز حق شناسی و قدردانی از خدمتگذاران که یکی از اوصاف و خصائص باستانی اوست لازم است از تفصیل و جزئیات مجاھدات و تلاش رضا شاه کبیر بنیان- گذار ایران نو بوسیله کتب و نشریات مختلفی که در این باره انتشار یافته آگاه گردد مخصوصاً تأییفات خارجیها در هورد پیشوای فقید ما باید بیشتر موردنوجه قرار گیرد.

کتابی را که اکنون خوانندگان گرامی مطالعه خواهند کرد ترجمۀ کتابی است بنام ایران نو (Modern Iran) که بقلم آقای ال. پی. الول ساتن (L. P. Elwell-Sutton) نویسنده دانشمند و مستشرق معروف انگلیسی نگارش یافته و شامل خلاصه‌ایست از تاریخ صحیح و کامل کشور عزیز ما ایران از ابتدای ورود ایلامی‌ها اولین وارдین باین سرزمین و از سومین هزاره قبل از میلاد مسیح تا سال ۱۹۴۱ میلادی یعنی سال ۱۳۲۰ شمسی و همچنین جزئیات و تفصیل خدمات گرانبهای اعلیحضرت رضا شاه کبیر به کشور و ملت ایران.

نویسنده دموکرات انگلیسی همانطوریکه یک نویسنده آزاد و روشن‌فکر دور از نظرهای سیاسی و خصوصی مطلبی را عنوان کرده و حقاً یق را باطلاع مردم میرساند بدون اینکه نکته‌ای را ناگفته بگذارد تاریخ کشور عزیز ما ایران و همچنین خدمات بی‌ریا و صادقانه اعلیحضرت رضا شاه کبیر را جزء به جزء تشریح کرده و در کمال انصاف و روشن- بینی آنطوریکه شایسته یک نفرمورخ بی‌طرف خارجی است حق مطلب را ادا نموده است.

آقای الول ساتن در مواردی که اشتباہی از طرف سیاستمداران و

زمامداران وقت انگلستان درباره ایران و با دررفتارو کردار انگلیسی های مقیم کشور ما شده است بدون هیچ گونه طرفداری در کمال آزادی آن اشتباه و موارد دور از حزم و احتیاط را متذکر شده است که خوانندگان گرامی ضمن مطالعه این کتاب بمواردی که گفته شد برخورد کرد و موبروح بزرگ این نویسنده دموکرات و آزادی خواه پی خواهند برد.

چون مصیبت جنگ دوم جهانی که دامنگیر عالمیان گردید باعث وسیب شد که اعلیحضرت رضا شاه کبیر از کار کناره گیری کرده و بخارج از کشور برده شوند برای تکمیل کتاب پنج فصل که عبارتست از : آغاز جنگ دوم جهانی - حمله آلمان به روسیه شوروی - منتشر اتلانتیک - اثرات جنگ روسیه و آلمان واستعفای اعلیحضرت رضا شاه کبیر - حمله ژاپن به ایالات متحده امریکا - تسليم آلمان و زاپن و پایان جنگ دوم جهانی از کتاب تاریخ طبیعی و سیاسی بریتانیا ترجمه و تأليف اینجانب که چند سال قبل منتشر گردیده است به این کتاب اضافه شد و در واقع کتابی را که مستشرق شهر انگلیسی نوشته است در فصل چهل و ششم پایان می یابد و از فصل چهل و هفتم تا فصل پنجم و سوم مطالبی است که قبلا از منابع موثق و بیطرف جمع آوری و پنج فصل آن از انگلیسی بفارسی ترجمه شده و در کتاب تاریخ طبیعی و سیاسی بریتانیا درج گردیده است که با اضافه کردن دو فصل در چاپ دوم و شش فصل در چاپ سوم و توضیحات لازم در پاورقی فصول فوق الذکر برای تکمیل کتاب رضا شاه کبیر - یا ایران نو به این کتاب اضافه می گردد.

تهران : هفتم خردادماه ۱۳۴۵

عبدالعظیم صبوری

مقدمه چاپ دوم

بنام خداوند متعال

نظر باینکه همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شدمام حس میکنم که اینک وقت آن رسیده است که قوموبنیه جوانتری بکار کشور که مراقبت دائم لازم دارد پیرادارز که اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد بنابراین امور سلطنت را بولیعهد و جانشین خود تفویض واذکار کناره نمودم از امروز که روز بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشگری و لیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت بمن میکردد نسبت با یشان منظور دارند .

کاخ مرمر . تهران . بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰

رضا شاه

در موقعیتی بسیار حساس یعنی وقتی که کشور عزیزم ایران از شمال و جنوب بوسیله قوای متفقین اشغال شده بود و حتی بعضی از شهرستانها را هواپیماهای همسایه شمالی ما بمباران کرده و یکباره شیرازه کشوری که بیست سال تمام در نهایت اهانت و آسایش بسربرده واهالی آن در این مدت حتی برای یکبار هم دچار ناامنی و آشفته گی نشده بودند رضا شاه کبیر پادشاه مقتدر و فداکار ایران برای حفظ مصالح عالیه کشور بشرح مذکور از سلطنت استعفا دادند و پادشاهی کشوری را که در مدت بیست سال سلطنت خود باز حمات شبانه روزی آباد و معمور ساخته و در همین مدت بگواهی دوست

و دشمن صد سال بجلوبrede بودند بموجب قانون اساسی بولیعهد و جانشین خودشان
اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تفویض کردند.

پادشاه جوان ایران موقعی زمام امور کشور را بدست گرفتند که
بواسطه اشغال مملکت از طرف نیروهای خارجی اوضاع بلکی دگرگون
شده درهم و برهم بود و همسایگان شمالی و جنوبی بواسطه وضع خاص و
موقعیت جغرافیائی ایران کشون هارا اشغال کرده و سر بازان آنها در نقاط
سوق الجیشی مملکت را کزو موضع دفاعی خود را بهست حکم میکردندواز
کشور ایران که اهالی آن در مدت سلطنت رضا شاه کسیو در امنیت و آرامش
کاملی بسر برده و با سر بلندی میزیستند جز تهران و هیئت دولت یاقی نمانده بود.
پادشاه دموکرات ایران که در اولین روز سلطنت خود با این همه
درهم ریختکی و از هم گسیختگی ها مواجه بودند برای نجات کشور قیام
کردند و در همان روز اول که برای ادائی سوگند به مجلس شورای ملی رفتند
اهالی وطن پرست و شاهد وست تهران در مسیر شاهنشاه اجتماع کرده و فقط
چشم امیدشان پشاوه جوان که مظہر استقلال و حاکمیت کشورند دوخته شده
و بقدرتی ابراز احساسات کردند که وصف ناکردنی است و حتی با توموبل
پادشاه در خیابانها برای افتاده و عده ای از جوانان اطراف اتوموبل را احاطه
کرده بودند و با این اسکورت که از ملت تشکیل شده بود شاهنشاه به مجلس
شورای ملی تشریف فرما شده و پس از ادائی سوگند بهمان ترتیب باخ
اختصاصی مراجعت کردند.

آشته گی و درهم ریختگی اوضاع آن روز و مصائب و مشکلاتی که
جنگ دوم جهانی برای ملت نجیب ایران بوجود آورده بود مسئولیت اداره
امور کشور را بسیار مشکل و گران ساخته و پادشاه جوان با فعالیت خستگی
نایذیری به انعام و ظایف دشوار و طاقت فرسای خود مشغول گشتند و در وهله

اول با دولتهای قوی و زورمند که کشور ما را اشغال کرده بودند پیمان اتحاد منعقد و پس از چندی کشور ایران که بگواهی جهانیان پل پیروزی متفقین بود تحت راهنمائی پیشوای خود بدول محور اعلان جنگ داد و رسماً جزء کشورهای متفق درآمد و چند سال بعد آلمان نازی و دولی که با آن کشور همکاری داشتند و بنام دول محور خوانده میشدند از پایی درآمدند و متفقین که خوشبختانه کشور ایران هم جزء آنهاست در جنگ دوم جهانی پیروز گشتند.

چون پیمان اتحاد سه گانه و اعلامیه سران سه دولت معظم در تاریخ ایران اثری بسیار عمیق داشته است برای آنکه خوانندگان ارجمند از چگونگی انعقاد پیمان و صدور اعلامیه سران دول بزرگ و همچنین اعلان جنگ دولت ایران به دول محور آگاه گردند و به ارزش این خدمت بزرگ که هسیر تاریخ کشور ما را تغییرداد بخوبی پی بینند در فصول پنجم اویکم و پنجماه دوم این کتاب توضیحات کافی داده شده و این دو فصل در چاپ دوم و هشت فصل در چاپ سوم به کتاب رضا شاه کبیر یا ایران تو اضافه گردیده است. مجاهدات اعلیحضرت همایونی برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال و حاکمیت ایران بر همه روشن است و صفحات درخشانی از سلطنت معظم له را تشکیل میدهد و بدون تردید هنوز مردم ایران وجهان واقعیع دلخراش و خونین آذربایجان که استقلال و تمامیت این کشور کهنسال را در مخاطره انداخته بود فراموش نکرده‌اند و بخوبی میدانند که روشنینی و حسن تدبیر و مراقبتهای دائمی شاهنشاه که تماماً از حس وطن‌دوستی و میهن‌برستی شدیداً یشان سرچشم میگیرد باعث نجات آذربایجان گردید. گشايش مجلس سنا، ایجاد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و بنگاههای خیریه بنیاد پهلوی، تقویت و تجهیز ارتش و نیروهای انتظامی

کشور، تقسیم املاک پهلوی بین زارعین و کشاورزان، ایجاد فرودگاهها در نقاط مختلف کشور و مخصوصاً فرودگاه عظیم و مجهز تهران، لوله کشی آب تهران، اتصال راه آهن سرتاسری ایران به مشهد مقدس، تبریز، کاشان، احداث راههای شوسه، ملی شدن صنعت نفت، ساختن سدهای متعددی در نقاط مختلف و مرکز حاصلخیز کشور، بسط و تعمیم فرهنگ، مبارزه با بیسوادی، مبارزه با کشت واستعمال ترباک، ایجاد دستان و دیرستانهای دولتی، تصویب و اجرای قانون تعییمات اجباری و همچنین انعقاد قراردادهای برای استخراج نفت با شرکتهای بزرگ خارجی که در بعضی از این قراردادها سهم ایران به هفتاد و پنج درصد میرسد، تحکیم و تثبیت سیاست داخلی و خارجی کشور از جمله اقداماتی است که در زمان سلطنت اعلیحضرت همايون محمد رضا شاه پهلوی در کشور عزیز ما ایران صورت گرفته است که جزئیات آنرا در خلال شصت و یک فصل مندرجات این کتاب مطالعه خواهند کرد.

روابط دولت اعلیحضرت پادشاه ایران با کشورهای خارجی همواره بر پایه دوستی و احترام متقابل استوار است و کشور ایران به استناد منشور ملل متحد به پیمان مرکزی (ستو) ملحق شده و بیمان تدافعی دیگری هم با ایالات متحده امریکا منعقد نموده است.

پادشاه دموکرات ایران که به پشتیبانی ملت بیدار و شاهد و سخنران خود متکی هستند خواسته های ملت را برآورده می سازند و در طول مدت سلطنت خود بارها به ثبوت رسانده اند که در راه سر بلندی و عظمت ایران از هیچگونه سعی و کوششی دریغ ندارند.

تهران پانزدهم اسفند ماه ۱۳۳۷ شمسی

عبدالعزیزم صبوری

یادداشت چاپ سوم

بنام خدا

بعقیده علمای جامعه‌شناس دوام و بقاء ، پیشرفت فوتیقی هر اجتماعی مبتنی بر احتساب واستفاده از نیروهای طبقه متوسط و دخالت آراء و نظریات این طبقه در امور حکومت و تأمین رفاه و آسایش آنان می‌باشد . در کشور ایران که طبقه متوسط را کشاورزان تشکیل میدهند اصولی ترین تحولی که تأمین این نظریات باشد حل مسئله (زمین و انسان) و سوق دادن آن درجهٔ چرخش سیستم‌های نوین بود .

بدیهی است با توجه به بقدرت و نفوذی که مالکیت‌های بزرگ را در اجتماع ایران تشکیل داده و بمنظور تأمین منافع شخصی نیروهای فعاله‌شانزده میلیون کشاورزان ایران را تحت تسلط خود درآورده و دشمن آشی ناپذیر هر گونه تحول و تحرک در جامعه مابود حل این مسئله به آسانی امکان‌پذیر بنظر نمیرسید ولی با وجود تمام این مشکلات اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی برای همگام نمودن اجتماع ایران با ممالک مترقبی و پیشرفته‌جهان و ایجاد ملتی مترقبی براساس دموکراسی واقعی و تضمین استقلال و حاکمیت ارضی و سیاسی کشور و احیای آزادی افراد قوانین ششگانه را پیشنهاد و به تصویب ملی گزاردند و ملت روشنگر و مآل اندیش ایران یکبار دیگر رشد عقلی و سیاسی خود را بمنصه ظهور رسانید و قوانین ششگانه را با

اکثریت قاطع به تصویب رساند و بدنیا نشان داد که ملت ارزنده و آگاه است.

اکنون بخوبی محسوس است که روح تازه‌ای در کالبد ملت ایران دعیده و کلیه نیروهای خلاقه و فعاله کشور برای تجدید عظمت گذشته و تحقق نیات پادشاه دموکرات ایران تلاش خستگی ناپذیری را در داخل شهرها، روستاهای کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و تمام امور اجتماعی مملکت شروع کرده و با عزمی راسخ و تصمیمی خلخل ناپذیر این فعالیت تمریخش لا ینقطع در تمام شئون کشور ادامه دارد.

ممکن است برای ما که همراه و همگام با این تحولات عظیم و رستاخیز ملی به پیش‌میرویم پیشرفتها و ترقیات روزافروز و تأثیر دوران تحول در پیشرفت و ترقی اجتماع ایران در بادی امر جلب نظر نکند ولی با مقایسه اوضاع و احوال اجتماع خویش با دهه‌الگذشته و انطباق آن با ترقیات جوامع همپایه و توجه به نحوه اجرای اصلاحات عمیقی که در تمام شئون مختلف کشور صورت گرفته صحت مطلب و اصالحت آن محرز و آشکار خواهد شد.

کلیه اقدامات و اصلاحاتی که برای بهبود امور اجتماعی و اقتصادی و ترویج کشاورزی در اجرای قوانین ششگانه بعمل آمده از فصل پنجاه و چهارم تا فصل شصت و یکم درج گردیده است و توضیح بیشتری را در این یادداشت لازم نمیدانم زیرا خوانندگان گرامی ضمن مطالعه کتاب و مخصوصاً فصول ذکر شده از موقوفیت‌هایی که طی دهه‌الگذشته نسبت کشور و ملت ایران گردیده است آگاه ومطلع خواهند شد.

تهران پانزدهم اسفندماه ۱۳۴۲

عبدالعظیم صبوری

مقدمه نویسنده کتاب

وقایعی که در عرض چندماه گذشته در کشور ایران روى داد باعث و سبب شد که کشور مذکور بیش از پیش در جهان مشهور و معروف شود و نظر جهانیان را یکباره بسوی خود جلب نماید.

در حال حاضر حوادث و وقایع سیاسی کشورها بقدرتی زود تغییر میابد که مجال چاپ و انتشار آن دست نمیدهد و اغلب دیده شده است از وقتیکه تاریخ کشوری را برای چاپ آماده میسازند تا موقعیکه بصورت کتاب درآید تغییرات زیادی پیدامیکنند و بین جهت است که مورخین نامی و مشهور جهان هم در باره اوضاع سیاسی کشورها نمیتوانند نظر قطعی خود را ابراز دارند و بطور قطع و یقین میتوان گفت تاریخ نویسان معاصرهم از اظهار نظر قطعی و صریح در باره وضعیت کنونی ممالک عالم عاجز و ناتوانند.

در فصل آخر این کتاب اوضاع سیاسی و سوق الجیشی کشور کهنسال ایران بطوریکه باید و شاید بیان شده و مرحلی را که این کشور باید برای نیل بمقاصد خود در راه پیشرفت اوضاع داخلی و اضلاعات ضروری پیماید جزء به جزء تعیین و تصریح گردیده است و در عین حال دو عامل بسیار مؤثر و شایان توجه در مطالعه دقیق تاریخ مفصل ایران جلب نظر میکند که

مطلعین در امور از آن دو عامل بخوبی اطلاع دارند و در اینجا برای استحضار خوانندگان گرامی توضیح میدهیم که اساس و بنیان کشور ایران همواره بردو اصل مسلم استوار بوده است :

در وهله اول قدرت استقامت شکفتانگیز این ملت جاویدان در مقابل تهاجم و حملات پی در پی است که از ناحیه بسیاری از ملل متاجسر بعمل آمده ولی ملت مذکور تمام این ناملایمات و حملات ناجوانمردانه را با نهایت شهامت و بردباری تحمل کرده و با وجود تمام این مصائب و مشکلات هنوز هم در شمار ملل زنده دنیا محسوب میگردد.

دوم آنکه کشور و ملت ایران از ابتدای تاریخ چند هزار ساله خود تا کنون از تمامی خصوصیات و دشمنی هایی که از طرف دول مهاجم و اشغال کننده نسبت باو شده است منتهای استفاده را نموده بدین معنی که عقاید و افکار پسندیده مهاجمین و اشغال کنندگان را پذیرفته و پس از مدتی آنرا بصورت بهتری در آورده است بدون آنکه در ارکان و اساس ملیت و تمدن باستانی آن کوچکترین خللی راه یابد.

موضوع قابل توجه دیگری که باید در نظر گرفته شود علاوه بردو عامل بسیار مؤثر اشاره شده در فوق موقعیت مهم جغرافیائی کشور ایران است زیرا این مملکت در بین شرق و غرب واقع شده و برای دول اروپا اهمیت حیاتی دارد بدین معنی که از یکطرف با کشور هندوستان و خاور دور مربوط است و از طرف دیگر بمالک اروپائی میپیوندد و از این راه با اروپائیان و نسل سام بن نوح مانند اعراب و یهود مربوط میگردد که ملل اخیر الذکر بنابر خصایص ذاتی خود مردمانی ناراحت و تجاوز کارند و همیشه سعی دارند که کشورهای همسایه را تحت تسلط خود درآورند و آنان

را مطیع خویش سازند و با اینکه خواهی نخواهی کشور ایران از نظر موقعیت جغرافیائی با این ملل متجاوز تزدیک است و با تمام آنها روابط تزدیک دارد. معهدها با تمام کوششهای که بکار رفته است خلی در استقلال و حاکمیت این کشور کهنسال راه نیافته است.

بدون شک فرهنگ و تربیت ملی ایرانیان بمراتب قوی ترازشم سیاسی آنان بوده و همین حس غرور ملی است که ایران را برای ابد پایدار و مستقل نگاهداشته است.

از سال ۱۹۳۵ نام ایران در کشورهای زنده دنیا ورد زبانها شده و نظر جهانیان را بسوی خود جلب کرده است زیرا در اثراقدامات اساسی در داخله مملکت و در کشورهای خارجی ملل جهان فهمیدند کشور را که قبل ابلغت پارس میگفتند ایران نام داردو کشور کهنسالی است که با تمام مصائب و مشکلاتی که اوضاع طبیعی و جغرافیائی باعث شده دول مهاجم برایش فراهم آورند استقلال و حاکمیت خود را محفوظ داشته و در شمار ملل زنده دنیاست.

در این کتاب سعی شده است موقفيت‌هایی که نصیب کشور ایران شده و اقدامات اساسی که برای بهبود وضع سیاسی و اجتماعی آن بعمل آمده باطلاع علاقمندان برسد و نیز خوانندگان گرامی مقامی را که این کشور از نظر اوضاع سوق الجیشی در دنیادار در را بندی ایران و ایرانی را بهتر بشناسند. درباره ایران قبل اکتا بهائی نوشته شده است اما این کتاب با آنچه دیگران نوشته‌اند فرق بسیاری دارد زیرا اوضاع عمومی و سیاسی ایران مانند سایر ممالک جهان بکلی عوض شده و موقفيت‌هایی نصیب ایرانیان گردیده است که باید به اطلاع علاقمندان برسد.

خوانند گان گرامی باید آگاه باشند که مراحل تکامل زندگی اجتماعی و بسط فرهنگ عمران و آبادانی کشور ایران از زمان سلطنت رضا شاه شروع شد و تمام موقیت‌هایی که نصیب ملت ایران شده است نتیجهٔ حفظ و تدایر عاقلانهٔ اوست.

در این کتاب سعی شده است تصورات باطل بعضی از ملل جهان که هنوز کشور کهنسال ایران را پارس سابق می‌شناسند بر طرف شود و نیز باید این موضوع برای جهانیان روشن شود و ملت‌های عالم بدانند که ایران نوین مقام بسیار مهمی را در بین ملل آزاد جهان دارد است که چه در زمان جنگ و جه بعد از شکست و متلاشی شدن نازیسم همواره این مقام‌هم را دارا خواهد بود.

من این موضوع را برای افراد تحصیل کرده که تا کنون ایران را بخوبی نمی‌شناختند ذکر کرده‌ام و الایقین دارم که متخصصین امور خاور- آفریق خود باین امر واقف و واردند.

اطلاعات من درباره ایران و حقایقی را که در این کتاب مطالعه خواهند کرد از منابع موثقی جمع آوری شده و البته این اطلاعات از منابع انگلیسی نیست بلکه سوال تمام من در کشور ایران و در بین مردم این سرزمین زندگی کرده‌ام تا وانتهای چنین اطلاعات پر ارزشی را بدست آورم و در واقع کتابی را که در دسترس علاقمندان قرارداده‌ام نتیجهً اقامت سه ساله من در کشور ایران است.

در پایان متن ذکر می‌شوم که این کتاب با تشریک مساعی خانم من نوشته و چاپ شده است و مشارالیها با وجود گرفتاریهای زیاد در حاضر کردن نسخه‌های خطی برای چاپخانه کوشش زیادی کرده است و من وظیفهٔ خود میدانم که بمناسبت همکاری صمیمانه‌اش تشکر کنم.

کینگهام - سپتامبر ۱۹۴۱ - ال. بی. الول ساتن

یادداشت چاپ دوم برستان

موقعی که من این سطور را برای چاپ دوم ^{لذتی منویسم و قایع} قابل توجه و تغییرات مهمی در کشور ایران روی داده است.

فرمانروای مقندر ایران از کار کناره گیری کرده و ایرانیان از این پس باید با رژیم دموکراتیک و قدرت قوانین موجود در آن کشور اداره شوند. ولی آنهایی که تصور میکنند تغییرات کنونی اثر عمیقی در اوضاع عمومی کشور مذکور باقی خواهد گذارد باید باین نکته توجه داشته باشند که مراقبت های دائمی و بیداری ملت ایران همواره تمدن خود را از گزند حوادث گونا گون که بکرات در این سرزمین بوقوع پیوسته مصون داشته است و هر گونه تهاجمی که از طرف دول خارجی و اشغالگر به ایران شده باستقامت ملت ایران و تقویت آن در مقابل حملات بیگانگان کمک کرده است.

بطوری که از روحیه ملت ایران بخوبی استنباط میشود رژیم سلطنت رضا شاه برای آن ملت بسیار خوب و سودمند بوده است و این گونه حکومت موافق میل و کمال مطلوب ایرانیان میباشد.

هر چند بعضی از سیاستمداران مرتبع از کناره گیری پادشاه ایران

خوشحال گشتند اما این موضوع را باید بحساب ملت آن کشور گذارد زیرا اکثریت مردم از رفقن چنین پادشاهی متأسف شدند و بطور قطع خدمات رضا شاه مورد تحسین و تقدیر مردم بوده و در واقع باید گفت ممکن نیست ملت ایران اقدامات اساسی پادشاه خود را نادیده انگارد.

خطر بسیار مهمی که خیلی سریع و فوری در ایران پیش آمد این بود که دولت مقتدر مرکزی یکباره افزایش کار افتد و در نتیجه امور داخلی و ارکان اساسی مملکت در هم ریخته شده و متنلاشی گردید و باید فراموش کرد که این آشتفتگی قابل ملاحظه در امور داخلی ایران از آن جهت است که دولتین انگلستان و روسیه دفعتاً کشور ایران را اشغال گردند و همین اشغال فوری باعث شد که دولت مقتدر قبلی ازین برود و امور داخلی و خارجی این کشور مختل گردد.

پس از آنکه قشون دو کشور مزبور به ایران وارد شدند چیزی نگذشت که دولت ایران اصلاحات لازمه را برای ترمیم اوضاع عمومی بعمل آورد و پس از مدت بسیار قلیلی این سرزمین وضع قبلی خود را باز یافت و حکومت مرکزی بر اوضاع تسلط یافت و آنهمه از هم گسیختگی‌ها از بین رفت. اما باید دانست که کشورهای بریتانیا و روسیه شوروی در قبال اشغال ایران مسئولیت سنگینی بر عهده دارند و اگر خدای ناکرده این دو دولت‌هم شکست بخورند نتیجه بس ناگوار و غیرقابل جبران خواهد بود.

همانطور یکه در فصل آخر این کتاب پیشنهاد شده است ما میتوانیم ایران را بهترین وجهی کمک کنیم تا آنکه قادر باشد اصلاحات اساسی را در امور داخلی خود بعمل آورد و خرابی‌های حاصله از اشغال کشور را

هر هت نموده و اوضاع عمومی ملت را ببودی بخشد.
ما در اولین فرصت درقبال خساراتی که با اشغال ایران به آن کشور
وارد ساخته ایم غرامت عادلانه‌ای پرداخت خواهیم کرد و از طرف دیگر هم
با این کشور کمک‌های مالی خواهیم نمود.

حواله‌ی که از ماه اوت گذشته تا کنون در ایران روی داده است قابل
توجه بوده و با اینکه موابع و مشکلات فراوانی در کاربود معهدها تاجائی کد
امکان داشت و قایع سیاسی و قابل ملاحظه را داشت که کردستان ولی به صورت
این کتاب حاکی از خدمات مردمی است که با وجود اشتباهاتی چند اثری
فنا ناپذیر در تاریخ کشور خود باقی گذاشت و باید نام رضا شاه دلشمار
فرمانروایان بزرگ تاریخ جاویدان ثبت گردد.

آل. بی. الول ساتن

فصل اول تبرستان

کشور ایران

آنهاییکه از اروپا بقصد ایران مسافت میکنند از چند سو میتوانند
بکشور مذکور بیایند.

هرگاه مسافری با ترن مسافت کند باید در موصل پیاده شود و از
راه معروف گردنه رواندوز (Rowanduz Gorge) (شهر تبریز وارد گردد
و یا ممکن است از همان موصل به بغداد پایتخت کشور عراق برود و از آنجا
با اتوموبیل به کرمانشاه که یکی از استانهای ایران است وارد شود.
دو راه دیگر هم برای ورود به ایران موجود است که اولی از راه
کشور ترکیه یعنی از طرابوزان به تبریز و دیگری از کشور عراق
مستقیماً با ترن به بصره می‌روند از شط العرب عبور می‌کنند و به بندر خرمشهر
وارد می‌گردند.

هر یک ازین راههای ایران برای مسافت بکشور ایران انتخاب کنند باید
از کوههای عظیم که مانند نرده‌های آهنین این کشور را احاطه کرده‌اند
عبور کرده و بداخل مملکت بروند.

مهترین کوههای مرزی ایران سلسله جبال زاگرس (Zagros)

است که از قفقاز شروع شده و از مرز ترکیه میگذرد و پس از عبور از کنار خلیج فارس بسرحد و صحاری لمیز رع بلوچستان منتهی میگردد . در انتهای شمالغربی ایران هم کوههایی وجود دارد که طول قله آنها به ۱۲۰۰۰ تا ۱۳۰۰۰ پا میرسد و این کوههای مرتفع هم دریاچه معروف رضائیه را که مساحت آن به ۱۷۰۰ تا ۲۳۰۰ میل مربع در فضول مختلف سال بالغ میگردد و بزرگترین دریاچه نمک محسوب میشود احاطه کرده‌اند .

این دریاچه از هر حیث قابل توجه است و در موافقیکه باران میبارد آب باران در دریاچه جمع میشود و بطور محسوسی افزایش میابد بطوریکه میتوان گفت هرساله ۲۰ اینچ آب در دریاچه رضائیه بالا می‌آید از سال پیش زیادتر میشود .

باید دانست که رضائیه یکی از نقاط معمور و حاصلخیز ایران است محصول آن عبارتست از : ابریشم ، پنبه ، توتون ، برنج ، غله و نیز انواع میوه‌ها از قبیل : خربوزه ، هندوانه ، انگور و سایر میوه‌های فصلی در رضائیه بحد وفور وجود دارد و از همه بالاتر ثروت زیرزمینی آن را باید ذکر کرد که عبارت است از معدن : طلا ، سرب ، مس ، آهن و نفت .
ناگفته نماند که نفت رضائیه تا کنون استخراج نشده و از آن بهرمه برداری نمیکنند .

تبریز یکی از شهرهای بزرگ و آباد ایران است^۱ که در حدود

- ۱ - دشت مغان در گوشه شمال شرقی استان آذربایجان در کنار رودخانه ارسن مرز مشترک ایران و شوروی قرار گرفته است . ساکنین این دشت از شعایر ایل شاهسون میباشند که تا چند سال پیش یعنی قبل از اینکه اقدامات مفیدی برای بهبود وضع زندگی آنها شود بطور چادرنشینی و کوچ زندگی میگردند .

۲۵۰۰۰۰ نفر سکنه دارد و دومین شهر معمور این حدود همان شهر رضائیه است که ساکنین آن ۵۰۰۰۰ نفرند.^۱ این دو شهر در حدود پنج هزار پا از سطح دریا ارتفاع دارند و در نتیجه آب و هوای نواحی مزبور ملایم و معتدل است. در فصل تابستان هوای آن حدود بسیار خوب و نشاط آور است و در فصل زمستان هم هوا از سایر نواحی ایران سردتر می شود. و بهمین جهت ساکنین کوهپایه های این مناطق حاصلخیز باشدند لباس های ضخیم پوشند و خودشان را از سرما حفظ کنند که پوشیدن این گونه لباسها برای ساکنین سایر نقاط کشور ایران لازم نبوده و درین آنان معمول نیست و فقط آنها نیست.

طی ده سال گذشته که اهمیت عمران و ابادی و اسکان عشاير در داشت مغایم و در توجه قرار گرفت در مرحله اول اقدام به تأمین آب برای زراعت گردید و کانالی بطول ۲۵ کیلومتر از رو و تخته ارس حفر گردید و ۴۰۰۰ هکتار از اراضی دشت مغان زیر کشت رفت و بهره برد از این گردید.

بواسطه استقبال بی سابقه اهالی مغان و عشاير شاهسون از این اقدام بروزه دیگری برای آبیاری ۱۴۳۸ هکتار اراضی داخل کانال و ۱۴۰۰ هکتار اراضی منطقه مرزی با جرا گذارده شد نتیجتاً عشاير ایل شاهسون شروع بزراعت نموده و بطور متوسط سالیانه شش هکتار برای هر خانواده کشاورز زیر کشت گندم و پنبه و کنجد قرار گرفت.

تهیه آب آشامیدنی، ساختمان راه های ارتباطی مغان با شهر های اطراف، تأمین وسایل تعلیم و تربیت روتاست از گان عشاير، خرید لوازم فنی کشاورزی و مکانیزه نمودن مزارع و تهیه وسایل بهداشت نیز از جمله اقدامات ارزش دار است که طی اجرای برنامه عمران دشت مغان انجام شده است. مترجم:

۱- این آمار هر بیو ط بسال ۱۹۴۱ میلادی است و هم اکنون با توجهی که نسبت بعمران و آبادی شهرستانها و دهات کشور شده است تبریز و رضائیه و شهر های دیگر آذربایجان بکلی آباد گردیده اند. اغلب شهرها لوله کشی شده و با احداث جاده های اصلی و فرعی تمام نقاط آذربایجان حتی دهات دور افتاده با مراکز استان های آذربایجان شرقی و غربی یعنی تبریز و رضائیه ارتباط دارند.

راه آهن تهران به تبریز متصل شده و دانشگاه تبریز که اساتید مجرب و کار آزموده در رشته های مختلف آن تدریس می کنند بوسایل علمی و فنی جدید مجهز است و یکی از دانشگاه های مهم کشور بشمار می رود. ساکنین دو شهر تبریز و رضائیه هم چند برابر رقمی است که مؤلف محترم در این کتاب ذکر کرده اند.

مترجم

که در سواحل بحر خزر سکونت دارند باید در فصول معین لباس‌های کلقتی پیو شند.

کردستان که در زمان قدیم کردستان جنوبی ایران و قسمتی از آذربایجان محسوب میشد محل سکونت قبایل سر کش و متمرد کرداست که ساکنین آن قبل از اجرای اوامر حکومت مرکزی سر بازمیزدند و اگر ادی که در کشورهای عراق و ترکیه زندگی میکنند از آقوام و منسویین کردی‌های ایران هستند که در ایام قدیم از ایران مهاجرت کرده و برای ادامه حیات به کشورهای مذکور رفته‌اند.

کردی‌های ساکنین نواحی نامبرده با اعمال و کردار خود اضطرابی دائمی برای دولت ایران بوجود آورده‌اند زیرا آنها هم مانند اکراد و کوهنشینهای سایر کشورهای جهان خود را آزاد میدانند و در این راه‌هم خیلی متعصب هستند اما به صورت دولت اقدامات اساسی در این باب بعمل آورده و میتوان گفت که اکنون در نقاط کردنشین ایران امنیت کاملی برقرار است و اکراد هم در نظر دولت مانند سایر هموطنان خود هستند.

کردی‌های ایران زبان مخصوصی دارند و همگی به آن زبان تکلم میکنند و دقت در صحبت‌های آنان ثابت میکند که این لهجه ارزبان فارسی گرفته شده و در اثر طول زمان باین صورت درآمده است.

در جنوب کشور ایران بجای نشیب و فرازهای سبز و خرمی که در آذربایجان و کردستان وجود دارد کوههای خشک و بی آب و علف‌ناهemoاری می‌بیشم که در عین حال مناظری بس زیبا و تماشائی دارند.

معمولاً رنگ کوههای این نواحی خاکستری است. در همان نگاه اول کوههای عظیم خاکستری رنگ که یعنده تصور میکند از یک پارچه

سنگ هستند جلب نظر میکند که بفواصل مختلف از یکدیگر قرار دارند و چون تعداد این کوهها زیاد است تقریباً توده سنگ‌های بسیار عظیمی را تشکیل داده‌اند که در اثر مرور زمان طبیعت فواصلی در بین آنها ایجاد کرده باشد، این کوهها زیاد هم بلند نیستند و تقریباً بلندترین کوه این نواحی بین ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پا از سطح دریا ارتفاع دارد.

در همین فلات پهناور شهرهای مهم و آپادی وجود دارند که یکی از آنها همدان است^۱ که شهر بیلاقی مشروب میشود و در فصل تابستان هوای بسیار مطبوع و نشاط‌آوری دارد و اهالی شهرهای مجاور برای گذراندن ایام تابستان به همدان میروند.

کرمانشاه هم شهر بزرگ و معموری است که بواسطه نفت زیادی که دارد در آنجا مرکز تصفیه و پخش نفت احداث کرده‌اند. شهر دیگری هم در نقاط کوهستانی مورد بحث ما وجود دارد که آنرا بروجرد میگویند. در فواصل بین شهر همدان - کرمانشاه و بروجرد بنا باقتصای آب و هوای آن مناطق در زمستان در اثر برف و باران وسیله‌هایی که اغلب جاری میشود راههای شوسه خراب شده و برای صاحبان وسایل نقلیه تولید رحمت میکند.

از طرف غرب مناطق کوهستانی با نشیب و فراز زیادی به صغاری مسطح کشور عراق منتهی میشود و یکی از مرزهای مشترک کشورهای ایران و عراق همین منطقه است.

۱ - برای مشروب ساختن مزارع و اراضی حاصلخیز همدان سد شهناز در ۱ کیلومتری همدان احداث گردیده است.

این سدبر روی رودخانه‌ی الفان ساخته شده است و علاوه بر تأمین آب مشروب شهر همدان میتواند آب مورد لزوم برای یکجهزار هکتار زمین زراعی را نیز تأمین کند. مترجم

این سرحد از هر دو طرف خیلی مهم و قابل توجه است زیرا از یک طرف در خاک کشور ایران نفت با ندازه کافی وجود دارد و از تصفیه خانه کرمانشاه تمام نقاط شمالی کشور حمل میگردد و از طرف دیگر همین راه از کشور عراق هم که دارای معادن نفت است میگذرد و به بندر حیفا که در فلسطین قرار دارد و به بندر نفت معروف است منتهی میگردد.

پس از آنکه از دره رودخانه آب دیز گذشتم (این رودخانه به کارون میریزد و پس از آن بادجه و فرات یکی شده به خلیج فارس می‌رود) رود فرات و چند رودخانه دیگر که از کشور عراق سرچشمه میگیرند به خلیج فارس می‌ریزند. این خلیج معروفیت جهانی دارد و اغلب از جهات این آنجا را بخوبی می‌شناسند.

کوه زرد لرستان که غالباً از یخ پوشیده است از کوههای عظیم ایران محسوب می‌شود و در بعضی از نقاط ارتفاع قلل آن به چهارده هزار پا میرسد و در سرتاسر لرستان قبایل و طوایف مختلف لرزندگی می‌کنند که سعی دارند زندگی آزاد و مستقل خود را محفوظ بدارند.

سعی و کوشش فراوانی بکار رفت تا در سرتاسر خطوط مرزی کشور ایران جاده شوسه ایجاد گردد و مرزنشینان با هم مربوط شوند اما از این اقدام نتیجه‌ای حاصل نشد.

دورنمایی قلل کوه زرد لرستان و کوههای متصل آن مخصوصاً بریدگی‌های آن در جائی که مضرس است بقدری زیباست که بیننده را مجنوب و متحیر می‌سازد زیرا هر گونه منظره‌ای که در طبیعت وجود دارد بحدا کمل در این مناطق کوهستانی دیده می‌شود و بقدری این مناظر بانظم و ترتیب کامل در جلوی چشم بیننده خودنمایی می‌کند که اثری بجا بیهان

در مغز و فکر او باقی میگذارد و تعجب در اینجاست که برف و باران و سایر عوامل طبیعی هم توانسته است کوچکترین اثری در این مناظر زیبا و فراموش نشدنی باقی گذارد.

این کوهها که از صخره‌های عظیم تشکیل یافته‌اند از طرف شمال بارنگهای سفید و خاکستری شروع می‌شوند و در قسمت جنوبی که بکوههای گچ و سنگ خارا میرسد بر نگهای قرمز و زرد مبدل می‌گردند.

آنچه در این کوهستان جلب نظر می‌کند و به چوجه تغییر تمی‌یابد و تا کنون هم سیاحان بدان توجه نکرده‌اند این است که کوههای لرستان در فصل تابستان که باران نمی‌یارند رنگ دائمی خودرا از دست می‌هندزیرا در اثر تابش آفتاب صخره‌های رنگارنگ داغ می‌شوند رنگ آنها هم موقتاً ازین می‌رود اما اولین بارانی که در ماه نوامبر (آبان و آذر) می‌یارد روپوش نازک و سبزرنگی از انواع گیاهها و علفهای نورس روی آنها کشیده می‌شود و در فصل بهار نیز به علفهای بلند و انواع گلها مبدل می‌گردد.

در ماه آوریل (اردیبهشت) علفها و گلها این مناطق رو به خشکی می‌گذارند و در پایان ماه مه (خرداد) صخره‌ها رنگهای اصلی خود را بازمی‌یابند.

در ماه ژوئن (تیر) تابش خورشید و نبودن باران باعث می‌شود که حرارت این کوهستان بعد اکثر برسد و برای عابرین از آنحدود تولید زحمت می‌کند و با وجود تمام اینها زندگی در این سامان در تمام فصول سال آسانی می‌سراست. در این مناطق حیواناتی مانند گوزن، گرگ، شغال، کفتار و بهمندرت خرس و پلنگ یافت می‌شود اما وجود این حیوانات باعث زحمت گله‌داران آنحدود نیست.

در میان ایلات و عشایر ایران دو تیره بزرگ لر و بختیاری از نظر زیبائی طبیعی جالب توجه هستند. زندگی آزاد واستقلال طلبی آنان که به توأم باز حمایت و مشقات زیادی است باعث شده است که بجز زندگانی تجملی شهر-نشین‌ها بادیده حقارت بنگرد و برای معاش و امور عادی خود اهمیتی قائل نباشد اما روی هر قته مردمان و افراد این دو تیره دارای احساسات و اخلاق پسندیده‌ای هستند که بمحض برخورد با آنان بیننده با این موضوع بی‌میرد و از روحیه مستحسن لرها و بختیاری‌ها بخوبی آگاه می‌گردد.

در سال‌های پیشین این دو تیره بزرگ بنا باقتضای فصل بن نقاط مختلف نواحی لرستان کوچ می‌کردند و برای مسافرین و رهگذران آنچه دارد مخاطره بزرگی بشمار می‌آمدند ولی پس از استقرار رژیم کنونی و اقدامات حکومت مقندر فعلی آن ناامنی‌ها و تجاوزات از سرتاسر خاک‌کشور ایران رخت بر بست و تمام ایلات و عشایر را در نقاط معینی جای دادند و به آنان فهمانندند. که باید با کشت و زرع زمین‌های حاصلخیز کشور خود زندگی آرام و سعادتمندانه ای داشته باشند و از غارت و چاول اموال هموطنان خودشان برای ابد چشم پوشند.

۱ - برای استقرار امنیت و بروط فساختن خطراتی که ایلات و عشایر ایران ایجاد کرده بودند بر حسب امر اعلیٰ حضرت فقید رضا شاه کبیر قانون اسکان عشایر بتصویب رسید و بین از آن قوانینی بشرح ذیل برای تکمیل قانون اسکان تصویب شد که عیناً درج می‌گردد : ماده واحده بوزارت مالیه اجازه داده می‌شود قلاع وابنیه و ساختمان‌هایی که دولت برای تخت قاپی نمودن الوار در لرستان ساخته و تهیه نموده هر طور مقتضی بدان داعم از فروش یا غیر آن به خود آنها بطور ملکیت و اگذار نماید. (مصوبسی ام خردداد ۱۳۱۰).

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است به فردی از طوایف الوار که قادر نشینی را ترک کند و دهنشین گردد از خالص جرات واقعه در لرستان حصه‌ای که بقدر کفاف معاش او و خانواده‌اش باشد مجاناً و اگذار نماید. (مصطفی ۲۸ مهر ماه ۱۳۱۱)

بهیه در زیر صفحه بعد

لرهای بختیاری‌ها بالهجه مخصوصی صحبت میکنند که خالی از لطف و ملاحت نبوده و برای زبان شناسان بسیار جالب توجه است ولی تا کنون در این باره مطالعات لازمه بعمل نیامده و طرز سخن گفتن دو طایفه مذکور آنطوری که باید و شاید مورد بررسی واقع نشده است.

در جنوب ایران چند طایفه کوهنشین اقامت دارند که در فصل تابستان وزمستان بنقاط بیلاقی و قشلاقی کوچ میکنند. چنانکه میدانیم ترک‌هادر قرون وسطی به آسیای صغیر حمله کردند و این کوهنشینان ترک از همان تاریخ در ایران باقی ماندند.

ماهه ۱۳ متمم قانون بودجه سال ۱۳۱۱ - وزارت عالیه مجاز است مازاد اعتبارات ۱۳۱۰ عمران، لرستان، کردستان، خوزستان، و بلوچستان و کوچانیدن و تخت‌قاپو کردن طوایف را بر اعتبار عمران مصوب سال ۱۳۱۱ علاوه نماید. بودجه جزء اعتبار ۱۳۱۱ عمران و اصلاح بودجه که در ظرف سال ممکن است لازم شود به تصویب هیئت وزراء برسد. مترجم

فصل دوم

دشت خوزستان و بلوچستان

قبل از آنکه بطرف خاور برویم باید یک تکه زمین متنگ شکل نظری بیاندازیم . این زمین سه گوش را قلل کوههای مرز عراق و خلیج فارس قطع کرده است . این دشت مسطح که در نزدیکی خلیج فارس ارتفاع آن از یک پا هم کمتر میباشد از نظر زمین شناسی تقریباً متعلق بدورة تازه است و به حکایت تاریخ کرانه های دریا از ۵۰ تا ۱۰۰ میل دورتر بطرف شمال میرفته است و با این ترتیب وضع امروز در نتیجه تشکیل سطح زمین پیدا شده است . در هر صورت پس از پیمودن یک رشته کوههای متوازی که تدریجاً ارتفاع آنها کمتر میشود به دشت های مسطحی میرسیم که پس از پیمودن مسافتی چند میلی ارتفاع دو هزار پا یک مرتبه به ۱۵۰۰ پامیرسد و از این نقطه بعد افق باز درپیش چشم یینده بخوبی هویداست .

این زمین هموار و مسطح همان دشتی است که از رود بزرگ کارون یگانه رود قابل کشتیرانی ایران مشروب میگردد . آهو و پرندگانی که صیادان آنها را شکار میکنند در این دشت زیادند . اینجا که کوههای بختیاری هم جزء آن بود زمانی مرکز امپراطوری ایران بشمار میرفت . خرابه های

کاخ‌ها و آثار سدهای شکسته بخوبی میرساند که این ناحیه روزی بسیار آباد و معمور بوده است ولی افسوس غفلت و اهمال در نگاهداری آن، این آثار مهم را با سرعت عجیبی بلکه ازین برد و آنجارا به صحرای خراب و بی‌فایده‌ای مبدل ساخت.

ساکنین خوزستان بیشتر عرب هستند و از نظر جغرافیائی اراضی این ناحیه به عراق عرب و سوریه وصل می‌گردد. تمام اهالی آن نقاط دچار فقر و فاقه هستند و خانه‌های محل سکونت آنان از کلبه‌های گلی تاریخی تشکیل یافته‌است وزندگی پر مشقتی را می‌گذرانند. این مردمان تنگدست زمین‌های اطراف کلبه‌های خود را کشت و زرع می‌کنند و از این‌نام محصولی که شبیه گندم و جو است بدبست می‌آورند.

در آغاز این قرن پیدایش نفت در کوه‌های خوزستان و تأسیس پالایشگاه عظیم آبادان ذرت‌زدی‌کی خلیج فارس باعث وسیب شدن که تا اندازه‌ای خوزستان اهمیت‌پیشین خود را بازیابی‌دهم چنین رسیدن راه آهن سراسری ایران به‌اها و آنچه از این ناحیه در اثر کم آبی مشروب نمی‌شود و از آن‌جهه اینها اراضی حاصلخیز این ناحیه در اثر کم آبی مشروب نمی‌شود و از آن‌جهه دشت‌های وسیع بهره‌برداری نمی‌کنند.^۱ و همین‌که باران می‌بارد راه‌های

۱ - طرح عمران خوزستان

اجرای طرح عمران خوزستان موجب بروز تحولات عمیقی در کلیه شئون این ناحیه گشته و پیشرفت‌های شایان توجهی نصیب مردم این منطقه نموده است. ساختن سد عظیم محمد رضا شاه پهلوی بر روی رودخانه دز بمنظور آبیاری ۱۲۵۰۰ هکتار اراضی مرغوب شمال خوزستان و تهیه برق ارزان برای استفاده شهرها و صنایع و تلمبه‌های آبیاری و طرح احیاء کشت نیشکر و تأسیس کارخانه قند نیشکر از جمله اقداماتی است که تحت برنامه طرح عمران ناحیه خوزستان انجام شده در تأمین وضع زندگی مردم این ناحیه اثر بسزائی داشته است. بقیه درزیز صفحه بعد

فعلی که نمیتوان آنها را جاده شوشه تلقی کرد به باطلاعهای متعددی
مبدل میشوند.^۱

قهر طبیعی دیگری که ساکنین خوزستان با آن مواجهه هستند این
است که در فصل بهار در اثر آب شدن برف کوههای اطراف رود عظیم کارون
طغیان میکند و خسارات جانی و مالی وارد میسازد.

هوای خوزستان بسیار گرم و ناساز گار است بطوریکه در فصل
تابستان گرما در سایه به ۱۲۰ درجه فارنهایت میرسد و همینکه این گرمای
طااقت فرسا با وزش بادهای گرم و مرطوب خلیج فارس توأم میشود زندگانی را
در آن نواحی حتی برای بومیان عرب که همیشه در همان نقاط اقامته دارند
دشوار میسازد.

متأسفانه تا کنون باین قسمت عظیم و همکشور ایران کمتر توجه

سد عظیم محمد رضا شاه پهلوی که بلندترین سد خاورمیانه و ششمین سد بلند
دنیا میباشد قدرت تولید ۵۰ هزار کیلومتر برق را دارد.
این سد خواهد توانست ۱۲۵۰۰۰ هکتار اراضی مرغوب شمال خوزستان
را مشروب نماید.

با گسترش شبکه آبیاری و اقدامات ضروری دیگر در زمینه تعمیم روشهای
نوین کشاورزی و تأمین بهداشت و دفع آفات نباتی و حیوانی مقدار محصول که در
هر هکتار بطور متوسط ۴۰۰ کیلو میباشد به ۶۰۰ کیلو افزایش داده
میشود.

اولین مرحله اجرای این طرح در یک ناحیه ۲۰۰۰ هکتاری که در جنوب
شهر دزفول واقع است و ۸۵ هکتار با ۱۴۰۰۰ نفر جمعیت در آن قرار دارد شروع
گردیده است. طرح احیاء کشت نیشکر و تأسیس کارخانه قند و نیشکر بنحو کاملی
اجرا شد و در سال ۱۳۴۰ برای اولین بار پس از تقریباً پانصد سال کشت نیشکر
در خوزستان احیا گردید و بهره برداری از دوهزار و دویست هکتار مزارع زیر کشت
آغاز شد. (در سال ۱۳۴۱ سه هزار هکتار ازین کشت بوده است..)

علاوه بر احیاء مزارع، یک کارخانه قند نیشکر بظرفیت مصرف ۳۰۰۰ تن
نیشکر در روز در هفت تپه ساخته شده که میتواند سالیانه سی هزار تن شکر تهیه
نماید محصول این کارخانه در سال ۱۳۴۰ دوازده هزار تن و در سال ۱۳۴۱ پانزده
هزار تن بوده است. مترجم
۱- اکنون تمام جاده ها شوشه و اسفالت شده است. مترجم.

میشد ولی در حال حاضر امید میرود که وجود معادن نفت و احداث بندر شاهپور خوزستان را دوباره مورد توجه خاص دولت ایران قرار دهد.^۱

صحرای وسیع خوزستان هر قدر که بطرف خلیج فارس میرود باریکتر میشود اما از طرف دیگر به کوههای میرسد که ارتفاع آنها ۱۲ تا ۱۳ هزار پاست.

آب و هوای کرانه خلیج هنوب ولنج است و در فصل تابستان که هوای گرم میشود هوای کرانه ناسازگار و مالاپایائی میگردد. این نواحی در نزدیکی خط استوا قرار دارد و از اینرو محصولات عمده آن خرما، مروارید، نی‌شکر و شیره تریاک است.^۲

در قسمت جنوبی ایران جمعیت نسبتاً کم است ولی در کنار رودخانه‌ها و دره‌های حاصلخیز همین نواحی جمعیت زیادی سکونت دارند. شهرهای مهم جنوب یکی شیراز و دیگری بندر بوشهر است اما اخیراً دولت ایران باین بندر توجه چندانی ندارد.^۳ شیراز و بندر بوشهر با جاده شوسه‌ای بداخل ایران وصل میگردند و از طریق دره‌آب‌دیز هم راهی بداخله کشور ایران می‌اید.

جنوب شرقی کشور ایران از اراضی بایر و بی‌آب و علف تشکیل

۱ - برای آبادی و عمران خوزستان مانند تمام نواحی و نقاط دیگر کشور فعالیت خستگی ناپذیری ادامه دارد و اقدامات اساسی دولت برای بهبود وضع آنسامان کاملاً نتیجه بخش بوده است و خوانندگان گرامی میتوانند تفصیل آن را در صفحه ۵۰ مطالعه کنند. مترجم

۲ - در این اقدامات اساسی وزارت بهداری مالاریا در تمام نقاط ایران ریشه کن شده و کشت خشکاش هم در سراسر کشور ممنوع گردیده است و هرگاه از طرف مأمورین دولت منزعه‌ای کشف شود که خشکاش کاشته باشند صاحب منزعه وزارع تحت تعقیب قرار میگیرند و مجازات سنگینی برای آنان پیش‌بینی شده است. مترجم

۳ - برای عمران و آبادانی بنادر جنوب فعالیت دامنه‌داری شروع گردیده است. مترجم

یافته و صحراهای وسیع آن حدود غیرمسکون افتاده است. تنها سکنه این نواحی طوابیف نافرمان و سرکش بلوچ میباشدند. در این نقاط باران کمتر میبارد و بهمین لحاظ نواحی جنوب شرقی خشک ترین نقاط ایران محسوب میگردد.

کوهها و تپه‌های کم ارتفاعی در بلوچستان و سیستان وجود دارند که مرتفع‌ترین آنها به پنج هزار^۱ متر میرسد. بیشتر زمینهای این حدود شورهزار و باطلاقی هستند.

کشور ایران در جنوب شرقی با کشور افغانستان هم مرز و همسایه است.^۲

۱ - عمران ناحیه سیستان و بلوچستان

احداث چهار مرکز بزرگ کشاورزی و دامپروری در خاش، زابل، بمپور و جیرفت بمنظور آشنا نمودن زارعین این ناحیه با صول زراعت و کشاورزی جدید، تهییه بذر اصلاح شده، دفع آفات نباتی و حیواناتی و تأمین بهداشت همگانی از جمله اقدامات مفید است که در زمینه کشاورزی در ناحیه سیستان و بلوچستان انجام شده. احداث ۲۶۰ مرکز آب آشامیدنی سالم و تصفیه شده در نقاط مختلف این ناحیه و احداث مرکزهای مجهز به ده‌ستگاه آتمولانس و بین‌شگ، پیشگیارو و داروگام مفید است که در راه تأمین بهداشت این ناحیه برداشته شده است. ماهیگیری یکی از عوامل مهم و درآمد ساکنان خلیج جاه بهار است، برای آنکه صیادان با قایقهای بزرگتر بتوانند کار کنند و امکان تخلیه و بارگیری قایقهای منبور موجود باشد یک اسکله ماهیگیری که قایقهای بزرگ تا ظرفیت ۲۰ تن بتوانند در آن پهلو بگیرند ساخته شده و تحويل گمرک چاه بهار گردیده است.

بمنظور جلوگیری از شنای روان که موجب انسداد کانال‌ها و آبروها میگردد و از مشکلات بزرگ آبیاری وزراعت این منطقه محسوب میشود طرح جلوگیری از حرکت شنای روان تهییه و بمراحله اجرا درآمده است. ساختمان یک کارخانه بین ولنیات در زابل از اقدامات مهم دیگری است که انجام شده ضمناً بعلت وجود گرهای مرغوب کرم طرح استخراج آن اجرا و مقدار ششصد تن کرم استخراج گردیده است. مترجم

۲ - رود معروف هیرمند اراضی سیستان را مشروب میسازد که از همین رود کشور افغانستان هم اراضی مزروعی خود را سیراب میکند و بطوريکه خوانندگان گرامی بقیه در زیر صفحه بعد

فصل سوم برسان

سلسله جبال البرز و دریای خزر

ناحیه‌ای که در شرق سلسله جبال زاگرس واقع است کمتر پست
و بلندی دارد و دشت وسیع و مرتفع و مسطحی را تشکیل میدهد که تامرز
افغانستان امتداد می‌یابد.

قسمتی از این دشت وسیع که بدامنه کوه متصل است از حاصلخیز-
ترین اراضی کشور ایران بشمار می‌رود و این قطعه زمین که در آن با غهای
میوه بعد وفور موجود است به آذربایجان وصل می‌گردد و در همین نواحی
شهرهای احداث شده‌اند که نام آنها را خارجیان بخوبی میدانند و آن
شهرهای معروف و مشهور را می‌شناسند.

شهرهای کاشان، اصفهان و کرمان از نظر دولتداران قالی شهرت

اطلاع دارند پس از استعفای اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر و خروج معظم له از کشور
ایران برس آب همین رود هر روز کشورهای کش و همسایه ما افغانستان به آن هجوئی
می‌کند و یعنایین مختلف مانع رسیدن آب به اراضی هموطنان سیستانی ما می‌شوند
که امیدواریم با اتخاذ روش عادلانه و عاقلانه‌ای که دولتین ایران و افغانستان در
پیش گرفته‌اند این اختلاف خاتمه یابد و برادران سیستانی ما هم مانند ازمنه گذشته
از حق مشروع و قانونی خودشان بهره‌مند گردند. مترجم

دارند ، قم و یزد شهرهای مقدسی هستند.

این شهرها در سابق از مرآکر مهم تجارتی بوده‌اند و نمونه کاملی از ایران قدیم هستند و در حال حاضر که کارخانه‌های متعددی در آن شهرها مشغول کارند نمونه بارز وقابل توجهی از ایران نو بشمار می‌آیند.

جاده‌های شوشه برای حمل کالاهای تجارتی واياب و ذهاب مسافرین بتمام نقاط کشور ایران احداث شده و آن جمله راهی است که از تهران پايتخت کشور ایران به قم ، اصفهان و شيراز می‌برد و راه دیگری هم که از نظر اهمیت نظیر راه اولی است تهران را به شهرهای کاشان، یزد و کرمان متصل می‌سازد و برای عمران و آبادی شهرهای مذکور و متجدد ساختن ساکنین آنها از طرف پادشاه سعی وافری مبذول شده است .

محصولات عمده این نقاط عبارت است از پنبه ، تریاک و توتون و نیز معادن مس ، سرب و نقره هم در این نواحی یافت می‌شود . شهر بزرگ اصفهان که زمانی پايتخت کشور ایران بوده است در حال حاضر شهری است که ۱۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد.^۲ با غهای مصای اصفهان شهرت زیادی دارند و انواع میوه‌های فصل محصول این شهر را برای فروش به بازار تمام شهرهای ایران می‌برند .

شهرهای یزد و کرمان در ناحیه جنوب شرقی ایران واقع شده‌اند

۱- تصویر میرود نویسنده کتاب شهر یزد را از آن جهت شهر مقدس نامیده است که در آنجا آشکده‌های «زرتشتی» فراوان بوده و مرکز «زرتشتیان» ایران بشمار میرود والا از نظر مسلمانان بقاع متبرکه‌ای در آن شهر وجود ندارد که شهر مقدس بآن اطلاق شود. مترجم

۲- شهر اصفهان از شهرهای بزرگ صنعتی و تجارتی ایران است و اینکه نویسنده کتاب جمعیت آنرا ۱۰۰،۰۰۰ نفر ذکر کرده است من بوط سال ۱۹۴۱ میلادی می‌باشد و اکنون جمعیت این شهر به چند برابر قم مزبور افزایش یافته است .

مترجم

و محصول چندانی ندارند زیرا از نظر زمین‌شناسی آب و هوای و همچنین اراضی آن حدود مانند اصفهان حاصلخیز نیست.

تهران که از ۱۵۰ سال پیش پا یاخت کشور ایران است در این دشت واقع شده و در تزدیکی این شهر دورشته هم جبال زاگرس والبرز بهم می‌پیوندد که در باره سلسله جبال زاگرس در صفحات قبل توضیح کافی داده شده و برای معرفی سلسله جبال البرز هم همینقدر کافی است که بگوئیم این رشته کوه‌های عظیم و مرتفع مانند دیوار بلندی کوه‌هایی مسطح دریای خزر را از دشت وسیع مورد بحث ما جدا نمی‌کند و سراسر اشیی‌های جنوبی این کوه مانند صفحات مرکزی بی‌آب و با بر است و از صخره‌های بسیار سختی تشکیل می‌باشد اما همینکه از گردنه‌هائی به ارتفاع نه هزار تا ده هزار پا گذشتم خود را در سرزمینی می‌بینیم که با سایر نواحی و اراضی کشور ایران متفاوت است.

در این نقاط باران زیادی می‌بارد (در عرض سال از سی تا پنجاه اینچ) محصول و میوه هم در این نواحی در فصول معینی از سال بعد وفور موجود است. کسانی که در کرانه‌های خزر مسافت می‌کنند بیان نواحی انگلستان می‌افتد زیرا مناظر این حدود عیناً شبیه مناظر کوه‌پایه‌ای بریتانیا است. مزرعه‌های سبز - جنگل‌های ابیوه با انواع گیاهها - جاده‌های باریک گل‌آلود و بوته‌های خاری که بنظر ما انگلیسیها خیلی آشناست از هرسو جلب نظر می‌کند.^۱ ناگفته نماند که در حین سیر و سیاحت ناگهان به تپه‌هائی می‌رسیم که اراضی مزروعی اهالی را تشکیل میدهد و مزارع برنج آن بیش از حد تصور زیبا و قابل توجه است.

۱ - جاده‌های تهران به کرج و چالوس و همچنین جاده‌های هراز به آمل و قزوین به رشت و تمام جاده‌های ساحلی دریای خزر اسفالت شده است. مترجم

در کرانه دریای خزر دشت مسطوحی است که در بعضی جاها حتی از سطح دریا هم پائین‌تر است و چون بسیار خوش‌آب و هواست اهالی تهران و سایر شهرهای ایران در فصل تابستان برای گردش و تفریح باین حدود و سایر نقاط ساحلی مسافرت می‌کنند.

بیشتر الوارها و چوب‌هایی که در ایران برای ساختمان‌بناها و درو پنجره و مبل و صندلی بکار می‌رود از جنگل‌های دامنه شمالي کوه‌البرز بدست می‌آید. خرس، گرگ، بیرون‌گاهی هم پلنگ‌های در این جنگل‌ها یافت می‌شوند. درختهای معروف و مشهور این جنگل‌ها عبارتند از: بلوط، نارون، زبان گنجشگ، بید، کبوته، شمشاد، سرو، و در بعضی جاها کوه‌های سلسله جبال البرز خیلی مرفوع است و از جمله قله دماوند را می‌توان نام برد. که ۱۸،۷۰۰ پارتفاع دارد و بلندترین قله کوه‌های ایران محسوب می‌گردد. در این نواحی و قدری دورتر از مشرق ایران به چشم‌های کج مغولی بر می‌خوریم که شاخه‌ای از ایلات ترکمن آسیای مرکزی هستند.

در این نواحی برخلاف سایر نقاط ایران که کلبه‌ها یاشان را از گل می‌سازند کلبه‌ها از چوب و سنگ ساخته شده و بام آنها را هم با تخته‌هایی که با بعد مختلف بریده‌اند درست کرده‌اند.

سلسله جبال البرز از دشت حاصلخیز و آباد خراسان می‌گذرد و دیواری تشکیل میدهد که مشرف بر جلگه سرسبز و خرمی است که ترکمن‌ها در آنجا سکونت دارند و سپس همین رشته جبال به کشور افغانستان و هندوکش وصل می‌گردد.

در داخل ایران و میان این دورشته جبال طویل دشت وسیع و مسطوحی وجود دارد که به صحرای کویر و یادشت شوره‌زار ایران معروف است.

مساحت این دشت خشک و بی آب و علف در حدود یکصدو پنجاه هزار میل
مربع و تقریباً با اندازه یک‌چهارم خاک تمام کشور است . ظاهرآ این قسمت
از ایران درازمنه قدیم‌دریائی بوده که بحر خزر و خلیج فارس را یکدیگر
متصل می‌ساخت ولی امروزه صحراي خشک و بی آب و علفی است که
بلاستفاده افتاده است .

سطح این کویر بطور متوسط دوهزار پایرتفاع دارد و مستقیماً برز
ایران و افغانستان امتداد می‌یابد .

در بعضی از نقاط کویر ایران مختصر نخست‌نامه افت می‌شود ولی بقیه
شورمzar بی‌صرفی است و اگر هم آب کمی در اثر باریدن بازان در این
نقاط شورمzar پدیدآید در فصل تابستان خشک شده واژین می‌رود .

در پلیع شمال شرقی صحراي کویر در طول همین نمک‌زار وسیع قطعه
زمین آباد و حاصلخیزی است که شهر مقدس مشهد هم در آنجا واقع است .

گرچه مشهد سومین شهر بزرگ ایران محسوب می‌گردد ولی چون
از مرکز کشور دورافتاده است در قسمت فرهنگ پیشرفت‌چندانی ندارد .^۱
در سالهای اخیر نسبت باقدامات دولت اعلیحضرت پادشاه ایران در
مشهد ظاهراتی صورت گرفت و مخالفت‌های شد ولی این مخالفتها تماماً
صحنه‌سازی بود و از مرحله حرف تجاوز نکرد .^۲

۱ - استان خراسان مانند سایر استانهای ایران مورد توجه دولت است در امور
فرهنگ و بهداشت هم پیشرفت‌های شایان توجهی کرده است و در شهر مشهد دانشگاه
بسیار مهی ایجاد شده است که دانشجویان در رشته‌های مختلف آن مشغول تحصیل
هستند . مترجم

۲ - نظر مؤلف درباره مخالفت‌های است که در سال ۱۳۱۴ موقع کشف حجاب از
طرف بعضی از مقامات ابراز شد . مترجم

فصل هجدهم تبرستان

وضعیت جغرافیائی ایران

در فصول گذشته خوانندگان گرامی را تا اندازه‌ای بوضع جغرافیائی کشور ایران آشنا نمودیم و اینک برای تکمیل اطلاعات قبلی اضافه می‌کنیم که مساحت این کشور ششصدوسی هزار میل مربع^۱ و قدری هم از پنج برابر مساحت کل جزایر بریتانیا و سیع تراست.

در زمان سابق افغانستان، بلوچستان، ترکستان، قفقاز و عراق جزء کشور ایران بودند و سرحدات ایران آن‌طرف مرز کشورهای مذکور بوده است ولی امروزه کشورهای نامبرده بکلی از ایران جدا شده‌اند و ما درباره آنها بحث نداریم.

ضمن تشریح وضع جغرافیائی ایران به صحاری کویر و زمینهای بایر زیادی برمی‌خوریم که از آنها استفاده نمی‌شود اما امکان وجود معادن مهمی در زیرزمین همین صحاری بی‌آب و علف می‌رود که تا کنون کشف نکرده‌اند.

باید دانست که کشور ایران اراضی حاصلخیز زیادی دارد و اگر روزی این اراضی زرخیز با اصول صحیح کشت و زرع گردد بطور حتم

۱- وسعت خاک ایران ۱۶۴۷۹۳۵ کیلو متر مربع است . مترجم

خواربار مردمی بیشتر از مردم فعلی ایران تهیه و فراهم خواهد شد.^۱

ثروت مهم دیگری که کشور ایران از آن بحد کافی برخوردار است معادن نفت در نقاط مختلف آن کشور است و از این ماده حیاتی هم که بگذریم سایر مواد معدنی ایران از هر حیث مهم و قابل توجه میباشد و اگر این ثروت های زیرزمینی با اصول صحیح و جدیدی استخراج شوند بطور حتم جمعیت ایران خیلی زیادتر از نفوس فعلی و طرز زندگانی آنان هم خیلی بهتر از زندگانی کنونی خواهد بود.

باید دانست که استخراج معادن و اصلاحات داخلی و بیرون اوضاع اجتماعی ایران باین شرط میسر است که این کشور را بحال خود و آگذارند تا فارغ بال آسایش خود را فراهم آورد و این آسایش و آسودگی موقعی عملی خواهد بود که ایران مانند کشورهای مترقی کوچک سایر نقاط جهان قربانی حرص و طمع دولتهای بزرگ نگردد.^۲

منظور من همان دولتهای نهستند که فلسفه سراپا کذب آنان

- ۱ - با اجرای قانون اصلاحات ارضی در تمام صحرائی قابل کشت ایران فعالیت دامنه داری ادامه دارد و در اغلب نواحی کشت و زرع مکانیزه شده است. مترجم.
- ۲ - سیاست خارجی این ان در دهه سال گذشته همراه با حسن تفاهم کامل بر اساس احترام متقابل با کلیه کشورها برقرار بوده و دیپلماسی خود را منطبق بر مبانی و موازین بین المللی و توجه به موقبیت استراتژیکی و ثبات وامنیت شایان توجه خود در تشیید و تحکیم روابط دوستانه با کشورهای جهان و صلح جهانی مستقر نموده و موجبات افزایش پرستیز کشور خود را فراهم آورده است.

دیپلماسی فعال این درسیا بهره بری خردمندانه شاهنشاه طی دهه سال گذشته با اجرای سیاست اصولی کشور که از هر جهت با مبادی عالی و مقدسی که در منشور سازمان ملل متحده تجلی یافته مطابقت دارد، به عنوان مدل نموده که حسن تفاهم و حفظ وصیانت صلح و دوستی و لزوم احترام با استقلال و تمامیت ارضی کشورها و توجه و احترام عمیق به موازین بین المللی و مقررات منشور ملل متحده، از اصول تزلزل ناپذیر سیاست خارجی ایران است.

اعلیحضرت شاهنشاه ایران ارزنده ترین کوششها را در رفع اختلافات بین کشورهای خاور میانه بعمل آورده اند که میانجیگری معظم له در رفع اختلاف پاکستان و افغانستان از آنجمله میباشد. مترجم.

چشم‌ها یشان را نابینا ساخته با احساسات و احتیاجات واقعی افراد و ملت‌ها در هر جائی که باشد اعتماد و توجهی ندارند.

در باره نقاط و مراکز سوق‌الجیشی و راجع بوضع نظامی ایران در فصول آینده توضیح بیشتری خواهیم داد.

ایرانیان قرن‌هاست که در این کشور سکونت دارند و زبان آنان نشان میدهد که از نژاد قومی هستند که قیام هند و آریان صحبت می‌کنند و بهمین لحاظ تئوریست‌های نازی کوشش فراوانی کرده‌اند آنها از تیره آلمانی‌های شمالی نوردیک (Nordic) بشمار آورند اما صورت‌های سیاه‌رنگ ایرانیها نظر نازی‌ها را متزلزل می‌کند و با وجود تمام اینها نمیتوان آنها از نژاد سیاهان دانست زیرا مردمان شهرنشین ایران از اهالی اروپای جنوبی هم سفیدترند و اینکه رنگ و روی دهاقن و دهاتیان ایران قدری تیره بنظر می‌رسد از آنجهای است که آنان تحت تأثیر آب و هوای دهات محل سکونت خودشان قرار گرفته‌اند و نمیتوان این تیرگی رنگ را علت اصلی بشمار آورد.

معمول ایرانیان دارای هویت مشکگی، سیمای باز و جذاب، یعنی بزرگ و چانه کوچک هستند. ایلات و عشایر ایران که در هوای آزاد زندگی می‌کنند زیبائی طبیعی خود را که جزء خواص نژادی ایرانی‌ها بوده و می‌باشد بیشتر از شهری‌ها محفوظ داشته‌اند.

کار معمولی ایرانی‌ها تا این اوآخر کشت و زرع بود، بدريما علاقه زیادی ندارند عرب‌ها و ارمنی‌های ساکن ایران بیشتر از خود ایرانی‌ها بادریا مأنوسند.

در طرز رفتار و اخلاق بین ایرانیان و پروسی‌های خود پسند هیچ‌گونه

شباھتی نمیتواند وجود داشته باشد.

ایرانی‌ها مردمانی آرام، صلح‌جو، خوشحال و متفکر هستند.

عشق و علاقه زیادی بشعر و هنرهای زیبا دارند

هنرهای زیبا مدت خیلی زیادی نیست که در ایران معمول و متداول

گردیده است. این صنعت ریشه عمیقی ندارد و در حالیکه خیلی ظریف و

خیالی است مواد اصلی آن زیاد نیست.
ایرانیان آن اندازه که بصورت ظاهر توجه داشتن به ماهیت اشیاء و

بادوام بودن آن اعتنا نمیکنند.

مردم ایران زیاد حرف میزنند و بیانشان فصیح و رووان است.

بهترین تفریح یک‌فرد ایرانی آنست که در قهوه‌خانه با رفقای خود

بنشیند و از این طرف و آنطرف صحبت بدارد و در آن استکانهای کوچک

بلوری پی‌درپی چای شیرین بنوشد و بهمین جهت است که بعضی‌ها ایرانی‌ها

را بیکاره و تنبیل‌دانسته‌اند و حال آنکه چنین نیست.

ایرانیان در محیط پرمشقی زندگی میکنند و همیشه با نامالیمات

ومصائب زندگی دست‌بگریبان هستند. طبیعت کوچکترین تسهیلاتی برای

آن فراهم نساخته است و البته چنین مردمی طبعاً جنگجو، مبارز، علاقمند

بورزش بار می‌آیند و باید این موضوع مهم را همواره در نظرداشت که مطبق

آداب و سنت باستانی ایرانیان بفرزندانشان اسب سواری، چوگان بازی،

زوین افکنند، تیراندازی و شنا کردن را می‌خواهند.

چوگان بازی از اختراعات ایرانیان بوده است که سیاحان انگلیسی

آنرا از ایران به هندوستان برده‌اند.

جوانان ایرانی امروزهم که همان روح دلیری باستانی خود را دارند

بورزشایی از قبیل فوتیال، والیبال، بیسبال علاقمندند. در قسمت جنگجوئی هم ایرانیان دارای همان سیره باستانی میباشند.

بارها اتفاق افتاده است که ملت ایران دچار بدبهختی‌های دشواری گشته است و همه قطع داشته‌اند که این کشور بلکی از هم پاشیده شده و نا بود خواهد گشت ولی این مردم دلیر و متحد با یک قیام و نهضت خود را از زیر بار زور و انقیاد دیگران آزاد ساخته است.

بارها اتفاق افتاده است که همسایه‌های متعدی و متجاوز ایران که خیلی حریص و طماع بوده‌اند روی حساب غلط بکشور ایران هجوم آورده‌اند اما همان روح باستانی و دلیری این ملت باعث شده است که بادادن تلفات جانی و مالی دست خالی بر گردند.

این روح جنگجوئی و دلیری ایرانیان بیشتر از آن جهت است که دارای پیشوایانی شجاع و فداکار بوده‌اند و همین موضوع بخوبی میرساند که ایرانی‌ها طبعاً دلاوری و شجاعت را ستایش میکنند.

اعتماد و اطمینان، عقیده کامل به پیشوای ملت، برسوم و عقاید مذهبی دزا کثر اوقات فداکاری‌های معجزه‌آسائی در میان ایرانیان بوجود آورده است.

ایرانی‌ها مردمانی علم دوست هستند و استعداد مافوق تصوری برای قبول مرام و فکر جدید دارند.

صرفنظر از اینکه تاریخ ایران این موضوع را تأیید میکند کسانی هم که معلم یا همربی ایرانیان بوده‌اند همین عقیده را دارند و نکته شایان توجه این است که با وجود اینکه این ملت خیلی هم سهل القبول است تاکنون هیچ فکر و عقیده تازه‌ای نتوانسته است خواص روحی و فکری

ایرانی را تغییر دهد.

در نهاد ایرانی قوه‌ای وجود دارد که هستی فاتحین را می‌بلعد و هر فکری را هضم می‌کند ولی خودش همیشه زنده و پایدار است.

کنت گوبینو (Count Gobineau) می‌گوید:

ایران مانند صخره بزرگی است که از کوه‌عظیمی جدا شده و بواسطه جریان شدید آب یافتد. گرچه این قطعه جدا شده از کوه لحظه‌ای چند در آب می‌غله طدو اند کی سائیده می‌شود اما بزودی جای اویل خود رامیگیرد. کشور ایران در حدود پانزده میلیون جمعیت دارد که قریب بیک میلیون و نیم آن در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند^۱ و دو هزار میلیون ایلات و عشایر کوهنشین هستند که تعداد آن روبکاهش می‌رود و بقیه در شهرهای کوچک و دهات بسیارند.

کرانه و سواحل دریای خزر پر جمعیت‌ترین نقاط کشور ایران بشمار می‌رود. در این نواحی هشتادتا صد نفر در هر میل مربع و در آذربایجان چهل تا پنجاه نفر در هر میل مربع و در سایر نقاط ایران بیست و پنج نفر در هر میل مربع زندگی می‌کنند.

در بیشتر نقاط ایران نژاد خالص ایرانی سکونت دارند. در قسمت جنوب غربی ایران عربها و ایرانی‌ها با هم زندگی می‌کنند و مخلوطی از ایرانی و عرب هستند و در قسمت شمال شرقی تر کمن‌ها و در مغرب کردها و ارمنی‌ها و ترکها سکونت دارند.

جمعیت ارمنی‌ها پنجاه هزار نفر و نفوس کرده‌اقریب به هشتصد هزار

۱ - این رقم آماری است که نویسنده کتاب در سال ۱۹۴۱ نوشته اند ولی اکنون جمعیت کشور ایران به بیست و دو میلیون نفر بالغ می‌گردد و همین شهر خودمان تهران متباوز از دو میلیون نفر جمعیت دارد. مترجم

نفرمیرسد^۱ و هر دو دسته عقاید مذهبی و آداب و رسوم خود را حفظ کرده‌اند.
در مرزهای غربی ایران در حدود بیست و پنج هزار نفر آسوری
زندگی می‌کنند. اعراب هم که جزء سایر اقلیت‌ها هستند در صحراء‌های
جنوب غربی اقامت گزیده‌اند.

گروهی از ارمنی‌ها در آذربایجان و گروهی دیگر در نزدیکی
اصفهان^۲ سکونت کرده‌اند.

ارمنی‌ها اغلب مشغول تجارت و کسب و کارند و در اجتماعات ایرانی
همان موقعیتی را دارند که یهودی‌ها در اروپا حائزند و بدینهی است تا
حدی هم از همان بدنامی‌ها سهیم می‌برند.

تعداد یهودی‌ها در ایران کم است و می‌توان گفت که این اقلیت کلیمی
در میان ایرانی‌ها مستهلك گردیده است.

۱ - این آمار من بوط بسال ۱۹۴۱ میلادی است. مترجم

۲ - منظور نویسنده کتاب جلفای اصفهان است. مترجم

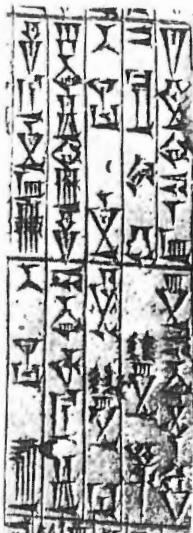
فصل پنجم دوره باستانی ایران

ریشه اصلی ساکنین قدیم ایران تا کنون بخوبی شناخته نشده و برای علماء و محققین پیچیده و مرموز مانده است.

مردمان باستانی این سرزمین را که در اثر تحقیقات زیاد مامیتوانیم در اینجا نام بیریم ایلامی‌ها هستند که البته از نژاد فعلی نبوده‌اند و باحتمال قوی از نژاد تورانی بوده‌اند که به ترک‌های آسیای مرکزی می‌پیوندند.

ایلامی‌ها در دره رودکارون سکونت داشته‌اند و پایتحت آنان شوش بود که با شهر جدید دزفول فاصله چندانی ندارد و از چهار هزار تا هزار سال قبل از میلاد مسیح دائماً با سامی‌های همسایه خود، عقادیها، بابلی‌ها، آشوری‌ها و همچنین سومری‌ها مؤسس‌تمدن بزرگ جهان در جنگ بودند و از نظر اینکه ناگزیر بودند همیشه با هم تماس داشته باشند. گاهی هم صلح در بین آنان برقرار می‌گردید و بدون شک مسئولیت رواج افکار و عقاید سومری‌ها در ایران بعهده ایلامی‌های ساکنین باستانی آن سرزمین بوده است.

چنین بنظر می‌رسد که در سومین هزاره پیش از میلاد مسیح برای



Le haut de la colonne est orné d'un relief montrant deux personnages, l'un debout et l'autre assis, échangeant quelque chose. Le bas de la colonne est tout à fait dépourvu d'ornementation.

Le haut de la colonne est orné d'un relief

Le haut de la colonne est orné d'un relief montrant deux personnages, l'un debout et l'autre assis, échangeant quelque chose. Le bas de la colonne est tout à fait dépourvu d'ornementation.

Il s'agit d'un fragment de stèle assyrienne trouvée au Tell Hammourie, Royaume d'Assyrie, qui date d'environ 700 av. J.-C. L'assassinat du roi Sennachérib (705-681 av. J.-C.) par ses propres fils, Assurnasirpal II et son frère Iahudi, fut une catastrophe pour l'empire assyrien.

Il s'agit d'un fragment de stèle assyrienne

Il s'agit d'un fragment de stèle assyrienne trouvée au Tell Hammourie, Royaume d'Assyrie, qui date d'environ 700 av. J.-C. L'assassinat du roi Sennachérib (705-681 av. J.-C.) par ses propres fils, Assurnasirpal II et son frère Iahudi, fut une catastrophe pour l'empire assyrien.

نقش بر جسته نقش هامورابی و قسمتی از کتیبه زرتشت که در شوش بدست آمده
و اکنون در موزه ایران باستان است

تبرستان
www.tabarestan.info

اولین بار سرزمین ایران را ایرانیان حقیقی اشغال کردند.
آنها قسمتی از یک موج هجوم آریائی بودند که در آن ایام از
آسیای مرکزی بیرون جست و به سه شاخه تقسیم گردید:
شاخه اول در جلگه شمال غربی سکونت گزید و در اروپا بنام «مد»
شناخته شد.

شاخه دوم فارس‌ها بودند که بطرف مشرق و جنوب ایران رفتند و
شاخه سوم هم هندوها بودند که بطرف دره (Indus) شتافتند و
در هندوستان اقامت گزیدند.

این مردم هرجا رفتند فلسفه آریائی را که پایه و اساس آن روی
پرستش نیروهای طبیعت و تراز و کشمکش میان خوبی و بدی استوار بود
با خود برداشت و بعدها همین افکار موجب شد که آنرا بصورت مذهب‌زرتشت
در آوردند.

یکنفرانگلیسی که اهل مطالعه باشد از شرح و تفصیلهای مختلف و
و مقتضادی که درباره ایران میخواند دچار حیرت میگردد زیرا در موقع
تحصیلات ابتدائی نام مدتها و فارس‌ها را در کتاب مقدس می‌یند و بعد از
آن هر گاه یونانی و لاتین هم بخواند از لشگر کشی‌های فارس‌ها بطری
مالک یونان مطلع میگردد و از جنگهای اشکانیان بارومی‌ها آگاه می‌شود
و هرقدر فکر کند نمیتواند آمدن حاجی بابای موریه را به بیت‌اللحم
باقالی‌های ایران و عمر خیام و میدانهای نفت مربوط سازد اما در حقیقت
بین تمام این وقایع ارتباط کاملی موجود است که این قضایای بنظر مایچیده
را بهم متصل می‌سازد.

۱ - کلمه مناسبتری یافت نشد. مترجم

ما ابتدا درباره مدها بحث میکنیم زیرا آنها اولین طایفه آریائی هستند که نامشان بچشم میخورد و با دنیای غرب مربوط گشته‌اند. پایتخت مدها اکباتان و یا شهر جدید همدان کنونی بوده و گرچه آثار و مدارک کتبی از زبان آنها دردست نیست ولی احتمال قوی دارد زبان مدها نخستین شکل زبان فارسی بوده است.

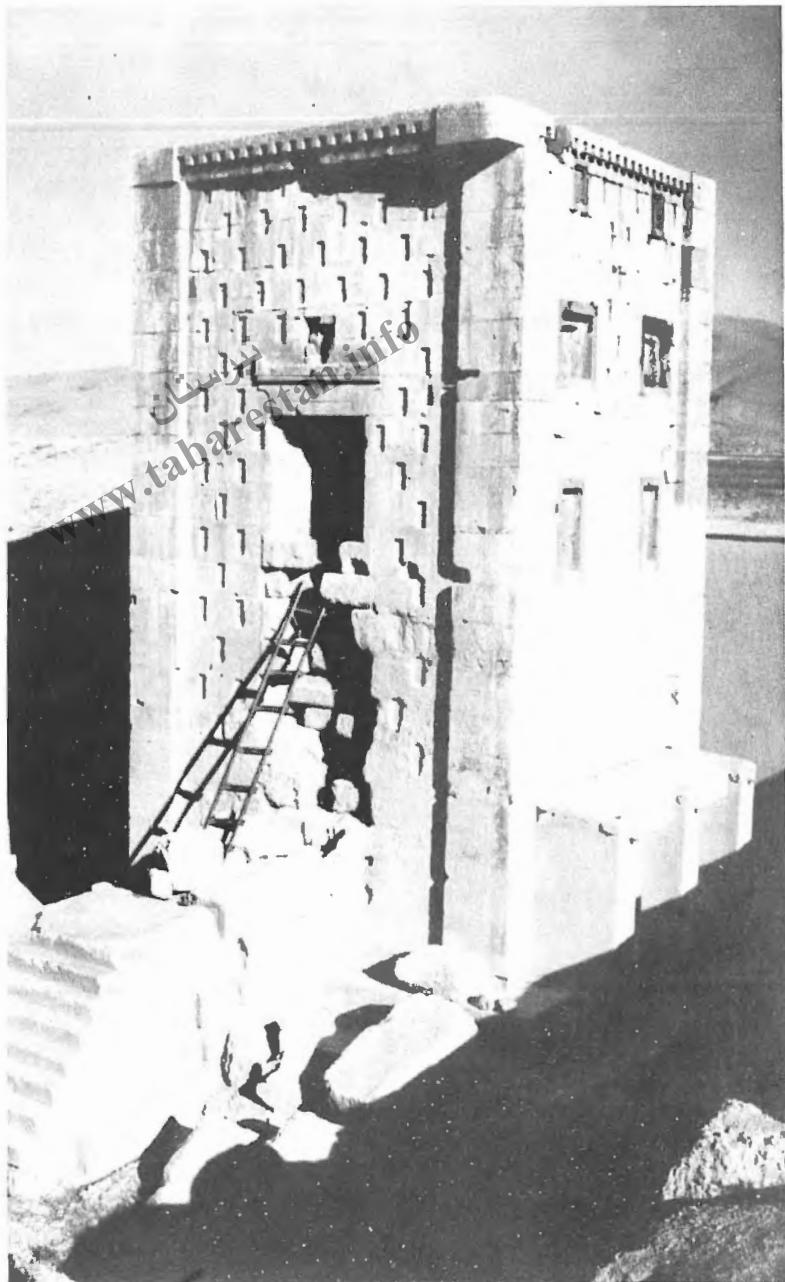
طایفه مدها تقریباً هفتاد سال قبل از میلاد مسیح روی کار آمدند و این سال مقارن با موقعی بود که نبوکادرون (Nebuchadnezzar) یعنی بخت النصر در بابل حکومت میکرد.

مدها بواسطه جنگ با آشوری‌ها شهرت بسزائی یافتند و آخر الامر در شصده سال قبل از میلاد مسیح نینوا پایتخت آشوری‌ها را تصرف کردند و دوران آن جنگ‌ها که سبب شهرت مدها گردید پایان یافت. برای تکمیل مطالعات ما نکته بسیار مهمی را باید از نظر دوران داریم و آن موضوع با اهمیت اینست که زرتشت پیغمبر در زمان فرمانروائی مدها ظهر کرد.

روایات مذهبی حکایت دارد که مدها زرتشت پیامبر را از قلمرو حکومت خود راندند. او بطرف مشرق گریخت و در خراسان تحت حمایت گشتابن پادشاه فارس قرار گرفت. در هر صورت باید دانست که فلسفه منتبه به زرتشت کاملاً جنبه آریائی و یا ایرانی دارد.

در ابتدای امر زرتشت مردم را بطرف خدای یگانه‌ای بنام اهورامزدا دعوت میکرد که او را خداوند روشنائی هم^۱ میخوانند و لی متدرجأ

۱ - منظور نور پاک حضرت احادیث است. مترجم



کعبه زرتشت در (نقش رسم) تزدیک تخت جمشید

تبرستان
www.tabarestan.info

نفوذ افکار آشوری هاوسامی‌ها عقیده و مرام خدایان متعددی را میان ایرانیان بوجود آورد که در نتیجه بمعرفی اهریمن (خدای تاریکی) منتهی گردید. ایرانیان معتقد شدند که دائماً بین دو اصل نیکی و زشتی جنگ سختی جریان دارد و بالاخره اوضاع جهان و جهانیان بسته به پیروزی یا شکست یکی از این دو دسته میباشد و هر فرد ایرانی مکلف بود که با پاک نگاهداشتن زمین، تن و جان خود وجهار عنصر، آب، آتش، خاک، باد رضایت اهورامزا را جلب کند و در پیروزیش بکوشید.

طبق عقاید مذهبی زرتشیان باید اراضی کشور را بهر وسیله‌ای که ممکن باشد کشت و زرع کرده‌زیرا فقط کشاورزی است که تندرستی و فراوانی بار می‌آورد و همچنین لاشه افرادی را که میمیرند باید در زیر خاک مدفون ساخت بلکه باید در برابر آفتاب و هوای بماند تا در اثر تابش خورشید و هوا دوباره جذب گردد.

برای زائیدن و بچه آوردن مقررات خاص و حتمی الاجرائی داشتند که عدول از این مقررات برای افراد زرتشتی غیرممکن بود. طبق آداب و رسوم دین زرتشت تمام افراد باید ورزش کنند و باین وسیله تن را نیرومند و توانا سازند و نیز تحصیل علم و داشت جزء فرایض دینی آنهاست.

تعجب در این است که بعضی‌ها تصور میکنند آئین آتش پرستی جزء مقررات دینی زرتشت است و حال آنکه چنین نیست و آتش پرستی بعد از زرتشت در بین ایرانیان تا حدی معمول و متدائل شد و احتمال می‌رود که از تورانیان به ایرانیان رسیده باشد.

و اما اینکه چه موضوعی سبب پیدایش آئین آتش پرستی شده

احتمال دارد که رواج دهنده این آئین ابتدا از مشاهده شعله‌های طبیعی کوههای نفت مغرب ایران الهام گرفته و متدرجًا این عقیده در بین مردم ایران پدیدآمده است.

اعتقاد بمعاد که در مذهب یهود نیز دیده می‌شود بنیان واساسش از اقوام آریائی است.

دستورات و تعلیمات مذهبی زرتشت در کتاب «اوستا» نوشته شده که این کتاب خود قابل توجه است زیرا همین تعلیمات مذهبی کراراً در تاریخ ایران مؤثر بوده و چون قسمتی از دستورات آئین مذکور در زمان حیات خود زرتشت تدوین شده است بنابراین میتوان گفت که اوستا قدیمی‌ترین کتابی است که ایرانیها بر شئه تحریر درآورده‌اند.

اما «منغ» و یا «مجوس» که ساحری و جادوگری است طایفه‌ای از اصل تورانی میباشند و این گروه همان موقعیتی را داراست که لاوی‌هادر بین یهودیان حائز بوده‌اند.

تخت جمشید، قصر داریوش کبیر بنام تالار آئینه (تجز).



تبرستان
www.tabarestan.info

فصل ششم

سلطین سلسله هخامنشی

در قرن ششم قبل از میلاد مسیح دوره استیلا و برتری مدها سبری شد و شاخه دیگری از آریائی باطراف و جوانب سرزمین قلمرو حکومت مدها هجوم آورد.

این شاخه اخیر را همسایه‌های غربی پارس می‌گویند و اطلاق کلمه پرشیانز (Persians) و یا پارس‌ها از آن جهت است که این گروه‌ها یاخت خود را در ایالت پارس و یا پرسیس (Persis) که امروزه فارس نامیده می‌شود قرار داده بودند. اجداد و نیاکان ایرانیان امروزهم همان پارس‌ها هستند. ایالت پارس از آن جهت قابل توجه است که در زمان سلطنت پادشاهان هخامنشی برای اولین بار در این سرزمین ملت بزرگی بوجود آمد که بنام ملت ایران نامیده شد.

هخامنشیان از خاندان سلطنتی پazar گاد بودند که هم اکنون خرابه‌های آن در شصت میلی شهر شیراز دیده می‌شود و این سلسله از آنرو هخامنشیان خوانده می‌شوند که جد آنان هخامنش نام داشت.

برای مالازم نیست که موقوفیت‌ها و یا محرومیت‌های یکایک پادشاهان

این سلسله را ذکر کنیم .

نام کورش و کامبیز و داریوش را بطور قطع و یقین همه شنیده‌اند.

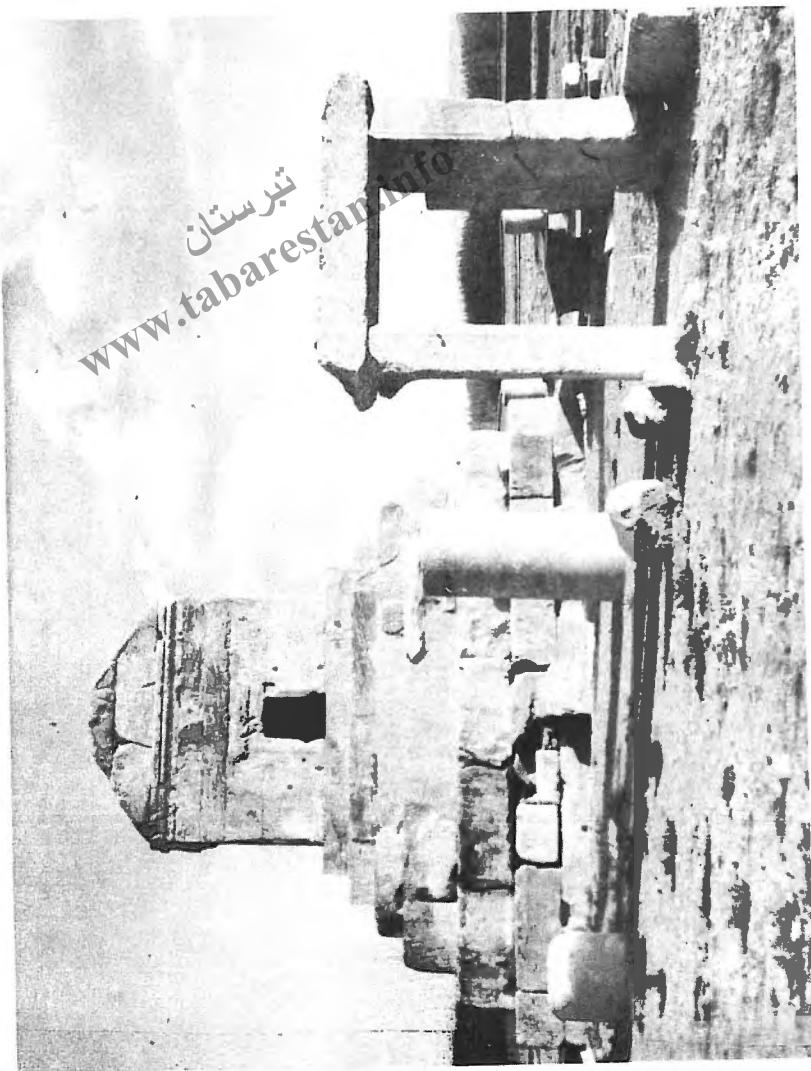
در سال ۵۵۰ قبل از میلاد مسیح کورش کیفر کشور مد را تصرف کرد و پس از آن کشور گشائی و فتوحات خود را از شرق به غرب توسعه داد . نتیجه این لشکر کشی‌ها و پیروزی‌های مکرر آن بود که ممالک بابل ولیدی و همچنین کشور افسانه‌ای و پرثروت کروسوس (Croesus) را در آسیای صغیر تسخیر کرد .

کامبیز پسر بزرگ و جانشین کورش رویه بزرگ پیروی کرد و مصر را ضمیمه امپراطوری خویش ساخت و در اوآخر قرن ششم قبل از میلاد مسیح که داریوش به سلطنت رسید خودش را فرمانده و پادشاه امپراطوری عظیمی دید که وسعت خاک آن از پنجاب (Panjab) که در هند شرقی واقع است تا مقدونیه و دانوب امتداد داشت .

داریوش در اداره کردن سرزمین امپراطوری عظیم ایران و تشکیل ادارات و مؤسسات عام المنفعه استعداد فوق العاده‌ای داشت و توانست بطوری سازمان امپراطوری بزرگ خود را با نظم و ترتیب خاصی بر روی پایه و اساس محکم و ثابتی برقرار سازد که بعیده معاصرین وی آن سازمان برای ابد پایدار و جاویدان می‌میاند .

در زمان سلطنت داریوش کیفر امپراطور بزرگ ایران راههای متعددی در سراسر کشور ایجاد گردید ، کاروانسراها ساخته شد ، علماء و دانشمندان مورد تقدیر و تشویق قرار گرفتند و علم و هنر و نقش زائی یافت . پول رایج سراسر امپراطوری را بنام نامی امپراطور عظیم الشأن ایران سکه زدند و صنعتگران مورد حمایت و تشویق پادشاه واقع شدند .

فارس ، پازارگاد ، آرامکا . کوشکی



تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

متأسفانه وجود همین سازمانهای متعدد و نحوده کارآنها باعث ضعف قدرت امپراطوری گردید و مانند سایر رژیم‌های دیکتاتوری و استبدادی هم نوع خود از مجموع آن‌همه قوانین و مقررات شدیدتاً یعنی سخت‌تری بدست آمد چنان‌که تا امروز هم شدت قوانین مدعی‌ها و ایرانی‌ها در زبان انگلیسی ضربالمثل است.

شاه در امپراطوری خود دارای قدرت بی‌انتهائی بود و تمام هم‌خود را برای دفاع از سرزمین‌های امپراطوری وعظمت و سویلندی ایران صرف میکرد و از همان تاریخ در کشور ایران زن‌ها تحت احتمال و مطیع محض مردان بودند.

تعداد زوجات و گوشنهشینی که بعداً بساير طوايف و نژادها سرایت کرد احتمال دارد از ایران سرچشمde گرفته باشد. جای بسی خوشوقتی است که در حال حاضر ایرانیان اولین ملت شرقی هستند که این عادات را ترک می‌گویند.

بهر صورت نباید منکر اقدامات مهم و قابل توجه هخامنشیان شد.

خرابیهای حیرت آور بیستون^۱ - پازار گاد - پرسپولیس و شوش عظمت

۱- برای اطلاع خوانندگان گرامی درباره بیستون و آثار تاریخی آن توضیحاتی داده میشود و همچنین ترجمه کتبه‌های داریوش کبیر عیناً از کتاب جغرافیای نظامی کرما نشاھان که از طرف وزارت جنگ منتشر شده نقل می‌گردد:

آثار بیستون

حجاریها- این حجاریهای بیستون راجع بواقعه بر دیواری دروغی و نه نفری است که در بدوسلطنت داریوش یاغی شده هر یک خود را پادگان مملکتی خواند. حجاریهای مذکور چنین است:

داریوش ایستاده در بالا «فروهر» پرواز میکند و داریوش به تقدیس اهورمند دست راست خود را بلند کرده و پایی چپ خود را بر سینه «گتوهات مغ» که بر پشت خوابیده و اسلحه بدست دارد گذارده پشت سر داریوش دونفر که باید از رجال درجه اول درباری بوده باشند ایستاده‌اند (حدس میزند که یکی از آنها «گتوپرو» پدر زن داریوش است ولی معلوم نیست این حدس چیست) در مقابل داریوش اشکال نه نفر که بقیه در زیر صفحه بعد

ولیاقت و وسعت فکر و نظر پادشاهان هخامنشی را بخوبی نمایان می‌سازد.
نکته مهم و قابل توجهی که در مطالعه این تاریخ باید در نظر گرفته شود اینست که آثار بعدی وقایع دوره هخامنشیان بمراتب بیشتر از عملیات معاصر آنان در تاریخ و روحیه و روایات ایران مخصوصاً ایران کنونی تأثیر دارد.

باعث شورش‌های ایالات بودند حجاری قبه اینها همه دست بسته یکی پس از دیگری واقعند و کتبیه هر یک را معرفی می‌کنند.
داریوش در اینجا دو کتبیه بربان و خط پارسی قدیم و ایلامی با بلی نویسانده یکی بکتبیه بزرگ موسوم است و دیگری بکتبیه کوچک که کتبیه کوچک قسمت اولی که داریوش را معرفی می‌کند نسخه با بلی ندارد و قسمت آخری هم ناتمام مانده.
مضامین کتبیه‌ها چنین است:
کتبیه بزرگ - قسمتی از ترجمۀ کتبیه بزرگ بیستون بمناسب وقایع سلطنت داریوش می‌باشد.

ستون اول

بند ۱ - منم داریوش بزرگ شاه شاهان ممالک پسر و شتاب نوء ارشام هخامنشی .

بند ۲ - داریوش شاه گوید مرا پدر و شتاب است، و شتاب را پدر ارشام، ارشام را پدر آریامن، آریامن را پدر چشپش، چشپش را پدر هخامنش از قدیم سلطنت در دودمان ما وود.

بند ۳ - در کتاب نوشته نشده.

بند ۴ - هشت نفر از دودمان ما پیش از من شاه بودند من نهین شاهم از دودمان دوگانه ماشاهیم.

بند ۵ - با اراده اهورمزد من شاهم، اهورمزد شاهی را بمن عطا کرده.

بند ۶ - این است ممالکی که تابع منند باراده اهورمزد من شاه آنها یم.
پارس - خوزستان - بابل - آسور - مصر - جزا ایران - سپرد - یونیه - ماد - ارمن - کاپادوکیه - پارت (خراسان) - زرنگ (سیستان) - هرات - خوارزم باختن - سند - گنداز.

سکائیه - ث کوش - رخچ مکیا جمما ۲۳ مملکت.

بند ۷ - این ممالک که مطیع من اند بفضل اهورمزد تابع من اند بمن باج میدهند آنچه را که با آنها امر می‌کنم شب یاروز اجرا می‌کنند.

بند ۸ - در این ممالک مردی را که دوست بود یا آنکه دشمن بود سخت کیفر دادم بفضل اهورمزد این ممالک قواین مرا مجری داشتند چنانکه امر کردم بقیه در زیر صفحه بعد

این روایات و داستانها اگرچه فاقد جنبه تاریخی است اما موارد وسوزه خوبی برای حماسه ملی بوجود آورده است و همان نقشی را که روایات و داستانهای مربوط به آرتور (Arthur) پادشاه انگلستان و دلاوران دور میزگردان و همچنین داستانهای مربوط به آلفرد کبیر (King Alfred) و کلبه هیزمشکن پادشاه دیگر انگلستان در افکار یک فرد عادی و معمولی انگلیسی

همچنان رفتار کردن.

بنده ۹- اهورمزد شاهی را بمن اعطای کرد اهورمزد من ایاری کرد تا این ملک را بدست آورم بفضل اهورمزد من سلطنت را دارا گشتم.

بنده ۱۵- این بندها راجع به بردیای دروغی است.

بنده ۱۹- این بندها ستون اول راجع بشورش با بل است.

ستون دوم

بنده ۱۶- راجع بشورش با بل و مادوساکاری و پارت وغیره است.

ستون سوم

بنده ۱۵- راجع است بشورش بارت مرو - باختر بردیای دوم دروغی و شورش دوم با بل .

ستون چهارم

بنده ۱۵- داریوش آنچه را که راجع بشورس ایالات گفته خلاصه کرده و اسمی یاغیان را نوشه .

بنده ۹- این پادشاه را در میان گیرودار جنگ گرفتم .

بنده ۴- اینها بودند ایالاتی که شوریدند دروغ آنها را قیام داشت زیرا اینها مردم را فریب دادند بعد اهورمزد آنها را بدست من داد و چنانکه بینخواستم با آنها رفتار کردم .

بنده- ایکه پس از این شاه خواهی بود خود را سخت از دروغ نگاهدار . اگر فکر کنی که چکنم تاملکتم امن باشد فریب دهنده را کیفر ود .

بنده- آنچه کردم بفضل اهورمزد از جزئی وکی کرده ام ای آنکه در آینده این کتیبه را خوانی باور کن که کارهارا کرده ام آن را دروغ مدان .

بنده- اهورمزد من اگواه است اینکه این کارها را از جزئی وکی کرده ام راست است نه دروغ .

بنده ۸- بفضل اهورمزد کارهای بسیار دیگر نیز کرده ام که در این کتیبه نتوشتهم از آن جهت نتوشتهم تا آنکس که پس از این نوشه را خوانند نبندارد که این کارها بس زیاد است آنرا باور ندارد دروغ بداند .

بقیه در زیر صفحه بعد

بازی میکند همان نقش و بلکه مهمتر از آنرا داستان‌های هخامنشیان در افکار و روحیه یک ایرانی متوسط بازی کرده است.

اینگونه داستان‌ها بیشتر در کتاب اوستا ذکر گردیده است و بنابرآ نچه در این کتاب مندرج است اولین مردی که سلسله سلاطین پیشدادی را تشکیل‌داد کیومرث بود. جمشید یکی از احفاد کیومرث معمولاً با سلیمان

بند ۹ - شاهان قبل در زمان فندگانیشان چنین کارها نکردند و من بفضل اهورمزد از جزئی وکلی کردم.

بند ۱۰ - اکنون تو باور داشتی آنچه را که کردم پس آنرا پنهان مدار اگر پنهان نداری بمدم بگوئی اهورمزد تو را یاری کناد و دودمان تو پاینده و عمرت دراز باد.

بند ۱۱ - اگر این گفته‌هارا پنهان داری بمدم نگوئی اهورمزد تورا بند و دودمان تو نپاید.

بند ۱۲ - آنچه من از جزئی وکلی کردم باراده اهورمزد بود ، اهورمزد مرا کمک کرد وايندان دیگر نيز.

بند ۱۳ - از آن جهت اهورمزد مرا یاری کرد وايندان دیگر نيز که چه من و چه دودمانم نه دشمن (يعني بدقبل) بوديم نه دروغگو و نه بى انصاف من موافق حق و عدالت سلطنت کردم نه بنده‌ای را آزردم و نه مندم پست(يعني ضعيف) را . مردی که دودمانم را یاری کرد اورا نواختم آنکه را که بدی کرد فشدم.

بند ۱۴ - ای آنکه پس از این شاه خواهی بود مردی را که دروغگو باشد و آنرا که بيداد کند دوست مباش ازاو با شمشير پرسش کن .

بند ۱۵ - ایکه این نوشته را که من نوشته‌ام با این بیکرها بینی آنها را بر می‌فکن توانی نگاهش دار .

بند ۱۶ - اگر این نوشته و این بیکرها بینی آنها را بر می‌فکنند تادودمان تو باشد آنها را نگاهداری اهورمزد تورا یار نسلت زیاد و عمرت دراز باد آنچه توکنی اهورمزد آن کناد (يعني عوض بدهد) .

بند ۱۷ - اگر این نوشته و این بیکرها بینی آنها را برآفکنند و تادودمان تو باشد آنها را نگاه نداری اهورمزد تورا بزنده و دودمان تو نپاید و آنچه کنی اهورمزد آن کناد .

بند ۱۸ - این مردانی که با من بودند وقتیکه من گشومات من را که خود را بر دیا مینامید کشتم اینها من را یاری کردند .

بند ۱۹ - ای آنکه پس از این شاه خواهی بود این مندان با کفایت را که با داریوش بودند و بکمک آنها من این کارها را کردم نگاهدار چنین مردان را همیشه بقیه در زیر صفحه بعد

کنیه داریوش کبیر در پیشمن نزدیک کرمانشاه



تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

که یکی از قهرمانان اسلامی است تطبیق میشود و بسیاری از خصایص و داستانهای افسانه‌آمیزی را که سامی‌ها به سلیمان خودشان نسبت میدهند ایرانیان درباره جمشید میگویند و همین تشابه جمشید و سلیمان باعث ف سبب گشته است که اغلب آثار هخامنشیان را با آن دو نسبت دهنده. مثلا هم‌اکنون ایرانیان پرسپولیس را تخت جمشید و بازار گادران تخت سلیمان میخوانند.

نگاهدار (این بند را مختلف خوانده و بعضی گذشته‌اند ولی آنها یکه خوانده‌اند تقریباً ترجمه کرده‌اند).

بنده ۲۰ - بفضل اهورمزد اين كتبه را... كه كرد... اين كتبه را نوشتم ...
بعن بعد كتبه را ب تمام ... ب تمام ايالات و هر دمان ... (نسخه پارسي اين بند كتبه خراب است ولی نسخه ايلامي خوب مانده، و سپاخي نسخه من بور را چنین خواهند):
فضل اهورمزدا من كتبه‌ها بطور ديگر نوشتم با آرياني که سا باقا نبود ... نوشته و برای من خوانده شد . . . من اين كتبه‌ها را ب تمام مالک فرستادم با مضافين آن آشنا شدم.

(کشیفیات‌نوین این نوشته داریوش را تأیید کرده زیرا نسخه بالی کتبه را در با بل و نسخه آرامی آنرا در الفان‌تین مصر یافته‌اند).

(وسپاخي بنا بر نسخه ايلامي اين بند كتبه عقيده داشت که خط نسخه پارسي کتبه را داریوش ترتیب داده بود ولی سایرین که از جمله ادوار می‌بر است این عقیده را رد کرده‌اند. آنها میگویند که مقصود داریوش از طور دیگر خطی است که برای سالنامه‌ها و تحریرات دفترخانه‌ها و مکاتبات جاریه ترتیب داده بود ربرا استعمال خطوط میخی برای این موارد خیلی مشکل بود. اینها در کلمه «آرياني» هم تردید دارند)

ستون پنجم

داریوش شاه گوید اینست آنجه من کردم (در سوین سال سلطنت) ايالاتي هست که خوزستان نام دارد . این ايالت بermen شوريد (بعضی ترجمه کرده‌اند در دفعه سوم ازمن برگشت) مردی را «مامائیتا » نام (بعضی خوانده‌اند ای یائیم نام) خوزستانی‌ها سردار کردنند .

در سال چهارمین لشکر خود را بخوزستان فرستادم مردی بود گتوپرو و پارسی تابع من اورا سردار کردم پس از آن گتوپرو بالشکری بخوزستان رفت با شورشیان جنگید آنها را شکست داد سردار را گرفته نزد من آورد و من اورا کشتم پس این ايالت از آن من گردید .

بقیه در زیر صفحه بعد

وقتیکه اسلام به ایران آمد زرتشیان این شایعات را تقویت کردند که تا با انتشار آن بتوانند خودرا در برابر مسلمانان جزء ملتهای اهل کتاب بشمار آورند و با کلیمیان و مسیحیان که پیغمبران آنها یعنی موسی کلیم الله و عیسی روح الله را دیانت اسلام بخوبی میشناخت و آنان را فرستاده خداوند متعال و پیامبر بحق میدانست برای باشند وزرتشت را بنام ابراهیم بخوانند .

بند ۲ - پس از آنها (یعنی خوزستانیها) ترسیدند و اهورمزد آنها را بدست من داد. بهاراده اهورمزد با آنها چنان کرد که خواستم.

بند ۳ - هر کس که اهورمزد را پرستش کند تازمانی که خانواده اش باقی است زندگانی ... و ...

بند ۴ - بالشکری به مملکت سکاها رفتم ... در سکائیه ... در تیکر (دجله) ... در دریا با کشتی ها گذشم جنگ کردم ... قسمتی را گرفته بسته نزد من آوردند ... سکون خانمی را گرفتم ... دیگری را رئیس کردم چنانکه اراده من بود پس از آن مملکت از آن من شد (ازینکه اسم دجله برده شده و اینکه داریوش از دریا گذشته معلوم است که این بند راجع بلشکر کشی داریوش به سکائیه اروپائی است.)

بند ۵ - ... اهورمزد نه ... من اهورمزد را سپاسگزارم بهاراده اهورمزد من چنانکه میخواستم با آنها کرم .

بند ۶ - کسی که اهورمزد را پرستش کند تا خانواده او باقی باشد ...
کتبیه گوچک الف - (که فقط بپارسی و ایلامی نوشته شده .)

بند ۱ - منم داریوش شاه بزرگ شاه شاهان شاه همایل پسر و شتاب نو نهاد ارشام هخامنشی .

بند ۲ - داریوش شاه گوید پدر من و شتاب، پدر و شتاب ارشام، پدر ارشام آریامن، چشیش، پدر چشیش هخامنش .

بند ۳ - از این جهت مارا هخامنش نامند. دودمان ما از قدیم دودمان ما شاهی داشتند .

بند ۴ - هشت نفر از دودمان من پیش از این شاه بودند. من نهمین شاهمن از زمانی دور ما شاهیم (بعضی ترجمه کرده اند از دودمان دوشاخه ما شاهیم .)

ب - این گثومات منع است که دروغ گفت چنین گفت من بر دیا پسر کورش هستم من شاه .

ج - این آخرین است که دروغ گفت چنین گفت من شاه خوزستانم .
بقیه در زیر صفحه بعد

فریدون یکی دیگر از احفاد کیومرث بود که سه پسر بنام ایرج، سلم و تور داشت که در میان سامی‌ها به سام و حام و یافت اولادهای نوح برآبرمی‌شوند. ایرانیان از تزاد ایرج و تورانیان از تزاد تور می‌باشند.

بعد از جنگ‌های افسانه‌آمیزی که بین ایرانیان و تورانیان اتفاق افتاد سلسله‌کیان می‌آیند که همان‌هخامنشان می‌باشند و تصویر می‌روند جنگ‌های افسانه‌ای بین ایران و توران همان‌هیومهای حقیقی باشد که در سومین هزاره قبل از میلاد مسیح بدست آریانها صورت گرفته است.

گفته می‌شود که گشتاسب حامی زرتشت ازان سلسله‌پوده و داستان‌های

-
- د - این نی‌دین توبل است که دروغ گفت چنین گفت من بخت‌النصر پسر نبونیدم من شاه باشم.
 - ه - این فرورتیش است که دروغ گفت چنین گفت من خشتریت از دودمان هو و خشنتر هستم من شاه مادم.
 - و - این مرتبه است که دروغ گفت چنین گفت من او ماش (ای عانیس) شاه خوزستانم.
 - ز - این چیزتر تخم است که دروغ گفت چنین گفت من شاه ساکارتم از دودمان هو و خشنتر.
 - ح - این وهی بزدادات است که دروغ گفت چنین گفت من بردیه پسر کورش هستم من شاه.
 - ط - این ارخ است که دروغ گفت چنین گفت من بخت‌النصر پسر نبونیدم من شاه باشم.
 - ی - این فرد است که دروغ گفت چنین گفت من شاه مروم.
 - ک - این سکون خای‌سکائی است (فقط بیارسی و ایلامی نوشته شده). چنین است مضامین کتبیه‌های بزرگ و کوچک بیستون چیزی که در بادی امر جلب توجه می‌کند مکرراتی است که در این کتبیه‌ها دیده می‌شود وجهت آن باید از اینجا باشد که داریوش امکان خراب یا محوشدن قسمتها را از کتبیه‌ها پیش‌بینی می‌کرده و خواسته است که اگر جاهائی از میان رفت جاهای دیگری باقی‌ماند همطلب را بر ساند و نیز باید در نظر داشت که اکنون وقتیکه می‌خواهیم بطلبی توجه خوانده را مخصوصاً جلب کنیم زیر عبارت را خط می‌کشیم یا آن عبارت را با خطی درشت‌تر مینویسیم ولی در آن زمان هیچکدام از این نوع وسائل معمول نبوده و داریوش برای جلب توجه بطلبی آنرا تکرار کرده یا بعبارت دیگر همان بطلب را در دفعه دوم نوشته است. مترجم

رسم و سه راب که ماتیو آرنولد (Matthew Arnold) برای انگلیسی‌ها نقل کرده مربوط بهمان عصر است.

در آخر این داستان بشخصی موسوم به بهمن میرسیم که بدست رستم کشته شد بهمن را بهاردشیر درازدست تعبیر میکنند که در سال ۴۵۰ قبل از میلاد مسیح سلطنت میکرد و همین شخص یعنی اردشیر درازدست اولین کسی است که بعنوان پادشاه حقیقی تاریخی معرفی میگردد.

داستانهای افسانه‌های مانند تاریخ ایران تأثیرپذیر اسلام بهمن نحو ادامه می‌باشد و از قرن هفتم بعد از میلاد مسیح از شکل افسانه‌ای خارج شده و صورت حقیقت بخود میگیرد و از آن تاریخ بعد احساسات ملی ایران بجای افسانه‌های حماسی تاریخی بصورت مذهبی بازمیگردد.

فصل هفتم

پارت‌ها یا اشکانیان

تسخیر آسیای صغیر برای اولین بار باعث و سبب شد که قدرت و توانائی ایران باتمدن یونان متصل و مرتبط گردد و دنیای قدیم ناظر یکی از مهمترین و بزرگترین زد و خورد هائی شد که گاهگاهی در تاریخ یین توده مردم از یکطرف و دولت و یا فرمانروای مقندری از طرف دیگر واقع میگردد.

جدال عظیم وقابل توجه مورد بحث ما عبارت از کشمکش و زدو خوبی بود که یک طرف آنرا جمعیتی تشکیل میداد که روی اطاعت و فرمانبرداری در راه عظمت پادشاهان خود بانظم و ترتیب خاصی و بافادگاری قابل تحسینی میجنگیدند و طرف دیگر آن افراد و جماعاتی بودند که با تشکیل اتحادیه‌های منظمی برای استقلال خود مختاری مبارزه میکردند و گاه بگاه هم بین خودشان نزاع و زد و خورد وقوع میافتد.

در بادی امر چنین بنظر میرسید که سازمان عظیم و نیرومندی که از آن نام بردهم باید پیروز گردد اما تجربه نشان داده است که صمیمت و خلوص نیت و داشتن هدف مشترک و پیروی از اصل اتحاد و اتفاق مخصوصاً

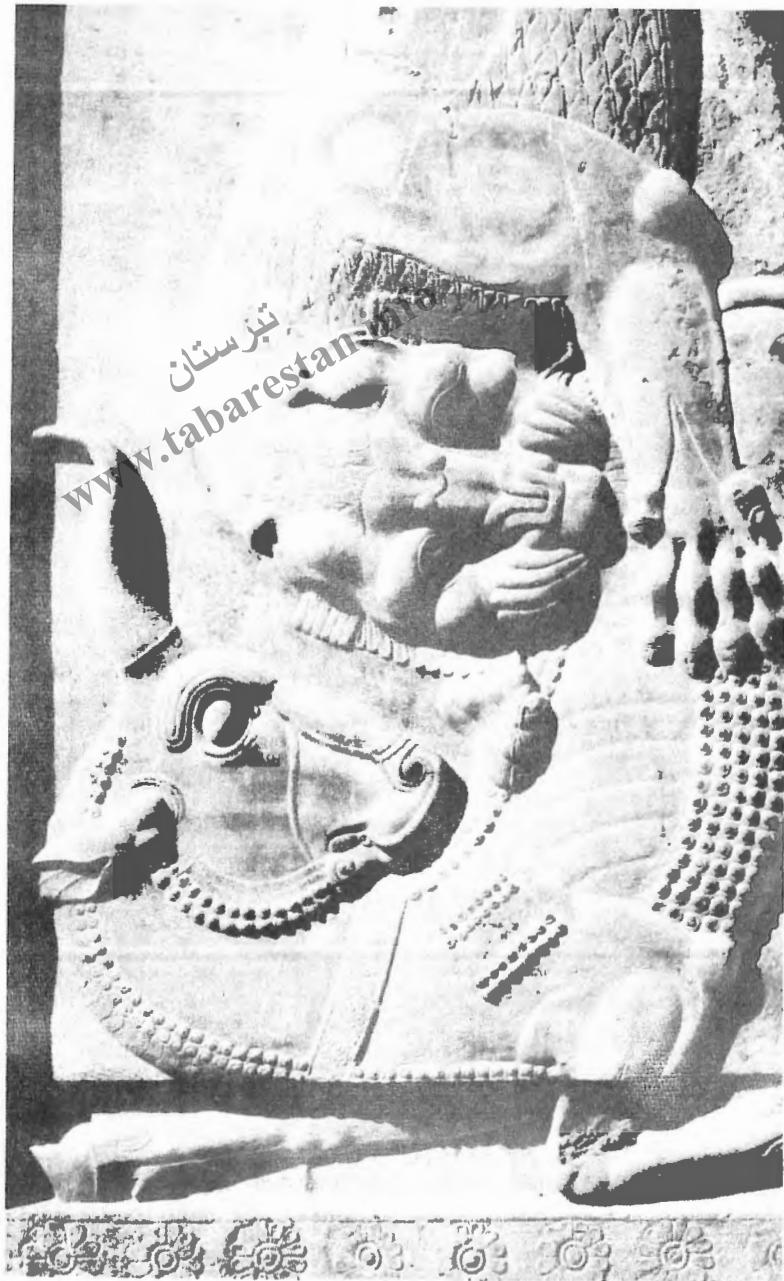
در صورتیکه با پیشوائی فرماندهان و سر کرد گان غیور و شجاع توأم باشد به حملات شدید ولی نقشه وی هدف تودههای عظیم فائق میگردد. برای اثبات این امر همینقدر کافی است بگوئیم که در جنگهای ایران با ایالات یونان در مدتی که از ۲۰ سال متجاوز است پیروزیهای یونان در ماراتون (Marathon) و ترمپولی (Thermopylle) و سلامیس (Salamis) و پلاتیا (Plataea) کافی بود که یونان خشایارشاه را از اروپا به آسیا صغیر براند و همین شکست های بظاهر کم ارزش آغاز سقوط امپراطوری ایران محسوب میشود.

حوادث و وقایعی هم در سالهای بعد روی داد که مربوط به زدو خوردگاهی داخلی است که از آنجمله میتوان مسافت معروف و مشهور اکسنوفون (Xenophon) را به آسیا صغیر نام برد.

در همین اوقات ایالات یونان که هریک خود را دولتی خود مختار میدانستند بواسطه اختلافات و کشمکش های داخلی و نداشتن پیشوائی مقتدر و دلسوز دچار مخاطرات گونا گونی گشتد و از همه بدتر هرآن خطر هرج و مر ج و اغتشاش آنانرا بطرف انحطاط و نابودی سوق میداد ولی در همین لحظه حساس روح تازه ای در میان آنها دمیدن گرفت که نه تنها علوم و فلسفه یونان را برای سراسر جهان آن روز محفوظ نگاهداشت بلکه ضعف آنانرا به نیروئی شگرف مبدل ساخت که آن نیرو تاحدزیادی موجب اصلاح خاور بزدیک گردید و حتی اروپا هم از نتایج آن بطور غیر مستقیم برخوردار شد.

این نیروی تازه عبارت از هلنیزم (Hellenism) بود که از خون تازه و قوه تازه مقدونیه (Macedon) بوجود آمد.

تحت جوشید، نقش بر جسته شیر و گاو که مکرر در بله کانها حجاری شده است



تبرستان
www.tabarestan.info

مقدونی‌ها در توسعه و ترقی فرهنگ یونان اقدامی نکردند ولی از آن نتایج نیکوئی گرفتند.

مقدونی‌هادارای آنچنان خواص تهاجمی بودند که توانستند فرهنگ یونان را تا حدی پیش برآوردند که اگر آن تهاجم و تحریک لازم مقدونیه ظاهر نمیگشت بطور حتم فرهنگ یونان کم کم ضعیف شده و از هیجان میرفت. به حال در اثاین تهاجم اتفاق و مردم‌های گوناگونی بوجود آمد که از آن زمان تا کنون در تاریخ بشر سبق نداشته و نداند.

خاصیت اصلی هلنیزم چنین بود که فرهنگ و عقایدی را که با آن تماس میگرفت محظوظ و یا ناقص نمیساخت بلکه از مجموع آنها چیزهای لازم بیرون میکشید.

هلنیزم روح اغماض کننده و دموکراسی داشت و طبعاً از جنبه بازرگانی و استعماری هم سهم وافری میبرد.

با یک دست فلسفه آریائی ایران و هندوستان و با دست دیگر داستانهای تیوتونیک (Teutonic) جن و پری اروپا را حفظ میکرد.

دوران حیات واقعی و عملی این نهضت پیش از چند قرن دور نیافت ولی تأثیر و نفوذ آن در فلسفه و مذهب و علوم (مخصوصاً در خاور) خیلی مهم و قابل توجه بود به حال چه در آسیا و چه در اروپا سالهای متعددی اساس موضوعات علمی روی تحقیقات یونان دور میزد و موقعی که اروپا خواست مطالعات خود را ادامه دهد به مفسرین و محققین عرب مراجعه شد در صورتی که آنها هم از سرچشمه عملی و فلسفی یونان استفاده میکردند.

افسانه‌هایی که راجع به اسکندر کبیر در داستانهای هشتر زمین موجود است بهترین دلیل برای اثبات این مدعای است زیرا طبق داستان‌ها

اسکندر از طرفی سرداری بزرگ وفاتی دلیر جلوه گردشده و از طرف دیگر اورا عامل و رواج دهنده علم و تمدن هلنیزم ذکر کردند.

بطور قطع و یقین گذشته از استعداد نظامی و سپاهی گری عوامل دیگری هم برای پی بردن به علل پیشرفت سریع اسکندر وجود داشته است که با ید مطالعه کنند گان تاریخ آن عوامل مهم و مؤثر را از نظر دور ندارند. البته امپراطوری ایران در آن زمان ضعیف و ناتوان شده و بهای بالات متعددی تقسیم گردیده بود و از این گذشته مردمانها و مقابدانهای که دنیا را دچار رحمت و مرارب ساخته بود میباشدستی دیرینه فرود آثار متزلزل خود را آشکار سازد.

خلاصه مطلب مدتها که کمتر از ده سال بود کافی شد که اسکندر مقاومت امپراطوری ایران را درهم بشکند و سلسله هخامنشی را منقرض سازد آسیای صغیر و سوریه و مصر و بنین النہرین و ایران و باکتیریا (Bactria) یا ترکستان و هند شمالی را تحت سلطه واستیلای هلنیزم درآورد.

پیروزیهای شخص اسکندر چندان دوام نیافت زیرا او در سال ۳۲۳ قبل از میلاد مسیح از این جهان رخت بر بست ولی شهرت و نفوذ وی مدتها باقی ماند.

نام اسکندر در قرآن ذکر شده است^۱ و در افسانه‌های جنگجویان ملی ایران اورا یکی از افراد خاندان هخامنشی میداند و همین موضوع بخصوصی میرساند که در استانهای ایرانی جدیت خاصی بکار می‌رود تاهرچه را خوب و مورد پسند باشد به ایران نسبت دهند.

امپراطوری عظیم و وسیع اسکندر را چندی سلوکوس (Seleucus)

۱- در قرآن مجید اسمی از اسکندر برده نشده و تصویر می‌رود که مقصود مؤلف کتاب کلمه ذوالقرنین باشد که در بعضی از سوره‌ها بچشم می‌خورد. مترجم

سردار بزرگش اداره میکرد و همین مدت کوتاه کافی بود که یونانی‌ها و مقدونی‌ها با استعداد متفوق تصوری دراداره امور مستعمرات موقعیت خویش را مستحکم سازند.

در آن هنگام ارتباط کاملی بین اشرافیت مقدونیه و اشرافیت ایران برقرار گردید. مستعمرات یونان در همه جا مخصوصاً در باکتریا که امروزه ترکستان نامیده می‌شود مستقر شده‌اند که هم‌آن‌ثار آن ازموی بور و چهره باز و روشن پاره‌ای مردم ترکستان بخوبی مشهود است.

امپراطوری اسکندر مانند هر امپراطوری وسیع دیگری بزودی به دولت‌های مستقل کوچکی تقسیم گشت. خاندان سلوکوس که آفان را سلوکید (Seleucids) مینامند قریب به یک‌صد سال دیگر در خاور تزدیک سکونت داشتند و در همان موقع سلسله دیگری بنام پطالسه (Ptolemies) در مصر تأسیس یافت.

مقدونیه چندی دور از صحنه‌های مبارزه بزنده‌گی خود ادامه میدارد و پس از آن نخستین قربانی دولت مقتدری شد که بنام روم (Rome) از مغرب قیام کرده بود.

در همان ایام سلسله مقتدر تازه‌ای در ایران پدیدار گشت که توانست سلوکیدها یعنی سلسله سلوکوس سردار معروف اسکندر را که در اثر طول زمان ناتوان وضعیف شده بودند منقرض سازد.

پارت‌ها نظر به پاره‌ای ملاحظات در تاریخ رزمی ملی ایران نام و نشانی ندارند و از این گذشته دوره پانصد ساله سلطنت آنان بواسطه ایجاد شکافی عمیق چنان بدست فراموشی سپرده شده است که نشانی هم از آن در دست نیست و چنین بنظر میرسد ساسانیان که در قرن سوم بعد از میلاد مسیح

بروی کار آمدند بالا فاصله بعد از انقراض هخامنشیان در قرن چهارم قبل از میلاد مسیح به سلطنت رسیده‌اند و در خلال این چند قرن یعنی بین قرن چهارم قبل از میلاد و قرن سوم بعد از میلاد واژ هخامنشیان تا ساسانیان، اشکانیان وجود خارجی نداشته‌اند و ممکن است این موضوع از آن نظر باشد که اشکانیان اصلاً ایرانی نبوده و تورانی هستند ولی در هر حال با وجودی که نفوذ آنان چندان داشت در تاریخ ایران مقام مهمی را حائز می‌باشند.

در سال دویست و پنجاه قبل از میلاد اشکانیان اوامپراطوری سلوکیدها جدا شدند و بزودی بر ضد آنان قیام کردند ولی تامدی سلوکیدها علاوه بر جلوگیری از پارت‌ها بفتحاتی هم نائل می‌شدند چنان‌که در سال ۲۰۶ قبل از میلاد مسیح آنتیوچ کبیر (Antioch) تا هندوستان هم پیش‌رفت ولی با وجود تمام اینها جانشین‌های اسکندر از مدتها قبل رو بسقوط میرفند و همین‌که مقدونیه در غرب در تحت استیلای جمهوری جدید و حریص روم قرار گرفت بخوبی معلوم و آشکار بود که سلوکیدها هم در شرق بزودی سقوط کرده و منقرض خواهند شد.

سلوکیدها که وظایف خود را در استحکام مقررات و مبانی هلنیزم انجام داده بودند می‌باشند دیر یا زود جای خود را به نیروی فاتح تازم تری بدنهند.

امپراطوری آنان بین رومی‌ها و پارت‌ها تقسیم شده دو کشور کوچک پادشاهی از میان آن خرابه‌ها باقی ماند که یکی از آنان پادشاهی کوچک پونتوس (Pontus) در آسیای صغیر و دیگری دولت ارمنستان بود. ارمنی‌ها که از نژاد آریائی بودند از طرف مغرب پیش آمده و در جنوب

قفقاز سکونت گزیدند و از همان موقع دچار یک سلسله وقایع غمانگیز تاریخی گشتد که هنوز هم پایان نیافرده است.

دو دولت ضعیف و پوشالی پونتوس وارمنستان در درجه اول باعث و سبب شدند که رومی‌ها و پارت‌ها را بایکدیگر اصطلاح دهند و تا مدتی هم همین اصطلاح موجب شد که هردو دولت پوشالی مذکور استقلال خود را حفظ کنند و حتی در خلال آن مدت فاحدی هم بر قدرت خود بیفزایند تا آنکه آخر الامر در سال شصت قبل از میلاد مسیح هردو کشور بتصرف پمپی (Pompey) درآمدند.

رومی‌ها و پارت‌ها با بایکدیگر هم مرز شدند بطوریکه هر کدام تا هرجا میتوانستند پیش میرفتند.

در سال ینجاوه و سه قبل از میلاد مسیح رومی‌ها پس از جنگ سختی در کاراهی (Carihae) که آکنون حران (Harran) نام دارد و دریکی از نقاط سرحدی دولتین سوریه و ترکیه واقع است شکست خوردند و از آن تاریخ بعده پیشرفت و موقعیتی در شرق نصیب آنان نگردید.

در حدود دو قرن بعد زد خوردگاهی که هدف معین و مشخصی نداشت بین رومی‌ها و پارت‌ها آدامه یافت و گاهی هم موقیت‌هائی نصیب طرفین میشد تا آنکه هردو طرف متخاصم دچار ضعف داخلی گشتد.

از دو دولت متخاصم^۱ این طرفی که از پای درآمد پارت‌ها بودند اما به صورت آنان تکالیف و وظایف خود را از نظر مسئولیتی که نسبت به حفظ و حراست کشورشان داشتند انجام دادند زیرا در مدتی که متباوز از سه قرن میشود از تجاوزات یک دولت نیرومندی که میخواست قلمرو فرمانروائی خود را توسعه دهد و تمام دولتهای را که در سرراه خود می‌ساخت

بدون اندک ترحمی از پای درمی آورد مقاومت کردند و از تجاوزات بی حدو
حضرromی ها جلوگیری نمودند.

هنگامی که اشکانیان یعنی پارت ها از کار میافتادند حریف آنان
یعنی رومی ها هم ناتوان شده بودند و خدمت بزرگی که پارت ها بتاریخ
ایران کردن همین قضايا بود.

پارت ها در قسمت فرهنگ کلمه همی انجام نداده اند و در این باره
آثاری از آنان در دست نیست.

امپراطوری پارت ها که از شمال شرقی ایران آغاز شد بگردید و در اندک
زمانی در سراسر کشور توسعه یافت از حکومت های ملوك الطوایف تشکیل
می گردید و تحت نظر مستقیم خاندان سلطنتی اشکانیان اداره میشد و
حکومت روحانی و مذهبی آن دوره هم با منغ ها بود.

نیروهای اصلی پارت ها را سپاهیان چریک ملوك الطوایف تشکیل
میدادند. این سپاهیان ظاهرآ از اصول فنی و علمی جنگی اطلاعاتی نداشتند
و فقط با تاکتیک ساده ایلاتی میجنگیدند و یگانه مهارت آنان این بود که
بقول امروزی ها بخوبی میتوانستند بطور دروغی عقب نشینی کنند.

مذهب پارت ها نوعی مذهب زرتشتی هاند بود که با پرستش اجداد و
خورشید و ماه وارباب انواع یونان و عقاید خرافاتی سامی ها توأم گشته و
بقول معروف مذهبی هفت رنگ شده بود.

در زمان سلطنت اشکانیان زنان گوشنه نشین بوده و در پرده میزیستند
و پرده ای از فرهنگ «هلنیک» بر روی همه چیز کشیده شده بود.

مذاهب یونانی برای پیروان آئین یونانی و یهود و مسیحیت احترامی
قابل بوده و آزادی آنان را رعایت می گردند.

گرچه زبان رسمی آنروز اشکانیان پارتی بود که حالا بنام زبان پهلوی شهرت یافته است ولی ادبیات آنان از منابع ادبی یونان سرچشم میگرفت و نیز ارتباطی هم با چین داشتند که در آن موقع دولت مهمی شده قدرت و توانائی خود را در باختراهم جلوه گرساخته بود.

در سال یکصد و پنجاه قبل از میلاد مسیح حمله قبایل هون (Hun) بسرحدات شرقی پارتها از وقایع مهمناریخ است که زبان آن مستقیماً متوجه اشکانیان گردید.

از آثار معماری اشکانیان میتوان معبد و آثار مسجد سلیمان را نام برد که در میدانهای نفت خوزستان و در تزدیکی شرکت نفت انگلیس و ایران^۱ قرار دارد.

اشکانیان بساختن طالارهای مسقف و طاق نماها با سقف های ضربی و طاق نمادار شهرت دارند.

۱ - در سال ۱۳۲۶ نفت ایران ملی شد و از همان تاریخ شرکت نفت انگلیس و ایران تعطیل و مؤسسات آن به شرکت ملی نفت ایران واگذار گردید. مترجم

فصل هشتم

سلسله ساسانيان تبرستان

در سال ۲۲۶ بعد از ميلاد مسيح اردشير پسر سasan آخرین پادشاه سلسله اشکاني را مغلوب ساخت و از طرف مشرق تاهنده‌ستان پيش رفت و پس از آن متوجه مغرب گردید، ارمنستان را از پاي درآورده و امپراطوری روم را که از هر حيث ضعيف شده رو با حفاظت و نابودی ميرفت بمبارزه طلبید.

با اين ترتيب سلسله ساسانيان پديدآمد اوضاع و احوال هم با آنان مساعد گشته و ترتيبی پيش آمد تا تو استند جائی را در تاریخ ایران بگيرند که درجه دوم هخامنشيان باشند و بقدري داستان فويسان ايراني در اين مورد تدقیقه‌اند که ساسانيان را بدون واسطه به نيا کان مشهور خودشان هخامنشيان چسبانده‌اند.

طبق روایات ايراني اردشير پسر سasan را از اولاد برادر بهمن دانسته‌اند و بطور يك‌ها اطلاع‌داريم بهمن نحس‌تین کسی است که تاریخ ایران او را قهرمان ملی ایران میداند و این انتساب هم بهيچوجه درست نیست زيرا اردشير يك‌ی از امراء‌ی دست‌نشانده پارت‌ها بوده است ولی روح



تخت جمشید نقش بر جسته داریوش و خشايارشاه از کاخ سه دروازه یا کاخ مرکزی

تبرستان
www.tabarestan.info

افسانه‌سازی ایرانی بقدرتی قوی است که اردشیر مؤسس سلسله ساسانی را در شمار سلاطینی قرار داد که دارای مقام روحانیت و ارتباط آسمانی بوده‌اند.

در موقع تسلط اعراب بر ایران هم بهمین نوع احساسات ملی
برخورید

تاریخ سیاسی ساسانیان مشتمل بر یک سلسله جنگهای طولانی است که بارومی‌ها داشته‌اند و از سال ۳۷۰ میلادی بعد از آن امپراطوری بیزانس (Byzantine) یعنی روم شرقی در جدال بوده و کاهی هم در مشرق با هون‌ها و ترک‌ها زد و خورد کرده‌اند.

از سلسله ساسانیان پادشاهان بزرگ و سرداران شجاعی برخاسته‌اند. شاهپور اول در سال ۲۶۰ میلادی والرین (Valerian) امپراطور روم را اسیر کرده به ایران آورده و پادشاهان دیگر این سلسله عبارتند از شاهپور کبیر (۳۰۹-۳۷۹ میلادی) بهرام گورشکارچی معروف (۴۲۰-۴۴۰ میلادی) انسیروان دادگر (۵۳۱-۵۷۹ میلادی) که در زمان سلطنت آنان سازمان امپراطوری ایران تجدید شد - قوانین لازم بمنظور رفاه و آسایش مردم تنظیم و تدوین گردید - راهها و پلها ساخته شد - سدها و محاری آبیاری احداث گردید.

باید با این نکته توجه داشت که پادشاهان ساسانی تنها هم خود را مصروف جنگهای تاریخی و توسعه خاک سرزمین قلمرو فرمانروائی خود نمی‌کردند بلکه اصلاحات داخلی و رفاهیت اهالی مملکت هم همواره مورد

۴ - هون و یاهان نام نزد اربدیر آسیائی است که در سده‌های چهارم و پنجم میلادی در اروپا تاخت و تاز کرده‌اند و آنان را خراب‌کنندگان آثار تمدن هم می‌کفتند. مترجم

نظر آنان بود.

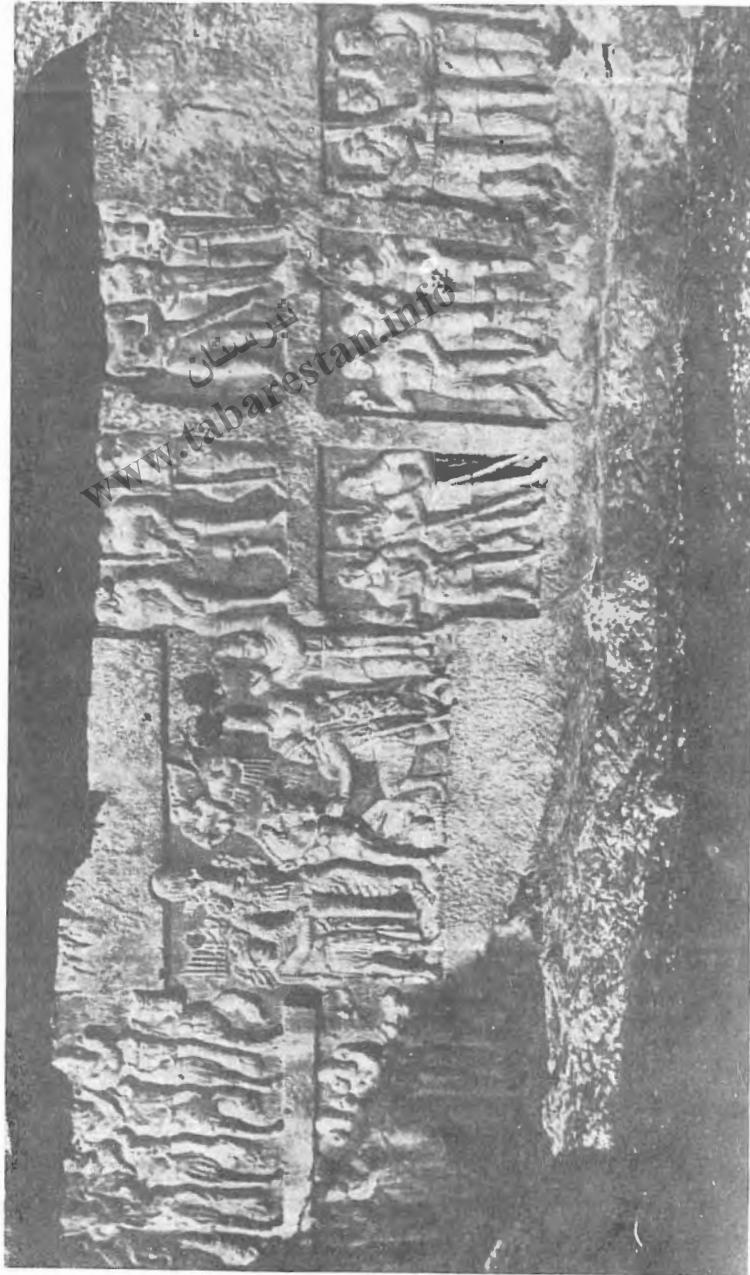
راهها، پلها و وسائل آبیاری آنها از بهترین نوع عصر خودشان بشمار می‌آمد و آثار آن هنوزهم در نقاط جنوبی و غربی کشور ایران دیده می‌شود که از آن جمله بند قیصر در شوستر و سد آب گرگر در صحرای خوزستان را میتوان نام برد.

ایوان مشهور و معروف مدائن تیسفون (Ctesiphon)^۱ که در نزدیکی بغداد پایتخت کشور عراق واقع است و همچهین کاخ‌های فخر شیرین و کازرون و نیشاپور و محلی موسوم به نقش رسم که در نزدیکی کرمانشاه واقع شده و در آنجا عکس رستم را حکا کی کرده‌اند نمونه‌ای از کارهای ساسانیان می‌باشد.

ساسانیان به ورزش و بازی‌هایی که نیروی تن را زیاد می‌کند خیلی اهمیت میدادند. چو گان بازی را خیلی دوست داشتند. پیدایش بازی شترنج را در ایران آنان نسبت میدهند و از همه بالاتر آنها برای ترویج ادبیات اقدامات اساسی بعمل آورده‌اند و صاحبان علم و هنر را گرامی داشتند.

۱- ایوان مدائن یا طاق کسری که در محلی بنام سلمان پاک واقع است بینندۀ را دچار حریت می‌سازد و خود اینجانب همین امسال که برای گذراندن ایام تعطیل عید به عتبات عالیات مشرف شده بودم از طاق کسری دیدن کردم و از اینکه نیاکان ماجنی بنائی را از خود بیاد گارگذاره‌اند در خود احساس غرور و سر بلندی نمودم. البته خوانندگان گرامی هر وقت سال که بسیدن طاق کسری بروند این ایمان زیادی را در آنجا خواهند دید. سبک معماری و ساختمان این ایوان بینندۀ را دچار حریت می‌سازد و تعجب در این است که در آن موقع بانی‌بودن وسایل لازم چگونه توانسته‌اند ایوانی باین عظمت را بسازند. مقبره سلمان پارسی که از اصحاب عالیقدر حضرت محمد بن عبدالله (ص) بوده است در ۳۰۰ متری طاق کسری واقع است و بهمن جهت آنجا را سلمان پاک مینامند که شیعیان مولای متقیان علی علیه السلام همگی برای زیارت قبر سلمان پارسی آنجامیرون و باز طاق کسری هم که جزء مفاخر ملی ایرانیان است دیدن می‌کنند. مترجم

نقش بر جسته مناظر مختلفی از آثار ساسانی واقع در تپک چوگان کازرون



تپه چوگان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

بیماری از داستانهای حماسی و ملی ایران در زمان آنان جمع‌آوری گردید. کتاب مذهبی اوستا که بصورت جزووهای کوچکی بود بدستور ساسانیان جمع‌آوری گردید و با تفسیر در یک جلد بزرگ تدوین شد. لازم است درباره زبانهای مختلفی که نام آنان در موقع مطالعه ادبیات ایران بچشم میخورد نکته مهم و قابل توجهی را باطلاع خوانند گان گرامی بررسیم.

مطابق تحقیقاتی که بعمل آمده قدیمی ترین زبانهای ایران زبان اوستائی میباشد و اینطور استنباط میشود که زبان اوستائی همان زبانی باشد که مدها آن سخن میگفتند. پس از آن زبان قدیم هخامنشیان می‌اید که روی آثار آن سلسله حجاری کرده‌اند. سپس زبان پارتها یعنی اشکانیان که همان زبان پهلوی باشد رواج پیدا کرد که مورخین آنرا زبان متدالوی تاریخ ادبیات ایران دانسته‌اند و مربوط به اشکانیان و ساسانیان میباشد.

زبان کتوئی ایران زبانی است که پس از استیلای اعراب به ایران تحت تأثیر زبان عربی واقع گردید و بالفبای عربی پدید آمده است.

اوستا در آغاز بالفبای مخصوص بخود نوشته میشد ولی اوستای دوره ساسانیان بالفبای تازه‌تری نوشته شد که آثار عوامل آسوری و آرامی نیز در آن خط دیده میشود.

کتاب زند یا تفسیر اوستا با خاطر دوره ساسانیان نوشته شده است و بعداً تفسیرهای دیگری موسوم به پازند را با خطوط اوستائی و یا عربی (فارسی) نوشته‌اند.

چون در زمان سلطنت پارتها، مغها ضعیف شده بودند و مذهب زرتشت نیز فاسد گشته بود ساسانیان کوشش زیادی کردند که آئین زرتشت زا پیا کی

تحسین بر گردانند و حقیقت مذهب را همانطوری که قبل از آن بوده است مستقر سازند و نفوذ باستانی آریائی را با تشریفات مذهبی که از میان رفته بود بهمان صورتی که روز اول بوده است دوباره تجدید کنند.

یکی از جالب‌ترین آن موضوعات آئین میترائیسم (Mithraism) بود. این آئین زمان پمپی در امپراتوری روم پدید آمد و چنین بنظر میرسید که این آئین میتواند احتیاجات آن پیروز مردم را مرتفع سازد زیرا تعلیمات آن عمیق‌تر و مراتب بهتر و روحانی تراز پرستشی خدا یافته‌اند و ماده جاده‌جو و عشقی یونان و روم بشمار می‌آمد و تامدی هم رفیق‌حدی مسیحیت بود و شاید هم شکست و سقوط آن بیشتر از این جهت بود که به مادیات زیادتکیه داشت و مبانی اخلاقی را کمتر رعایت نمی‌کرد.

جانشین میترائیسم رومی در ایران آئین مانی بود که اهمیتش از میترائیسم بمراتب بیشتر شد.

آئین مانی در قرن سوم میلادی درست در موقعی که ساسانیان مشغول استحکام مبانی دینی خود بودند ظهر کرد.

تعلیمات این مذهب جنبه‌انتخاب و گلچینی داشت و برای تفاهمنی مذاهب زرتشی و مسیحیت و بودائی و آسوری کوشش می‌کرد و در عین حال برخلاف تعلیمات زرتشت که ارزندگانی مادی و آسوده طرفداری می‌کرد آئین مانی زندگانی افزوا و رهایت را سفارش مینمود و بر عکس مذهب زرتشت که عناصر جسمانی و روحانی را در اصل خوبی مشمول میدانست مانی معتقد بود که جهان مادی نتیجه اختلاط نور و ظلم است و بنابراین شرارت کامل می‌باشد و بهمین دلیل برهم زدن جهان مادی مورد پسند واقع می‌گشت و هر عملی که از قبیل ازدواج وغیره موجب ادامه حیات گردد جزء اعمال خبیثه بود.

این موضوع تاحدی شگفت‌آور است که اگرچه مانی، بودا و مسیح وزرتشت را برسمیت می‌شناخت ولی با مطالعه مقررات آئین او بخوبی استنباط می‌شد که تعلیمات مانی مخالف با تمام آن مذاهب می‌باشد و بهمان جهت پیروان مانی دائماً در رنج و عذاب بودند.

با وجود تمام اینها آئین مانی توسعه و انتشار یافت و کشورتی مرکز آن شد و در قرن سیزدهم میلادی اساس بدعت‌های مشهوری بنام آلی جن-سیس (Albigenses) گردید.

افکار و عقاید منفی و خراب‌کننده مانی با طبعت ایرانیان تناسب داشت زیرا اینگونه نهضت‌ها در ایران سابقه دارد. در قرن ششم میلادی پیامبر دیگری بنام مزدک از ایران برخاست او نیز مردم را بر بہانیت و اژروا می‌خواند.

مزدک متهم به دارابودن و نشر افکار کمونیستی بود ولی این قسمت یعنی کمونیستی مزدک تهمتی است که کهن‌پرستان بهر فلسفه تازه‌ای وارد می‌آورند. سیاست ساسانیان نسبت با افکار و عقاید تازه بطور کلی سیاست تسامح و تا حدی هم تشویق آمیز بنظر میرسید. مثلاً تعلیمات جدید افلاطون که به ایران آمد و مورد مطالعه قرار گرفت جای خود را محکمنگاه داشت و آنقدر دوام آورد که در فلسفه اسلامی نیز نفوذ یافت و بالاخره به نهضت صوفیگری قرون وسطی منتهی شد و باید بین نکته توجه داشت فقط در موقعی که آئین و بدعت تازه استحکام مبانی دولتی را متزلزل می‌ساخت با کمال شدت و در اسرع وقت ازین میرفت.

آئین مزدک با قساوت و بی‌رحمی زایدالوصی در هم شکست و تاریخ مسیحیت بخوبی نشان میدهد که در دوره ساسانیان سیاست آن سلسله بروی

ملاحظات عملی استوار بود و همینکه در سال ۳۲۳ میلادی کنستانتین کبیر به آئین مسیح گروید و دین مسیح مذهب رسمی امپراتوری روم شد مسیحیان ایران مانند ستون پنجم در این سرزمین معرفی شدند و تمامی آنان را متهم کردند که از دشمنان تاریخی ایران یعنی رومی‌ها مسیحی طرفداری می‌کنند و در سال ۴۲۴ میلادی این اختلاف بقدری شدت گرفت و احساسات ملی ایرانیان بطوری برانگیخته شد که مسیحیان شرقی استقلال خود را اعلام کردند و کلیسای آنان از کلیسای مسیحیان غربی جدا شد اما ساسانیان نظر بمقتضیات سیاسی طوری عمل کردند که علاوه بر جدائی دسته‌های مختلف مسیحیان و ایجاد نفاق و کندورات بین آنان بجنگ‌های مذهبی با یکدیگر مشغول گشتند و در همان موقع بود که بواسطه بدعت نسطور (Nestorius) اسقف اعظم قسطنطینیه عقاید مسیحیت بشعبات متعددی تقسیم گردید.

چنین بنظر میرسید که ایجاد این اختلاف بواسطه دقت و موشکافی در عقاید مسیحیت پدید آمده است ولی باید خوانند گان گرامی آگاه باشند که این موضوع جنبه سیاسی داشت و مانند سایر موارد آنرا برنگ دین و عقاید مذهبی جلوه گر ساخته‌اند.

نسطور عقیده داشت که حضرت مسیح دارای دوزات و دو طبیعت است و کلیسای مغرب معتقد بود که این پیغمبر مرسل یک ذات دو طبیعت داشت و بیزانس‌ها به پیروی از فلسفه مونوفیزیات^۱ (Monophysite) می‌گفتند که اودارای یک ذات و یک طبیعت بوده است.

پادشاهان ساسانی از این فرصت استفاده کردند و از زرتشتی شدن

۱ - مونوفیزیات کسی که عقیده دارد باینکه مسیح دارای یک ذات است و بس . مترجم

مسيحيان چشم پوشيدند و در مقابل آسوری های بین النهرين را تشویق میکردند تامذهب نسطور را پيذيرند و از کلیسای بیزانسیوم جدا گردند. ارمنی ها به فلسفه مونوفیزیات که مسیح را دارای يك ذات و يك طبیعت معرفی میکرده متمسك گشتند ولی با وجود قبول این فلسفه از عقاید بیزانسیوم اطاعت نکرده و از کلیسای آنان جدا شده کلیسای دیگری برای خودشان تشکیل دادند که کلیسای هردو دسته تاکنون باقی است.

نسطوری ها در واقع عادت و سیرت ایوانی داشتند و مثیغین آنها برای ترویج عقایدشان تاهنستان و چین و نقاط دیگر عالم رفتند و حتی معتقدند که ایوز مقدس (St.Ives) اسقف اعظم ایرانی بوده و در قرن ششم میلادی است در اوآخر سلطنت سلسله ساسانی نفوذ نسطوری ها در ایران بسیار قوی بود بطور يك همسر خسرو پرويز آخرین پادشاه سلسله ساسانیان مسيحي بوده است.

فصل نهم

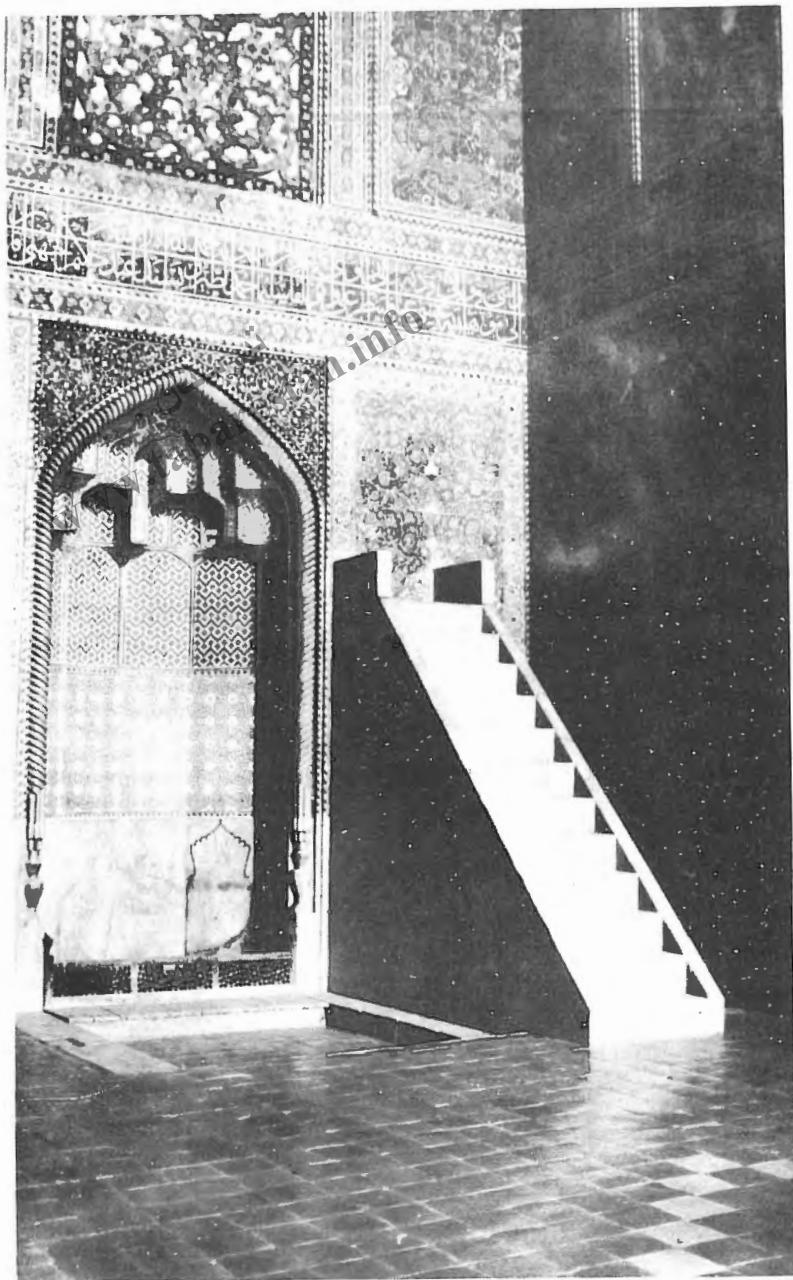
ظهور پیامبر اسلام

ما تاکنون ایرانی را مورد مطالعه قرار داده بودیم که بندرت تحت سلط و حکمرانی ییگانگان بوده است.

مهاجمین ییگانه با رها کشور ایران را مورد تاخت و تاز قراردادند وفاتیین بزرگ و موفق جهان هم باین کشور روی آورده اند و گاهی هم در این سرزمین نفوذ آنان قدرت و قوت بسزائی یافت ولی این تجاوزات و این سلط و فرمابروانی ها نتوانستند تأثیر عمیقی در توده سخت و محکم ایران داشته باشند.

چنین بنظر میرسد که فقط یک قدرت جهانگیر دارای این شانس شد که بتواند طوری بر توده ایران تأثیر بخشد که سرش آنرا بلکی عوض کند و ایرانی را باطرز فکر و عقیده جدیدی غیر از آنچه قبل از بود در آورد.

موقعی که اعراب هجوم بی سابقه خود را بخارج از عربستان آغاز کردند بادو امپراطوری موافقه گشتند که عبارت بودند از امپراطوری روم و امپراطوری ایران و هر دو امپراطوری بواسطه جنگهای خارجی و کشمکش های مداوم داخلی ضعیف شده و هر دو بیش از حد معمول یک امپراطوری دوام یافته بودند.



اصفهان، محراب کاشی کاری نفیس و منبر سنگی مدرسه چهار باغ، از آثار صفویه

تبرستان
www.tabarestan.info

اعراب امپراطوری اول را که همان امپراطوری روم باشد در آسیای صغیر مجبور به عقب نشینی کردند و امپراطوری ایران راهم بلکی از پیام در آورده منقرض ساختند.

این اولین باری نبود که ایرانیان با اعراب تماش حاصل کردند زیرا قبل از آنهم کشورهای کوچک سلطنتی عرب در صحراهای سوریه وجود داشتند که با ایرانیان در تماس بودند و از آن حمله میتوان کشور سلطنتی حیره را در عراق و غسان را در سوریه نام برد.
این کشورهای کوچک سلطنتی با در نظر گرفتن مصالح خودشان و مقتضیات روزگاهی تابع امپراطوری ایران بودند و گاه خود را تحت - الحمایه بیزانسیوم یا روم شرقی میدانستند.

در جنوب عربستان که حالا بنام یمن معروف است کشور پر نعمت حمیری‌ها حکومت میکرد که در سال ۵۷۶ میلادی ایرانیان این دولت را بلکی منقرض ساختند و در همان موقع بود که ارشش ساسانیان مهاجمین را از جبهه آنطرف ساحل دریای قمر زراند.

وافعه مهمن دیگری که در سال ۶۱۰ میلادی روی داد این بود که اعراب حیره در ذوقار قوای ایران را شکست داد ولی هیچ یک از این وقایع علت سقوط ساسانیان نبوده است.

در تاریخ اولیه خاور نزدیک اعراب گاهگاهی بعنوان افليت بی اهمیتی خودنمایی میکردند.

سازمانهای بدروی و ساده آنها مانع از آن بود که اهمیتی پیدا کنند و مورد توجه دول آنروز جهان واقع گردند
تشکیلات آنها عبارت از تشکیلات عشايري غیر مرتبی بود و بیشتر زندگانی آنان از حمله و غارت یکدیگر میگذشت و تاموقعي که یک روحیه

غیر عادی در میان این اعراب دیده نشد نتوانستند با هم متحد شوند.
مذهب و زندگانی اجتماعی اعراب خیلی ساده می‌گذشت.

ابتدا مذهب آنان آنی میزم (Animism) خالص بود و معتقد بودند که درخت‌ها و سنگ‌ها و چشم‌های سارها دارای روح هستند و آنها را می‌پرستیدند.

متدرج آفکار آنان ترقی کرد و هر طایفه‌ای برای خود خدائی انتخاب کرد و هر شهری بیک آئین و بیک الوهیت خاصی قائل گشت که از اطراف برای زیارت آن خدائی انتخابی میرفتند.

این رویه بدون تردید برای پیشرفت امور اقتصادی اتخاذ شد زیرا هر شهری که خدائی قبیله‌وطایفه در آن شهر بود مرکز تجارت و تمدن می‌گردید. مکد و مدینه از شهرهای حجاز که در سرراه کشور حاصلخیز و پر نعمت یمن قرار داشتند از شهرهای عمده عربستان بشمار می‌آمدند و در این دو شهر مذهب اعراب بواسطه نفوذ محیط خارج اصلاح گردید.

قویترین عنصر و عامل این نفوذ خارجی آئین ماندیان (Mandaean) یا صابیان (Sabaeans) که آنرا یمنی هم می‌گویند بود که با احتمال قوی از دریشة بالی‌ها باشد.

اساس این آئین ایمان بخدای یگانه بود که شاید قبل از توحید یهودیان و مسیحیان در میان اعراب رسوخ داشت اما نباید فراموش کرد که توحید دو آئین موسی و عیسی هم در میان عرب‌ها نفوذ زیادی داشته است. آئین ماندی یا ماندیان تا کنون در میان صابیان کشور عراق باقی است. سیاحان و جهانگردانی که بخاور میانه می‌آیند آثار حکاکی صابئی‌ها را خوب می‌شناسند که بنام کارهای عماره شهرت دارد.

چون صابئی‌ها رسوم تعمیدرا مجری میدارند بعضی‌ها اشتباه‌آنان را پیرو یحیای تعمیددهنده دانسته‌اند. نفوذ آئین مسیح از طرف دولت‌های کوچک غسان و حیره در میان اعراب پدیدآمد.

در این دو کشور عناصر آرامی نفوذ و رسوخ مهی داشتند.

يهودی‌ها در مکه و مدینه و یمن سکنی گزیده بودند.

سنگ سیاهی که به حجر الاسد معروف است در خانه کعبه که در شهر مکه واقع است قرار دارد و بهمین جهت این شهر از قدیم‌الایام زیارتگاه کلیه اهالی عربستان محسوب می‌شد و همین امر مسب کردید که طایفه قریش که جنبه پیشوائی مردم را داشت توانست نفوذ و احترام خاصی برای خود پیدا کند.

در حدود سال ۵۷۰ میلادی خداوند متعال به عبدالله نواذه هاشم از سران قبیله بزرگ قریش پسری عطا فرمود که او را محمد صلی الله علیه و آله نام نهادند و مقدر چنین بود که همین محمد صلی الله علیه و آله در پایان زندگانی بی حادثه و آرامی قیام کند و طوفان فتوحات و شور عظیم مذهبی را که از عربستان پدیدآمد اداره نماید.

چنین بنظر میرسید که محمد ﷺ در آغاز کار نماینده یک عدد تجار مکه بود^۱ محمد ﷺ جوانی جدی، باهوش، با فکر و پرهیز گار بود و بزندگانی تجملی علاقه‌ای نداشت. او بایک بیوه زن ثروتمند مسن‌تر از خودش ازدواج کرد^۲ وزندگی بی سروصدائی را آغاز نمود.

۱- محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله پیامبر بزرگ اسلام و خاتم الانبیا در ابتدا نماینده باز رگان امکه بود و در اثر درستی و صداقت با آن حضرت لقب امین دادند.

مترجم

۲- منظور مؤلف حضرت خدیجه الکبیری سلام الله علیها زوجه پیغمبر اکرم و مادر فاطمه زهراء علیها السلام است. مترجم

مذا کرات محمد ﷺ با یهودیان و مسیحیان باعث شده بود که او نسبت بخدایان متعدد نر و ماده (الله و الهه) متنفر گردد و از بتپرستی هم میهنان خویش نیز بیزار شود و بالاخره شوق و شور مذهبی که در نهاد محمد ﷺ نهفته شده بود اورا برآن داشت که باین نروماده پرستی‌ها و بتپرستی‌ها خاتمه دهد و آنگاه از طرف حضرت احادیث بر سالت انتخاب شد و بجهانیان اعلام داشت که فرستاده خداوند متعال هستم و برای رستاخیز نوع بشرآمدام .

فعالیت بی نظیر محمد ﷺ در اثر ابلاغ پیام‌هائی که یکی از ملائکه‌های آسمان بنام جبرئیل امین باو میرساند باعث شد که طایفه بتپرست خودش از وی دوری جویند بقسمی که ناچار از مرز و بوم خود مکه به مدینه نقل مکان کرد و این انتقال که در عرف مسلمانان هجرت مشهور است در یستم ماه سپتامبر سال ۶۲۲ میلادی صورت گرفت و بقدرتی این اقدام پیغمبر اسلام جدی و مهم بود که مبدأ تاریخ مسلمانان جهان شد.

محمد ﷺ در مدینه زمینه مناسب تری برای انتشار تعلیمات خود یافت و فقط کلنی‌های یهود شهر مدینه با او مخالفت داشتند و همین اختلاف باعث شد که یهود و اسلام از یکدیگر جدا گشته.

در سال ۳۰ میلادی محمد ﷺ با پیروزی بهمکه بر گشت و در خلال این چند سال هجرت و باز گشت با حوادثی موافق بود که گاه بشکست و گاه پیروزی وی انجام میافتد ولی از همان تاریخ یعنی سال ۳۰ میلادی پیشرفت نهضت مقدس این پیامبر بزرگ محقق گردید.

دو سال بعد مرگ محمد ﷺ مانع از آن شد که انتشار دین مبین

اسلام را در خارج مرزهای عربستان بییند ولی شکی نیست که پیامبر بزرگ
اسلام یقین داشت آئین حقه اوجهانگیر میگردد و بهمین جهت در سال ۶۲۸
میلادی رسولانی از طرف خود نزد هراکلیوس (Heraclius) امپراتور
بیزانسیوم یا روم شرقی و خسروپرویز پادشاه ایران و سلاطین مصر و یمن و
حبشه فرستاده بود .

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل دهم

حمله اعراب به ایران

خلفا یا جانشینان محمد ﷺ (ابو بکر ۶۳۴-۶۳۲) و عمر ۶۴۴-۶۳۴ فتوحات او را تکمیل کردند. در زمان خلافت عمر هصروسوریه مسخر گشت و ارتضای امپراتوری روم شرقی (بیزانسیوم) بلکه مغلوب گردید.

در سال ۶۳۶ میلادی آخرین زد خورد با ارتضای پادشاه ایران صورت گرفت و بنیان سپاهیان ایران برآفکنده شد. کشور ایران بتصرف اعراب درآمد و چند سال بعد یزد گردیم آخرين پادشاه سلسله ساسانیان در اسیری جان سپرد.^۱

اینک پیش از آنکه راجع بنفوذ اعراب و فتوحات آنان در کشورهای خارج از عربستان بحث بیشتری بکنیم لازم است اند کی بعقب بر گردیم و بینیم اسلام چهوجه ارتباطی با موضوع تاریخ ما یعنی تاریخ ایران دارد. باید این موضوع مهم را همواره در نظرداشت که اعراب حتی از نظر سیاسی هم نتوانستند کاملا ایران را در خود مستهلك سازند بلکه بر عکس

-
- ۱ - جانشین بحق محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام است. مترجم
 - ۲ - یزد گرد سوم پادشاه ایران در هین اسارت نمرد بلکه هنگام آوارگی در «عرو» بدست آسیا با نی بهلاکت رسید. مترجم

عربها از همان آغاز کار سازمانهای اداری خود را با در نظر گرفتن تشكیلات و نحوه کار ایرانیان و بیزانسیوم یعنی روم شرقی بنانهادند و همچنین آثار فرهنگی و مذهبی اسلام در ایران خیلی کمتر از آن است که بعضی‌ها تصور میکنند.

بطور حتم مردم ایران مذهب اسلام را پذیرفته‌اند و با آن خو گرفته‌اند وزبان فارسی بالفراش لغات و واژه‌های عربی مستغنی گردید بطوريکه در بعضی موارد کلمات اصلی از میان رفته است اما باید باين نکته توجه داشت که اين هردو موضوع بمور ایام عملی گشته و مخصوصاً جنبه ایرانیت بخود گرفته است.

کمتر احتمال ميرفت که اختلافات اساسی موجوده بين طبع دموکراسی اعراب وطبع اشرافی ایرانیان تحت تأثیر يكديگر واقع گردد و همچنین انتظار نميرفت که آئین اسلامی عربی با سرش آریائی شرقی باسانی مخلوط شوند اما به صورت می‌بینیم که فرنگ اساسی ایران تقریباً از این بحران بدون تغییر بیرون آمد.

اصول مذهب اسلام در قرآن مندرج است (معنی لغوی قرآن خواندن است) که از طرف خداوند یکتا بوسیله جبرئیل امین بر حضرت محمد بن عبدالله صلوات الله عليه وآله وسالم نازل شد.

با درنظر گرفتن دلائل موجوده بطور قطع متنی که امروز از قرآن مجید در دست می‌باشد عین کلمات حضرت محمد بن عبدالله صلوات الله عليه وآله وسالم است. اسلام بدون تردید مطالب بسیاری را از ادیان دیگر گرفته است. باید در نظر داشت که در مذهب اسلام پیغمبران پیشین یعنی ابراهیم و موسی و زرتشت و عیسی پذیرفته شده‌اند و مسلمانان آنها را فرستاد گان حضرت احادیث میدانند فقط با این فلسفه که تعلیمات آنان بواسطه پیروان

آنها فاسد گشته است.

آنها یکی که باین نوع مذهب منتبه هستند (اهل کتاب) خوانده
میشوند و دارای وضع خاصی میباشند.

ما قبلاً باطلاع خوانندگان گرامی رساندیم که چگونه مخالفت
يهودیان مدینه موجب جدائی یهود و اسلام گردید باوجود این دین یهود
مانند دین مسیح وزرتشت مورد تهاهیل اسلام واقع گشت.

صرفنظر از پارسیانی که در هندوستان سکونت دارند و تشکیل
اجتماع بزرگی را داده اند و از پیروان آئین زرتشت هستند در حدود نه
هزار نفر زرتشی در کشور ایران زندگی میکنند.^۱

حضرت محمد بن عبد الله^{علیه السلام} باساپر پیغمبران این فرق را دارد که
او آخرین پیغمبری است که از طرف حضرت احادیث برای هدایت نوع بشر
براه راست فرستاده شده و پس از وی پیغمبری نخواهد آمد.

کلمه اسلام متضمن معانی لغوی ادبی است . اسلام یعنی تفویض
اختیارات و تسليم کامل باراده الهی ولی در هر صورت این موضوع موجب
نمیشود که اسلام فلسفه قضاؤقدیر را هم شامل باشد.

همین قضیه در قرون وسطایی روشن یکی از مسائل مورد اختلاف
شدید و مشاجره بود و بالاخره تعليمات خشنتری در بیشتر قلمرو اسلام
رواج یافت.

گرچه در ایران عقیده آزاد مانند سابق مورد قبول واقع شد و در
حقیقت انتخاب میان آن دو طریقه ربطی باصول عقاید اسلامی نداشت و
بیشتر بواسطه تناسب آن با ساختمان دماغی ایرانیان و اعراب و ترکها بود.

۱- هرجند من آمار صحیحی از زرتشیان ایران در دست ندارم ولی گمان میکنم
رقی را که مؤلف محترم ذکر کرده اند اشتباه باشد. مترجم

اسلام برای توحید خالص اهمیت زیادی قائل است و شارع مقدس
اسلام در اینمورد پیروان خود تأکید کرده است.

پیغمبران حتی خود حضرت محمد بن عبد الله صلوات اللہ علیہ و آله و سلم بندگان بالکو
مقرب الی هستند و بیام خدارا دریافت میدارند اما هیچگاه دارای مقام
الوهیت نیستند و باید پرستش شوند.

چنین بنظر می‌آید که پاره‌ای از فرقه‌های اسلام مخصوصاً در ایران
به پیشوایان خود نسبت الوهیت میدهند ولی زینها مربوط به اسلام نیست و
حتی همین فرقه‌ها هم جرأت نکرده‌اند که پیشوایان خودشان را شریک
خدا بخوانند.

این موضوع مهم است که در اسلام کشیشی بمعنی سخت معمولی آن
وجود ندارد.

در بین مسلمانان عده‌ای آموزگاران مذهبی هستند که شغلشان
توضیح و تفسیر کلمات مقدس است ولی همین اشخاص دارای وضع خاص مذهبی
نیستند و فرق فاحشی که آنان با کشیشان مسیحی دارند این است که پیش
نماز مسلمانان در مسجد مانند سایرین رو بقبله می‌ایستد اما در کلیساها
کشیش مسیحی خود را واسطهٔ یعنی خدا و خلق می‌خواند و مسیحیان را بکشیش
می‌ایستند و ازاو طلب بخشش و آمرزش می‌کنند.

یکی از اصول مهم آئین اسلام اعتقاد بزنگانی بعدی است و شاید
این موضوع بیش از هر چیز سبب ارتباط اسلام با مذاهب غربی یعنی یهود
ومسیحیت می‌شود و بهمان اندازه مخالف با فلسفه‌های دینگر شرقی مانند
هندوئیزم و بودائیزم وغیره می‌باشد.

حضرت محمد بن عبد الله صلوات اللہ علیہ و آله و سلم در آغاز کار با عدهٔ زیادی مردمان

بدوی مواجه بود که همگی زندگانی سخت و طاقت‌فرسائی داشتند وی با
بیان فصیحی لذتهاي بهشت و شکنجه‌های دوزخ را شرح میدهد و گرچه
محیط مختلف است اما عقاید و افکار عیناً شبیه احادیث و اخبار چنگها و
فرشته‌های مسیحیت میباشد.

فلسفه عقیده به معاد یگانه رابط بین زندگانی مذهبی و اجتماعی را
در مذهب اسلام ایجاد میکند و اتفاقاً اگر زندگانی بعدی در بهشت باشد
باید راه بdest آوردن آنهم نشان داده شود و اعمالی سکھل برای نیل باین
منظور لازم است توصیه گردد.

بهمن مناسب سازمان وسیعی برای تدوین قوانین و آداب و مقررات
مذهبی ایجاد میگردد.

پنج تکلیف مهم و منظم در مذهب اسلام وجود دارد که انجام آن
بر همه مسلمانان واجب است و این پنج تکلیف مهم عبارتند از طهارت (غسل،
وضو و تیم)، نماز، روزه، حج^۱ و زکوة که هریک از فرق اسلامی مطابق
مقررات مخصوص بخود مجری میدارند.

حضرت محمد بن عبد الله علیه السلام بخوبی درک گرده بود که اجرای
مراسيم و تشریفات و مقررات مذهبی عامل مؤثری برای ایجاد اتحاد بین
پیروان او خواهد شد و صحت این نظر مکرر در تاریخ اسلام محقق
گردیده است.

بزودی در اطراف این مقررات مذهبی نظامات فرعی دیگری وضع
شد که در کلیه شئون زندگانی مسلمانان راه یافت و از جمله برای خوردن،
آشامیدن، ارث، ازدواج وغیره مقررات منظمی وضع گردید.

۱ - بر هر مسلمانی موقعی حج واجب میگردد که مستطی باشد. مترجم

باید در نظرداشت که حضرت محمد بن عبد الله علیه السلام گذشته از اعلام فلسفه مذهب جدید تشکیلات محیط بدوی خویش را نیز منظم میکرد و از آنروبعنوان احکام منتب به خدای یگانه تمایل به حفظ قواعد گوناگون زندگی میبینیم که مناسب با جامعه های نیمه بدوی میباشد و با محیط های متمدن عالی امروزی تناسبی ندارد.^۱

مثلًا قوانین ازدواج که بمنطقه های جلوگیری از عادات خلاف اخلاق^۲ بدوی های بت پرست وضع شده بود در ایام اخیو بیانه ای برای خوش گذرانیها شده است.

این نکته نیز قابل توجه است که دولتهای متجدد مانند ایران و ترکیه قوانین جدیدی معمول داشته اند که بر هیاتی قوانین اروپائی استوار گشته است.

۱ - این نظر مؤلف کتاب است . مترجم

۲ - طبق روایات متعدد اعراب بدوی در زمان ظهور رسول اکرم محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله اگر فرزندانشان دختر بودند آنها را زنده بگور میکردند .

مترجم

فصل یازدهم

خلافت عباسیان

سرعت عجیب پیشرفت اسلام در خاور نزدیک و خاور دور باعث گردید که اعراب قدرت ماقوٰق تصویری بدست آورند و نیزاوضاع خراب و درهم و برهم آن قسمت از جهان پس از جنگهای طولانی ایران سبب شد که تمایلاتی به حفظ و یا تأسیس مرزها و سرحدات ملی اظهار نشود.

ملل مغلوب مخیر بودند که مسلمان شوند و با ملت‌های فاتح مساوی بمانند و یا اینکه آئین قدیم خود را حفظ کنند و تحت الحمایه مسلمانان باشند اما تمام سرزمین‌های را که ارش اسلام تصرف کرده بود دارالاسلام میخواندند و کشورهای غیر متصرفی را دارالحرب مینامیدند.

در نواحی دارالاسلام فقط مسلمانان و کفاری که اهل کتاب بودند و در پناه اسلام میزیستند اقامت داشتند. کفار دیگر در دارالحرب ساکن بودند.

خلیفه در رأس دارالاسلام قرار داشت و مسئول اداره امور مذهبی و اجتماعی مسلمانان بود.

باید در نظر داشت که مقام خلیفه در اسلام با مقام پاپ در مسیحیت بسیچوجه قابل مقایسه نیست (بعضی اوقات سیاست خارجی انگلستان

دچار این مقایسه غلط شده است) اینکه گفته شد خلیفه اسلام که مسئول امور مذهبی است با پاپ در مذهب مسیح قبل مقایسه نمیباشد از آن جهت است که یکنفر کاتولیک میتواند هم به پاپ که پیشوای دینی است عقیده داشته باشد و هم اینکه از حکومت کشور خودش که مسئول اداره امور مملکتی و اجتماعی است تبعیت کند و حال اینکه در اسلام چنین تقسیم و تفرقه ای نیست. همینکه دارالاسلام با تمایل فرار از مرکز کشورهای شرقی مواجه گشت هریک از فرمانروایان مستقل ظاهراً از خلیفه ب福德اد اطاعت میکردند و خودشان را خلیفه میخواندند.

حس اتحاد و اتفاق بین مسلمانان که بوسیله زیارت سالیانه تقویت و تجدید میگشت تقریباً در مدت هزار سال بطوری نافذ بود که یکنفر مسلمان حتی در موقعی که نواحی مختلف عالم اسلام باهم در جنگ بودند میتوانست براسر کشورهای اسلامی مسافت کند و در همه جا مورد خوش آمد واقع گردد. مسلمانان نقاط مختلف نه تنها مانند یک همہان عزیز از او پذیرائی میکردند بلکه مانند یک همشهری ارجمند مقدم او را گرامی میداشتند.

در قرن شانزدهم میلادی احساسات ملی که همیشه در ایران ملاحظه میگردید در برابر آن حس اتحاد مذهبی مقاومت کرد و بعد از آنهم تأسیس ایران مستقل ملی یک سد مؤثربسیار مهمی میان دو قطعه دارالاسلام قرار گرفت و طبیعاً عمل تجزیه کشورهای اسلامی را تسریع کرد و باید گفت که ایران در این موضوع قبل از سایر کشورهای آن روز جهان اقدام کرده است.

۱ - منظور مؤلف زیارت خانه خداست که در عرض سال فقط یک بار صورت میگیرد. مترجم

دو خلیفه اول قرابت نزدیکی با حضرت محمد بن عبدالله علیه السلام داشتند^۱ و انتخاب آنان روی اصول دموکراسی صورت گرفت ولی در سال ۶۴۴ میلادی موقعی که انتخاب خلیفه سوم (عثمان) آغاز شد تزاع و کشمکش های آشتی ناپذیر خانوادگی بین مردم رویداد.

این کشمکش های خانوادگی ایلاتی گرچه اکنون خیلی دور از موقع بنظر میرسند اما چون همین نزاعها و کشمکش های داخلی بین قبایل ریشه تقسیماتی هستند که اسلام را از سده ته واشرگون کرده اند جا دارد که آنرا بصورت جدولی بخوانند گان گرامی شان بدهیم:^۲

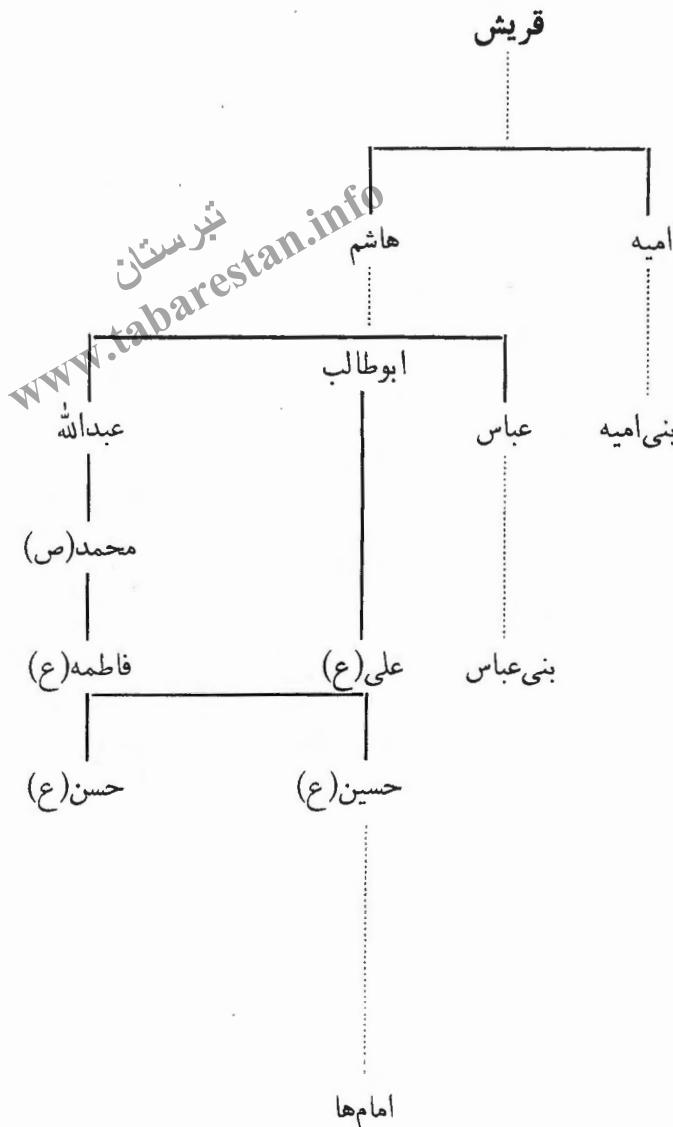
مطالعه جدول انساب که در صفحه بعد چاپ شده است موضوع را برای خوانند گان ارجمند کاملاً روشن می سازد.

عثمان از خاندان امیه بود که رقیب خونین و دشمن دیرین خاندان بنی هاشم بوده اند و چنانکه میدانیم و در جدول هم نشان داده شده است حضرت محمد بن عبدالله علیه السلام از خاندان هاشم بوده اند. کینه بنی امیه بخاندان جلیل حضرت محمد بن عبدالله علیه السلام حتی بعقاید و افکار مذهبی آن حضرت نیز سرایت کرده بود و در سال ۶۵۶ میلادی موقعی که عثمان بقتل رسید این نزاعهای خصمانه علنی گردید.

نماينده هاشميان حضرت علی عليه السلام پسرعمو و داماد حضرت محمد بن عبدالله علیه السلام پیامبر بزرگ اسلام بود و امویان معاویه را برای خلافت کاندید می کردند و بالاخره این دشمنیها و کشمکش های علنی در سال ۶۴۱ میلادی

-
- ۱ - همانطوری که قبل اگفته شد جانشین بحق رسول اکرم پسرعمو و داماد آنحضرت علی بن ابوطالب عليه السلام است. مترجم
 - ۲ - منظور مؤلف اختلاف عقیده ایست که در موقع انتخاب جانشین حضرت رسول اکرم (ص) رخ داد. مترجم

جدول سلسلة انساب قريش



با شهادت حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام پایان یافت و معاویه برای تغییر صورت ظاهر پایتحت خود را به دمشق^۱ منتقال داد.

از این تاریخ جدائی و تفرقه بین مسلمانان آغاز میگردد و بنی امیه چنانکه میدانیم بر ضد تعلیمات حضرت محمد بن عبد الله علیه السلام و آنجه منتب با یشان بود قیام کردند و نماینده افکار ارجاعی بتپرستی گشتند.

بنی امیه در دمشق پایه یک امپراطوری بی محل جامطلبی را از روی نمونه های امپراطوری های ایران و روم شرقی پنا نهادند و تجهیزات عظیمی دست زدند که در ظرف چند سال از اسپانیا تا هندوستان و مرز های چین جزو قلمرو اسلام درآمد ولی بزودی بنی امیه شهرت و معروفیت خود را از دست دادند زیرا گذشته از آنکه اعراب بدی دموکرات از آنان متنفر گشتند هاشمیان و مسلمانان غیر عرب هم تنفر و از جار خود را از بنی امیه علنًا ابراز داشتند.

کوشش های هاشمیان ابتدا در اطراف حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام و پسرش حضرت حسین بن علی علیہ السلام دور میزد شیعیان حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام در بدو امر از یک دسته سیاسی و نهضت طلبان خالص عرب تشکیل میافت و هیچگونه اختلافات مذهبی وجود نداشت اما عملیات مرتجلانه بتپرستی بنی امیه و بی احترامی آنان بشهر های مقدس مکه و مدینه و از همه بالاتر شهادت حضرت حسین بن علی علیہ السلام در جنگ کربلا که در سال ۶۸۰ میلادی اتفاق افتاد (یادا ین واقعه غم انگیز هنوز هم در میان شیعیان علی علیہ السلام مراسمی در ماه های محرم و صفر اجرا میگردد) باعث شد که بر تعداد

۱ - در زمان خلافت غاصبانه معاویه لعنت الله عليه اسم شهر دمشق شام بوده است.
مترجم

شیعیان اضافه شود و بسود دستهٔ شیعه عقاید مذهبی محکمی ایجاد گردد.
خاندان حلیل هاشمی بعنوان اشرف اسلام معرفی شده‌اند و حتی

درباره آنان پاره‌ای حقوق الهی متصور است حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام که تزدیکترین مرد منتب بحضرت محمد بن عبد الله صلوات اللہ علیہ وآلہ وسلم بود (یگانه پسر خردسال حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه وسلم علیه در زمان کودکی مرد) بنظر میر سید که حق طبیعی جانشینی اورا داری باین ترتیب هاشمیان و شیعیان نه تنها خلافی بنی امية را قبول نداشتند بلکه خلافت ابوبکر و عمر و عثمان را هم غاصبانه میدانستند زیرا آنها برخلاف دستور صريح پیغمبر اسلام عمل کرده بودند.

ایرانیان که سردستهٔ مخالفین مسلمان غیر عرب بودند در این صحنه کمتر خودشان را نشان میدادند و در واقع آنان بدست اعراب مغلوب گشتدند. برای اثبات این ادعا گوشزدمیکنیم که آثار این مغلوبیت از استیلای زبان عربی بر زبان فارسی کاملاً هویت داشت خلاصه پس از سلط کامل اعراب به ایران بیشتر ایرانیان با آئین باستانی خود چسبیدند.^۱

گرچه تبدیل مذهب برای پیشرفت کار بیشتر درین طبقات عالی معمول

- ۱ - حضرت محمد بن عبد الله (ص) در محلی بنام غدیر خم حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را بجانشینی خود به مسلمانان معرفی فرمود و شیعیان آن حضرت در سراسر عالم این روز فرخنده را جشن می‌گیرند و بشادی می‌پردازند. در ایران هم راس اسلام رسمی در این روز بزرگ در حضور شاهنشاه برگزار می‌گردد. مترجم
- ۲ - حقاً هم نباید قبول داشته باشد زیرا جانشین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پر عزم و داما دش حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. مترجم
- ۳ - این نظر شخص مؤلف است والا بخوبی میدانیم که پس از سلط اعراب کشور عزیز ما ایران، ایرانیان موحد و پاکدل از روی عقیده و ایمان دین مبین اسلام را پذیرفند و اکنون افتخار داریم که جزو پیروان این دین و شیعه حضرت علی بن ابی طالب (ع) هستیم و پیامبر بزرگی هانتند رسول اکرم (ص) و کتاب آسمانی مانتند قرآن مجید داریم . مترجم

بود ولی اگر واقعاً آن اصول اصلی اسلامی که حضرت محمد بن عبد الله علیه السلام راجع بتساوی حقوق کلیه مسلمانان مقرر فرموده بود رعایت نمیشد
بطور حتم اسلام بعنوان حکومت ییگانه کمتر مورد انتقاد ایرانیان واقع میگشت.

هرچند ایرانیان بطور طبیعی حاضر به پذیرش این آئین گشتنی دولی اعراب کمتر آنان روی خوش نشان دادند و یک جنس رنجشی بین ایرانیان راه یافته آتش ملیت پرستی آنها را دامن زد و گذشته از لاین تمایل روحی ایرانیان که در انتظار موعود میباشند با آن احساسات توأم کردید و چنان‌که می‌بینیم در کلیه شورش‌های آن‌زمان که در خاور ایران رویداد تمايل به ظهور موعود در آن یافت میگردد.

در آغاز قرن هشتم میلادی تبلیغات وسیع و دامنه‌داری بنفع عباسیان که یک تیره از خاندان هاشمی میباشند در خراسان ایالت خاوری ایران آغاز گردید.

این تبلیغات طوری ماهرانه بود که نه تنها شامل تیره‌های دیگر هاشمی (شیعیان حضرت علی بن ابی طالب علیهم السلام) هم میشد بلکه طوری تنوع داشت که ایرانیان ناراضی راهم جلب میکردند و بقدرتی این عادت به تبلیغ متنوع در نهضت‌های انقلابی ایران سرشته گشته است که ممایتوانیم یقین داشته باشیم در تبلیغات آنروز هم عناصر مهم و قابل توجه ایرانی دست داشته‌اند.

بالاخره عباسیان آنقدر نیرومند شدند که توانستند در سال ۷۵۰ میلادی امویان را در هم بشکنند و پایتخت خود را در عراق مستقر سازند.

فصل دوازدهم

رواج مذهب حقه جعفری در ایران

عباسیان بر تمام قلمرو حکومت امویان جز شمال افریقا و اسپانیا داشت
یافتنیواز آن موقع مجرای تاریخ آن نقاط از سایر ممالک اسلامی مجرماً گشت.
تأسیس شهر جدید بغداد نشانه بارزی است که سیاست ضد عرب
عباسیان را بخوبی نشان میدارد.
در این موقع البته با کمک و نفوذ ایرانیان تمایلات سلحشوری و
یسواوی قبایل بدیع عرب بتحصیل علوم و ادبیات مبدل میشود.
کتابنها از یونانی ترجمه میکنند و ارتباط بیشتری با چین و اروپا
پدید میآید.

هنرهای زیبای ایرانی مانند مینیاتور، نقاشی، خط نویسی، قالی-
بافی، ابریشم کاری رواج و رونق تازه‌ای میگیرند و طبقات عالی ایرانیان
که خوب با آداب اسلامی آشنا شده و با آن ایمان دارند در اداره کردن کشور
شرکت میجوینند و روش‌های اداری ساسانیان را به اعراب میآموزنند.
برای مثال تذکر میدهیم که کلمه وزیر از یک کلمه قرون وسطای
فارسی میآید.

در زمان هارون الرشید خلیفه مشهور عباسی بغداد مرگ فرنگی دنیای متمدن شد. سخنران، هنرمندان، دانشمندان و فیلسوفان در آن شهر بزرگ گردآمدند و بایکدیگر رقابت علمی وادی داشتند. ادیان و بینت‌ها با کمال تسامح آزاد بودند. بسیاری از یهودیان و مسیحیان مناصب مهمی را عهدهدار شدند.

این موضوع که آنرا نهضت متفقه له مینامند و راجع باراده و آزادی افراد است بیشتر از فلسفه یونان سرچشمه می‌گیرد و سپس از طریق اسپانیا در میان علمای مسیحی نفوذ یافته است.

در این اثنا اوضاع شیعیان حضرت علی بن ابotalib علیهم السلام تغییر یافت زیرا در بد امر آنها امیدواری زیادی از عباسیان داشتند اما در آن موقع بلکی نومید شده بودند و همین‌که از نظر یک حزب سیاسی شکست خوردند، بیشتر با فکار و عقاید مذهبی متوجه گشتند و سر دسته مخالفین فرقه سنی شدند.

سنی‌ها چون ازستند یعنی سیره حضرت محمد بن عبد الله صلوات الله علیه و آله و سلم پیروی می‌کنند لذا آن اسم معروفند.

با وجود این شیعیان وجهه سیاسی خود را بلکی از دست ندادند زیرا بیشتر از طرف طبقات غیر ممتازه تقویت می‌شدند.

این موضوع مشمول ایرانیان و اعراب هردو می‌شد زیرا در عین حال که ثروتمندان زرتشتی ایرانی برای تأمین موقعیت خود مذهب اهل تسنن را می‌پذیرفتند بسیاری از ایرانیان طبقه متوسط و طبقات رعایا و دهاقنی در سلک شیعیان در می‌آمدند و از این‌رو تشیع که تا آن موقع یک نهضت سیاسی و بدون وجهه مشخص مذهبی بود^۱ کم کم نصیحتی گرفت و وسیله رسوخ

۱ - این نظر مؤلف کتاب است. مترجم

افکار آریائی در اسلام گردید که مهمترین آن موضوع حقوق الهی یا روحانی میباشد.

تشیع فکری بود که کمتر با روحیه واقعی اعراب تناسب داشت بلکه کاملاً با طرز فکر ایرانیان وفق میداد و تحت نفوذ شیعیان کوشش لازم بعمل آمد تا حضرت حسین بن علی علیه السلام را بوسیله ازدواج با شهربانو دختر یزد گرد سوم با پادشاهان ساسانی ربط دهد ولی انتساب مستقیم حضرت حسین بن علی علیه السلام با پیغمبر اسلام کافی بود که حقوق آن حضرت را تأمین کند.

در هر حال حضرت علی بن ابوطالب علیه السلام مهمترین شخصیت عالم تشیع بشمار میرود و غالباً شیعیان آن حضرت بیش از حضرت محمد بن عبد الله علیهم السلام اهمیت میدهند^۱ و بارهای از فرقه‌های افراطی اورا خداخوانده‌اند.

احفاد حضرت علی بن ابوطالب علیه السلام از طرف حضرت حسین بن علی علیه السلام امام‌های شیعه شدند و برای آنان منزلهٔ خلفای سنی بشمار می‌آیند با این تفاوت که شیعیان معتقدند امام‌ها از طرف خداوند متعال تعیین میشوند و آخرین و دوازدهمین امام که غایب است بنام مهدی باید ظهرور کند.

(اکثریت شیعیان دوازده‌امامی هستند) و در عین حال فرمانروایان وقت غاصب میباشند.^۲

فلسفهٔ غیبت مهدی (مسيح موعود) و تجسم و حلول ارواح در میان همه

- این نظر مؤلف از آن جهت است که نام مولای متقیان علی علیه السلام بیشتر و در زبان ایرانیان میباشد. مترجم
- منظور از فرمانروایان غاصب ابویکر، عمر و عثمان هستند که برخلاف دستور صریح رسول اکرم (ص) حق حضرت علی بن ابوطالب (ع) را غصب کردند و خود را بچای آن حضرت خلیفه مسلمین خواندند. مترجم

ایرانیان مسلمان وغیرمسلمان یافت میشود.

برای مدتی ایرانیان افراطی در این جریانات شرکت نداشتند و در قسمت عمدهٔ نهضت‌های انقلابی امثال نهضت مزدکی وارد بودند ولی باید دانست که افکار موجود این انقلابات همیشه مربوط به ایرانیان خالص نبوده است. بلکه از عناصر واکار یهودی‌گری و مانی‌گری و مسیحیت وغیره اقتباس میشده است.^۱

درقرن نهم میلادی خلفای عباسی عده‌ای غلام ترک استفاده کردند و بعضی از این غلامان دارای موقعیت مهمی گشته و نفوذ زیادی پیدا کردند. ترک‌ها از قبایل آسیای مرکزی بودند و در این موقع در هرگز پدید آمدند.

بیشتر ترک‌ها بطرف آسیای صغیر رفتند و عده‌ای هم در جاهای دیگر اقامت کردند که از آنجمله در جنوب غربی ایران نیز عده‌ای ساکن شدند و تا امروز هم در همانجا اقامت دارند.

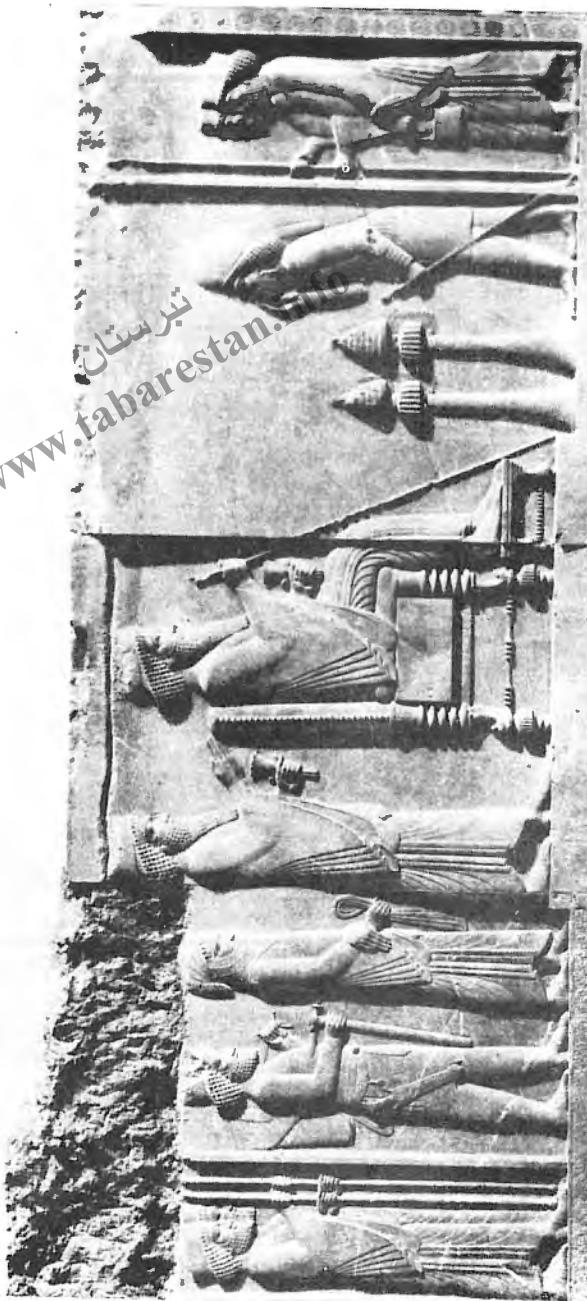
ظاهر خشک و هولنات ترک‌ها در بغداد شهرت زیادی پیدا کرد و در سال ۸۵۰ میلادی زمان خلافت متوکل باعث عکس العمل شدیدی در برابر افکار آزاد خلفای پیشین عباسی گردید.

این تغییر وضع و منظره که قسمت عمدهٔ انحطاط تمدن اسلامی را نیز موجب شد در سازمان سیاسی اسلام تأثیر مهمند داشت.

فرمان نروائی خلفای بغداد فقط تا دروازه‌های شهر محدود ماند و در خارج پایتخت حکومت‌های مستقلی ایجاد گردید که تحت حمایت

۱- مطالبی را که خوانندگان ارجمند در این سطور راجع به پیدایش افکار و عقاید شیعیان مطالعه میکنند نظر شخصی مؤلف است و بدیهی است که این نظر مورد قبول اینجانب و برخوان مذهب حقهٔ جعفری نیست. مترجم

تخت جمشید، نقش برجسته داریوش و خشایارشا



برستان
www.tabarestan.co

تبرستان
www.tabarestan.info

فرمانروایان آن نواحی گوش شنواری برای استماع افکار شیعه و معزله بوجود آمد.

در سال ۸۷۱ میلادی اولین سلسله فرمانروایان مستقل ایرانی بعد از اسلام بنام صفاریان در جنوب ایران پدیدآمدند^۱ و در قرن دهم میلادی سلسله دیگری بنام آل بویه از مغرب ایران طلوع کرد و آئین شیعه را در

قلمرو حکومت خود بسمیت شناخت.

تشیع بسیاری از مبادی معزله را ترویج میکند و یکی از اختلافات مهم تشیع با سنت آنست که بجای تمسک خشک بروایانه و احادیث سنت مذهب تشیع وساطت روحانی افرادی را بنام امام می‌پذیرد.

تقسیم شیعه و سنت کم کم با تقسیم امور اجتماعی و اقتصادی اصطکاک پیدا کرد.

ایرانیان انقلابی که تا آن موقع از اسلام بر کنار بودند به شیعیان پیوستند و همان افکار و عقاید پیشین خود را نیز حفظ کردند چنان‌که بعداً در طی عقاید فرقه‌های تازه اسلامی خواهیم دید.

یکی از فرقه‌های تازه اسلامی اسمعیلیه هستند که مطالعهٔ شرح حال آنان تاحدی قابل توجه است زیرا نه تنها ادامه عقاید باستانی مذهبی ایرانی را در ضمن مطالعه عقاید این فرقه می‌بینیم بلکه به استعداد و هوش ایرانی هم پی می‌بریم که چگونه میتواند عقاید خارجی را نیز در خود مستهلک سازد.

ریشه اصلی عقاید فرقه اسمعیلیه از اختلاف میان دو پسران امام ششم سرچشم می‌گیرد بدین معنی که شیعه اثنی عشری بعد از امام ششم با مامت

۱ - نظر مؤلف محترم کتاب در این مورد اشتباه است زیرا صفاریان از مشرق ایران برخاسته‌اند. مترجم

دیگر امامان معتقد است اما عقیده اسمعیلیه آنست که با غیبت پسر امام ششم امامت خاتمه میابد ولی این اختلافات فردی ببهانه‌ای بیش نبود و میخواستند با این بهانه یک‌انجمن سری تشکیل دهند و مسلمانان را برضد اعراب فاتح متعدد سازند و همانطوری که در نهضت‌های پیشین دیدیم در این نهضت هم تبلیغ مردم جدید بدست مبلغین ماهری افتاد که بتناسب حال اقوام مختلف ایرانی و یهود و مسیحی نحوه تبلیغ را تغییر میدادند ولی منظور و مردم اصلی این مبلغین زبردست آن بود که طبقات از فوج کشیده اجتماع را بخود جلب کنند و مخصوصاً بطبقه کارگر و همدان توجه زیادی داشتند و در واقع جنبه اجتماعی نهضت شیعه بر اتاب بیشتر از جنبه مذهبی آن بود.

عقاید سابق مذهبی ایران دوباره در تسبیح پیدا شد چنان‌که در پیدایش بابی‌ها و بهائی‌های نیز همین رویه در قرن نوزدهم میلادی تجدید گردید. تجسم حق غیت و رجعت مسیح معرفی و ارتقاء تدریجی اتباع و در هر حال مرحله تدریجی معرفی واردین بفرقه نمونه کاملی از خواص ضد مذهبی آن فرقه میباشد.

ما طبعاً از مراحل عالی تازه‌واردین خبری نداریم ولی همینقدر میدانیم که نهم مرحله معرفی و تقریب برای اشخاصی که به فرقه وارد می‌شوند وجود داشته است که در هر مراحل نه گانه متدرجاً مطالب ضد اسلامی آنها تلقین می‌شوند و در آخرین مرحله یعنی مرحله نهم اصول جامد مذهبی یک سلسه فلسفه روشی تبدیل می‌یافتد.

دشمنان اسمعیلیه آن فرقه را به کمونیستی متهم می‌سازند و اگرچه این تهمت در باره‌ی هر یک از فرقه‌های جدید گفته می‌شود اما نباید این موضوع

را از نظر دور داشت که اصول تبلیغات سری و زیرزمینی اسمعیلیه وجه مشترکی با تبلیغات و دخمه‌های زیرزمینی کمونیستی امروز دارد. شعبات این فرقه باشکال مختلف توسعه یافت.

نهضت اصلی متوجه جنوب عربستان و افریقای شمالی کشت و بطور تصادف مؤسس خلفای فاطمی مصر گردید (۱۱۷۱-۹۰۹ میلادی) و در تحت حمایت همین خلفای فاطمی انجمن آزاد و روشن فکری دایر شد که فقط گاهگاهی با موقع حوادث قتل عام و اعمال تور لکه‌دار شده است. فرقه دروز که در حال حاضر در کشور سوریه وجود دارد از بقایای همانهاست.

در بحیرین این فرقه بنام قرامطه پدید آمدند و با منیدم ساختن اماکن مقدس اسلامی عالم اسلام را سخت مضطرب و پریشان کردند و دسته‌دیگری از آنهاهم در کشورهای عراق و سوریه رخنه کردند و در قرن یازدهم میلادی بنام جمعیت اخوان الصفا ظاهر شدند که می‌خواستند تعلیمات خود را در بین توده‌ها رواج دهند.

در اینجا نیز مشاهده می‌شود که بیشتر بطبقات پست و غیر ممتاز توجه داشتند.

عده دیگری از اسمعیلیان بنام حشاشین یعنی کسانی که حشیش و بنگ می‌کشند دیده می‌شوند که در الموت مجاور کوه البرزسکونت داشتند. حشاشین دسته‌آدمکشان بودند و در جات و مراحل متعددی داشتند که پست‌ترین افراد آن دسته‌آدمکش‌ها و یافداییان خوانده می‌شدند و یک شاخه از همین دسته بودند که در سوریه صلیبیان را دچار زحمت ساختند و بهمان مناسبت در زبانهای اروپائی کلمه آساسین (Assassin) برای آدمکش

از کلمه حشاشین اسمعیلیه متداول شده است و بالاخره امروز فرقه بسیار محترمی از اسمعیلیه بنام بهره در هندوستان وجود دارد که پیشوای آن آفاخان میباشد.

پدران آفاخان در سال ۱۸۴۰ میلادی از ایران به بمبئی مهاجرت کرده‌اند.

نهضت‌های دیگری هم در آن ادوار مشاهده میشود که به صورتهای مختلفی پدیدآمدند و منظور آنان اتحاد و جماعت آوری فرقه‌ها و دسته‌های مستشت مخصوصاً طبقات غیرممتاز در تحت حمایت یاک فاسفه و آئین زندگانی روشی بوده است و با آنکه این نهضت‌ها دائماً هم جبهه خراب‌کننده و انهدامی نداشته‌اند ولی چون با وضع حاضر خود مخالف بوده‌اند و با آن حمله میکردند ناچار آن نهضت‌ها با دشمنی فرمانروایان و دولت‌های وقت مواجه میگردیده‌اند.

کلیه این عملیات ترقیخواهانه که از طرف فرقه‌های تازه اسلامی انجام میگرفت ناگزیر بر ضد محافل قضائی و روحانی سنی‌های متعصب ارتیاعی عکس‌العملی ایجاد میکرد.

این عکس‌العمل بصورت نهضت صوفی گری آغاز گردید. در قرون وسطی و حتی قرون اخیر حدسیات و تصورات بسیاری درباره صوفی گری بوده و هست اما باید توجه کرد که نکته مهمی در این مورد وجود دارد که خیلی صریح و روشن است و آن نکته این است که صوفی بفرقه بخصوصی اطلاق نمیشود بلکه طریقه و وضع مردموز فلسفی درباره حیات میباشد.

در واقع صوفی‌ها عضو جمعیت و دسته‌ای نبودند و رویه بخصوصی

را پیروی نمیکردن بلکه با کلیه نهضت‌های ارتقایی و تعصب آمیز مخالفت داشتند و ترجیح میدادند که هر دسته‌ای فکر مخصوص بخودشان را پیروی کنند و بطور آزاد از افکار و طریقدهای مسیحیت و فلسفه یونان و کیش‌مانی اقتباس میکردند و در مراحل اولیه خلوص نیت و از خود گذشتگی و بی‌اعتنائی بدین‌اطریقه لازمه صوفیان بود و پس از آن روش اسرار آمیز ایرانی متدرجاً بدصفی گردی علاقه پیدا کرد و همان‌طوری که در موارد مشابه‌هم دیدیم بزودی موفق شد که رویه اصلی صوفی گردی راهنمایی پورت دیگری درآورد.

تأکیدات مربوط به بی‌اعتنائی بدین جنبه منطقی افراطی پیدا کرد بقسمی که جهان مادی را بلکی منکرشدند و هستی را فقط مخصوص خدا دانستند.

هر امام صوفی آن شد که از قیود ارضی رها گردد و در زیبائی جاویدان مستغرق شود و پس از آنکه از هستی خود گذشت و نیست محض گشت در حقیقت الهی مستهلک گردد.

این طریقه افراطی وحدت وجود را پدیدآورد و بلکه بدعوی الوهیت منتهی گردید چنان‌که *الحالج*^۱ در قرن دهم میلادی دعوی مافوق تصوری کرد و بردم گفت حقیقت محض منم.

البته عقاید درست و صحیح مذهبی نمیتوانست این‌لقمه ثقلی را هضم کند و پس از آنکه در قرن یازدهم میلادی الغزالی توانست توافق مؤثری میان مذهب سنت و صوفی گردی برقرار سازد صوفیان افراطی یک طریقه

۱ - منظور از کلمه *الحالج* منصور *الحالج* است. مترجم

مخصوص ایرانی شدند و صوفی‌گری نفوذ و تأثیر بسیاری در اشعار ایران پیدا کرد واز همان تاریخ پیدایش صنایع بدیعی تصویری در اشعار ایران آغاز گردید که غالباً موضوع بدیعی تصویری معنوی را از اشیاء عادی مثلاً شرابخواری اقتباس میکنند و در نتیجه معانی این اشعار که در عین حال بی‌لطف نیست پیوسته مرموز و نامفهوم میمانند.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سیزدهم

حمله ترکها و مغولان به کشور ایران

ما تاکنون در باره وقایع تاریخی ادواری که راجع بآنها صحبت داشتیم کمتر بحث کردایم .

از آنچه بنظر خوانندگان گرامی رسیده است معلوم میگردد که تقسیمات و اشکالات سیاسی نسبتاً با ترقی فرهنگ ملل مختلف خاور نزدیک کمتر ارتباط دارد ولی از قرن یازدهم میلادی بعد در این قسمت از جهان وقایع وحوادثی روی داد که صرف نظر از تأثیرات سیاسی اثرات دیگری هم در برداشت .

مهمنترین حوادث تاریخی این بود که عده‌ای فاتح غیرعرب و غیر ایرانی از آسیای مرکزی آمدند و از اعراب خلع ید نمودند .

این فاتحان تازه وارد بطور موقت کشورهای اسلامی را بصورت امپراطوری‌هائی درآوردند که بزودی همان امپراطوری‌ها هم تجزیه شدند و بصورت ممالک کوچکی درآمدند .

نخستین دسته این فاتحان ترکان سلاجقوی هستند که تقریباً در سال ۱۰۵۰ میلادی پدید آمدند و مهمترین رقیب امپراطوری روم شرقی گشتند

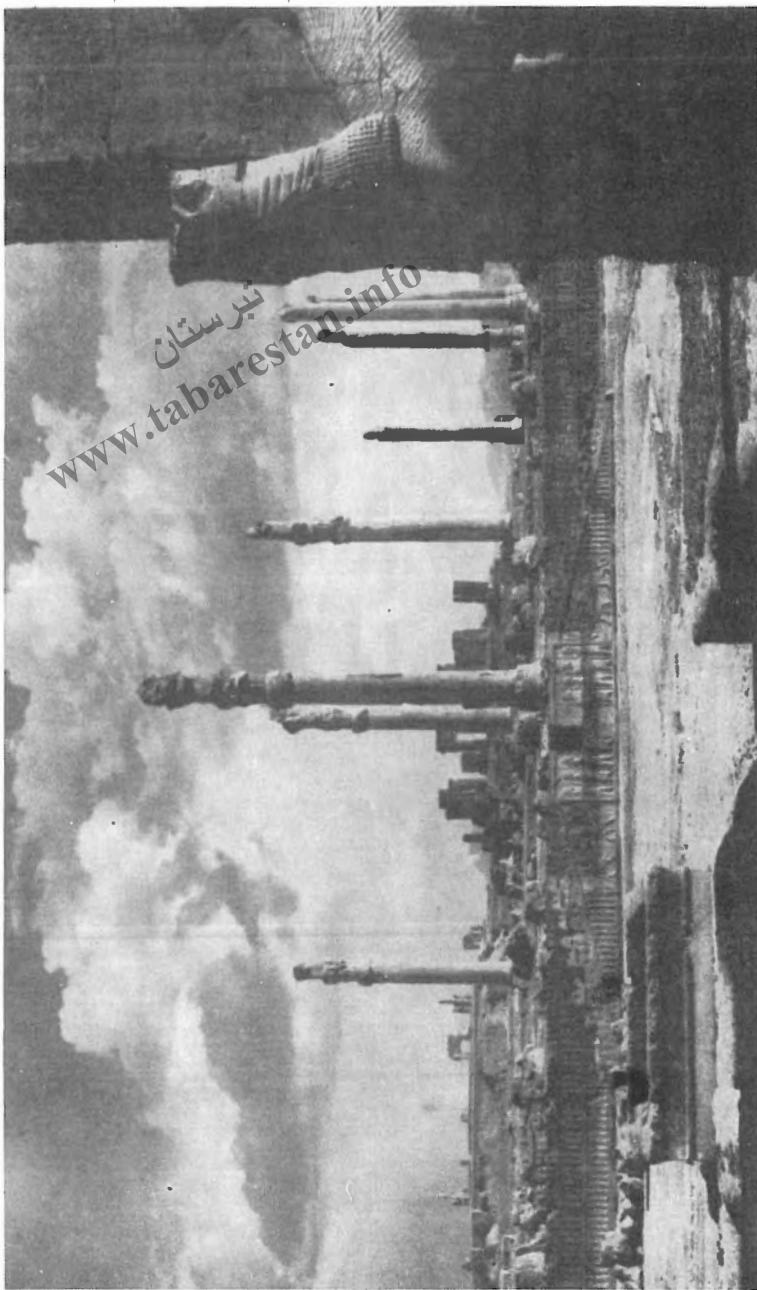
و تقریباً پس از یکصد سال فرمانروائی امپراطوری آنان به کشورهای سلطنتی کوچکی تجزیه گشت که بایکدیگر بجنگ و دعوا پرداختند. از نظر تمدن جهانی بزرگترین فاجعه، حملات مغول در قرن سیزدهم میلادی بود. این قبایل وحشی که تنها هنر آنها مهارت در جنگ بود در سرتاسر خاور نزدیک به قتل و غارت پرداختند و بطرف روسیه و حتی قسمتی از اروپا حمله برداشتند و تاسیلیسیا (Silesia) و موراویا (Moravia) و هانگاری (Hungary) یعنی مجارستان پیش رفتند.

بغداد که یگانه مرکز تمدن عالم اسلام بود بدمست آنان ویران گردید و در سال ۱۲۵۸ میلادی آخرین خلیفه بی بناء عباسی بدمست مغولان به قتل رسید. فقط مصر و ترکها توانستند از پیشرفت مغولان جلوگیری کنند. کتابخانه‌های بی نظیر آثار و نتیجه قرنها آموزش و معرفت طعمه حریق گردید و کم کم خطر سقوط قطعی تمدن اسلامی پدیدار میگشت زیرا خرابی مغول از سطح ظاهری تمدن اسلامی هم تجاوز کرد.

خدمات مغول در باره امور کشت و زرع و آبیاری طوری بود که نه تنها تجدید و اعاده تمدن اسلام را بتأخیر انداخت بلکه در واقع آنرا از تجدید و اعاده بکلی محروم ساخت. تنها نتیجه خوبی که از این مصیبت عظمی بدمست آمد آن بود که فشار مغولان به ترکها و فشار متواتی و متواتر (Renaissance) ترکها به روم شرقی باعث شد که شالوده اولیه نهضت رنسانس در اروپا ریخته شود و از همان تاریخ آسیای صغیر مرکز دائم سکونت ترکها میگردد.

طریقه مخصوص و راثت مغول که هر پسری بطور تساوی از املاک و ماتریک پدر سهم میبرد سبب گشت که امپراطوری مغول بزودی تجزیه گردد.

تحت جمیل ، منظره ای از کاخ آبادان



تبرستان
www.tabarestan.info

فرمانروایان مختلف پس از آنکه دورهٔ خرابکاری خود را پایان رسانیدند بصورت دیکتاتورهای صالح درآمدند و آنچه را که از تمدن و فرهنگ رعایای خود باقی دیدند آنرا توسعه دادند و بخود جذب کردند. غازان‌خان فرمانروای ایران در سال ۱۲۹۵ میلادی شیعهٔ شد و علم و هنر و ادب را ترویج کرد و برای جبران خرامیهای اسلاف خود کوشش زیادی بخراج داد ولی بدینختانه این وضع هم دوام چندانی نیافت زیرا در سال ۱۳۵۰ میلادی فاتح خونخوار دیگری پدیدارد. این فاتح خون‌آشام تیمور لنگ بود که با پیروان ترک خویش از آسیای مرکزی قیام کرد و تقریباً فتوحات خود را باندازهٔ فتوحات مغول توسعه داد و پس از آن خود تیمور و جانشین‌های او مانند مغولان صنایع و هنر را ترویج و حمایت کردند و در حقیقت شعر و ادب و نقاشی ایران در دورهٔ پادشاهان تیموری باعثی درجهٔ ترقی خود رسید.

باید بین نکتهٔ توجه داشت که در همان موقع ترک‌ها از طرف مغرب پیش رفتند و استانبول را گرفتند و همین موضوع سبب شد که نهضت رنسانی را هستیم خود را پیماید و در کنار دارادانل شرق و غرب از هم جدا شوند.

نکتهٔ دیگر قابل توجه‌آن زمان که باید از نظر دور نگردد آنست که ادبیات در آن عصر در کشور ایران پیشرفت زیادی کرد. در ابتدا چنانکه دیدیم فاتحین عرب فرهنگ ایرانی و زبان فارسی را تقریباً منسوخ داشتند.

زبان عربی زبان مذهبی و رسمی و اداری بود و رعایای غیر عرب در آن اوقات نمیتوانستند از آن رویهٔ تخطی کنند.

اینکه گفته شد تقریباً برای آنست که بمحض تجدیدادیات ایرانی معلوم بود که قسمت عمدۀ ادبیات مذکور مرهون روایات ماقبل اسلام ایران میباشد.

آنگاه زبان عربی ب موضوعهای تاریخی، فلسفی و علمی اختصاص یافت زیرا این موضوعها گذشته از آنکه از نظر ماهیت عربی بودند از نظر اصطلاحات فنی هم تسهیلات موجوده در آن زبان نیازمند میشدند اما موضوعهای شعری بر عکس میتوانست در محیط محدود رسانه‌ای محلی جریان پیدا کند.

ادبیات ایرانی دارای خواصی است که قطعات منظوم و و مقاله‌های فصیح نثر کاملاً بهم ارتباط دارد.

اشعار فارسی نیز جزء بجزء آن دارای همین استقلال و ارتباط میباشد. هریت فارسی نه فقط از نظر گرامری بلکه از طریق مفهوم و مفاد نیز مستقل و کامل است.

شنوندگان زبان فارسی از یک شعر کامل با اندازه چندین مقاله‌و چندین اظهار عواطف و احساسات مطلب درک میکنند و برای آن ارزش قائلند. یک شعر ایرانی مانند یک رشته مرواریدی است که بمراتب از الماس کوه نور درخشانتر و تابنا کتر است.

همین خاصیت عالی در مینیاتور و نقاشی ایران هست که عشق و علاقه به ریزه کاری در آن بر هنر نمائی کلی فزونی دارد.

اولین شاعر نامی مسلمان ایران رود کی است که در قرن دهم میلادی میزیست اما فردوسی بزرگ بعد ازاوج انشیش شد و رود کی را تحت الشاعر قرار داد.

فردوسي شاعر عاليقدر ايران بطوری در بين ممالک جهان مشهور و معروف است که در سال ۱۹۳۴ ميلادي موقعی که جشن هزاره وی برگزار شد نمایندگان ادبی سراسر جهان برای شرکت در اين جشن به کشور ايران آمدند.

اين شهرت عالمگير فردوسی مربوط به كتاب شاهنامه يعني «كتاب شاه» اوست که در سن پيری تأليف شده است. فردوسی در سن شصت سالگي مشغول تأليف شاهنامه شد و مدت يازده سال تمام طول کشيد تا اين كتاب که نمونه کاملی از اشعار رزمی ايران است بپيان رسيد.

فردوسی در كتاب شاهنامه افسانه های ملي ايران را که تا آن روز تدوين نشده بود و سينه نقل ميشد با بهترین نظم فارسي مسجل کرد و از روی همين نظر و عالي بودن نظم حماسي شاهنامه است که هم اکنون در کشور ايران فردوسی يگانه قهرمان ملي بشمار ميايد.

يکی از نکات جالب توجه اشعار فردوسی که تا امروز مورد تحسين و تقدير قرار گرفته آنست که کلمات شاهنامه فارسي خالص ميباشد اما گويندگان اشعار و نويسندگان ايراني بعداز فردوسی رويء او را تعقيب نکردند.

فردوسی سردسته عده‌ای از شعرای برجسته و نامی ايران بود که ما میتوانیم نام چندتای آنان را در اینجا ذکر کنیم.

نظمي شاعر رمان نويس قرن يازدهم ميلادي است که امسال يعني سال ۱۹۶۱ ياد هشتصدمين سال تولدش مراسمی برپا ميكنند.

رومی شاعر عرفاني از خراسان و سعدی شاعر مشهور بزمی هردو در

قرن سیزدهم میلادی میزیستند.

حافظ شیرازی که در قرن چهاردهم میلادی میزیست و بسیاری از ایرانیان اورا باسعده برابر میدانند.

فردوسي، سعدی و حافظ شیرازی بزرگترین شعرای نامی ایران محسوب میشوند.

جامی از خراسان که در قرن پانزدهم میلادی میزیست و شاعر بزرگ عرفانی بوده است.

از شعرای نامی ایران که بگذریم نویسنده کان، فیلسوفان، تاریخ و نویسان و علمای دیگرهم از میان ایرانیان برخاسته اند که نوشته های آنان بیشتر ب زبان عربی بوده است ولی در هر حال باید اسمی بعضی از آنها در اینجا ذکر شود.

دانشمندان بزرگ ایرانی که مانام آنان را در این کتاب ذکر میکنیم عبارتند از طبری تاریخ نویس، رازی و ابن سينا از علماء و دانشمندان.

بیرونی عالم جغرافی و عمر خیام ستاره شناس و فیلسوف بزرگ که در میان ما انگلیسی ها بیشتر برای ریاضیات شیرینیش که ظاهراً در ایام فراق وجود ائمۀ معشوق نوشته است شهرت دارد.

در این عصر بود که آموزش و پرورش در کشور ایران شکل مخصوصی بخود گرفت که تا قرن دوازدهم میلادی بین کلیه ملل و ممالک اسلامی متداول بوده است.

عقیده اساسی در آموزش و پرورش کودک و یا شخص بالغ (آموزش و پرورش کودک و شخص بالغ ممیزات مخصوصی نداشت) این بود که با وترس از خداوند متعال و فرا گرفتن قوانین اسلامی را بیاموزند سپس روش‌های نیک

اخلاقی را در طرز رفتار او بادیگران و طرز زندگانی در اجتماع و طریقه سخن گفتن، خوردن، آشامیدن، رامرفتن و آداب لازم دیگر را بوي ياد دهند و بالاخره او را استاد يك فن و يا دانشمند در يك رشته از علوم بار يياورند .

در ابتدای امر تعلیمات مذهبی و احکام اسلامی را خلفا در مساجد بمقدمیآموختند و بعداً این وظیفه به حافظ و مبلغین مخصوص محول گشت که بزهد و داشت شهرت داشتند اما وضع و جنبه خاصی بآنان داده نمیشد سپس کلاسهای جداگانهای برای کودکان در مساجد و پس از آن در خانه های معلمین دایر گردید و باین طریق در کشورهای اسلامی مدارس پدید آمد.

کودکان از پنج ویا شش سالگی بمدرسه میرفتد و تا سن چهارده سالگی بفراغت علم علوم مشغول بودند و در آن موقع میبايستی کاری بیابند و مشغول کار شوند .

آموختن و تعلیمات آن زمان رسمی نبود.
شاگردها روی زمین دور معلم خودشان می نشستند و معلم از مسن ترین شاگردان میخواست که شاگردان کوچک را درس بدهد.
پایه و اساس دروس عبارت از آموختن الفباء بطوری که شاگرد بتواند بخواند و بنویسد و نیز هر شاگردی میبايستی قرآن را از بربخواند.
در تدریس قرآن مجید کمتر معانی آنرا توضیح میدادند و هیچگاه از نحوه تدریس انتقاد بعمل نمیآمد.

شاگردان با استعداد قسمتی از احادیث محمد بن عبد الله صلوات الله عليه و آله و سلم و اشعار ساده و حکایات کوچک و شیرین و مواد مختصری از صرف و نحو عربی

میآموختند.

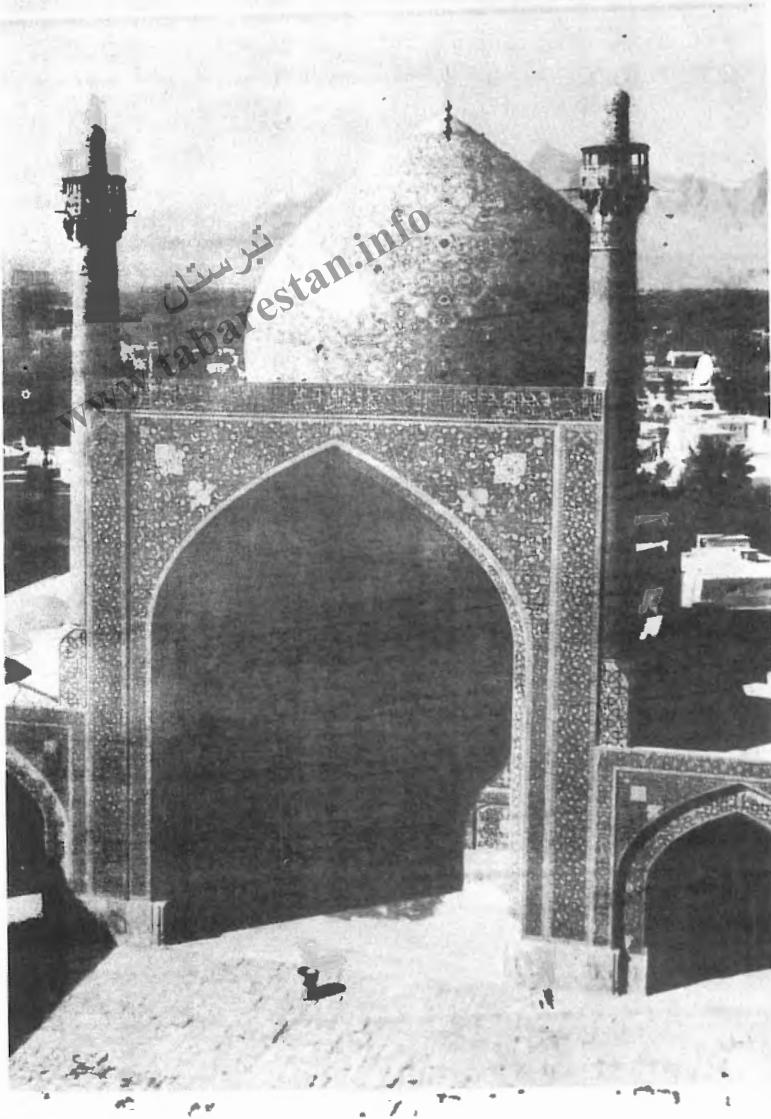
پس از آن نوبت فراگرفتن زبان فارسی میرسید اما در هیچیک از مراحل آموزش و پرورش روح تحقیق و تبع وجود نداشت بلکه بر عکس مواردی را با چوب و کتک بشاشگردان تحمیل میکردند و آنان نیز طوطی وار آنرا میآموختند.

عدمای از شاگردان با استطاعت ماهیانه مختصراً به معلمین میدادند ولی بقیه هزینه معلم از محل عطیه و خیرات و کاغذنویسی و سایر مهرهای که برای یک شخص با سواد درین توده بیسوادان مقرر است تأمین میگردید. تا قرن یازدهم میلادی برای تعلیمات عالیه سازمانهای جدا کانهای در میان مسلمانان وجود نداشت و فقط کلاسهای غیررسمی برای تعلیم مسائل مذهبی، رسوم و عادات و قوانین اسلامی در مساجد و مکانهای دیگر دایر میشد. اولین آموزشگاههای عالی اسلامی در مردو و نیشابور تأسیس یافت و در قرن دوازدهم میلادی نظام الملک وزیر معروف سلجوقیان چندین آموزشگاه عالی تأسیس کرد که از آن جمله مدرسه عالی نظامیه بغداد بود.

این مؤسسات نخستین آموزشگاههای عالی اسلامی هستند که بر نامه و دوره آنها طبق قواعد و اصول صحیحی بود.

مندرجأً این آموزشگاههای عالی فروندی میافافت بطوریکه در او آخر قرن سیزدهم میلادی تنها در شهر بغداد سی آموزشگاه عالی تأسیس گردید. برای ورود باین آموزشگاههای عالی خواندن و نوشتن عربی، دانستن قرآن مجید و مختصراً صرف و نحو عربی لازم بود.

بر نامه این آموزشگاههای عالی بطور کلی عبارت بود از زبان و ادبیات عرب و تفسیر کلام الله مجید، احکام اسلامی، فلسفه، منطق و علوم



ایوان و گنبد اصلی مسجد شاه اصفهان ، از آثار صفویه

تبرستان
www.tabarestan.info

نقلي که نمونه کامل آن آموزشگاهها در حال حاضر مدرسه چهارباغ اصفهان است .

مدرسه چهارباغ اصفهان مانند همان آموزشگاههای عالی عبارت از حیاط بزرگی است که دور تا دور آن حجره‌های متعددی ساخته‌اند و محصلین در این حجره‌ها زندگی می‌کنند .

کارمیکنند و پولی نمیرداشته و همچنین در این مدرسه عالی یک کتابخانه بزرگ که تمام کتابهای آن خصیّ است وجود دارد .

ضربی که در اثر حمله مغولان و ترک‌ها بریکار ادبیات ایران وارد شد آنقدر مهلك نبود که بتواند باعث سقوط قطعی و حتمی آن گردد بلکه بعد از سقوط بغداد که مرکز فرهنگ اسلامی بود زبان فارسی بعنوان زبان علمی و ادبی اهمیت جدیدی پیدا کرد بطوریکه نه تنها در کشور ایران بلکه در میان ملت‌های مسلمان غیر عرب و مخصوصاً ترک‌ها رواج بسیاری پیدا کرد .

نشر فارسی در ابتدای امر بسیار ساده نوشته می‌شد ولی پس از آنکه مغولان و ترک‌ها بر کشور ایران دست یافتنند طرز انسائی که درین شرقی‌ها معمول بود در زبان فارسی همراه یافت .

تغییری که در اثر حمله مغولان و ترک‌ها در زبان فارسی پیش آمد بزودی براثر پیروی از اصول محافظه‌کاری و انشاء مصنوعی که از خواص ملت‌های عقب افتاده است آنرا جامد ساخت واژ روح و حیات بازداشت و گرچه بعداً اقداماتی برای اصلاح آن بعمل آمد ولی بهر حال باید آن زمان را آغاز سقوط و انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی دانست .

فصل چهاردهم

پادشاهان سلسله صفوی و نادرشاه

امپراطوری تیمورلنگ مانند امپراطوری هائی که قبل مهاجمین دیگری در ایران تشکیل داده بودند بزودی درهم شکست و متلاشی گردید بعداز آن این امپراطوری بصورت سلطنت های کوچک تر کوتاه کمن درآمد که سلسله فرمانروایان مغول در شمال هندوستان و حکمرانان عثمانی در آسیای صغیر از نژاد آنان میباشد.

از این دوره فرمانروایان آسیا، هندوستان کمتر به ایران ارتباط دارد گوینکه فرمانروایان مغول زبان فارسی و صنایع ظریفه را با خود به هندوستان بردندو آنرا تا جائی که ممکن بود رواج و توسعه دادند اما متأسفاً نه نفوذ متقابلي ایجاد نکردند و هندوستان مانند همیشه بصورت دنیاى جدا گانه و مستقلی باقی ماند. ترکان عثمانی پس از آنکه قسمت مهمی از جهان عرب را مسخر کردند و کشور مصر را هم متصرف شده و جزء مستملکات خود ساختند مانند رقیب سرخنی دربرابر ایران ایستاد گی کردند. در آغاز قرن شانزدهم میلادی وطن دوستی و ملت پرستی ایرانیان آنچنان نیروئی یافت که توانستند در برابر نفوذ ترکها مخالف نیرومندی

بنام سلسله صفویه بوجود آورند که پادشاهان این سلسله توانستند بیش از دویست سال باقدرت کاملی در ایران سلطنت کنند.

این واقعه نه تنها برای ایران بلکه برای تاریخ تمام کشورهای خاور نزدیک امری قاطع بود.

ایران ادعا داشت که باید یک ملت مستقل شناخته گردد اما این امر باسیاست کلی اتحاد اسلامی مخالف و مغایر بود زیرا ترکیه ای عثمانی می خواستند مجدداً ملل اسلامی را متحد سازند (البته با عوامل غیر مؤثر) ایران دارالاسلام را بدو قسمت تجزیه می کرد و آنگاه خودش مانند مانع و راهی در آن میان باقی میماند. کشور ایران پس از آنکه مذهب شیعه را بعنوان مذهب رسمی اعلام داشت خود را از نظر سیاست و دیانت با امپراطوری عثمانی که سنی بود مخالف معرفی کرد. (صفویه مدعی بودند که از نسل امام‌ها هستند) و این اختلافات و کشمکش‌ها بنا چار بصورت جنگ‌های خونینی درآمد و سرزمین بین التهرين همانطوری که در زمان هخامنشیان بر ضد یونان و در زمان ساسانیان بر ضد رومیان میدان جنگ بود مجدداً میدان جنگ ایران و عثمانی شد.

در اینجا لازم است نسبت به پاره‌ای از اقدامات اولیه اروپائیان در امور ممالک شرقی اشاره‌ای بشود.

کشورهای غربی که از پیشرفت روزافزون ترک‌ها سخت نگران بودند کشور ایران را وسیله‌ای برای انحراف توجه ترک‌ها بطرف مغرب دیدند و با پیشنهاد اتحاد و تحریکات گوناگون کوشیدند تا پادشاهان صفوی را بمحیط سیاست اروپا بکشنند.

پادشاهان صفوی بزودی بطرف این سیاست جلب شدند اما سیاست

خارجی آنها تهاجمی نبود و در امور فرهنگی ارتباط نزدیکی بین ایران و ترکیه برقرار گشت.

در آن موقع ایران مانند همیشه برای اصلاحات داخلی علاقه‌شیدی داشت که سر زمین و قلمرو حکومت خود را توسعه دهد.

در زمان سلطنت شاه عباس (۱۶۲۹-۱۵۸۷ میلادی) که افسانه‌های راجع باو گفته‌اند و در عصر سلطنت الیزابت و شارل پنجم اسپانی و اکبر امپراطور مغول میزیست علم و هنر با نوع وسایل ترویج میشد.. اصفهان پایتخت جدید شاه عباس نمونه کامل زیبائی معماری اسلامی گشت.

راه‌ها و پل‌های جدیدی در سراسر کشور احداث گردید. صنایع و هنرها زیبا توسعه و ترقی یافت. مینیاتور، نقاشی، قالی‌بافی، نساجی، خط‌نویسی و فلزکاری معمول و متداول شد.

اینگونه آثار و صنایع دستی بقدرتی پیشرفت و توسعه یافت که حتی در همین زمان ایرانی‌ها اشیاء خوب قدیمی را که تاریخ ساختن آنها بیش از یک‌صد سال باشد مناسب بدورة سلطنت شاه عباس میدانند. پادشاهان صفوی در امور مذهبی نسبت به اقلیت‌ها گذشت فراوان داشتند.

دو موضوع مهم و قابل توجه مربوط بدورة سلطنت صفویه است که باید در اینجا ذکر شود اول آنکه شاه عباس به جامعه ارامنه اجازه داد که در جلفای اصفهان متصرف گردند و با ساختن کلیسا مراسم مذهبی خود را

آزادانه انجام دهنده موضوع دوم آنست که بمناسبت شهادت حضرت حسین بن علی علیه السلام در ماههای محرم و صفر تعزیه‌خوانی در کشور ایران معمول شد و همه‌ساله این مراسم در ماههای مزبور اجرا می‌گردید که اکنون هم تاحدی معمول است.

پادشاهان صفوی سعی داشتند که اعتقادات مذهبی را در افراد کشور بسیار قوی و مستحکم سازند و روی بن نظر شهرهای مشهد و قم و کربلا و نجف مدفن مطهر حضرت علی بن ابوطالب علیه السلام را بیان تگاه شیعیان قرار دادند که وسائل و شرایط زیارت آنها بر اتاب او همکه فراهم‌تر و سهلتر است.

مقصود این بود که با این ترتیب بجای آنکه نظر ایرانیان بوقایع و حوادث جهان معطوف گردد فقط متوجه خودشان باشند اما این نظر بعداً نتیجه مطلوب نداد زیرا محدودیت‌های داخلی مخصوصاً در امور مذهبی منجر به کورد و مختل‌ماندن کارها شد و بر طبق عقاید و اصول مذهب شیعه موضوع اجتهاد پیش آمد که مجتهدین اجازه میداد آیات کلام‌الله مجيد را آزادانه و بی‌میل خودشان تفسیر کنند و همین امر بطوری در امور ایجاد اختلال کرد که کل‌علا نتیجه معکوس‌داد و حکومت مجتهدین از حکومت قرآن شدیدتر شد و نفوذ آنان بقدرتی قوت یافت که حتی در واقعی و امور سیاسی هم تأثیر داشت و باید اعتراف کرد که این اختلال در امور داخلی باعث وسبب شد که کشور ایران اولین قربانی فاتحین مقتصد جهان آن روزی بشود و دردام سیاست استعماری روزگاری اروپائیان یافت.

در سال ۱۷۲۶ میلادی پس از آنکه سلسله صفوی سقوط کرد و کشور نامنظم و پر هرج و مر جی از دوران سلطنت خود باقی گذارد نادر شاه از خراسان

قیام کرد.

این پادشاه مانند تیمور لنگ^۱ یکی از جهانگیران بزرگ جهان است
با این تفاوت که میدان تاخت و تاز وسعت خاک امپراتوری او بحد تیمور
لنگ نرسید.

نادر شاه قبل از مدتی در ارتش پادشاهان مختلف ایرانی خدمت کرده
بود و پس از آنکه برای نجات کشورش قد مردانگی علم کرد سپاهی دلیرو
جنگجو کرد آورد و در اولین لشکر کشی که بفرماندهی شخص خودش
اداره میشد رومی‌ها و ترک‌ها را با موقیت پیروزمند آهای شکست داد.
در سال ۱۷۳۶ میلادی آخرین پادشاه سلسله صفوی که کودک شیر-
خواری بود بدرود حیات گفت و نادر شاه خودش تاجدار ایران کشت و
بقوحات درخشنانی نائل گردید.

یکی از مشهورترین لشکر کشی‌ها و قتوحات نادر شاه فتح هندوستان
است که تخت طاووس معروف را در دهلهی بگنیمت گرفت و آنرا با خود بایران
آورد (تختی شبیه همین تخت طاووس هم‌اکنون در تهران میباشد) نادر شاه
در اداره کردن امور کشور هنر چندانی نداشت و همینکه در سال ۱۷۴۷
میلادی بقتل رسید در حدود پنجاه سال کشور ایران دچار هرج و مرج
گردید.

این هرج و مرج و ناامنی سرانجام با پیروزی قاجار یکی از طوایف
ترک ساکن شمال ایران خاتمه یافت و در سال ۱۷۹۴ میلادی تهران پا یاخت
ایران و پادشاهان قاجار گشت.

با آغاز سلطنت سلسله قاجار دوره جدیدی در تاریخ ایران پدید آمد
که بحث در این موضوع محتاج بفصل جدا گانه‌ای است.

۱- این نظر نویسنده کتاب است. مترجم

فصل پانزدهم

توسعه و پیشرفت نفوذ غرب در ایران

قرن نوزدهم میلادی برای ایران زمانی است که بکشورهای اروپائی مربوط شده و این تماس از همان موقع تا کنون ادامه داشته و دارد. البته در گذشته هم ایران با اروپا مربوط بوده ولی رشتہ ارتباطی آنان مانند قرن نوزدهم میلادی محکم و ناگستنی نبوده است. ما نام یکنفر کشیش ایرانی را بنام «ایوز مقدس» ذکر کردیم و همچنین گفته شده است که در سال ۷۲۲ میلادی یکنفر انگلیسی بنام ویلی بالدمقدس (ST-Willibald) اولین کسی بود که بکشور ایران آمد است.

در قرن دهم میلادی بین شارلمان (Charlemagne) او هارون الرشید روابط سیاسی برقرار بوده است و در پایان قرن یازدهم میلادی نخستین حملهٔ صلیبیان شروع گردید و آنطوریکه تاریخ آنان حکایت می‌کند بیشتر منظورشان غارت و چاول بوده و بهمین جهت برای پیشوایان مسیحی خود نام نیکی باقی نگذارده اند.

چون کشور ایران از میدان جنگ صلیبیان دور بود طبعاً نقش مهمی در آن کارزار بازی نکرد اما در قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی از طرف کشورهای صلیبی مذاکراتی با فرمانروایان مغول آغاز گردید که از عقب سر

به ترک‌ها حمله کنند ولی این مذاکرات که برای آغاز آن کوشش زیادی معمول گردیده بود بی نتیجه ماند.

از همان تاریخ داستانهای افسانه‌های مانندی درباره شخصی‌بنام یحیی کشیش پرستران (Prester John) بوجود آمد که مذهب نسطوری را پذیرفت و احتمال دارد که یکی از فرمانروایان مغول بوده است.

ارتباط دائمی ایران با اروپا در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی شروع گردید و آن هنگام موقعی بود که بازرگانان و نیوچر (Venice) در صحنه تجارتی ایران ظاهر شدند.

برای مدتی بازار تجارت ایران منحصر در دست و نیزی‌ها بود تا این‌گهه در دوره سلطنت پادشاهان صفوی بازرگانان انگلیسی از راه روسیه بکشور ایران وارد شدند.

حوادثی که در اثر رفتار و کردار برادران مشهور شرلی (Sherley) در ایران رویداد ارتباطی با کتاب ما ندارد اما همان حوادث معروف نمونه بارزی از وضع نفوذ اروپائیان مخصوصاً انگلیسی‌ها است که بنام تجارت نفوذ سیاسی خودرا توسعه دادند

این ادعا از آنجهت است که برادران شرلی مأموریت داشتند که صفویه را برای حمله به ترک‌ها تحریک و آماده سازند.

قرن شانزدهم میلادی همانطوری که آغاز نفوذ اروپائیان در ایران بشمار می‌رود دوره‌ای است که امور بازرگانی ایران از نظر بین‌المللی بی‌اهمیت بود.

کشف دماغه امیدنیک (Cape) باعث وسیب شد که پیشرفت ترک‌ها در اروپا متوقف بماند و بین جهت فعالیت هر دو عامل اقتصادی و سیاسی از

شوش بر جسته اردشیر دطاق بستان کرمانشاه، از آثار ساسانی



تبرستان
www.tabarestan.info

راه خشکی هندوستان منحرف گردید و علاوه بر آن استحکام امپراطوری
عثمانی مانع مؤثری برای بازرگان آینده ایجاد نمیکرد.

این وقایع ویش آمدها که بطور مؤثری وضع اقتصادی عالم اسلام
را تحت الشاعر در آورد در کشور ایران نسبت به جاهای دیگر کمتر
بحرانی بود.

خلیج فارس برای رفتن به هندوستان باز ماند و تجارت ابریشم در
آن نواحی رونقی بسزا یافت.

کمپانی هند شرقی خیلی زود سریع در مقابل پرتغالیها که اولین
واردین بسرزمین ایران بودند پدیدار گشت و در بندر عباس کارخانه‌ای بنا
کرد و انگلیسی‌ها که در تمام مراحل بارگات شدید پرتغالی‌ها و هنلندیها
و فرانسویها روبرو بودند در قرن هیجدهم میلادی در نواحی خلیج قدرت
ونفوذ فوق العاده‌ای پیدا کردند.

انگلیسی‌ها بیشتر توجه‌شان به ایران از آن جهت بود که این کشور
با هندوستان هم مرزبود و در آن موقع اقداماتی صورت می‌گرفت که کشور
زرخیز هندوستان جزو مستملکات امپراطوری بریتانیا درآید.

در آن موقع انگلیسی‌ها از نفوذ زیاد فرانسویان در داخله ایران
نگران بودند و بیشتر نفوذ فرانسویان در ایران از نظر فرهنگی بود ولی
سیاستمداران آن روز بریتانیا این موضوع را نمیدانستند.

نگرانی انگلیسی‌ها از فرانسوی‌ها در آن ایام بسیار بجا بود زیرا
ناپلئون (Napoleon) تصمیم داشت که از راه ایران خود را به هندوستان
برساند اما بعد از شکست ناپلئون بنیان چار بین ایران و انگلستان دوستی بسیار
نزدیکی برقرار گشت ولی دیری نپائید که انگلیسی‌ها بخطر عظیمی که

از طرف شمال به آنان نزدیک میشد پی برند.

اولین هیئت سیاسی سفارت روسیه در سال ۱۶۶۴ میلادی به ایران وارد شد در آن تاریخ سرحدات ایران و روسیه از یکدیگر فاصله زیادی داشتند ولی از یکصد و پنجاه سال پیش روسها بطرف جنوب شرقی پیش میآمدند و هیئت اعزامی با ایران هم نمونه‌ای از آن جنبش محسوب میگردید.

در موقع جنگهای ناپلئون هردو کشور فرانسه و روسیه گاهی باهم و گاهی بضدیت و مخالفت یکدیگر برای حمله به هندوستان مانور میدادند و هر یک از آنها پی‌فرصت میگشت که زودتر از دیگری نظر خود را عملی سازد و همین‌که فرانسه از میدان در رفت روسیه باقی‌ماند و به کوشش‌های قبلی خود افزود.

چند سالی از این موضوع نگذشته بود که جنگهای روسیه در قفقاز پیشافت زیادی کرد قلمرو سرزمین‌های شوروی به مرزهای ایران رسید و در سال ۱۸۲۸ میلادی پیمان ترکمن چای بین ایران و روسیه انعقاد یافت و قتوحات روس‌ها بمنتهی درجه رسید.

در اثر انعقاد پیمان ترکمن چای باستقلال و حاکمیت ایران لطمہ بزرگی وارد آمد و تجارت خارجی این کشور بدست روس‌ها افتاد و از همان تاریخ کاپیتولاسیون (Capitulation) یعنی حقوق ویژه بیگانگان در ایران معمول گردید ولی تا سال ۱۹۲۸ میلادی بیشتر دوام نداشت.

بالاتر از همه با نزدیک شدن بریتانیا از طرف مرزهای خاوری محصور بودن ایران تکمیل تر شد و در واقع از همان تاریخ کشور ایران آلتی بود که برای پیشرفت مقاصد و نقشه‌های بریتانیا و یا روسیه بنوبت بکار میرفت.

سالهای بعد بین ایران و افغانستان جنگی در گرفت که باید آنرا

جنگ مالیخولیائی نام گذارد و همین جنگ با دست دولت قوی بریتانیا و روسیه بوجود آمد.

روسیه قبایل ترکمن را در کرانه خاوری دریای خزر مطیع خود کرد و با ساختن راه آهن موقعیت نظامی خویش را در آن حدود مستحکم ساخت.

بریتانیا کوشش میکرد که سرحدی بین ایران و بلوچستان بوجود آورد و نفوذ خود را در جنوب توسعه دهد. در سال ۱۸۸۰ میلادی این نظر تأمین و تکمیل پیدا شد فقط در سرحد غربی بین ایران و ترکیه اختلافی باقی ماند.

در همین حیص ویص یک نوع راه نفوذ جدیدی پیدا شد که برای تصرف اراضی بکار نمیرفت بلکه با اعمال رویه تازه‌ای این نفوذ توسعه می‌یافت.

فصل شانزدهم

احداث خطوط تلگراف و راه آهن در ایران

رزدیک شدن راه آهن روسیه از طرف شمال واقعه مهم افتتاح کanal سوئز در سال ۱۸۶۹ میلادی ایران و سایر کشورهای خاور نزدیک را بعرضه سیاست بین المللی کشانید اما با آن موقع دولتهاي مقندر غربی دیگر از رویه سابق امپریالیستی که رنگ و نقشه مملکت را تغییر میداد پیروی نمیکردند و بجای تسلط و قرمانروائی نظامی میخواستند نفوذ آنان در امور اقتصادی و مالی کشورها پیشرفت کنند و بازی تازه‌ای را آغاز کردند که عبارت از گرفتن امتیازات از کشورهای خاور نزدیک بود.

ایران در میان راه مستقیمی واقع شده بود که مانند زنجیری اروپا را با هندوستان مربوط میساخت و برای ارتباطات بین المللی بسیار مهم و قابل توجه بود از این رو در بدو امر نظر استفاده جویان بطرف تلگراف و راه آهن معطوف گردید و در عرض چند سال خط تلگرافی مهمی احداث شد که از اروپا تا بغداد و تفلیس از طریق تهران امتداد داشت و تهران را هم بخلیج فارس و هندوستان وصل میکرد.

گرچه این خط مهم و طویل تلگرافی را کشورهای مختلفی دایر کردند اما عملاً تاسال ۱۹۲۰ میلادی بدست عمال انگلیسی اداره میشد و اساساً

هم تحت کنترل دولت ایران بود.

راه آهن ایران برخلاف تلگراف موردنگردید و دورقیب یعنی بریتانیای کبیر روسیه که هر یک سعی داشتند مقام و موقعیت خود را در کشور ایران محکمتر سازند ساختن راه آهن را مفید نمیدانستند و هر یک سررقیب خود را با حرف گرم میکرد و بین علت تاسال ۱۹۲۷ بطور کلی چهار رشته راه آهن در کشور ایران بوجود آمد که طول تمام آن چهار رشته جمعاً از ۲۰۰ میل هم کمتر بود و از آن جمله بکی راه آهن سبک پنج میلی تهران بدشاه عبدالعظیم و دیگری راه آهن هفت میلی درشت به پیر بازار بود که میتوان گفت این دو خط از هر دو جهت متعلق به ایران بودند و دو خط دیگر دنباله خطوط راه آهن هندوستان و روسیه بودند که بخاک ایران می آمدند.^۱

باقیه تاریخ قرن نوزدهم میلادی کشور ایران عبارتست از یک سلسله وقایعی که بین دورقیب سرسرخت و دو ملت بزرگ روی داد و با افکار سرمایه داری و امپریالیستی توأم بود بدین معنی که فرمانروایان ظاهری ایران بر ضد یکدیگر عمل میکردند با مید آنکه نفعی عایدشان شود اما در پایان کار وقتی که درست توجه کردند دریافتند که همه چیز خود را از دست داده اند.

در همان تاریخ بود که میتوان گفت تقریباً تمام منابع کشور ایران در دست خارجیان قرار داشت.

کشور روسیه که در آن تاریخ از نظر مادی بر کشورهای دیگر برتری داشت بواسطه موقعیت مهم جغرافیائی بر حکومت تهران یعنی دولت

۱- این خطوط راه آهن باجهل و سه میل راه آهن سبکی که بوسیله شرکت نفت انگلیس و ایران احداث و از آن بهره برداری میکردند ربطی ندارد. مؤلف

ایران سلط داشت و این مقام برتری را برای خود حفظ کرده بود، در مقابل دولت انگلیس در سال ۱۸۸۹ بانک شاهنشاهی را در ایران تأسیس کرده و کاهی هم ملت‌های دیگر اروپائی بصور مختلف نصیب کمی از این کشور می‌برندند.

ایتالیا گروهی مستشار نظامی به کشور ایران فرستاد و در سال ۱۸۹۸ تمام مدیران و رئاسای گمرکات این کشور بلژیکی بودند و گمرک ایران را اداره می‌کردند.

سلط و حکم‌فرمایی خارجیان به ایران با تنظیم قرارداد انگلستان و روسیه که در سال ۱۹۰۷ میلادی تدوین شد بمنتهی درجه رسنیاری ایموجب این قرارداد کشور ایران بدو منطقه نفوذ انگلیس و روس و یک منطقه بی‌طرف تقسیم گردید.

این موضوع برای بریتانیای کبیر پیروزی سیاسی بزرگی بشمار میرفت در صورتیکه روسها هم بصورت ظاهر سهم بیشتر و بهتری را دارا بودند وعلاوه همین واقعه موقعیت بریتانیا را در جنوب محکمتر ساخت و از پیشرفت سریع روسیه که قبل از آن ضعیف شده بود جلو گیری کرد اما اثرات آن به حیثیت انگلستان لطمه بزرگی وارد ساخت بطوریکه حتی روزنامه پونچ (Punch) که در آن موقع آزادی بیان بیشتری داشت از پایمال شدن منافع ایران در آن عهد اظهار وحشت نمود در طی مقالات متعدد خود این عمل دولتین انگلیس و روس را بیرحمانه تلقی کردوایرانیان که آن قرارداد را مقدمه تفکیک و تقسیم کشور خودشان میدانستند از همان موقع مایلند که نام بریتانیا را مانند نام روسیه بر دشمنان تاریخی و قدیمی خود بیفرایند.

در همین اوقات نهضت‌های فرهنگی و ادبی در زندگانی ایرانیان بوجود آمد و این امر بطور روشن و آشکارا کی از آن بود که کارد باستخوان رسیده است، اولین علامت این نهضت ظهور فرقهٔ بابی‌ها است.

این نهضت هم یکی از همان نهضت‌های افراطی مذهبی بود که در تاریخ ایران نظری آن زیاد دیده شده است.

مؤسس و بنیان‌گذار این فرقهٔ شیعیان علی محمد در هزارمین سال غیبت امام دوازدهم علیه السلام^۱ ادعا کرد که باب یا دروازه علم و دانش الهی است اما پیروان او خیلی تند رفتند بطور یکه برای خودشان هم ادعای الوهیت کردند و ادعا نمودند که باب خالق و آفریننده خدا یان می‌باشد.

حکومت تهران اینطور تشخیص داد که این نهضت برای تضعیف و تهدید او بوجود آمده و با وسایل ممکنه بقلع و قمع پیروان آن پرداخت و بابی‌ها را به رو سیله‌ای که ممکن می‌گردید آزار میداد و همین موضوع موجب شد فرصتی بدست آمد که آن جرأت و شهامت تعجب آور ایرانیان نشان داده شود.

همان جرأت و شجاعتی که در موقع حمله بعقاید مذهبی ایرانیان غالباً از آنان بروز می‌کند.

باب در سال ۱۸۵۰ میلادی در شهر تبریز اعدام شد و پیشوایان این فرقهٔ بخارج از ایران رفتند.

از تعلیمات پیشوایان فرقهٔ بابی بهائی پدید آمد که عبارتست از يك رشتہ عقاید روش اخلاقی و مردم را بصلاح عمومی و روش نیکو دعوت

۱— منظور نویسنده کتاب غیبت حجۃ بن الحسن مهدی قائم امام دوازدهم علیه السلام است. مترجم

میکند^۱ و پیروان افراطی آن مدعی هستند که ناسخ تمام ادیان میباشد.
آئین بهائی در امریکا و اروپا پیروان زیادی پیدا کرد ولی تصور
میرود که اهمیت امروزه آن در کشور ایران از روز پیدایش این آئین
بیشتر باشد.^۲

باید در نظر داشت که پیروی از آئین بهائی در کشور ایران
ممنوع است.

گرچه بهائی‌ها ابتکاری از خود شان نشان نمایند اما چند سالی
بعد از آن تاریخ از آنهایی که اصلاحاتی شروع کویه بودند طرفداری
میکردند.

در آن ایام شاه مانند زمان سلطنت پادشاهان هخامنشی فرمانروای
مطلق کشور ایران بود با این تفاوت که حکومت مذهبی ازاو سلب شده و در
دست مجتهدین قرار داشت.

حکومت مذهبی و نفوذ روحانی مجتهدین بسیار زیاد بود و در صورت
لزوم میتوانستند در امور مهم سیاسی نظری قاطع داشته باشند.

در امور مملکتی و اداره کشورهم قدرت دیکتاتوری پادشاه بصورت
ظاهر خیلی زیاد بود اما حقیقت نداشت و صدراعظم‌ها تمامی کارهای مملکت
را اداره میکردند.

۱- این نظریه مؤلف کتاب است. مترجم
۲- این نظریه مؤلف کتاب است. مترجم

فصل هفدهم

تأسیس مدارس خارجی در ایران

رویه و اگذاری ایالات و ولایات به فرمانروایان و حکام استانها و شهرستانها و دریافت مالیات و اجاره از آنان باعث شده بود که حکومت مر کری در خارج پا یاخت ضعیف گردد و همین موضوع موجب شد که حکام محلی مانند شیخ محمره و خانهای بختیاری در تمام امور مربوط بحوزه حکومتی خود اختیارتام داشتند و با مقامات انگلیسی و روسی وارد مذاکره میشدند بدون اینکه دولت ایران از اقدامات آنها اطلاعی داشته باشد.

با این ترتیب خواستند گان گرامی تعجب نخواهند کرد که بگوئیم ناظرین امور خارجی در آن ایام معتقد بودند که کشور ایران روابط فراوان و نابودی میرفت و فقط کنترل شدید و کامل دولتها اروپائی میتوانست از آن هرج و مر ج و سقوط حتمی جلوگیری کند.

نظر حقیقی و عقاید و افکار ملت ایران در پرونده سیاسی آنروز کشورشان مؤثر نبود زیرا در همان موقعی که پادشاهان قاجار از رویه و طرز حکومت دیرین پیروی میکردند فرهنگ و عقاید غرب بوسیله دیپلمات‌ها و مأمورین تلگراف و مؤسسات بانکی و مبلغین اروپائی در نسل جوان تأثیر می‌بخشید.

در قرن نوزدهم میلادی که برای اولین بار مأمورین نظامی فرانسه و بریتانیا به ایران آمدند و نخستین تماس و اصطکاک فرهنگ غرب در روش تعلیم و تربیت ایران پدید آمد.

در سال ۱۸۲۹ بنا بدعوت پرنس مترنیخ (Prince Metternich) یک هیئت ایرانی برای کسب آخرین اطلاعات جنگی اعزام گشت و قبل از آنهم یعنی در سال ۱۸۱۰ و ۱۸۱۵ دانشجویان ایرانی برای تحصیل علوم پژوهشگی و سایر رشته‌ها بکشور انگلستان اعزام شدند.

در سال ۱۸۴۰ لازاریت‌ها (Lazarites) در شهرهای ارومیه، تبریز، جلفا و سلماس و در سال ۱۸۶۰ در تهران مدارسی افتتاح کردند. در سال‌های ۱۸۹۱ و ۱۹۱۶ فرانسویها مدارس پسرانه دیگری در شهرهای تهران و اصفهان دایر کردند و همچنین در سال‌های ۱۸۷۵ و ۱۸۶۵ و ۱۹۲۱ مدارس دخترانه در شهرهای ارومیه، سلماس، تبریز، اصفهان و تهران افتتاح کردند.

هیئت مبلغین امریکائی در سال ۱۸۷۲ مدارس پسرانه و در سال ۱۸۹۶ مدارس دخترانه در تهران افتتاح کردند و همچنین در سال ۱۹۰۴ انجمن مبلغین کلیسای استوارت مموریال (Stewart-Memorial) کالج انگلیسی را در شهر اصفهان گشودند.

در سال ۱۶۴۰ برای اولین بار کتابی در ایران بوسیله خلیفه ارامنه جلفا چاپ و منتشر گردید و با اینکه نوعی چاپ سنگی در زمان سلطنت صفویه معمول بود تا سال ۱۸۱۲ میلادی چاپ کتب و اوراق در ایران روی اسلوب واصول صحیحی نبود و در آن تاریخ اولین چاپخانه در تبریز دایر گشت و در سال ۱۸۲۳ هم اولین مطبوعه در شهر تهران افتتاح گردید و از آن

موقع چاپ کتاب و روزنامه توسعه یافت و اولین روزنامه ایرانی که (اخبار فعالیتهای درباری) نام داشت در سال ۱۸۵۱ انتشار یافت.

در سال بعد روش فرهنگی و افکار غرب در بین ایرانیان بطور محسوسی توسعه یافت و مدرسه دارالفنون در تهران دایر گشت.

این کالج که در آغاز کار یکصد دانش آموز داشت معلمین اروپائی و ایرانی در آن تدریس میکردند و بر قامه های درستی دانش آموزان عبارت بود از رشته های: پیاده نظام و سواره نظام، توپخانه، مهندسی، پزشکی، جغرافی و زبانهای فرانسه و انگلیسی و روسی که بعد از تفاشی و موسیقی هم آن اضافه گردید.

در کالج دارالفنون چاپخانه ای وجود داشت که کتابها و جزو ارات درسی را چاپ میکرد و در عرض چهل سال یک هزار و یکصد دانشجو از این کالج فارغ التحصیل شدند.

ساختمان دارالفنون هم اکنون برای تشکیل کنفرانسها و میتینگها مورد استفاده قرار میگیرد.^۱

در سال ۱۸۵۵ میلادی وزارت فرهنگ ایران تأسیس گردید و سه سال بعد برای اولین بار چهل و دو نفر دانشجوی ایرانی برای تحصیل به اروپا اعزام گشتند اما ناصرالدین شاه باطنًا با این امر مخالف بود.

قا آنی شاعر معروف (۱۸۰۷-۱۸۵۳) یکی از پیش آهنگان و طرفداران جدی علوم جدید بود. با پیدایش و معرفی چاپ سنگی و چاپ سربی علوم جدید و افکار تازه بوسیله نشر کتابها و روزنامه ها در بین مردم توسعه یافت.

۱- وزارت فرهنگ در همین ساختمان دبیرستانی بنام دبیرستان دارالفنون تأسیس کرده است. مترجم

فصل هیجدهم

نهضت مشروطه خواهان و پیدایش نفت ایران

در سال ۱۸۹۰ میلادی نهضت مشروطه خواهان متمرجاً بوجود آمد و از چند ناحیه مختلف تقویت و حمایت میگردید. در میان طبقه روشنفکر عده‌ای بودند که تا حدی از پایه و اساس و مزایای دموکراسی اطلاع داشتند و با نهایت علاقمندی در باب تجدداً تحداد اسلام و نظام را آن کوشش میکردند اما طبقات دیگری هم بودند که هم از نظر عده و هم از نظر نفوذ اهمیت بیشتری را دارا بودند و با کمال میل از نهضت مشروطه حمایت میکردند بین امید که از ضعف دولت استفاده کنند.

این طبقات از مجتهدین، ملاها، رؤسای قبایل، ایلات و توده‌های ستم‌ده و رنج‌کشیده تشکیل میافتد.

بناقار بریتانیا و روسیه هم در این کشمکش وارد بودند و بریتانیا ناگزیر شد از مشروطه خواهان طرفداری کند و این طرفداری از آنجهت نبود که انگلیسی‌ها بدموکراسی شدن کشور ایران علاقمند باشند بلکه این موضوع فقط از آن نظر بود که روسها از شاه طرفداری میکردند. این کوششها و تحریکات به اوج اعلی رسید و انقلاب سال ۱۹۰۶ میلادی بوقوع پیوست که در نتیجه مجلس شورای ملی ایران بوجود آمد و در ماه

دسامبر سال ۱۹۰۶ فرمان مشروطیت صادر گشت که تا کنون هم همان مجلس باقیارات مختصری که در بعضی از مواد قانون اساسی بعمل آمده بکار خود ادامه میدهد.

اما ناگفته نماند که با وجود تمام این فعالیتها مشروطه ایران دچار کشمکش‌های شد بدین معنی که در سال ۱۹۰۸ شاه با همراهی و حمایت روسها گودتا کرد و در سال بعد بخاطر بنا قیام کردند و پادشاه ایران ناچار شد بنفع پسر صغیرش از سلطنت کناره گیری کند و با این ترتیب بکمک بریتانیا دولت دموکراتیک ایران بوجود آمد.^{۶۰} دوره‌های هرج و مرج بعد از آن تاریخ عبارتست از آمدن هیئت مستشاران مالی مورگان شوستر (W. Morgan-Shuster) به ایران در سال ۱۹۱۱ و اعزام این هیئت از طرف مقامات امریکائی به ایران از آن نظر بود که با موقعیت واوضاع آن روز برای ثبیت و تحکیم نفوذ خود اقدام کنند اما این کارهم نتیجه‌ای نداد و تنها نفع آنان از این عمل تهاجم و حمله‌های روسیه به ایران بهاء اغتشاشات داخلی بود.

در همین اوقات بریتانیا در جنوب برای استقرار نظم قوای زاندارمی را تشکیل داد که زیر نظر و تحت تعییمات افسران سوئدی اداره می‌گردید اما این اقدام هم چند سال بعد نتیجه تلخی بیار آورد و در هر صورت ملیون ایران با اقدامات اساسی و فعالیتهای که برای بهبود اوضاع بعمل می‌آوردند نشان دادند که تجدید حیات کشورشان حتمی و قطعی است^۱ و این موضوع

۱ - در سال ۱۸۹۱ میلادی امتیاز انحصار تنبیکواراز طرف دولت ایران بیکش کت انگلیسی اعطای گردید اما هر دم بستور مجتهدین از کشیدن قلیان امتناع کردند و بنای چار این امتیاز لغو شد و در ماه دسامبر سال ۱۹۱۱ عده‌ای از زنان ایران به مجلس شورای ملی رفتند و از نمایندگان خواستند که اولتیماتوم روسها را رد کنند. مترجم

بطور غیرمستقیم با دو عامل مهم تقویت میگردید که عامل اول کشف نفت بمقدار بسیار زیادی در ایران بود که برای تجارت خارجی مملکت و صدور آن به کشورهای بیگانه و در دست گرفتن بازارهای نفتی دنیا عامل مؤثری بشمار میآمد.

وجود نفت در ایران از قرنها پیش معلوم بود و عادت ایرانیان به آتش پرستی بطور قطع از دیدن شعله های آتش در کوه های بختیاری و لرستان سرچشم میگرفت.

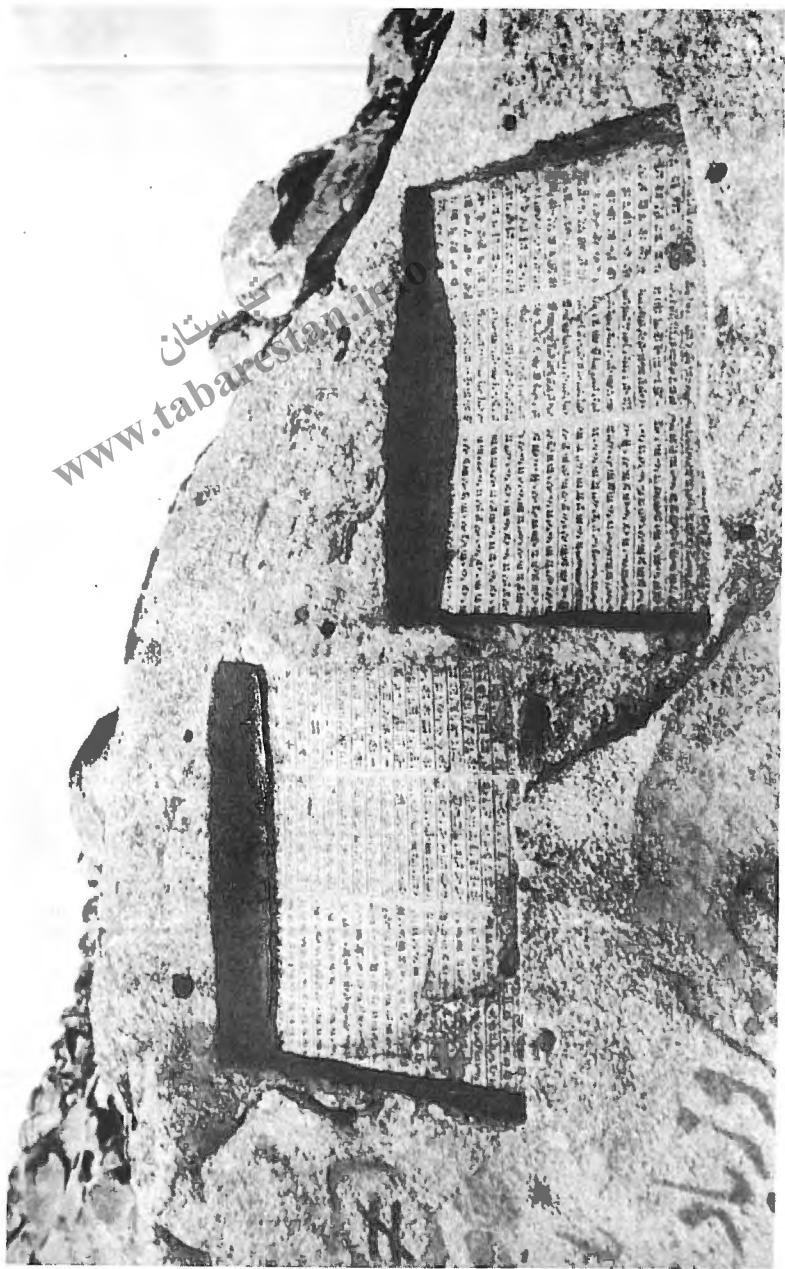
در اواسط قرن نوزدهم میلادی دنیا متوجه این ماده حیاتی گردید و برای استخراج نفت علاقه نشان داد و در همین اوقات بود که با عطا ای چند امتیاز از طرف پادشاهان قاجار استخراج آن شروع گردید. در ماه مه سال ۱۹۰۱ امتیاز شصت ساله ای برای استخراج و برمدباری

از منابع نفتی ایران به ویلیام نوکس دارسی (William Knox D'Arcy) داده شد و از همان تاریخ عملیات اکتشاف و حفاری برای یافتن نفت زیر نظر کمپانی نفت برمه (Burma) آغاز گردید.

برای مدت چند سال از این حفاری و جستجو نتیجه ای بدهست نیامد و همان موقع از طرف هیئت مدیره کمپانی تلگرافاً دستور داده شده بود که عملیات اکتشافی را متوقف سازند اما روز بیست و ششم ماه مه سال ۱۹۰۸ در نزدیکی مسجد سلیمان معبد قدیمی پارت ها در عمق یک گزاروی کصد پا ناگهان نفت فوران کرد.

در سال ۱۹۰۹ شرکت نفت ایران و انگلیس تشکیل یافت و ساختمان راهها و خانه های محل سکونت و لوله های نفت و پالایشگاه آبادان در کرانه شط العرب جائی که دجله و فرات به خلیج فارس می زند شروع گردید.

دو کنیه پارسی که معروف بکنج نامه است و در دره عیاس آباد همدان واقع شده، از آثار هخامنشی



تخت جمشید
www.tabarestan.ir

تبرستان
www.tabarestan.info

در ماه اوت سال ۱۹۱۲ ساختمان یکصد و چهل و پنج میل لوله نفت تکمیل گردید و تا دو ماه بعد از آن تاریخ شش میلیون گالن نفت تصفیه شد و با این ترتیب برای مطلعین در امور یقین حاصل شد که کشور ایران مهمترین و عظیم‌ترین منابع نفت جهان را مالک است و این سؤال پیش می‌آمد که آیا این منابع زرخیزی‌اتها باعث تقویت کشور ایران خواهد شد و یا موجب ضعف آن؟

در این وقت دولت بریتانیا از اهمیت نفت آگاه نشد و در سال ۱۹۱۴ با قتضای سیاست دیرین خود قسمت اعظم سهام را خریداری کرد و احتیاجات نیروی دریائی را (اخیراً) تصمیم داشتند در کلیه تجهیزات بحری خود نفت بسوزانند) بجای آنکه از منابع بی‌مایه امپراتوری مرفوع سازند از نفت ایران تأمین کردند و سیل نفت ایران این شکاف عظیم را که قسمت اعظم بودجه صرف آن می‌شد و مخارج کمرشکنی برای دولت انگلیس داشت پر کرد .

همین چشم داشت و نیازمندی بریتانیا به نفت از یک طرف سبب شد که ایران برای دریافت سود بیشتری چانه بزند (ماهند چانه‌زدن سال ۱۹۳۲) واژ طرف دیگر این کشور هدف تیرهای حسودانه و جاهطلبانه سایر دولت‌های مقتدر جهان گردید که یکی از همین دولت‌های مقتدر حسود تازه قدم در صحنه رقابت می‌گذاشت.

دولت آلمان که آخرین رقیب امپراتوری بریتانیا بود زودتر از رقبای دیگر مشغول انجام نقشه‌های خود گشت ، در همان موقعی که بریتانیا بر حسب پیش آمددها در سراسر جهان مستعمراتی برای خود بوجود می‌ورد آلمانی‌ها هم برای خودشان خوابی دیدند و نقشه‌ای کشیدند که مناطق

نفوذی از اروپا تا خاور نزدیک بطرف خلیج فارس برای خودشان ایجاد کنند (اما این خواب هیچ وقت صورت حقیقت پیدا نکرد) و اساس و شالوده این نقشه را روی راه آهن، برلن-بغداد ریخته بودند در حالی که سیاستمداران آن روز بритانيا و روسیه به نقشه آنان پی بردند و این موضوع برایشان محقق نشده بود.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل نوزدهم

توسعه و پیشرفت تقویز آلمان در ایران

تبرستان

در سال ۱۹۱۱ میلادی روسیه و آلمان قرارداد همکاری‌ماندای منعقد کردند که با رعایت کامل احترام متقابل از منافع یکدیگر در ایران و ترکیه حمایت و پشتیبانی کنند ولی این پیمان مانع آن نشد که مأمورین تبلیغاتی آلمان در تهران و خلیج فارس از فعالیتهای خودشان دست بکشند (کالج آلمانی تأسیس کردند) و در اثر همین تبلیغات دامندهار بود که آلمانیها توانستند در میان عناصر تجددخواه ایرانی طرفدارانی پیدا کنند و ایرانیان متبدد هم باین فکر بودند که از وجود آلمانیها رقیب سرسرعت و قازم وارد روس و انگلیس استفاده کنند و پرداشمنان دیرین خود بتازند ولی این عناصر تجددخواه مانند بعضی از سیاستمداران امروزی خاورمذیک که بدون شک هر دمان هیچ پرست واقعی هستند نمیدیدند که با آتش بازی میکنند.

در این موقع دولت بریتانیا که خطررا نزدیک هیدید واژ پیشرفت آلمان در اروپا دچار ترس و وحشت شده بود در صدد برآمد که مسائل بحر نج و روزافزون خاورمیانه را بدست روسیه بسپارد.

در ابتدای جنگ سال ۱۹۱۴ دولت ایران در حال ضعف بیطرفی خود

را اعلام داشت ولی طرفین متخاصل تصمیم گرفتند که این اعلام بیطرفی را نادیده بگیرند و همین کار را هم کردند که در نتیجه نواحی شمال غربی ایران میدان جنگ روسها و ترکها شد.

در جنوب ایران واحدهای نظامی بریتانیا دست باقداماتی زدند تا از حسن تفاهem و ارتباط نزدیک تر کهای با افغانستان جلوگیری کنند اما عمال آلمانی که از طرف افسران سوئدی ژاندارمری تقویت میشدند درین ایلات وعشایر اغتشاشی برآه انداختند و مشکل تازه‌ای بار آوردند. تعییمات مأمورین آلمان روی نقشه معیسی بود بدین معنی که باهالی و عده میدادند که عنقریب بشما استقلال میدهیم که با حکومت مرکزی کاری نداشته باشد.

بسیجیان حمله میکردند و پول نقد باندازه‌ای که رضایت سران قوم را جلب کند خرج میکردند و با این ترتیب در فارس و کرانه‌های تنگستان پیشرفت قابل توجهی نصیب شان شد اما پس از عقب‌نشینی در جبهه‌های جنگ و نرسیدن هیئت نیدرمایر (Niedermayer) به افغانستان که برای اقدامات لازم آن کشور اعزام شده بود آلمانیها نفوذ خود را متدرج ازدست دادند و چندی بعد از آن تاریخ نفوذ آلمان بکلی نابود شده ازین رفت.

برای تأمین امنیت بریتانیا در جنوب ایران قشونی تشکیل داد که ژاندارمری با افسران سوئدی آن جزء این نیرو درآمدند.

بین انگلیسی‌ها و روسها بطوری روابط روشن و حسن تفاهم ایجاد شد که روسها حاضر شدند نفوذ انگلیسی‌ها را در جنوب و منطقه بیطرف ایران قبول کنند و در مقابل دولت انگلیس اجازه داد روسها در شمال ایران و ترکیه هرچه بخواهند بکنند اما انقلاب بزرگی که بعد از آن تاریخ در

کشور روسیه بوجود آمد تمام این حسابهارا برهم زد.
اثر سوقالجیشی کنار رفتن روسیه از جنگ در شمال ایران آن بود
که ترکها و آلمانی‌ها را مرتفع به هندوستان و افغانستان را بازیافتند و
میتوانستند بدون هیچ مانع و رادعی بمنظور خویش نائل آیند.
خوب شیختی بریتانیا این بود که ترکها و آلمانی‌ها در سایر مناطق بقدرتی
گرفتاری داشتند که نتوانستند از این موقعیت آنطوری که باید و شاید
استفاده کنند و با وجودی که آلمان و روسیه سعی و گوشش فراوانی برای
ایجاد بلو و اغتشاش بکار میردند قوای بریتانیا تواست شمال و جنوب ایران
را کنترل کند و پس از سقوط ناگهانی آلمان که بصورت انهدام روسیه بود
بریتانیا بدون رقیب ماند و دیگر مانع برای پیشرفت نفوذش وجود نداشت
و فقط مخالفتی که برای نیل بمقصود نهائی خودنمایی میکرد مخالفت
دولت و ملت ایران بود که در آن موقع بهیچوجه انتظار آن نمیرفت و جزء
حساب نمیآمد.

وقتی که نمایندگان ایران در کنفرانس صلح دعاوی موهوم و بی-
اساسی را بنام (ادعای ملتی درباره موقعیت و اتابع خود) مطرح کردند
بحرفشان توجیهی نشد و در مقابل دولت ایران مجبور گردید پیمان انگلیس
و ایران را که در سال ۱۹۱۹ منعقد گردید قبول کند و در صورتی که آن
پیمان مورد تصویب مجلس واقع میگشت وضع و موقعیت ایران تا اندازه‌ای
از تحت الحمایه بودن بهتر میشد ولی با این ترتیب کشور ایران از نظارت
جامعه ملل بهره‌ای نداشت.

مستشاران سیاسی و نظامی بریتانیا برای ایران تعیین شدند و بمنظور
آنکه بریتانیا حسن تفاهم خود را نشان دهد و بدولت ایران اطمینان پیشتری

بدهد دومیلیون لیره‌هم بعنوان وام با ایران اعطای شد.

همینکه خطر و تهدید روسیه با انهدام آن کشور از بین رفت بریتانیا بهتر آن دید نقشه راه آهن هندوستان و بغداد را که اجرای آن مدتی بتأخیر افتاده بود پیش یندازد و یک راه‌هایی هم بر آن اضافه کند.

موضوعی که باید مورد توجه کامل قرار گیرد اینست که در موقع طرح این نقشه‌های حریصانه سیاستمداران بریتانیا از توجه یک نکته بسیار مهم و یک علامت محقق غفلت کردند و برای اختیارات درونی ملی ایرانیان که در عرض چند سال اخیر رو بهیجان میرفت ارزشی فاکل نشند که در نتیجه در مدت چند ماه اوضاع دگرگون گشت و ایران بار دیگر ملتی شد که تو انت روی پای خود بایستد.

فصل بیستم

رژیم رضا شاه پهلوی

در سال ۱۹۲۰ میلادی ملت ایران بحرانی ترین و قات تاریخ خود را
می‌پیمود. یک قدرت خارجی امور این کشور را تحت کنترل شدید قرار داده
بود که نه مورد اعتماد ملت بود و نه اینکه دولت رسمی ایران آن قدرت
اطمینان می‌کرد و صرف نظر از این دو مورد مهم همین قدرت هم نمیتوانست
برای ابراز موجودیت و حکومت خود عرض اندام کند و در این باره عاجز
و ناتوان مانده بود.

عمال کمونیست روسیه در همه جا مشغول فعالیت بودند.
ایلات و عشایر یاغی شده و در حال شورش بودند و در سرتاسر کشور
هرج و مرج و طغیان حکمرانی می‌کرد.

دولت شوروی که منظورش در باره هندوستان (مرکز شورش جهانی)
همان نظر و نقشه دولتهای قبلی روسیه بود در ماه مه قشونی بدریای خزر
اعزام داشت بندر انزلی^۱ و شهر رشت را تصرف کرد.

بریتانیا به پیروی از افکار و تمایلات عمومی ملت خود نمیتوانست
از ایران حمایت و طرفداری کند.

۱- بندر پهلوی فعلی در سابق انزلی نام داشت. مترجم

یگانه‌فشوں مشکل وارتش منظم یعنی (بریگاد قزاق) در شمال ایران بعقب رانده شد و چنین بنظر می‌آمد که سراسر مملکت را مهاجمین تصرف خواهد کرد.

در همین اوقات بحرانی و موقعیت خطرناک بود که ملت ایران باز دیگر توانایی ولیاقت خارق العادة خودرا برای رفع مشکلات و ابراز وجود نشانداد و یکی از همان پیشوایان لا یق و فداکار را که برای همین موقع حساس در دامن خود میپروراند و در موقع احتیاج از وجود آنان برای دفع شر دشمنان استفاده میکنند برای بیرون راندن مهاجمین واستقرار نظم بصحبۀ نبرد هدایت و راهنمائی کرد.

قراءات شکست خورده جمع آوری شدند و تحت فرماندهی یکی از برجسته‌ترین ولایق‌ترین افسران ایرانی خود رضاخان^۱ قرار گرفتند.

این افسر مدیر بسطور دولت ایران قشونی که بالغ بر سه‌هزار نفر بود تشکیل داد^۲ و روز بیست و یکم ماه فوریه بطرف تهران روان شد و

۱- قبل از سلطنت رضاشاه کبیر به نجبا و فرمادنهان و افسران عالی‌مقام ارتش بمنظور احترام و برتری آنان (خان) می‌گفتند که این لقب با سایر القاب مشابه آن حسب الامر شاهنشاه فقید برای ابد ملتفی گردید. مترجم ۲- در اسفندماه سال ۱۹۹ اوضاع کشورها درهم و بربهم و پرهج و مرچ بود، در گیلان و مازندران طفیان و یا غیگری بحداکمل ادامه داشت و عده‌ای بنام انقلاب با پشتیبانی بیگانگان سرنوشت مردم را بدست گرفته و بر جان و ممال آنان حکومت میکردند و عده‌ای هم در شهر رشت حکومت کمو نیستی تشکیل داده و به تاخت و تاز مشغول بودند.

سر بازان و کشتی‌های یک دولت خارجی باراضی و آبهای ایران وارد شده و علنًا در امور داخلی ما دخالت میکردند و دستور میدادند، دامنه تحریکات خارجیان به ایالات دیگر نیز کشیده شد و چیزی نمانده بود که نظیر همین جریان در آذربایجان و حتی خراسان رخ دهد.

قشون انگلیس که در زمان جنگ بین المللی اول در ایران باقی مانده بود بقیه در زین صفحه بعد

پس از ورود پیاپی تخت امور کشوری را تحت کنترل خود درآورد.
در این موقع دولت ایران در سر دوراهی ماند و بتفکر و تعمق
پرداخت تا بینند با انگلیسی‌ها باید سازش کند یا باروس‌ها و چون سازش
بادومی یعنی روس‌ها را اصلاح‌تر دانست برای بستن قرارداد صلح با آنان
وارد مذاکره شد.

آزادانه و بدون اعتناء بحق حاکمیت ملای انجنوب تاشمال را میدان عملیات خود
ساخته بود. یک قسمت از قوای ساقی روسیه قراری تحت فرماندهی پیچراخفت در
اثر سازش با انگلیسی‌ها در حوالی قزوین موضع گرفته و مستقر گردیده بود.
در جنوب ایران یک نیروی انگلیسی بنام تفنگداران پلیس جنوب تشکیل
شده بود که در تمام امور آن نواحی دخالت میکرد.

ایلات و عشایر محلی با این نیرو در حال جنگ بودند و در نواحی دیگرهم
هر جا که ایل و عشیره‌ای بود بر اوضاع تسلط داشت. بعلت آشتفتگی اوضاع و بیجهدگی
امور شیرازه حکومت مرکزی بلکی از هم گسیخته و از دولت ایران جز اسما باقی
نماینده بود.

از تعطیل مجلس شورای اسلامی سالها میگذشت و با اینکه انتخابات دوره‌چهارم
تحت شرایط خاصی انجام گرفته بود معهدنا افتتاح مجلس صورت نمیگرفت.

دولت وقت قرارداد سال ۱۹۹۱ را با دولت انجلستان منعقد ساخته و اجازه
داده بود که مستشاران انگلیسی امور وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی را تحت نظر
بگیرند، مردم بشدت با این قرارداد مخالفت میکردند، بازاریها و داشجویان دست
بتظاهرات دامنه‌داری زدند. دولتها می‌آمدند و میرفتند و کاری انجام نمیدادند و یا
بهتر بگوئیم کاری از دستشان ساخته نبود. هیچ مشکلی حل نمیشد و برآشتفتگی اوضاع
روزی‌روز افزوده میگشت. بکارگان دولت بجای حقوق ماهیانه حواله آجر و
گچ میدادند که آنرا در بازار بفروشند و پولش را بمصرف اعاعشه خودشان برسانند.

دولت اصولا بودجه‌ای نداشت زیرا مالیات وصول نمیشد و خزانه بلکی تهی
بود، امور تجارت و صنعت بسرعت بطرف انحطاط میرفت، یاًس و نامیدی همه را
فرآگرفته بود.

رضا شاه کبیر که در آن موقع فرماندهی سه‌هزار نفر قراق را بر عهده داشتند
و در قزوین مستقر شده بودند ازا اوضاع بسیار ناراضی و نگران بوده و تصمیم گرفتند
که برای نجات کشور قیام کنند و ایران عزیز را از شر دشمنان داخلی و خارجی
رهائی بخشند و برای همین منظور سربازان تحت فرماندهی خود را جمع آوری و
بطرف تهران حرکت کردن و کودتای روز سوم اسفندماه سال ۱۲۹۹ را که باید
آنرا روز سعادت و سیاست ملت ایران دانست بوجود آوردند. مترجم

روس‌ها پیشنهاد دولت ایران را با کمال میل‌قبول کردند زیرا بخوبی میدانستند که کشور ایران هنوز کشوری صنعتی نیست تا بتوان مرآ اشتراکی را در آنجا برقرار ساخت.

به‌صورت روز شانزدهم ماه‌زانویه سال ۱۹۲۱ میلادی نیروی شوروی بکلی ایران را تخلیه کرد و بکشور روسیه رسپار گشت و طرح قراردادی موردمواقت طرفین واقع گردید که روز یست و ششم ماه فوریه با مضارسید. بموجب این قرارداد روسیه کلیه امتیازاتی دارد که دولت تزاری در ایران بدست آورده بود ملغی ساخت.

کلیه وام‌های ایران به‌رویه بخشیده شد و در عوض تمام خطوط راه‌آهن و بانک‌های ایران و بنادری که روسیه در ایران داشت به کشور ایران واگذار گردید.

همچنین از حقوقی که بموجب امتیازات به روسیه تعلق می‌گرفت صرف‌نظر شد.

مليون ایران با پشت گرمی روسیه دلیر تر شدند و روز یست و ششم ماه فوریه پیمان ۱۹۱۹ انگلیس و ایران را فسخ کردند که از آن‌موقع نفوذ بریتانیا در ایران روز بروز تحلیل رفت تا جائی که کمک‌های او راهنم پذیرفتند.

افسران و مستشاران انگلیسی از کار بر کنار شدند و چندماه بعدهم پلیس جنوب که تفنگداران فارس هم نامیده می‌شد منحل گردید و نیروی آن جزء سازمان ارش ملی ایران درآمد.

سیاست رضاخان که از وطن پرستی شدید او سرچشمه می‌گرفت و جز مصالح و متفاعل ملی خویش اندیشه‌ای نداشت اجازه نمیداد کوچکترین



تبرستان
www.tabarestan.info

رضا شاه کیم بنیان‌گذار ایران نو در اوایل سلطنت

تبرستان
www.tabarestan.info

مداخلات خارجیان در امور داخلی ایران راه یابد.

چون بریتانیا جزء دشمنان قدیمی و تاریخی ایران بشمار می‌آمد احتمال قوی داشت که روسیه برای این کشور دوست تازه و سودمندی بشود روسیه هم که در جستجوی دوستان تازه‌ای بود اشتیاق وافری داشت که ممالک ضعیف و ناتوان را بطرف خود جلب کند و دوستی آنها را بهر نحوی که میسر باشد تحصیل نماید.

رضاخان در ماه آوریل سال ۱۹۲۱ وزیر حنگ شد و گرچه تا ماه اکتبر سال ۱۹۲۳ میلادی رئیس وزراء نبود اما عمل از مامور را در دست داشت و فرمانروای واقعی ایران بود.

در آن موقع هیچکس نمیتوانست پیش‌بینی کند و بگوید که رژیم رضاشاه بچه صورتی درخواهد آمد و این افسر رشید با آنهمه فدایکاری و از خود گذشتگی چگونه خواهد توانست کشتنی متعالطم کشورش را که از هرسو در معرض امواج خطرناک هرج و مرج و شورش و بلوارقرار داشت نجات دهد.

کارهای عجیب و فوق العاده‌ای که بدست این فرزند لایق و رشید ایران انجام شده بخوبی میرساند که مطالعه‌اصل و نسب وسایق او برای خوانندگان گرامی ارزش بسزائی دارد زیرا رضاشاه در تاریخ ایران اثری جاویدان و فنا ناپذیر از خود باقی گذاشت و اقدامات اساسی‌وی که بمنظور بهبودی اوضاع اجتماعی وبالا بردن سطح زندگی ملت صورت گرفته در خور تقدیر و تمجید است.

رضاشاه در تاریخ پانزدهم ماه مارس سال ۱۸۷۸ میلادی درالشت سواد کوه پا بعرصه وجود گذاشت.

سجاد کوه یکی از نواحی هازندران و یکی از استانهای ساحلی دریای خزر است که پاک‌ترین نژاد ایرانی در آن استان هستند.

بطور قطع و یقین رضا شاه نمونه بارز و برجسته‌ای از یک ایرانی پاک‌نژاد است زیرا طول قامت رضا شاه بیش از شش پا و ساختمان هیکش بسیار متناسب و برازنده است.

رضا شاه سر باز بدینی آمده است زیرا پیش سرگرد عباس‌علی خان که چندماهی پس از تولد رضا بیرون حیات گفت فرمانده فوج سجاد کوه بود و پدر بزرگش سروان مرادعلی خان در جنگ هرات که در سال ۱۸۵۶ میلادی صورت گرفت کشته شد.

رضا شاه در سال ۱۹۰۰ میلادی در بریگاد قزاق وارد خدمت شد و در واحدی که تحت فرماندهی عمومی سرتیپ نصرالله خان قرار داشت خدمات مفید و برجسته‌ای انجام داد بطور یک‌ده استعداد نظامی و سرعت انتقال وی مورد تفسیر و تمجید چند تن از افسران انگلیسی واقع گشت.

رضا خان در سال ۱۹۲۱ میلادی دارای قدرت شد و بیزودی شخصیت بارز واردۀ آهنین او ظاهر گشت و کلیه آن اقتدارات و تسلط بر امور را که احمدشاه آخرین پادشاه سلسلۀ قاجار از کف داده بود وزیر جنگ لایقو کارداش رضا خان بچنگ آورد.

در سال ۱۹۲۳ رضا خان رئیس‌الوزراء شد. احمدشاه از ایران رفت و در اروپا اقام‌گزید تا بقیه عمر حویش را با آسودگی بگذراند.

نخست وزیر جدید که در آن موقع مانند پادشاهان وقت‌دیگران توربود در سال ۱۹۲۴ ناگهان تغییر عقیده و روش داد و فعالیت‌های مصطفی کمال پاشا را در ترکیه پسندید و در صدیبر آمد که همان رویه را در ایران معمول



علیا حضرت ملکه پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info

دارد و خودش رئیس جمهوری بشود ولی کناره کیری از اسلام بطور یکه باروی کارآمدن جمهوری در ترکیه معمول و متداول میشد برای ملتی که مانند ایرانیان روحًا بمذهب خود عقیده‌ای کامل و راسخ دارند خیلی زود بود و بناقار بعلت مخالفت افکار عمومی که بوسیله مجتهدین پی ریزی شد از آن روش و سیاست صرف نظر گردید.

این موضوع هم چیزی از شهرت و نفوذ رضاخان نکاست و در ماه فوریه سال بعد اختیارات دیکتاتوری پادشاه قبلی بوقت تفویض شد و در ۳۱ ماه اکتبر احمدشاه که اوقات خود را در اروپا میگذرانید از پادشاهی خلع گردید و در تاریخ دوازدهم ماه دسامبر رضاخان با صدور پابند رأی موافق در مقابل پنج رأی مخالف و سی رأی ممتنع از طرف مجلس مؤسسات پادشاه ایران شد و روز بیست و پنجم آوریل ۱۹۲۶ میلادی طبق سنن و رسوم باستانی ایران با انجام تشریفات لازم تاجگذاری کرد و اولین پادشاه سلسله پهلوی گردید.^۱

۱ - روز ششم اردیبهشت ماه سال ۱۲۷۸ در خانواده هر حوم تیمورخان میر پنج دختری متولد شد که او را تاج الملوك نامیدند .
تاج الملوك همانطور که در آن زمان مرسوم بود کلام الله مجید و شرعيات وادیيات فارسی را نزد معلمین خصوصی آموخت و در تاریخ پانزدهم رجب ۱۲۹۴ شمسی با اعلیحضرت رضا شاه کبیر که در آن موقع صاحب منصب جوان و رشیدی بود ازدواج کرد .

فرزندان اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر و علیا حضرت ملکه پهلوی بترتیب عبار تنداز والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی - اعلیحضرت همایون - محمد رضا شاه پهلوی - والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی - والاحضرت فقید شاه پور علی رضا پهلوی .

ملکه پهلوی بانوئی بسیار مهربان ، دلسوز و با شفقت هستند . بمبانی دینی و اصول مذهبی عقيدة خاصی دارند و در امور خیریه و کمک بفقیر او مستمندان همیشه پیشقدم میباشند . مترجم

روش رضا شاه در اداره امور کشور فقط از آن نظر دموکراسی است که میل دارد آنچه را که بخیر و صلاح ملت خود میداند مجری دارد و حوالج مردمان کشورش را از هر حیث برآورده (تمام زمامداران دموکرات عالم این اصل مسلم را سر لوحه برنامه کار خود قرار داده اند و با آن عقیده کامل دارند) و همینکه او تصمیمی گرفت و تشخیص داد که آن تصمیم بنفع ملت و صلاح در انجام آنست با کمال جدیت و بدون درنگ تصمیم خود را عملی میسازد.

وقت شناسی، لیاقت و کار دانی او ضرب المثل است و موفق کشته است که رعب و هراسی در زیر دستان خود از هر طبقه ای که هستند ایجاد کند. مسافرت های بجا و بموضع او برای بازرسی اوضاع و احوال نواحی مختلف کشور باعث ترس و وحشت مأمورین سهل انگار ایرانی شده است زیرا هیچ چیز از پیش چشمان تیزین رضا شاه پنهان نمیماند. خردگیری و انتقادات بامورد او مشهور خاص و عام است.

رضا شاه در بسیاری از موارد اعمال (کمال آتا تورک) را مورد تمجید و تقدیر قرار داده (همان آتا تورکی که در سال ۱۹۳۸ بدیدنش رفت^۱) و عقیده دارد که اصلاحات اساسی کشور را با رعایت کامل آداب و رسوم ملی روی اصول صحیح و درستی پی ریزی کند و برای اصلاحاتی که با در نظر گرفتن این موارد اصولی صورت گیردارش و اهمیت خاصی قائل است و هر قدر که آتا تورک میکوشد ترکیه را از گذشته اش جدا ساخته و فاصله ای بین زمامداران قبلی و خودش ایجاد کند

۱ - مسافت رضا شاه کبیر بکشور دوست و هم‌جوار ما ترکیه و ملاقات با مصطفی کمال پاشا (آتا تورک) رئیس جمهوری آن کشور در سال ۱۹۳۶ میلادی صورت گرفته است . مترجم

بهمان اندازه رضاشاه سعی دارد غرور ملی و حس وطن‌دوستی را که درنهاد هموطنانش نهفته است برانگیزد و آنرا ارشویق و ترغیب میکند که از تاریخ باستانی و پر افتخار خود الهام بگیرند.

مفاخر گذشتهٔ ماقبل اسلام ایرانیان مانند آثار پادشاهان دورهٔ باستانی ایران کورش و داریوش درنظر رضاشاه اهمیت خاصی را داراست و همچنین به آثار دورهٔ باعث‌نمود شاه عباس و اشعار حافظ و سعدی نیز بی‌علقه نیست.

چنین بنظر میرسد که رضاشاه تاریخ دورهٔ باستانی ایران را بخوبی مطالعه کرده و بافتخارات ملی خود علاقهٔ خاصی دارد و این موضوع از تشویق‌های او در بارهٔ کاوش‌های نواحی شهرهای قدیمی برای پیدا کردن آثار زیرزمینی و پیروی از طرز معماری قدیم در تهران و سایر شهرستانهای ایران بخوبی هویداست.

تمام اینها قسمی از روح وطن‌دوستی و ملت‌خواهی پر شور اوست و تضمیم جدی دارد که مجدداً کشور خود را از هر حیث مستقل‌سازد و بهمین جهت است که اجازه نمیدهد هیچ‌گونه نفوذی که روح ایرانی را تحت الشاعع قرار دهد در این سرزمین جلوه کند.

اتحاد ایران تحکیم و تثبیت شده است.

از نشر مرام کمونیستی بلکی جلوگیری شده و منازعات طبقاتی از بین رفته است و از اسلام که برای اتحاد و اتفاق نیروی مافوق تصوری را داراست تا جایی که باعث رکود کارها نگردد پیروی می‌شود در عین حال مواردی که گفته شد مانع آن نیست که ترقیات مادی غربی در ایران راه یابد بلکه بر عکس این موضوع کاملاً رعایت می‌گردد.

منظور شاه اینست که تمدن اروپا بنحو مقتضی در زندگانی ملی ایرانیان راه یابد و جزء آداب و رسوم اجتماعی آنان گردد بدون آنکه از خارج بر مردم تحمیلی شده باشد و روی همین نظر است که بعضی اوقات تصور رفته است شاه ایران علم و مهارت فنی کارشناسان خارجی را پست می‌شمارد و نسبت با آنان منتظر است در صورتی که اینطور نیست و فکر شاه آنست که افزار و اسباب اقتصاد و کشاورزی را در دست خود ایرانیان بگذارد و آنرا بطوری قابل و توانا سازد که در تمام مراحل اداره امور کشور را در دست گیرند و از نظر علمی و عملی باملت‌های غربی نیکیان و برابر باشند.

در تمام تغییرات اجتماعی و اصلاحات امور فرهنگی و کشاورزی و ترقی و توسعه صنایع که آثار برجسته دوره پادشاهی (رضاشاه) است و ما در فصول آینده از آن صحبت خواهیم داشت هدف و منظور مورد بحث ما کاملاً

دیده می‌شود.

فصل بیست و یکم

ولیعهد و خاندان رضاشاه

رضاشاه خانواده خودرا طوری باراً وردۀ و تربیت کرده است که نمونه
کاملی از یک خانواده تمام معنی (ایرانی) هستند.
ولیعهد ایران شاهپور محمد رضا را که روز بیست و هشتم ماه اکتبر
سال ۱۹۱۹ میلادی متولد گشته طوری تربیت کرده است که میتواند در
آینده وظایف خودرا بخوبی انجام دهد.^۱

اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران

- اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران در تاریخ چهارم
آبانماه سال ۱۲۹۸ شمسی مطابق با بیست و ششم ماه اکتبر سال ۱۹۱۹ میلادی
در تهران متولد شده‌اند.

در سال ۱۳۰۴ در سن شش سالگی وارد دبستان نظام تهران شده و در تاریخ
پانزدهم خرداد سال ۱۳۱۰ در امتحانات نهایی شرکت و قبول شده‌اند.

روز سیزدهم شهریورماه سال ۱۳۱۰ برای تحصیل عازم کشور سویس
شدند و در (کوچه دو روزی) در شهر رول که در فزدیکی ژنو واقع شده است
مشغول تحصیل گردیدند و پس از خاتمه تحصیلات روز چهارشنبه نهم اردیبهشت
ماه سال ۱۳۱۵ از ازو پا خارج و روز پنجشنبه هفدهم اردیبهشت ماه به تهران
بازگشتهند و صبح روز یازدهم مهرماه سال ۱۳۱۵ بدانشکده افسری وارد شده
و پس از دوسال تحصیل با موفقیت روز سی و یکم شهریورماه سال ۱۳۱۷ دوره
دانشکده را پایان رسانده بدرجه افسری نائل گردیدند.
بقیه درزین صفحه بعد

شاهپور محمد رضا پهلوی تحصیلات خود را در کشور سویس پیاپیان

پس از احرار از درجه افسری از طرف پدر تاجدار خود به بازرسی ارتشد
شاهنشاهی مشغول گشتد.

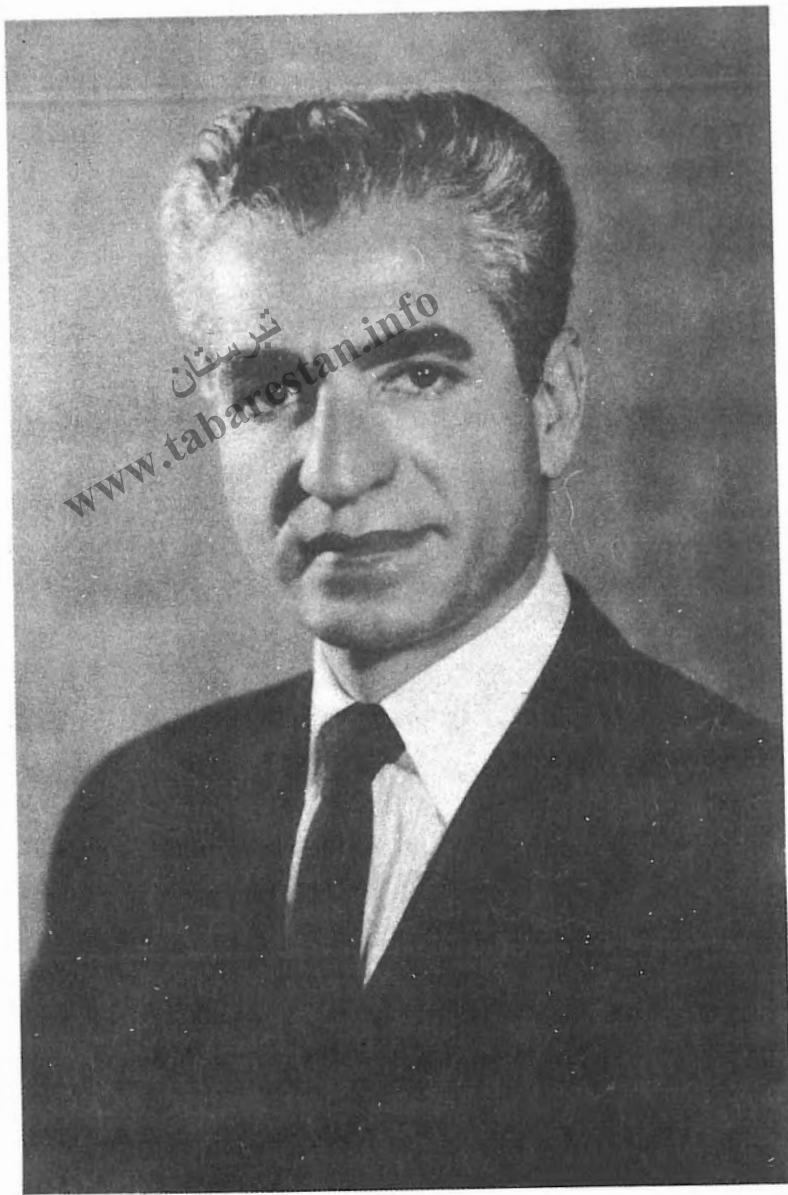
شاهنشاه ایران همواره در دوران تحصیل در علوم طبیعی و ادبیات و مخصوصاً
ادبیات ایران ذوق سرشاری نشان داده و زبانهای فرانسه و انگلیسی را با کمال
خوبی فرا آگرفته و باین دو زبان بطور روشن و روان صحبت میکنند و نظر
بعلاقه‌ای که بتاریخ و ادبیات ایران و خارجی داشته‌اند کتابخانه جامعی در کاخ
خود ایجاد کرده‌اند که کتابهای مختلف ادبی و تاریخی بحروف دراین کتابخانه
موجود است.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه از آغاز کودکی به ورزش علاقه بسیاری
ابراز داشته و ریاست عالیه پیش‌نهنگی ایران را از زمان تحصیل دارا بوده و
در کلیه جشنهای ورزشی شرکت و بوسایل گوناگون موجبات تشویق ورزشکاران
و تمیم ورزش را در کشور فراموش نمیکنند. پیش‌فتاهی قابل توجه و پروژه‌های
درخشانی که در مسابقات ورزشی بین‌المللی از قبیل المپیاد لندن و هلسینکی
و یوکوهاما نصیب ورزشکاران ایران گردیده و باعث سر بلندی ایران و ایرانی در دنیا
شده است بدون تردید مرهون توجهات مخصوص اعلیحضرت شاهنشاه میباشد.

اعلیحضرت همایونی در زمان ولایته‌دی خود در سال ۱۳۲۷ با شاهزاده
خانم فوزیه خواهر فاروق پادشاه سابق مصر ازدواج کرده و ثمره این ازدواج
والاحضرت شهناز پهلوی میباشد. ولی پس از چند سال در تاریخ شنبه بیست و چهارم
مهرماه سال ۱۳۲۷ جدائی حاصل و منجر بطلاق گردید.

روز بیست و سوم بهمن ماه سال ۱۳۲۹ اعلیحضرت همایونی با دوشیزه
ثربا اسفندیاری فرزند آقای خلیل اسفندیاری بختیاری که از خانواده‌های
اصیل ایران هستند ازدواج فرمودند و پس از چند سال زندگی با وجود علاقه
زیادی که بمسارالیها داشتند نظر بمصالح عالیه کشور از ایشان جدا شدند.

اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی پس از استعفای پدر تاجدار خود اعلیحضرت
رضشاوه کبیر که بتفصیل در فصل پنجه و یکم این کتاب در باره علل و جهات
استعفای معظم له صحبت خواهیم داشت در روز بیست و پنجم شهریور ماه سال ۱۳۲۰ پتریبی
که در فصل مزبور گفته میشود بتحت سلطنت جلوس فرموده و مسئولیت دشوار و
بقیه در زیر صفحه ۲۰۹



شاهنشاه فرهنگ دوست و دانش پرورد ایران

تبرستان
www.tabarestan.info

رسانید . به ورزش و پیشاهنگی علاقه زیادی دارد (پیشاهنگی در ایران

تاریخی خود را بر عهده گرفتند.

اکنون متاجوز از بیست و دو سال است که اعلیحضرت شاهنشاه بارستنگین سلطنت را بر دوش داشته و همانطوری که در ضمن نطق تاریخی روز بیست و پنجم شهریور ماه سال ۱۳۲۰ خود در مجلس شورای ملی باطلاع ملت ایران رسانیده‌اند همواره با رعایت اصول قانون اساسی تمام نیروی خود را برای عظمت و سر بلندی ایران و بهبود وضع مردم و بالا بردن سطح زندگی مردم فقیر کشور بکار می‌برند و همچوی مانع و مشکلی نتوانسته است معلم‌له را از تعقیب این هدف مقدس بازدارد. خدمات بزرگی که شاهنشاه در طول مدت سلطنت خود به میهن و هم‌میهان خویش فرموده‌اند بیش از آنست که بتوان در این بیوگرافی مختصر از تمامی آنها نام بر داد و ناگزیر فقط برای اعلیحضرت همایونی است. کمک‌های بیشماری سخاوت یکی از صفات فطری اعلیحضرت همایونی است. کمک‌های بیشماری که در مدت سلطنت خود برای تأسیس و توسعه بنگاه‌های خیریه و عمران و آبادی شهرها از ثروت شخصی خود فرموده‌اند بهترین گواه این حقیقت می‌باشد.

اعلیحضرت همایونی علاوه بر تقسیم املاک خود بین ذارعین که بعداً ذکر خواهد شد کمک‌های مالی مهمی برای مقاصد مزبور تا این تاریخ در تمام کشور فرموده‌اند که بشرح ذیل است:

۱۵۲،۸۰۰،۰۰۰	۱
۴۹،۶۰۰،۰۰۰	۲
۱۵،۰۰۰،۰۰۰	۳
۷۳،۰۳۵،۰۰۰	۴
۳،۸۹۵،۰۰۰	۵
۶۷،۸۵۰،۰۰۰	۶

۱- بهداشت عمومی

۲- فرهنگی

۳- امور ورزشی

۴- آبیاری

۵- امور مذهبی

۶- امور خیریه

جمع کل ۳۶۲،۱۸۵،۰۰۰ ریال

اعلیحضرت همایونی از نظر علاقمندی و اشتیاقی که به رفاه حال مردم ایران بخصوص طبقه مستمند دارند اداره بسیاری از مؤسسات خیریه را تقبل فرموده و اعضای محترم خاندان سلطنتی نیز پیروی از نیازهای شاهانه هر یک در اداره کردن مستقیم این مؤسسات شرکت ندارند.

از مؤسسات خیریه مزبور میتوان بشرح ذیل نام پرداز:

بقیه در زیر صفحه بعد

تأسیس شده و پیشرفت زیادی کرده است).

بنگاه حمایت مادران و کودکان و زنان باردار و بینوایان که تحت ریاست عالیه علیاحضرت شهبانوی ایران قرار دارد.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که تحت ریاست عالیه شخص علیاحضرت همایونی و نیابت ریاست والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی اداره میشود.

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران که یکی از مؤسسات خیریه بسیار مهم میباشد و تحت ریاست عالیه والاحضرت شمس پهلوی اداره میگردد.

جمعیت خیریه فرح پهلوی که بانوان کشوار با کمال جدیت در انجام مقصود که دستگیری از مستمندان است تحت اقامه عالیه علیاحضرت شهبانوی ایران انجام وظیفه میکنند.

از جمله کارهای بر جسته ای که تحت توجهات خاص علیاحضرت همایونی انجام شده ایجاد سازمان بر نامه برای توسعه صنعت و کشاورزی و ایجاد راههای آهن و توسعه امور فرهنگی و بهداشتی و عمران و آبادی کشور است که اعلیاحضرت همایونی از ابتدا توجه خاصی نسبت به اجرای بر نامه های اصلاحی این سازمان معطوف و همواره تأکیدات و دستورات لازم برای پیشرفت امور منبوطه بدولتها صادر فرموده اند.

این سازمان هم باهدایت و نظارت مستقیم شاهنشاه تحت ریاست عالیه والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی اداده میشود.

یکی دیگر از خدمات بر جسته و بزرگ شاهنشاه ایران که اثرات عميق سیاسی و اجتماعی در این کشور خواهد گذاشت موضوع تقسیم املاک موقوفه پهلوی در بین کشاورزان است.

اعلیاحضرت همایونی همواره بدرفاه حال طبقه کشاورز که اکثریت مردم ایران را تشکیل میدهد توجه خاصی مبذول فرموده و برای بالابدن سطح زندگی آنها پیوسته اقدامات مهمی بعمل میآورند.

برای اجرای این منظور و ایجاد یک تحول اساسی و اجتماعی در وضع کشاورزی در تاریخ هفتم بهمن ماه سال ۱۳۲۹ فرمان تقسیم املاک سلطنتی را صادر فرمودند.

از تاریخ صدور فرمان ۱۷ مهر که بمساحت ۱۹۹۶۲۸ هکتار از اراضی و باغات سلطنتی بین ۴۲۰۳ نفر از کشاورزان تقسیم گردیده است.

بقیه در زیر صفحه بعد

شاه در اغلب مسافرها شاهپور محمدرضا را همراه میبرد تا آنچه را

بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه اداره املاک و مستغلات موقوفه پهلوی بنام با نک عمران برای کمک بکشاورزان وزارعین که بتوانند از نعمی هائی که بدست آورده اند کاملا بهره برداری کنند ایجاد نموده که بادادن مساعده بکشاورزان کمکهای بموقع و مؤثری با آنها مینماید.

مجاهدات اعلیحضرت همایونی برای حفظ تمامیت ارضی واستقلال ایران خود صفحه جدا گانه و درخشانی از تاریخ سلطنت معظم له را تشکیل میدهد و بدون تردید هنوز مردم ایران و جهانیان قابیع دلخراش و خونین آذربایجان که استقلال و تمامیت این کشور کهنسال را در مخاطره اند اخته بود فراموش نکرده اند و بخوبی میدانند که روشن بینی و حسن تدبیر و مراقبت های دائمی شاهنشاه باعث نجات آذربایجان گردید.

آذربایجان که یکی از بهترین و زرخیز ترین قطعات کشور و هدتمدن ایران قدیم میباشد پر اثر خیانت معدودی که بظاهر خود را ایرانی معرفی و در حقیقت مأمور اجنبي و بیک دولت خارجی متکی بودند نزدیک بود از ایران جدا شود.

جدایی آذربایجان تمامیت واستقلال ایران را بمخاطره اند اخته بود و بیم اضمحلال این کشور کهنسال میرفت و تنها کسی که در مقابل تمام مخاطرات وحوادث ایستادگی مقاومت میکرد شاهنشاه ایران بودند که بالاخره بر اثر شهامت و شجاعت غیرقابل انکار ایشان و بدستور معظم له ارتش شاهنشاهی بطریف آذربایجان حرکت و آن صفحات را از مراحمت وجود خائین خلاصی بخشید. اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی در سیاست کلی و عمومی کشور همواره حامی قانون اساسی و پشتیبان مجالس مقننه بوده اند و بهمین لحاظ مقرر مودند مجلس سنا که در قانون اساسی کشور پیش بینی شده و متجاوز اذنیم قرن که از عمر مشروطیت میگذرد بمرحله عمل در نیامده بود تشکیل گردد و در دوره پانزدهم مجلس شورای اسلامی نظامنامه تشکیل مجلس سنا تصویب گردید.

برای اولین بار در تاریخ بیست و همن ماه سال ۱۳۲۸ مجلس سنا از طرف اعلیحضرت همایونی محمدرضا شاه پهلوی پادشاه دموکرات ایران افتتاح شد. یکی دیگر از کارهای بر جسته دعوت مجلس مؤسسان برای اصلاح موادی از قانون اساسی است، در تمام کشورهای دموکرات عالم حق انحلال مجلسین با رئیس مملکت است و در قانون اساسی ایران مقرراتی بود که انحلال مجلسین بقیه در زیر صفحه بعد

که لازم است بیاموزد و بنابراین ولیعهد ایران از کشوری که میخواهد بر

را تقریباً غیر ممکن کرده و این نقص در اصول مشروطیت ایران بود زیرا ممکن است روزی انحلال مجلس یا مجلسین بنابر مصالح عالیه مملکت ضرورت داشته باشد بهمین جهت مجلس مؤسسان ماده مخصوص باین امر را اصلاح و حق انحلال مجلسین را بشخص شاهنشاه، محمد رضا شاه پهلوی اعطای نمود.

یکی دیگر از کارهای بزرگی که در زمان سلطنت شاهنشاه دموکرات ایران پیشتبانی کامل معمول له انجام شد مسئله ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور ایران است که در تحت هدایت و توجهات عالیه شاهنشاه در تاریخ بیست و نهم اسفندماه سال ۱۳۲۹ قانون آن از مجلسین گذشته و بافصله کمی اجرا و از شرکت سابق نفت ایران و انگلیس خلع پد کردید و همچنین تحت رهبری مستقیم اعلیحضرت همایونی قرارداد نفت که مناطع و مصالح عالیه کشور ایران را متنضم است با کنسرویوم نفت جهانی منعقد و از این هنایع طبیعی خدادادی بهره برداری میشود و قراردادهای دیگری هم باش کتهای بزرگ نفتی جهان منعقد شده است که در بعضی از آنها سهم ایران بهفتاد و پنج درصد میرسد .

در سیاست خارجی شاهنشاه ایران نقش بسیار مؤثری دارد از این باشندو بتصدیق بیشتر مردان کشورهای بزرگ و سیاستمداران معروف، اعلیحضرت همایونی در خاورمیانه وزنه سنگین سیاسی محسوب میشوند و در جریانات سیاسی مختلف نقش مهم و اساسی خود را ایفاء نموده اند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه کشور خود را در ردیف کشورهای دوست و متحد غرب قرارداده اند وطی سالهای اخیر از یاران وفادار غرب بوده اند وایستادگی قابل تحسین اعلیحضرت همایونی در برابر دسایس عناصر چپ و تحریکاتی که از داخل و خارج کشور از طرف هواداران کمونیسم بین المللی بعمل آمده است هور د تحسین و تأیید سران کشورهای بزرگ واقع شده است. اکنون نیز ایران که دارای هوقیمت جغرافیائی بسیار حساس در منطقه خاورمیانه است و بیش از ۲۵۰ کیلومتر با اتحاد جماهیر شوروی مرز مشترک دارد که از حساسترین مناطق جهان است و اعلیحضرت همایونی با دبایت و تدبیر تاکنون توانسته اند در حفظ صلح و امنیت در این منطقه توفیق یابند و در آینده نیز قطعاً خواهند توانست با همان دوراندیشی و سیاست به امنیت جهانی کمک نمایند .

بقیه در صفحه بعد

آن فرمانروای گردد معلومات درست و صحیحی بدست می‌آورد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه روز ۲۹ آذر ماه ۱۳۳۸ با علیاًحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران ازدواج فرمودند و ثمره این ازدواج فرخنه دوفرزند والاگهر پسر و دختر که یکی والاحضرت همایون ولایتهد رضا پهلوی هستند که در روز نهم آبان‌ماه ۱۳۳۹ متولد شده‌اند و فرزند دوم والاحضرت فرماندار (معصومه) می‌باشد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه در تمام مدت سلطنت خود دایبطة خود را با مردم حفظ کرده و بمردم تکیه دادند و در مواردیکه دشمنان مملکت چه از خارج کشور و چه از داخل تحریکاتی نموده‌اند پشتیبانی ملت دسایس دشمنان را نقش برآب ساخته است برای نمونه اجتماع ۵۰۰۰۰ نفری مردم پایتخت را که در روز قیام ملی ۲۸ مرداد برای استماع بیانات شاهنشاه گرد آمده بودند میتوان نام برد. در این روز بود که مردم ایران برای حفظ سلطنت دوهزار و پانصد ساله ایران قیام کردند و مملکت را که در آستانه خطر سقوط بدامان کمونیسم قرار گرفته بودنچات دادند و بیاد بود همین روز تاریخی بود که شاهنشاه بمبان نیم میلیون نفر از مردم تهران آمدند و بیانات تاریخی خود را ایراد کردند.

از آنجاییکه همواره افکار بلند معلم له متوجه تأمین رفاه و سعادت همه طبقات مختلف مردم ایران است و بویژه تأمین آسایش اکثریت مردم ایران که کشاورزان این کشور هستندیکی از آمال شخص اول مملکت بشمارمی‌ردد بنیال تقسیم املاک سلطنتی باموانعی که در این راه وجود داشت ببارزه فرمودند و زمینه را برای تقسیم املاک مالکان بزرگ که مانع هرگونه تحولی در ایران بودند آماده ساختند. قانون اصلاحات ارضی ایران در دیماه ۱۳۴۰ تصویب هیئت دولت رسید و روز دوشنبه بیست و یکم اسفندماه ۱۳۴۰ یکی از آرزوهای بزرگ تاریخ معاصر ایران در سایه رهبری شاهنشاه تحقیق یافت و هدفی که سالها برای رسیدن به آن کوشش فراوان بکار برده شد بتمرد رسید و قانون اصلاحات ارضی ایران بمرحله اجرا درآمد و اولین دهکده از املاک مالکان بزرگ در مراغه بیان کشاورزانی که در آن زمین بکار مشغول بودند تقسیم شد و بدنبال آن این قانون متدرجاً در نقاط مختلف مملکت باشد اجرا گردید.

یکی از اقدامات تاریخی اعلیحضرت همایونی که رفرم همه‌جانبه‌ای در کلیه شئون اجتماعی ایران بوجود آورد پیشنهاد لوایح ششگانه بود که در اولين بقیه در صفحه بعد

کنگره شرکتهای تعاونی روزتائی در تاریخ نوزدهم دیماه ۱۳۴۱ که بمناسبت سالروز تقسیم املاک بموجب قانون اصلاحات ارضی در تهران تشکیل شده بود پیشنهاد فرمودند و تصویب آنرا بملت ایران واگذار کردند. مردم ایران با شرکت فعالانه خود روز ششم بهمن ۱۳۴۱ لواجع پیشنهادی شاهنشاه را تأیید کردند و از آن روزاین لواجع بصورت قانونی درآمد و جزء قوانین اساسی کشور محسوب شد و در سر لوحة کاربر نامه دولتها قرار گرفت.

اجرای قانون اصلاحات ارضی که همواره مورد نظر شاهنشاه بوده است باشدت ادامه یافت و با فعالیت‌هایی دنبال شده، مرحله اول اجرای قانون اصلاحات ارضی با پشتیبانی کامل اعلیحضرت همایون شاهنشاه است. مرحله اول انجام شد و مرحله دوم آن از هر ماه سال ۱۳۴۲ آغاز گردید و بتدریج کلیه املاک نقاط مختلف کشور میان کشاورزان سراسر مملکت تقسیم خواهد شد.

یکی از قوانینی که موحد تحول عظیمی در سراسر وضع جامعه ایران شده است و بنا بر شخص اعلیحضرت همایون شاهنشاه است قانون تشکیل سپاه دانش است که جوانان دیپلمه با ذوق و علاقه شدیدی برای تعلیم و تربیت کشاورزان و نوباوگان آنان که سالها از نعمت سواد محروم بودند بدھکده‌های دور افتاده کشور رهسپار شدند و علاوه بر امر تعلیم و تربیت در امر ساختمان دستانها، مراکز بهداشتی، راهها، غسالخانه‌ها و سایر اموری که موجب پیشرفت و رفاه مردم آن نقاط است بفعالیت پرداختند و از ابن اقدامات نتایج بسیار ثمر بخشی حاصل گردید. فرمان معظم له سپاه بهداشت‌هم تشکیل وهم اکنون سپاهیان بهداشت در روستاهای مشغول انجام وظیفه می‌باشد.

علیا حضرت شهبانوی ایران

علیا حضرت فرج‌پهلوی شهبانوی ایران در ساعت ده و نیم شب بیست و دوم مهر ماه سال ۱۳۱۷ خورشیدی از سر کار علیه با نو فریده دیبا در شهر تهران قدم بعرصه وجود گذاشتند.

پدر علیا حضرت هر حروم سه راب دیبا از افسران ارتض شاهنشاهی و فارغ التحصیل دانشکده نظامی سن سیر و لیسانسی حقوق از کشور فرانسه بوده‌اند. هر حروم سه راب دیبا فرزند هر حروم سیدمه‌هدی شاعر الدوله و آن هر حروم فرزند حاج نظام العلاماء از مجتهدین طراز اول ایران مقیم تبریز و دارای تألیفات متعدد بوده است. هر حروم حاج نظام العلاماء فرزند هر حروم میرزا علی اصغر مستوفی پسر میرزا بیع فرزند هر حروم ابوطالب معروف به وزیر بوده است که



علیا حضرت فرج پهلوی شهبانوی ایران

تبرستان
www.tabarestan.info

نسبت ایشان طبق شجره نامه‌ای که اصل آن در خزانه حضرت عبدالعظیم محفوظ است بحضرت امام حسن مجتبی علیه السلام منتهی می‌شود . هنگامیکه علیاً حضرت نه سال داشتند و در کلاس دوم دبستان تحصیل میکردند پدرشان برواد حیات گفت و مادرشان با نوفریده دیبازندگی خود را وقف تعلیم و تربیت علیاً حضرت شهبانو نمودند .

علیاً حضرت شهبانو هنگام تحصیل در تمام امور خیریه مدرسه شرکت میکردند و جشن‌های مدرسه همواره با فعالیت و پشتکار معظم لها تشکیل می‌شد . در سال ۱۳۳۱ در پرش طول بار کورد $\frac{1}{2}$ متر و در پرش ارتفاع بارکورد $\frac{1}{2}\frac{1}{2}$ مقام اول را بدست آوردند و بهمین جهت در آن سال دومدال فقره گرفند . سال بعد نیز در پرش طول پرش ارتفاع بمقام اول نائل آمدند و در مسابقات دو و میدانی موفق بدریافت مدال شدند .

معظم لها در ورزش باسکتبال قهرمان دوسال هم کاپیتان تیم بوده‌اند علیاً حضرت شهبانوی ایران تحصیلات خود را در دبیرستان‌های رازی و ژاندارک پی‌آیان رسانیدند و پس از اخذ دیپلم در رشته طبیعی برای ادامه تحصیل در مدرسه عماری عازم کشور فرانسه گردیدند و مدت دوسال دردانشکده عماری پاریس بفرازگرفتن رشته عماری مشغول شدند .

در اردی‌بهشت ماه سال ۱۳۳۸ علیاً حضرت فرح بهلوی شهبانوی ایران پس از دوسال اقامت در فرانسه تصمیم گرفتند که بهمین خوش بازگردند و تعلیمات آن سال را درین افراد خابواره در تهران بگذرانند . ایام تعلیل سپری می‌شد و رفته رفته همچو معراجت بکشور فرانسه فرامیر سید .

قبل از مراجعت از ایران علیاً حضرت شهبانو در مجلسی با والاحضرت شهناز آشنا شدند و والاحضرت شاهدخت که همواره در جستجوی همسری لایق برای پدر تا جدار خود بودند علیاً حضرت فرح را پسندیدند .

والاحضرت شاهدخت شهناز محل میهمانی در حضور شاهنشاه دائم نهودند و علیاً حضرت فرح را که از هر حیث لیاقت و شایستگی همسری پادشاه ایران را دارا بودند باین میهمانی که پایه واساس ازدواج معظم لها با علی‌حضرت هما یون شاهنشاه است دعوت گردند .

در این میهمانی معروفی لازم بعمل آمد و در میهمانیها بعدی شاهنشاه همسر آینده خود را باخ سلطنت دعوت گردند و بدین ترتیب علیاً حضرت با خاندان بقیه در صفحه بعد

سلطنت آشنا شدند و پیوند زناشوئی معظم لها با شاهنشاه ایران مسلم گردید .
علیا حضرت فرج پهلوی شهبانوی ایران روز بیست و نهم آذرماه سال
۱۳۳۸ با اعلیا حضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران ازدواج کردند
و همه این ازدواج والاحضرت همایون رضا پهلوی ولیعهد ایران والاحضرت
شاهدخت فرج حنائز (معصومه) پهلوی میباشد .

علیا حضرت شهبانوی ایران از لحاظ روحیه هتمام معنی صفات و مشخصات
یک ورزشکار را دارا هستند . اسب سواری و اتو موبیل رانی میکنند . پیا نومینوازند
وزبان فرانسه را بخوبی میدانند و بسهولت حرف میزنند . علاوه بر نقاشی از
موسیقی هم اطلاع کافی دارند .
شهبانوی جوان ایران شوخ طبع نازک بین و دارای قلبی رئوف و مهربان
هستند . کمک به مستمندان رسیدگی بوضع بینوایان و توسعه امور خبریه مورد
نظر و علاقه خاص معظم لها است .

علیا حضرت فرج پهلوی شهبانوی ایران ریاست عالیه جمیعت خیریه فرج
پهلوی را دارا میباشدند و در کمال جذب امور این جمیعت مفید و مؤثر را که بمنظور
کمک به مستمندان و دستگیری از بینوایان بوجود آمده است زیر نظر دارند .
جمیعت خیریه فرج پهلوی فعال چهل پرورشگاه دارد که شش پرورشگاه آن
در تهران و سی و چهار پرورشگاه در شهرستانهای ایران تأسیس و دایر شده است
و طبق بر نامه ای که در دست اجراست هرسال دوازده پرورشگاه بر تعداد
پرورشگاههای موجود اضافه میشود .

مجموع هزینه پرورشگاهها در سال هشتاد میلیون ریال است که برای
اداره پرورشگاههای تهران و ساختمان پرورشگاههای شهرستانهای مصرف
میشود . علاوه بر این علیا حضرت شهبانو سه میلیون ریال برای ساختمان مجل
نگاهداری اطفال کو robe باشگاه لاین ایران و دو میلیون ریال هم به مستمندانی که
برای کمک مراجمه کرده اند مرحمت فرموده اند .

علیا حضرت شهبانو ریاست عالیه جمیعت حمایت مسلولین را نیز قبول
فرموده اند و سرپرستی بنگاه ترجمه و نشر کتاب که سالی سی جلد کتاب ترجمه
و منتشر میکند با اعلیا حضرت معظم لها میباشد .

والاحضرت همایون رضا پهلوی ولیعهد ایران

والاحضرت همایون رضا پهلوی ولیعهد ایران در ساعت یازده و پنجاه
دقیقه روز نهم آبانماه سال ۱۳۳۹ پا بعرصه وجود گذاشتند .
بنگاه حمایت مادران و نوزادان که در جنوب شهر برای خانواده های
بقبیه در زیر صفحه ۲۲۱



والاحضرت همایون رضا پهلوی و لیلهد ایران

تبرستان
www.tabarestan.info

کم بضاعت ایرانی از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه تأسیس شده و سرپرستی آن به عهده علیاحضرت شهبانوی ایران میباشد محلی بود که والاحضرت بدینا آمدند و در اطاقی از ایشان نگاهداری شد که از سایر نوزادان پذیرائی میشد علیاحضرت شهبانو مدت شش روز در بیمارستان بنگاه استراحت فرمودند و سپس با خ سلطنتی تشریف فرما شدند و سرپرستی والاحضرت را شخصاً به عهده گرفتند.

شهبانوی ایران شخصاً فرزند خود را شیر دادند و برای پرستاری از والاحضرت یک پرستار تحصیل کرده بروای انتخاب کردند و ذر تاریخ ۱۴ آبانماه سال ۱۳۳۹ از طرف شاهنشاه ایران فرمای صادر شد که بوسیله نخست وزیر در مجلس سنا قرائت گردید و موورد تأیید قرار گرفت. بموجب این فرمان والاحضرت رضا پهلوی و لیمعهد ایران شاخته شدند و تمام حقوق و مزایای ولیعهدی طبق قانون اساسی باشان تفویض گردید.

متن فرمان

با تأییدات خداوند متعال ما

محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

چون همواره در پرتو توجهات خداوند لایزال افکار و تدابیر و اعمال ما از بد و سلطنت مصروف تحکیم استقلال و حفظ شعائر دینی و ملی و حدود و نبور مملکت ایران و انتظامات این کشور و فراهم داشتن وسائل آسایش و ترقیات اهالی ایران استوار بوده است. درود و سپاس خداوند را که بما توفیق عنایت فرموده و ترقیات قابل تقدیری در هر رشته نصیب ایران و ایرانیان کرده است. یکی از قویترین ارکان مشروطیت ایران وجود ولایتمد است که خوشبختانه ماقوم ملت ایران که با کمال اشتیاق انتظار آنرا داشتیم تأمین فرموده علیهذا بمقتضای وظایف خودمان در ابقاء سلسله شاهنشاهی ایران و تضمین مفاخر تاریخی و تکمیل ترقیات کشور و ملت ایران و نظر باصل سی و هفتم متمم قانون بقیه در صفحه بعد

اساسی اینک که مقام ولایته‌دی ایران بهده لیاقت و شایستگی فطری و جبلی فرزند ارجمند والاحضرت شاهپور رضا پهلوی است . بموجب این فرمان مقرر میداریم که کلیه خاندان ما و علماء اعلام فویت‌های دولت و نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی و استانداران و فرمانداران استانها و شهرستانها و عموم فرماندهان نیروهای مسلح ذمینی - هوائی - دریائی - ارتش و ژاندارمری و شهر باقی کل کشور ایران و تمام طبقات کشور و قاطبه ملت بزرگ ایران وظایف مقرره دا و احترامات لازمه را در باره والاحضرت شاهپور رضا پهلوی ولی‌عهد کشور ایران بجا آورند .

کاخ هر مر بر تاریخ ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۳۹

شرفیابی نمایندگان مردم استانها

در روز نهم دی‌ماه سال ۱۳۴۰ روز بزرگزاری نخستین سالگرد تولد والاحضرت باشکوه و جلال تمام بزرگ‌گردید در این روز نمایندگان مردم شهرستانها و رؤسای عشایر از سرتاسر کشور بهran آمدند و نخستین روز سال تولد والاحضرت را بحضور شاهنشاه و شهبانوی ایران تبریک گفتند و یکبار دیگر وفاداری خود را بشاهنشاه و ولی‌عهد ایران ابراز داشتند . در این روز با اینکه والاحضرت بیش از یک‌سال زاده شده در اجتماع بزرگ که نمایندگان مردم حضور یافته‌ند و مقداری از راه را نیز با پای خود طی کردند .

در آبان‌ماه سال ۱۳۴۱ که والاحضرت ولی‌عهد دو ساله شد این روز گرامی را روز کودک نمایندگان واد این پس همه‌ساله مراسمی در این روز بعنوان روز کودک در تمام ایران بزرگ‌گار خواهد شد . ولی‌عهد ایران دارای کاخ و دفتر مخصوصی است و عبور اعضای گارد سلطنتی و رئیسه آنها به‌نگام تمویض پستهای نگهبانی از سرگرمیهای جالب ولی‌عهد بشمار می‌رود .

شرکت در اولین مراسم رسمی

والاحضرت‌ها یون رضا پهلوی ولی‌عهد ایران برای اولین بار در تاریخ ۲۸ اسفند‌ماه سال ۱۳۴۰ همراه شاهنشاه و شهبانوی ایران در مراسم مخصوصی که از طرف وزرشکاران ترتیب یافته بود شرکت نمودند .

بقیه در زیر صفحه ۲۲۵



والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info

والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی

والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی روز یکشنبه پنجم آبان ماه سال ۱۳۱۹ در تهران متولد شدندو تا سن هفت سالگی بین خانواده خود بسرمیر دندوپس از آن برای تحصیل بکشور سوییس اعزام گشتندو در مدرسه معماری ژوژه مشفول تحصیل بودند . والاحضرت در سال ۱۳۳۵ بکشور ایران باز گشتند و اندکی بعد بنابر اراده اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی مراسم نامزدی و عروسی والاحضرت شهناز پهلوی با آقای مهندس دادشیر زاهدی فرزند تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر قیام ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انجام گرفت و مراسم طی اعلامیه‌ای از طرف دربار شاهنشاهی با طلاق عمردم ایران رسید . والاحضرت شهناز دارای فرزندی بنام مهناز هستند .

والاحضرت شاهدخت فرحتناز پهلوی

والاحضرت شاهدخت فرحتناز (معصومه) پهلوی روز جمعه ۲۱ اسفند ماه ۱۳۴۱ متولد شده‌اند . محل تولد کاخ اختصاصی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است .

اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر علاوه بر اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران دارای چهار دختر و شش پسر هستند . پسران فقید سعید عبارتناداز : اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران و والاحضرتین علیرضا پهلوی - غلامرضا پهلوی - عبدالرضا پهلوی - احمد رضا پهلوی - محمود رضا پهلوی و حمید رضا پهلوی . و دختران رضا شاه کبیر عبارتند از :

والاحضرت شاهدخت (فاطمه هدم السلطنه) و والاحضرتین شاهدخت شمس پهلوی و اشرف پهلوی و فاطمه پهلوی .

والاحضرت فقید شاهپور علیرضا پهلوی

والاحضرت فقید شاهپور علیرضا پهلوی - در تاریخ دوازدهم فروردین بقیه در زیر صفحه بعد

ازدواج شاهپور محمدرضا با فوزیه خواهر ملک فاروق پادشاه

ماه ۱۳۰۱ پا بعرصه وجود گذاشت و در دبستان نظام تا کلاس چهارم ابتدائي را خواند و آنگاه برای ادامه تحصیلات خود روز سیزدهم شهریور ماه سال ۱۳۱۰ عازم اروپا گردید و مدت پنج سال در لوزان مشغول تحصیل بود و در تاریخ نوزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۵ به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۱۸ در دبیرستان نظام به تحصیل اشتغال داشت و پس از یازیان دوره دبیرستان بدانشکده افسری وارد شد و در سال ۱۳۲۰ دوره داشتندگان را هم با موفقیت با تمام رسانید.

والاحضرت شاهپور علیرضا پهلوی باغی بازدید را املاک خود که در گران داشتند و سرکشی باعمر زادعین با تجاه مسافرت گرده بودند هنگام مراجعت به تهران شب ششم آبان ماه سال ۱۳۳۳ هوا پیمای حامل والاحضرت در کوههای نزدیک تهران سقوط کرد و مشارالیه بشاهدت رسید.

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی فرزند برومند اعلیحضرت قید رضا شاه کبیر روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۲ شمسی ازو الاحضرت توران در شهر تهران پا بعرصه وجود گذارند.

دوره طفو لیسترا بسرپرستی آموزگاران عالیقدر تحت تعلیم و تربیت قرار گرفتند سپس در دبستان و دبیرستان نظام به تحصیل اشتغال ورزیدند و در خلال این مدت بکشور سویس مسافرت کرده و در شهر رول در دبیرستانی که اعلیحضرت عمایون شاهنشاه تحصیل کرده بودند دوسال متولی مشغول تحصیل بوده‌اند و پس از آن بتهران مراجعت و دبیرستان نظام را با موفقیت کامل پایان رسانیدند و چندی نیز در آمریکا در دانشکده پرنستن (Princeton) تحصیل کرده و مجدداً بتهران مراجعت و دانشکده افسری را با علاقمندی کامل در رشته سوار با تمام رسانیدند و پس از نیل بدرجۀ افسری بفرمان مطاع مبارک ملوکانه بسمت بازرس ویژه ارش شاهنشاهی منصب و با ابراز لیاقت و کارداری بدریافت نشانهای افتخار ولیاقت و نشان پهلوی و نشانهای مختلف دیگر نائل گردیدند.

والاحضرت کلاسهای تکمیل زرهی و تانک‌ها در دانشکده فورت ناکس بقیه در زیر صفحه ۲۹۶



والاحضرت شاهدخت فرحناز پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info

مصر که در سال ۱۹۳۹ صورت گرفت (ولیعهد ایران و فوزیه در ماه اکبر)

در آمریکا طی نموده‌اند معظم له علاوه بر سمت نظامی که در ارتش دارند بنا بهامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه نیابت ریاست عالیه باشگاه هوای پمایی کشوری و همچنین نیابت ریاست عالیه باشگاه سوارکاران و ریاست عالیه کمیته المپیک ایران را عهده‌دار میباشند.

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی مدتها در کشورهای خارجی (اروپا - امریکا - افریقای جنوبی) مقیم بوده و اوقاتشان فقط صرف تحصیل و مطالعه - تاریخ و جغرافیای نظامی آن کشورها بوده و اطلاعات عمیقی در این دورشته دارند و زبانهای فرانسه و انگلیسی را خوب میدانند و از ادبیات این دو زبان نیز بهره‌ای کامل دارند.

معظم له بتاریخ و ادبیات ایران علاقه خاصی دارند و هموانه مشوق نویسنده‌گان و مؤلفین کشور هستند . معظم له جوانی متواضع - مؤدب و بسیار ادب دوست هستند .

والاحضرت شاهپور غلامرضا علاوه بر فنون نظامی درفن خلبانی - تنیس - شنا - فوتbal - شکار بهره کامل دارند و اوقاتشان علاوه بر خدمت ارتش صرف ورزش‌های مزبور شده و در تمام مرافق احیل زندگانی مشوق ورزشکاران بوده‌اند . والاحضرت بهمن پهلوی فرزند معظم له در تاریخ ۱۳۲۹/۱۱/۱۰ در تهران پا بعرصه وجود گذارده است .

والاحضرت منیژه پهلوی در تاریخ دهم اردیبهشت سال ۱۳۲۰ در تهران بدنبال آمدند و در سال ۱۳۴۰ مصادف با روز عید فطر با والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ازدواج کردند .

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی فرزند کامکار اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر در تاریخ نهم مهر مامسال ۱۳۰۳ شمسی از والاحضرت عصمت پهلوی در شهر تهران پا بعرصه وجود گذارده .

دوره ابتدائی خود را در دبستان نظام گذارده و از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۱۵ در مدرسه (لروزی Le Rosey) در شهر رول (Rolle) سویس مشغول بقیه در زین صفحه بعد

سال ۱۹۴۰ دارای دختری شدند) باعت وسبب شد که روابط ایران با

تحصیل بودند و از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۲۵ دوره دیپلم نظام دا گذرانده و چون شاگرد اول شدند به اخذ نشان عالی فرهنگی نائل گردیدند و پس از اخذ دیپلم در جریانات شهر یورمه ۱۳۲۰ در رکاب اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر به جزیره موریس و بعد به افریقای جنوی مسافت کردند.

معظم له در این مدت بفرانگ قرن زبان انگلیسی و مطالعه پرداخته و پس از زفات اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر اندک بعد بمصر رفتند و در انتظار جنازه پدر تاجدار خود بودند و پس از انجام مراسم تشییع جنازه و سپردن پادشاه موقت در قاهره عازم آمریکای شمالی شدند و پس از تحصیل و اخذ دانشگاه هاروارد (Harvard) در شهر کامبریج گردیدند و پس از گذراندن دوره این دانشگاه در سال ۱۹۴۷ در رشته اقتصاد و علوم سیاسی با رتبه عالی با خذ درجه بی اس (B.S.) نائل گردیدند. پس از آن اول در آمریکا و بعد در اروپا از مرکز صنعتی - معدنی و کشاورزی دیدن کرده و پس از هفتسال بایران مراجعت نمودند.

معظم له از بدو ورود با مورد عمرانی و تولیدی توجه خاصی مبذول داشتند و بعداً در بر نامه هفت ساله نظارت بر مورد عمرانی و اقتصادی کشور بعدها ایشان واگذار شد و در اثر ایجاد لیاقت و کارداری بدريافت نشان پهلوی و نشانهای مختلف دیگر نائل گردیدند.

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی در سال ۱۳۲۹ برای خدمت زیر پرچم داوطلبانه خود را معرفی و پس از طی دوره مهندسی بدرجه ستان دومنی نائل و چون شاگرد اول شدند بگرفتن جایزه مفتخر گردیدند.

معظم له در مهر ماه سال ۱۳۲۹ با والاحضرت پری سیما دختر آقای ابراهیم زند ازدواج کردند و ثمره این ازدواج یک پسر ده ساله بنام والاحضرت کامیار و پیک دختر هشت ساله بنام والاحضرت سروناز میباشدند. معظم له از کودکی به اغلب ورزشها علاقه داشته و بآنها آشنائی دارند و در سالهای اخیر ورزشی که بیش از سایر ورزشها مورد علاقه ایشان بوده است چو گان، اسب سواری و شکار است و پس از تصویب قانون شکار بفرمان همایونی بسمت دیاست عالیه کانون شکار ایران منصوب شده اند.

کتابهای مورد علاقه والاحضرت عبارت است از کتب سیاسی - اقتصادی - تاریخی و در موقع فراغت علاوه بر مطالعه و ورزش با مورد کشاورزی میپردازند. معظم له زبانهای فرانسه و انگلیسی را بخوبی میدانند. والاحضرت جوانی

بقیه در زیر صفحه ۲۳۳



تبرستان
www.tabarestan.info

والاحضرت شاهپور غلام رضا پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info

این کشور بر جسته عربی مستحکم گردد.

متواضع ، مطلع ، با هوش ، و ادب دوست و مورد احترام طبقه تحصیل کرده و روشنفکران ایران هستند.

والاحضرت شاهپور احمد رضا پهلوی

والاحضرت شاهپور احمد رضا پهلوی روز پنجم مهرماه سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شدند دوره دبستان و دبیرستان نظام را با موفقیت گذرانده و پس از حادثه شوم شهریور ۱۳۲۰ در التزام رکاب اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر بجزیره موریس رفتند . مشارالیه دارای دو فرزند بودند.

والاحضرت شاهپور محمود رضا پهلوی

والاحضرت شاهپور محمود رضا پهلوی روز دوازدهم آبانماه سال ۱۳۰۵ با عرضه وجود گذاردند و پس از طی دوره دبستان و دوره دبیرستان نظام مانند سایر برادران خود بجزیره موریس رفتند و پس از آن بکشورهای متعدد آمریکا مسافرتی کردند و دردانشگاه کالیفرنیا بتحصیل پرداختند و پس از اتمام تحصیلات خود بتهرا مراجعت کردند .

والاحضرت شاهپور حمید رضا پهلوی

آخرین فرزند اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر والاحضرت شاهپور حمید رضا میباشد که در تاریخ دوازدهم شهریور ماه سال ۱۳۱۱ پا به صدر جهان رسید . مشارالیه دوره دبستان نظام را گذراند و هنوز تحصیلات مقدماتی ایشان پایان نرسیده بود که در التزام رکاب اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر به جزیره موریس رفتند .

مشارالیه اکنون دارای یک فرزند هستند و در قیام ملی ۲۸ مرداد در جنبشی که در شهر تهران بوجود آمده بود شرکت داشتند .

والاحضرت همدام‌السلطنه بزرگترین دختر اعلیحضرت رضا شاه کبیر است که بادکترهادی آتابای در سال ۱۳۰۳ ازدواج کرد و دارای یک پسر و یک دختر هستند و بعداً زناشوئی آنان متارکه گردید .

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی روز ششم آبانماه سال ۱۲۹۶ پا به صدر وجود گذاردند . دروس ابتدائی را نزد معلمین خصوصی آموختند و پس از آنکه بقیه در زیر صفحه بعد

هنوز فرصتی برای ولیعهد پیدا نشده است که لیاقت واستعداد ذاتی خود را نشان بدهد اما به صورت بادلایلزیادی ثابت شده است که این فرزند از هر حیث لیاقت و استعداد اداره کردن سازمانهای را که پدرش ایجاد کرده است دارد.

ملکه ایران در امور اجتماعی و فرهنگی مربوط به زنان سهم مهمی را داراست و او خود اولین بانوی بر جسته ایرانی است که در سال ۱۹۳۵ در یک مجلس رسمی عمومی بیرون چادر شرکت کرد و پس از آن حجاب و چادر ویرون آمدن باروی بسته برای بانوان بکلی ممنوع گردید.

زبانهای انگلیسی و فرانسه را بخوبی یادگرفتند مشغول مطالعه کتب تاریخی و ادبی ایران شدند.

والا حضرت مودود توجه خاص اعلیحضرت رضاشاه کبیر و علیحضرت ملکه مادر بودند و پس از آنکه حادثه شوم شهر یورمآمال ۱۳۲۰ روی داد با تفاق پدر تاجدار خود سوار کشی شده و در این سفر دور و دراز مونس و همدم اعلیحضرت رضاشاه کبیر بودند.

والا حضرت پس از درگذشت اعلیحضرت رضاشاه کبیر مسافرتی به اروپا و امریکا کردند و مطالعات عمیقی در اوضاع کشورهای متفرقی جهان بعمل آوردند و در همانجا بود که زبان ایتالیائی را هم فراگرفتند و مطالعات بیشتری در موسیقی علمی بین المللی که مورد علاقه خاص معظم لها است بعمل آوردند.

والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی در سال ۱۳۲۴ با آقای مهرداد پهلهی ازدواج کردند و اکنون دارای سه فرزند میباشند.

آقای پهلهی جوان تحصیلکرده و از خانواده‌های نجیب و قدیمی ایران میباشد که در سال ۱۳۹۶ در تهران متولد گردیده و تحصیلات دوره ابتدائی و متوسطه را در تهران پایان رسانیده و آنگاه وارد داشکده شدند و بعد برای تکمیل تحصیلات به اروپا و امریکا مسافت نمودند و مهندس در رشته ساختمان هستند. آقای پهلهی رئیس اداره کل هنرها زیبایی کشور میباشد و با زحمات شبانه‌روزی باین اداره که زنده کننده هنرها باستانی و آثار ملی ماست سروصورتی داده‌اند.

بقیه در زین صفحه ۲۳۷



تبرستان
www.tabarestan.info

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info

رضا شاه بغیر از شاه پور محمد رضا و لیعهد پنج پسر و سه دختر دارد.
در باره روابط شاه ایران با ملت نظر قطعی نمیتوان ابراز کرد و
آنطوریکه مشهود است وظواهر امر نشان میدهد شاه ایران محبوب عموم
ملت خود میباشد زیرا هرجا میرود با هلهله و شادی پذیرائی میشود و عکسش
را در تمام ادارات دولتی و مؤسسات ملی و جاهای عمومی گذارده اند ولی
باید دانست که در تمام دستگاههای مملکتی برای حفظ نظم کنترل
شیدی صورت میگیرد.

ما نباید تصور کنیم که یک فرد متوسط ایرانی محدودیت آزادی
خود را بدون جهت قبول دارد و بآن تن در میدهد زیرا چنانکه دیده
شده این نوع حکومت از هر جهت بحال او متناست و برای کشورش شایسته
و برآزنده است.

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیه جمعیت شیر و خوارشید
سرخ ایران را بر عهده دارند و بازحمات طاقت فرسا امور این جمعیت را
با صمیمت وجدیت هر چه تمام انجام میدهند و چون همواره پشتیبان و حامی
طبقه مستمند و فقیر کشور هستند کمتر کسی است که این شاهزاده خانم نیکوکار
را نشناسد و با شنیدن نام وی در قلب خود با علاقه و محبت احساس نکند و
و بهمین جهت است که والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی مورد احترام قاطبه
ملت ایران میباشند.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی سپیده دم روز چهارم آبانماه
۱۲۹۸ در تهران متولد شدن دیپ از کسب تحصیلات مقدماتی بن زانهای خارجی
و ادبیات و تاریخ ایران و جهان آشنا گردیدند.
معظم لها در مهر ماه ۱۳۱۵ با آقای علی قوام ازدواج کردند زندگی
زنashوئی آنان دیری نپائید و در سال ۱۳۲۲ موقیکه اعلیحضرت فقید رضا شاه
بقیه در زیر صفحه بعد

به حال ایلات و عشاير که امور بوطه را خودشان اداره میکرند طبعاً از استیلای مأمورین کوچک و استقرار آنها در بالای سرخودشان سخت ناراضی هستند بخصوص که این مأمورین کوچک مانند مأمورین کوچک همه‌جا میخواهند تحکم بخرج دهن و اختیارات خود را برخ مردم بکشند.

وصول مالیات، قانون، مقررات چیزهایی هستند که بزعم عشاير ایران با آزادی واقعی سازگار و موافق نمیباشند گرچه فقط وحشی‌ترین قبایل و ایل‌ها آن نوع آزادی را داشته‌اند و معنی آنها میدانند.

کبیر دور از خاک وطن در ژوهانسبورک بسر میبردند والاحضرت اشرف مسافرتی بمصر و از آنجا به ژوهانسبورک کردند و پس از جلب موافقت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر در باره جدائی از آقای علی قوام به تهران مراجعت و سپس با یکدیگر متأارکه نمودند و در همان سال (۱۳۲۲) با آقای احمد شفیق ازدواج کردند ولی پس از چندی بمتارکه انجامید و سپس با آقای دکتر بوشهری ازدواج نمودند

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی از بانوان خیر و نیکوکار کشور هستند و بنابه اراده اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی نیابت ریاست عالیه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را بر عهده دارند و باسعی و کوشش فراوان امور سازمان را اداره میکنند.

خدمات والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی برای تمام مردم ایران واضح و روشن است و همه میدانند که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی حامی مستمندان و فقرا و بینوایان است و بعنوانی مختلف به طبقه زنجدیده و بی استطاعت کشور کمک میکند.

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی کوچکترین دختر اعلیحضرت فقید در سال ۱۳۰۹ در تهران متولد شدند و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در دبیرستان بقیه در زیر صفحه ۲۴۱



والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info

طبقه روشنفکر ایرانی هم میتواند در رژیم استبدادی مواردا نقادی زیادی پیدا کند گرچه خودش هم از همین رژیم منتفع و بهرهمند گشته است اما به صورت با وجود بالا رفتن نرخ خواربار و لوازم زندگی و مالیاتهای تازه اکثریت مردم مخصوصاً طبقه سوم بطورکلی راضی شدن دو در رفاه و آسایش کاملی بسرمیبرند و هرچند نمیتوانند کاملاً درک گنند که این چیزها برای خود آنها لازم است و عاقب خوبی دارد اما در هر حال آنان خشنودند که از نفوذ یگانگان دولتشورشان بطور کلی جلوگیری شدمواز اینکه دیگر سیاست حمایت خارجی در ایران وجود ندارد بسی مشعوف و همسرونده.

ماوضع کشور را در سال ۱۹۲۱ دیدیم و حالا برایمان بخوبی واضح و آشکار است که لازمترین و مهمترین اقدامات وضع قوانین مفید وایجاد امنیت و متصرف شدن قدرت در دست حکومت مرکزی است و بنابراین اولین وظیفه رضا شاه این بود که ارتض قوی و نیرومندی بوجود آورد که او خودش بخوبی این موضوع را میدانست و تصمیم لازم را گرفت.

انوشیروان دادگر پایان رسانیدند و بعداً به بیروت مسافت کردند و زبان فرانسه را در آنجا آموخته و سپس به ایران بازگشت نمودند.

مشارالیها پس از مدتی توقف در ایران برای ادامه تحصیل به امریکا رفتند و در شهر لوس آنجلس بتحصیل پرداختند. در سال ۱۳۲۹ با آقای علی‌هیلر که امریکائی است ازدواج کردند ولی بعداً در اثر بروز اختلافاتی بین والاحضرت و همسر ایشان بالاخره کار بجدائی کشید و مراسم طلاق در روز شنبه دوم مردادماه سال ۱۳۳۸ در تهران انجام گرفت.

والاحضرت فاطمه پهلوی از ثمرة این ازدواج صاحب دو پسر گردید که نام یکی از آنان کیوان است و بعد از مدت کوتاهی در روز سوم آبانماه سال ۱۳۳۸ مراسم عقد والاحضرت با تیمسار سپهبد محمد خاتمی فرمانده نیروی هوایی ایران در کاخ علیا حضرت ملکه پهلوی برگزار شد. مترجم

هسته‌مر کزی سازمان جدید ارتش ، تشکیلات بریگاد قزاق بود که نیروی انگلیسی پلیس جنوب یا تفنگداران پارس هم جزء آن شده بود. رضاشاه با تشکیل ارتش جدید میتوانست قوای منظم و نیرومندی در برابر قوای نامنظم ایلات وعشایر که در اثر تبلیغات کمونیستی تهییج شده بودند بوجود آورد .

در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ رضاشاه سرگرم پایان دادن به شورش‌های مازندران بود و پس از آنکه نواحی شمالی را بلکه از وجود یاغیان و طوايف متمرد خالی ساخت و در آن حدود امنیت کاملی حکم‌گفرا کرد متوجه مسائل موضوع بغرنج و پیچیده (بختیاری‌ها) و (لوها) در جنوب و جنوب غربی گردید .

در سال ۱۹۲۴ (شیخ خزرعل) که در محمره^۱ خود را فرمانروا وفعال مایشاء میدانست و بیش از حد به ارتباط و دوستی خود با بریتانیا تظاهر میکرد موقع را مناسب دید از سیاست مرکزیت یافتن قدرت دولت مشوش و نگران شد و از اوامر دولت مرکزی سری‌پیچیده‌شورش و بلوائی پیاساخت و اختلافات بسیار مهم و شدیدی بوجود آورد اما بازودی شیخ شکست خورد و قوای دولتی او را دستگیر کرده به تهران برداشت و چند سال بعد از آن در همانجا مرد.

اطاعت ایلات وعشایر یاغی ایران در سال ۱۹۲۵ با زور و برکنار ساختن مأمورین فاسد و انجام پاره‌ای اصلاحات لازم صورت گرفت و سیاست اسکان و مستقر ساختن ایلات و طوايف سرگردان عملی گردید.^۲

اقداماتیکه برای اسکان ایلات بعمل آمده بود با ساختن راه‌ها و

۱ - محمره همان شهری است که امروزه خرمشهر نام دارد . مترجم

۲ - در مورد اسکان عشایر و ایلات ایران در فصل دوم توضیحات کافی داده شده است . مترجم



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info

ودهات در نواحی بختیاری و خرمآباد و کردستان تکمیل گردید و ایلات چادرنشین را برای اقامت دائمی در محلهای معین مجبور ساختند و این سیاست برای امنیت کشور و جلوگیری از بی‌نظمی بسیار مفید و مؤثر بود. هم‌اکنون گاهگاهی نافرمانی‌های چنددر آن نقاط سرمیزند چنان‌که در سال ۱۹۳۷ اتفاق افتاد.

بعضی از اوقات هم در نقاط دوردست دستبردهای انفرادی رخ میدهد اما مرتكبین بزودی شناخته شده و بسزای اعمال خویش میرسند.

فصل بیست و دوم

تشکیل ارتش نوین ایران

نفرات ارتش ایران در ایام صلح و اوقاتی که کشور وضع غایب دارد
به چهل هزار نفر بالغ میشود که از نه هنگ و پنج لشکر تشکیل^۱ یافته

۱- برای اطلاع خوانندگان گرامی تاریخ و چگونگی بوجود آمدن
ارتش نوین ایران ذیلاً درج میگردد

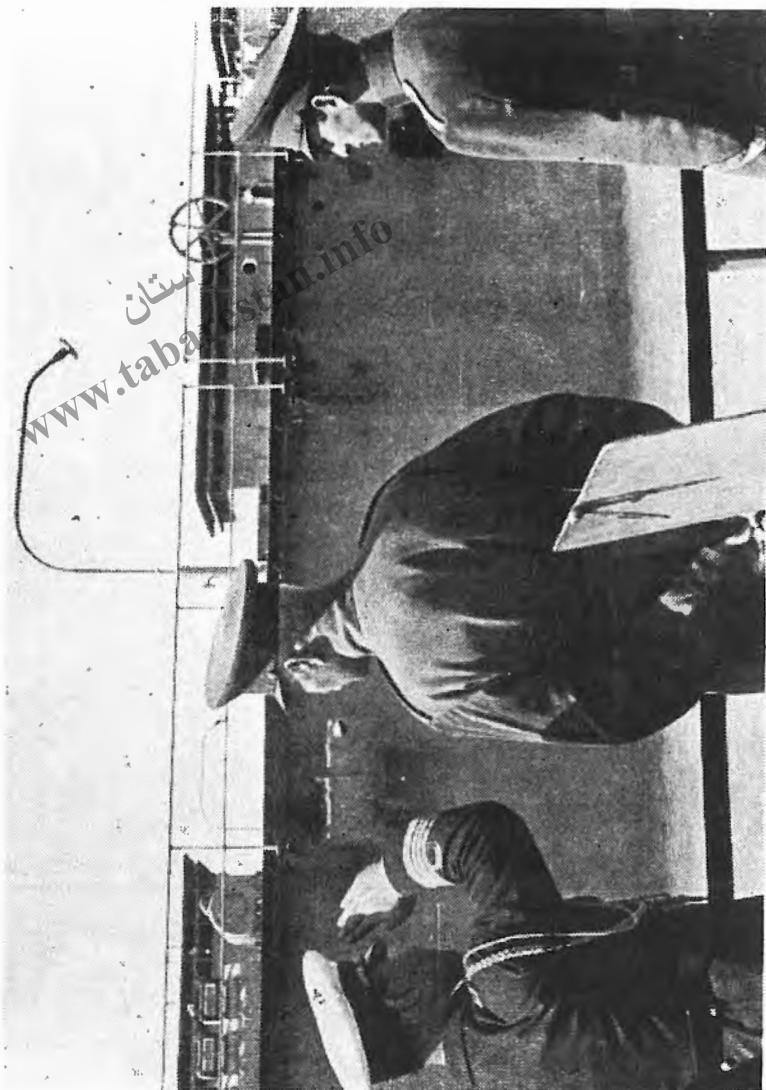
در سال ۱۲۹۹ نامنی و انحطاط هرج و مر ج و اغتشاش - فساد و بیعدالتی
هستی و حیات و تمامیت ارضی کشور ما را در معرض خطر قرار داده بود در
حالیکه ملل متمند با تمام قوا و همه نیروهای خود در راه نیل بهدهفهای عالیه
ووصول با رمانهای مترقبیانه و شکرف خود تلاش میکردند دولی جامعه ما با همه
نیروهای خلاقه و زاینده خود، با همه منابع بکر و دست نخورده خود بر خلاف
تمام ملل عالم سیر قهرائی میپیمود .

حکومت آلوده و منحط ارتقای افکار روشنفکران و آگاهان با مور را
بزنگیر کشیده و مانع جهش و تکامل فکری جامعه ما بود.

احساسات و عواطف وطن پرستانه ملت ملیبنة نیات شوم مشتی غارتگر
شده و رجال حاکم و بی اقتدار و زیون دنباله رو سیاستهای مشئوم بیگانه
بودند و خلاصه جامعه ما نمایشگر فقر و مذلت و حرمان و سیه روزی و
انحطاط بود .

امنیت و آرامش داخلی که نعینه پیش فتو ترقی عمومی است دستخوش
بقیه در زیر صفحه ۲۴۹

اعلیحضرت رضاشاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام بازدید از کنفرانس جنگی بین



ستن
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

است و در زمان جنگ ممکن است به سه و یا چهار برابر افزایش یابد.

نیات سوء و چپاولگرانه معدودی فراق و تفکیچی گشته بود و راهزنان و سرکشان داخلی با استفاده از موقعیت بدون هیچ مانعی بر جان و مال و ناموس مردم تاخته و کشور را در آتش نامنی و هرج و مرج گرفتار ساخته بودند.

یک قدرت نظامی که بتواند در صورت بر وزم مخاطرات و تجاوز بمنزهای کشور بمقابله برخیزد با استثنای چند واحد پراکنده بدون نظم و دیسپلین که در مر کز مستقر بودند وجود نداشت، این چند واحد هم بهیچوجه ارزش نظامی و جنگی نداشتند و آنقدر نسبت بهم میکارند و تناد منافع داشتند که مکرر اتفاق میافتد در خیابانهای شهر بجان یکدیگر اتفاق دادند و همیدیگران نا بودند.

در گیر و داراین اوضاع آشفته و ناسامان گفلاش تحول پخش روشنفکران را زورمندان حاکمی که برآندیشه و افکارشان غمز پوییله ارتقای حکومت میکرد نفی میکردند و در قلمرو اقتدار سیاه و انحطاط آفرین خویش بفقر و فساد اخلاقی که خصم هر تحول و جهش و جنبش فکری جامعه است دامن میزدند — مردی بزرگ با آندیشه‌ای بس بزرگتر از میان ملت و از قلب جامعه پیاختست و پرای نجات کشودش قد مردانگی برآفرانست.

نقش و شخصیت والای این مرد تاریخ ساز را فقط در عشق بی خللی که بوطن و اعتلای میهن میورزید و تماماً از حس وطنپرستی و ایران دوستی شدید او سرچشم میگرفت باید جستجو کرد. او مظہر و نماینده قشر آزادگان وطنپرست و پاسدار خلل ناپذیر تاریخ شاهنشاهی ایران بود.

از میان ملت برخاست و بنیروی ملت پا بر سر قرون و اعصار گذاشت و جلوه های تابناک یک ذندگی نو را در افق مبهم و تاریک اجتماع ایران نمایان ساخت.

سنگرهای ظلم را فرو ریخت، حصارهای طبقاتی را در هم کویید و بساط خودسری و خودخواهی بیوطنانیرا که در حمایت بیگانگان سلطه شوم خود را گسترد بودند بیچید و پایمردانه و دلاورانه با فقر و سیه روزی و همه عوامل انحطاط بمبارزه برخاست.

دستهای توانا و سازنده این شخصیت بزرگ ساختمان ایران نووزنده را بر شالوده های دموکراسی و آزادی و استقرار عدالت اجتماعی و تجدید عظمت دیرین بنانهاد اما چون اجرای طرحهای مترقبیانه و درخشان بنیانگذار بقیه درزین صفحه بعد

پادکان مهم نظامی یکی در تهران و دیگری در اهواز قرار دارد و

ایران نو محتاج استقرار امنیت و آرامش کافی در اجتماع بود و علی‌الاصول نیز لازمه هر اقدام اصلاحی در هر جامعه که مرحله انتقالی و دگرگونی را می‌پماید. ثبات و آرامش داخلی و امنیت خارجی است با اقدامی متهورانه ابتدا همه دستگاههای رنگارنگ و فاقد قدرت و تشریفاتی آن‌زمان را در هم کوبید و ارتقی منظم و متحدد الشکل را بنا نهاد که اکنون از نظر قدرت و تجهیزات به نسبت خویش در دردیف ارتشهای متفرقی دنیاست.

اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر فرمان داد تا دانشگاه جنگ را بنا نهند و جوانان را برای تحصیل فنون جنگی بدانشگاههای نظامی کشورهای متفرقی جهان اعزام دارند.

آنکاه قانون مقدس نظام وظیفه را که در احیای روح سلحشوری و میهن پرستی و آشنازی جوانان بفنون ابتدائی نظامی نقش مؤثری دارد ایجاد کرد.

بموجب این قانون جوانان ذکور کشور که بسن ۲۱ سالگی میرسد باید بخدمت زیر پرچم درآیند و مدت ۲ سال خدمت مقدس سربازی را انجام دهند. اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر از بد و نعامداری بناسیس مدارس نظامی که بتوانند افراد نظامی را با آخرین متد و شیوه‌های نوی نظامی دنیا آشنا نمایند همت گماردند و در اجرای این نیت دانشکده افسری با جدیدترین وسایل براساس سیستمهای نوی تعییمات نظامی شروع بکار کرد.

مؤسسات آموزشی کنونی ارتش در حال حاضر عبارتند از:

الف - مراکز آموزش پیاده و توپخانه و زرهی و صفوی که در نقاط مختلف کشور تأسیس گردیده‌اند.

ب - دانشکده افسری که دانشجویان خود را از طریق مسابقه مپذیرد و پس از سه سال با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل می‌شوند.

ج - دانشگاه جنگ که در آن افسران را برای اداره و هدایت واحد های بزرگ آماده می‌سازند.

د - دانشگاه نظامی که افسران ارتش برای تکمیل معلومات و اطلاعات نظامی خود در آنجا تحصیل می‌کنند.

بقبه در زیر صفحه بعد

اهمیت سوق الجیشی سلسله کوههای ایران از نظر اینکه برای دفاع از کشور عامل بسیار مؤثری بشمار می‌آید باعث شده است که نفرات ارتش

صنایع ارتش

در زمان اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر ارتش ایران سلاحهای مورد نیاز خود را از کشورهای خارج تهیه میکرد ولی چون این امر از جهات مختلف برای ارتش تولید اشکال مینمود طرحهای جهت تأمین سلاحهای مورد نیاز ارتش به مرحله اجرا گذارده شد و کارخانه های بدبینمنظور ساخته شد اولین کارخانه اسلحه سازی ارتش قورخانه بود که در محل قلعه آن (جلیل آباد) تأسیس گردید و پس از آن کارخانه مهمات سازی دریاغ سلطنت آباد در شمال ضرباخانه تهران ایجاد شد و در ضمن ساختمان این کارخانه ها مقدمات امر برای گشایش کارخانه های مواد شیمیائی پارچین نیز تهیه شد. دو این کارخانه ها مواد شیمیائی مورد احتیاج مهمات سازی ارتش و الكل سفید و صنعتی تولید میشدند.

اوخر سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر دو کارخانه مهم دیگر نیز ایجاد شد که یکی کارخانه ماسک سازی و نک و دیگری کارخانه مسلسل سازی دوشان تپه است.

ارتش ایران اموال احاطه کیفیت بهیچوجه قابل قیاس با گذشته نیست. سطح فرهنگ و اطلاعات عمومی و معلومات جنگی افراد ارتش اگر پای ارتشهای کشورهای بزرگ نرسیده باشد بجرأت میتوان گفت که با هر گونه نیات شوم بیگانگان بخوبی میتواند مقابله برخیزد و در حفظ و حراست مرزها واستقلال و تمامیت ارضی بکوشد.

نیروی هوایی و نیروی دریائی شاهنشاهی ایران همکام با پیشرفت هوایی و دریائی ملل مترقی پیشرفته و با وسائل مدرن مجهز گردیده‌اند.

فعالیتهای پر ارزش ارتش شاهنشاهی برای ملت ایران

آنچه برای جامعه ما ارزش دارد روحیه سربازان و افسران ارتش ما است فداکاریها و جانبازیهایی که در ارتش ما وجود دارد در کمتر ارتشی دیده شده است شهامت و دلیری و از خود گذشتگی سربازان ایرانی از قرنهای بسیار قدیم زبانزد ملل جهان بوده است.

ارتش ایران اکنون گام بکام همراه مردم و بخاطر مردم فعالیتهایی بقیه در زیر صفحه بعد

در این مورد تخصص بیشتری داشته باشد و بهمین جهت است که توپخانه کوهستانی قسمت عمده‌ای از مهمات و تسليحات ایران را تشکیل میدهد.

را انجام میدهد که نتایج ارزنده و حیاتی آن فعالیت و تلاشها در سوق دادن جامعه ما بسوی ترقی و تعالی اثر مستقیم داشته تنها در سال گذشته فعالیتهای اجتماعی زیر را بعمل آورده است.

الف – درمورد جاده‌سازی و تسطیح اراضی و ایجاد فرودگاهها اقدامات درخشنانی بعمل آورده که بدینقر ارادت است.

۱ – ارتباط دهکده‌های حاجی‌آباد و شکن قاب که هن منطقه کوهستانی قزوین قراردارند به شهر اه.

۲ – واگذاری تراکتور و پرسنل لازم بمنظور احداث خیابان و میدان در شهر نهاوند و خیابان وجاده درسقز.

۳ – همکاری با اداره انتشارات و رادیو بمنظور تسطیح زمین و احداث تأسیسات مربوط به رادیو کرمانشاه.

۴ – ساختمان جاده بین گرگان و گرمابدشت بطول ۳۲ کیلومتر و عرض ۱۰ کیلومتر.

۵ – ساختمان فرودگاه در شرق پادگان گرگان بطول ۵۴۰ متر و دارای یک باند بعرض ۱۸ متر

۶ – مرمت باند فرودگاه کشوری شهرستان گرگان

۷ – تسطیح جاده زاهدان به گوبدند.

ب – پل‌سازی و جلوگیری از گسترش سیل و نیز در سال گذشته ارتش ایران در نقاط سیل‌زده اقدامات مثبتی بشرح ذیر انجام داده است.

۱ – اعزام افراد لازم از پادگانهای ساری و دوآب بمنظور کمک باهالی آسیب دیده در سیل مهیبی که در قسمتهای مختلف مازندران جریان یافت.

۲ – ساختن پل ارتباطی بین مهاباد و سردشت که بر اثر بارندگی خراب و باعث قطع عبور و مردم شده بود.

بقیه درزین صفحه بعد

گذشته از سایر سلاحهای جدید ارتش ایران در حدود یکصد تا نه اشکودا در اختیار دارد.

۳- جلوگیری از گسترش سیل و کمک در تخلیه منازل آسیب دیده و نجات جان ساکنین خیابان خاقانی و محله‌های شاه‌آباد تبریز.

۴- اعزام واحدهای مهندسی و دستگاه تخلیه کن و تراکتور و تریلی کش بکمک اهالی کنار رودهای ارس و قرسو.

۵- در اردیبهشت ماه گذشته در کرمانشاه سیلی بوجود آمد و کلیه منازل واقع در مسیر خود را در خطر ویرانی قرار داده با فعالیت گروهان دژبان و واحدهای مهندسی ارتش یکم و تخریب پلی که بعلت گرفتگی در مسیل موجب بالا آمدن آب شده بود رفع خطر گردید و واحدهای مهندسی پس از پر طرف شدن خطر بمنظور برقراری ارتباط مجدد یک پل موقت بر روی رودخانه نصب کردند.

ارتش شاهنشاهی ایران در سال گذشته در بعضی از نقاط کشور چندین دبستان مجهر ساخته که در پیشرفت امور فرهنگی تأثیر بسزائی داشته است همچنین با ایجاد چند سد مهم با فزایش محصول کشاورزان که مالا باعث ازدیاد درآمد آنان میگردد کمک مؤثری نموده است.

ارتش شاهنشاهی ایران در زمینه پیشرفت ارتباطات تلفنی و گسترش آن اقدامات مهمی به ارزیب عمل آورده است.

۱- بوسیله مخابرات لشگر گران ارتباط تلفنی بین مرزبانی درجه ۱ بندراه و باشگاههای خواجه نفس و پل خواجه نفس و همچنین بین باشگاههای خواجه نفس و مرزبانی کهیشان برقرار شد. این ارتباط مورد استفاده عده‌کثیری از ساکنین این نواحی واقع شده و احتیاجات آنان را تأمین کرده است.

۲- با همکاری اداره پست و تلگراف - ارتباط تلفنی شهر و کاریر را در امتداد جاده سندج - همدان - کرمانشاه برقرار نمود.

۳- ایجاد سیم کشی در ۹ کیلومتر از جاده و کیل آباد.

۴- واگذاری ۷۲۰۰ متر سیم جهت تلفن خودکار پرورشگام پهلوی. یکی از اقدامات مفید و ثمر بخش ارتش اصلاح وضع کشاورزی ایران از راه آشنا کردن سربازان و افسران به وسائل مدرن و اصول علمی و عملی بقیه درزین صفحه بعد

نیروی کوچک هوایی (که جزء ارتش است) در حدود چهار

کشاورزی است. روی همین اصل اخیراً در ارتش شاهنشاهی ایران علاوه بر آموختن فنون نظامی به سربازان و افسران تعلیمات کشاورزی نیز داده میشود و همین امر موجب شده است که ارتش در بهبود وضع کشاورزی نقش برجسته‌ای داشته باشد و پیش‌فتهای قابل ملاحظه‌ای حاصل کند. مبارزه با آفات کشاورزی قسمتی از فعالیتها و اقدامات ارتش را در زمینه اصلاح وضع کشاورزی ایران بقرارزی نشان میدهد.

۱- اعزام ۴ افسر و ۶ درجه دار و ۷۸۹ سرباز بمنظور کمک بدفع ملغخ به کشاورزی شیراز.

۲- اعزام ۷ افسر و ۴۴ درجه دار و ۱۶۲ سرباز و دوستگاه بی‌سیم و دو

دستگاه خودرو بمنظور مبارزه با ملغخ به کشاورزی شیراز

۳- اعزام ۹ افسر و ۳۱ درجه دار و ۱۶۳ سرباز بمنظور امحاء

کشت خشخاش.

۴- اعزام ۱۶۸ افسر و درجه دار و سرباز بازجهت دفع ملغخ به کشاورزی مشهد.

۵- اعزام بی‌سیم و تعداد لازم سرباز و درجه دار جهت مبارزه با ملغخ دریائی به کشاورزی کرمان.

ارتش شاهنشاهی ایران در زمینه بهداشت با همکاری سازمانهای بهداشتی اقدامات پر ارزشی برای مردم بشرح ذیرا نجام داده است:

۱- همکاری جراحان و پرستل بیمارستان لشکر سبزوار با بهداری شهرستان بمنظور معالجه سریع مصدومین و مجرحین.

۲- همکاری پزشکان نظامی پادگان سبزوار با اهالی بمنظور معاینه و معالجه رایگان.

۳- تأمین درمانگاه در کوی الندشت.

۴- همکاری در تأمین بهداشت افراد زاغه‌نشین مشهد.

۵- اعزام دوستگاه کامیون و یک دستگاه جیپ و یازده نفر ناوی به بهداری شهرستان خرم‌شهر بمنظور مبارزه با اپیدمی مalaria.

۶- اعزام گروه بهداشتی و امدادی سیاره‌رهفته یکباره‌مناطق آبادان و خرم‌شهر و معاینه و درمان بیماران و مستمندان در محل.

۷- انجام آزمایش‌های کامل ادرار - خون - مدفوع و قارچها بوسیله بقیه در زیر صفحه بعد

اسکادران میشود و جمیعاً ازدواست هواپیما تشکیل^۱ یافته است.

این هواپیماها بطور کلی یا ساخت کارخانه‌های انگلستان هستند و یا اینکه از روی نقشه انگلیسی ساخته شده‌اند و اخیراً هم به امریکا سفارش داده‌اند که چند فروند هواپیما برای نیروی هوایی بسازد.
سه آموزشگاه هوایی در اهواز و مشهد احداث شده و مشغول تعلیم دادن فن خلبانی به نوآموزان هستند.

آزمایشگاه مربوطه از بیماران بی‌بضاعت که به ایران لولایکر و درمان‌گاه نیکوکاری معرفی مینمایند.

با توجه بفعالیتها و اقدامات ارتش شاهنشاهی ایران در زمینه‌های مختلف بخوبی میتوان به‌اهتمام نشان این سازمان در بهبود اوضاع کشور و تأمین رفاه و آسایش کلیه طبقات مردم و امنیت کشود پی برد.

-۱- نیروی هوایی شاهنشاهی ایران

بفرمان اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر بنیاد گذار ایران نور سال ۱۳۰۱ برای نخستین بار در ارکان حرب کل قشون دفتری بنام دفتر هوایی تشکیل شد و در واقع همین دفتر هسته از کری هواپیمایی نظامی ایران را تشکیل داد. پس از تأسیس این دفتر یک فروند هواپیما از نوع یونکرس ساخت آلمان خریداری و در قلعه مرغی نگهداری شد و خلبان و مکانیسین آن هم از آلمان استخدام شدند.

چندی بعد بوسیله تیپ مازندران و گیلان با وجودی که اهالی بطیب خاطر پرداخته بودند دو فروند هواپیمای یونکرس خریداری و بنام‌های مازندران و گیلان موسوم وبتهران اعزام گردیدند.

در ۱۱ خردادماه ۱۳۰۳ فرمان تشکیل هواپیمای نظامی صادر شد. و در ۱۳ خرداد سال ۱۳۰۳ که اولین دسته افسران ایرانی از دسته‌های مختلف ارتش انتخاب و برای تکمیل تحصیلات نظامی بکشور فرانسه اعزام شدند یک افسر هم جهت تحصیل در رشته هواپیمایی و آموزش فن خلبانی اعزام شد و در بقیه درزین صفحه بعد

با اینکه عده‌ای از آموزگاران نظامی ایران در کشور فرانسه و یا کشورهای دیگر تحصیل کرده و فنون نظامی را آموخته‌اند عده زیادی هم از معلمین خارجی در مدارس نظام تدریس میکنند. نفوذ آلمان قابل ملاحظه است اما باید دانست که هیچ یک از ملت‌های خارجی در کشور ایران تسلط نداشته و با تمام خارجیان از هر ملتی که باشند یکسان رفتار میشود و تا وقتیکه به آلمانی‌ها قدرت دیگری داده نشود بودنشان در ایران اثر سیاسی نخواهد داشت.

سال ۱۳۰۴ نیز چندافسر بکشودهای فرانسه و روسیه بمنظور طی دوره خلبانی رهسپار گردیدند.

در این زمان بین کشودهای آلمان، فرانسه و روسیه در مورد تحویل هواپیما و پرسنل مورد لزوم بهارتش ایران رقابت شدیدی وجود داشت و دولت ایران هم بمنظور بهره‌مند شدن از این رقابت بین‌المللی احتیاجات هواپیمایی خود را از کشور هنوز بور تأمین میکرد.

در سال ۱۳۰۵ ارتش نوبنیاد ایران ۲ فروند هواپیمای اسپاد و فرونده بر گه و ۳ فروند پوتز از کشور فرانسه و ۵ فروند هواپیمای دهاویلاند نیز از کشور روسیه خریداری کرد. هر یک از این دو کشور بنابر رقابتی که اشاره شد سعی داشت هواپیماهای من بوزردا زودتر از دیگری بتهران برساند. هواپیماهای فرانسه با کشتی به بندر بوشهر رسید و خلبانان فرانسوی با عجله بسوی پایتخت پرواز کرددند ولی از این ۷ فروند هواپیما فقط یک فروند موفق شد بتهران برسد و بقیه در بین راه دچار سانحه شدند و یک فروندی هم که نسبتاً بموضع پر کن رسید از قم تا تهران چندین بار فرود اجباری کرد اما هواپیماهای خریداری شده از روسیه فیز سرنوشتی بهتر از هواپیماهای رسیده از فرانسه نداشتند این پنج فروند هواپیما تا بادکوبه در صندوقها حمل و در آنجا سوار و آماده پرواز بسوی تهران گردیدند. خلبانی ۳ فروند از این هواپیماهارا ۳ نفر خلبان ایرانی که تازه از مدرسه خلبانی روسیه فارغ‌التحصیل شده بودند بهدهدار شدند.

متأسفانه از این پنج فروند هواپیما فقط یک فروند در فرودگاه قزوین بقیه در زیر صفحه بعد

در عین حال که ارتش کوچکی مانند ارتش مورد بحث مابسختی میتواند در برابر یک مهاجم مجهز استادگی و مقاومت کند هر گاهه مین ارتش کوچک تصمیم بدفع از کشورش بگیرد و با خصم وارد جنگ گردد با استفاده از وضع خاص طبیعی ایران کارهای خود را بسیار مشکل خواهد ساخت.

ارتش منظم و نوینی که بوجود آمده به وضع قوانین و مقررات سربازگیری عادلانه‌ای تقویت میشود

سلامت بزمین نشست و آنهم بعلت برفسنگین مدتها قدر این شهرمعطل ماند. در پنجم اسفندماه ۱۳۰۴ یکفر وند هوایپما از نوع برگه ۱۹ ساخت فرانسه با پرچم ایران (برای اولین بار بخلبانی یک افسر ایرانی) در قلعه مرغی فرود آمد در آنروز شاهنشاه فقید رضا شاه کبیر بمنظور تشویق جوانان شخصاً در فرودگاه حضور یافته بودند پس از فرود آمدن هوایپما شاهنشاه خلبان آنرا مورد تقدیر داده و از اهمیت هوایپمایی و علاقه خود نسبت بتوسعه واستفاده از این صنعت در ایران سخن گفته و بدین ترتیب پایه واسس نیروی هوایی در این کشور استوار و بلا فاصله بفرمان اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر برای نحسین باراداره هوایپمایی کل قشون با سازمانی معین دسم تشکیل و امور هوایپمایی بدو قسمت صفائی و فنی تقسیم گردید. در این موقع هوایپماهای موجود عبارت بودند از ۲۰ فروند از نوع و تعداد خلبانان هم ۹ نفر بودند که پنج نفر شان ایرانی و چهار نفر خارجی بودند و کارکنان فنی را عموماً خارجیها تشکیل میدادند. در این دوره از تاریخ ایران شاهنشاه فقید رضا شاه کبیر ارتش جوان خود را برای قدرت پخشیدن به حکومت مرکزی و پایان دادن به هرج و مرج و نامنی که میراثی از دوران قبل از نهضت ۱۲۹۹ بود بتلاش و فداکاری رهبری میکردند. هوایپمایی نظامی ایران هم علیرغم مشکلات فراوانی که از حيث نواقص فنی و نداشتن خلبان و مکانیسین بتداد کافی و آماده نبودن فرودگاه وجود داشت در کلیه عملیات آذربایجان - کردستان - لرستان - بلوچستان - اصفهان و فارس شرکت نمود و وظایف محوله را بخوبی انجام داد. در سال ۱۳۱۰ تعدادی از هوایپماهای مشقی نوع تایکرموسی خزیداری بقیه در زیر صفحه بعد

از سال ۱۹۲۰ بعده هرجوان بیست و یک ساله ایرانی باید بسر بازخانه برود و مدت دو سال خدمت نظام وظیفه را انجام بدهد .
دانش آموزان و دانشجویان که حق دارند در پایان تحصیلات خودشان بخدمت نظام وظیفه بروند بعد از ۱۲ ماه خدمت اولیه باید در دانشکده افسری فنون نظامی و تعلیمات لازم را فراگیرند . البته مشمولینی که مسئولیت اداره کردن خانوارهای عدید آنهاست از این قاعده مستثنی هستند و بموجب قانون با آنان طور دیگری و فقار میشوند .

شده از انگلستان وارد خدمت نیروی هوائی ایران شد و در مهر همین سال آموزشگاه خلبانی در شهر آباد تأسیس و اولین بار ۱۹ نفر داوطلب علم نظامی ویکنفر افسر بسرهنر آموزگاری یک خلبان سوئدی و هنر آموزگاری خلبان ایرانی مشغول فراگرفتن خلبانی گردیدند .

با رسیدن هواپیماهای نوع فیوری و اداکس از انگلستان اولین هنگ منظم نیروی هوائی مرکب از ۳ گردن پروازی و یک قسمت فنی در قلعه مرغی تشکیل شد و در نیمة دوم سال ۱۳۱۲ نخستین فارغ التحصیلان آموزشگاه خلبانی ایران باین هنگ منتقل شدند .

همان با تشکیل آموزشگاه خلبانی بمنظور تربیت عده‌ای مکانیسین هواپیمایی آموزشگاه فنی نیز در دوشان تپه تأسیس گردید . ماشین آلات کارخانه‌های هواپیمایی شهباز که امروزه زیر نظر تیپ فنی نیروی هوائی مشغول کار است در سال ۱۳۱۴ در محل فعلی نصب و برای بهره‌برداری آماده گردید لوازم این کارخانه‌ها بمنظور تعمیرات اساسی و سوار کردن قطعات هواپیماهای مختلف در سال ۱۳۱۲ سفارش شده بود . این کارخانه علاوه بر تعمیرات اساسی با استفاده از قطعات و مواد اولیه مورد لزوم موفق شد چند هواپیما بسازد و در اول مرداد ۱۳۱۷ نخستین هواپیماهای ساخت این کارخانه در حضور اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر پرواز نمودند این برنامه تا سال ۱۳۱۸ با ساختن تعداد قابل ملاحظه‌ای هواپیماهای مشقی و جنگی انجام گردید ولی از این سال بعد بعلت بروز جنگ جهانی و نرسیدن مواد اولیه و قطعات لازم از خارج و بالاخره سرایت جنگ به ایران متوقف ماند .

از سال ۱۳۱۰ بموضع تعلم تعداد زیادی خلبان و متخصص فنی در بقیه در زیر صفحه بعد

هر ساله در فصل معینی سربازگیری در تمام نقاط کشور و در مرآکر مختلف انجام میگیرد.

افرادی که خدمت سربازی خود را انجام داده‌اند هر ساله برای تجدید تعلیمات نظامی دوباره احضار می‌شوند و باید یکماه در همان قسمتی که قبل از خدمت کرده‌اند مشغول خدمت باشند و تعلیمات جدیدی را که لازم باشد بیاموزند.

گرچه در آغاز کار عده‌ای از مشمولین ازدام سربازگیری جستند

داخل کشور اقدام و در اندک مدتی بمقتضای نیازمندی‌های وقت این نیروتعداد کافی کارکنان پرنده و فنی تر بیت کرد.

با سرایت آتش جنگ جهانی دوم به ایران واحدهای هوائی این کشور دچار خسارات فراوان شدند. خلاصه اینکه از سوم شهریورماه ۱۳۲۰ تا چهاردهم خرداد ۱۳۲۵ در واقع دوره مشخصی از رکورد و انحطاط در تاریخ نیروی هوائی ایران بشمار می‌رود این رکود نتیجه تأسف آور اشغال کشور بود که امکان هر گونه پیشرفتی را سلب کرده بود باوجود این هر عملیات نظامی که پیش می‌آمد کارکنان این نیرو با کمال فداکاری مأموریت‌های محوله را بتحواحسن انجام میدادند و با وسایل موجود خود حداکثر تلاش را برای برقراری امنیت در کشور بکار می‌بردند بطوریکه در کلیه عملیات داخلی (عملیات مختلف سپاه غرب - عملیات نیروی جنوب - عملیات کردستان و خراسان) بطور مؤثیری شرکت جستند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی نیز که مانند پدر تاجدار خود با روشن بینی و مالاندیشی به ارزش و اهمیت نیروی هوائی برای حفظ استقلال کشور واقف بودند موجبات پیش‌رفت و ترقی نیروی هوائی را فراهم آورده‌ند و بنظرور تشویق جوانان برای شرکت در کار هوایی و تقویت روحیه کارکنان نیروی هوائی شخصاً مشغول فراگرفتن فن خلبانی شدند و در حقیقت شاهنشاه ایران مانند بزرگترین فرماندهان نظامی دنیا که در بحرانی- ترین لحظات با آخرین راه حل یعنی «سرمشق قراردادن خود» دست میزند توجه فرمودند.

در آذرماه ۱۳۲۵ که شاهنشاه فرمان نجات آذربایجان را صادر فرمودند و ادش بکمک پادشاه از پیکر ایران شتافت شاهنشاه با هواییانکه شخصاً بقیه در زیر صفحه بعد

اما برای جلوگیری از بیش آمدهای بعدی در سال ۱۹۳۸ مواد لازم بقانون نظام وظیفه اضافه گردید بطوریکه اکنون کمتر کسی میتواند از زیر باراين خدمت ملي شانه خالی کند .

هریک از افراد مملکت که بخواهند در دستگاههای دولتی یاملي استخدام شوند بدون استثناء باید گواهینامه انجام خدمت زیر پرچم و با معافیت از نظام وظیفه را ارائه گهند در غیر اینصورت از پذیرفتن بکار و اشتغال آنان خودداری میشود .

خلیانی آنرا بعده داشتند اولین سائیه بالهای نیروی هوائی ایران را بروی نبردگاه افکنند و راهها و پلها و مراکز تجمع را بادقت و بدون اندیشه خطر از نظر گذراندند . خلیان نیروی هوائی به پیروی از منویات مشوای تا جدراشان با رشادت تمام وظیفه خود را در راه حفظ تمامیتکشور و باز گرداندن استان زرخیز آذربایجان بهم میهن انجام دادند .

از این تاریخ به بعد کارکنان نیروی هوائی با دلگرمی بیشتری بجهان خرابیها و بی سرو سامانیهای دوران جنگ پرداختند . بتدريج در سازمان نیروی هوائی تغییراتی مطابق با مقتضيات روز داده شد و از حيث بالا در سطح اطلاعات فنی کارکنان اقداماتی بعمل آمد و هوایپماهای جدید به نیروی هوائی ایران تحويل شد و این نیرو با استعداد بیشتری آماده برای انجام وظایف خود گردید .

با توجه باینکه اساس و پیشرفت هوایپماهی که بتمام معنی يك رسته تخصصی بوده و هر روز بترقيات نوین نائل میگردد . بر پایه معلومات کارکنان آن استوار میباشد لذا این نیرو بموضع آموزش و تنظيم واجرای برنامه های تعلیماتی اهمیت زیادی قائل بوده و هست واهم مساعی خود را چه از نظر تأسیس داشتکده ها و آموزشگاهها و دوره های تخصصی در داخل کشور و چه اعزام افسران و درجه داران بکشورهای خارج در این راه بکار میبرد و میتوان قبول کرد که نیروی هوائی در این امر موفقیتهاي قابل ملاحظه ای نیز بدست آورده بطوریکه امر وژه در حدود نیمی از افسران و درجه داران این نیرو و ندارج تحصیلات تخصصی خود را در کشورهای خارج طی کرده و با اصول و روشهای متداول در نیروهای هوائی کشورهای مترقبی آشنائی داردند .

بقیه در زیر صفحه بعد

مدت طولانی دوسال خدمت سربازی غالباً با کارآموزی در امور صنعتی سپری میشود و جثه سالم و نیرومند سربازان وظیفه نشان میدهد که نحوه کار بسیار خوب است و با روحیه آنان سازش دارد.

اقدامات مفید عمومی برای تشویق جوانان ایرانی با نجاح خدمت نظام وظیفه بعمل آمده و مشمولین آنطوریکه باید و شاید بغايدة این خدمت ملی پیبرده و در موقع مقرر خود را برای خدمت بوطن آماده میسازند.

این افسران و درجه داران با استفاده از مقوله ای که در مراکز تعلیماتی داخلی و کشورهای خارج اندوخته اند و با استفاده از اظریات فنی متخصصین و مشاورین خارجی بتدریج برای تعلیم خلبانان ورزیده و مدرن کردن روش تعلیماتی - عملیاتی - تدارکاتی واداری نیروی هوائی کام های پر از رش بچلو برداشته اند و این کوشش به نسبت تأمین وسایل و پرسنل مورد نیاز روز بروز افزایش میباشد بطوریکه امروزه نیروی هوائی شاهنشاهی ایران در حدود وسایلیکه در اختیار دارد ازحیث سازمان و کادرستادی مطلع و خلبانان ورزیده و متخصصین فنی و روش کار دارای کیفیتی تقریباً مشابه نیروهای هوائی کشور های مترقی جهان میباشد و با برنامه های منظمی راه پیشرفت را میبینیم.

از بدرو تأسیس هوایپیمایی نظامی در ایران تاکنون ۲۷ نوع هوایپیما وارد خدمت این نیرو گردیده که بمواظات پیشرفته ای صنعت هوایپیمایی تدریجأا انواع قدیمی از خدمت خارج و هوایپیماهای نوع جدید جای آنها را گرفته است بالاخره از تاریخ نهم اردیبهشت ۱۳۳۵ نخستین سری از هوایپیماهای نوع جت به نیروی هوائی ایران تحویل گردید و اینک نیروی هوائی شاهنشاهی ایران مجهن به هوایپیماهای سریع و نیرومند جت جنگی و تعلیماتی و هوایپیماهای حمل و نقل و ارتباطی میباشد. نیروی هوائی شاهنشاهی ایران با کوششهای خستگی ناپذیر و فوق العاده کارکنان خود میکوشد تا آماده برای پذیرفتن بقیه در زیر صفحه بعد

عده‌ای از مشمولین (بیشتر عرب‌ها) را در نیروی دریائی بخدمت میگمارند .

انواع هواپیماهای سریعتر و مجهز‌تری باشد :

بدون تردید حاصل هر گونه ابرازماساعی در راه ترقی نیروی هوایی علاوه بر تقویت بنیه دفاعی کشور گامی بجلود رطیق پیشرفتهای همه‌جانبه‌عملی محسوب نمی‌شود. در حقیقت بمقتضای خصلت ممتاز صنف هواپیمایی که از حیث زمان و محیط استعمال دارای قابلیت انعطاف منحصر بفردی در عین رسته‌های دیگر نظامی است کوشش‌هاییکه جهت تقویت این رسته مبذول میگردد و بودجه‌ایکه باین منظور اختصاص داده می‌شود فقط جنبه نظامی ندارد بلکه مساعی همه جانبه و بودجه مشترک است در راه ارتقاء سطح امکانات عمومی کشور و بعبارت دیگر دوران جنگ تنها فصل بهره برداری آنین سرمایه ملی نیست بلکه نیروی هوایی بمنزله سرمایه پر برکتی است که بهنگام صلح نیز سود فراوانی نسبیت جامعه میکند و بهمان اندازه که سلاح قاطع و طمئنی در نگهبانی استقلال و تأمین امنیت کشور بوده و با گلوله و بمب و راکت مانند سایه مرگ و انهدام به استقبال حصم میرود و بمنزله مشت خرد کننده‌ای بموقع از آستین ملت درآمده و بدهان متجاوزین کوبیده می‌شود هنگام صلح نیز فرشته نجات‌بخشی است که با فراهم آوردن تسهیلات ذیقیمت بیاری افراد جامعه میشتابد و منشاء خدمات مؤثر و اجتماعی میگردد.

کارکنان نیروی هوایی علاوه بر انجام وظایف اصلی رسته‌ای خود که همانا حفظ استقلال میهن و آمادگی برای دفاع در برابر هر تجاوزیست همواره و در تمام اوقات سال با امکانات خود با سایر سازمانهای نظامی و وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات عام المنفعه کشور صمیمانه همکاری و معاضدت کرده و در پیشرفت برنامه‌های عمرانی و خدمات اجتماعی دولت و تسهیل ارتباطات کشوز و کمک بهم میهنان عزیز در رفع نیازمندیهای آنان بخصوص در موارد اضطراری میکوشند.

هنگامیکه گروهی از هم میهنان ما در اثر بلای سیل و زلزله یا سایر آفات طبیعت چار مصیبت و بی خانمانی و آسیب گشته‌اند هواپیماهای نیروی هوایی با حمل طبیب و بیمار و دارو و آذوقه و وسایل حیاتی دیگر بیدریغ بیاری آنان میشتابند و باین ترتیب در زمان صلح نیز مستقیماً خدمات پر ارزشی انجام میدهند. مترجم.

این نیروی دریائی^۱ کوچک شامل دو ناوچه است که هر یک از آنها

نیروی دریائی شاهنشاهی ایران

اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر بنیانگذار ارتش ایران از همان آغاز زمامداری برای احیای نیروی دریائی ایران اندیشه ایجاد نیروی دریائی قوی را که حافظه منافع و منابع ایران در خلیج فارس باشد بمرحلة اجرا درآورد.

گرچه تشکیل نیروی دریائی در بد و امر با موافع و مشکلات فراوانی روبرو بود ولی قائد توانای ایران با همان اراده انتواریکه موجبات تحول و تکامل عمیقی را برای جامعه مابه امنان آورد و عوامل سیمه دوزی و انحطاط جامعه را در هم فرو ریخت علیرغم همه کارشکنیها سازمان بندی نیروی دریائی ایران بسیستم نیروهای دریائی کشورهای پیش فته همت کماشت.

در سال ۱۳۱۶ فرمان داد تا عده‌ای دانشجو و داش آموز برای آموزش و تهیه کادر افسری و درجه داری بکشود ایتالیا اعزام شوند و آنگاه دستور سفارش ساختمان ناورا نیز صادر فرمود.

ناوها و ناوچه‌ها در کشور ایتالیا ساخته شد و دانشجویان و داش آموزان تعلیمات لازم را فرا گرفتند و در روز ۱۴ آبان ۱۳۱۱ نیروی دریائی جدید ایران بدست توانای اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر گشایش یافت.

در این روز برای نخستین بار پس از گذشت نزدیک بدو قرن دوباره ناوگان مشکل وارزندۀ نیروی دریائی حیات ثمر بخش خود را آغاز کرد. دمیر اس گشایش اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر در حالیکه با سیمای بازو واقتحار آمیز بر عرش یکی از ناوها ایستاده بودند پیغمهر وارد شدند و به اسکله پهلو گرفتند و از آن روز نیروی دریائی ایران با کادری ورزیده و آموزش دیده به پیش میرفت.

تا اینکه شهریور شوم ۱۳۲۰ فرادرسید و نیروهای بیگانه خلیج فارس و نواحی جنوب ایران را اشغال کردند و در ساعت ۴ صبح روز سوم شهریور بنا گاه بر نیروی دریائی جوان ایران تاختند و آنرا متلاشی ساختند و بیش از ۶۰۰ نفر از افسران رشید و فداکار نیروی دریائی مارا شهید کردند.

اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران مانند پدر تاجدار خویش در سال ۱۳۲۵ مصمم گشتند تا دوباره نیروی دریائی ایران بقیه در زیر صفحه بعد

نهصدوپنجاه تن ظرفیت دارد^۱ و با سه توپ چهار اینچی مجهز است و دارای چهار ناوچه کوچکتری هم هست که ظرفیت هریک از آنها سیصدوپنجاه تن بوده و هریک با دو توپ دواینچی و دو توپ آ - آ مجهز هستند. تمامی این ناوچه‌ها در سال ۱۹۳۲ در کشور ایتالیا ساخته شده‌اند و سرعت سیر هریک ۱۵ گرده دریائی است .

این ناوچه‌ها با ناوچه‌های دیگر نیروی دریائی ایران برای جلوگیری از دزدی و قاچاق در کرانه خلیج فارس کافی میباشند (این وظایف قبله بعده نیروی دریائی بریتانیا بود) این ناوچه‌ها در حال حاضر در خرمشهر که قبله محمره نامیده میشد استقرار دارند و برای رسیدن به خلیج باید از آبهای عراق عبور کنند ولی این نقیصه با ساختن لنگرگاه بندر جدید شاہپور هر تفع میگردد.^۲

کشتی تاریخی همای که چند سال قبل از طرف دولت بریتانیا به شیخ محمره اهدا شده بود اکنون ناو آموزش شده است و دریانوردان ایرانی در این ناو تعلیمات لازم را فرا میگیرند .

عده‌ای از افسران نیروی دریائی و همچنین دریانوردان ایران در دانشگاه لیورنو (Livorno) کشور ایتالیا که دانشگاه مخصوص نیروی دریائی است تحصیل کرده‌اند اما این موضوع دلیل آن نیست که افسران و دریا-

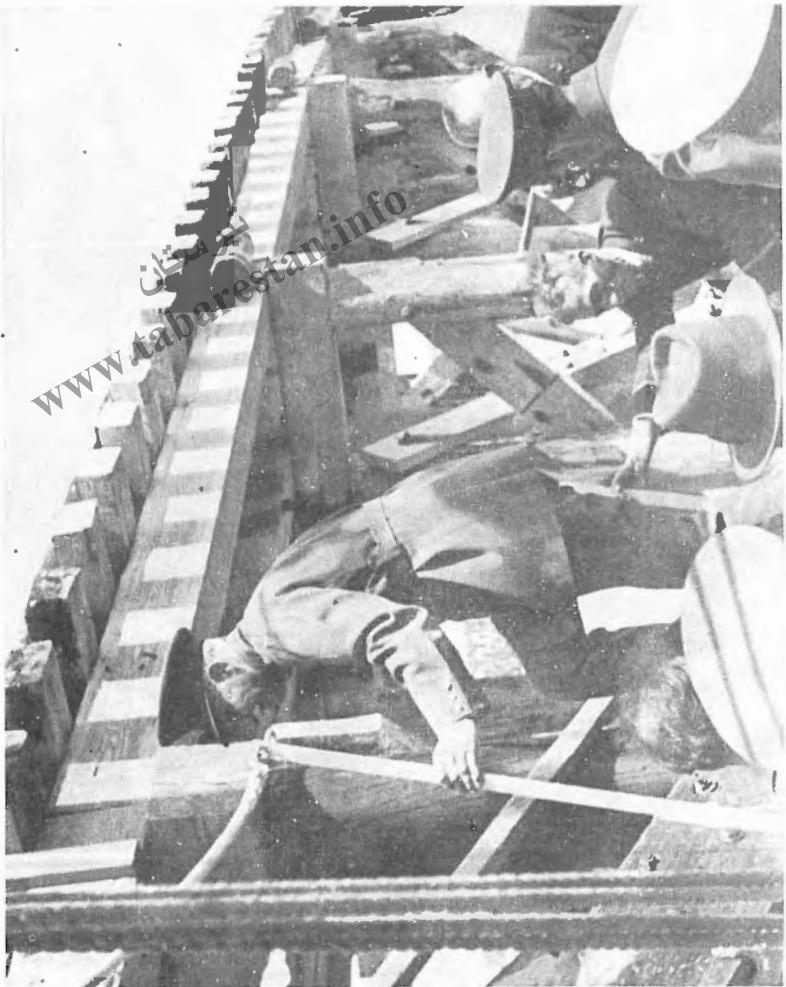
را بنانهند در اجرای این تصمیم مجدداً پایه‌های نیروی دریائی ریخته شد واز سال ۱۳۲۸ بیعدوباره دانشجویان و دانشآموزان رسته دریائی برای آموزش بدانشکده‌های دریائی کشورهای مترقبی جهان اعزام گردیدند.

نیروی دریائی ایران اکنون از هر لحظه پیشرفت نموده و به نسبت خود در میان نیروهای دریائی جهان موقوفیت ممتازی کسب کرده است. مترجم.

۱ - روز ۲۷ اوت سال ۱۹۴۱ غرق گردید . (مؤلف)

۲ - نیروی دریائی ایران ناوگان دیگری هم در دریای خزردارد . (مؤلف)

اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه هنگام بازدید از بندر شاهور



www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

نوردان ایرانی نسبت به ایتالیا محبت و علاقه‌های پیدا کنند.

قسمت چهارم نیروی مسلح ایران سازمان و تشکیلات امنیه است^۱

۱ - این نام به زاندارمری کل کشور تغییر یافته و تاریخچه آن برای اطلاع خواهند گان گرامی در اینجا درج می‌گردد

در زمان ناصرالدین‌شاه که باب مرادهات ایران واروپا بازشد و مردم ایران کم شروع باشناختی با تمدن - فرهنگ - صنعت و سایر شئون اجتماعی مردم اروپا پیدا کردند ناصرالدین‌شاه بمسافرت اروپا وقت و در فرانسه ارتش منظم وزاندارمری مرتب آنکشور را بازدید نمود، پیش‌فهای کشور فرانسه در شئون مختلف تأثیر فوق العاده‌ای در شاه نمود لذا تعیین گرفت برای ارتش ایران مقداری توب و اسلحه خریداری و چند تن از افسران و دسته‌های مختلف ارتش اطربیش را برای تشکیل و تربیت ارتش ایران و ایجاد مدرسه نظام برای تهییه کادر تربیت شده و آشنائی با اصول صحیح نظامی استخدام نماید و پس از مراجعت به شیوه ژاندارمری فرانسه قوانین بنام قرسودان برای امنیت راهها و حفظ و حراس استانها و بدرقه‌گاریهای حامل پست دولتی و مسافرین تشکیل داد.

قره سودان‌ها متحده‌الشكل نبودند ولی مسلح بودند و علامت دولتی بودن آنها فقط نشان‌شیر و خودشیدی بود که بکلاه میزدند غالباً ملبس بسرداری بوده (لباس مرسم زمان) که قطار فشنگ خود را زیر آن می‌بستند در کنار راهها برای قرسودان‌ها پر جها و پناه گاههای ساخته شد که (مبنا پاسگاههای امنیتی ژاندارمری است)

این وضع قوای ژاندارم در آن زمان بود تا اینکه ناصرالدین‌شاه کشته شد و حکومت بمظفر الدین‌شاه محل و با انقلاب مردم حکومت استبداد بحکومت مشروطه مبدل گردید.

آنگاه بنابر پیشنهاد دولت وقت و تصویب مجلس شورای ملی سازمانی بنام امنیت دولتی ایجاد گردید و سردار اسد بختیاری که بعداً مقام وزارت جنگ را رسید بسم رئیس امنیت دولتی انتخاب و برای محل امنیت دولتی ساختمان شمس‌العماره در نظر گرفته شد و یک زنرال اطربیش که برای تعلیم و تربیت افسران و درجه‌داران ارتش استخدام شده بود با چند نفر افسر ارتش سازمان بقیه در زیر صفحه بعد

که باید در نواحی دوردست امنیت ونظم عمومی را برطبق قوانین جاری کشور برقرار سازد .

امنیت دولتی منتقل و ستاد امنیه دولتی را ایجاد و قرمه‌سوارانهای جوان وافراد امنیت دولتی را تشکیل دادند و سپس شروع با استخدام افراد جهت خدمت در امنیت دولتی گردید . آنگاه با ترجمة قوانین و مقررات ژاندارمری کشورهای اروپائی افراد امنیه دولتی متحددالشكل بوجود آمد .

پس از آن فکر تأسیس نظمیه جدید پیدا شد زیرا بنظر متصدیان امر چنین رسید که بهتر است قوای انتظامی ژاندارمی یک مرکز ویک فرمانده باشد . عده‌ای که مأموریت امنیت‌شهرها به عهده آنان بوده‌اند پلیس عده‌ای که وظیفه‌دار مراقبت راهها و دهات بودند بنام ژاندارم پلیس نامیده شدند . لذا سازمان جدید امنیه دولتی منحل و افسران آن بسازمان جدید نظمیه منتقل شدند ریاست نظمیه به عهده پیرم‌ارمنی محول گردید و در بد و مر برای آزمایش یک گردن سوار ژاندارم پلیس تشکیل گردید که لباس آنان از نظرات نظمیه متمایز بود دارای کلاه پوستی سفید با نشان شیر و خورشید فرنج برنگ‌آبی روش و شمشیر بودند (مأخذ علامت آبی رسته ژاندارمری از اینجا است) وظیفه گردن مزبور حفاظت حومه تهران و کمک بافراز پلیس و مراقبت سفارتخانه‌ها و با انکها و بدرقه محمولات پستی تهران به ولایات بود .

در نظر بود که سازمان جدید نظمیه بتدریج توسعه یابد و در ولایات نیز سازمانهای شبیه بنظمیه از ژاندارم پلیس و پلیس ایجاد شود ولی در عمل ثابت شد که اختلاط دوسازمان ژاندارمری پلیس و پلیس صحیح نبوده و سازمان تحواهد توانست این دو وظیفه را انجام دهد لذا پس از اینکه این سازمان میگذشت منحل گردید .

در سال ۱۳۲۹ قمری برای سر و صورت دادن بوضع ایران هیئتی از مستشاران مالی بریاست مورگان شوستر به این آمد . مورگان شوستر طرحها و قوانین مفیدی برای وضع مالی و مالیاتی ایران تنظیم نمود و بدولت پیشنهاد کرد که برای اجرا گذاردن قوانین مالیاتی قوای مسلحی بنام ژاندارم خزانه تشکیل شود .

ژاندارم خزانه در سال ۱۳۲۹ قمری در محوطه با غشاء با یک گردن مسلح مرکب از گروهانهای سوار و پیاده که افراد آنرا عناصر جوان ژاندارم بقیه در زیر صفحه بعد

افسان و درجه‌داران و افراد امنیه لباس آبی رنگ روشن می‌بودند
که تا اندازه‌ای شبیه او نیفورم فرانسوی‌ها است و درست برخلاف رنگ

پلیس و امنیه دولتی تشکیل میدادند بوجود آمد و برنامه‌کلی این بود که افراد جدید باطی دوره آموذشگاهی که مدت آن شش ماه و برنامه آن تعليمات نظامی و اداری و آشناختن افراد بطرز وصول مالیاتها بود سازمان ژاندارم خزانه ایالات را تشکیل دهند و بتدریج توسعه یابد تا در سراسر کشور این سازمان برقرار گردد.

شوستر و هیئت اوردمت اقامت با همکاری ژاندارم خزانه اقدام بوصول مالیات از عده‌ای متنفذین نمودند ولی چند دلیل خارجی که مایل نبودند مالیه ایران سرو صورتی یابد این عمل را مخالف منافع خود تشخیص داده اخراج وی را خواستار شدند و بالاخره قرارداد شوستر و هیئت اول قوه از ایران خارج گردیدند.

بارگفتن شوستر ژاندارم خزانه منحل شد ولی در همین موقع ژاندارمری دولتی تشکیل گردید و افسان و درجه‌داران ژاندارم خزانه بژاندار مری دولتی منتقل شدند.

دولت پس از تشکیل ژاندارمری دولتی برای تعلیم افراد و افسان آن احتیاج بکارشناس خارجی داشت لذا از کشور سوئد که ژاندارمری آن معروف است داشت عده‌ای افسر استخدام نمود و اولین هیئت افسان سوئدی برای است سرهنگ یارل مارسون به تهران آمدند و دفتر کارهیئت و همچنین ستاد مرکزی ژاندارمری دولتی در ساختمان شمس‌العماره که قبل از این دولتی بود انتخاب گردید.

سوئدیها نزحمات فوق العاده زیادی برای تربیت افسان و درجه‌داران ژاندارمری دولتی کشیدند تا سازمان ژاندارمری دولتی را بصورت یک سازمان اروپائی درآورند.

ژاندارمری دولتی در جنگ بین المللی اول خدمات و فداکاریهای زیادی نمود پس از کودتای سال ۱۲۹۹ بفرمان اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر در تاریخ ۴ جدی (آذد) ۱۳۰۰ ژاندارمری دولتی وقوای قزاق تشکیل یک سازمان بنام قشون که بعداً تغییر نام داد و از این پس نامیده شد داد.

فرمان من بور چنین بود :

بقیه در زیر صفحه بعد

خاکی او نیفورم ارش آلمان میباشد و هر شش نفر آنها تشکیل یا کجوده را میدهند و در نقاط دور دست و تقریباً در نواحی خالی از سکنه خدمت میکنند.

اجرای موادذیل را امر میدهم و باید فوراً بموقع اجر اگذارده شود . در تعقیب عقاید و نظریات سابقه خود از این تاریخ کلمه ژاندارم و قزاق مطلقاً ملغی و متوقف خواهد بود و برای افراد نظام دولت علیه ایران بلاستثناء عنوان قشون را انتخاب و تصویب نموده امر میدهم که عنوان مژبور را برسمیت شناخته مارک نوشتجات و مراسلات دوائر قشون را بعنوان فوق تبدیل نماید .

تهران مورخه ۳ جلد ۱۳۰۰
وزیر جنگ و رئیس کل ژاندارمری دولتی
رضا

با تشکیل ارش جدید ایران بترتیب فوق باموریت سوئدیها خاتمه داده شد و مستشاران ژاندارمری از ایران رفتند. اداره ژاندارمری تا سال ۱۳۲۰ جزویکی از ادارات وزارت جنگ و هنگهای ژاندارمری جزو سازمان لشکر ها بودند لکن در این سال بموجب ماده سوم قانون اصلاح بودجه کل سال ۱۳۲۰ مصوب هشتم آبانماه همان سال از وزارت جنگ منزع و ضمیمه وزارت کشور گردید. در سال ۱۳۲۸ ژاندارمری بدو قسمت نگهبانی و ژاندارمری تقسیم شد . اداره نگهبانی تابع وزارت جنگ و سازمان ژاندارمری تابع وزارت کشور باقی ماند.

ولی در سال ۱۳۲۹ یعنی پس از یک سال مجدد داداره بهم منضم و تشکیل ژاندارمری کل کشور را دادند. در سال ۱۳۳۸ گارد گمرک و گارد جنگ کل بسازمان ژاندارمری کل کشور ادغام گردید و سازمان جدیدی منتسب با وظایف محوله با توجه به اعتباراتی که در اختیار ژاندارمری کل گذارده شد تهیه و با تصویب اعلیحضرت همایون شاهنشاه بموضع اجرا گذارده شد و از پس از مدت قلیلی وظایف گارد جنگ که بژاندارمری محول شده بود از وظایف ژاندارمری حذف و اعتبار آن بوزارت کشاورزی برگشت داده شد و از یک مهر ماه ۱۳۴۲ بنابرمان و تصویب اعلیحضرت همایون شاهنشاه سازمان گارد مرسی بژاندارمری کل کشور الحاق وکلیه وظایف مربوط نیز درحال حاضر از نظر بقیه در زیر صفحه بعد

افسران و درجداران و افراد مشغول بخدمت امنیه در هر استان بستگی به اهمیت و موقعیت آن استان دارد و با در نظر گرفتن این موضوع

امور مرزی در تمام مرزهای کشور به عهده ژاندارمری کل کشور محول گردیده است.

لباس افسران و درجداران و افراد ژاندارمری کل کشور بر نگل لباس افسران و درجه داران و افراد ارتقش شاهنشاهی ایران است. درجات نظامی آنان هم با ارتقش فرقی ندارد فقط با علامت مخصوص ژاندارمری یک مشخص میشوند. کلیه افسران دارای واکسیل آبی رنگ هستند ولی افسرانی که دوره دانشگاه جنگ را طی کرده‌اند مانند افسران ارتقش از واکسیل سفید رنگ استفاده میکنند.

تحصیلات افسران ژاندارمری یکل کشور مانند ارتقش به ترتیب در داشکده افسری و دانشگاه نظامی و آخرین مرحله دانشگاه جنگ است و نیز چون این افسران علاوه بر فنون نظامی صابطین دادگستری محسوب می‌شوند باید از قوایین حقوقی و جزائی هم اطلاع کافی داشته باشند بهمین جهت یک دوره دهماهه آموزشی هم برای آنان ترتیب داده‌اند که در این مدت اساتید فن کلیه قوانین جزائی و حقوقی را با افسران ژاندارمری هیآموزند و برای کادر ژاندارمری افرادی را استخدام میکنند که حتماً با سوابده و دوسال خدمت زیر پرچم را انجام داده باشند.

ژاندارمری یکل کشور در حال حاضر دارای ۳۳ هنگ و مجهز به تمام وسائل وساز و پرسنل جدید میباشد.

فرماندهی ژاندارمری یکل را یک نفر سپهبد بر عهده دارد و مرکب از ده ناحیه است که فرمانده هر ناحیه بر حسب اهمیت استان یک فرمانده سرهنگ و یا سرتیپ است.

امور مرزبانی کشور که وظیفه اش حفاظت و حراست مرزهاست و گارد مسلح گمرک که مخصوص بمارزه باقایاق و قاچاقچیان است و هردو حائز کمال اهمیتند به نحوی که ذکر شد ضمیمه ژاندارمری یکل شدن و در حال حاضر ژاندارمری یکل باداشتن یک ناوگروه مرکب از ناوچه‌های تندرو و کرانه‌ای و چند فروند. قایق موتوری در جنوب با کمال قدرت از قایق جلوگیری میکند و پایگاه این نیروی دریائی کوچک که به تمام وسائل جدید مجهز است در خسرو-پیه در وین صفحه بعد

نیروی امنیه بین استانها و شهرستانها تقسیم شده است که تماماً تحت

آباد (آبادان) قرار دارد.

ژاندارمری کل کشور با دستگاه بی سیم مخصوص با مرکز ژاندارمری در تمام شهرستانها و نقاطی که گروهان ژاندارمری مستقر شده است ارتباط دارد و فرمانده کل میتواند هر آن با اقصی نقاط کشور تماس گرفته و دستورات لازم را بدهد و تمام حوادث قابل توجه بوسیله همین دستگاه بمحض وقوع باستحضار فرمانده کل میرسد بعلاوه کلیه مرکز ژاندارمری با یکدیگر ارتباط دارند و با دستگاه بی سیم خبرهای لازم را خیلی فوری و سریع بیکدیگر میرسانند و نیز باید دانست که ژاندارمری کل یک گروهان هوائی مرکب از هلیکوپتر و هواپیماهای سبک در اختیار دارد که از داخل آنها در هنگام پرواز میتوان با مرکز ژاندارمری مسیر حرکت بوسیله دستگاه بی سیم ارتباط برقرار ساخت.

ژاندارمری کل کشور در اجرای نیات اعلیحضرت همایونی علاوه بر فعالیتهای محوله که صرفاً برای تأمین امنیت و آسایش مردم واستقراریات و آرامش در شهرهای دورافتاده و حفظ حراست منزهای کشود میباشد کوششهای ارزنده و درخشانی نیز در موقع بروز حوادث غیرمنتقبه از خود نشان میدهد که قابل ستایش است.

ژاندارمری کل کشور بواسطه داشتن پاسگاههای سازمانی در دورافتاده ترین نقاط کشود اولین واحدی است که هنگام بروز حوادث از قبیل سیل و زلزله و حریق از موقع آنها مطلع میشود و بهمین واسطه مأمورین ژاندارمری اولین افرادی هستند که با وسایل و مقدوراتی که دارند بکمال آسیب دیدگان شتابه آنانرا نجات میدهند.

در واقعه وحشتناک زلزله دهم شهریور ۱۳۴۱ افراد ژاندارمری بادلسوزی و فداکاری و کوشش صمیمانه خود اقدامات درخشانی بعمل آوردند که موجبات بهبودی وضع آسیب دیدگان را فراهم آورد.

بالاصله پس از وقوع زلزله با اعزام دو سoton مرکب از ۲۵۰ نفر دانش آموزان واحد فرهنگی ژاندارمری با لوازم نجات و دستگاه کامیون و ۸ دستگاه تانکر آب و چهار گروه امدادی مجهز به پزشگی و پزشگیار و آمبولانس و برانکارد با دارو و لوازم پزشگی کمکهای اولیه خود را آغاز کردند.

بقیه در زیر صفحه بعد

فرماندهی یک افسر انجام وظیفه میکنند که معمولاً این افسر سرتیپ است.

پس از انجام کمکهای اولیه اکیپهای اهدایی با اوساپل و لوازم مورد لزوم بمحل وقوع زلزله حرکت و در فعالیتهای امدادی شیر و خورشید سرخ شرکت کردند و کلیه مجروحین و مصدومین را که احتیاج به بستری شدن داشتند بوسیله اکیپهای بهداشتی خود با آمبولانس به قزوین - کرج فتحران حمل کردند.

ژاندارمری فعالیتهای دیگری نیز در زمینه تسطیح جاده ها برای عبور و مرور، احداث چاه عمیق آب آشامیدنی و تأمین خواربار و آذوقه بعمل آورد و توانست تاحدو در امکانات آسیب دید گان را نجات دهد.

ژاندارمری کل کشور همچنین به پیروی از منویات خیرخواهانه اعلیحضرت همایونی تا آنجاییکه مقدورات اجازه داده است نسبت به بر نامهای کمک و رفاه عمومی در کشور اقدام نموده است چنانکه در تمام مرکز پستهای ژاندارمری که در کشور بطور پراکنده استقرار یافته اند صندوقهای بهداشتی نصب نموده است در این صندوقها وسایل درمانی و کمکهای نخستین موجود است و در مواقع لازم مورد استفاده عابرین و مجروحین و مصدومین عرض راه قرار میگیرد.

ژاندارمری کل کشور همچنین سرویسهای رادیولری (عکسبرداری طبی) دایر نموده است که با کمک سازمان مبارزه با سل از افراد بطور رایگان عکسبرداری مینماید و در صورتیکه مسلولی پیدا شود نسبت به درمان آن بادادن داروی رایگان اقدام میکند.

ژاندارمری کل کشور میکوشد همکام با انقلاب ثمر بخشی که بدست توانای شاهنشاه در همه شئون جامعه ما آغاز شده منشاء اثر بوده و در تأمین رفاه اجتماعی پیشرفتیکه بهداشتی - کشاورزی و فرهنگی نقش مؤثری داشته باشد.

متوجه .

فصل بیست و سوم

مجلس شورای ملی و سازمانهای اداری

قانون اساسی ایران که در سال ۱۹۰۶ میلادی تصویب شده است (با اصلاحاتی که در بعضی از مواد آن بعمل آمده) تا نون بقوت خود باقی است و بموجب این قانون مجلس شورای ملی که یکصد و سی و شش نفر نماینده دارد^۱ تشکیل میشود و قوانین لازم و مفید را برای رفاه و آسایش ملت ایران تصویب میکند. از یکصد و سی و شش نفر نماینده مجلس شورای ملی دو تن از نماینده گان را ارمنی ها و یکنفر را یهودی ها انتخاب میکنند. یکنفر نماینده هم از طرف زرتشتی ها انتخاب میشود و بقیه نماینده گان مجلس شورای ملی که یکصد و سی و دونفرند همگی مسلمان هستند که از استانها و شهرستانهای مختلف مملکت بموجب قانون انتخاب میگردند. این نماینده گان برای دوسال انتخاب میشوند و تغییر دولت در وضع آنان تأثیری ندارد. دوره دوازدهم قانونگذاری مجلس شورای ملی در تاریخ سی و یکم اکتبر سال ۱۹۴۱ پیاپی میرسد و در همین سال انتخابات دوره سیزدهم انجام میگردد.

هر مرد بیست و یکساله ایرانی (با استثنای افسران و درجه داران و

۱- نماینده گان مجلس شورای ملی به دویست نفر افزایش بافته اند و مدت نماینده گی آنان چهار سال است مترجم.

افراد ارتش و محاکومین به جنحه و جنایت) حق دارد در انتخابات شرکت کند و با رأی مخفی نماینده مورد نظر خود را انتخاب نماید . باید باین نکته توجه داشت که چون در کشور ایران هیچ حزب و دسته سیاسی وجود ندارد در موقع انتخابات سروصدای چندانی راه نمی افتد و بیشتر لیاقت شخصی کاندیداها را در نظر میگیرند . نمایندگان مجلس شورای اسلامی از ایرانیانی انتخاب میشوند که سه هفتماً بین هفتاد سال باشد و در دستگاههای دولتی هم خدمت نکنند.^۱

هر نماینده‌ای درابتدا برای مدت دو سال انتخاب میشود اما در موقع تجدید انتخابات مانعی ندارد که بنام نماینده دوباره به مجلس برود .
این نمایندگان میتوانند بعد از شش ماه ترک خدمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی بخدمت دولتی مشغول گردند .
این قانون میرساند که نمایندگان ملت جنبه مشورتی دارند و آراء و کلای مجلس با اکثریت قاطع است .

اصولاً هر طرحی که بوسیله وزراء و مسئولین امور دولتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم میگردد ابتدا به کمیسیونهای فرعی میرود و پس از آنکه در کمیسیون مربوطه مورد تصویب واقع گردید در جلسه علنی مجلس طرح تصویب میشود .

پس از آن برای اجرا بدصحة شاه میرسد اما عملاً قوانینی که شاه برای رفاه و آسایش ملت لازم تشخیص داده است بوسیله وزیران دیگر که میشود و نمایندگان آنرا تصویب میکنند .

بهر صورت قوئه مقننه و قوئه مجریه از هم جدا هستند و هیچ یك حق

۱— فقط کارمندان عالیتبه دولت نمیتوانند در حین خدمت از حوزه ماموریت خودشان انتخاب شوند . مترجم

دخلالت در امور دیگری را ندارد.

ارزش مجلس شورای ملی اینستکه قوانین مفید را برای ملت و وضع
کند و در صورت ابهام توضیحات لازم را بدهد.

تمام جریانات و مذاکرات مجلس شورای اسلامی در روزنامه‌ها چاپ
می‌شود و به اطلاع عامه میرسد.

دولت که مسئول اداره کوئن امور مملکت است تحت رهبری شاه
وظایف خود را انجام میدهد.

وزراء تحت نظر نخست وزیری هستند که از طرف شاه تعیین و با این
سمت منصوب می‌گردند.

هر یک از وزارت‌خانه‌ها معاون و ادارات متعددی دارند که زیر نظر
وزیر مربوطه انجام وظیفه می‌کنند.

وزارت‌خانه‌های ایران عبارتند از: وزارت جنگ - وزارت امور
خارجی - وزارت داخله یا کشور - وزارت راه - وزارت پیشه و هنر - وزارت
پست و تلگراف - وزارت دارائی - وزارت فرهنگ - وزارت دادگستری -
اداره کل بازرگانی - اداره کل کشاورزی (بازرگانی و کشاورزی
ادارات کل هستند و آنها وزارت‌خانه اطلاق نمی‌شود).

نخست وزیر و وزراء همگی مسئول مجلس هستند ولی چنان‌که
دیدیم تمام آنها از طرف شاه تعیین می‌شوند و بفرمان او کار می‌کنند.

علاوه بر وزارت‌خانه‌هایی که اسامی آنان ذکر شد وزارت درباری هم
وجود دارد که امور شخصی اعلیحضرت شاه و ولی‌عهد را انجام میدهد ولی

۱ - بازرگانی و کشاورزی هر دو وزارت‌خانه شده‌اند و علاوه وزارت بهداری هم
چندسالی است تأسیس شده و با جدیت مشغول فعالیت است ،

مترجم

این وزارت خانه جزء کابینه و هیئت دولت نیست.

قانون اساسی ایران مجلس دیگری هم بنام مجلس سنای پیش یینی
کرده است که سی نفر از اعضای آن از طرف اعلیٰ حضرت پادشاه تعیین و منصوب
می‌شوند و سی نفر دیگر را مردم انتخاب می‌کنند.

مجلس سنا فقط یکبار در موقعی تشکیل شد که بنا به علل و دلایل
موجّهی مجلس شورای اسلامی نمی‌توانست تشکیل جلسه دهد^۱.

در اثر نفوذ رضا شاه در تمام امور کشور فقط عدد معینی از ایرانیها
هستند که در امور سیاسی صاحب نظر اند.

در کشور ایران احزاب سیاسی وجود ندارد و هر موقع خارجی سر بلند
کنند (مثل حزب کمونیست) بسختی سر کوب شده و منحل می‌گردد.
ورود به ادارات دولتی با شرکت در مسابقه و گذراندن امتحان
میسر است و دارندگان گواهی نامه‌های ابتدائی، متوسطه و عالی برای
گرفتن رتبه‌های یک، دو و سه اداری در مسابقه شرکت می‌کنند و
امتحان میدهند.

در سازمانهای دولتی بطور کلی نه (۹) رتبه با حقوق ثابت و شرایط
معین و مشخص وجود دارد که کارمندان باید تبعیج این مراتب را طی کنند
و همچنانکه از کارمندان دولت از خدمت بر کنار و منفصل نمی‌شوند مگر اینکه
دردادگاه محکوم گردند.

۱- مجلس سنای ایران تا بعد از وقایع شهریور سال ۱۳۲۰ و پسلطنت رسیدن
اعلیٰ حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تشکیل نمی‌شد ولی بموجب قانون اساسی
وطبق فرمان همایونی مجلس سنا تشکیل گردید و چند دوره است که بخدمات خود
ادامه می‌دهد. مترجم

اشخاصی که دارای معلومات تخصصی هستند بدون گذراندن امتحان
با خدمت پذیرفته می‌شوند ولی این عده امتیازات کارمندان رسمی را ندارند
و همچنین افراد دیگری از قبیل ماشین نویس و ثبات بعنوان دون رتبه
بدون شرکت در مسابقه می‌توانند با خدمت مشغول گردند اما اینها نیز بر تبه
های عالی اداری نمیرسند.

فروگاه عظیم هر آباد (تهران)



تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل بیست و چهارم

سازمانهای کشوری و قضائی

وزارت کشور مسئول اداره کردن امور داخلی است بدین معنی که
بکارهای استانداران و فرمانداران، شهرستانها، بیکاری، خدمات
اجتماعی، آمار و ثبت احوال رسیدگی میکند.

در سال ۱۹۳۸ تقسیمات قبلی مملکت تغییر یافت و حدود و نفوذ
هریک از ایالات و ولایات معین و مشخص گردید و سراسر کشور ایران به
ده استان تقسیم شد و هر استانی را یک استاندار اداره میکند.^۱

تمامی ده استان ایران به چهل و نه شهرستان تقسیم میگردند که در
هریک از شهرستانها یک فرماندار مستقر است و امور مر بوط به حوزه‌های مأموریت
خود را اداره میکند و هریک از شهرستانها هم به بخش‌ها و دهستان‌ها تقسیم
شده‌اند.

در کشور ایران یازده شهرستان وجود دارد که جمعیت آنها از
پنجاه هزار نفر بیشتر است و بیست شهرستان دیگر نسبتاً آباد هم هستند که
ساکنین هریک از آنها ازده هزار نفر تجاوز میکند و بطور کلی شهرهای
کوچک و قصبات و دهات ایران بالغ بر چهل و پنج هزار میگردد.

۱- در حال حاضر کشور ایران دوازده استان و چند حوزه فرمانداری کل
است و آماری که در باره شهرستانهای ایران و جمعیت آنها در بالا ذکر شده
من بوط به سال ۱۹۴۱ میلادی میباشد. مترجم

در هر یک از شهرها و بخش‌ها یکنفر شهردار انجام وظیفه می‌کند که با همراهی انجمن شهر منتخب از طرف اهالی و ساکنین شهرستان و یا بخش امور مر بوطه را انجام میدهد و موازی با شهرداری، شهربانی^۱ تشکل شده

۱ - تاریخ تشکیل شهربانی گل کشور و فعالیت‌های کنونی آن برای اطلاع خوانندگان گرامی درج می‌گردد

در کلیه کشورها به تشکیلاتی که نماینده مجری قانون بوده و حافظ جان و مال و منافع آسایش مردم جامعه در قبال تخطی و رذالت عناصر تبهکار و فاسد باشد کلمه پلیس (Police) اطلاق می‌شود که از کلمه (پلیتا) (Polita) لاتین مشق شده است.

پلیس در کشور ما در حدود چهارده قرن قبل بوجود آمد که افراد آن بنامهای شحنده، محتسب، عسی و داروغه... نامیده می‌شدند و سازمان نیروی پلیس نیز فاقد هر گونه نظم و اصول پلیسی بوده است.

در ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار شهر تهران بچند محله تقسیم شده بود و امنیت هر محله‌ای را بست یکنفر سپرده بودند و بحافظ هر محله اسم (کدخدا) را داده بودند و این کدخداها که عده‌شان به پنج نفر میرسید زیر نظر داروغه قرار داشتند. در غالب شهرهای ایران این تشکیلات برقرار بود و داروغه در روی وسط میدان عمومی شهر می‌نشست و در آنجا بر تقد و فقط امور مشغول بوده و بکارهای جاری و حوائج ارباب رجوع رسیدگی مینمود.

غالباً داروغه دارای نایبی بود که تقریباً «قوه» اجرائیداش محسوب می‌گردد افراد ذیر دست داروغه از سر شب در کوچه‌ها و خیابانها برآ می‌افتادند و فریاد می‌زدند «گلن کیم - گدن کیم» یعنی (که می‌آید - کی می‌ورد).

اسلحة این افراد غالباً چماق بزرگ بوده است. ناصرالدین‌شاه قاجار بعلت مسافرت‌های متعددش بکشورهای اروپائی و مشاهده تشکیلات منظم و مرتب پلیس اروپا بفکر افتاد که بدستگاه آشفته و درهم پلیس ایران سروسامانی بدهد و باین جهت برای انجام این امر مهم، مستشاری بنام کفت دومونت فرد ایتالیائی را برای اصلاح پلیس ایران استخدام و در تهران بخدمت گمارد. بقیه در زیر صفحه بعد

است که امور مربوط بانتظامات را زیر نظر دارد.

اسماً شهر بانی‌ها تابع استانداران و فرمانداران می‌باشند اما در عمل اینطور نیست و آنان از رؤسای ماقوّق خودشان دستور می‌گیرند زیرا شهرداری

کنت بعلت مخالفت مؤثر قشریون نتوانست کاری از پس ببردو سازمان پلیس به همان حال بی‌سامانی باقیماند.

پس از کنت ایتالیائی مرحوم نظام‌الدوله ابوتراب‌خان که سمت مترجمی کنت را داشت برای است پلیس منصوب گردید. ولی مشکلات چنان زیاد بود که نظام‌الدوله با تمام افکار ترقیخواهانه خود نتوانست کوچک‌ترین گام مثبتی بنفع دستگاه پلیس بردارد.

در همین اوان عده دیگری ظاهرآ به اسم پلیس (قاپaci الحاجات) برای تقویت دستگاه پلیس باین سازمان منضم شدند. این افراد او ر ساعت ۱۰ شب با نظر که اهالی شهر در بستر خواب بودند فاؤنس بزرگی بدست میکلنندند و با وضع مضحكی شولا یا پوستین بدوش داشتند و در سرگذر و پشت بام بازارها ظاهراً بگردش مشغول می‌شدند و هر چند دقیقه یکبار با صدای بلند فریاد می‌کشیدند (قاپaci الحاجات) و این افراد با سایر دستجات مسئول تأمین انتظامات بودند و با ادائی جمله فوق بمردم می‌فهمانندند که مشغول انجام وظیفه هستند و بذدان و طرادان نیمه شب می‌سازندند که پلیس بیدار و مراقب و هوشیار است ولی مسلم است که این افراد بیچاره بواسطه فقدان اسلحه و وسایل لازم نمی‌توانستند بایکدسته اشاره مسلح طرف شده و یا بدبختی را از نگال جنایتکاران نجات دهند در آن هنگام هیچکس و هیچ مقامی در مملکت پای بند اصول و سازمان نبود که مردم عادی خود را مقید بآن بدانند هر کسی برای خود خانی و آقائی بود و در فرآخور بودجه‌اش چند نفر مردان مسلح و آدمکش و متجاوز را اجیر مینمود که ضمن حفاظت از جان و عمالش هر تجاوز و ذور گوئی که خواست انجام دهد بوسیله آن طرادان و جانیان اجیر شده جامه عمل پپوشاند.

از اینرو ملاکین و پولداران و اعیان و اشراف زمان هر کدام بکدسته مردانی داشتند که در صورت لزوم به هستی و حیات و ثروت و ناموس افراد بیچاره و بی‌پناه تجاوز می‌کردند و پلیس هم از روی ترس علاوه بر اینکه کاری انجام نمیداد پیوسته حامی و پشتیبان آنان بود.

بقیه درزیز صفحه بعد

و شهربانی هردودارای سازمانهای عالی مرکزی هستند که باید از اوامر و دستورات مراکز متبع خود تبعیت کنند.

تمام مأمورین عالی‌تبه‌از تهران تعیین می‌شوند و چون تهرانی هستند

در آن‌زمان حقوق و مزایای افسران و پلیس‌های نظمیه بسیار ناچیز بود و گاهی هم پرداخت آن ماهها به تقویق می‌افتاد از این‌رو پلیس مجبور بود که بعض انجام وظیفه در خدمت رسمی انتقامی در دکانهای بقالی و عطاری و قصابی مشغول کار شود.

بعد از مرحوم نظم الدوّله میرزا عبدال‌الله خان رئیس نظمیه شد و بر يك عده افسران و رسدانشی و داروغه و سایر عوامل که بظاهر آسایش و امنیت شهر را تأمین می‌نمودند ریاست داشت با کادر ضعیف و وسائل ناقصی که در اختیار داشت در نبرد با تبهکاران و جنایت پیشه‌گان واوباش و آذل به پیروزیهای نائل گردید تا اینکه در سال ۱۲۸۸ شمسی در (وبای) اولی که در تهران شیوع یافت بدرود حیات گفت.

بعد از فوت او معاون الدوّله غفاری بریاست نظمیه منصوب شد و پس از ایشان مدتی نیز مرحوم زنبورکجی باشی و چند نفر دیگر عهده‌دار ریاست نظمیه بودند.

پس از پایان ریاست نظمیه مرحوم مختار‌السلطنه که انصافاً با وسائل ناقص زمان و کارشکنیهای منفرانه ایکه در کارهای اصلاحی او میشد توانست اقدامات مؤثر و سودمندی را بعمل آورد و نظمیه را بصورت تشکیلات منظم و صحیحی درآورد کم کم نهضت آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان بدرجۀ کمال رسید و هر کسی که عهده‌دار امور نظمیه گردید ناچار بایستی از اوامر محمد علی‌شاه اطاعت کند و با مشروطه‌طلبان و آزادیخواهان مخالفت جدی بنماید و روی این اصل اوضاع عمومی در آن‌زمان بحدی آشته و درهم بود که هیچ کس نتوانست اقدامات اساسی و اصلاحی مرحوم مختار‌السلطنه را دنبال و تعقیب کند بلکه هر فردی که زمام امور نظمیه را بدست میگرفت وظیفه داشت که این دستگاه ملی و اجتماعی را بر علیه مردم مخصوصاً مشروطه‌طلبان و آزادیخواهان تجهیز کرده و بکار ببرد. تا اینکه مدتی گذشت و یفرم خان مجاهد ارمی که مرد متنفذ و مقتدری بود بریاست نظمیه منصوب شد و نامبرده در درجه اول بقیه درزین صفحه بعد

طبعاً اهالی محل را با نظر حقارت مینگرن و علاقه‌ای بحفظ منافع آنها از خود نشان نمیدهند.

مخصوصاً در نواحی زراعتی و دهستان نشین این موضوع کاملاً مشهود

بنگر تأمین اعتبار و برقراری حقوق ماهیانه مرتب افراد پلیس افتاد و نظر باینکه اوضاع مالی کشور سخت خراب بود یفرم خان پس از جلب موافقت مقامات مالی باندروال مشروبات الکلی را که امروز رقم عایدی بسیار بزرگی برای دولت است برقرار نمود و از درآمد حاصله حقوق افراد پلیس رامر تباً مبیرداخت این امر ابتدا با مخالفتهای شدید و مؤثری روبرو گردید ولی بالاخره یفرم خان در اثر پافشاری و داشتن حسن نیت برای خدمتگزاری حرف خود را قبولاند.

ریاست نظمیه یفرم خان چند سالی طول کشید و احتیاجات آن زمان با تشکیلاتی که یفرم خان داده بود بخوبی برطرف میشد و تا هنگامیکه در رأس کار بود مردم راضی و راحت بودند ولی بمحض اینکه یفرم خان در جنگ همدان کشته شد رشته انتظامات از هم گسیخت و معاونین وی و رئسای بدی نظمیه هم متأسفانه نتوانستند اساس موجود را حفظ و حراست نمایند و باین جهت بازهم دوران هرج و مرج و بی‌نظمی و ناراحتی در امور بخوبی پدیدار و مشهود گردید.

وضع پلیس همچنان آشته و در هم ریخته بود تا اینکه عین الدوله (وزیر کشور وقت) در میدان مشق (محل فعلی شهر بازی کل کشور) حضور یافت و اداره نظمیه را رسماً از صولات نظام (رئیس نظمیه وقت) تحويل گرفت و در اختیار مستشاران سوئدی گذاشت و وستادهال نام که سابقاً در شهر استکلم رئیس یکی از کلانتریهای شهر بود بیاست نظمیه منصوب گردید وارناس رئیس پلیس بر گدال بریاست تأمینات انتخاب شدند.

هنگامیکه مستشاران سوئدی شروع بانجام وظیفه نمودند جمعیت شهر تهران از دویست هزار نفر تجاوز نمیکرد و وسایط نقلیه خیلی محدود بود و سرویس مخصوصی برای تنظیم و آمار گیری آن وجود نداشت.

از نظر اینکه وضع عمومی شهرها بهم خورده بود و مستشاران سوئدی هم برخلاف کنت دومونت فرم ورنگ ایرانی بخود گرفته بودند لذا عملیات واقع دامات آنها مورد پشتیبانی مردم واقع شد و از خدمت نمودن آنها در دستگاه بقیه در زیر صفحه بعد

است ولی از طرف دیگر بدون شک اعزام مأمورین عالیرتبه و مسئولین ادارات دولتی از تهران برای مبارزه با مفاسد محلی لازم بنظر می‌آید زیرا در یک شهرستانی که شهرداری، شهربانی، آمارو ثبت احوال، ثبت اسناد

پلیس فوق العاده خوش وقت و خوشحال بودند و آنها نیز خدمات قابل توجهی که توأم با حسن نیت فراوان بود برای تشکیلات نظمیه ایران انجام دادند. سوئدیها در حدود ۱۸ سال صمیمانه خدمت کردند تا اینکه در سال ۱۲۹۹ و تغیرات تاریخی اینسال که تدریجیاً بخدمت عموم مستشاران خارجی در ارتش و ژاندارمری خاتمه داده شد، مستشاران سوئدی هم بهادر اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر با نام نیکی از ایران رفتند.

تشکیلات پلیس در زمان سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر پس از کودتای ۱۲۹۹ و آغاز نعامداری اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر بمنظور بالابردن حیثیت و آبروی ملت ایران دستور دادند که بعض مستشاران سوئدی و سایر مستشاران خارجی اشخاص و افراد مدبر و بصری و مطلع و کاردان ایرانی در رأس ادارات ارشی و انتظامی قرار گیرند و پس از این اقدام مهم ملی و میهنی ارتش ایران و افراد پلیس مملکت زیر نظر عناصر کار آنmodه و لایق ایرانی قرار گرفته و متحداً شکل شدند و دستگاه پلیس دارای مرکزیتی شد که تا آن زمان سابقه نداشت و تمام شهرها و استانها و شهرستانها دارای مرکزیتی شدند و دستورات مرکز را اجرا و تمام حوادث و وقایع را روز بروز به تهران اطلاع داده و کسب دستور مینمودند.

بموازات اقداماتیکه برای برقراری نظم و حفظ امنیت و مرکزیت سازمان پلیس شد بدستور شاهنشاه فقید رضا شاه کبیر دروضع حقوق و مزایای افسران و افراد شهر بانی تجدید نظر کلی بعمل آمد.

از کمیته مجازات و سایر عوامل که رعب و وحشت در دل مردم ایجاد کرده بود آثاری باقی نماند و بعض اسم شب که برای آسایش و امنیت مردم اختراع کرده بودند افراد پلیس قوی و توانا و وزیده و کار آنmodه و با روحیه تازه و امید با یینه حفاظت امود را بهده گرفتند.

در دوران سلطنت رضا شاه کبیر دستگاه پلیس بطور برق آسا در تحول و پیشرفت بسوی کمال بود و از لحاظ تربیت افسران تحصیل کرده و پاسبانان جدی و وظیفه شناس و تهیه تجهیزات و وسایل فنی با سرعت غیرقابل وصفی مدام بقیه در زیر صفحه ۲۸۹

لار نهاده ایشان هنگام افتتاح
دسته های بزرگ و بسیار همچون شاهزاده هنگام افتتاح



تبرستان
www.tabarestan.info

و سایر ادارات وجود دارند و رؤسای هر یک از طرف وزارت خانه‌ها و ادارات مختلف کشور تعیین می‌گردند باید مأمورین محلی بباشند و از مرکز

بخلو میرفت و قادر است این دستگاه اجتماعی روزبروز زیادتر می‌گردید و امنیت و آرامش کاملی در سرتاسر کشور و اقصی نقاط دور افتاده مملکت استقرار یافته بود.

بنای عظیم فعلی شهر بازی کل کشور در زمان سلطنت اعلیٰ حضرت رضا شاه کبیر شروع و خاتمه یافت و افزایش گارهای فناوار یزد بر سلطنت پیر افتخار معلم لم می‌باشد.

سازمان فعلی شهر بازی ایران مرکب از ۲۵ اداره دو تهران و ۱۵۰ شهر بازی در استانها و شهرستانهای کشور می‌باشد. برای نیل مقام افسوسی شهر بازی کسانی که دارای دیپلم کامل متوسطه می‌باشند پس از خدمت‌خاندن یک کنکور وارد دانشگاه پلیس می‌گرددند و پس از طی دوره سه ساله دانشگاه پلیس بر درجه ستوان دومی و اخذ درجه لیسانس در رشته (پلیس) نائل می‌شوند.

پاسبانان شهر بازی ایران در شرایط فعلی دارای گواهینامه سیکل اول متوجه هستند و اخیراً تعداد زیادی پاسبان جهت پلیس راه که عموماً دیپلمه می‌باشند به استخدام شهر بازی کل درآمدیده‌اند و آنها هم‌پس از طی دوره‌های مختلف و اخذ تعلیمات لازم بقسمتها مورد نیاز معرفی شده و مشغول کار می‌گردند. ضمناً بموازات اقداماتیکه برای تقویت افکار و بالا بردن سطح تحصیل افراد این سازمان بعمل آمده برای آشنازی بیشتر افسران شهر بازی با طرز کار و اخذ تعلیمات مدرن و جدید و مشاهده تشکیلات پلیس در کشورهای بزرگ دنیا تاکنون تعداد زیادی از افسران شهر بازی کل کشور به ممالک اروپا و آمریکا اعزام شده‌اند و با آنها تهیم شده است که کاملاً دروضع تشکیلات پلیس کشورهای بزرگ مطالعه و دقت نمایندتا پس از بازگشت چنانچه نواقصی در کار بود در رفع آن اقدام شود.

اداره تشخیص هویت اجرای یکی از وظایف خطیر و سنگین پلیس را که کشف حقیقت برای مبارزه با فساد است بعهده دارد و با وسایل علمی کامل و متخصصین فنی و کارآئموده‌ای که در اختیار دارد قادر است در مدت کمی با استفاده از مدارک موجود در صحنه جرم مجرم حقیقی را کشف و با لایل کافی و محکمه پسند به احل قضائی معرفی نماید و از هر جهت به قضات دادگستری برای صدور رأی منصفانه کمک مؤثر و شایانی بکند.

بقیه درزیز صفحه بعد

اعزام گردند تا منظور دولت که همان پیشرفت امور و استقرار نظم است بهتر عملی گردد.

بطوریکه پرونده مجرمیکه از روی اصول نوین بازجوئی جنائی تنظیم شده و بادلایل علمی این اداره همراه باشد دیگر بهیچوجه شک و تردیدی برای قضات و داوران و دادرسان برای صدور رأی عادلانه باقی نخواهد گذاشت.

دستگاه انگشت‌نگاری اداره تشخیص هوتی در سازمان فعلی باندانه‌ای مجهز است که اگر شخصی در اقصی نقاط کشور و لوبراپای بساعت بازداشت و یا زندانی بشود سوابق آن شخص و اثر انگشت او در این اداره منعکس و وا طرز بسیار صحیح و نوینی بایگانی میگردد و این سوابق ملاک عمل مقامات قضائی برای تشدید کیفر اشخاصیکه مشمول مقررات تکرار جرم پیشو ندخواهد بود. باین طریق کمتر مجرمی میتواند با نام مستعار از چنگال عدالت‌فار نموده و یا بکیفر استحقاق خود نرسد و در بایگانی منظم و مرتب اداره‌منزبور سوابق ۲۰۲۳، ۸۲۳، ۲۰۷۲ نفر با اسلوب صحیحی نگاهداری شده که در صورت لزوم فوراً هوتی هر یک مشخص میگردد گذشته از وظایف سنگین و خطیر فوق اداره تشخیص هوتی در تمام مدت شب و روز آماده برای انجام وظیفه است و روزانه حداقل پیشینه دوهزار نفر متقاضی را تعیین و با سرعت وصفنا پذیری در عرض ساعت بمقامات مسئول ارسال میدارد.

از نظر عضویت ایران و پلیس ایران در سازمان پلیس بین‌المللی (اترپول) اداره مجهز تشخیص هوتی در موقع ضروری خدمات شایانی نموده و بطور دائم با آن سازمان در تماس میباشد و برای هر گونه کمک آماده است.

بر اثر این همکاری مستقیم و ارتباط نزدیک اداره منزبور با پلیس بین‌المللی تاکنون پرده از بسیاری از اعمال مجرمین و منحرفین بزرگ داخلی و خارجی برداشته شده و کارها و عملیات و نقشه‌های شیطانی آنانرا خنثی نموده است.

در شهر تهران برای ارتباط مردم با پلیس و یا پلیس بادستگاه مرکزی و کلانتریها در موقع فوری و ضروری در چهار راههای تهران جعبه‌های مخصوص تلفن (کال باکس) نصب شده که جعبه‌های مزبور ارتباط پلیس راهنمایی و همچنین پلیس انتظامی چهار راهها را با شهر باقی کل کشور روز و شب بقیه در زیر صفحه بعد

در نقاط کم جمعیت همانطوریکه گفته بجای شهربانی ادارات

برقرار میسازد از این نوع دستگاهها نیز برای کلیه استانها و شهرستانها در نظر گرفته شده تا پلیس بتواند بهره‌ولت هر آن و هر لحظه با کلاهتریهای مر بوطه تمام حاصل نماید و یا بالعکس کلاهتریهای و یا افسران نگهبان کلاهتریهای قادر خواهند بود در آن واحد بکلیه چهار راهها و مأموران انتظامی یا سایر نقاط دستورات لازم را صادر نمایند.

در حال حاضر تعداد زیادی از اتومبیلهای پلیس مجهز بdstگاههای فرستنده و گیرنده میباشد و مقداری از آنها برای جلوگیری از تصادفات در اختیار اداره راهنمائی و رانندگی قرار گرفته که روزانه حد سرتاسر شهر تهران در حر کت هستند واداره پلیس تهران نیز مجهز بتصاعد زیادی از این اتومبیلهای سیار که فرستنده و گیرنده دارند میباشد و همچنین داشگاه پلیس تعدادی از اتومبیلهای مزبور را در تصرف دارد که در موقع لزوم از آنها استفاده مینماید جمعاً در تهران متوجه از ۲۵۰ اتومبیل مجهز بdstگاه فرستنده و گیرنده دائماً از نظر اجرا و انجام کارهای روزانه پلیس با مرکز شهربانی و اداره راهنمائی و رانندگی پلیس تهران پیوسته در تماس بوده و کلیه اتفاقات و تصادفات را بفضلۀ یکی دو دقیقه به اطلاع مقامات مر بوطه رسانده و کسب دستور مینمایند.

مراکز این دستگاهها در کلاهتری یوسف آباد و پلیس تهران و دفتر راهنمائی و رانندگی مستقر گردیده اند و همیشه تعدادی از این اتومبیلهای مجهز و بطور ذخیره (رزرو) و بطور صفحه‌جمع (کازرنه) هستند که در موقع لزوم برای نیروهای انتظامی مورد استفاده قرار میگیرند.

بطور قطع سازمان شهربانی از هر چیز بیشتر بوجود افسران تحصیل کرده و کارمندان مطلع و مخبر و متخصص در امور مختلف پلیسی نیازمند است. دانشکده افسری شهربانی بهترین مرکز تربیت جوانان خدمتگذار برای خدمات پلیس گردیده و از دو سال قبل با تصویب قانون مخصوص دانشکده افسری شهربانی مدت تحصیل در این مرکز علمی سه سال و پایه علمی فارغ-التحصیلان آن لیسانس شده است. دانشجویان دانشکده افسری شهربانی علاوه بر خواندن دروس (پلیسی- قضائی- اجتماعی) برنامه خاص نظامی دارند و تحت نظر افسران دانشگاه جنگ و دانشگاه نظامی تمام رموز و جزئیات امور نظام و استفاده از اسلحه‌های مختلف را فرامیگیرند.

بعیمه در زیر صفحه بعد

امنیه وجود دارد که مسئولیت حفظ نظم و امنیت عمومی با آنهاست و تابع
انضباط و مقررات نظامی هستند.

بموازات تکمیل وسایل کار و تجهیه لوازم علمی و فنی جهت داشکده
افسری شهر بانی داشکده‌های تخصصی شهر بانی نیز در رشته‌های مختلف
(راهنمائی و رانندگی بی‌سیم و مخابرات - انتظامی - مبارزه با مواد مخدوش
جنائی و تشخیص هویت) از چند سال قبل شروع بکار کرد و تا حال متجاوز
از هزار نفر از افسران شهر بانی کل ^{دو} کلاس‌های این داشکده‌ها ثبت نام نموده
و دوره تخصصی را گذرانده‌اند . این داشکده‌ها در واقع مکمل داشکده
افسری شهر بانی است و افسران پلیس با دیدن آنها در رشته مخصوص به خود
متخصص گردیده و در همان رشته شروع به خدمت مینمایند.

در رiform و تحول جدید که در شهر بانی کل بعمل آمده سعی شده است که
دیگر زندان فقط محلی برای مجازات و تنبیه زندانیان نبوده بلکه به بموازات
تأدیب آنان در طول مدت زندانی بودن باساد شده و آموزش‌های لازمه را
بهینند ازینرو برای تنویر افکار زندانیان و آماده کردن آنان برای بدست
آوردن حرفوشغلى شر اقمندانه پس از خاتمه مدت زندانی اقدامات زیرهمواره
در تمام زندانهای شهر بانی کل کمور روبرو باشند و پیشرفت است .

تعیین و گسترش کلاس‌های مبارزه با بی‌سیم، توسعه و تکمیل کتابخانه‌های
متعدد زندان و اخذکتب مفید از مؤسسات خیریه و اشخاص نیکوکار جهت
مطالعه زندانیان ایراد سخنرانیهای سودمند مذهبی و اخلاقی توسط آقایان
وعاظ اداره زندان در داخله زندانها - تفکیک زندانیان معتمد از سایر زندانیان
و معالجه و مداوای اعیاد آنان، اعزام بازرسان دقیق و مطلع برای رفع نواقص
غذائی و بهداشتی زندانیان، بازدستی دقیق در تمام ساعات شب‌نیروز از کلیه
اماکن عمومی زندانها توسط مأموران مربوطه، آموزش فنی ماشین نویسی، کارهای
دستی و خانه‌داری در زندان زنان توسط هر بیان مربوطه، تعلیم زندانیان در
کارگاههای فلز کاری ، توربافی، کفاشی، نجاری ، حصاربافی ، جوراببافی،
خیاطی ، و قالیبافی که با فروش اشیاء ساخته شده توسط زندانیان علاوه
بر اینکه زندانی در مدت دربند بودن آشنا بحرقه و شغلی شر اقمندانه شده
دارای سرمایه میباشد که در موقع آزادی آنرا بکار ببرد و فرد مفیدی برای
جامعه‌ای که در آن زندگانی میکند بخود .

طبقه‌درز زیر صفحه بعد

افرسان و درجه داران و افراد شهریانی لباس خاکستری رنگ میپوشند که بی شاهت بدلباس پلیس انگلستان نیست و نیز آنان اسلحه دارند و همیشه مسلحند ولی سلاح آنها کمتر مورد استفاده قرار میگیرد.

سابقاً زندانیانیکه احتیاج بعمل جراحی ویادormanی داشتند آنان را به شهر آورده و تحت مداوا و معالجه قرار میدادند انجام این امر گذشته از اینکه مواجه با مشکلاتی بود از نظر جراحی فوری و فوتی بیمار توانم با خطراتی میگردد ولی اکنون این نقصه بر طرف شده و در محل زندان قصیر که بیمارستان مجهر وجود آمده که دارای آخرین وسائل طبی و جراحی بوده زندانیان بیمار و محتاج بعمل جراحی را در محل زندان مداوا و معالجه مینمایند.

اداره اماکن عمومی که کنترل و نظارت امور سینماها و سالن های اماکن عمومی را عهده دارد است توسط ما موردان صالح و بی غرض دائم و ظایف محوله را از لوایح نظری خاص انجام داده و پیوسته آمده هستند که با دریافت کوچکترین خبر و در ارشی در مورد اماکن عمومی فوراً در رفع نواقص موجوده اقدام نموده و همه ماهه کمیسیون مخصوص در دفتر اداره مزبور تشکیل و تصمیمات لازم برای اجرای صحیح قوانین موضوعه اتخاذ میگردد.

موضوع مبارزه با قاچاق و پخش و خرید و فروش مواد مخدره یک امر بسیار مهم حیاتی از لحاظ حفظ سلامت و سعادت افراد جامعه است و شهریانی کل کشور همواره در انجام اینگونه امور عملی و اجتماعی پیشقدم میباشد برای مبارزه با قاچاقچیان حرفه ای و جلوگیری از توزیع و پخش مواد مخدوه در مرکز و استانها و شهرستانها اقدام بنائیس تشکیلاتی نموده است که با آخرین وسائل و متد های جدید مجهز بوده و با کمال قدرت و هوشیاری پلیس مبارزه با مواد مخدوه در تمام مدت بیست و چهار ساعت آماده کار و خدمت میباشد و عوامل منحرف را که از قاچاق انواع مواد مخدوه در صدد پر کردن کیسه خود و بدینخت نمودن افراد بی اطلاع جامعه هستند مدام تحت نظر داشته و هر روز دسته ای از آنها را دستگیر و تسلیم عدالت مینماید.

یکی از ادارات بسیار حساس و قدیمی شهریانی کل کشور اداره آگاهی میباشد (تامینات سابق) که با تجدید نظر کلی که در سازمان آن شده فعالیتهاي دائمي داری در کشف اموال مسروقه و مبارزه با سارقین و جلوگیری از سرقت دارد و اخیراً شب مخفی اداره همزبور در کلانتریهای تابعه پلیس تهران استقرار بقیه در زیر صفحه بعد

یکی از وظایف مهم مأمورین شهر با نی ثبت اسامی سکنه اعم از یگانه و خودی است که این مأموریت را با کمال جدیت انجام میدهند.

بموحب قانون تابعیت ایران هر کسی که لااقل یکی از والدین او (پدر یا مادر) ایرانی باشند و یا در ایران متولد گردد و همچنین کسانی که در این سرزمین پا بعرصه وجود گذارند و تا رسیدن بحد بلوغ یعنی سن هیجده سالگی در این کشور اقامت داشته باشند تبعه ایران محسوب میگردند.

پنج سال اقامت در ایران برای قبول تابعیت خارجیان کافی است. هر یک از افراد کشور باید شناسنامه‌ای که حاکی از تاریخ و محل تولد و سایر احوال شخصیه‌اوست داشته باشد و آنرا در موقع ورود خروج به شهرها واقامت در مهام خاننه‌ها و گرفتن کار بمحض اینکه احتیاج پیدا شد بمطابه کننده ارائه دهد.

یافته و کمکهای مؤثر و ذیقیمتی در مورد دستگیری قاتلین و جلب اشخاصیکه سرقた نموده و خیانت در امانت کرده و چک بی محل صادر مینمایند بعمل آورده واژشهرکارهای اداره مزبور در سال ۱۳۴۰ دستگیری باند سازندگان سکه‌های تقلیبی و چکهای تضمین شده میباشد و همچنین با توقیف یکی از سارقین زبردست معادل بیست میلیون تومان فرشاهای مسرقه در دهسال اخیر کشف که بصاحبانش مسترد گردیده است این کشفیات در تاریخ پلیس ایران از نظر کیفیت و کمیت بی نظیر میباشد.

راهنمائی و رانندگی که ازو احدهای بسیار وسیع و حساس شهر با نی کل کشور میباشد دارای وظایفی مهم است زیرا با وجود ازدیاد روز افزون و ساعت نقلیه و کثربت جمعیت و ضيق معا بر هر سال اذسال پیش این دشواریها و مشکلات زیادتر میگردد و برای اینکه پلیس تهران و اداره راهنمائی و رانندگی که در پارهای موارد وظایفی مشترک بعهده دارند بنحو بهتر و مطلوبتری آنرا انجام دهند از چندی قبل این دوسازمان وسیع انتظامی در یکدیگر ادغام شده و اکنون وظایف محوله را افسران و کارمندان و سایر مأمورین با تشریک مساعی و همکاری یکدیگر بصورت واحدی انجام میدهند. مترجم

این موضوع یعنی ارائه شناسنامه و ثبت اسامی صرف نظر از اینکه برای کشف جرائم و شناسائی اشخاص عامل مؤثری بشمار می‌آید باعث و سبب می‌شود که قانون سرباز گیری در سراسر مملکت کاملاً اجرا گردد و با این ترتیب بطوری که مشهود است راه گزین برای اشخاصی که بخواهند از زیر بار خدمت نظام وظیفه شانه خالی کنند از هر طرف مسدود می‌گردد.

خارجیان مقیم کشور ایران دارای پروانه اقامت هستند که بمنزله شناسنامه آنان محسوب می‌شود و نیز انتقال آنها از جایی به جای دیگر چندان هم آسان نیست و اشکال فراوان دارد و نیز تنها داشتن شناسنامه یا پروانه اقامت برای خود ایرانیان و یا خارجیان کافی نیست و برای لوازم و اشیاء از قبیل تفنگ، رادیو و دوربین عکاسی پروانه های جدا گانه ای لازم است که مقامات مسئول از ساکنین این کشور مطالبه می‌کنند.

فن رانندگی که از سال‌ها قبل در ایران معمول گشته آموزشگاه‌های مخصوصی دارد که هر یک از رانندگان باید در این آموزشگاه‌ها مشغول آموختن این فن باشند و پس از آنکه از همه جهت آماده شدند با گذراندن امتحان لازم گواهینامه رانندگی دریافت دارند ولی عجب دراینست که نگاهداری سگ و اتوموبیل پروانه نمی‌خواهد.

هر تاکسی و یا سایر وسائل نقلیه عمومی باید قبل از شروع بکار پروانه بگیرد.

بموجب قوانین اصلاحات عمومی و اجتماعی ۱۹۳۱-۱۹۳۲ هرده سال یکبار باید از نفوس کشور سرشماری بعمل آید.

اولین سرشماری کشور ایران در سال آینده صورت خواهد گرفت.

سپه شماری مقدماتی سال ۱۹۴۰ نشان داد که جمعیت تهران ۵۴۰،۰۸۷

نفر است در صورتیکه بموجب اولین سرشماری که در سال ۱۸۸۳ میلادی صورت گرفت جمعیت تهران ۴۸۲،۱۰۶ نفر و بعد از آن ۱۳۹،۳۱۰ نفر بوده است.

طبق سرشماری دقیقی که در سال ۱۹۳۲ بعمل آمد نفوس کشور ایران جمیعاً ۵۵،۰۰۰ نفر بوده در صورتیکه در اوائل قرن نوزدهم میلادی کشور ایران پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته است.

اما این موضوع راهم نباید از نظر دورداشت که در آن زمان قسمت اعظم (فقاژیه) و (ترکستان) و (بلوچستان) جزو ایران بوده است. با رعایت کامل بهداشت عمومی و اجرای خدمات اجتماعی و پیروی از سیاست ازدیاد نفوس که با افکار ملی تقویت گردد انتظار میروند که در ظرف چند سال آینده جمعیت ایران رو با فراش خواهد گذارد.

چنانکه گفته اجرای قوانین بادولت است، تا قبل از روی کار آمدن رضا شاه امور قضائی در محاکم شرع حل و فصل میشد که در نتیجه پیچیدگی مسائل بفرنج شرعی اختیارات مهمی بدهست مفسرین آن یعنی ملاها داده بود گرچه در همان اوقات قوانین دیگری هم وجود داشت اما از روی کاغذ تجاوز نمیکرد.

در سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ دو اقدام مهم و قابل توجه بعمل آمد که نفوذ شاه در داخل و خارج مملکت علت اصلی این اقدامات بوده است. اولین اقدام اساسی این بود که بجای قوانین (شرع) از روی قوانین کشور فرانسه قوانین مدنی و جنائی بوجود آمد و در تعقیب آن بنام اینکه خارجیان تابع احکام محاکم قضائی ایران نیستند سعی و کوشش فراوانی برای از بین بردن حقوق ویژه یگانگان بعمل آمد.

اصل امتیازات اجنبي یا حقوق ویژه بیگانگان (Capitulations) از نیمه قرن نوزدهم میلادي در بیشتر کشورها وجود داشته است و در سال ۱۹۲۱ دولت اتحاد جماهیر شوروی از آن حق خود در ایران صرف نظر کرد.

در سال ۱۹۲۸ کشور ایران الغای (امتیازات اجنبي) را رسماً اعلام داشت ابتدا دولت فرانسه و پس از آن دولت بریتانيا (البته برخلاف تمايل خود) با الغای آن موافقت کردند. در ماه سپتامبر ۱۹۳۹ از روی قوانین کشور ایالتاً مجموعه قوانین جزائی تدوین گردید.

قوانین دادگستری بوسیله دادگاه های بخش، شهرستان و استان اجرا میگردد والبته تمامی این محاکم از دیوان عالی کشور که عالی ترین مرحل قضائي کشور است تعیت میکنند.

نواقصی که امروزه در دادگستری ایران مشاهده میگردد کمتر با روشن و اسلوب قضائي مربوط میباشد بلکه بیشتر ناشی از عدم تجربه و عدم صلاحیت قضات ایران است^۱ زیرا هنوز هم در آنها تمايلی هست که تحت نفوذ متمولین و صاحبان مقامات عالیه قرار گیرند و نیز موارد دیگری هم از قبیل مقررات مربوط به خریداری مدت حبس در قوانین ایران موجود است که این عمل خود بخود قضات را تشویق میکند که از وظایف اصلی خود منحرف گردند.

در مقابل عکس العملی که برای استقرار (امتیازات اجنبي) صورت گرفت تمايل تازه‌ای پدید آمد که برای بیگانگان حقوقی کمتر از آنچه

۱- این نظر نویسنده کتاب است. مترجم.

استحقاق دارند مقرر گردد.

اما این تمایل را باید نتیجه توقع ییش از حد خارجیان در گذشته
دانست و اگر اثراً این موضوع همین باشد که بیکانگان بر عایت و احترام
قواین کشور و اداره گردند عمل بسیار بچائی بوده است.

فصل بیست و پنجم

پایه و اساس اقتصادی ایرانستان

(دُنیا به مواد خام و محصولات فلاحتی ما احتیاج دارد)

این جمله گفتار اعلیحضرت همایون پادشاه ایران است که در روز سی ام ماه مارس سال ۱۹۴۰ میلادی در موقع افتتاح نمایشگاه کشاورزی شیراز بحاضرین گفتند.

گرچه ظاهراً این جمله تا اندازه‌ای اغراق آمیز بنظر میرسد اما پادشاه با گفتن آن میخواست بحاضرین بفهماند که با کشف معادن زیرزمینی و کشت و زرع زمینهای حاصلخیز ایران میتوان کشوری آباد و معمور بوجود آورد و خواندگان گرامی باید این موضوع را از نظر دور دارند که این سرزمین در گذشته بیش از هر کشور دیگری در این مورد بخصوص صدمه دیده است زیرا با اینکه یک سوم مساحت خاک پهناور ایران مستعد کشاورزی است مقدار بسیار کمی از این مساحت زراعت میشود و تا این اوخر شاید بیشتر از یک پنجم زمین‌های قابل زراعت برای انواع محصولات کشاورزی زیر کشت نباشد.

این کار علل و موجبات مختلفی دارد که مهمترین آنها آفت عمومی

کشاورزان خاورزمیں یعنی بی آبی است .

توجه باین موضوع حیاتی در کذمته باعث موفقیت و سعادت ایران شده ولی غفلت کنونی سبب تیرموزی ایرانیان کشته است.

مامیدانیم که هخامنشیان و ساسانیان در عهد سلطنت خودشان برای آبیاری و پیشرفت امور کشاورزی قدمهای مهمی برداشته بودند که آثار آن تا کنون هم باقیمانده است و در حال حاضر نیز روئیدن علفهای سبز در چشمہ سارها و دورهای جویها و رودخانه ها حاصل خیزی و قابلیت خاک را بخوبی نشان میدهد .

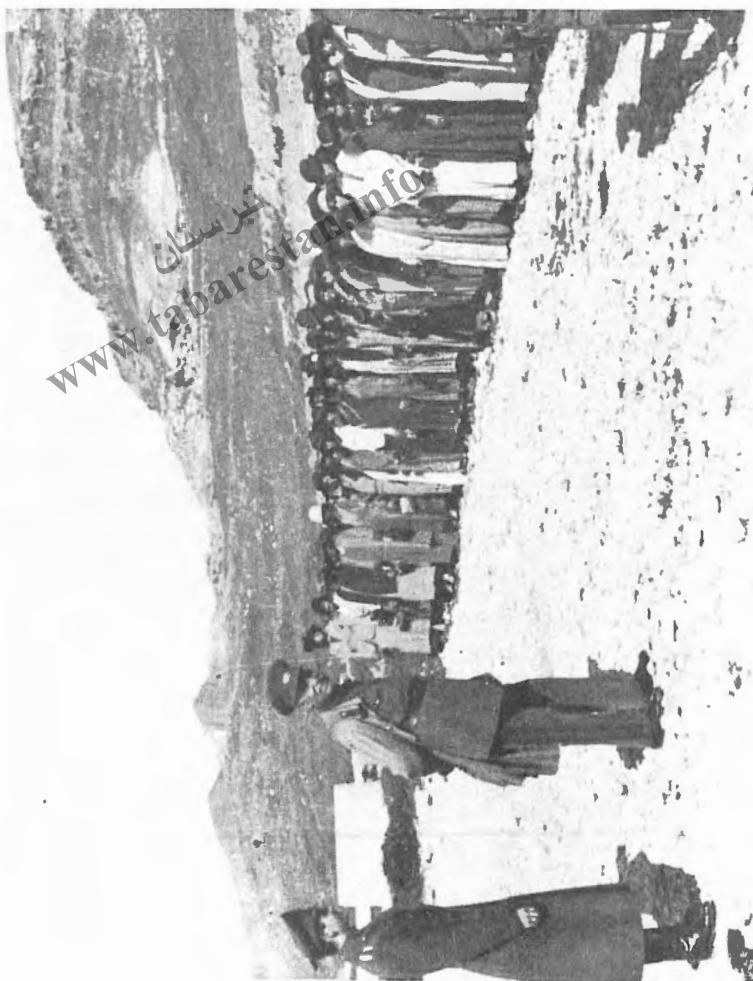
طریقه آبیاری زمینهای زراعتی در ایران از قرون وسطی تا کنون این بوده است که جوی های زیرزمینی که قنات نام دارد حفر کنند و از کوه های آب را به زمین های مسطح بیاورند و محصولات خود را با این ترتیب آبیاری کنند .

البته این طریقه برای زارعینی عملی است که تمکن دارند بوضع مالی آنها خوبست .

در صحاری و دشت های خوزستان زاد عین عرب بامید سیلا بهای بهاری زمین های خود را کشت می کنند ولی آفتاب سوزان و نیامدن باران در فصل تابستان فقط برای قسمت مختصری از محصولات سفت و سخت قابل تحمل می باشد .

خرابی قنوات و آب انبارهای ایران قسمتی در اثر وضع و وصول مالیاتها و عوارض بیمورد و غلط و قسمتی هم بواسطه هجوم (مغولان) و (هازرها Huns) و قبایل دیگر وحشی بوده است و در صورتی که تهاجم دیگری در این کشور روی نداده دلیلی ندارد که ایران نتواند مجددآ شهرت حاصل خیزی

اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه پس از رفع حجاب
در میان ایل بختیاری



تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

خود را بدست آورد.

وجود درخت و جنگلها در تمام نقاط عالم بستگی به آب دارد و بهمین لحاظ جز در کرانه‌های دریای خزر در جاهای دیگر ایران درخت بسیار کم است بقسمی که در اغلب نقاط این سرزمین یک درخت را برای نشانه گذاردن زمین بکار میرند.

تصور می‌رود که همیشه اوضاع چنین نبوده بلکه زیاد مروری در پریدن درختها و قطع اشجار و غفلت در کاشتن آن چنین روزگردی ای ایرانیان بیش آورده است.

به حال یکی از عللی آبی و نیامدن باران در ایران همین کم درختی و نبودن جنگل می‌باشد و اگر جنگل کاری آغاز گردد و اشجار زیاد شود تأثیر فراوانی خواهد داشت.

وسایل کشت و زرع ایران خیلی ساده و مقدماتی است و بهمین جهت محصول کم و در عین حال نامرغوب است زیرا بسیاری از کشاورزان این کشور با دست وبا با گاو آهن که بوسیله الاغ روی زمین کشیده می‌شود زمین را شخم می‌زند و در هر دو صورت خراش مختصری بر روی زمین وارد می‌سازند.^۱

در زمین و دشت‌های همواره‌یک از زارعین زمین خود را نشان می‌گذارد و بیشتر این تکه زمین‌ها از چند صد متر مربع تجاوز نمی‌کند. در کوهستان‌ها و در آن قسمتی که خاکش شسته شده و بصورت دره‌ای در آمده است زمین را شخم می‌زند ولی قسمت دیگری از کوهستان را که دست بالا واقع شده و سنگی است بلا استفاده رها می‌کنند و در نتیجه محصول کم و بد می‌شود.

۱- در اغلب نقاط ایران کشاورزی مکانیزه شده است. مترجم

زمین مرغوب و حاصلخیز غالباً در تصرف ایلات و عشایر میباشد اما آنها که بنا باقتصای فضول چهار گانه سال از جائی بجای دیگر کوچ میکنند فرصت کافی ندارند و در یکجا اقامت نمیکنند که به کشاورزی صحیح دست بزنند.

مالکیت و ترتیب اجاره داری در کشور ایران طوری نیست که به فراوانی محصول کمک کند.

مخارج آبیاری و نگاهداری زمینهای هژروعی بقدری سنگین است که برزگران نمیتوانند از خود زمین داشته باشند و کشت و زرع کنند. مالکین به املاک خود کمتر توجه دارند و مالک داران غالباً از طبقه درباریان و رؤسای ایلات و عشایر میباشند و یا آنکه زمین مال دولات است و در هر صورت علاقه‌ای به آبادی املاک ندارند.

دهاتی مستأجر باید قسمت اعظم محصول خود را با بت سهم مالکانه بمالک بدهد و در بعضی دهات فقط یک پنجم بدھقان میرسد.

طريقه و رویه مالک و مستأجر ایلات و عشایر طور دیگر است و کمتر موجب تشویق مالکیت فردی میباشد بدین معنی که تمام سر زمین ایلات متعلق برئیس ایل یا بهتر بگوئیم ملک(خان) است و فقط او هر سال مقداری از آن زمین‌ها را برای زراعت بین خانواده‌های مختلف تقسیم میکند و هیچگونه دلیل و مجوزی موجود نیست که خانواده‌ای حتی مدت دوسال متوالی یک زمین را برای زراعت در اختیار داشته باشد.

این وضع تا کنون در میان ایلات و عشایر معمول و متدائل است

ولی خوشبختانه بزودی منسوخ شده و برای ابد ازین میرود.^۱

دولت جدید ایران این موضوع و نظایر آنرا جداً تحت مطالعه

۱- با اجرای قانون اصلاحات ارضی زمین بخود زارعین تعلق دارد مترجم.

قرارداده و برای اصلاح اینگونه امور مشغول فعالیت است . در ابتدا سعی میشد شهرها را آباد و معمور ساخته و کشاورزی را از میان بردارند (باید دانست که این عمل در غالب کشورهای فوق العاده صنعتی هم مقدور نیست) و باین سبب اصلاحات مهمی در امور فلاحتی صورت نگرفت ولی کم کم متوجه اصلاح کشاورزی شدند و در این راه کوشش فراوانی بعمل میآورند .

توجه مخصوص دولت به امور کشت و زروع از آنجا مشهود است که ایلات و عشایر را وادار ساخته‌اند در نقاط معینی اقامت گفند کر چدهاتی که به آنان واگذار شده چندان هم حاصلخیز نیست اما به صورت از آنجه قبل داشته‌اند بمراتب بهتر است .

با رویده‌ای که دولت در پیش گرفته است سوء استفاده از اراضی و بدون استفاده گذاردن آن تعديل شده و قسمت عمده‌ای از املاک دولتی یعنی املاک خالصه را تقسیم کرده‌اند و بطور کلی میتوان گفت با اقدامات مؤثری که بعمل آمده زمین‌های حاصلخیز کشور از وضع تباہ سابق رهائی یافته است .

در سال ۱۹۳۱ املاک متعلق به اتباع خارجی با وسایل مقتضی از دستشان درآمد و اکنون هیچیک از افراد بیگانه نمیتواند زمین و یا اموال غیر منقول دیگری در ایران داشته باشد مگر آنکه محلی برای سکونت و یا اشتغال بکارخویش مالک شود .

مقررات عاقلانه و عادلانه‌ای برای ثبت اراضی و املاک و وضع گردیده است .

عقیده عمومی برآنست که مالکیت انفرادی و شخصی سبب آبادی

اراضی و فرآوانی محصول میباشد (این عقیده در بعضی از نقاط با عمل ایرانیان منافات دارد) و بهمین جهت قسمت عمده‌ای از املاک خالصه را فروخته‌اند و اخیراً بمحض قانونی که گذرانده‌اند دولت مجاز است اراضی و قنوات موقوفه‌را بفروشد و یا خود بقیمت عادله قبول کند و درآمد حاصله را برای مصارف مدارس و بیمارستانها و نگاهداری اماکن باستانی و تاریخی اختصاص دهد.

محصول گندم ایران سالیانه دومیلیون تن است^۱ که از کشت وزرع بیش از دو میلیون و پانصد هزار جریب^۲ اراضی هنری ع آذربایجان، خراسان، اصفهان، خوزستان و کرمانشاه بدست می‌آید.

از یک میلیون و پانصد هزار جریب در حدود هفتصد و پنجاه هزار تن جوغاً ید میگردد که قسمت عمده‌آنرا به حیوانات اهلی میدهند.

محصول برنج بطور کلی در دامنه البرز و نواحی گیلان و مازندران بعمل می‌آید و در چهارصد هزار جریب اراضی ایران برنج کشت میشود که پانصد هزار تن محصول میندهد.

محصولات دیگر ایران عبارتست از ذرت، ارزن، نخود، لوبیا و عدس.

در اطراف اصفهان و سایر نقاط ایران مقدار زیادی میوه مانند: هندوانه، خربزه، پرتقال، انار و در جنوب غربی خرما بدست می‌آید. تریاک محصول عمده ایران است ولی از سال ۱۹۳۱ بعده کشت و صدور آن طبق دستور جامعه ملل تحت نظارت دقیق درآمده است.^۳

آمار صحیحی که محصول تریاک ایران را نشان دهد در دست نیست

۱ - هر جریب فرنگی برابر است با ۴۳۵۶۰ پای مربع . مترجم

۲ - بمحض قوانین مصوبه کشت واستعمال تریاک در کشور ایران ممنوع گردیده و مجازات اعدام برای قاچاقچیان و کشت کاران خشخاش معین گشته است. مترجم

ولی چنین استنباط میشود که محصول سالیانه تریاک این کشور پنج هزار تن باشد که دو هزار تن آن هرساله به کشورهای مالایا، چین، آلمان و ژاپون صادر میگردد.

میوه‌های خشک و مغزهای گوناگون از قبیل (مغزیسته، بادام، گرد و فندق) صمغ‌ها، رنگها، الوار، ماهی خاویار دریایی خزر و خلیج فارس جزء سایر محصولات ایران است. دو محصول تازه دیگر در این سرزمین رواج یافته‌اند که عبارتند از توتون و چای.

توتون و تنبـاکـو در انحصار دولت است و محصول آن روز بروز افزایش میابد.

برای ترقی و پیشرفت امور کشت وزرع توتون و تنبـاکـو دولت ایران عده‌ای کارشناس یونانی استخدام کرد.

ایران امیدوار است که محصول چای آن باندازه‌ای زیاد شود که مصرف داخلی کشور تأمین گردد و دیگر به وارد کردن چای از کشورهای هندوستان و هند هلند شرقی و ژاپون و سیلان نیازی نباشد. هم اکنون ششصد هزار کیلو گرم چای محصول ایران است که در لاهیجان کشت و وزرع میشود.

در ابتدای امر برای ساختن چای کارشناسان چینی در لاهیجان مشغول کار شدند ولی در سال ۱۹۳۶ یکنفر تاجر آلمانی در آنجا کارخانه چای خشک کنی دایر کرد. کشت پنبه هم روز بروز افزایش میابد زیرا این محصول هم در داخله کشور مصرف دارد و هم بکشورهای خارجی صادر میگردد و در حال حاضر نظر آنست که از ورود پنبه جلوگیری شود.

سعی و کوشش فراوانی برای کشت چغندر قند و تجدید ابریشم کاری در ایران بکار می‌رود.

شراب‌های ایران همیشه معروف بوده و اخیراً به انواع مختلف شراب می‌سازند و بیشتر از نوع شراب‌های اروپائی مانند (ورموت) و (کلارت) و غیره تقليد می‌کنند.

گیاه‌های مخصوصی برای تهیه آججوي گوارا در ایران وجود دارد. چون در ایران گوشت مصرف زیادی ندارد از این‌رو به کله‌داری و پرورش اغنام و احشام اهمیت چندانی نمی‌گذارد در صورتیکه بشیبکی از صادرات عمده این کشور در گذشته بوده است.

هر چند هنوز در اثر بدی توزیع خواربار گرفتاریهای وجود دارد ولی اخیراً نظارت دقیقی در این باره بعمل می‌آید.

نقشه‌های وسیع و پردازنهای برای آبیاری در دست عمل است که از آن جمله خشکانیدن باطلاق (خار گرد) تزدیک اصفهان می‌باشد و دیگر ساختن سدی در تزدیکی اهواز است که یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره هزینه دارد و در صورتی که این سد عظیم ساخته شود چهارصد میل مربع از اراضی با بر را آب میدهد باید بیست (ده) آباد و معمور برای کشت وزرع زمین‌های مزروعی در آن نقاط احداث گردد.^۱

برای انبار کردن و نگاهداری گندم در سال ۱۹۳۶ تصمیم گرفته شد که هفت سیلو در شهرهای بزرگ : تهران ، تبریز ، اصفهان ، مشهد ، کرمانشاه ، اهواز و شیراز ساخته شود.

اولین سیلوئی که در تهران بنا گردید در ماه ژوئیه سال ۱۹۳۹ پایان یافت و هفت‌صد هزار لیره برای بناآخیریدهای آلات آن بمصرف رسید.

۱ - سد محمد رضا شاه پهلوی بن روی رودخانه ذ احداث و از آن بهره‌برداری می‌شود . مترجم

سال گذشته (۱۹۴۰ میلادی) بموجب مقررات خاصی نرخ غله در سراسر کشور ثبت شد و با اجرای این مقررات اطمینان حاصل گردید که محصول غله در هریک از نواحی مملکت که بدهست آمده در همانجا فروخته میشود و محصول غله جمع آوری شده هر استانی برای آذوقه مردم آن استان در نزدیکترین سیلونگاه‌داری میگردد.

نرخ غلات را از نظر خوبی پایابی جنس تعیین نمیکنند و همچنین هزینه مصرف شده از طرف زارع راه مولاد توجه قرار نمی‌دهند بلکه در تعیین نرخ غله سطح زندگانی اهالی ناحیه‌ای را که غله در آن ناحیه کشت شده است رعایت میکنند.^۱

در سال ۱۹۳۰ بانک کشاورزی تحت نظارت کامل دولت تأسیس گردید تا با سود ارزان و مدت طولانی به کشاورزان وام بدهد.

۱- بعد از وقایع شهریور ماه ۱۳۲۰ اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی پادشاه دموکرات ایران که از اوضاع کشورهای جهان اطلاع کاملی دارند دستورات مؤکدی صادر کردند و بدولت تأکید فرمودند که در نقاط مختلف به احداث سدها برای آبیاری زمین‌های مستعد کشور اقدام کند و تا کنون در چندین نقطه از کشور سدهای بسیار مهم و معظمی احداث شده است که از آنجمله سد محمد رضا شاه پهلوی در خوزستان و سد کرج و کوهرنگ و سفیدرود و گلپایگان و شهناز را میتوان نام برد. مترجم

فصل بیست و ششم

کشاورزی و هدایت خوزستان

در چند سال اخیر چندین آموزشگاه کشاورزی و مهندسی نمونه در نقاط مختلف کشور دایر شده است که مهمترین آنها مزارع نمونه لاهیجان و شادگان خوزستان و همچنین آموزشگاه جنگل‌بانی (خارکون‌مازندران) میباشد.

مأمورین مخصوصی با اکیپ‌های مجهز برای مبارزه با ملخ در نواحی مختلف کشور مشغول انجام وظیفه‌اند و در باره مبارزه با آفات بنا تی با نمایندگان شوروی مذاکره میکنند و با راهنمائی آنان وظایف خود را انجام میدهند.

تمامی این فعالیت‌ها زیر نظر و تحت کنترل دقیق اداره کل کشاورزی انجام می‌باید که در سال جاری یک میلیون و پانصد هزار لیره بودجه آنست.

برنامه وسیع کشاورزی پنج ساله‌ای از سال ۱۹۴۰ در ایران به مرحله اجرا گذاشده شد که طبق آن باید محصولات حبوبات به پانصد هزار تن افزایش یابد و از پنجاه تا دویست درصد به محصول : چای، شکر، چغندر،

کنف و کتان اضافه گردد و همچنین ترویج کشت گیاههای مفید و از دیاد و سایل سهل و آسان آبیاری و آوردن گوسفند مرینوس (Merino) و پیوند زدن آن با نژاد گوسفندان بومی و توسعه درختکاری جزء این برنامه است.

از نظر واقع شدن مردم به ارزش و اهمیت این کار و تشویق آنان بعمران و آبادی کشور چند سال است که در روز پانزدهم ماه مارس^۱ جشن درختکاری برپا میشود.

پیش از آنکه صنعت و کشاورزی کشور ترقی و توسعه یابد لازم است که با ببری و حمل و نقل مناسبی درست تاسر مملکت بوجود آید. متأسفانه تا سال ۱۹۲۱ کشور ایران در این قسمت خیلی عقب افتاده بود.

در فصول قبلی به اطلاع خوانندگان گرامی رساندیم که چگونه و با چه ترتیب مفسده جوئی و دخالت‌های ناروای دول بزرگ مانع احداث جاده‌ها و ساختمان راه آهن در ایران گردید و چون جاده‌های شوسه در این سرزمین وجود نداشت حمل و نقل مسافرین و کالاهای بازرگان بوسیله حیوانات کندر و یعنی کاروان شتر و قاطر صورت میگرفت که در روی جاده‌های ناهموار جدا کثربوتی ده تا پانزده میل راه می‌پیمودند.

راههای ارابه‌رو خیلی کم و معبدوبود حتی راهی که از آن مашین-های سنگین هم عبور کند بندرت یافت میشد و همان راههای معبدوب و غیرشوه هم در فصل زمستان در اثر برف و در فصل بهار در اثر باران و سیلاب بسته میشد و بعلت وجود همین موانع و مشکلات بود که مسافت ۷۴۰

۱- روزیانزدهم ماه مارس مساوی است با روزیانزدهم اسفند ماه. مترجم

میل از تهران تا بوشهر دو تا سه ماه طول میکشید که همین راه امروز در عرض سه تا چهار روز طی میشود البته هزینه مسافرت‌های قبلی که دو تاسه ماه طول داشت بمراتب زیادتر از مخارج مسافرت فعلی است. در سال ۱۹۲۰ راههای شوسه ایران عبارت بود از راه همدان به انزلی^۱ که از شهر قزوین میگذشت و روسها آنرا ساخته بودند و دیگری راهی بود که از همدان به کرمانشاه و کشور عراق میرفت که بدست ارتش بریتانیا ساخته شده بود.

قزوین و تبریز را راه غیر شوشهای بهم متصل میکرد و همچنین راههای غیرشوسه دیگری هم وجود داشت که تهران پاییخت کشور ایران را با شهرهای اصفهان، شیراز، بوشهر، مشهد، کرمان، قزوین و سلطان آباد یعنی ارakk فعلی متصل نمیمود.

رویه مرقته در سراسر مملکت در حدود دوهزار میل راه قابل استفاده وجود داشت ولی باید دانست که این راهها هم بیشتر بمنظور استفاده‌های اقتصادی احداث شده بود و ساختن آنها از این نظر نبود که خطوط ارتباطی کشور را بوجود آورده باشند.

چنان‌که بعضی از آن جاده‌هارا در جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ ساختند. میخواستند جاده دیگری هم از اصفهان به اهواز بسازند اما اینکار عملی نشد و چند سال قبل یک هیئت روسی برای بازدید آن را مرفت.

رژیم جدید با فعالیت زیادی ساختن و اصلاح راهها و جاده‌ها را شروع کرد و بدیهی است هدف اصلی در انجام منظور مذکور منافع بین‌المللی نبود بلکه یک نظر خاص ملی داشتند و میخواستند که از رابط

۱- بندر پهلوی فعلی در سابق انزلی خوانده میشد. مترجم

بودن شوروی بین ایران و اروپا آسوده و راحت گردند.
اکنون چندین جاده شوسه از تهران به نقاط مختلف کرانه دریای خزر احداث شده است که از آنجمله راهی است که از کوههای شمالی میگذرد و به چالوس میرود .
منظار مسیر این جاده بسی زیبا و دیدنی است و ۹۳۸۴ پا از سطح دریا ارتفاع دارد .

در این جاده تونلهای متعددی ساخته شده اند در فصل زمستان راه بواسطه باری دن برف و نزول بهمن مسدود نگردند .
راههای تهران به اصفهان و بوشهر در تمام فصول سال قابل استفاده است و همچنین در راههای از اصفهان به یزد و کرمان و بندرعباس که یکی از بنادر خلیج فارس میباشد در تمام مدت سال ایاب و ذهاب میشود .
جاده های شوسه خوب دیگری هم ارakk را به اهواز و مشهد را به زاهدان متصل میسازند .

یک رشته راه آهن هندستان از کوئتا (Quetta) بخاک ایران میآید . جاده شوسه دیگری هم بین شیراز و کرمان احداث شده است .
شهر تبریز به موصل که یکی از شهرهای کشور عراق است متصل میگردد و همچنین به طرابوزان در کشور ترکیه میپیوندد .
از اینها گذشته راههای فرعی دیگری هم در کشور ایران وجود دارند که با راههای شوسه سرتاسری مذکور مسافت آنها جمعاً پانزده هزار میل میرسد .

تعداد زیادی از این راهها از میان کوهستان میگذرند که بیش از پنجهزار پل برای عبور آنها ساخته شده است و همچنین تعدادی از همین

جاده‌ها از وسط صحاری میگذرند که بعضی از آنها خیلی باریک هستند
بطوریکه در فصل زمستان و بهار قابل عبور نمیباشند اما در فصل تابستان
صف و مهکمند.

هم‌اکنون در ایران راهسازی با جدیت هرچه تمامتر ادامه دارد.

در ماه نوامبر سال ۱۹۳۹ پایان ساختمان راهی را اعلام داشتند که
از شهر و آغاز میگردد و از کوهستان البرز گذشته و گرگان را که یکی
از شهرهای استان دریای خزر است به خراسان وصل میکند طول این راه
۱۲۵ میل و عرض آن ۲۶ پاست . نظر آنست که هرسالی هزار میل راه بسازند
راه سازی با وزارت راه است مسئولیت احداث بنادر و راه آهن هم با همین
وزارت توانه میباشد.

راههای عمومی کشور تمامًا با تعیین مسافت بکیلومتر علامت گذاری
شده است بطوریکه مسافت مبدأ و مقصد را میتوان به آسانی دریافت .
معمولًا در این راهها کامیونهای کار میکنند که متعلق به اشخاص و شرکت‌های
کوچک هستند . بار آنها انواع و اقسام اجنباس و کالاهای تجاری است و
غلب اوقات ییش از مقدار ظرفیت بارحمل میکنند .

در حدود بیست و پنج هزار کامیون و اتوموبیل از انواع مختلف در
ایران یافت میشود .

سالی دوازده میلیون نفر از اهالی ایران بنقاط مختلف کشور
مسافرت میکنند .

این مسافرین غالباً با کامیون و اتوبوس و آنها که قدری متمول هستند
با ماشینهای سواری بمسافرت میروند
آماری که اکنون بنظر خوانندگان گرامی میرسد وضع کرایه

اعلیحضرت رضا شاه کبیر واعلیحضرت همایون شاهنشاه روز افتتاح کارخانه
قد میاندوآب



تبرستان
www.tabarestan.info

ماشین را بخوبی روشن میسازد.

در سال ۱۹۳۹ کرایه یک ماشین سواری در بست از قرار هر میلی دو ریال و نیم (هفت پنس و نیم) بود و هر مسافری میتوانست برای مسافت با ماشین سواری کرایه ای بقرار هر میل یک ریال تا نیم ریال (سه پنس تا یک پنس و نیم) بپردازد.

کرایه مسافت با کامیون هر میل یک سوم ریال (یک پنس) و اتوبوس هر میل یک ششم ریال (نیم پنس) بوده است. مسافت در ایران با وسائل درجه اول آسان و با مقاومت و سایل ناراحت است اما در حال حاضر یشتر جاده های شوشه خوب شده و در میان راهها قهوه خانه هائی وجود دارند که برای رفاه و آسایش مسافرین کمک بزرگی بشمار عیا آیند.

تمام وسائل نقلیه موتو ری کرایه ای قبل از حرکت در شهر بانی مورد معاینه واقع میگردند و به آنها اجازه عبور که بمنزله گواهینامه است داده میشود.

کیفرهای بسیار سختی برای مسبیین تصادف بین راه تعیین شده است و در صورتی که در اثر تصادف کسی هم بقتل بر سر مرتکب به اشدمجازات محکوم میگردد.

غلب رانندگان کامیونها و اتوبوسها و سایر ماشینهای مسافر بری ایران در کار خود مهارت دارند بطوریکه میتوانند ماشینهای پر بار و پر مسافر خودشان را از راههای تنگ و پرتگاههای کوهستانی و صحراءهای آب افتاده عبور دهند.

رانندگان ایرانی باید علاوه بر راندن ماشینهای خود در امور تعمیر موتور هم تخصص داشته باشند و همه نوع لوازم یدکی همراه بینند زیرا

گاراژهای بین راه برای تعمیر ماشینها مجhz نیستند.

مهما نخانه‌های ایران در اغلب نقاط کشور بحال ابتدائی باقیمانده‌اند و بهترین آنها در تهران و اصفهان و سایر شهرهای بزرگ نظیر آنها میباشند. مهمانخانه‌های ایران عبارتست از حیاتی که دور تا دور آنرا چند اطاق (غالباً بی‌پنجره) ساخته‌اند و فاقد عادی‌ترین وسایل بهداشتی میباشد و این مهمانخانه‌ها عموماً نظرخانه‌های مردم ایران هستند.^۱

مهما نوازی از خصائیل خاص و قابل استیش ایرانیان است بطوریکه حتی در کوچکترین و پست ترین دهات ایران هستوان به آسانی جا و نان بدست آورد.

در واقع شرایط و مقررات خاصی برای سیاحان و جهانگردان وجود ندارد.

موسسه ایران تور که بمنظور کمک و تهیه وسایل آسايش سیاحان تأسیس شده است چند مهمانخانه و گاراژ دارد اما هیچگاه مجبور نیست که به دلخواه مسافرین عمل کند.

آن دسته‌های سیار راهنمایان - گدایان - فروشنده‌گان یادگاریها که در سایر کشورهای شرقی هستند و بمحض دیدن سیاحان خارجی یکباره آنان هجوم میکنند در کشور ایران وجود ندارند ولی بطور کلی ایرانیان تا کنون در فن جلب سیاحان و مسافرین خارجی تخصصی پیدا نکرده‌اند.^۲

۱- در کشور ایران هتل‌های بسیار معظمی ساخته شده که با هتل‌های کشورهای درجه اول برابر است. مترجم

۲- برای جلب سیاحان خارجی سازمانهای دولتی و سیعی بوجود آمده است. مترجم

فصل بیست و هفتم

تبرستان
راه آهن ایران

تا دو سه سال پیش حرکت باراه آهن در نقشه مسافر زین ایران وجود نداشت ولی در حال حاضر راه آهن جای بسیاری از راه های شوسه را که در ابتدای استقرار رژیم کنونی ساخته شده اند گرفته است.

در حقیقت قبل از سال ۱۹۱۴ نقشه ساختمان راه آهن که مدت زیادی در اثر دیسیسه بازی های بین المللی بتعویق افتاده بود مورد توجه قرار گرفت اما حدوث جنگ اول جهانی اجرای آنرا بتأخیر انداخت بطوری که در سال ۱۹۲۱ تنها راه آهن های ایران عبارت بود از یک رشته راه آهن بمسافت هفتاد و پنج میل که از جلفا سرحد روسیه شوروی تا تبریز می آمد و دیگری خط فرعی همان راه که از شرفاخانه تا دریاچه ارومیه^۱ میرفت ویست و پنج میل طول آن بود و نیز خط پنجام و دومیلی دنباله راه آهن جنوب غربی هندوستان که از نوک کوندی (Nok Kumdi) شروع شده و به زاهدان میرسید (از سال ۱۹۳۱ تا کنون ترن روی این خط حرکت نکرده است) و سه راه آهن کوچک محلی که اولی بطول پنج میل و نیم از تهران به شاه عبدالعظیم و دومی بطول هفت میل از رشت به پیر بازار و سومی راه آهن

۱- منظور نویسنده کتاب دریاچه رضائیه بوده است. مترجم

کم عرض شرکت نفت ایران و انگلیس که از درخزینه شروع شده و به مسجد سلیمان میرفت و طول آن چهل و سه میل بود.

برای احداث راه آهن دو نقشه اساسی کشیده شد که اولی عبارت بود از ساختمان یک راه آهن سرتاسری و با شرکت کشورهای روسیه و هندوستان طرح شده بود و در صورتی که این نقشه اجرا میشد یک رشته راه آهن از باکوب تهران و از تهران به کراچی میرفت و نیز رشته دیگری از تفلیس به تبریز و از تبریز تهران و مشهد کشیده میشد. البته این نقشه را دولت روسیه طرح کرده بود و اصرار داشت که بمرحله اجرادرآید و دومی نقشه‌ای بود که بمحض آن راه آهن ماوراء اروپا به عراق و ایران متصل میگشت بدین معنی که این راه آهن از اروپا به بغداد و از بغداد به تهران می‌آمد.

البته در ابتدای امراهین نقشه را آلمانیها طرح کردند و بعد از آن مورد علاقه بریتانیا هم واقع گردید.

وقتی که شاه تصمیم گرفت نقشه ساختمان راه آهن سرتاسری را خود بدون کمک کشورهای دیگر طرح نموده بمرحله اجرا در آورد دولتهاي بزرگ اروپا بلکه مأیوس گشتند و در حقیقت تا پانزده سال بعد که ساختمان راه آهن سرتاسری ایران تکمیل گردید سیل انتقاد از خارج بطرف ایران سرازیر بود.

در واقع راه آهن فعلی ایران روی همان نقشه‌ای است که بیست سال قبل از آن مهندسین انگلیسی پیشنهاد کرده بودند و عملاً هم در ساختمان قسمتی از آن نظارت داشتند.

فرق کلی آنست که راه آهن ایران از جنوب شروع میگردد ولی نه

از خرمشهر و همان بهتر که از خرمشهر شروع نشد زیرا این بندر چهل میل با خلیج فارسle دارد و در مقابل بندر جدید شاهپور که بتازگی احداث شده است در کنار خلیج جائی واقع گردیده است که بزرگترین کشتی‌ها هم میتوانند در آنجا پهلو بگیرند.

راه‌آهن سرتاسری ایران از بندر شاهپور شروع میگردد و به راه‌آهن ترکیه شباهت زیادی دارد بدین معنی که نه بیانیکی راه‌آهن عراق و نه به پهنه‌ی راه‌آهن‌های سوری و هندوستان است. این راه‌آهن از دشت خوزستان و کنار رود کارون از ارتفاع پاترده پائی میگردد (این ارتفاع برای آنست که خطوط آهن از سیالب و طغیان رودخانه محفوظ باشد) و به اهواز میرسد در اینجا بوسیله یک پل فولادی که سه هزار و چهارصد پا طول دارد از روی رود کارون عبور میکند و از وسط تپه‌های کوتاهی به اندیمشک که قبلاً صالح آباد نامیده میشد متصل میگردد و درین راه در استگاه کوچک شوش که بقایای تأثیر آور جلال و عظمت ایران در گذشته است توقف میکند و از آنکه کمتر از یکصد پا از سطح دریا ارتفاع دارد با سرعت بالامیروند و پس از آنکه در حدود پانصد میل در میان مناظر زیبا و دیدنی پیچ میخورد در مرتفعترین نقطه که هفت‌هزار و دویست پا ارتفاع آنست می‌رسد . تنها در همین ناحیه بیش از ۱۲۷ تونل وجود دارد که طول یکی از آنها یک میل و نیم است.

راه‌آهن از شهرهای خرم‌آباد و بروجرد و همدان که خارج از حدود خط سیر واقع شده‌اند نمیگذرد بلکه مستقیماً بهاراک که قبلاً سلطان‌آباد نام داشت میروند و پس از طی دشت‌های مرتفع هموار کم بطرف قسم سازی بر میشود و از آنجا به تهران میرسد .

شهر تهران ۴۱۶۷ پا از سطح دریا ارتفاع دارد و مسافت آن باراه آهن تا بندر شاهپور ۶۰۷ میل است.

ناحیه راه آهن شمال ابتدام سیر جنوب خاوری را طی میکند و پس از آن پیچ میخورد و بطرف شمال شرقی منحرف میگردد و از کنار شمالی صحرای نمک میگذرد و از کوهها بالا میرود و بقلهٔ فیروز کوه میرسد که هفت هزار پا ارتفاع آنست و با تهران ۱۲۲ میل فاصله دارد آنگاه از میان مناظر زیبائی که در تمام جهان نظر ندارد بوسازی میرود بطوریکه در بعضی از جاها ممکن است سمسطح راه آهن را مشاهده کرد که رویهم واقع شده‌اند.

باید دانست که این راه آهن را برای آن پیچ در پیچ درست گرداند که سرآشیبی تند ۲۸، ۱۰۰۰ درجه چندان اثری نداشته باشد بعلاوه در انتهای هر یک از پیچ‌ها توپل مدوری از میان شگهای بسیار سخت (صخره) کنده‌اند که شعاع آن کمتر از ۷۲۰ پا نیست.

توضیحاتی که داده شد بخوبی میرساند که در ساختن راه آهن شمالی ایران فکر و نقشهٔ جدید بکار رفته است.

در این ناحیه هشتاد و هشت توپل بزرگ و کوچک (یکی از توپل‌ها ۹۴۵۰ پا) و یکصد و هشت پل ساخته‌اند. در مسافتی که کلاعغ میتواند بیست میل پر دترن ۳۵۰۰ پا سرآزیری تندرا می‌بینیم.

از این راه سرآشیبی که ۴۰ میل طول دارد ترن در هر ساعت ۲۰ میل راه را طی میکند.

قطار پس از عبور از پل سفید که با تهران ۱۷۶ میل مسافت دارد متوجه جاً وارد همواری‌های دره‌تالار میگردد و بطرف دشت‌های مسطح سواحل دریای خزر می‌رود.

از شاهی تا بندرشاه جلگه مسطح است و ترن ۲۸۵ میل راه بین تهران و بندرشاه را در مدت سیزده ساعت می پیماید و بمقصود میرسد . در بین راه و در فاصله ده میلی برای توقف ترن ایستگاه ساخته اند و بهترین ایستگاه های راه آهن ایران در تهران ساخته شده که گنجایش زیادی برای توقف و عبور و مرور قطارها دارد .

اولین قدم عملی برای ساختمان راه آهن در مامه سال ۱۹۲۵ میلادی برداشته شد و مقرر گردید که هر یک نه ساختمان آن از مالیات قند و شکرو چای تأمین گردد و با این ترتیب کمکی از خارجیان نخواستند و از قرض کردن بی نیاز شدند (البته این رویه دولت ایران منابع مالی بین المللی را ناراضی ساخت) .

در ماه مارس سال ۱۹۲۶ مجلس شورای ملی مالیات قند و شکرو چای را تصویب کرد و روز هفدهم ماه اکبر سال ۱۹۲۷ عملیات ساختمان راه آهن سرتاسری ایران از دو طرف آغاز گردید .

عملیات ساختمانی راه آهن را مهندسین امریکائی و یکنفر کارشناس آلمانی که دولت آنرا استخدام کرده بود شروع نمودند ولی در ماه آوریل سال ۱۹۲۸ آنرا به سندیکائی واگذار کردند که از شرکت امریکائی اولن و شرکاء (Ullen And Co) و شرکهای آلمانی فیلیپ هولتزمان - (Philip Holtzmann) و جولیوس برگر (Julius Berger) و زیمنس بوو (Siemens Bou) تشکیل می یافت .

آلمانی ها در ماه نوامبر سال ۱۹۲۹ در شمال ساختمان هشتاد میل راه آهن بین ساری و بندرشاه را پایان مرسانند و همان موقع امریکائی ها هم در جنوب ۱۵۶ میل راه بین بندرشاهپور و دزفول را ساختند . گرچه بعد از آن کار ساختمان راه آهن قدری متوقف ماند اما در

سال ۱۹۳۱ دولت ایران با جدیت تمامی مجدداً دنباله عملیات قبلی را تعییب کرد و خود مشغول ساختن راه آهن شد. در سال ۱۹۳۳ قراردادی با یک سندیکای اسکاندیناوی (Scandinavian Consortium Kampsax) منعقد گردید و ساختمان راه آهن ایران به آن کنسرسیوم و آگذار شد (این سندیکا سابقه پل سازی و رامسازی در ایران داشت).

کامپساکس هم ساختمان راه را بقطعات مختلفی تقسیم کرد و آن قطعات را بشرکتهای اروپائی و آگذار نمود که یکی از سخت‌ترین و مشکل‌ترین قطعات را هم شرکت انگلیسی ریچارد کاستن (Richard - Costain) برداشت. در ضمن شرکتهای ایتالیائی آنجیولینی (Mottura - Zuccheo) بالوکا (Angiolini - Balocca) و موتورازا کچو (Mottura - Zuccheo) و شرکتهای بلژیکی و سوئدی و چک‌اسلواکی و چند شرکت دیگر هم قطعاتی برداشتند.

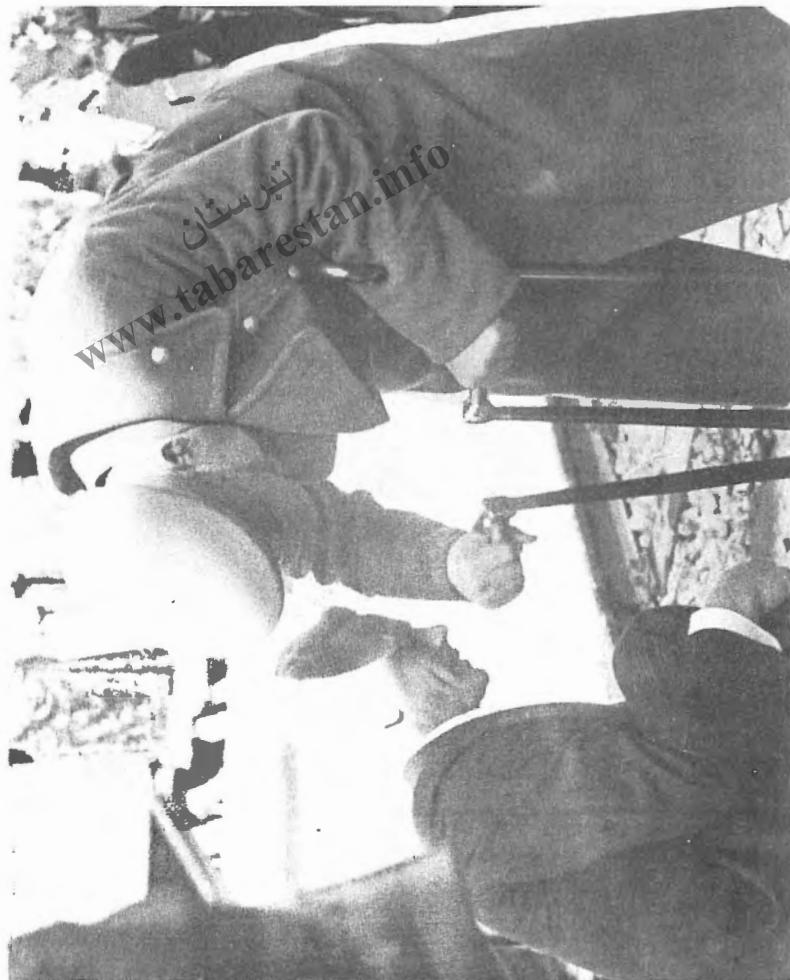
مصالح ساختمان راه آهن ایران از کشورهای مختلف خریداری و به آن کشور آورده شد که این موضوع هم بجای خود جالب توجه است که اکنون بشرح آن می‌پردازیم.

فولادهای مخصوص ریل و مقداری سیمان از روسیه شوروی آورده شد.

ریل‌های تمام خطوط را از استرالیا وارد کردند.

لکوموتیوهای نفت‌سوز از کشور سوئد خریداری شد. سایر ماشین‌آلات و لوازم مورد احتیاج را از کشورهای بلژیک و آلمان و ایالات متحده امریکا خریداری کردند.

اعلیحضرت رضا شاه کبیر هنگام اقبال را آهن تهران با هواز در استگاه درود



تبرستان
www.tabarestan.info

مقدار زیادی سیمان هم از کشورهای ژاپن و یوگسلاوی آمد و با این ترتیب مصالحی که هوزد نیاز بود هریک را از گوههای از جهان به ایران آوردند.

ایستگاه راه آهن تهران را یک شرکت سوئیسی بنام سافیتك (Sofitec) ساخته است.

کاربا سرعت هرچه تمامتر پیش میرفت روز نوزدهم ماه فوریه سال ۱۹۳۷ اولین قطار راه آهن از بندر شاه به تهران رسید و در ماه توامبر همان سال قم به تهران پایتخت ایران وصل شد و روز یست و سوم ماه ژوئن سال ۱۹۳۸ ترن به اراک رسید و بالاخره روز یست و چهارم ماه اوت سال ۱۹۳۸ اعلیحضرت رضا شاه آخرین ریلی را که شمال و جنوب کشور را با هم متصل میکرد با دست خود در کوههای بین اراک و خرم آباد کار گذاشت.

اولین قطار سرتاسری تهران - اهواز روز یست و سوم ماه دسامبر از ایستگاه مرکزی بطرف مقصد روان شد و با این ترتیب پس از یازده سال کار و زحمت و پرداخت سی میلیون لیره مخارج ساختمانی و لوازمات دیگر نقشه عظیم ساختمان راه آهن سرتا سری ایران انجام پذیرفت و شاید این اولین بار است که از قرون وسطی تا کنون یک کشور شرقی توانست بدون استقرار از منابع مالی غرب چنین نقشه بزرگ و پرخرجی را عملی سازد.

در اروپا از راه آهن ایران بعنوان گوناگون انتقاد کردند اما کمتر کسی است که اینگونه تنقیدات را بی نظر تلقی کند ولذا در این مورد هم نظر منتقدین غرض آسود بوده است.

باید دانست که راه آهن کنونی ایران برای رشته ارتباطیین المللی فایده‌ای ندارد اما نمیتوان ایرانیان را ملامت کرد که چرا با داشتن چنین راه آهنی که تا این حد توسعه و ترقی یافته است نمیخواهند پل توسعه و اتصال راه آهن اروپائیان گردد.

منظور اصلی از ساختن این راه آهن رعایت جنبه سوق الجیشی و نظامی است که قادر باشد با آن در موقع مقتضی از مازندران و تهران قشون و مهمات به جنوب برسانند.

دو طرف انتهای شمالی و جنوبی راه آهن ایران یعنی بندر شاه و بندر شاہپور کمتر از بندر پهلوی و خرمشهر تحت نفوذ انگلیسی ها و روسها میباشد.

از نظر اقتصادی هم ارتباط استان های شمالی و جنوبی ایران قابل توجه بوده و اهمیت دارد زیرا محصولات عمده مازندران با راه آهن تمام شهرهای جنوبی حمل میگردد و در دسترس اهالی کشور قرار میگیرد و در مقابل استان های کرانه خزر آنقدر ها احتیاج به بازارهای روسیه سوروی ندارند.

بعضی ها میگویند اصولاً راه آهن با وجود وسائل نقلیه عمومی از قبیل کامیون و اتوبوس فایده‌ای ندارد و مخصوصاً این راه آهن قادر نیست مخارج سازمان های خودش را تأمین کند ولی باید دانست گروه اول که تصور میکنند راه آهن بیفایده است آنهایی هستند که در برآ راموبار بری اطلاع چندانی ندارند زیرا هر قدر راه هموار و کامیون قوی و پرزور باشد نمیتواند محمولات سنگین را از گردنۀ کوههای البرزوزا گراس عبور دهد و فقط راه آهن قادر با نجام این وظیفه مهم است.

اما راجع به دخل و خرج و امور مالی آن اطلاع از وضع راه آهن انگلستان و اینکه چگونه آن کشور در اثر تمسک بفرضیه راهسازی و کامیون رانی و محتاج نبودن به راه آهن در آغاز جنگ دچار خسارت گشت بهترین جواب به این گونه تنقیدهای بیجاست.

گرچه تا کنون دولت ایران بیلان و اطلاعاتی درباره امور مالی راه آهن انتشار نداده است اما باید این موضوع را در نظرداشته باشد که طرح و نقشه درآمد راه آهن بجای آنکه بر روی ابر قام غلط و حقه بازی سوار گردد باید روی پایه و اساس صحیح و حقایق طبیعی استوار باشد. راه آهن ایران از نظر آنکه ارتباط کاملی در نواحی مختلف کشور شده و درهای شهرها را بر روی مردم گشوده است عامل بسیار مؤثر و مهمی بشمار می آید زیرا با همین وسیله عشاير و ایلات در یكجا مستقر می گردند، ده نشین ها وزارعین هم ارزند گانی عالی شهری برخوردار می شوند.

راه آهن اصلی ایران مقدمه ای برای ایجاد وسایل ارتباطی تمام کشور بود زیرا هم اکنون نقش ساختمان راه آهن که مشهد و تبریز و یزد را بخطوط مرکزی متصل می سازند در مرحله عمل است و ازاول ماه مارس سال ۱۹۳۸ شروع بکار گرده اند.

ساختمان اولین راه فرعی بین گرسار و سمنان که هفتاد میل مسافت آنست (راه آهن تا شهرود دایر شده و مشغول کار است) ^۱ در ماه ژوئن سال

۱- این راه در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر تا شهرود رسید ولی بعداً بعلت وقایع و حوادثی که در شهر یورمه ۱۳۲۰ در کشور ما بوقوع پیوست مانند سایر کارهای عمرانی متوقف ماند و بعداً حسب الامر اعلیحضرت هما یون محمد رضا شاه پهلوی دولت مأمور شد که راه آهن را تا شهر مشهد ادامه دهد و در حال حاضر راه آهن سرتاسری ایران به مشهد مقدس رسیده است. مترجم

۱۹۳۹ پایان یافت و هزینه آن بالغ بر ۹۲۵،۰۰۰ لیره است که تمام این مبلغ با نظارت کامل وزارت راه بمصرف رسید. در ماه ژانویه سال ۱۹۴۰ ساختمان راه آهن تبریز آغاز گردید و در ماه اکتبر سال ۱۹۴۰ از کرج و قزوین عبور کرده و بفاصله ۱۶۰ میل به زنجان رسید.^۱ اتفاقاً از همان فوریه سال ۱۹۳۷ تا کنون سرویسی بین تبریز و ایروان اتحاد جماهیر شوروی مشغول کار است و ترکیه هم در صدد برآمده است از العزیز که در تزدیکی دیار بیکر (Diyarbekir) واقع است تا سرحد ایران یک خط فرغی دایر کند.

راه آهن یزد از قم شروع میشود و راه کاشان هم اکنون در دست ساختمان است.^۲ بدجه راه سازی ایران اعم از جاده شوسه و راه آهن در سالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۲ جمعاً بالغ بر ۱۲۰۵۰۰،۰۰۰ لیره میگردد.

حرکت ترن هنوز محدود است و در سال ۱۹۴۰ ترن هفته‌ای دو بار از تهران به بندرشاه و از تهران به کرج و زنجان و همچنین هفته‌ای سه بار از تهران به سمنان و شاهرود ایاب و ذهاب میکرد. در قسمت مرکزی ترن هفته‌ای سه بار از تهران به اهواز وبالعکس حرکت میکند البته عبور آن از شهرهای قم و اراک است.^۳

ترن ایران بطور کلی چهار درجه دارد ولی تمام چهار درجه در یک موقع و در یک قطار موجود نیست.

-
- ۱ - ساختمان راه آهن از تهران به تبریز خاتمه یافته و در حال حاضر از این خط بهره برداری میکنند. مترجم
 - ۲ - راه آهن قم به کاشان وصل شد و هم اکنون مسافرین تهران - کاشان با این خط ایاب و ذهاب میکنند. مترجم
 - ۳ - قطارهای مسافری راه آهن همه روزه به شهرهای تبریز، مشهد و همچنین بندرشاہپور و بندرشاه وبالعکس حرکت میکنند. مترجم

درجه اول و دوم هر دو خوب است صندلی های راحتی و لوازم آسایش در این دوره مانند ترن های اروپائی موجود می باشد.

Chandeli های درجه سوم چوبی است (مانند ترن های آلمان و سایر کشورها) ولی درجه چهارم عبارت از واگن های سر پوشیده ایست کوتاه با نیم کتله ای چوبی که اغلب کارگران در آن سوار می شوند.

مؤسسه ایران تور بزودی یک واگن پذیرائی (رستوران) در قطارهای مسافربری ایران دایر خواهد کرد اما در حال حاضر هم خوارگهای پخته در قطارهای مسافربری بدست می آید.^۱

کرایه یکنفر مسافر با درجه اول را آهن هر میل یک پنس و نیم درجه دوم یک پنس و درجه سوم سه چهارم پنس است .

برای افسران و افراد ارتض و شهربانی و دانشجویان و کودکانی که سنشان ازدوازده سال کمتر است تخفیف کلی قابل می شوند.

۱- قطارهای مسافری دارای رستورانهای لوکس درجه اول می باشند. مترجم

فصل بیست و هشتم

بنادر - کشتی رانی - هوایپیمائی - تلگراف و رادیو - کارخانجات

کشور ایران دو خط کرانه‌ای دارد، دریای خزر و خلیج فارس و سواحل اقیانوس هند و اراضی مجاور این نواحی همانطوریکه قبل اگفته شده خشک و با براست و طبعاً کم جمعیت می‌باشد و شاید بهمین جهت و یا آنکه بعلت بی‌میلی فطری ایرانیان بدریاست که بنقط مذکور کمتر توجه می‌شود.

در جنوب امور کشتیرانی راعرب‌ها اداره می‌کنند ولی ملوانان نیروی دریائی خزر را ایرانیان ارمنی تشکیل داده‌اند. قبل از تأسیس راه آهن وایجاد خطوط هوایی کشور ایران فقط از راه خلیج فارس بادنیا ارتباط داشت و سه بندر خرم‌شهر (محمره قبلى) و بندر بوشهر و بندر عباس تاحدی اهمیت داشتند.

اکنون دولت حاضر تمام مساعی خود را برای توسعه و ترقی بندر شاهپور بکار می‌برد و سه بندر مذکور چندان مورد توجه نیستند زیرا موقعیت بندر خرم‌شهر آنقدرها مناسب نیست.

راه خشکی از بوشهر بداخله کشور بد و صعب العبور است و

کشتی‌های بزرگ نمیتوانند در بندر عباس پهلو بگیرند . بندر شاھپور که در ماه نوامبر سال ۱۹۳۲ گشوده شد روی زمین مسطح گلی بنا گردیده و از این رو احتمال می‌رود که توسعه و ترقی چندانی نداشته باشد . در حال حاضر بندر شاھپور عبارتست از چند ساختمان ادارات دولتی و یک ساختمان طویل بندری مخصوص راه آهن ولی چون کشتی‌های بزرگ به آسانی می‌توانند در ساحل آن پهلو بگیرند و بر احتیت پارهای سنگین را خالی کرده و از همین نقطه که انتهای خط راه آهن جنوبی محسوب می‌گردد بارگیری کنند بدین جهت تصور می‌رود که در آتیه اهمیت زیادی پیدا خواهد کرد .

بندر نقی آبادان هم کانال گودی دارد که ناوهای ده‌هزار تنی مرتباً و به آسانی از آن عبور می‌کنند ولی کار این بندر منحصر به نفت و محصولات نفتی است .

یگانه سرویس منظم کشتیرانی خلیج کشتی‌های تندر و کندر روی پستی شرکتهای بریتانیا و هندوستان می‌باشد .

قبل از جنگ کشتی‌های تجاری اسکاندیناوی و زاپنی و آلمانی و ایتالیائی و امریکائی غالباً به بنادر خلیج فارس می‌آمدند .

در حال حاضر یگانه بندر دریایی خزر بندر شاه است که انتهای خط راه آهن شمالی ایران محسوب می‌گردد .

یک ساختمان بندری طویل و چند کارخانه تعمیر در این بندر ساخته‌اند .

بندر پهلوی که قبلاً ارزلی نامیده می‌شد از نظر داد و ستد با روسیه شوروی نسبتاً بندر با اهمیتی است و بنادر کوچک دیگری مانند بندر گز

و مشهدسر و نوشهر و آستارا که در سرحد ایران و شورروی واقع شده‌اند همگی از بنادر بحر خزر محسوب می‌گردند. کشور ایران چندفروند کشته کوچک تجارتی در بحر خزر دارد اما امور کشتیرانی دریای خزر در دست کشور اتحاد جماهیر شوروی است.

علاوه بر امور بازار گانی مذکور شیلات دریای خزر هم بسیار مهم واژ هر حیث قابل توجه است.

وسایل حمل و نقل عادی کشور ایران علاوه بر بنادریای خزر دریاچه رضائیه است و سازمان راه آهن در آنجا چند قایق موتوری و شراعی کوچک و بزرگ دارد که بارهای خود راه آهن و یا کالاهای تجار بومی را در همان سواحل دریاچه از محلی به محل دیگر حمل می‌کنند.

شرکت نفت انگلیس و ایران هم چند ناو در رود کارون که قابل کشتیرانی است دارد که در تمام فصول سال مشغول حمل و نقل کالاهای شرکت هستند.

حمل و نقل هوایی ایران خیلی مختصر است اولین خط هوایی بین المللی که با این کشور مزبوط شد خط هوایی امپراتوری بریتانیا بود. دولت ایران در سال ۱۹۲۷ به هوایی‌های بریتانیا اجازه داد که هنگام عبور بطرف هندوستان وبالعکس در بنادر مختلف خلیج فارس فرود آیند اما بعلت اختلافی که بین ایران و انگلستان روی داد در سال ۱۹۳۲ مسیر هوایی‌های بریتانیا تغییر داده شد و کلیه هوایی‌ها از آن طرف خلیج پرواز می‌کردند.

تا قبل از جنگ هوایی‌های هلندی (کی ال . ام . M . L . K)

۱ - منظور بابلسر فعلی است. مترجم

وهوایپیماهای فرانسوی (Air France) از بنادر و نقاط ساحلی ایران میگذشتند و سال ۱۹۲۷ بود که امتیاز خط هوایی پستی و مسافربری به شرکت یونکرس (Iunkors) داده شد و سال بعد خط هوایی از تهران به مشهد و رشت و همچنین به بغداد و بوشهر دایر گردید.

این خطوط هوایی تا سال ۱۹۳۶ بکار خود ادامه میدادند اما در آن سال امتیازش رکت یونکرس لغو گردید و سه سال بعد از آن دولت ایران تصمیم گرفت خود وارد میدان کارزار گردد و روی این نظر چند فروند هوایپما از اروپا وارد کرد و خط هوایی مسافر بری و بازیوی تهران از راه کرمانشاه به بغداد و بوشهر را دایر ساخت که تحت نظارت وزارت اداره میشوند.

چندین فرودگاه در نقاط مختلف کشور ساخته اند که بعضی از آنها احتیاج بتعهییر اساسی دارند. تقریباً هر یک از شهرهای مهم ایران دارای فرودگاه است که از آنجمله میتوان فرودگاه عظیم تهران و نیز فرودگاه شهرهای غازیان مقابله بندر پهلوی و تبریز و مشهد و همدان و کرمانشاه و اصفهان و بوشهر و اهواز و جاسک را نام برد.

شرکت نفت انگلیس و ایران هم چندین فروند هوایپما دارد که برای فرود آمدن و پرواز آنها فرودگاههای خوب و قابل استفاده ای در آبادان و سایر نقاط تزدیک بمعادن نفت ساخته است.

برای ایجاد و توسعه هوایپیمائی کشوری توجه بیشتری مبذول گردیده و در ماه اوت سال ۱۹۳۹ تحت حمایت و سپرستی اعلیحضرت رضا شاه باشگاه هوایپیمائی تأسیس شد و در اولین جلسه رسمی آن که در ماه زوئن سال ۱۹۴۰ تشکیل گردید ۲۵۰،۰۰۰ نفر عضو این باشگاه شدند.

و سپس به پادشاه گزارش داده شد که در همان جلسه بیش از سه هزار نفر برای آموختن فن خلبانی نام نوشته اند که از این عده چهل و پنج نفر قبل این فن را آموخته بودند و در فرودگاه باشگاه هوایی ایرانی که در هفت میلی تهران واقع است و همچنین در فرودگاه شهرهای اهواز و مشهد شروع به پرواز کردند.

مخصوصاً ثبت نام چند باخوبی ایرانی برای آموختن فن خلبانی که بعداً این فن را باخوبی یاد گرفتند باعث اختخار و مباهاث گردید. سرویس‌های پستی که زیر نظر و با مسئولیت وزارت پست و تلگراف اداره می‌شد نسبتاً سریع و سالم است ولی با یابده این نکته توجه داشت که چون حمل و نقل بیشتر سرویس‌های پستی از جاده‌های شوشه صورت می‌گیرد خوبی و بدی هوا در حرکت پست‌ها تأثیر دارد. حمل و نقل سرویس‌های پستی غالباً با دست کنترانچی‌ها صورت می‌گیرد که علاوه بر پست مسافرهم با همان ماشین‌ها ایاب و نهاد می‌کند.

همانطوری که علاقمندان به تمبر اطلاع دارند از سال ۱۸۷۰ میلادی تمبر پستی درین کشورهای جهان معمول و متداول گردید و ایران در سال ۱۸۷۷ عضویت اتحادیه پستی بین‌المللی را پذیرفت اما بهای تمبری که فعلاً برای مرسولات خارجی در کشور ایران دریافت می‌گردد با آن مقررات پستی بین‌المللی وفق نمیدهد.

سرویس‌های تلفن و تلگراف ایران متناسب است اما بقدر لازم توسعه ندارد (در حدود هفده هزار میل) و تلگراف را روی خطوطی که قبلاً شرکت تلگرافی بریتانیا و هند و اروپا برای ارتباط هندوستان با ممالک غربی بنا کرده بود ساخته‌اند.

خطوط تلگراف و تلفن در اغلب جاها یک سیم دارد که روی تیرچوبی نازکی استوار است و با یک باد و باران تندر پاره میشود در صورتی که نگاهداری و حفاظت خطوط تلگراف و تلفن برای ارتباط نقاط مختلف کشور لازم و در خور تقدیر و تمجید است.

از چند سال قبل در شهرهای بزرگ ایران دستگاه بی سیم وجود دارد که باز رگانان برای اطلاع از قیمت کالاهای و مبادله اخبار تجاری از آن استفاده میکنند و باید دانست که شرکت نفت انگلیس و ایران هم دستگاههای مخصوص بی سیم دایر کرده است که با کلیه نقاط نفت خیز و مخصوصاً مناطق دورافتاده نقی ارتباط دارد.

روزیست و سوم ماه آوریل سال ۱۹۴۰ وی بعد ایران دستگاه فرستنده رادیو تهران را افتتاح کردند.

وظیفه اصلی این دستگاه آنست که اخبار و مطالب مربوط به کشور و امور داخلی را برای اطلاع مردم پخش کند.

در ایران رادیوهای آلمانی و امریکائی و انگلیسی خریدار دارد و در اغلب جاها مورد استفاده مردم است.

چون رادیوهای خصوصی در ایران کم است برای استفاده مردم در خیابانها و جاهای عمومی بلندگو گذارده اند.

برای پخش اخبار و گویندگی رادیو آموزشگاهی باز شده است که برای اصلاح و پیشرفت این امر بی تأثیر نیست.

۱ - برای بالارفتن سطح فرهنگ عمومی بر حسب امر اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی دولت مأمور گردید که در تمام استانها و شهرستانهای ایران رادیو تأسیس کند و خوشبختانه تاکنون این امر پیشرفت زیادی کرده و در اغلب استانها و شهرستانهای درجه اول ایستگاههای فرستنده تأسیس و دایر گردیده است و از نیمة دوم سال ۱۳۴۲ تلویزیون ایران هم شروع بکار کرده است. مترجم

تمام روزنامه‌های ایران از اخبار مربوط به آلمان و امریکا و انگلیس پر می‌شود و ملت ایران باشیدن اخبار رادیوئی جهان و مطالعه روزنامه‌ها از جریان وحوادث عالم باخبر می‌گردد. اخیراً عملیات مربوط به پخش اخبار و مطالب مفید تحت نظارت وزارت فرهنگ قرار گرفته و احتمال دارد که با این ترتیب اصلاحات قبل ملاحظه‌ای در امور رادیو و سخن پراکنی بعمل آید.

در قسمت کشاورزی و صنایع هم دو منظور در آن واحد تعقیب می‌گردد اول آنکه کشور را از محصولات خارجی بی نیاز نمایند و دیگر اینکه ایران را از نظر صنعت بطوری غنی سازند که مرکز صنایع خاور نزدیک بشود و از آن رو نه فقط صنایع موجود فعلی با حفظ رویه انصار و از دید حقوق و عوارض گمر کی حمایت می‌گردد بلکه سیستم‌های جدید صنعتی که غالباً تحت نظر دولت اداره می‌شود روز بروز پیشرفت و توسعه می‌آید.

صنایع محلی ایران تماماً از نوع کارهای دستی است. قالی‌های ایران در سراسر جهان شهرت دارد و تا کنون هم طریقہ نساجی قدیم حفظ شده است. استخدام بچه‌ها برای کار کردن در کارخانه‌ها کمتر شده است و اصلاحاتی هم در امور صنایع بعمل آمده ولی باز هم در این کشور صنایع جدید پای کشورهای متmodern جهان نمیرسد.

از چندی قبل متدرجأ جنس قالی و اسلوب قالی بافی رو با نحطاط میرفت اما دولت متوجه اهمیت موقعیت این صنعت عالی در خارج گشت و از سال ۱۹۳۷ امور قالی بافی را در تحت نظارت دقیق قرارداد.

برای صدور قالی‌های جوهری مالیات و جریمه سنگینی وضع گردید و برای تعلیم قالی باف‌های ماهر و نقشه‌کش‌های زبردست آموزشگاه

مخصوصی تأسیس کشت.

بازار عمدهٔ قالی ایران کشورهای متحدهٔ امریکا است و هر چند کار قالی بافی و نقشهٔ کشی بست ایرانی‌ها صورت می‌گیرد اما امریکائی‌ها هم در نقاط مختلف ایران که مراکز قالی‌بافی است نمایندگی‌های دایر کرده‌اند. اتخاذ طریقهٔ مخصوص تهیهٔ قالی برای بازارهای (ماوراء بخار) اثراتی در نقشه‌های قالی ایران داشته است که غالباً سودمند نبوده ولی هنوز هم نقشه‌های خوبی از تبریزو-کرمان و کاشان بیرون نیاید (در کشور ایران دیگر قالیچهٔ بخارائی نمی‌باشد).

مینیاتورسازی که از صنایع قدیمی کشور ایران است هنوز رواج دارد اما آن اصالت سابق را از کف داده است

کیفیت وارزش مینیاتور روی موضوع و نقشه نیست زیرا موضوع و نقشه را همواره از کارهای قدیم تقلید می‌کنند بلکه ارزش و کیفیت مینیاتور مربوط به ریزه‌کاری و ظرافت آنست که اگر دست استاد اصفهانی برای ساختن آن بکار رفته باشد واقعاً شگفت‌آور است. اصفهان مرکز بسیاری از هنرها و صنایع دستی از قبیل: فلزکاری، قلاب‌دوزی، رنگ و روغن زنی و منبت‌کاری است.

قلمکاری از مختصات هنرمندان اصفهان می‌باشد.

شیراز برای شراب‌های عالی و همدان برای ظروف آبی لعابی شهرت دارند. کارخانه‌های بافندگی دستی از همه نوع در تمام شهرهای ایران هست اما بافندگی جدید بسرعت طریقهٔ نساجی دستی را از میان میرد. دسته دوم صنایع ایران که مورد تشویق می‌باشد عبارتست از مواد خام و محصولات فلاحتی از قبیل: پنبه، پشم، ابریشم، چغندر قند وغیره.

موضوعی که بی اندازه مورد توجه قرار دارد اینستکه کشور ایران بطور کلی بخود تکیه کند و محتاج دیگران نباشد و بجای آنکه مواد اولیه را بخارج بفرستند و بصورت کالاهای گوناگون دوباره به ایران بیاورند تمام عملیات را در خود ایران انجام دهند.

کشور ایران ظاهراً آنچنان در مضیقه نیست که مجبور باشد برای اداره امور خود تمام محصولات فلاحتی خویش را بکشورهای خارجی بفروشد اولین کارخانه قند در کهریزک ده میلی جنوب تهران بنا گردید که در سال ۱۹۳۶ - ۱۹۳۵ محصول سالیانه آن ۲۲۱۱ تن قند بوده است.

کارخانه‌های دیگر قندسازی هم پس از آن بنا گردید که ماشینهای آن ساخت کارخانه اشکودای کشور چک اسلواک است.

بزرگترین کارخانه‌های قند ایران در کرج و ورامین و مرودشت نزدیک شاهی است.^۱

(اکنون این کارخانه‌های قند در کنار راه آهن قرار دارند) و کارخانه‌های قندسازی کوچک دیگری هم در نزدیکی شیراز و شاه‌آباد نزدیکی کرمانشاه و میاندوآب نزدیکی دریاچه رضائیه و نزدیکی اراک و نزدیکی مشهد ساخته‌اند.

در این کارخانه‌ها هم قند و هم شکر درست می‌شود و در نزدیکی کارخانه قند کرج اراضی زیر کشت چغندر فوق العاده زیاد است.

در سال ۱۹۴۰ - ۱۹۴۰،۰۰۰ تن چغندر قند در کارخانه‌های ایران مصرف شد و در سال ۱۹۳۹ هم مصرف آنها ۱۷۰،۰۰۰ تن چغندر بوده است. محصول قند تمام کارخانه‌های ایران سی تا چهل هزار تن می‌باشد که یک

۱ - مرودشت در نزدیکی شیراز واقع است. مترجم

سوم احتياجات کشور را تأمین میکند . محصول صنعتی دیگر ایران که اهمیت زیادی دارد چیز سازی است که خیلی پیشرفت کرده و ایران از این حیث دیگر بروزیه و سایر کشورهای فروشنده چیز محتاج نیست .

بزرگترین کارخانه بافتگی ایران دز شهرشاهی ساخته شده است که دوازده هزار دوک دارد و محصولات آن فقط برای تأمین احتياجات ارش است . کارخانه های دیگر بافتگی در شهرهای یزد ، اصفهان ، بندر عباس ، سمنان ، کرمان ، تبریز و تهران ساخته شده است .

بطور کلی در سراسر کشور ایران چهل هزار دوک رسندگی در کارخانه های مذکور کارمیکند . پارچه های پشمی در کارخانه های تبریز و قزوین و یزد و اصفهان و پارچه های ابریشمی در رشت و چالوس باقته میشود برای ساختمان های جدید و بناهای چند طبقه که در ایران ساخته میشود سیمان لازم بود روی همین نظر در سال ۱۹۳۲ یک کارخانه سیمان در کهریزک^۱ تأسیس گردید که روزی یکصد تن سیمان محصول میدهد و در سال ۱۹۳۵ کارخانه های دیگری ساختند که روزی سیصد تن محصول میدهد ولی باز هم برای ساختمان های ایران کافی نیست .

در مشهد کارخانه کنسرو میوه و در رشت و شاهی کارخانه گونی بافی تأسیس یافته است . در تبریز کارخانه های زیادی ساخته اند که از آنجمله کارخانه چرمساری است .

در رامین ، بابل ، تبریز ، اصفهان و جاهای دیگر کارخانه های روغن کشی نباتی دایر شده است .

کارخانه های دخانیات تهران احتياجات تمام مردم مملکت را از حیث سیگار ، توتون و تبا کو مرتفع میسازد و گفته میشود در کارخانه های

۱- کارخانه سیمان در شهر ری واقع است . مترجم

دخانیات روزی دوازده میلیون عدد سیگار درست میکنند.
اخيراً در ایران کارخانه های کتیرا سازی - رشته فرنکی و میوه خشک کنی دایر کرده اند.

سومین دسته صنایع سنگین و عمومی ایران عبارتست از کارخانه کشتی سازی که در بندر پهلوی تأسیس گردیده و در ماه نوامبر سال ۱۹۴۰ اولین ناو حفار را ساخته و با ب انداخت و همچنین کارخانه های آهن سازی و ذوب فلزات مازندران (یک استگاه ماسیع ذوب آهن در ایران بکار رواند افتاد که روزی سیصد تن آهن محصول میدهد).

کارخانه های هوای پیما سازی، اسلحه سازی، تعمیر لکوموتیو و واگن وغیره نیز جزء این دسته یعنی صنایع سنگین میباشد.
معدن ذغال سنگ زیر اب نزدیک البرزو کانه های آهن سمنان و مس عباس آباد مرتبأ استخراج میشود.

در ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ یک کارخانه بلور سازی نزدیک تهران تأسیس گردید و در نزدیکی آن، کارخانه کاغذ سازی و کفش دوزی هم دایر شد.

در همدان و تبریز کارخانه های کبریت سازی تأسیس شده است.
طبق نقشه اخیری که ب مرحله اجرا در آمده است در نظر دارند کشور ایران را از حیث تمام مواد شیمیائی که اکنون از کشورهای خارجی وارد میگردد مستغنی سازند و احتیاجات داخلی را در خود مملکت فراهم آورند.

در خارکون مازندران، کارخانه قیر سازی ساخته اند و در نزدیکی که بریزک کارخانه صابون و گلیسیرین سازی تأسیس یافته است که قادر است روزانه یک تن و نیم گلیسیرین و بیست تا بیست و دو تن انواع صابون

و پنج تن شمع و پنجاه کیلو گرم مواد چربی دیگر بدهد (این کارخانه آخرین کارخانهای است که در ایران تأسیس گردیده است) .

بموجب نقشه و برنامه‌ای که در دست است باید کارخانه هائی برای تهیه چربی نباتی ، لاستیک ، کاربن ، سودا و اسید هیدروکلریک تأسیس یابد .

در حال حاضر در سراسر کشور ایران یکصد و پنجاه کارخانه بزرگ وجود دارد که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است .

فصل بیست و نهم

نفت ایران

اینک ما بشرح مهمترین قسمت صنعتی و اقتصادی ایران که مفصل راجع با آن در فصول گذشته صحبت شده است میپردازیم. باید داشت که بدولت ایران برای توسعه و اصلاح این منبع اقتصادی مهم اختیارات چندانی داده نشده است زیرا میل نداشتند اهمیت این گنج سرشار بطوری که باید و شاید تشخیص داده شود.^۱

بطور قطع از چند هزار سال پیش بوجود منابع و معادن نفت در ایران پی بردن دولی تا سال ۱۹۰۱ که دارسی امتیاز استخراج آنرا بدست آورد عملاء در صدد استخراج این ماده حیاتی بر نیامده بودند و سعی و کوششی در این راه مبذول نگردیده بود.

بحث در اطراف امتیاز استخراج نفت و تاریخ مربوط به شرکت نفت انگلیس و ایران را برای فصل بعدی میگذاریم و در اینجا فقط از سازمان و تشکیلات موجود نفت و محصول آن و همچنین مرکز معادن نفتی و ترتیب استخراج آن صحبت میداریم.

معادن مهم و پرحاصل این شرکت در تزدیکی معبد باستانی اشکانیان

۱- در سال ۱۳۲۹ صنعت نفت ایران ملی شد و از شرکت نفت ایران و انگلیس خلع ید گردید. مترجم

یعنی مسجد سلیمان قرار دارد و ممکن است چاههای دیگری در سایر نقاط حفر شود که محصولش بیش از چاههای فعلی باشد اما در حال حاضر معادن این نواحی نهایت اهمیت را داراست.

چاههای که برای استخراج نفت پیش از چاههای مذکور حفر گردیده‌اند در هفتگل شصت میلی جنوب غربی همچنین در آغاز جاری نزدیک بهبهان و گچساران هفتاد میلی جنوب‌غربی و در شمال شرقی مسجد سلیمان میباشند.

نفت اغلب این چاهها از عمق سه‌هزار تا چهار هزار پا بیرون می‌آمد ولی اخیراً چاههای حفر کرده‌اند که عمق آنها بیش از ۵۰ هزار پا است.^۱ تمام این معادن بالوله به پالایشگاه آبادان در جنوب خرمشهر متصل شده‌اند و یا بعداً اتصال می‌گردند و از آنجا نفت خام و تصفیه شده و سایر مواد نفتی با کشتی بخارج حمل می‌گردد.

لوله‌های فعلی غالباً ده اینچی هستند و آنها را بیکدیگر جوش داده‌اند ولی در سابقه لوله‌های شش اینچی و هشت اینچی بکار میرفت که با پیچ و مهره بهم‌وصل می‌شدند. در نقاطی موسوم به تمبی (Tembí) و کوت عبدالله (Kut Abdolleh) (و دارکوین Dorquaine) مراکز مخصوصی

۱ - منابع و چشمehای نفت معمولاً در طبقات زیر زمینی و در صخره‌ها است که منافذ زیادی دارند و شبیه سنگهای آهکی هستند اما یک سنگ بسیار بزرگ از جنس صخره‌های غیر قابل نفوذ روی آنسرا پوشانیده است. در ایران نفت چاهها تحت فشار مختلف قرار دارد و بمحض اینکه صخره سرپوش را مته حفاری سوراخ کرد نفت با فشاری که دارد خود بخود بالا می‌آید و فوراً می‌کند در صورتیکه در سایر کشورهای نفت خیز نفت را بوسیله تلمبه بالا می‌آورند.

اولین چاه نفت در ایران چند صد پا بیشتر عمق نداشت اما همینکه نفت آن چاه به اتمام رسید تجربه‌ای شد که چاههای دیگر را بیشتر حفر کنند و عمق آنان خیلی زیاد باشد که بزودی نفت آنها تمام نشود. (مؤلف)

برای ازدیاد فشارلوهها ساخته‌اند تا در موقع لازم تلمبه بزنند و نفت را از یکصدویست میلی به پالایشگاه بیاورند.

چاههای نفت را عموماً در نقاط کوهستانی حفر کرده‌اند ولی پالایشگاه در زمین هموار بنا شده است و بهمین نظر بعضی مسائل فنی مربوط به لوله کشی و فشارداشتن لوله‌ها برای رساندن نفت بمراکز کاملاً حل گردیده است.

پالایشگاه آبادان که یکی اوتیر گرین (پالایشگاه‌های نفت دنیاست در اراضی بسیار وسیعی بنا گردیده و دارای همه نوع دستگاه‌های تصفیه است و همچنین برای نگاهداری مواد نفتی مخازن بسیار بزرگی ساخته‌اند).

قبل از جنگ سالیانه ده میلیون تن نفت در پالایشگاه آبادان تصفیه میشد که مقدار بسیار کمی از آن در ایران بمصرف میرسید و قسمت عمده محصول نفت بوسیله کشتی‌های نفتکش به بریتانیا و سایر کشورها حمل میگردید (بیست درصد نفت انگلستان را از ایران میردد). شرکت نفت انگلیس وایران یکصد فروند کشتی نفتکش بزرگ دارد که میتوانند ده‌هزار تن نفت حمل کنند.

ناوهای نفتکش شرکت نفت انگلیس وایران شعبه‌ای از شرکت حمل و نقل مواد نفتی بریتانیا محسوب میشوند.

نفت مورد احتیاج کشور ایران در پالایشگاه کرمانشاه که طبق قرارداد سال ۱۹۳۳ تأسیس یافت تصفیه میگردد.

نفت شاه که در سرحد کشور عراق استخراج شده (این چاه از نظر جغرافیائی جزء ناحیه نفتی خانقین است) و با یک لوله سه اینچی به

پالایشگاه کرمانشاه می‌آید در همانجا تصفیه شده و با کامیون‌های نفتکش و یا پیتهای حلبی چهارگانی که در تمام شرق مورداستعمال است به انبارها و نواحی مختلف ایران حمل می‌شود.

اغلب مراکز و نواحی نفتی ایران در نقاطی است که قبله‌یچ نوع آبادی در آن جاهای وجود نداشته است و شرکت نفت بننا چار باید نه تنها برای سه هزار و پانصد نفر کارمندان خارجی خود که ملیت‌های مختلف دارند (بیشترشان انگلیسی و هندی هستند) خانه و همه نوع مایحتاج زندگی فراهم‌سازد بلکه ناگزیر است برای بیست هزار نفر کارمند ایرانی هم همه قسم وسایل آسایش تهیه کند.

کارگران و کارمندان ایرانی که در دستگاه‌های مختلف شرکت نفت مشغول کارند کم کم در کارهای فنی جای متخصصین خارجی را می‌گیرند.

بیمارستانها، باشگاه‌ها، میدان‌های بازی، سینماها، مغازه‌ها و خانه‌های جدید وزیبا برای کارکنان شرکت نفت در صحراء‌های سوزان و روی کوه‌های خشک و بی‌آب و علف ساخته شده است.

از نظر ملی ایرانی یکی از مهمترین و مفید ترین کارهای شرکت نفت آنست که بدایرانیان کارهای فنی را می‌آموزد و آنان را برای اداره کردن صنعت نفت آماده می‌سازد.

در ابتدای کار بسیاری از کارمندان شرکت را از بین افراد ایلات وعشایر نواحی نفت‌خیز انتخاب کردند و سپس از کلیه شهرها و نقاط مختلف ایران کارمندان مورد احتیاج را استخدام نمودند در صورتی که هیچیک از آنان تخصص و تجربه قبلى در کارهای مربوط به نفت نداشتند اما بزودی معلومات لازم را فرا گرفتند و در این قسمت استعداد خوبی نشان دادند

بقسمیکه نه تنها شرکت از وجود تمامی آنها در دستگاههای نفت استفاده کرده بلکه توانستند کارخانه های جدیدی را که در نقاط مختلف کشور تأسیس شده بود اداره کنند.

برای مدتی عده زیادی کارکنان هندی و عراقی هم در شرکت مشغول کار بودند ولی طبق موافقنامه اخیر شرکت با دولت ایران کارمندان عراقی بکلی از کاربر کنارشدن و کارکنان هندی نیز روز بروز کم میشوند.

در آبادان آموزشگاه مخصوصی تأسیس شده است که بچه های چهارده ساله را پس از پایان دوره دبستان برای تعلیم کارهای فنی مختلف قبول میکند و هر نوع کاری را که بیشتر علاقه داشته باشند آنان می آموزد.

عدمای از این بچه های آموزشگاه دیده پس از پایان دوره آموزشی در شرکت نفت میمانند و بخدمت خود ادامه میدهند و عده ای هم بشمال ایران میروند و بنام کارдан و متخصص در نواحی صنعتی کشور شغل و مقام خوبی بدست می آورند.

بسیاری از کارهای فنی شرکت نفت از قبیل: رانندگی، میکانیکی، حروفچینی وغیره بدست ایرانیان اداره میگردد و در عین حال آنان روز بروزدر کار خود استادتر شده و امور فنی دیگر را هم می آموزند.

در سازمان و تشکیلات شرکت نفت بیکاری وجود ندارد بقسمی که حتی برای آنها هی هم که مختصر اطلاع و معلوماتی دارند کاری بفرآخور حالشان در نظر میگیرند.

شرکت کارهای عادی و معمولی دیگری هم دارد که بمناسبت فصل و احتیاجات دستگاههای مختلف تغییر میابد و برای این نوع کارها از وجود دهقانان و عشاير که اول پائیز بنواحی صنعتی نفت می آیند و اول

تابستان به مزارع و دهات خود بر میگردند استفاده میشود.
وضع کارگران طبق قانون کار که در ماه اوت سال ۱۹۳۶ تصویب
مجلس شورای ملی ایران رسید بهبودی یافت این قانون اولین قانونی بود که
دولت ایران برای بهبود اوضاع کارگران از مجلس شورای ملی گذراند.
آنطوریکه از من آن قانون استنباط میگردد مقادش خیلی سخت
است و هر گونه آزادی عملی را محبود میسازد.

بموجب همین قانون اتحادیه اصحاب بهتر صورت و بهر قصد
ممنوع است جنبش و اعتصاب کارگران هم غیرقانونی شناخته شده باشند
در کارخانه بروی کارگران را هم بلکه قدغن کرده است و در حقیقت
نسبت به کارگر و کار فرما هردو توجه نموده و منافعشان را ملحوظ
داشته است.

این مقررات از آن جهت است که ایرانیان با این گونه مسائل تزدیک
و آشنا شوند و تصور نمیروند در کشوری که تا این حد از امور صنعتی دور و دور
عمل بی تجربه است مقرر اتفاق بخوبی این قابل اجرا باشد.

فصل سی ام

شهرسازی - بازارگانی داخلی و خارجی - انحصارها - امور ارزی

صرفنظر از ایجاد کارخانه‌ها شاه برای تجدید ساختمان شهرهای بزرگ و کوچک سیاست بخصوصی را تعقیب میکند و پیش‌توجهات و مساعی او برای آباد کردن تهران صرف میشود. در این شهر با نهایت بی‌رحمی نقشه‌های ایجاد شهری جدید اجرا میگردد و با اجرای همین تصمیم است که از کوچه‌های تنگ و باریک و خانه‌های بهم حسینیه تهران سابق که نمونه کاملی از شهرهای شرقی است خیابانهای وسیع و مستقیم احداث کرده‌اند و در دو طرف این خیابانها درخت کاشته‌اند.

خانه‌های بسیار زیبا و مجلل سراسر خیابانهای جدید تهران را زینت داده و آن شکوه و جلوه خاصی بخشیده است. قسمت اعظم این ساختمانها و بناهای باشکوه متعلق به دولت و مرکز ادارات و سازمانهای دولتی است. اداره کل شهربانی، بانک ملی ایران، شهرداری تهران، وزارت جنگ و ادارات وابسته آن و همچنین سایر سازمانهای دولتی هر یک بناهای جدیدی درست کرده‌اند و در این بناهای باشکوه مستقر گشته‌اند. کاخ جدید و باشکوهی برای شاه ساخته‌اند و جدیدترین بنای عالی

دولتی کاخ وزارت امور خارجه است که ساختمان آن در ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ پایان یافت.

این طرز فکر و روحیه مختص مردمان ایران زمین است که ساختمان عمارت و خانه‌ها را تا این حد با اهمیت دانسته و بر سایر کارهای عمومی مقدم میداردند.

تهران در حال حاضر کارخانه برق دارد اما برای روشنایی شهر کافی نیست و بنای چار در هر شب برق قسمتی از شهر قطع میگردد ولی در ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ کارخانه برق جدیدی احداث شده است که تصور می‌رود برای روشنایی شهر کفایت کند.

نقص دیگر تهران اینستکد منبع آب ندارد و آب آشامیدنی اهالی از جویهای رو بازی است که در کنار خیابانها و کوچه‌ها کنده‌اند.

بطور حتم تمامی این نواقص رفع خواهد شد و برای اصلاح امور و احتیاجات عمومی اقدامات جدی و فوری معمول خواهد گشت چنان‌که در بودجه سال ۱۹۴۱-۱۹۴۲ هزینه لوله کشی و احداث مخازن و تصفیه خانه‌های آب شهر تهران پیش‌بینی شده است.^۱

با وجود این جای تأسف است که تمام فعالیتها صرف اصلاح وضع ظاهری شهر میگردند و بحث امور را از فراهم ساختن نیازمندیهای عمومی بهتر میدانند و بصورت سازی بیشتر توجه دارند.

در مراکز استانها و شهرهای بزرگ ایران نیز همین نوع اصلاحات البته قدری محدودتر از تهران بعمل آورده‌اند.

اصلاحات بعضی از شهرهای اندازه‌ای عملی تر از تهران صورت گرفته

۱ - شهر تهران چندسالی است که لوله کشی شده و مردم از آب تصفیه شده استفاده می‌کنند. مترجم

است مثلاً بجای اینکه با زحمت زیادی خانه‌های قدیمی سازرا از میان بردارند و جای آن بناهای تازه‌ای بسازند در اطراف شهرها محله‌های جدیدی احداث کرده‌اند که بزودی همان محله‌های جدید احداث مرکز شهر می‌شود.

شهرهای اهواز و اراک نمونه قابل ملاحظه‌ای از پیشرفت این نقشه می‌باشد.

ساختمان شهرها باید از روی نقشه معین صورت گیرد و برای این کار مقرراتی وضع کرده‌اند که بدون تحصیل پروانه مخصوص نمیتوان بنای جدید ساخت.

بطوریکه باطلایع خوانندگان گرامی دولت ایران سعی دارد صنایع خود را بقسمی توسعه دهد که از کالاهای خارجی بی نیاز باشد اما با وجود این ایران در حال حاضر و همچنین در آینده برای مدتی محتاج کالاهایی است که باید از کشورهای خارجی وارد کند.

در پایان جنگ اول جهانی روسیه شوروی که مهمترین فروشنده کالا بدان ایران بود مقام خود را ازدست داد و در این مورد بریتانیا جای او را گرفت اما اکنون دوباره روسیه شوروی متوجه اجای سابق خود را گرفته است و تقریباً اولین فروشنده کالا بکشور ایران محسوب می‌گردد.

بعد از روسیه شوروی کشورهای بریتانیای کبیر و ایالات متحده امریکا و آلمان و رژیم مهمندین فروشنده‌گان کالا به ایران هستند.

نیازمندیهای عمده ایران به کالاهای کشورهای خارجی عبارتست از: پارچه، اسباب و لوازم موتوری، ماشینهای مختلف و محصولات شیمیائی.

کشور ایران در سال ۱۹۳۵ چهار میلیون دolar ماشینهای مختلف

از ایالات متحدهٔ امریکا خریداری کرد ولی بعد از آن کشورهای اتحاد جماهیرشوروی و آلمان فروشنده‌گان ماشین‌آلات باین کشور هستند.^۱

در مقابل این واردات کشور ایران مواد نفتی بخارج صادر می‌کند که به تنهاًی بهای آن دوسوم جمع کل صادرات این کشور است و همچنین کالاهای دیگری از قبیل قالی، قالیچه و انواع محصولات کشاورزی که عبارتست از: برنج، صمغ، کتیرا، مغزبسته، پوست، تریاک و خاویار بی‌مبالغ خارجی می‌فروشد.^۲

مهمنترین خریدار نفت ایران قبل از جنگ کشورهای متحدهٔ بریتانیا و مصر و فرانسه و ایتالیا بودند.

قالی و قالیچه ایران بکشورهای متحدهٔ امریکا و ترکیه و بریتانیا کمتر و هندوستان و عراق صادر می‌شوند.

کشور ایران فقط در دو کشور خارجی نمایندگی رسمی بازرگانی دارد که آن دو کشور عبارتند از ایالات متحدهٔ امریکا و آلمان. سیاست بازرگانی ایران آنست که در درجهٔ اول محصولات کشور را افزایش دهد و مصرف داخلی آنرا زیاد کند. یک نمایشگاه دائمی کالاهای ایرانی در تهران تأسیس گردیده است و جدیداً برای تشویق سازندگان کالاهای مقرر اتی هم وضع کرده‌اند و رویه‌مرفه برای خوبی جنس و مرغوبیت کالاهای ایرانی کوششهای زیادی می‌شود.

تا چندی پیش قسمت اعظم احتیاجات ارش از محصولات خود ایران تأمین می‌گردیده‌اند از ماه مارس سال ۱۹۳۹ مقرر گردید که کلیه افسران

۱ - البته این موضوع مربوط به قبل از فعالیت‌های مشترک کشورهای انگلستان و روسیه بوده است. مؤلف

۲ - کشت خشک‌خاش در کشور ایران بکلی منع شده و با استعمال تریاک شدیداً مبارزه می‌شود، تریاک‌ها راهنم دولت با وسائل گوناگون معالجه کرده است. مترجم

و مأمورین کشوری احتیاجات خود را با کالاهای ایرانی مرتفع سازند .
سیستم انحصاری در کشور ایران برقرار است .

بعضی از کالاهای مورد نیاز عمومی از قبیل : توتون ، تنباکو ، سیگار ،
تریاک ، پارچه‌های نخی ، قند و شکر . کبریت و انواع اتوموبیل و لوازم
یدکی آن و ماشینهای دیگر در انحصار دولت میباشد و دادوستد این
کالاهای برای تجارت بکلی ممنوع است .

در سال ۱۹۳۹-۱۹۴۰ در آمد دولت از این کالاهای انحصاری بقرار
ذیل بوده است :

۱ - دخانیات ، توتون ، تنباکو ، سیگار	۱۸۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۲ - تریاک	۸۵،۰۰۰،۰۰۰
۳ - قند و شکر	۱۶۰،۰۰۰،۰۰۰
۴ - قماش	۸۲،۰۰۰،۰۰۰
۵ - کبریت	۵،۰۰۰،۰۰۰
۶ - اتوموبیل و کامیون	۱۸،۰۰۰،۰۰۰

جمع کل ۵۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

در سالهای مذکور که در آمدهای انحصاری دولت بالغ بر پانصد
وسی میلیون ریال میگردد^۱ قیمت هر لیره انگلیسی هشتاد ریال بوده است .
بطور کلی بهای کالاهای دیگر که جزء مایحتاج زندگی مردم میباشد
از قبیل نفت و منسوجات پشمی خارجی و داخلی تحت کنترل دولت است .
تمام کالاهای انحصاری و بطور کلی امور انحصار دولت در داخل کشور
زیر نظر وزارت دارائی است و بموجب قانون سال ۱۹۳۱ امور انحصار

۱ - باید خوانندگان گرامی در نظر داشته باشند که این ارقام مربوط به سال ۱۹۴۰
و ۱۹۳۹ میلادی میباشد که مطابق است با سالهای ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ شمسی . مترجم

بازرگانی خارجی را وزارت بازرگانی اداره میکند . دولت از دوراه در امور بازرگانی خارجی نظارت داشته و کنترل دقیقی بعمل میآورد بدین طریق که از یکطرف ورود اشیاء تجملی را مشکل و بلکه ممنوع ساخته است وaz طرف دیگر هیچ نوع کالائی را نمیتوان به ایران آورد مگر آنکه برابر بهای آن کالائی از ایران صادر و بازار کشورهای خارجی فرستاده شود.

وارد کردن شراب و سایر فوتشابهای الکلی ، اسلحه ، اسباب و آلات موسیقی ، پارچه ، ظروف چینی ، اثاثیه خانه ، دارو و لوازم طبی و بسیاری از کالاهای و لوازمات دیگر با تحصیل پروانه امکان دارد که باید وزارت بازرگانی این پروانه را صادر و یوارد کننده کالا و یا لوازم مذکور بدهد و بطور کلی ورود کالا از کشورهای خارجی به ایران در صورتی میسر است که وارد کننده کالا پروانه بگیرد و ارز خارجی را که از فروش مال التجاره خود بدست آورده است بیانک ملی بسپارد که برابر آن بیول ایرانی با برگ اعتبار داده خواهد شد و پشت پروانه صادره از وزارت بازرگانی را بانک ملی امضاء میکند و در صورتی که تمامی این مقررات اجرا شدآنوقت وارد کننده کالا میتواند برابر نصف ارزی را که بیانک ملی سپرده است از خارج جنس وارد کند و نصف دیگر ارز وارد کننده که در بانک ملی ایران بامانت گذارده است پس از آنکه قیمت آن بیول ایران بصاحب پرداخت گردید متعلق بدولت خواهد بود که برای هزینه تحصیل دانشجویان اعزامی بخارج و خرید اسلحه و لوازم ساختمان راه آهن مصرف میگردد.

یکی از مهمترین منابع ارز خارجی کشور ایران حق السهم دولت از شرکت نفت انگلیس و ایران است که سالیانه به سه میلیون تاسه میلیون و نیم لیره بالغ میگردد .

فصل سی و یکم

گمرک - مالیاتها - بانک‌ها - بودجه

گمرک ایران قبلاً بموجب امتیازی زیر نظر بلژیکی هاداره می‌شد ولی در حال حاضر خود ایرانیان آن را اداره می‌کنند و چنین بنظر میرسد که این تغییر باعث ازدیاد درآمد گمرک شده است.

از کالاهایی که از کشورهای خارجی وارد می‌گردد و همچنین از کالاهای ایرانی که بخارج صادر می‌شود حقوق و عوارض گمرکی نسبتاً سنگینی می‌گیرند و در این مردم چندان فرقی بین کالاهای ضروری و تجملی قائل نیستند اما باید دانست اغلب از کالاهایی که از کشورهای خارجی وارد می‌شود در انحصار دولت است و بهای آن را خود دولت با درنظر گرفتن قیمت جنس مشابه در بازار تعیین می‌کند که در این باره موقع خود در باره ثبت نرخ غله توضیحات کافی باطلاع خواهد کان گرامی رسیده است.

پس از سال ۱۹۱۸ تغییرات زیادی در ارزش پول رایج ایران روی داده است بدین معنی که قران ایرانی از سی و چهارتاً یکصد و سه به نسبت لیره تغییر یافته است. از سال ۱۹۲۲ تا سال ۱۹۲۵ دکتر میلیسپو

(Dr. Millspaugh) مستشار امریکائی در حدود قوانین و مقررات سعی و کوشش زیادی برای اصلاح امور مالی کشور ایران نموداماً با تمام فعالیت- هائی که کرد موقعيتی نصیب شد و سرانجام استغفار داد . در ماه مارس سال ۱۹۳۶ واحد پول رایج ایران از قران برابریال تبدیل یافت بدین ترتیب که یکریال صد دینار و صدریال یک پهلوی نامیده میشد.

در ابتدای امر نظر این بود که واحد پول طلا باشد اما بعد منصرف شدند و همان واحد نقره با قیماند (هر ریالی ۴۰۰-۴۵۰ گرم نقره دارد) . در ماه مارس سال ۱۹۳۶ در برابر لیره یک تنخ رسمی برای ریال تعیین شد و مقرر گردید که هر لیره را هشتاد ریال معامله کنند و حال آنکه این ارزش با قوّه خرید ایران تناسب ندارد اما بموجب مقررات خاصی خرید و فروش لیره آزاد ممنوع گردید.^۱

۱- در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۴ شمسی که مردم ایران مانند امروز از اهمیتی که مؤسسات اقتصادی و عوامل بازرگانی در شفون اداری و زندگانی اجتماعی دارند آگاه نبودند بر حسب دستور اعلیحضرت رضا شاه کبیر او لین با نک ایرانی با سرمایه ایران بنام «بانک پهلوی قشون» در تهران تأسیس گردید.

این بانک روزاول تأسیس در چند باب مغازه که در خیابان سپه واقع بود شروع بکار کرد و سرمایه اولیه آن مبلغ ۳،۸۸۳،۹۵۰ ریال موجودی صندوق بازنیستگی درجه داران قشون بوه و بهمین لحاظ دوره اول عملیات یکساله بانک با فرسان ارتش اختصاص داشت که با پرداخت وامهای تقسیطی برفع نیازمندی های آنان کمک میکرد و جون روز بروز بوسعت کار و عملیات خود میافرود دواین بانک باول خیابان باب همایون یکی از ابینه های قورخانه انتقال یافت و روز ۲۴ اسفند ماه ۱۳۰۴ او لین شعبه این بانک در شهر رشت افتتاح گردید و از همان تاریخ علاوه بر ظایف قبلی خرید و فروش بروات و گشايش اعتبار برای بازرگانان و انجام معاملات بازرگانی آغاز شد و این بانک بعدها بانک تعاونی سپه نامیده شد و اکنون شرکتهای بانک سپه و ریاست عالیه آن با شاهنشاه است .

از سال ۱۳۲۶ فعالیت و کوشش دائمه داری آغاز گردید و نتیجه این شد که در حال حاضر بانک سپه در تمام شهرستانهای کشور شعبه دارد و در همین شهر تهران بواسطه از دیاد معاملات چند شعبه افتتاح شده و سرمایه بانک به شصده و هشتاد میلیون ریال ترقی یافته است . مترجم

این ارزش تا ماه دسامبر سال ۱۹۳۹ باقیماند و در خلال آن مدت یک لیره استرلینگ در بازار سیاه ایران یکصد و بیست ریال و در کشور عراق یکصد و شصت ریال خرید و فروش میشد.

در ماه مذکور مجدداً بهای ریال بهای لیره استرلینگ روی طلا تعیین و تثبیت شد و حالا ارزش آن ۵-۸۰ میباشد و برای تشویق و حمایت از امور بازرگانی نرخ آن با شصت درصد ارزش قانونی تثبیت گردید و معلوم میشود که ایران در فروش کالا و مسائل مالی از محافظه کاری دروغی شرم دارد.

پولهای رایج کشور ایران علاوه بر اسکناس سکه‌ها بست که کمتر از پنج ریال ارزش دارد (قریباً یک‌شلینگ و سه پنس).

اسکناس در سرتاسر کشور و حتی تمام دهات و نواحی دور افتاده ایران هم قبول و بآن داد و ستد میشود.

سابقاً چاپ و نشر اسکناس بموجب امتیازی به بانک شاهنشاهی ایران که یک مؤسسه انگلیسی است و اگذار شده بود اما از سال ۱۹۲۷ این وظیفه بعهده بانک ملی ایران که جدیداً تأسیس گردیده است محول شد.

این عمل یعنی تأسیس بانکملی و چاپ و نشر اسکناس بوسیله آن بانک نمونه بارزی از استقلال مالی ایران است. اعتبار انتشار اسکناس ایران دو بیلیون ریال است ولی در حال حاضر اسکناسی که بجریان گذارده شده کمتر از میزان کل اعتبار میباشد.

۱- پس از آنکه از تلاشها و کوششها ملیون میلیون که برای تأسیس یک بانک مقدار ملی بعمل میآمد نتیجه گرفته نشد سالها یانکداری و اقتصاد کشور تحت سلطه بقیه در زیر صفحه بعد

یکی از سیاستهای مثبت‌مالی کشور ایران آنستکه خودرا ازوامهای

بانکهای خارجی باقی ماند تا آنکه آرامش سیاسی پدیدار گردید و باراده اعلیحضرت رضا شاه کبیر و فعالیتهاى خستگی ناپذیر معظم له مقدمات تشکیل بانک ملی ایران فراهم گردید. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۶ قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران تصویب مجلس رسید و با اینکه بموجب قانون مزبور سرمهایه اولی بانک ۲۰ میلیون تومان تعیین شده بود چون وضع مالی دولت اجازه فراهم آوردن این مبلغ را نمیداد وزارت دارائی بزمت توانست هشتصد هزار تومان باین امر اختصاص دهد بدین ترتیب بانک ملی ایران پسرمایه ناچیز مزبور از تاریخ ۱۷ شهریور ماه ۱۳۰۷ شروع بکار گردید.

تاسال ۱۳۱۱ بانک ملی ایران صرفاً یک بانک بازرگانی بود و با اینکه بتدریج کارهای صرافی دولت و نقل و انتقال وجوه عمومی بآن محول گردید تأثیر چندانی دروضع پولی و صرافی کشور نداشت ولی چون بموجب موافقتنی که بین دولت و بانک شاهنشاهی در سال ۱۳۰۹ بعمل آمد امتیاز نش اسکناس از بانک مزبور بازخرید شد و بموجب ماده (۵) قانون مصوب اسفند ماه ۱۳۱۰ این امتیاز بانک ملی ایران واگذار گردید. از ابتدای سال ۱۳۱۱ اسکناس بانک ملی ایران بجريان افتاد و امور پولی کشور بتدریج تحت رهبری این مؤسسه ملی قرار گرفت و در سال ۱۳۱۷ مجلس شورای ملی ضمن تصویب اساسنامه بانک یکی از وظایف اصلی آنرا حفظ ارزش پول و تنظیم سیاست اعتباری کشور اعلام کرد.

از نظر سرمایه بانک ملی ایران متدرج راه ترقی و تکامل را پیمود تا اینکه در سال ۱۳۱۴ سرمایه آن به ۳۰۰ میلیون ریال که ۲۲۶ میلیون ریال آن پرداخت گردید ترقی کرد و بالاخره در سال ۱۳۳۱ مجموع سرمایه بانک که تماماً پرداخت شد به دوهزار میلیون ریال رسید.

یکی از مشکلات مهم تشکیل و گردش این بانک فقدان متخصص بانکی بود و بهمین علت ابتدا عده‌ای کارشناس خارجی استخدام گردید و ریاست بانک نیز بد کثر لیندن بلات آلمانی واگذار شد. بانک موفق گردید که در مدت کوتاهی عده‌ای متخصص تربیت کند و چون در سال ۱۳۱۰ بعضی از مستخدمین خارجی از حدود وظایف خود تجاوز کرده و مرتكب اعمالی شدند که متناسب نیان فاحش بانک بود بدین جهت از سال ۱۳۱۱ افراد ایرانی بتدریج جانشین مدیران خارجی شدند بطوریکه در حدود سال ۱۳۱۶ بیش از یکی دو تن از آنان در خدمت بقیه در زیر صفحه بعد

خارجیان که گرفتن آن مستلزم تابعیت از نظر آنان و در واقع یک نوع بندگی است و این کشور از یک قرن پیش گرفتار آن بوده رهائی بخشد بهمین جهت است که از آغاز زیریم کنونی تمام ساختمان‌های عمومی مملکت با سرمایدهای داخلی صورت گرفته و کشور ایران دیناری از کشورهای خارجی و منابع مالی بین‌المللی قرض نکرده است.

باید این موضوع را در نظر داشت که مقررات مالی جدید مشکلات

بانک باقی نماند. کارتر بیت متخصص بالکی همچنان دریانک ملی ایران تعییب شد و این مؤسسه توانست اذاین لحظ نیز بتوسعه با نکدامی ایران وبالنتیجه پیشرفت اقتصادی کشور خدمت شایانی بکند.

بدون تردید باید تأسیس بانک ملی ایران را در ردیف بزرگترین خدمات اعلیٰ حضرت رضا شاه کبیر بکشور و ملت ایران دانست زیرا وجود این مؤسسه علاوه بر اینکه در ترقی ایران و تسهیل رشد اقتصادی کشور تأثیر فراوان داشته است از لحاظ سیاسی نیز شایان کمال توجه می‌باشد. قبل از تأسیس بانک ملی ایران خزانه کشور در موقع بحران مالی ناچار دست نیاز بسوی مؤسسات اعتباری خارجی دراز می‌گرد و با قبول شرایط سنگینی که حیات سیاسی کشور را در مخاطره قرار میداد وام می‌گرفت در حالیکه بانک ملی ایران در طول مدت فعالیت خود در معوارد عدیده خزانه کشور را از نیاز به بیگانه نجات بخشیده و با کمکهای خود توانسته است کشور ایران را از چنین خطری مصون و محفوظ دارد.

تسهیل امور خزانه مملکت، اعطای وامهای بازدگانی و صنعتی و تشویق تولید، تهیه مقدمات تشکیل بانک کشاورزی و شرکت داده‌باجاده بانک رهنی ایران، اعطای اعتبارات هنگفت برای تأسیس راه‌آهن سراسری که از آرزو های دیرین مردم این سرزمین بود، حفظ موازنۀ ارزی و حمایت بازدگانی خارجی کشور بر اساس منافع ملی و اعطای اعتبارات لازم بمنظور توسعه امور اجتماعی (شهرسازی، تأسیس کارخانه برق، لوله‌کشی، ساختن خانه‌های ارزان وغیره) از جمله اقدامات و خدماتی است که بانک ملی از بدواتأسیس تاکنون در کشور عزیز ما ایران بعمل آورده است بانک مرکزی هم کو-وظیفه‌اش چاپ و انتشار اسکناس و نگاهداری حسابهای دولتی است چند سالی است تأسیس یافته و بوظایف خود ادامه میدهد. مترجم

و پیچیدگیهای در غرب ایجاد کرده است ولی در مقررات مالی کشور ایران این مسائل بفرنج و مشکل موجود نیست و همینکه در امور اقتصادی کشور پیشرفت بیشتری حاصل شد ممکن است قرضه های داخلی هم تسویه شود و همان طور یکه کشور ایران با سعی و کوشش متفوق تصوری جرأت بخراج داد و خود را از قید سیاستهای خارجی رها ساخت ازدام افکار و عقايد پوج اقتصادی هم آزاد میگردد .

امور مالی راه آهن و صنایع تحت نظر مستقیم وزارت دارائی و بوسیله بانکهای مختلفی از قبیل بانکملی ایران ، بانک کشاورزی و پیشه و هنر و بانک رهنی (در ماه زانویه سال ۱۹۳۹ تأسیس گردیده است) اداره میگردد . در کار بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران در سال گذشته پیشرفت محسوسی حاصل شد بدین معنی که از مجموع ۱۴۴،۶۱۱،۹۲ ریال و امی که این بانک داده بود (عملیات مالی این بانک یکصد و پنجاه درصد نسبت به سال قبل فزونی داشت) مبلغ ۱۵۳،۹۸۰ ریال برای پیشرفت امور کشاورزی و مبلغ ۱۵،۷۲۲،۷۳۸ ریال برای پیشرفت امور صنعتی بمصرف رسیده است .

این بانک بیش از چهل شعبه و نمایندگی در سرتاسر کشور دارد و اخیراً هم برای اصلاح امور آبیاری و پیشرفت امر کشاورزی در منان ، کرمانشاه ، بهبهان ، فارس و خراسان باقدامات مؤثری دست زده است . بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران از ابتدای تأسیس خود که سال ۱۹۳۳ میباشد تا کنون یکصد و پنجاه میلیون ریال یکشاورزان و ام داده است . بانک رهنی برای بنا کردن ساختمان ها و خانه ها در تهران و شهر های دیگر بمردم و ام میدهد .

بانک سابق روس در حال حاضر تحت نظر دولت ایران بوده و بدعاوی
بانک در گذشته رسیدگی میکند.

یک شرکت بیمه ملی همچند سال پیش در ایران تأسیس کردیده
مشغول کار است.

در عرض پانزده سال گذشته مخارج دولت بطور قابل ملاحظه‌ای
افزایش یافته است که برای جبران آن بمالیات هم اضافه شده و هزینه
زندگی بالا رفته است.

در سال ۱۹۲۴-۱۹۲۳ بودجه کل کشور از حیث درآمد ۵،۲۵۰،۰۰۰ لیره واژحیث هزینه ۵،۵۰۰،۰۰۰ درآمد کشور به چهل و پنج میلیون لیره و هزینه آن به پنجاه
و چهار میلیون لیره رسیده است.

این موضوع را باید در نظرداشت که ایران از کسر بودجه خود و
عدم تعادل آن بخوبی آگاه است و این امر را دلیل ترقی و پیشرفت امور
کشور میداند و بدین لحاظ ارزیابی هزینه باک ندارد.

منابع درآمدهای ایران عبارتست از: حقوق و عوارض گمر کی، صادرات
و واردات، کالاهای انحصاری، کارخانجات دولتی، حق السهم شرکت نفت
انگلیس و ایران، سهام دولت در بانک ملی ایران و سایر بانکها، مالیات‌های
مستقیم و غیرمستقیم.

مالیات‌های غیرمستقیم را تمام طبقات میپردازند و چون مردمان کلیه
نقاط و نواحی ایران مشمول پرداخت آن میگردند بدین لحاظ رقم بزرگی
را در بودجه کل کشور تشکیل میدهد.

بموجب قانون مالیات‌های مستقیم کسانی که درآمد سالیانه آنها از

مبلغ ۲۴۰۰ ریال (سی لیره) کمتر باشد از پرداخت مالیات معاف میباشند و آنهایی که درآمدشان از مبلغ مذکور بیشتر است به تناسب درآمد مالیاتی مالیات تصاعدی میپردازند که تا میزان بیست درصد درآمد میرسد.

مثال کسی که سالی دوازده هزار ریال (یکصد و پنجاه لیره) درآمد دارد باید مبلغ ۲۴۶ ریال (سه لیره و یک شلینگ و شش پنس) مالیات پردازد. از بیشتر کالاهای رسیده به ایران از روی وزن مالیات راه میگیرند. ظاهراً این مالیات برای تعمیر و مرمت خطوط ارتباطی کشور است که از عبور و مرور کامیونها و وسائل نقلیه خراب میشووند اما عملاً قسمت عمده‌آن صرف هزینه‌های دیگر میشود. مالیات‌های غیر مستقیم دیگری از فت و بنزین، شراب، عرق و امثال آن دریافت میدارند.

پرداخت بهای تمبرهم برای کلیه اوراق مورد احتیاج مردم از قبیل شکایات دادگستری و نامه‌هایی که بادارات دولتی نوشته میشود لازم است. وصول مالیات از مردم مملکت بمناسبت تغییر رژیم و تجدید اوپرای دولت فرق کرده است بدین معنی که در زمان پادشاهان سابق قبل از استقرار رژیم فعلی شاه برای مصرف شخصی و هزینه‌های دربار خود مالیات میگرفت و چون مردم میدانستند که تمامی این وجوه به جیب پادشاه میرود بعنایین مختلف شانه از زیربار خالی میگردند و تا جائی که امکان داشت از پرداخت مالیات خودداری می‌نمودند ولی حالاً تبلیغات زیادی بین ایرانیان بعمل می‌آید تا اهالی مملکت بدانند و جوهر را که بعنوان مالیات بدولت می‌پردازند برای اصلاح امور خود مردم و عمران و آبادی کشورشان مصرف میگردد وصلاح ملت درآنست که مالیات را تمام و کمال پردازد.

گرچه این تبلیغات تا کنون آنطوریکه باید و شاید اثرات قابل ملاحظه‌ای نداشته است اما این فایده را دارد که مردم مثل سابق ازدست مأمورین وصول مالیات فرار نمیکنند.

بزرگترین رقم مخارج کشور ایران را در سالهای اخیر هزینه‌راه و راه آهن تشکیل داده است که بیش از یک سوم هزینه بودجه کل کشور است و بعد از آن خرج صنایع مملکت را باید نام برد که پس از هزینه‌راه و راه آهن در خور اهمیت است.

در ظرف سالهای ۱۹۴۰ - ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ - ۱۹۴۳ اضافه بر مبالغ منظوره در بودجه کل کشور دو میلیون لیره از اعتبار خیره استرلينگ برای مصارف امور مربوط بازرس اختصاص داده شده است.

اعتبار منظور در بودجه کل کشور برای مصارف وزارتین کشور و فرهنگ هم قابل توجه بوده وارقام بزرگی است.

در حال حاضر در کشور ایران بوم و قرضهای ملی داخلی چندان اهمیت نمیدهد. وام خارجی عمومی هم بطور کلی وجود ندارد.

بمنظور خرید لوازم صنعتی در ماه زوئن سال ۱۹۳۹ دولت بریتانیا پنج میلیون لیره اعتبار بدولت ایران داد اما بعلت بروز جنگ نتوانست تعهد خود را انجام دهد و روی این اصل دولت ایران هم ناچار شد ادعای خود را مسکوت گذارد.

جدولی که در صفحه ۳۶۵ از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد میزان افزایش بودجه کشور ایران را در سالهای ۱۹۴۰ - ۱۹۴۱ و ۱۹۴۱-۱۹۴۲ به ریال نشان میدهد:

نام وزارت/خانه یا اداره کل	۱۹۴۰ - ۱۹۴۱	۱۹۴۱ - ۱۹۴۲
	ریال	ریال
وزارت دربار	۵۲۲۲۴۸۰	۵۲۲۲۴۸۰
مجلس شورای ملی	۹۹۸۵۰۰۰	۱۱۰۸۰۴۷۰
نخست وزیری	۱۰۰۸۰۰۰	۱۱۰۹۷۵۰۰
وزارت جنگ	۴۸۴۷۲۹۹۸۰	۵۹۳۱۲۱۵۲۴
ژاندارمری کل	۳۵۶۷۸۴۰۰	۳۵۶۷۸۴۰۰
وزارت کشور	۱۳۱۶۰۷۰۰۰	۱۷۰۴۳۷۸۸۴
وزارت دادگستری	۶۴۰۴۶۰۰۰	۷۸۶۱۰۰۰
وزارت امور خارجه	۳۳۴۰۰۰۰	۳۰۷۰۰۰۰
وزارت پست و تلگراف	۷۱۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰
وزارت فرهنگ	۱۳۸۸۰۰۰۰	۱۹۴۹۲۰۰۸۰
وزارت بازرگانی	۵۲۰۰۰۰۰	۵۷۰۰۰۰۰
اداره کل کشاورزی	۷۱۶۱۵۴۷۷	۱۲۱۶۱۵۴۷۷
وزارت دارائی	۱۴۵۶۹۸۳۷۸	۲۶۵۷۸۵۷۰۰
وزارت صنایع	۷۴۴۶۲۰۰۰۰	۹۹۰۷۸۸۰۰۰
وزارت راه	۹۹۹۱۳۶۸۰۰	۱۰۹۲۱۳۸۰۰۲
هزینه‌های متفرقه	۲۶۷۱۵۳۵۱۲	۶۲۷۱۰۶۶۵۹

۰۲۷، ۰۷۳، ۰۴۳، ۰۷۶، ۶۷۶، ۹۱۱، ۳۲۳، ۹۱۱، ۰۹۷۳، ۰۲۷ ریال ۲۱۰، ۰۹۷۳، ۰۴۳، ۰۷۳، ۰۴۳، ۰۷۶، ۶۷۶، ۹۱۱، ۳۲۳، ۹۱۱، ۰۹۷۳، ۰۲۷

جمع کل

قیمت‌ها از تورمی که نشانه توسعه و پیشرفت اوضاع اقتصادی است حکایت دارد اما روی هم رفته نرخ ثابت ریال را طوری تنظیم کرده‌اند که قوّه خرید رضایت‌بخش است.

بموجب گزارش‌های رسمی که در ماه نوامبر سال ۱۹۴۰ انتشار یافت بطور کلی قیمت‌ها نسبت به سال ۱۹۳۶-۱۹۳۷ چهل و هفت درصد افزایش یافته است و هزینه زندگی هم پنجاه و چهار درصد بالاتر است.

مزد کار گران خیلی ناچیز است مثلاً بیک کار گروهی در جنوب روزی چهار تا پنج ریال (یک شلینگ تا یک شلینگ و سه پنس) اجرت می‌گیرد کواینکه مزدش از کار گران شمال بیشتر است اما به صورت تکلفی هزینه‌های زندگیش را نمیدهد.

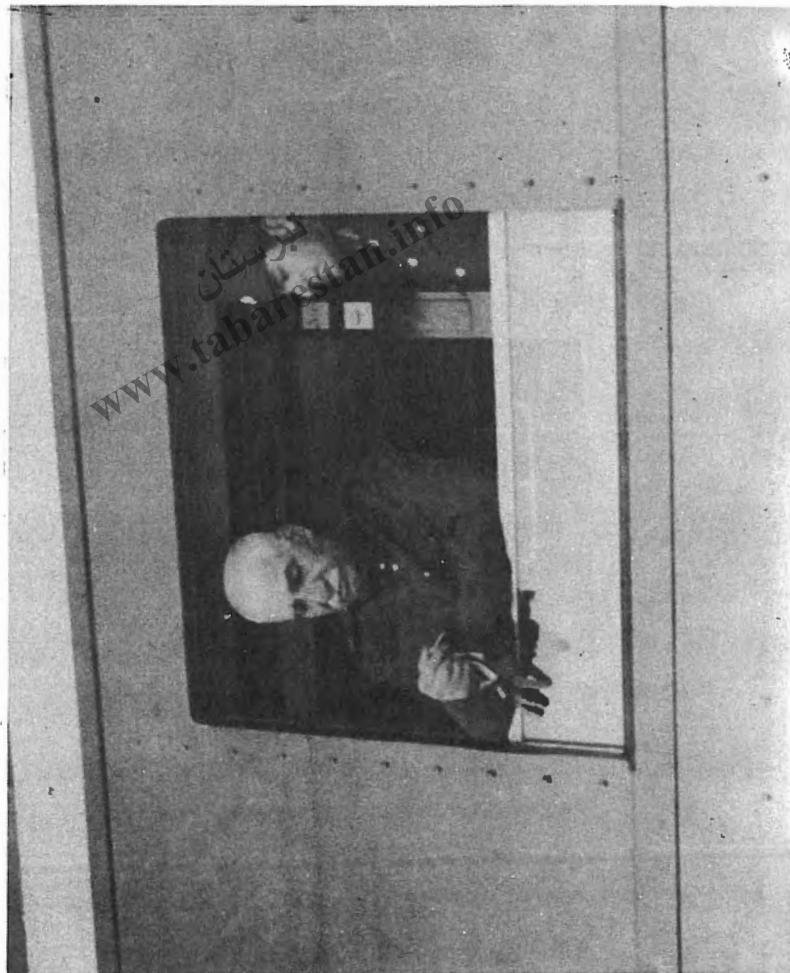
کار گران صنعتگر در جنوب روزی بیش از سی و پنج تا چهل ریال مزد ندارند ولی در تهران این اجرت تا دو برابر هم میرسد.

در قسمت کارهای دفتری یکنفر ماشین نویس و یا کارمند عادی در ابتدای ورود بخدمت دولت ماهیانه سیصد ریال حقوق دریافت میدارد و حد وسط حقوقش بین نهصد تا یک‌هزار ریال می‌باشد.

میزان مزد کار گران و حقوق کارمندان بطور مرتب واجباری بالا می‌رود و مسابقه بین درآمدو هزینه زندگی بهمان طرز اقتصادی حزن انگیزی که در غرب جریان دارد در ایران نیز شروع شده است.

حال این موضوع باقی می‌ماند که بهینیم آیا کارشناسان مالی ایران قادر خواهند بود آنچه را که از اروپا و اروپائیان گرفته‌اند را کنند و خوب را از بد جدا کرده این مسائل بفرنج اقتصادی را با مفهوم مشترکی حل و فصل نمایند؟

اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همايون شاهنشاه هنکام مسافرت
با قطار سلطنتی



ج. س. ن
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سی و دوم

ترقیات اجتماعی تبرستان

اثرات عمیقی که اصلاحات امور اجتماعی و ترقیات فرهنگی در کشور ایران ایجاد کرده است در همان برخورد اول نظر بیننده را جلب میکند.^۱

۱- پس از وقایع شوم شهریورماه ۱۳۲۰ که اعلیحضرت رضا شاه کبیر استعفا دادند و امور سلطنت را به ولی‌له و جانشین قانونی خود اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تفویض کردند مردم ایران بواسطه اثرات ناشی از جنگ که دامنه‌گیر عالمیان شده بود سخت دچار فقر و فاقه شدند اما راضی گوناگون و فقدان مؤسسات مجهر بهداشتی هم از هر سو مخصوصاً طبقه رنجبر و مزدگیر کشورها را تهدید بمراگ میکرد.

در چنین موقعیتی اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تصمیم گرفتند که برای کمک مستمندان و طبقه زحمتکش و نجدیده ایران سازمان مجهزی بوجود آورند و در سال ۱۳۲۶ پس از مطالعاتی که بعمل آمد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تشکیل گردید و برای آنکه علاوه بر توجه مخصوصی که باین مؤسسه عظیم داشتند مسئولیت مستقیم اداره آن هم زیر نظر شخص عالقمند ولسوژی قرار گیرد بدین لحاظ اعلیحضرت همایونی والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی را بسمت نیابت ریاست عالیه سازمان منصوب فرمودند که والا حضرت از همان تاریخ با جدیت و فعالیت خستگی ناپذیری مشغول انجام بقیه در زیر صفحه بعد

بطورقطع هرمسافری که به کشور ایران وارد شود تغییرات زیادی در زندگانی ایرانیان میباشد که بکلی با آنچه در فصل گذشته بیان شد مقایرت دارد.

وظایف خطیر خود شدن و تمام مردم ایران ازنتجه این کوشش‌های شبانروزی بخوبی آگاهند.

در سال ۱۳۲۷ اساسنامه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در نوزده ماده تنظیم گردید و برای اجرای آن فرمان همايونی پس از ذیل صادر شد:

اساسنامه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را که ضمیمه این دستخط و مشتمل بر نوزده ماده و شش صفحه است ملاحظه نمودیم از همین قرار بموضع کاخ سفید ۲۲ تیرماه ۱۳۲۷ اجرا گذاشته شود.

فعالیت سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی روز بروز پیشتر شد و تحت توجهات اعلیحضرت همايون محمد رضا شاه پهلوی ریاست عالیه سازمان و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالیه مؤسسات بهداشتی و فرهنگی و تربیتی درسراسر کشور حتی در اقصی ترین نقاط مملکت افتتاح گردید و بخدمت مردم کمر همت بست.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از سال ۱۳۲۶ تا کنون تأسیساتی در کشور بوجود آورده و اقداماتی معمول داشته است که مهمترین آنها برای اطلاع خواهند گرفتاری ذکر میشود:

۱- آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی

۲- کانون کار و آموزش

۳- آموزشگاه بزرگ حرفه‌ای برای هزار نفر شاگرد که نیمی از آنها شبانروزی خواهند بود شامل کارخانجات: برق، نجاری، آهنگری، اتومکانیک و لوله‌کشی با تمام وسایل جدید میباشد و هفت تن استاد اطربیشی برای تعلیم شاگردان آموزشگاه استخدام شده‌اند.

۴- بیمارستان ۳۰۰ تختخوابی رضا پهلوی در تجریش

۵- درمانگاه و ناهار خوری درس آسیاب دولاب

۶- آموزشگاه تعلیم و تربیت نایب‌نایان

۷- بخش درمان کچلی

۸- بخش جراحی سوانح و حوادث بیمارستان سینا

به یه در زیر صفحه بعد

این تغییرات عمیق ازدهات و قصاب مملکت شروع شده و بدشهرهای کوچک و بزرگ هم رسید.

در شهرهای بزرگ و آباد مانند تهران خانه‌ها و لوازم زندگی مردمان متمول از قبیل مبل و اثاثیه و سایر مایحتاج شبیه اروپائی‌ها است در صورتیکه در استانها طبقات عالی هنوز هم بسبک مردمان قدیم زندگی میکنند اما از اختراعات جدید مانند ترق، تلفن و رادیو بدشان نمی‌اید.

- ۹- چهارشنبه‌کمک بمادران و کودکان
- ۱۰- ناهارخوری با غردوس
- ۱۱- ساختمان دو خوابگاه برای دانشجویان در کوی دانشگاه
- ۱۲- هشت بیمارستان در نقاط مختلف کشور
- ۱۳- شصت و دو درمانگاه در نقاط مختلف کشور
- ۱۴- دو درمانگاه درمان تراخم در «دزفول»
- ۱۵- پرداخت کمک هزینه تحصیلی بعده‌ای از انش آموزان و دانشجویان سراسر کشور

۱۶- طبع چهارمیلیون و پانصد هزار جلد کتب چهارساله ابتدائی و توزیع رایگان آن بین دانش آموزان تا سال چهارم بستان درس اسر کشور و نیز سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی انجمن اعتبارات خود دور آمد. های مختلفی که دارد در هنگام بروز حوادث و سوانح ناگوار مانند سیل، زلزله و حریق هر بار بهم خود به مؤسسه ای که بكمک و مساعدت آسیب دیدگان برخاسته اند و همچنین برای متضورهای مختلف کمک‌های نقدی مؤثری کرده است که در اینجا مبلغ کمک و نام مؤسسات و جمعیت‌ها برای اطلاع خواهند گان گرامی درج میگردد :

- | | |
|----------------------------------|---------|
| ۱- جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران | ۴۶۰۰۰۰ |
| ۲- جمعیت خیریه فرج | ۲۶۳۶۱۰۰ |
| ۳- بنگاه حمایت مادران و نوزادان | ۲۵۰۰۰۰ |
| ۴- بنگاه نیکوکاری | ۳۱۸۰۰۰ |
| ۵- انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان | ۴۳۷۵۰۰ |

بقدر در زیر صفحه بعد

وضع ساختمان خاندهای ایران بیشتر تحت تأثیر آب و هواست و در نقاطی که گرما در ساید بد ۲۰ درجه فارنهایت میرسد طبعاً باید خانه ها را نند نواحی سردسیر آفتابگیر درست کرد با در نظر گرفتن این موضوع بیشتر

- ۶- انجمن مبارزه با بیماری های آمیزشی « ۱۰۲۷۴۰۰
- ۷- جمعیت مبارزه با سل و حمایت مسلولین « ۴۷۴۷۰۰
- ۸- انجمن حمایت حیوانات « ۹۲۰۰۰
- ۹- انجمن حمایت دیوانگان « ۵۰۰۰
- ۱۰- انجمن خیریه مرکزی شهر تهران « ۷۷۱۸۵۶
- ۱۱- انجمن پارک شهر « ۱۵۳۵
- ۱۲- انجمن حمایت کودکان کرولال « ۱۵۰۰۰
- ۱۳- انجمن محلی چاله میدان « ۴۴۰۰
- ۱۴- پرورشگاه جعفری « ۲۹۰۰۰
- ۱۵- پرورشگاه تقوی « ۴۲۹۰۰
- ۱۶- کمک با سبب دیدگان اصفهان، سیل زدگان سیستان، حریق زدگان میانه و سیل زدگان رودسر در سالهای ۳۰ و ۲۸ و ۲۷ جمعاً ۴۵۰۰۰۰ ریال « ۲۵۰۰۰
- ۱۷- داروی جذامیان « ۱۰۸۰۰۰
- ۱۸- داروبرای سربندان جا بان « ۲۶۳۰۰۰
- ۱۹- داروبرای قریه سیلاخور « ۸۲۵۰۰
- ۲۰- داروبرای حاجاج « ۶۹۳۰۹۰
- ۲۱- تهیه لباس برای دانش آموزان بی بضاعت « ۱۳۳۰۵۴۸۰/۰۵۰
- ۲۲- کمک به بنگاه اشرف « ۱۳۵۸۰۰۰
- ۲۳- کمک بشعبات سازمان شاهنشاهی در فارس، آذربایجان، اصفهان، بلوچستان جمعاً « ۱۷۷۷۰۰
- ۲۴- تهیه دست و پایی مصنوعی « ۹۸۲۰۰۰
- ۲۵- کمک های متفرقه « ۳۶۷۳۰۰۰
- ۲۶- برای تکمیل وسایل و تجهیزات بخش جراحی سوانح و حوادث بیمارستان سینا «

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی روز بروز بر فعالیت خود در خدمت مردم میافزاید و حامی مردمان رنجبر و زحمت کش کشور عزیز ما ایران است.
مترجم

خانه‌های جدید راهم با همان اسلوب قدیم ساخته‌اند بدین ترتیب که چند اطاق مجاورهم بنا شده که دیوارهای بیرونش پنجره ندارد و پنجره‌های داخل هم بهایوان طویلی باز می‌شود.

این خانه‌ها حیاط نسبتاً وسیعی هم دارند که حوض بزرگی در وسط آن ساخته‌اند.

بسیاری از خانه‌ها سرداد دارد که بوسیله بادگیر هوا بداخل آن می‌آید.

این اطاق‌های زیر زمینی در گرمترین روزهای تابستان خنک می‌ماند و آنهایی که نسبتاً متمول هستند تابستان در این اطاق‌ها با رهبری گوئیم در این سردا بها بسر می‌برند. زندگانی مردم فقیر مانند متمولین و سعیت ندارد اغلب از دهاتی‌ها و کارگران شهری با خانواده خود در یک اطاق زندگی می‌کنند.

بهداشت تقریباً در میان آنها نیست و تنها چیزی که باعث نجات آنان شده اینست که مجبور ندد رعرض شبانه روز مدت زیادی از وقت خود را برای انجام کار در خارج از اطاق بسر برند با این وصف جای تأسف است که دولت مخواهد ایلات و عشاير چادر نشین را که لااقل در هوای آزاد زندگی می‌کنند در خانه‌های دهاتی که وضعیت آن ذکر شد جای دهد و آنان را از هوای آزاد فعلی هم محروم سازد.

به حال دولت تصمیم جدی دارد که ایلات و چادر نشینها را شهری کند (تا کنون یکصد و پنجاه هزار نفر از ایلات و عشاير را شهر نشین کرده‌اند) و از نظر اینکه کارگرهای متوسط هم مایلند خانه‌داشته باشند معلوم می‌گردد

۱ - نظر نویسنده کتاب مر بوط بال ۱۹۴۱ میلادی است در حال حاضر زندگی عمومی مردم ایران پیشرفت شایان توجهی کرده است مترجم

که عمل دولت در این راه پیشرفت قابل توجهی کرده و با موفقیت رو برو شده است.

دولت ایران از این طرز زندگانی کارگران که بهیچوجه رعایت بهداشت نمیشود راضی نیست و روی همین نظر است که در مجاورت کارخانه های دولتی ساختمان هایی برای سکونت کارگران ساخته اند که از نظر مرا و کارشناسان فنی باز هم معاویی دارد ولی با در نظر گرفتن اوضاع کنونی میتوان گفت که خانه های فعلی از هر چیز بر ساختمان هایی که قبلا در آنها کارگرها سکونت داشتند برتری دارد.

بازارها و دکان های آنطور که باید نیست زیرا جلوی دکانها حتی دکان های خواربار فروشی که کالای آنها مورد حواej عالم است باز میمانند و در خارج تهران شیشه شیئی کمیاب و پرازش محسوب میگردد.

این حقیقت کاملا روشن و مسلم است که هر اندازه نسبت به شهر تهران توجه میشود و در تجدد و نهضت آن کوشش های قابل توجهی بعمل می آید همان اندازه هم نسبت به اصلاح استان ها و شهرستان های دیگر ایران غفلت کرده اند زیرا زیباترین خانه ها و ساختمان های بزرگ وجود دید ، بهترین مغازه ها و قشنگ ترین خیابانها و پارکها در تهران دیده میشود . در شهر تهران مجامعت و محافل مهم ایران تمرکز یافته و در این شهر است که سیاستمداران خارجی ، بازرگانان معتبر ، مهندسین ، هنرپیشه های خارجی ، طبقات عالی ایرانی ، افسران ، درباریان وغیره سکونت کرده اند و در آنجا که شهر جدید و زیبا است زندگی میکنند .

در واقع میتوان گفت که محیط شهر تهران یک محیط تقریباً افسانه ایست فقط راه آهن و کارخانجات است که صورتی عملی وجدی باین شهر میدهد .

یک نوع تغییر اساسی در همه شهرهای ایران رویداده و این تغییر که با سرعت پیش می‌رود تغییر لباس است.

در تعقیب علاقمندی جنون آمیز جدید شرقی درباره متحدها شکل شدن لباس‌هاش ایران در سال ۱۹۲۸ دستور اجباری شدن لباس متحدها را برای مردان صادر کرد که تا کنون هم بقوت خود باقی است و فقط ملاها از این دستور مستثنی هستند که همان عبا و عمامه سابق خود را دارند.

در میان ایلات و عشایر ایران که در نقاط دوردست زندگی می‌کنند هنوز هم آن شلوارهای سیاه گشادو کتهای نمدی چیان که یادگار چندین قرن پیش است دیده می‌شود.

در هر صورت این جریان که باید آنرا (انقلاب لباس) نامید در سال ۱۹۲۹ موجب شورش گردید و در حال حاضر تقریباً همه جای ایران را فرا گرفته است و در کمتر نقاطی است که خلاف دستور عمل کنند.

کلاه ایرانیان در موقعیکه لباس اروپائی معمول گشت کلام پهلوی بود که شباهت زیادی به کپی‌های فرانسوی داشت ولی این کلام را میتوان رابط بین کلاه‌های قدیم و جدید ایران دانست زیرا در سال ۱۹۳۵ کلاه اروپائیها کعبارت از کلام شاپو است عمومیت یافت بطوریکه اگر هم اکنون یکنفر دهاتی ایرانی با کلاه نمدی گرد و قدیمی پا از خانه و ده خود بیرون بگذارد فوراً کلاه را از سر او بر میدارند و در جلوی چشم آنرا پاره می‌کنند.

کلاه پهلوی هم اکنون همین حال را پیدا کرده است و بسیار گذاردن آن برای افراد ملت منوع گردیده و فقط خاندان سلطنتی میتوانند در موضع رسمی کلاه پهلوی داشته باشند.

لباس معمولی دربارا گراو نیفورم نباشد لباس شب با کلاه ابریشمی است با این حال جای مسرت است که عادات و رسوم قدیم ایران کاملاً محو نشده و برای آشنا شدن جوانان و دانشجویان در داشتگاه تهران این موضوع تحت عنوان آثار باستانی تدریس میشود هوزه و شعبه مخصوصی هم بنام شعبه (علم و هنر باستانی) در داشتگاه تأسیس گردیده است.

اصلاح مهم و بسیار اساسی دیگری که صورت گرفته عبارت از آزادی زنان است که در صورت ظاهر مانند تغیر لباس مردان میباشد.

زنان ایران از چند قرن پیش باینترف تمام اندام خود را از فرق سرتا نوک پا با چادر سیاهی میپوشانیدند و پرده عجیب دیگری هم روی صورت میانداختند و بدتر از زن های سایر کشورهای اسلامی سرتاپای خود را در لثافی میپیچیدند.

زن های ایرانی بحدی مقید بودند که فقط ساعات معینی را میتوانستند با این چادر و چاقچور از خانه بیرون بیايند و اصولاً آنها جزء اعضای جامعه محسوب نبودند که این وضع با نهضت جدید بهیچوجه سازگار نبود و طبعاً در همان وهله اول مورد حمله واقع میگشت.

در سال ۱۹۲۶ برای پایان دادن با این وضع نهضت هائی بوجود آمد اما همینکه امان الله پادشاه کشور همسایه و همچوار ایران یعنی افغانستان در اثر تجدددخواهی تاج و تخت خود را از دست دادواز سلطنت خلخ گردید نهضت تجدید ایران هم متوقف ماند و شاه بنناچار در آن باره رویه حزم و احتیاط را پیش کشید.

در سال ۱۹۳۰ زن های طبقه عالی ایرانی در منازل خود لباس اروپائی میپوشیدند (زنان زرتشتی و ارمنی همیشه بی حجاب بودند و اجازه داشتند

که آزادانه لباس بپوشند) کارمندان دولت و همچنین کارکنان سازمانهای دولتی را بطور نیم رسمی تشویق میکردند که زنان و دختران خود را لباس مددجید بپوشانند.

در سال ۱۹۳۵ این نهضت خیلی تقویت شد بطوریکه آموزگاران دختران داشت آموز دبستانها و دیرستانها اجازه نداشتند با چادر و روپسته بمدارس بروند و همچنین افسران ارتش هم نمیتوانستند همراه زن روپسته بیرون بیایند. این رویه ادامه داشت تا اینکه بالاخره روز هشتم ماه مارس سال ۱۹۳۶ اقدام بزرگی برداشته شدند.

در این روز که در زندگانی زنان ایران اهمیت بسزایی دارد شاه بدانشسرای عالی رفت تا گواهینامه فارغ التحصیل ها را بدست خود بدانشجویان بدهد ملکه ایران و دو دختر بزرگش که با لباس اروپائی و بدون حجاب بودند همراه شاه بدانشسرای عالی آمدند.

در اینجا نطق پادشاه ایران عیناً درج میشود زیرا این نطق تاریخی نمونه ای از فکر و صحبت های ساده و بدون تعارف اوست. شاه چنین گفت: من بی اندازه خوشحالم زنانی را در اینجا می بینم که در نتیجه تحصیل و آموختن داشت آمده اند وضع و موقعیت حقیقی خود را بهینند، حقوق و منافع خودشان را بفهمند.

همانطوریکه خالق تربیت خاطر نشان ساخت زنان کشور ما بعلت کنار ماندن از جامعه قادر نبودند استعداد و لیاقت ذاتی خود را نشان دهند. در حقیقت من باید بگویم آنها قادر نبودند وظیفه ای را که نسبت بکشور محبوب شان بر عهده داشتنند انجام دهند و با خدمت و صمیمیت خود را آنطوریکه باید بنشانند اما در حال حاضر علاوه بر حق شخصی

مادری میتوانند از حقوق و مزایای دیگر اجتماعی بهرهمند گردند.

ما نباید تصور کنیم که ممکن است نیمی از افراد ملت را بحساب نیاوریم و یا بعبارت دیگر نباید این نیت را داشته باشیم که نیمی از قوه عاملهٔ مملکت بیکار و عاطل و باطل بماند.

تاکنون آماری از زنها برنداشته‌اند مثل اینست که زنان جامعهٔ جدا گانه‌ای هستند و نباید آنان را جزء جامعهٔ ایران محسوب داشت. خیلی جای تأسف است که فقط در یک موقع زنان را سرشماری کردند آنهم وقتی بود که خواربار کم‌آمدوزنها را سرشماری کردند تاخوراکشان را تهیه و تأمین کنند.

من نمیخواهم در این باره تأثیرات خودرا اظهار کنم، من نمیخواهم اقداماتی را که بعمل آمده و ترقیاتی را که انجام یافته ذکر کنم، من نمیخواهم در مقام مقايسه برآمده و فرقی میان امروز و زمان گذشته قائل شوم، أما شما زنها باید این روز را که روز سعادت و موفقیت شماست روزبزرگی بدانید و از فرصتی که بدست آورده‌اید برای خدمت بکشور خود از آن استفاده کنید.

بعقیدهٔ من ما باید آنچه میتوانیم برای سعادت و ترقی کشورمان کار کنیم و استعداد خودمان را برای موفقیت در انجام خدمت باین ملت بکار ببریم، ما باید در تعلیم و تربیت افراد ملت کوشنا باشیم، گرچه تعلیم و تربیت در اثر مساعی کارمندان دولت روبروی است ولی هیچکس نباید از این حقیقت غافل بماند که ملت کار و قدرت میخواهد و هر کسی باید نهایت سعی و کوشش خودرا بکار برد و برای سعادت و آسایش مردم بهتر و سخت تر کار کند.

شما خواهران و دختران من حالا که داخل جامعه شده‌اید و برای پیشرفت خود و کشورتان این قدم را برداشته‌اید باید بفهمید که وظیفه شما اینستکه برای کشور خودتان کار کنید ، سعادت آینده در دست شماست زیرا شما مریان فرزندان این مملکت هستید و شما نیز که باید نسل آینده را تربیت کنید .

شما قادر خواهید بود که آموزنگاران خوبی باشید و برای ما هموطنان خوب تربیت کنید .

من از شما زنان تحصیلکرده و تربیت شده که از حقوق و منافع خودتان آگاهید و در راه انجام وظایف خود نسبت بکشورتان قدم برداشته‌اید انتظار دارم بزندگی کنونی راضی باشید، در حدود توانائی خودتان کار کنید، در زندگی روزانه خویش صرفه جو و مقتضد باشید و از اسراف و خرچهای تجملی خودداری نمایید .

از همانروز زنان ایران از نظر قانون با مردان مساوی شدند، حجاب اکیداً منوع گردید. هیچ زن چادر بسری نمیتوانست برای خریدها یحتاج زندگی خود بمعازه‌های شهر برود و همچنین زنان رو بسته نمیتوانستند بخیابان بیاند و یا به تاکسی و اتوبوس و در شکه سور شوند.

بیست و پنج هزار لیره برای مخارج تهیه لباس زنان بی ضاعت اختصاص دادند اما نتیجه‌ای که از این اقدام بدست آمد چندان رضایت‌بخش نبود برای آنکه زنان طبقات عالی توانستند مطابق آخرین مد (پاریس) لباس بپوشند و بقیه زنها ناچار شدند با آنچه در بازار بدستشان آمد بسازند و احتیاجات خود را مرتفع کنند و با این ترتیب مخلوطی از قدیم و جدید بوجود آمد که از آن حجاب کدر کننده و ملالت بارهم بدتر شد اما در مقابل

این اقدام مورد پسند عمومی واقع گردید وزنان جوان آزادی جدید خود را حسن استقبال کردند فقط عده‌ای از پیرزنهای محافظه‌کار از خانه‌ها یشان بیرون نیامدند و بدینوسیله مخالفت و اعتراض خود را اظهار داشتند. در هیچیک از شهرها و نواحی مختلف ایران گزارشی در باب شورش ضد حجاب به مقامات دولتی نرسید و تصور می‌رود عدم مخالفت مردم از آنجهت بود که قبل از زمینه را با تبلیغات لازم و کافی آماده کرده بودند.

ماهها قبل از رفع حجاب و بعد از آن مطبوعات ایران مقالات متعددی درباره آزادی زنان مینوشتند و دستورالعمل‌هایی هم که حاکی از طرز معاشرت، مدلباس، آرایش‌موی سرو امثال آن بود درج می‌کردند و هم‌روزه عکس‌های متعددی از زنان ورزشکار، زنان دانشجو، زنان هنرپیشه و ستاره‌های فیلم وزنان خلبان در روزنامه‌ها بچاپ می‌رسید.

این قدم مهمی که برای پیشرفت زنان ایرانی برداشته شد در قسمت ازدواج هم بسیار مؤثر بود چون مطابق قوانین اسلامی کلیه حقوق و اختیارات با شهراست و مردی که یش از یک زن دارد مجبور است با تمامی آنها یکسان و بدون تفاوت رفتار کند و بین آنان فرقی نگذارد اما طلاق برای مردان آسان و برای زن غیر ممکن است!

نظر ایرانیان در موضوع ازدواج هیچگاه طبق دستورات اسلامی انجام نمی‌گرفت و ایرانیها در این باب سهل‌انگار بودند و راه‌خطا میرفتند.

۱- شارع مقدس اسلام برای زنهای مسلمان حقوق زیادی قائل شده و تمام افراد مسلمان عالم میدانند که زن مسلمه میتواند در چندین موارد تقاضای طلاق بکند و محاکم هم بنفع اورآی میدهند و همچنین زن مسلمان در هر قسم تصرف دردارانی و مایملک خود آزاد می‌باشد در صورتیکه زن اروپائی بدون رضایت شوهر خود نمیتواند هیچگوئه معامله‌ای انجام دهد و شخصیت حقوقی او بکلی از بین می‌رود.

مترجم

رسم معمول تعدد زوجات بندرت عملی میشد مگر در مورد بخصوصی که ازدواج موقتی بود و درین شیعیان بنام (متعه) رواج است و ممکن است از یک شب تا مادام عمر ادامه یابد.^۱

نویسنده مردی را میشناسیم که نوزده زن گرفته بود ولی هیچ وقت بیش از یک زن نداشت.

تعدد زوجات و ازدواج موقت هردو عملاً مورد پسند طبقات عالی ایران واقع نگردید و قوانین سال ۱۹۷۱ و بعد از آن بیشتر موافق ذوق اقلیت است.

برای ثبت صیغه یا ازدواج موقت مراسم خاصی تعیین شد گرچه صیغه و تعدد زوجات هنوز هم در ایران برسمیت شناخته میشود اماً کو مرد قبل از ازدواج بدزن نگویید که زن دیگری دارد و یا بدون رضایت زن، بعد از ازدواج زن دیگری بگیرد زن حق دارد طلاق خود را از مرد بخواهد. این اقدام اساسی یعنی حق طلاق به زن دادن در همان قدم اول با مخالفت هائی رو بروشد و بمنظور جلو گیری از آن بحیله های قانونی متousel شدند که از اتهام نقض قوانین اسلامی هبرا باشند بدین ترتیب که مثلاً زن را در طلاق دادن از طرف مرد و کیل کردن (که در صورت لزوم بدون رضایت شوهر طلاق بدهد).

معاینه پزشگی وارائه گواهی صحت مزاج در موقع ازدواج برای زن و مرد هر دو ضروری است.

حداقل سن قانونی ازدواج برای پسران هیجده و برای دختران

۱- در مذهب مقدس شیعه متعه از آن جهت مقرر شده است که مردان از راه راست منحرف نشوند و حقوق زنان مسلمان هم محفوظ باشد زیرا فرزندان زنانی که متعه میشوند با فرزندان زنان عقدی فرقی ندارند و از هر حیث با هم مساوی هستند. مترجم

شانزده سال است (در بعضی مواقع ممکن است با رضایت والدین ازدواج پسران در پانزده سالگی وازدواج دختران در سیزده سالگی صورت گیرد^۱) ولی پیشرفت تعلیم و تربیت و تغییر عقاید عمومی با تبلیغات دامنه دار و مؤثر دولت بمراتب بیش از هر قانونی کار خود را انجام میدهد و این تبلیغات وسیع بطوری در روحیه مردم اثر کرده است که در حال حاضر احساسات عمومی طبقات عالی (مردان تحصیل کرده و روشن فکر) یا تعدد زوجات وازدواج بیش از موقع قانونی به چوچه موافقت ندارند.

یکی از حقوق دانهای ایرانی اخیراً اظهار نظر کرده است که زنان ایران فقط در پنج مورد قانونی با مردان مساوی نیستند.

۱- هر مردی میتواند بیش از یک زن داشته باشد در صورتی که زن نمیتواند بیش از یک شوهر داشته باشد (در بعضی موارد برای مردان هم محدودیت‌هایی قائل شده‌اند).

۲- مرد میتواند در هر موقعیکه بخواهد زن را طلاق دهد اما زن فقط در بعضی از موارد میتواند از حق طلاق استفاده کند.

۳- زن کمتر از مرد ارث میرد^۲ اما در مقابل زن در موقع عروسی جهاز میگیرد و میتواند هر گونه تصرفی در اموال خود داشته باشد.

۴- مرد رئیس واداره کننده خانواده است و طبق قانون زن و چه هایش مکلفند از دستورات او اطاعت کنند.

۵- زن حق رأی دادن ندارد و نمیتواند بسمت نماینده مجلس شورای اسلامی

۱- این موضوع منع قانونی دارد و مرتكبین مجازات میشوند. مترجم
۲- طبق قوانین شرع مطهر اسلام که در کشورها ایران اجرا میگردد و قوانین ارث هم به استناد آن تنظیم و تصویب شده است سهم الارث هر بسری از هاتر ک پدر و مقابل سهم الارث دختر است . مترجم

انتخاب گردد.^۱

با وجود این زنان ایران که تازه‌آزاد گشته‌اند با سرعت زیادی در امور اجتماعی کشورخویش شرکت می‌کنند.

موقعی بود که زنان فقط میتوانستند با سمت معلمی وارد خدمت شوند و معادل نصف حقوق مردان را بعنوان حقوق دریافتدارند امامتدرجاً این وضع تغییر کرد و زنها توانستند فضیل و پرستار بشوند و پس از آنهم برای تحصیل بدانشگاه رفتند، روزنامه نگار و قانون‌دان شدند و عده‌ای هم برای تکمیل تحصیلات خود بخارج از ایران عزیمت کردند.

اولین مؤسسه‌ای که زنان ایرانی را بسمت ماشین نویس و ثبات استخدام کرد شرکت نفت انگلیس وایران بود و پس از آن بنگاه‌های ملی و سازمان‌های دولتی این رویه را تعقیب کردند بطوریکه در ایران هم مانند اروپا در ادارات زنها از مردّها جلوافتادند.

عده‌ای از زنان ایرانی صنعت آموختند و در حال حاضر درین آنها زنان خلبان هم یافته‌می‌شوند.

در قسمت‌های هنرپیشگی پیشرفت چندانی حاصل نشده است و زنان خواننده و هنرپیشه در ایران بندرت یافت می‌شوند زیرا نهی شدید اسلام در قسمت نمایشات و هنرپیشگی در این کشور بیش از سایر ممالک اسلامی محکم و استوار مانده است ولی بدون تردید این وضع هم چندان دوامی

۱- روزهشتم اسفندماه ۱۳۴۱ اعلیحضرت همایون شاهنشاه در کنفرانس اقتصادی اعلام فرمودند که زنان ایران مانند مردان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند که در فصول بعدی در این مورد توضیح کافی داده شده است. مترجم

ندارد و مانند سایر موارد مشابه بمرور ایام تغییر می‌یابد.
از سال ۱۹۲۸ به فنا اجازه داده شده کافه‌ها و سینماها بروند و از آن موقع تا کنون در کلیه امور اجتماعی شرکت دارند و بطور عادی دراما کن و رستورانهای عمومی غذا می‌خورند و در مجالس رقص شرکت می‌کنند (مقررات مربوط باین امور گاهگاهی تغییر می‌کند).

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سی و سوم

بهداشت و فرهنگ

در سال ۱۹۳۲ کنگره بانوان شرق در تهران تشکیل گردید، ریاست این کنگره را دختر بزرگ شاه عهده دار بود. دو سال بعد همین شاهدخت بست اولین رئیس باشگاه بانوان ایران انتخاب گردید. باشگاه بانوان ایران در تهران بنای بسیار زیبا و مجللی دارد.

بمحض تشکیل اولین باشگاه بانوان اتحادیه های دیگری هم تأسیس شد که تماماً بوسیله بانوان اداره میگردد و از آن جمله میتوان بخش (شیرو خورشید سرخ ایران) را نام برد که بمنزله صلیب سرخ اروپائی هاست و در حال حاضر تمام جشنواری رسمی پاشر گردختران بیش آهنگ و دختران داش آموز تشکیل میگردد.

جای تعجب است که آزادی زنان ایران به چوجه چیزی از انجام وظایف شوهرداری و مادری آنان نکاسته است.

بموجب قوانین کرخ (Kirche) و کوخ (Kuchه) و کایندر (Kinder) که در کشور آلمان برای طبقه نسوان گذراندند هیچ زنی حق نداشت وارد خدمات دولتی بشود زیرا در این صورت از وظایف

مادری و شوهرداری باز میماند. در کشور ایران این قانون معنای در باره
بانوان نافذ است اما طرفداران زن این موضوع را انکار میکنند.

قانون کار که در سال ۱۹۳۸ تصویب رسیده است در عین حال که
در امور کار کری اصلاحات قابل توجهی بعمل آورد از کار کردن زنان و
کودکان در کارخانه ها ممانعت نکرده است.

در قسمت کار کردن زنانهای کارخانه ها چندان اعتراضی نیست زیرا
از طرفی کارهای سبک مانند قالی بافی، نساجی و سیگار بیچی و امثال آن
بزنان واگذار نمی شود و از طرف دیگر استخدام زنانهای کارخانه های مردانه
که با مردان مساوی هستند اما در موضوع استخدام بچه ها این امر قابل
توجه است که هنوز هم دختران و پسرانی که کمتر از ده سال دارند در
کارخانه های قالی بافی و نساجی استخدام میگردند.

سیاست دولت ایران در این مورد آنست که این گونه امور را متوجه آصلاح
کند و باید دانست که اجرای قانون تعليمات اجباری بیش از قانون
مخصوص ممانعت استخدام کودکان برای جلوگیری از این کار مؤثر است
وروی همین نظر اکنون دولت از کارخانه ها و مؤسسات خواهش کرده است
(اجباری نیست) که کودکان را درس نمی کنند بمناسبه بروند بکار
نپذیرند.

قانون و مقررات مربوط به کارخانه ها از نظر بهداشت عمومی هم بسیار
مؤثر است زیرا این قانون مقرر میدارد که هر کار کری قبل از استخدام معاينة
پژشگی بشود و گواهینامه صحت مراجعت را دارد.

روی هر فئه اوضاع آنقدرها هم که بعضی ها انتظار داشتند بد نیست
اما برای بیبود وضع فعلی هم باید اصلاحات زیادی صورت گیرد.

در کشور ایران هم اکنون آبله، سل و بیماریهای آمیزشی زیاد است و علت فراوانی آنها درسابق یکی فقر و تندگستی مردم و دیگری خرافات بود که در حال حاضر دولت با هردوی آنها جداً مشغول مبارزه است.

باید به این موضوع توجه داشت که مبارزه کنونی دولت با فقر و بیماری و خرافات از آثار رژیم پهلوی است و این گونه فعالیتها بدستور مستقیم پادشاه و تحت رهبری وی صورت میگیرد

قبل از وقوع جنگ گذشته^۱ این وظیفه را سازمانهای مذهبی اروپائی و امریکائی بر عهده داشتند. تقریباً در سال ۱۸۳۰ هیئت مبلغین مذهبی بریتانیا در شهرهای اصفهان و شیراز و بیزد و کرمان بیمارستانهای جدیدی ساختند.

این بیمارستانها هنوز دایر هستند و بوسیله هیئت مبلغین مذهبی وابسته به کلیسای انگلستان اداره میشوند و رئیس این هیئت مذهبی هم در شهر اصفهان اقامت دارد.

هیئت مبلغین مذهبی خارجی امریکائی هم بزودی چهار بیمارستان در شمال ایران تأسیس کرد و در سال ۱۸۳۵ یکی دیگر از جمیعت های مذهبی امریکا بیمارستان دیگری در شهر ارومیه یعنی رضائیه فعلی دایر ساخت.

با این ترتیب در حال حاضر امریکائی ها در شهرهای تهران، رشت، کرمانشاه، همدان، تبریز، اراک و مشهد بیمارستان دارند.^۲

اولین بیمارستان ایرانی در سال ۱۸۷۷ دایر گشت و در همان سال یک

۱ - منظور نویسنده جنگ بین المللی اول بوده است. مترجم
۲ - در موقع نوشتمن کتاب این بیمارستانهای ازوپائی و امریکائی دایر بوده‌اند ولی در حال حاضر جز بیمارستان صلیب سرخ شوروی بیمارستان خارجی دیگری در ایران نداریم. مترجم

هیئتپزشگی برای مبارزه با آبله تشكیل گردید در سالهای اخیر بیمارستانهای شرکت نفت انگلیس و ایران در آبادان و مسجد سلیمان خدمات قابل تقدیری انجام داده‌اند. شرکت نفت انگلیس و ایران اولین مؤسسه‌ای است که قبل از تصویب و اجرای قانون کار معاینه پزشگی کارمندان را اجباری و عملی ساخت.

در آغاز کار ایرانیان نظر بمحافظه‌کاری و خرافاتی بودن نسبت به بیمارستانهای خارجی مشکوک بودند اما بالاخره فعالیت‌های پی در پی نتیجه‌ای نیکو بخشید و معلوم شد که طبقه متوسط و قیمتیش از تمولین برای معالجه و مداوای خودشان به آن بیمارستانها مراجعه کرده و هم‌دمعاً نه کامل پزشگی واقع شده و معالجه شده‌اند.

دولت جدید ایران از سال ۱۹۲۵ برای بهبود وضع مردم و مصون‌ماندن آنها از امراض، اقدامات جدی خود را برای تأسیس بیمارستانها و توسعه امور بهداشت شروع کرد.

در ابتدا روش فرانسویان را معمول داشتند ولی وجود مؤسسات بهداشتی انگلیسی و امریکائی هم در پیشرفت کار بسیار مؤثر بود. پس از آن اطباء و کارشناسان آلمانی به ایران آمدند و فعالیت خود را شروع کردند.

بیمارستان شاهزادی مشهد دارای یکصد و پنجاه تختخواب است که بیماران را برای مداوا در آنجا بستری می‌کنند و دارای بخش‌های: مرض شناسی، میکروب‌شناسی، بیماری‌های جلدی و بیماری‌های زنانه می‌باشد. دودکتر آلمانی باوسایلوافرار آلمانی این بیمارستان را اداره می‌کنند.

در هر یک از شهرستانهای ایران در حال حاضر یک بیمارستان دایر

شده است و حتی بعضی از بیمارستانها پا نصد تختخواب دارد بعلاوه درمانگاه‌های متعددی در سراسر کشور تأسیس گردیده است.

در سال ۱۹۲۳ بنگاه پاستور در تهران افتتاح شد و در سال ۱۹۲۵ بیمارستان زنان دایر گشت و بالاخره در سال ۱۹۳۹ بنگاه‌های دامپزشکی و سرم‌سازی تأسیس یافت.

در رامسر که کنار دریای خزر واقع شده است و دارای چشممه‌های آب معدنی زیادی است و همچنین در رودهن و اخر آهم قناتیک خرابه‌های شهر ری آسایشگاه‌های ساخته‌اند.

بزرگترین مشکل ایران نداشتند پزشگ حاذق و کارآزموده است (تا این اوایل برای هر صدهزار نفری ۲۰۵ نفر پزشگ وجود داشت) اما کوشش بسیاری بکار می‌رود که پزشگان و پرستاران فارغ‌التحصیل کشورهای خارجی را بکار بگمارند و همچنین دانشجویان دانشگاه تهران هم متدرجاً فارغ‌التحصیل می‌شوند و بخدمات اجتماعی مشغول می‌گردند.

دانشکده پزشگی مشهد هم کمک پزشگ و پرستارانی برای زخم‌بندی بمنظور اعزام به دهات و قصبات تربیت می‌کند.

تمام سازمانهای بهداشتی زیر نظر وزارت کشور است و با دستور و صلاح‌دید رئاسی شهرداری‌ها اداره می‌شوند.^۱

در اغلب از شهرها بنگاه حمایت مادران و کوکان دایر گشته و خوشبختانه مخالفت شدید سابق در موضوع معاینه زنان از طرف پزشگان مردم‌ترفع شده است و در تهران هم یک بنگاه حمایت مادران و یک آموزشگاه

۱ - بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ از نظر اینکه بهداشت عمومی بهایت اهمیت را داشت بر حسب امر اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی وزارت بهداری تشکیل گردید و با منظور نمودن رقم‌بزرگی در بودجه کل کشور این وزارت خانه به اقدامات دامنه‌داری دست زده است. مترجم

پرستاری تأسیس یافته است.

آبله کوبی و تزریق واکسن‌های ضد تیفوئید عمومیت یافته است و بسیاری از مردم حتی ایلات بدبوی از آن استقبال می‌کنند اما هنوز اکثریت مردم ایران از دستورهای بهداشتی مربوط بجلوگیری از بیماریها آنطور یکه باید و شاید آنگاه نیستند.

در اغلب از شهرها مأمورین بهداشت و اطبای مخصوص وزارت فرهنگ مشغول انجام وظیفه‌اند و کلیه آموزشگاه‌ها بوسیله این مأمورین و یا مأمورین بهداریهای محل بطور دقیق بازرسی می‌شوند. ضمناً بنگاه راه آهن و معادن و کارخانجات هر یک سرویسهای مخصوص بهداری دارند.

هر مسافری که از خارج بکشور ایران می‌آید از نظر صحی معاينه می‌شود و نیز در بنادر مهم قرنطینه دایراست سازمانهای بهداشتی خیلی دقیق و مرتب کار می‌کنند خیابانها را پاک نگاه میدارند و کوشش زیادی بکار می‌برد که هر شهری بقدر کافی آب آشامیدنی داشته باشد و بمنظور رعایت بهداشت عمومی زباله و کثافت را بخارج از شهر برده و می‌سوزانند تا مردم از بیماریهای گوناگون در امان باشند.

از چندی پیش تا کنون از نظر بهداشت خواربار عمومی تهران مرتباً بازدید می‌شود و بازرسی‌های دقیقی در این باره معمول می‌گردد. مرض مالاریا که متأسفانه هنوز هم در جنوب ایران شدت دارد مورد مطالعه و اقدام جدی مأمورین مربوطه است و برای جلوگیری از آن اقدامات لازم صورت گرفته که تا اندازه‌ای هم نتایج این اقدامات محسوس گشته و بشمر رسانیده است.

مؤسسات خیریه مانند جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران برای
 ساختن بیمارستانها و کمک بسیل زدگان و آسیب دیدگان زلزله و امثال
 آنها اعانه جمع آوری میکنند .

۱ - جمعیت صلیب سرخ که در اثر اقدامات نوع پروردانه خانم فلاورنس نای
 تینکل و آقای هائزی دونان بنیان گذاری شد و در اثر مساعی آقای گوستاو موائنه
 بوجود آمد اولین جلسه خود را در تاریخ نهم ماه فوریه سال ۱۸۶۳ میلادی
 بنام جمعیت فوائد عامه در شهر ژنو تشکیل داد تادر باره پیشه های هائزی دونان
 رسیدگی کند و در همین جلسه که باید آنرا اساس تشکیل صلیب سرخ جهان
 دانست یک هیئت ۵ نفری که خود هائزی دونان و گوستاو موائنه هم جزء آن
 بودند انتخاب گردیدند و تمام هم خود را بکار ببرند تا اینکه موفق شوند چند
 ماهی بعد از تشکیل اولین جلسه کمیته ۵ نفری یعنی در ماه اکتبر سال ۱۸۶۳
 کنگره بزرگی باش رکت سی و شش نماینده ۱۶ کشور اروپائی تشکیل دهند
 و در همین کنگره اولین قرارنامه (کنوانسیون) ژنو نوشته شد ولی حاضرین در
 جلسه نماینده گان رسمی دولتها متبوع خود نبودند و حق امضا یک عهد
 نامه بین المللی را نداشتند و بهمین لحاظ در حال بعد شورای دولتی کشور سویس
 از دولتها اروپا دعوت کرد که با اعزام نماینده گان خود و امضا قرارنامه ای
 که مورد موافقت کنگره بین المللی قرار گرفته جمعیت صلیب سرخ را رسیت
 بدند و در روز هشتم اوت سال ۱۸۶۴ این کنفرانس بنام (کنفرانس دیپلماتیک)
 دریکی از تالارهای شهرداری ژنو افتتاح گردید و پس از پانزده روز بحث و
 شور اولین قرارنامه رسمی ژنو را درباره (حمایت و اصلاح حال سربازان
 زخمی در میدانهای جنگ) درده ماده تصویب و امضاء کرد و کمیته بین المللی
 مذکور را بعنوان پایه تشکیلات صلیب سرخ بر سمیت شناخت که دولت ایران
 هم در تاریخ پنجم دسامبر سال ۱۸۷۴ متن این قرارنامه را در تهران امضا
 کرده است.

علامت مشخصه مؤسسات و جمعیت های که بر اساس این قرارنامه تشکیل
 می شوند صلیب سرخ بر روی متن سفید بود ولی پس از جنگی که بین صربستان
 و روسیه با دولت عثمانی در گرفت دولت عثمانی اعلام داشت که بجای صلیب
 سرخ هلال سرخ استعمال خواهد کرد و روسیه هم همین علامت را اعلام شاخصه
 بقیه در زیر صفحه بعد

بنگاههای خیریه دیگری هم مانند بنگاه حمایت مادران و کودکان وزنان باردار و بینوایان خدمات عمومی مؤثری را انجام میدهند (بنگاه حمایت مادران و کودکان بعد از تولد نوء شاه تأسیس گردید) مؤسسه‌ای هم برای نگاهداری بیوه زنان و یتیمان دایر شده است.

مؤسسات و جمعیتهاخود قرارداد که در سالهای ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ در مجتمع بین‌المللی نیز علامت مشخصه دوکشور مذکور شناخته شد.

درباره جمعیت شیروخورشید سرخ ایران یاد داشت که دولت ایران تاسال ۱۹۰۶ (هزار و سیصد و بیست و چهار قمری) در هیچ‌یک از کنفرانس‌های بین‌المللی صلیب سرخ نماینده نداشته است من فقط در سال ۱۸۷۴ در تهران قادر نامه سال ۱۸۶۴ را امضا کرده است ولی برای اولین بار در سال ۱۹۰۶ نماینده خود را برای شرکت در کنفرانس صلیب سرخ بین‌المللی به ژنو اعزام داشت که از نظر اهمیت متن تلگراف اداره سیاسی هیئت اتصالیه سویس و وزارت امور خارجه ایران برای اطلاع خوانندگان گرامی درج میگردد.

«از برن - هفتم مارس ۱۹۰۶ : بوزیر امور خارجه دولت علیه ایران. انجمن اتصالیه با کمال افتخار دولت متبوعه آن جناب را بعضیوت مجلس کنفرانسی که درخصوص معاہده ژنو در یازدهم ماه ژوئن آتیه در شهر مزبور انعقاد خواهد یافت دعوت مینماید و خواهشمند است که اسامی نماینده‌گان خود را تا آخر آوریل معین نمائید. اداره پلی‌تیکی هیئت اتصالیه سویس . فورتی» پاسخ دولت ایران چنین است : « ۲۹ شهر صفر ۱۳۲۴ - جناب مستطاب اجل دوستان استظهار مشق مکرم مهر بانا دوستدار با کمال هست اظهار میدارد که دولت علیه ایران دعوت آن دولت جمهوریه را به کنفرانسی که در یازدهم ماه ژوئن آتیه در خصوص مراجعت معاہده ژنو در برن منعقد خواهد شد با فرط رغبت پذیرفته و نماینده خود را در کنفرانس مزبور جناب جلالت مآب اجل میرزا صمدخان ممتاز‌السلطنه وزیر مختار وايلچي مخصوص دولت علیه ایران مأمور پاريس تعیین داشته است . محض استحضار خاطر آن جناب مستطاب به تکارش این رسیله دولتی وسیله پرداخته و این موقع را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت با آن جناب مستطاب مفتتم می‌شمارد . نصرالله مشیرالدوله »

بقیه در زیر صفحه ۳۹۵



والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیہ جمیعت شیر و خورشید سرخ
ایران در لباس مخصوص جمیعت بامداد و بازوبند

تبرستان
www.tabarestan.info

روزنامه های ایران مطالب سودمندی درباب بهداشت کودکان و دستورات بهداشتی عمومی برای جلوگیری از بیماریها درج میکنند. بدینه است که این اقدامات برای روشن شدن افکار عمومی صورت میگیرد تا مردم با دستورات لازم بهداشتی آشنا گردند.

نماینده دولت ایران در این کنفرانس وظایف خود را با جدیت انجام داد و در اثر مساعی او جمیعت صلیب سرخ بین المللی عالمت مشخصه این جمیعت را در ایران شیر و خوارشید سرخ بر روی متن سفید بر سریث شناخت و در سال ۱۳۰۲ در ایران هم این جمیعت تأسیس خود را با عالمت مذکور اعلام داشت و پس از اقداماتی که بعمل آمد اولین کنگره شیر و خوارشید سرخ تشکیل و ۲۷ نفر از مؤسسان که در جلسه حضور داشتند به اکثریت آراء هفت نفر را بنام هیئت عامله جمیعت شیر و خوارشید سرخ ایران انتخاب کردند که آنان از بین خود سه دار سپه وزیر جنگ (اعلیحضرت رضا شاه کبیر) را بنوان اولین رئیس جمیعت شیر و خوارشید سرخ ایران انتخاب و کمیته بین المللی صلیب سرخ هم طی بخششانه شماره ۲۴۱ مورخه سی ام ماه مه سال ۱۹۲۴ تأسیس جمیعت را به اطلاع کلیه جمیعیت‌های عضو رسانید. محل اولیه جمیعت در خیابان ناصر خسرو جنبه دارالفنون در عمارت سابق وزارت فرهنگ در دوره ایا سه اطاق محقر بوده است و در سال ۱۳۰۴ اعضا جمیعت در تهران ۱۰۰ نفر بوده اند و از مرداد ماه ۱۳۰۲ تا اسفند ماه سال ۱۳۰۳ در آمد جمیعت شیر و خوارشید سرخ ایران ۱۳۵۸ تو مان و شش قران و دو عباسی بوده است. از نظر اهمیتی که این جمیعت داشت رضا شاه کبیر دختر خود و الاحضر شاهدخت شمس پهلوی را بسم رئیس جمیعت شیر و خوارشید سرخ ایران منصوب فرمودند و این شاهزاده خانم هم که از مسئولیت این امر خطیر بخوبی آگاه بودند با توجهات مخصوص برادر تاجدارشان اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی فعالیت خستگی ناپذیری را شروع کردند و مخصوصاً پس از خاتمه جنگ دوم جهانی که اهالی کشور در نقاط مختلف بواسطه اثرات ناشی از جنگ دچار فقر و فاقه شده بودند هر گاه خشم طبیعت هم گریبان نگیر آنان میشد جز جمیعت شیر و خوارشید سرخ ایران پناهی نداشتند از اینرو و الاحضر شاهدخت شمس پهلوی بفعالیت و کوشش‌های خود برای رفع آلام و مصائب هموطنان ما در موقع لزوم افروندند که در اثر سعی و بقیه در زیر صفحه بعد

برای سلامتی بدن و بهداشت ملی البته ورزش نقش مهمی را بازی میکند.

ایران باستان در امر ورزش و تربیت بدنی شهرت جهانی داشت امادر سالهای اخیر تبلی و خوشگذرانی این وضع را بکلی تغییرداد بطوریکه هرینتنده خارجی از صورت ظاهر چنین میپنداشت که ملت ایران اصلیت نژادی خود را ازدست داده است

کوشش و فعالیت‌های پی درپی معمظم لهادرحال حاضر جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در تمام نقاط ایران مؤسسه‌ای از قبیل : پروشگاه کودکان ، بنگاه حمایت کودکان ، مهد کودکان ، اندرزگاه ، بیمارستان و درمانگاه دارد که با تنظیم و ترتیب مشغول انجام وظایف خود در خدمت بهموطنان گرامی ماهستند و همانطوریکه خوانندگان ارجمند اطلاع دارند در هر موقعی که خشم طبیعت یکی از نقاط کشور ایران روی آورد ویا مصیبتی دامنگیر هموطنان گرامی ما گردد بلاد رنگ جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران به کمک آنان خواهد شافت و کمکهای مؤثر این جمعیت در حوادث تأثیر آور زلزله شمال و غرب و نواحی قزوین در سال ۱۳۴۱ برای همه روشن است توضیح بیشتری دارد این باب لازم نمیدانم .

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران برای تربیت پرستاران و پزشکیاران آموزشگاهی بنام رضا شاه کبیر در سال ۱۳۳۴ تأسیس کرده که تاکنون عده‌زیادی از این آموزشگاه فارغ التحصیل شده و در مؤسسات مختلف جمعیت مشغول خدمت هستند و هم‌ساله عده‌ای با شرایط خاصی برای تحصیل در این آموزشگاه پذیر فته می‌شوند .

باید در نظر داشت که جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران علاوه بر مؤسسات مختلفی که در اینجا ذکری اذ آنها بیان آمد دو مرکز بسیار مهم و مفید بنام مرکز مبارزه با سل و مرکز مبارزه با سرطان در تهران تأسیس کرده است که به آخرین وسائل طبی مجهز بوده و وظایف خود را در خدمت بهموطنان مأموری انجام میدهند . مترجم

بیست سال تاریخ گذشته عکس این تصویر را نشان داد با این حال هنوز هم به استثنای ایلات و عشايری که در کوهستانها و هوای آزاد زندگی می‌کنند وضع مزاجی ایرانیان چندان رضایت‌بخش نیست و برای تأمین سلامتی مردم کوشش زیاد و اقدامات جدی لازم است. کشور ایران هم مانند سایر ملت‌های جوان اروپا و شرق بهورزش‌های بدنه بیش از ورزش‌های روحی علاقه دارد اما اکنون موقع مناسبی است که بین این دو تمایل تعادل عادلانه‌ای برقرار شود.

در سال ۱۹۳۳ اولین قدم برای ترویج ورزش و تشویق ورزشکاران برداشته شد و انجمن تربیت بدنی تحت ریاست ولیعهد تأسیس گردید.

اتفاقاً خود ولیعهد هم به انواع ورزش‌ها علاقمند هستند. انجمن تربیت بدنی ایران تحت ناظارت وزارت فرهنگ انواع عملیات ورزشی و پیشاهنگی را ترویج و اداره می‌کند و در اثر کوشش این انجمن هم اکنون بیش از سیصد باشگاه ورزشی در ایران دایر گشته است و هر یک از مدارس تیمهای فوتبال، سکتبال، والیبال و تنیس تشکیل داده‌اند، همه جامیدانهای ورزش بچشم می‌خورد و در تهران میدان مسابقه بسیار خوبی ساخته‌اند و روزنامه‌ها نتایج مسابقات را مرتباً منتشر می‌سازند. البته این قبیل نشریه‌ها در ترویج ورزش اثر مهی دارد و روزنامه‌های ایران علاوه بر انتشار مقالات ورزشی عکس‌قهرمانان ایرانی را هم با مطالب تشویق آمیزی چاپ می‌کنند.

رئه دانش آموزان مدارس و ورزشکاران در تمام جشن‌های رسمی قسمت اصلی جشن را تشکیل می‌دهد و حتی درین پیشاهنگان دسته کوه پیمائی هم تشکیل شده و بکوههای ایران رفت و آمد دارند.

نهضت پیشا‌هنگی از نظر تندرستی و پیشرفت امور وزش کمک بسیار مهمی است زیرا جوانان در هوای آزادوروزش می‌کنند و این عمل برای صحت هزاج و تندرستی آنان کمک شایانی محسوب می‌گردد.

اوین مؤسسه پیشا‌هنگی در سال ۱۹۲۵ تأسیس شد ولی تا سال ۱۹۳۳ که انجمن تربیت بدنی تشکیل گردید پیشرفت چندانی نداشت. در سال ۱۹۴۰ تعداد پیشا‌هنگان کشور ایران به بیست و یک هزار نفر رسید.

در سال ۱۹۳۹ بمحض مقررات مخصوصی عضویت پیشا‌هنگی از سال ششم دبستان و تمام کلاس‌های دیارستان برای دانش آموزان اجباری شده است.

پیشا‌هنگان ایران مانند پیشا‌هنگان انگلستان (پیشا‌هنگی ایران شباخت تامی به پیشا‌هنگی انگلستان دارد) بسه طبقه تقسیم شده‌اند: شیربچه (گرگ در نظر ایرانیان تعریفی ندارد) پیشا‌هنگ، جهان‌پیما. پیشا‌هنگان از سن دوازده سالگی تا بیست‌سالگی به طبقات سه کانه گفته شده تقسیم می‌گردد.

پیشا‌هنگی دختران که در سال ۱۹۳۵ تحت نظر و ریاست دختر بزرگ شاه تأسیس گردید از نظر تقسیم و دسته‌بندی مانند پیشا‌هنگی پسران می‌باشد اما در موادی چند از پسران متمایز است و جوانترین اعضا این سازمان را جوچه عقاب مینامند.

در فصل تابستان در منظریه واقع در دامنه البرز و در سایر استانها بمنظور آموزش و پرورش سردهسته پیشا‌هنگی دختران و پسران چادر می‌زند وارد دوی پیشا‌هنگان در نقاط معینی متوجه می‌گردند.

مرا م پیش آهنگی ایران میهن دوستی ، رفتار نیک و گفتار نیک است و عقیقه دارند که پیشا هنگ باید همیشه آماده باشد. پیشا هنگ ایران با پیشا هنگ این بین المللی ارتباط دارد.

در سال ۱۹۳۵ دانشجویان ایرانی مقیم کشور فرانسه در همانجا پیشا هنگی جدا کانه ای بشکل پیشا هنگی فرانسه تشکیل دادند. در سال ۱۹۳۷ اعدام از پیشا هنگ ایران به جام بوری (Jamboree) کشور هلند اعزام گشتند .

در فصول پیش گفته شد که تا اوخر قرن گذشته تقریباً کل آموزشگاه های جدید ایرانی بدست خارجیان اداره میشد و بنابراین هر گونه پیشرفت و ترقیاتی که در امر آموزش و پرورش از آن تاریخ بعد مشاهده شود مر بوط به مساعی بی ریا و فعالیت های صمیمانه رضا شاه است .

قبل از برقراری رژیم فعلی قدم هایی در این راه برداشته شده بود که اثر مهم آن رامیتوان تأسیس دارالفنون در سال ۱۸۵۲ دانست .

در سال ۱۸۷۳ مدرسه تعلیم زبان های خارجه در تهران دایر گشت و در سال ۱۸۷۶ دومین مدرسه عالی دولتی در تبریز تأسیس شد که معلمین ایرانی و خارجی در آن تدریس میکردند و متعاقب آن در سال ۱۸۸۳ یک مدرسه عالی نظام در اصفهان و در سال ۱۸۸۶ یک مدرسه عالی نظام در تهران دایر گردید .

در سال ۱۸۹۷ اولین مدرسه دخترانه در چالیس آذر با بیان افتتاح شد. در سال بعد اولین قدم اصلاحی در راه تعلیم و تربیت ملی برداشته شد و سازمانی بنام شورای هدایت ملی تشکیل گردید که در آن رجال روشن فکر معاصر ایران شرکت داشتند و در همان سال ده باب مدرسه از طرف

این شورا در سراسر کشور تأسیس یافت و در مدت بسیار کمی اقدامات اساسی در امور فرهنگ مملکت صورت گرفت.

تحصیل در اغلب این مدارس مجانی بود و در بعضی مواقع به شاگردان شام و ناهار هم میدادند.

بطور متوسط هر یک از مدارس ۲۵۰ نفر شاگرد، چهارده معلم و یک طبیب داشت.

معلمین در مدت چهار سال خواندن و نوشتمن فارسی، زبان عربی و ریاضیات بشاشگردان میآموختند.

لازم است متنذکر شویم که در سال ۱۸۹۹ مدرسه عالی دیگری بنام مدرسه عالی سیاسی از طرف وزارت امور خارجه ایران تأسیس گردید و همچنین در سال ۱۹۰۰ مدرسه فلاحت تأسیس یافت که ریاست آن به عهده یکنفر بلژیکی بود.

نهضت مشروطه در سال ۱۹۰۶ آنچه را که در این باره انجام شده بود تکمیل کرد و سازمانهای آنرا تجدید نمود.

قانون تعلیم و تربیت سال ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ مدارس ملی و دولتی را از یکدیگر متمایز ساخت.

مدارس ملی عبارت بود از منکتب خانه‌ها که در آنجا فقط بدانش آموزان قرآن میآموختند و مدارس قدیمه دینی و مدارس خصوصی که به هزینه هیئت‌های خارجی اداره میشدند.

از آن پس دولت ایران مدارسی به هزینه خود تأسیس کرد و داشت آموزان را از رفتن به آموزشگاه‌های خارجی منع نمود و البته ممنوع ساختن تحصیل نوآموزان ایرانی در مدارس خارجیان از آن نظر بود که از نفوذ

روسها جلوگیری گردد اما وارد مدارس عالی خارجیان آزاد نمایند تا جوانان
بتوانند تحصیلات خود ادامه دهند.

برای گذراندن دوره عالی علوم جدید و تکمیل تحصیلات سی نفر
از دانشجویان ایرانی به هزینه دولت به اروپا اعزام شدند و در همان موقع رسماً
تمامیلاتی برای توسعه مدارس دختران ابراز شد و بطور یکدآمار نشان میدهد
در سال ۱۹۱۱ هفتاد و شش دبستان میتواند با ۸۳۴۴ نفر شاگرد و چهل و
هفت دبستان دخترانه با ۲۱۸۷ نفر شاگرد و ۲۰ دبیرستان با ۱۵۴۳ نفر شاگرد
و سه مدرسه عالی با ۱۵۷ نفر شاگرد در سراسر کشور ایران دایر بود.

در سال ۱۹۱۹ بودجه آموزش و پرورش ملی دوباره شد و ملی نیضت
حقیقی فرهنگ ایران از زمان استقرار دولت رضا شاه پهلوی آغاز گردید
که با فعالیتهای شبانه‌روزی سرانجام توانست به امور آموزش و پرورش کشور
خود سروصورتی بدهد.

در تجدید سازمانهای فرهنگی نظر این بود که امور آموزش و پرورش
کاملاً تحت کنترل دولت باشد گرچه آموزشگاههای ملی و خصوصی هم
با قیامندن داما از حیث برنامه‌های آموزشی تحت نظروزارت فرهنگ در آمدند
با این ترتیب که ساختمان آموزشگاههای ملی میباشد مطابق نقشه‌ای باشد
که وزارت فرهنگ آنرا تصویب کند و برای تحصیل دانش آموزان مناسب
باشد و نکات بهداشتی در ساختمان آن کاملاً رعایت گردد و نیز صلاحیت
آموزگاران و دبیران را هم وزارت فرهنگ گواهی کند.

برنامه هم‌البته همان برنامه رسمی مدارس دولتی است زیرا شاگردان
باید آخر سال در موقع امتحانات نهایی کشور مواد برنامه را امتحان بدهند.
فارسی، عربی، تاریخ و جغرافی ایران جزء مواد اصلی برنامه

دروس مدارس است .

از سال ۱۹۳۲ بعده نوآموزان اتباع ایران نمیتوانند بمدارس مقدماتی خارجیان بروند و تمام مواد برنامه تحصیلی باید بزبان فارسی تدریس گردد .

برای منظم ساختن مکتب خانه‌ها هم کوشش زیادی شد اما نتیجه رضایت‌بخش نبود و فقط در موربه مدتی هدایت و نظافت عمل آنها تا اندازه‌ای با موقیت توأم بود .

بعد از این آموزشگاه‌های خصوصی پیش‌پرداخت دستورات وزارت فرهنگ کمک هزینه‌هایی از طرف دولت پرداخت میگردد . وزارت فرهنگ ایران که در سال ۱۹۱۱ تأسیس گردیده است از نهاد اداره کل تشکیل می‌بند که مهمترین آنها عبارتند از اداره کل آموزش ابتدائی و متوسطه و اداره کل تعليمات عالیه .

اداره کل دیگری هم در امور انجمن تربیت‌بدنی نظارت میکند و یکی دیگرهم اداره کل باستان‌شناسی است که اختصاص به امور تاریخی و باستان‌شناسی ملی دارد .

کشور ایران از نظر سازمانهای فرهنگی به سی و سه ناحیه تقسیم میشود و هر ناحیه‌ای تحت نظر یکنفر رئیس اداره میگردد که معمولاً از تهران اعزام میشود .

در سال ۱۹۲۲ هیئت بنام هیئت عالی آموزش و پژوهش مرکب ازده نفر عضو از رؤسائے و دبیران دبیرستانها ومدارس عالی تشکیل گردید و فعلاً آموزشگاه‌های ایران عبارتست از کودکستان و دبستان (در دهات در حال حاضر فقط دبستان دایر شده است) دبیرستان و دانشکده .

قاعدتاً تعليمات ابتدائی اجباری است اما عملاً در شهرها بیش از پنجاه درصد کودکان بدبستان نمیروند بدینهی است که در دهات این عده بمراتب کمتر است.

وضع مدارس نسبتاً خوب است زیرا صندلی و نیمکت و سایر لوازمات بقدرتی که رفع احتیاج کند موجود است و حتی مدارس کتابخانه و کتاب و نقشه هم دارند.

در قوانین مربوط آموزش و پرورش ابتدا از کودکستان ذکری نشده بود و برای اولین بار در سال ۱۹۱۸ این قسمت عملی شد. در سال ۱۹۳۳ یاک کودکستان دولتی در تهران تأسیس گردید و از آن تاریخ بعد تأسیس کودکستان بطرز کودکستانهای ممالک مترقی در ایران رواج یافت.

کودکان از چهارتا هفت سالگی بکودکستان میروند و سرگرمیهای سه تا پنج ساعته روزانه آنان عبارتست از حرکات بسیار ساده ورزشی، ساختن اسباب بازی کاغذی و مقوایی، خواندن سرودهای کودکستان و سرودهای فرهنگی، رقص و آموختن بعضی مطالب و اشعار ساده و همچنین القبایزبان فارسی.

کودکان در سن هفت سالگی مشمول قانون تعليمات اجباری میشوند و باید بهدبستان بروند.

دبستانها شش کلاسه است و دانش آموز باید مدت یکسال برنامه هر کلاسی را یاموزد.

تعطیل مدارس طولانی است در نقاط سردسیر سالی دویست روز و در نواحی گرمسیر سالی یکصد و هفتاد روز شاگردان درس میخوانند.

لباس متحداً الشکل شاگردان در سال ۱۹۳۵ تعیین شد و مقرر گردید
کدپرها کت و شلوار فلانل خاکستری رنگ و دخترهار و پوش خاکستری
رنگ پیو شند .

تعداد دبستانهای مختلط اکنون زیاد است و در سال ۱۹۳۵ اولین
دبستان مختلط در ایران تأسیس گردید.

بر نامهٔ دروس پسران و دختران تا اندازه‌ای باهم تفاوت دارد بدین
معنی که پسرها زبان فارسی ، ریاضیات تاریخ و جغرافی ایران و کمی
هم زبان عربی هیآ موزن دو دخترها همین موادر را البته قلیری مختص فرامیگیرند
و ضمناً نقاشی و خیاطی هم جزء مواد درسی آنهاست .

کتب درسی بطور کلی از طرف وزارت فرهنگ طبع و نشر میشود و
همین امر بخوبی میرساند که سیاست عمومی دولت دربارهٔ فرهنگ این است
که در سراسر کشور آموزش و پرورش یکسان باشد .
بالارفتن از کلاسی بکلاس دیگر هرساله الزامی نیست و این موضوع
با استعداد دانش آموز بستگی دارد .

در پایان شش سال یک شاگرد عادی میتواند در امتحانات نهائی شرکت
کند و خود را برای ورود به دیبرستان آماده سازد .
هیچیک از افراد کشور نمیتوانند بدون داشتن گواهینامه دیبرستان
وارد خدمات دولتی شوند و مخصوصاً پذیرفتن افراد بخدمات رسمی دولتی
حتماً باید با گواهینامه پایان دورهٔ دیبرستان باشد .

فصل سی و چهارم

دبیرستانها - دانشگاه تبرستان

تعلیمات متوسطه اجباری نیست و اغلب شاگردان پس از دریافت گواهینامه شش ساله ابتدائی مشغول کارهای مختلف میشوند .
دوره تعلیمات متوسطه که از سال ۱۹۲۱ عملی گردیدشش سال است و پس از طی آن شش سال و قبول شدن در امتحانات دانش آموز میتواند برای ادامه تحصیلات خود بدانشگاه برود (دختران سال آخر را در کلاس مقدماتی مخصوص ورود به دانشگاه میگذرانند) .

برنامه دروس سه ساله اول دبیرستان برای دانش آموزان یکسان است.

پسران و دختران زبان ، ادبیات ، ریاضیات ، علوم ، تاریخ و جغرافی میآموزند و به پسران علاوه بر مواد مذکور فیزیک ، شیمی و ریاضیات بیشتری تعلم داده میشود و در عوض دختران خانه داری ، بجهه داری و خاطری باد میگیرند .

اوقات فراغت شاگردان با موسیقی ، بازی و تهیه نمایش میگذرد و منظور اصلی از آموزش و پژوهش ایران بطوریکه از برنامه تحصیلی دانش آموزان استنباط میگردد این است که تمام شاگردان عضو خوب و مفیدی

برای همکاری با اجتماع باریا یند .
تعلیمات متوسطه در ایران مجانية نیست و از شاگردان این دوره
حق التدریس مختصری دریافت میگردد .
فرزندان آموزگاران و دبیران و کارمندان جزء دولت و محصلینی
که با نمرات خوب دوره ابتدائی خود را گذرانده‌اند در دبیرستانهای
دولتی مجانية پذیرفته میشوند .
گواهینامه دوره اول متوسطه نه تنها برای ورود به دوره دوم
دبیرستان لازم و حتمی است بلکه برای ورود به آموزشگاه‌های حرفه‌ای و فنی
و همچنین اشتغال بخدمات عادی دولتی نیز ضرورت دارد .
دوره سه سال دوم متوسطه را میتوان دوره تخصصی نامید نظر اصلی
از تعلیمات دوره دوم دبیرستان آنست که شاگردان برای ورود به انشگاه
و یا آموزشگاه‌های عالی دیگری آماده گردند و بهمین جهت دارند گان
گواهینامه دوره دوم متوسطه میتواند در ادارات دولتی مصدر کارهای رسمی
باشوند و نیز دانشگاه‌های کشورهای فرانسه، آلمان و بعضی از دانشگاه‌های
انگلستان و امریکا گواهینامه دوره کامل متوسطه را برای ورود به انشگاه
میپذیرند .

مواد اصلی دوره دوم متوسطه عبارتست از کارهای علمی و هنری ،
ادبیات (فارسی، عربی، زبان خارجی، تاریخ، جغرافی، فلسفه) و علوم
(ریاضیات، فیزیک، شیمی) و یک زبان خارجی .

دانش آموزان دوره ادبی دبیرستان میتوانند برای ادامه تحصیلات
خود بدانشکده‌های ادبیات و حقوق بروند و دانش آموزان دوره علمی در
دانشکده‌های علوم، فنی، پزشکی و یا دانشسرای عالی که دوره مخصوص

تریت دیران محسوب میگردد پذیرفته میشوند .
دیرستانهای دیگری هم از قبیل دیرستانهای تجارت ، فنی، صنعتی،
کشاورزی، هنرهای زیبا ، مذهبی و فلسفی وجود دارند که برای دانشکده-
های مربوطه و مشاغل فنی جوانان را تربیت و آماده میسازند .
تعلیمات عالیه دختران بیشتر از این نظر است که دیران دانشمندی
برای دیرستانهای دختران آماده میسازند و در روانشناسی و فن تدریس
متخصص شوند و یا آنکه آموزشگاههای هنرستانی بروند .
آخر آموزشگاهی برای دختران دیرشده است که دوره آن دو
سال است و دخترانی که مایل نباشند بدانشگاه بروند در این آموزشگاه
مشغول تحصیل میگردند .

برنامه این دوره شامل هنرهای دستی ، خانه داری ، بچه داری و
بهداشت میباشد .

قانون دانشگاه تهران روز سی ام ماه مه سال ۱۹۳۴ تصویب رسید
و روز بیست و پنجم ماه ژوئن اولین نقشه ساختمان آن طرح گردید و روز
پنجم ماه فوریه سال ۱۹۳۵ اعیان حضرت شاه اولین سنگ ساختمان دانشگاه
را بنانهاد^۱ و از همان روز تا کنون هرساله روز اول فوریه را بعنوان جشن

حسب الامر اعیان حضرت رضا شاه کبیر بنیان گذار ایران نو
دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ بموجب قانون تأسیس دانشگاه مصوب
هشتم خرداد ۱۳۱۳ ایجاد گردید و در این تاریخ از مدارس عالی که در آن
هنگام وجود داشت (مانند دارالعلیین عالی - مدرسه حقوق و علوم سیاسی -
مدرسه عالی طب) دانشگاه تهران تشکیل شد و بر سرعت اجزاء مختلف آن
ایجاد گردید . در اینصورت قدیمترین تاریخ تأسیس بعضی از شعب موجود
بقیه در زیر صفحه بعد

تأسیس دانشگاه مینامند و مراسمی باین مناسبت در تمام دبستانها و دبیرستانها
و سازمانهای فرهنگی کشور برگزار میگردد.

ساختمان دانشگاه تهران در اراضی بسیار وسیعی بنا گردید و شامل بنج دانشکده ادبیات، علوم، پزشگی، حقوق و فنی میباشد.

دانشگاه تهران سال ۱۲۶۸ هجری قمری (۱۴۳۱ شمسی) است. در این سال
مدرسه دارالفنون بر اثر مساعی میرزا تقی خان امیرکبیر تأسیس گردید و بطوریکه
از اسام آن پیداست شامل رشته‌های مختلف از قبیل - طب - فنون نظامی - ریاضیات
ادبیات - موسیقی و رشته‌های دیگر علوم و فنون بود. رشته طب بر اثر توسعه‌سازمان
بعدها از دارالفنون جدا شد و بنام مدرسه عالی طب و داروسازی موسوم گردید
و همچنین رشته فنون نظامی نیز از دارالفنون جدا شد و به وزارت جنگ ملحق
گردید. البته در این زمان در نقاط مختلف کشور مدارس قدیمه‌ای وجود
داشت که در آنها علوم اسلامی و بسیاری از مباحث هر بوط علوم عقلی و نقلی
تدریس میشد قدیمترین تاریخ تأسیس اینگونه مدارس و دارالعلمها در ایران
قرن چهارم هجری (قرن دهم میلادی) است مجموعه این مدارس و ایجاد
مدارس عالی دیگری که شرایط زمان تأسیس آنها را ایجاب میکند و لزوم
وحدت و تمرکز اداره این مدارس عالی سبب شد وزارت فرهنگ به ترتیبی که
در کشورهای متفرق معمول است طرح دانشگاهی بریزد و قانون آنرا در هشتم
خرداد ۱۳۱۳ تصویب برساند بمحض این قانون اکثر مدارس عالی تهران
تحت اداره واحدی قرار گرفت و در این قانون برای دانشگاه استقلال فنی
مالی و اداری پیش‌بینی شده بود ولی این امر تا چند سال بسب و وجود موانع و
مشکلات تحقق نیافت بمحض ماده دوم قانون تأسیس دانشگاه، برای دانشگاه
شش شعبه که بر هر یک لفظ دانشکده اطلاق میشود در نظر گرفته شده بود
باین شرح:

- ۱ - دانشکده ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی
- ۲ - دانشکده پزشگی و شب و فروع آن
- ۳ - دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی
- ۴ - دانشکده علوم طبیعی و ریاضی
- ۵ - دانشکده علوم معقول و منقول
- ۶ - دانشکده فنی

بقیه در زیر صفحه بعد

اعلیحضرت رضا شاه کبیر هنگام نصب لوح تاریخی داشکاه تهران



شماره
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

یک دانشکده دیگر بنام دانشکده معقول و منقول ضمیمه دانشگاه تهران است که محل آنرا مسجد سپهسالار قرار داده‌اند.

ساختمان مسجد سپهسالار در سال ۱۸۸۲ بنашده است.

هفتمین دانشکده وابسته بدانشگاه تهران دانشکده هنرهای زیبای

همچنین در این ماده ذکر شده است مدارس صنایع مستخر فهودا نشر ایالی و مدارس و مؤسسات دیگر نیز ممکن است ضمیمه دانشگاه شود. دانشسرای عالی از همان ابتدای تأسیس دانشگاه ضمیمه دانشگاه شد و از شب آن بشمار رفت اذاین پس تکامل تدریجی دانشگاه شروع شد. دید در این دانشگاه چو انی که بخرج دولت شاهنشاهی بکشورهای خارجه اعزام شده بودند پس از تکمیل تحصیل و مطالعات خود مراجعت کردند و بتدریس در دانشگاه مشغول شدند. دانشکده هنرهای زیبا بر حسب تصویب هفتاد و نهمین جلسه شورای دانشگاه از سال تحصیلی ۱۳۲۰-۱۳۲۱ تأسیس گردید و پر تعداد دانشکده‌های دانشگاه تهران افزوده شد برای دانشکده پژوهشگی و شبکه آن سازمان وسیعتر و کاملتری بمحض قانون خاصی که در آبان ۱۳۱۹ تصویب رسید بوجود آمد و بیمارستانهای تهران نیز برای کارآموزی دانشجویان شبکه این دانشکده بمحض همان قانون بدانشگاه تهران ضمیمه شد اما استقلال دانشگاه از نظر اداری و فنی در زمان وزارت فرهنگ آقای دکتر علی اکبر سیاسی (۱۳۲۱-۱۳۲۲) عملی شد و نهستین بار بر طبق مقررات قانون استقلال دانشگاه رئسی دانشکده‌ها از میان استادان و با موافقت نظر ورأی آنان بر گزینه شدن رئیس دانشگاه نیز از میان رئسی دانشکده‌ها برأی شورای دانشگاه انتخاب و بمحض فرمان همایونی منصوب گردید. دانشکده دامپزشگی که قبل توسط وزارت کشاورزی اداره میشد بمحض تصویب بنامه هیئت وزیران در مهر ماه سال ۱۳۲۳ بدانشگاه منضم گشت و دانشکده کشاورزی نیز با تصویب بنامه مورخ ۱۳ اسفند ماه ۱۳۲۴ هیئت وزیران تحت اداره دانشگاه قرار گرفت و بمحض قانون مصوب ۲۹ فروردین ۱۳۲۸ این الحق برسمیت شناخته شد ولی استقلال مالی دانشگاه در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ بمرحله عمل درآمد از آن زمان سیر ترقی و تکامل دانشگاه تهران تسریع گردید ..

دیگر خانه دانشگاه که قبل از تصویب قانون استقلال دانشگاه ضمیمه اداره تعلیمات عالیه وزارت فرهنگ بود باداره کل مستقلی تبدیل شد و سازمان آن بر حسب احتیاج بسط و توسعه یافت. ادارات و شبکه تازه‌ای در اداره کل بقیه در زیر صفحه بعد

کشور است که اخیراً نویسندگان گردید . قسمت اصلی ساختمان دانشکده پژوهشگی در ماه مارس سال ۱۹۳۷ تکمیل گردید و ساختمان دانشکده حقوق روز پانزدهم ماه مارس سال ۱۹۴۱ با تمام رسید . سایر بناها باضافه باشگاه رستوران و محل اقامه شبانه‌روزی دانشجویان در دست ساختمان است.

دیپرخانه دانشگاه بوجود آمد که از آن جمله اداره انتشارات و روابط دانشگاهی و اداره ساختمان و اداره حسابداری در آمدهای اختصاصی است. در سالهای اخیر نیز چند مؤسسه جدید مانند کلاس‌های مخصوص دانشجویان خارجی و تعلیم فن کتابداری و بایگانی در دانشکده ادبیات و شعبه تصفیه نفت در دانشکده فنی و مؤسسه مالاریا لوزی و سرم‌شناسی در دانشکده پرشی و کلام جرم شناسی در دانشکده حقوق و رشته فقه شافعی در دانشکده معقول و مقول تأسیس یافت. باشگاه دانشگاه که ساختمان مجهزی است و در محظوظ دانشگاه بنامشده است محل برگزاری ضيافت‌های رسمی دانشگاه است همچنین برای تصمیمی که اخیراً اتخاذ گردید تمام دانشگاهیان که حداقل تحصیلات ایشان از درجه لیسانس کمتر نباشد به عضویت باشگاه درآمدند علاوه بر این باشگاه محل دید و بازدید و برگزاری جشن‌های خصوصی دانشگاهیان نیز می‌باشد .

قسمتی از اطاقهای باشگاه برای سکونت دانشجویان خارجی که برای تکمیل تحصیلات خود در شهرستان زبان و ادبیات فارسی و همچنین فراگرفتن فنون و علوم دیگر به تهران آمده‌اند اختصاص داده شده است . چون وضع مسکن دانشجویان که برای تحصیل به تهران می‌آیند رضایت بخش نبود از این و بموجب استدعا رئیس دانشگاه تهران امیر آباد با کلیه لوازم و وسائل آن از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه خریداری شد و بدانشگاه او گذار گردید و بعضی از اطاقهای نیمه‌ تمام و غیر مناسب آن نیز تعمیر شد تا آسایش دانشجویان در آنها فراهم گردد اکنون در حدود ۲۷۷ نفر از دانشجویان دانشگاه در کوی دانشگاه (امیر آباد) سکونت دارند و از مسکن مناسب و غذا و اسایر عواملی که در پیشرفت کار دانشجویان مؤثر است استفاده مینمایند البته برای تکمیل رفاه دانشجویان اقدامات سودمند دیگری در شرف اجراست و نقشه‌های ساختمانی همچنان دنبال می‌شود. در سال ۱۳۳۳ بموجب تبصره ۱۷۵ ماده ۱ قانون ترمیم حقوق فرهنگیان که در جلسه ۱۱ آذر ۱۳۳۳ از تصویب دو مجلس گذشت در نحوه انتخاب بقیه در زیر صفحه بعد

کلیه این دانشکده‌ها کتابخانه‌هایی دارند که متجاوز از پانزده هزار جلد کتاب در آنها موجود است و بعلاوه برای چاپ و انتشار کتاب و جزووهای درسی هم وسائل لازم آماده است.

دانشگاه بوسیله هیئتی که از رئیس و نایب رئیس دانشگاه رئیس

رئیس دانشگاه تغییری پدید آمد بر حسب قانون جدید رئیس دانشگاه بموجب رأی شورای دانشگاه ازین سه نفر از استادانی که رتبه هیجچیک از آنان از ۹ استادی کمتر نباشد بموجب انتخاب اعلیحضرت همایون شاهنشاه برای مدت سه سال به ریاست دانشگاه منصوب می‌گردد و در احتمای این قانون برای اولین بار آقای دکتر منوچهر اقبال استاد دانشکده پرشگی بموجب رأی شورای دانشگاه و انتخاب فرمان‌های عالیونی از تاریخ ۱۳۳۳ دیماه به سمت ریاست دانشگاه تهران منصوب شدند.

دوره‌های بعد انتخاب رئیس دانشگاه بهمین صورت انجام پذیرفت تا اینکه روز سیزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۲ بموجب رأی شورای دانشگاه و روز هیجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه آقای دکتر جهانشاه صالح بسم ریاست دانشگاه تهران انتخاب و با صدور فرمان همایونی مشغول کار شدند.

آقای دکتر جهانشاه صالح از بد و اشغال بکار به اصلاحات دامنه‌داری دست زده‌اند که در تمام شؤون دانشگاه آثار این اصلاحات بجا و بمورد مسحود است و ترتیبی اتخاذ گردید که دانشجویان بدانند دانشگاه تهران مانند دانشگاه‌های کشورهای مترقی دنیا فقط مرکز آموختن علم و دانش و تحقیق و تبع است و دانشجویان باید بفراغت علم و فنون اشغال داشته و افکار خود را به اموری که بر خلاف شؤون آنان می‌باشد متوجه نسازند یکی دیگر از کارهای بسیار مهمی که در دانشگاه انجام شده تشکیل شورای تحقیقاتی است که گروه تحقیقاتی هریک از دانشکده‌ها مرکب از استادان و دانشیاران مشغول تحقیق و بررسی در رشته‌های هستند که با دانشکده‌های آنان ارتباط دارند.

آقای رئیس دانشگاه نام دانشکده علوم معقول و منقول را بدانشکده (الهیات و علوم اسلامی) تغییر داده‌اند و برای هم آهنگ ساختن فعالیت‌های دانشگاه با تحولات اخیر کشور و پیشرفت‌های علمی جهان در اصول سازمان آموزشی و اداری دانشگاه تغییراتی بعمل آمده است که مهمترین آنها برای اطلاع بقیه در زیر صفحه بعد

و یکی از استادان دانشکده‌ها تشکیل می‌گردد اداره می‌شود.

هر دانشکده‌ای هم بوسیله هیئتی اداره می‌گردد که از استادان و دانشیاران تشکیل یافته است.

سازمان دانشگاه تهران از حیث رئاسای دانشکده‌ها و استادان و دانشیاران و کارمندان اداری جمعاً بیست درجه است.

- خوانندگان گرامی درج می‌گردد
- ۱ - تمرکز دروس مشترک دانشکده‌های گروههای آموزشی (دپارتمانها)
 - ۲ - اذعام درسهای علوم اساسی و جلوگیری از تکرار درسها در بخش‌های مختلف.

- ۳ - تجدیدنظر در روش‌های تدریس و توجه به هدایت و راهنمایی دانشجویان.
- ۴ - تجدیدنظر در روش امتحانات و برقرار ساختن امتحانات در طول سال تحصیلی بجای امتحان آخر سال.
- ۵ - اجرای برنامه ورزش اجباری برای دانشجویان.
- ۶ - فراهم آوردن مقدمات ایجاد مرکز بهداشت دانشجویان.
- ۷ - تجدیدنظر در سازمان کتابخانه مرکزی بر اساس کتابخانه‌های دانشگاه‌های کشورهای مترقی جهان.
- ۸ - تجدیدنظر در نحوه امتحانات ورودی بمنظور انتخاب بهترین و مستعدترین داوطلبان برای تحصیل در دانشگاه با سرعت و دقیق بیشتر.
- ۹ - تجدیدنظر در روش ثبت نام و ثبت وضبط مدارک و اسناد تحصیلی.
- ۱۰ - فراهم ساختن مقدمات تأسیس مرکز محاسبات بوسیله ماشین برای بررسی‌های آماری و انجام تحقیقات علمی.

- ۱۱ - تدوین و تصویب قانون جدید استخدام هیئت‌آموزشی دانشگاه.
- ۱۲ - اجرای مقررات تمام وقت در مورد گروههای آموزشی دانشگاه که در پایان سال تحصیلی ۱۳۴۲ آماده بکار شده‌اند.
- ۱۳ - تکمیل و ایجاد ساختمانهای جدید و تهیه مقدمات توسعه دانشگاه.
- ۱۴ - توجه کامل بر فاه دانشجویان و تأسیس سلف سرویس و دفتر کاریابی و استخدام و کمک‌های مالی بدانشجویان.

دانشگاه تهران در حال حاضر دارای یازده دانشکده بشرح ذیل است:
بقیه در زیر صفحه بعد

چند استاد خارجی در دانشگاه ایران تدریس میکنند و اغلب اساید ایرانی هم تحصیل کرده کشورهای خارجی هستند. دانشجویان دانشگاه تهران از تمام نقاط کشور ایران میآیند و بعلاوه از شهرهای نجف (کشور عراق) و استانبول (کشور ترکیه) و هندستان و اتحاد جماهیر شوروی هم برای تحصیل دانشجویانی بدانشگاه تهران اعزام میشوند.

در دانشگاه تهران تحصیل برای دانشجویان بی بضاعت مجانی است و عده‌ای هم در قسمت شبانه‌روزی دانشگاه اقامت دارند. امید می‌رود که بزودی در استانهای دیگر ایران هم مدارس عالی و دانشگاه دایر گردد. برای دانشکده‌های پزشگی و فنی اهمیت زیادی قائلند.

-
- ۱ - دانشکده ادبیات و علوم انسانی
 - ۲ - دانشکده پزشگی
 - ۳ - دانشکده حقوق
 - ۴ - دانشکده داروسازی
 - ۵ - دانشکده دامپزشکی
 - ۶ - دانشکده دندان پزشکی
 - ۷ - دانشکده علوم
 - ۸ - دانشکده الهیات معارف اسلامی
 - ۹ - دانشکده فنی
 - ۱۰ - دانشکده کشاورزی
 - ۱۱ - دانشکده هنرهای زیبا

در یازده دانشکده دانشگاه تهران ۱۳۶۶۷ نفر دانشجو مشغول تحصیل هستند که از این عدد ۱۱۲۱۷ نفر پسر و ۲۴۵۰ نفر دخترند. تعداد استادان و هیئت آموزشی دانشگاه تهران ۹۶۴ نفر میباشد که از این عدد ۶۳ نفر زن و ۹۰۱۶ نفر مرد هستند. در کادر اداری دانشگاه تهران ۸۱۷ نفر زن و ۶۲۸۰ نفر مرد مشغول خدمت میباشند. مترجم

دوره دانشکده‌پزشگی یکسال مقدماتی و پنجسال هم دوره تحصیل و عملی است.

قسمت‌های دارو سازی و دندان پزشگی هم جزء دانشکده‌پزشگی هستند.

دوره دانشکده فنی چهار سال است که در آن رشته‌های شیمی، مکانیک، الکتریک، مهندسی عمومی و معدن شناسی تدریس می‌گردد. دوره دانشکده حقوق سه سال است و رشته‌های مختلف آن عبارتست از علوم سیاسی (۱۸۹۹) قضائی (۱۹۲۰) و اقتصاد (۱۹۲۵).

در دانشکده‌های علوم و ادبیات که دانشسرای عالی هم‌جزء آنهاست بترتیب ده و هفتاد موضوع تدریس می‌گردد.

برای گرفتن لیسانس علوم گذراندن سه ماده و برای اخذ لیسانس ادبیات گذراندن چهار ماده لازم و حتمی است.

گرفتن لیسانس هنرهای زیبا پس از گذراندن یکی از سه رشته معماری، نقاشی و یا حجاری است.

آخرین دانشکده‌وابسته بدانشگاه تهران دانشکده معقول و منقول است که دوره آن سه سال است و رشته‌های تحصیلی این دانشکده عبارتند از: علوم فلسفی و علوم مذهبی و ادبیات.

فارغ التحصیل‌های دانشگاه با رتبه سه بخدمات دولتی پذیرفته می‌شوند.

اغلب از دانشجویان ایرانی که قبلا برای گذراندن دوره عالی تحصیلات خودشان بکشورهای خارجی میرفتند بدانشگاه تهران وارد می‌شوند اما عده‌ای هم طرفدار رویه سابق هستند.

بطوریکه قبل اشاره شداز اواسط قرن نوزدهم میلادی گاهی از اوقات دانشجویان ایرانی برای گذراندن تحصیلات بکشورهای خارجی اعزام گشتند و حتی چند نفر دانشجوی دختر هم در بین آنان یافت میشد ولی در سال ۱۹۲۹ مقرر گردید دانشجویانی از طرف دولت بکشورهای خارجی اعزام گردند و اعتباری هم که سالیانه مبلغ یک میلیون ریال بود برای اینکار اختصاص داده شد و این برنامه برای مدت هفت سال عملی گردید و هرسالی یکصد نفر دانشجو بخارجه اعزام میشدند.

علاوه بر این وزارت جنگ و سایر مؤسسات دولتی برای کارهای اختصاصی خود دانشجویانی بخارج میفرستادند و افراد معمولی هم پیروی از همین رویه فرزندانشان را برای گذراندن تحصیلات عالی به اروپا و امریکا اعزام داشتند.

طبق آماری که در سال ۱۹۴۰ منتشر شد از سال ۱۹۲۲ تا سال ۱۹۳۸ سیصد و ندو شش نفر فارغ التحصیل از کشورهای خارجی به ایران باز گشته اند و در سال آخر یعنی ۱۹۳۸ چهارصد و پنجاه و دو نفر دانشجو درخارج از کشور مشغول تحصیل بودند که مجموع فارغ التحصیل ها و دانشجویان اعزامی دولت و وزارت جنگ و افراد متمکن ایرانی به یکهزار و پانصد نفر میرسید.

شرکت نفت انگلیس و ایران هم برای تحصیل فنون و رشته های مربوط به صنعت نفت دانشجویانی به انگلستان اعزام داشت.

عده ای از دانشجویان ایرانی هم در دانشگاه امیرکائی بیروت تحصیل میکرده اند که از آن جمله میتوان استاد فیزیک دانشگاه تهران و رئیس یمارستان سبزوار را نام برد.

در حال حاضر کشور ایران احتیاج مبرمی بعلم دارد.
در سال ۱۹۱۸ اولین آموزشگاه معلمان بنام (دارالملعمنین) در تهران تأسیس یافت و نظیر همین آموزشگاه هم بنام (دارالملعمنات) برای بانوان دایر گردید ولی تا ماه مارس سال ۱۹۳۴ که قانون تربیت معلم تصویب شد این موضوع پیشرفت چندانی نداشت.

بموجب قانون تربیت معلم مقرر گردید که در مدت پنج سال بیست و پنج دانشسرا در سراسر مملکت تأسیس گردید و در سال ۱۹۳۶ نهاد انتشار ای پسرانه و دو دانشسرا ای دخترانه که جمماً ۶۹۷ نفر شاگرد و ۶۲ نفر معلم داشت دایر گشت و طبق قانون مذکور روز بروز بعد از تعداد دانشسراها اضافه گردید بطوریکه در سال ۱۹۳۹ در سراسر کشور ایران سی و شش دانشسرا برای تربیت معلم بوجود آمد.

بر طبق قانون مورد بحث برای فارغ التحصیل‌های دانشسراها امتیازات و همایانی مقرر شد.

برای ورود به دانشسرا یعنی گواهینامه کامل دوره دوم متوسطه و برای ورود به دانشسرا مقدماتی گواهینامه‌های پائین‌تر حتی دوره اول متوسطه هم کافی است.

در دانشسرا یعنی دیر و در دانشسرا مقدماتی آموزگار تربیت می‌شود. دوره دانشسرا مقدماتی دو سال و شاگردان آن که به سن بیست سالگی رسیده باشند و فارغ التحصیل شوند می‌توانند در دستانها یعنی آموزشگاه‌های ابتدائی مشغول تدریس گردند.

گواهینامه کمتر از دوره کامل متوسطه برای ورود به دانشسرا یعنی که در تهران تأسیس شده و برای دیگر استانها دیر تربیت می‌کند پذیرفته نیست.

دانشسرای عالی شامل دو دانشکده ادبیات و علوم میباشد و تحصیل برای دانشجویان مجانی است و در سال ۱۹۴۰ هشتاد نفر دانشجوی شبانه روزی در دانشسرای عالی اقامت داشتند.

دانشجویانی که در دانشکده‌های دانشسرای عالی تحصیل میکنند میتوانند در هشت رشته متخصص شوند و این هشت رشته عبارتند از: زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافی، باستان شناسی، زبانهای خارجه، فلسفه و فن تدریس، ریاضیات، فیزیک و شیمی، علوم طبیعی.

از سال ۱۹۳۶ که مقررات آزادی زنان در کشور ایران اجرا گردید دو شیزگان همانند پسران میتوانند در دانشکده‌های دانشسرای عالی با همان شرایطی که برای دانشجویان پسر موجود است مشغول تحصیل گردند فقط قبل از ورود به دانشکده یک سال در کلاس مقدماتی تحصیل میکنند و از سال ۱۹۴۰ خانه داری و خیاطی و کارهای دستی مخصوص بانوان ایران به برنامه تحصیلی دانشجویان زن افزوده شد.

ساختمان زیبای دانشسرای عالی شش جویب مساحت دارد و دارای لابراتوار و کتابخانه و میدانهای ورزشی است.

تاسال ۱۹۴۰ شصده و دوازده نفر دانشجو از دانشکده‌های دانشسرای عالی فارغ التحصیل شده بودند و در همان سال ۵۵۰ نفر دانشجو مشغول تحصیل بودند.

اشخاصی که از دانشسرای عالی فارغ التحصیل شده‌اند تا در رتبه ارتقاء می‌باند و توقف آنان در هر رتبه‌ای بطور معمول بین دو تا سال میباشد و در سن پنجاه سالگی بازنشسته می‌گردند.

تعلیمات فنی و صنعتی سیر تکامل خود را طی میکند و در این امر از طرف

وزارت پیشہ و هنر نظارت دقیق بعمل می‌آید.

در مدارس ابتدائی صنعتی به برنامه‌های مربوطه چندان توجهی نمی‌شود و در عوض بدشکارگردان این‌گونه مدارس قالی‌بافی، نساجی دستی، خاتم‌کاری، کشاورزی، مبل‌سازی و نجاری می‌آموزند. در مدارس متوسطهٔ صنعتی هنرآموزان وارد یکی از هنرستان‌های صنعتی می‌شوند.

مشهورترین هنرستان‌های ایران هنرستان صنعتی است که دوره‌آن شش سال است بدین معنی که دانشجو در این هنرستان چهار سال علمی و عملی تحصیل می‌کند و دو سال دیگر را هم در رشتهٔ تخصصی خودش که قبل انتخاب کرده است می‌گذراند.

پس از پایان این دوره هنرآموزان می‌تواند به هنرسرای عالی بروند. دورهٔ هنرسرای عالی سه سال و رشته‌های تخصصی آن عبارتست از ماشین‌سازی، شیمی، معدن‌شناسی، فلز‌شناسی و هنر جو باشد پس از طی سه سال دورهٔ تحصیلی یک سال هم در کارخانه‌های مربوطه عملاً مشغول کار باشد.

آموزشگاه‌های هنری و صنعتی دیگری هم وجود دارند که در آنجا شاگردان قالی‌بافی، نقاشی، مینیاتور، رنگرزی، صحافی، ساختن اشیاء مذهب، کاشی لعاب، منبت‌کاری، نساجی و هنرهای جدیدی مانند: نقشه برداری، حجاری، قالی‌بافی صنعتی، موزائیک، کوزه‌گری و معماری می‌آموزند.

هنرآموزان این معلومات را در آموزشگاه هنرهای زیبای تهران فرا می‌گیرند.

آموزشگاه های مخصوصی برای رنگرزی تأسیس شده است که نخ و پشم را برای قالی بافی و کارخانه های نساجی وریسمان ریسی رنگ میکنند.

هنرسرای دختران هم یکی از تأسیسات مهم و سودمندی است که در آنجا دختران ایرانی هنرهای مختلف را فرا میگیرند. بنای این هنرستان نمونه بسازی بیانی از ساختمانهای جدید شهر تهران است.

آموزشگاههای فنی و اختصاصی دیگری هم هستند که تحت نظارت وزارت توانمندی های مربوطه اداره میشوند. وزارت فرهنگ دوآموزشگاه اقتصاد و تجارت و هنرستان موسیقی کشور را تحت نظر دارد.

گواهینامه های صادره از مدرسه اقتصاد و تجارت ارزش دیپلم کامل دوره متوسط را دارد و دانشجویان این دبیرستان میتوانند پس از پایان دوره تحصیلی خود وارد دانشکده حقوق بشوند.

هنرستان موسیقی شاگردان با استعداد را برای فراگرفتن موسیقی میپذیرد و در شش سال اول ابتدائی علاوه بر مواد برنامه های معمولی هنرستان موسیقی علمی و عملی هم به آنان میآموزد و در دبیرستان موسیقی محصلین مواد مخصوص موزیک را فرامیگیرند و از سال چهارم رشته تخصصی هنر آموزان در: ارکستر، آواز و استعمال آلات موسیقی آغاز میگردد و پس از آن چهار سال هم دوره عالی هنرستان موسیقی است که در پایان هنر آموزان دیپلم عالی موسیقی را دریافت میدارند.

وزارت کشاورزی در کرج دانشکده دامپزشکی و کشاورزی تأسیس

کرده است دانشجویان دویا سه سال در این دانشکده‌ها تحصیل می‌کنند و پس از آن برای فراگرفتن تجربیات بیکی از مزارع نمونه می‌روند و در آنجا مشغول خدمت می‌گردند و یا اینکه به تحصیلات خود ادامه میدهند و رشته‌های روانشناسی و فن تدریس را می‌آموزند و در دبستان‌های کشاورزی به نوآموzan درس میدهند.

وزارت جنگ دانشکده افسری در تهران تأسیس کرده است و دانشجویانی که از دیگر استانهای نظامی تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز و کرمانشاه می‌آیند در این دانشکده مشغول تحصیل می‌گردند. دوره دانشکده افسری دو سال و رشته‌های مختلف آن عبارتند از: صنف پیاده، سوار، مهندسی توپخانه و ستاد و افسر فارغ التحصیل با درجه ستونی از دانشکده خارج می‌شود.

وزارت توانه‌های راه، پست و تلگراف و کشور هم بهمین نحو برای خدمت در کادر اداری خود آموزشگاه‌های اختصاصی دارند. تحصیل در تمام آموزشگاه‌ها و دیگر استانها و دانشکده‌های اختصاصی مجانی است و حتی بعضی از آموزشگاه‌ها بدشایگران غذا و پول نقد هم برای رفع احتیاجشان میدهند.

برای اطلاع خوانندگان گرامی آماری از پیشرفت‌های امور اجتماعی ایران در عرض پانزده یا بیست سال اخیر در اینجا ذکر می‌گردد. در سال ۱۹۴۰ در سراسر کشور ایران ۸۲۳۷ مدرسه مختلف دایر بود که در آنها ۴۹۶۹۶۰ نفر شاگرد مشغول تحصیل بودند و ۱۳۶۴۶ نفر معلم با آنان درس میدادند در صورتیکه تا سال ۱۹۲۲ کشور ایران بیش از ۱۲۶ آموزشگاه نداشت از ۸۲۳۷ مدرسه فعلی ۱۳۱۶ دبستان و ۲۰۰ دیگرستان

و دانشگاه دولتی است.^۱

۱ - آمار فرهنگی کل کشور در سال تحصیلی ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲
برای اطلاع خوانندگان گرامی در اینجا درج میگردد

نوع	دولتی	غیردولتی	جمع کل
۱ - کودکستانها	۸۷	۱۵۸	۲۴۰
۲ - دبستانها	۱۰	۶۴۱	۱۲۴۵۱
۳ - دبیرستانها	۱۰۰۱	۴۰۶	۱۲۰۷
۴ - دبیرستانهای کشاورزی	۱۳	-	۱۳
۵ - دبیرستانهای بازرگانی	۷	-	۲
۶ - آموزشگاه حرفه‌ای	۳۸	-	۷
۷ - هنرستان حرفه‌ای	۲۸	-	۲۸
۸ - دانشسرای مقدماتی	۲۱	-	۲۱
۹ - دانشسرای کشاورزی	۱۳	-	۱۳
۱۰ - دانشسرای تربیت بدنی	۱	-	۱
۱۱ - دانشسرای تربیت معلم	۴۸	-	۴۸
۱۲ - دانشسرای عشاپری	۴	-	۴

آمار کارمندان و کارکنان فرهنگ در سراسر کشور بدین قرار است

۱ - کارمندان کادرداری	۶۷۲۶	نفر
۲ - کادرآموزشی ابتدائی و کودکستانها	۵۲۸۸۸	نفر
۳ - کادرآموزشی متوسطه	۱۴۵۳۸	نفر
۴ - جمع کل کادرداری و آموزش ابتدائی و متوسطه	۷۴۱۵۲	نفر
۵ - خدمتگزاران جزء فرهنگ در سراسر کشور	۱۰۹۲۲	نفر
۶ - کارکنان مدارس غیردولتی	۵۶۷۷	نفر
۷ - خدمتگزاران مدارس غیردولتی	۱۲۱۶	نفر

بقیه در زین صفحه بعد

بقیه مدارس را آموزشگاه‌های اختصاصی و ملی تشکیل داده‌اند.
 ۲۱۵۰ دبستان و چهار صد آموزشگاه اکابر هم برای بزرگسالان
 تأسیس شده است.

در سال ۱۹۴۰ تعداد ۱۲۸۴۷ نفر پسر و ۵۰۵ نفر دختر گواهینامه

تعداد محصلین کل کشور در سال تحصیلی ۴۲-۴۱ بدین شرح است

نوع	جمع کل	دولتی	غیر دولتی	نفر							
۱ - کودکان کودکستانها	۴۱۳۳	۱۲۹۴۹	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶
۲ - نوآموزان دبستانها	۱۷۱۹۳۰۳	۱۷۱۹۳۰۳	۴۵۲۳	۴۵۲۳	۴۵۲۳	۴۵۲۳	۴۵۲۳	۴۵۲۳	۴۵۲۳	۴۵۲۳	۴۵۲۳
۳ - داش آموزان											
دبستانها	۳۲۶۷۵۶	۳۲۶۷۵۶	۵۰۸۸۲	۵۰۸۸۲	۵۰۸۸۲	۵۰۸۸۲	۵۰۸۸۲	۵۰۸۸۲	۵۰۸۸۲	۵۰۸۸۲	۵۰۸۸۲
۴ - داش آموزان											
دبستانهای کشاورزی	۸۲۳	۸۲۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۵ - داش آموزان											
دبستانهای بازرگانی	۵۴۲	۵۴۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۶ - هنر جویان											
آموزشگاه حرفه‌ای	۳۰۶۴	۳۰۶۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۷ - هنر جویان هنرستان	۴۷۶۹	۴۷۶۹	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۸ - داش آموزان											
دانشسرای مقدماتی	۱۲۴۲	۱۲۴۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۹ - داش آموزان											
دانشسرای کشاورزی	۹۸۹	۹۸۹	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۰ - داش آموزان											
دانشسرای تربیت بدنی	۴۹	۴۹	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۱ - داش آموزان											
دانشسرای تربیت علم	۳۳۵۷	۳۳۵۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۲ - داش آموزان											
دانشسرای عشاپری	۱۴۲	۱۴۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-

بقیه در زیر صفحه بعد

دوره ابتدائی ۶۴۵ نفر پسر و ۴۵۱ نفر دختر گواهینامه دوره متوسطه را گرفتند و همچنین ۵۰۶ نفر دانشجو از دانشسرای ۱۱ نفر دانشجو از دانشگاه ایران فارغ التحصیل شدند در صورتیکه در سال ۱۹۲۲ فقط پانزده نفر دانشجو از آموزشگاه‌های عالی ایران فارغ التحصیل شده بودند.

۱۳ - جمع کل محصلین » ۲۰۷۴۲۱۳
از تعداد ۲۰۷۴۲۱۳ نفر محصلین مدارس ۱۴۱۶۵۲۳ نفر پسر و ۶۵۷۶۹۰ نفر دخترند

دانشگاه‌های کشور ایران و دانشکده‌های تابعه آنها بیان قرار است

الف - دانشگاه تهران دارای یازده دانشکده میباشد که عبارتند از:

۱ - دانشکده ادبیات و علوم انسانی

۲	پزشکی
۳	داروسازی
۴	دندان پزشکی
۵	حقوق
۶	دامپزشگی
۷	علوم
۸	فنی
۹	کشاورزی
۱۰	الهیات و علوم اسلامی
۱۱	هنرهاي زیبا

در یازده دانشکده دانشگاه تهران ۱۳۶۶۷ نفر دانشجو مشغول تحصیل هستند که از این عده ۲۴۵۰ نفر دختر ۱۱۲۱۷۹ نفر پسرند . تعداد استادان و هیئت آموختی دانشگاه مزبور ۹۶۴ نفر میباشد که از این عده ۶۳ نفر زن و ۹۰۱ نفر مرد اند و نیز در کادر اداری دانشگاه تهران ۸۱۷ نفر زن و ۶۲۸ نفر مرد مشغول خدمتند .

ب - دانشسرای عالی تهران هم دارای ۹۷ نفر استاد و معلم است که ۲۳۵ نفر آنها زن و ۷۴۵ نفر مرد اند و نیز ۴۲ نفر زن و ۶۰ نفر مرد در کادر اداری بقیه در زیر صفحه بعد

آمار تفصیلی اوضاع فرهنگی ایران آکنون موجود نیست و ماجدولی را که مریوط بسال ۱۹۳۶ میباشد برای مقایسه پیشرفت و ترقیات اجتماعی و فرهنگی این کشور در صفحه ۴۲۹ ذکر میکنیم.

بدیهی است که از آن تاریخ بعد روز بروز بدستانها و دیبرستانهای

دانشسرای عالی خدمت میکنند.

دانشجویان دانشسرای عالی ۲۸۳ نفر دختر و ۱۴۲۷۹ نفر پسر هستند.

ج- مؤسسات عالی و فنی و حرفه‌ای (دانشکده‌های صنعتی و بازرگانی) عبارت است از:

۱- هنرسرای عالی فنی

۲- دانشسرای عالی صنعتی

۳- دانشکده بازرگانی

۴- دانشکده صنعتی دوره عمومی

۵- مؤسسه هنرمندی و متالوژی مکانیک

۶- برق

۷- شیمی

۸- نساجی و دنگری

۹- راه و ساختمان

در این نه (۹) مؤسسه عالی فنی و حرفه‌ای ۷۳ نفر دانشجوی دختر و ۹۹۸۶ نفر

دانشجوی پسر مشغول تحصیلند استادان و معلمین آنها ۳ نفر زن ۱۲۵۹ نفر

مردانه و دارای ۱۶ نفر کارمند زن ۵۸۹ نفر کارمند مرد میباشند.

د- دانشگاه ملی دارای ۴ دانشکده است و عبارتند از:

۱- دانشکده بانکداری و علوم مالی و اقتصادی

۲- پزشکی

۳- زبانهای خارجی

۴- معماری

و جمماً ۱۱۷۶ نفر دانشجو در دانشگاه ملی مشغول تحصیل هستند که ۲۴۷

نفر آنها دختر و ۹۲۹ نفر پسرند و نیز از ۸۰ نفر استادان و معلمین دانشگاه مذکور

۱۷ نفر زن و ۶۳۹ نفر مرد میباشند ۴ نفر زن و ۵ نفر مرد در کادر اداری دانشگاه

ملی مشغول خدمتند.

بقیه در زیر صفحه بعد

دولتی اضافه میگردد.

در سال ۱۹۴۰ مخراج فرهنگی و آموزشی کشور ایران اعم از دولتی، ملی و مذهبی بر دو تاسه میلیون لیره بالغ میگردید در صورتی که در سال ۱۹۲۵ هزینه آموزشی همین کشور از یکصد هزار لیره تجاوز نمیگرد.

ه - دانشگاه‌های استانهای اینان عبارتند از:

نام دانشگاه	تعداد دانشجوی پس از کارمندان اداری	تعداد استاد و معلم	تعداد دانشجوی دخول	تعداد
تبریز	۱۷۳۵	۳۵۳	۹۲	۲۰۲
مشهد	۹۰۴	۱۷۹	۵۰	۱۲۲
پهلوی شیراز	۱۳۴۵	۳۷۱	۹۸	۳۴۹
اصفهان	۱۲۵۴	۱۹۵	۴۳	۲۹
اهواز	۳۵۲	۳۲	۲۰	۱۹

سیاه دانش

تفییراتی که در تعداد مدارس و محصلان در سه سال تحصیلی اخیر حاصل شده تقریباً متناسب با میزان افزایش امکانات فرهنگی در چند سال اخیر بوده و مخصوصاً در قسمت تعلیمات ابتدائی اشتغال در حدود ۸۵۰۰۰ نفر از کودکان نقاط روتاستائی نشین در کلاس‌های مر بوط به سیاه دانش در خود توجه و اهمیت بسیار است، باین معنی که در سال ۴۲-۴۱ در دبستانها بالغ بر ۱۷۱۹۳۵۳ نوآموز به تحصیل اشتغال داشته‌اند که ازین تعداد بر اساس محاسبه‌ای که روی آمار تفصیلی سال ۱۳۳۸-۱۳۳۷ بعمل آمده است احتمالاً و بطور متوسط در حدود ۳۳ درصد کودکانی هستند که انسن مر بوط پیاية تحصیلی خود مسن تریا جوان - ترند بنابراین بطور تقریب در حدود ۱۱۵۰۰۰ نفر از نوآموزان دبستانها درسین تعلیمات ابتدائی و بین ۱۲ تا ۱۶ سالگی میباشد که با فرض اینکه ۱۵ درصد از ۲۲ میلیون نفر جمعیت کشور را اطفال لازم التعلم فرض کنیم عده کل کودکانی که درسین تعلیمات ابتدائی هستند در تمام کشور بالغ بر ۳۳۰۰۰۰۰ نفر خواهد شد و ملاحظه میشود که در سال تحصیلی ۴۲-۴۱ بیشان ۳۵ درصد بقیه در زیر صفحه بعد

آموزش و پرورش در ایران برای خرد و بزرگ عمومیت پیدا کرده و نقشه عمومی آنست که کلیه افراد کشور را به اهمیت تحصیل و باسواند شدن متوجه سازند.

از کودکان لازم التعلیم در دبستانها مشغول تحصیل بوده‌اند و در این نسبت در سالهای تحصیلی بین ۱۳۴۱ تا ۱۳۳۵ که آمار تحصیلی فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته است تغییر قابل ملاحظه‌ای حاصل نشده است واما در سال تحصیلی اخیر اگر تمام ۸۵۰۰۰ نفر نوآموزان کلاس‌های مریبوط به سپاه دانش را در سینم تعلیمات ابتدائی فرض کنیم (با ملاحظه آنکه آمار ۶۵۰۰۰ نفر بزرگ‌سالان کلاس‌های مذکور جدا گانه منظور شده است این فرض از حدود تعیین زیاد دور نیست) خواهیم دید که بمیزان ۳ درصد از کودکان لازم التعلیم که قبل امتحان مدرسه راه نیافته بودند با این طریق بتحقیل مشغول شده‌اند و نسبت فوق الذکر تا میزان ۳۸ درصد افزایش یافته است و با توجه باینکه این فعالیت هنوز در مرحله آزمایش بوده واولین سالی است که به تشکیل سپاه دانش اقدام شده است امید می‌رود که در سالهای بعد به پیروی از منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاه با سرعت زیاد به اجرای کامل تعلیمات اجباری توفیق حاصل شود. مترجم

معلم		شاغرد		تعداد	نوع
زن	مرد	دختر	پسر		
۷۹		۱۵۵۵		۲۳	کودکستان
۱۳۷۲	۱۸۵۸	۱۴۱۸۶	۴۱۴۵۹	۲۹۳۵	مکتب
۳۷۷۹		۱۱۷۶۳۹		۹۸۲	دبستان دولتی
۲۳۴۷		۶۴۴۰۶		۴۰۲	دبستان ملی
۱۸۰۹	۴۳۳۷	۴۴۳۶۵	۱۳۳۴۸۰	۱۳۸۴	جمع دبستانها
۵۱۶		۷۶۲۰		۶۳	دبیرستانهای دولتی.
۷۲۱		۷۹۱۵		۱۱۲	دبیرستانهای ملی و دبیرستانهای خارجی
۲۸۰	۹۵۷	۲۹۴۰	۱۲۵۹۵	۱۷۵	جمع دبیرستانها
۳۰۵		۲۹۳۵		۳۵۳	مدارس مذهبی
۶۲		۶۹۷		۱۱	دانشسراها
۱۰۸		۱۲۱۶		۱۰	آموزشگاههای فنی
۵۲		۳۱۲		۵	آموزشگاههای عالی
۱۵۱		۱۳۱۱		۵	دانشکده‌ها
۱۱۳۷۰		۲۵۷۰۵۱		۴۹۰۱	جمع انواع دبستان - آموزشگاه - دبیرستان و دانشکده‌ها

فصل سی و پنجم

آموزشگاه‌های سالمندان - تغییر لباس - اقلیت‌ها - مطبوعات

تعلیمات اکابر از سال ۱۹۳۶ در کشور ایران شروع شده و بتمام دستانهای دستور داده‌اند برای سالمندان کلاس‌های شبانه دایر کنند باین منظور که تمام افراد کشور خواندن، نوشتن و اطلاعات عمومی و لازم را بیاموزند.

دوره آموزش سالمندان دو سال است و گواهینامه اکابر ارزش کلاس چهارم ابتدائی را دارد.

هر یک از نوآموزان کلاس‌های اکابر باید در سال نود و شش شب در کلاس درس حاضر شوند.

در سال اول نوآموزان مدارس شبانه‌خواندن و نوشتن و حساب ساده می‌آموزند و در سال دوم اطلاعات عمومی، بهداشت، حساب، تاریخ و جغرافی ایران و قطعات منتخب نشر و نظم یاد می‌گیرند.

در سال ۱۹۴۰-۱۹۳۳ آموزشگاه اکابر در سراسر کشور دایر بود که هر یک از آموزشگاه‌ها دو کلاس داشت و بطور کلی ۱۵۷۱۹۷ نفر نوآموز در این کلاسها مشغول تحصیل بودند.

در این قسمت هم آمار کامل و مفصلی در دست نیست ولی آمار ذیل که مربوط به سال ۱۹۳۹ میباشد تا حدی نظر ما را تأمین میکند.

صورت نو آموزان مدارس شبه‌آنده در ایران

از نظر سن

کمتر از ۱۸ سال	۴۳۲۱۸ نفر
۱۸ تا ۲۵	۲۸۹۳۲ نفر
۲۵ تا ۳۰	۱۹۲۲۲ نفر
۳۰ تا ۳۵	۱۷۶۲۴ نفر
۳۵ تا ۴۵	۱۶۸۳۲ نفر
۴۵ تا ۵۵	۹۰۷۹ نفر
از ۵۵ بیالا	۲۷۹۶ نفر
<hr/>	
جمع	۱۳۷۷۰۳ نفر

از نظر کار

پاسبان	۳۶۱۴ نفر
خدمتگزاران جزء دولت	۹۵۸۹ نفر
کاسب	۵۶۰۰ نفر
بنا و عمله	۱۰۶۴۵ نفر
باربر	۳۱۳۵ نفر
کارگران و صاحبان مهمنخانه‌ها	۱۴۴۴ نفر
کشاورز و دهاتی	۳۳۶۱۸ نفر
نانوا	۳۳۱۵ نفر

« ۵۲۳۰۰	متفرقه
« ۴۸۷۳	آهنگر و مسگر
« ۱۱۸۰	راننده و میکانیک
« ۳۴۱۹	نجار و درودگر
« ۲۴۹۱	حمامی
نفر ۲۵۷۸	قصاب

جمع کل ۱۳۷۷۰۳ نفر

تعلیمات مذهبی نسبتاً کمتر اهمیت میدهند و بیشتر به امور اخلاقی و مخصوصاً وظایف ملی و میهنی توجه شده است . در تمام عملیات رژیم جدید این رویه نسبت بمسئل و امور مذهبی که جنبه خرافاتی دارد مشهود است . هم اکنون اکثریت مردم ایران مسلمان هستند و در این کشور تعداد شیعیان چهارده میلیون نفر است و تعداد سینیان هشتصد تا نهصد هزار نفر میشود که اغلب قبایل آیلات و عشاير کرد هستند که در شمال غربی ایران زندگی میکنند . تعداد کلیه ایرانیان غیر مسلمان از یکصد و پنجاه هزار نفر بیشتر نیست .

نقشه رژیم فعلی آنستکه حتی المقدور خرافات را از دین سوا کنندو مردم را بحقایق امر متوجه سازد و روی این اصل بجای اینکه مستقیماً بدین اسلام حمله ای بشود در ضعیف کردن روابط مردم نسبت بعاقاید خرافاتی کوشش بعمل می آید .

باید دانست که نفوذ ملاها مسلمان برای اصلاحات اساسی و پیشرفت امور اجتماعی و اتحاد ملت مانع بزرگی است . ملاها این نفوذ را بیشتر از آن جهت بدست آورده‌اند که اطلاع و بصیرت درامور را منحصر بخودشان کرده‌اند وala این موضوع ارتباط چندانی با قدرت روحانی آنان ندارد . روی این اصل بود که رژیم حديد در صدر آمد متوجه نفوذ بیجا و سیمورد ملاها را بکلی ازین برد گرچه قانون اساسی کشور ایران با رعایت کامل قوانین اسلامی تدوین و تصویب شده است و قوانین عادی کشوری هم طوری تنظیم گردیده که مخالف با مقررات اسلامی نباشد و تبلیغات ضداسلام بکلی ممنوع گردید و حتی خود شاه هم به زیارت قم ، کربلا و نجف رفتند اما باید دانست که در سال ۱۹۳۰ با واسطه تعیین فرهنگ و حذف بعضی مواد مذهبی از برنامه‌ها که برای محصلین اجباری بود و محدود ساختن لباس روحانی و تغییر شکل ، مقدار زیادی از نفوذ ملاها کاسته شد .

تصمیم اخیری که برای ملی ساختن موقوفات اتخاذ گردید سیاست عاقلانه شاه را نسبت به اصلاحات امور مذهبی تأیید می‌کند اما برآنداختن نفوذ ملاها که مانع ورادع بزرگی برای اصلاحات امور اجتماعی و اتحاد ملت بودند بمراقب مهتمراز این موضوع بوده است .

در سال ۱۹۳۵ تعزیه خوانی که یکنون بازی بود و با آن جنبه مذهبی داده بودند ممنوع گردید و آنکه بعد از آن در مسجد‌های تاریخی اصفهان برای ورود مردم باز شد مسلمان و غیر مسلمان همانند هم از مساجد دیدن می‌گردند .

در این روزها کمتر کسی است که در کشور ایران در جاهای عمومی نماز بخواند . اتحاد شیعه و سنتی که با ازدواج و لیلیت ایران بوجود آمد ثابت میکند که در مقابل منافع ملی اختلافات کوچک و بی اهمیت مذهبی بهیچوجه ارزش ندارد.

رویه معلوم و آشکار دولت اعلیحضرت پادشاه ایران در امور جاری مملکت تأثیر زیادی در عقاید عمومی بخشیده است . ما در ضمن مطالعه و بحث درباره تاریخ ایران دیدیم که چگونه فرهنگ و تمدن این کشور بر افکار تحمیلی وعارضی از طرف خارجیان غالباً متأثر بود.

هر چند در موضوع افکار اسلامی جریان عمل تا حدی بطول انجامید اما آنطوری که بنظر میرسد در این راه هم فعالیت هائی شروع شده است . عقاید آزاد متدرجاً متوجه فلسفه مذهب باستانی زرتشت میشود و حتی بعضی از افرادی ها معتقد هستند که بواسطه ظهور و پیدایش اسلام وازمیان رفتن مذهب زرتشت فرهنگ حقيقة و ملی باستانی ایران ازین رفت است .^۱

وضع و افکار جدید سبب شده است که بین مردم ایران، مسلمان و زرتشتی همکاری و اتفاق نظری حاصل گردد بطوریکه در همین ایام یکی از شاهزاده خانم ها جوائز مدرسه زرتشیان را با دست خود بدانش آموزان داد و بطور کلی میتوان گفت که در اصلاحات امور اجتماعی مانند ممنوع ساختن حجاب بانوان و امثال آن عقاید زرتشتی تقریباً رعایت میگردد .

از طرف دیگر آئین بهائی در کشور ایران مورد تنفر و بلکه تحت

۱- این عقاید بهیچوجه درست نیست . مترجم

تعقیب است اما احتمال میرود که عده زیادی از بهائی‌ها بطور محترمانه در این کشور زندگی می‌کنند ولی باید باین موضوع توجه داشت که رویهٔ مربوط به مذهب را نمیتوان نشانهٔ افکار و عقاید سیاسی و اجتماعی ایران دانست زیرا آمال و عقاید جامعهٔ ایرانی امروز از اشرافیت و وطن دوستی و ملت‌پرستی دورهٔ هخامنشی سرچشم می‌گیرد و این نوع احساسات در کشور ایران امروزه به نیرومندی احساسات ملت‌های اروپا است.

از هر فرصتی برای برتری دادن دولت در مقابل افراد استفاده می‌شود و در هر کاری منافع ملی را بمنافع فردی ترجیح می‌نهاد و هر چیزی را که باعث تفرقه و پروزاختلاف باشد از بین میرند و روح وحدت و یگانگی را در بین ملت تقویت می‌کنند.

در عین حال که بدعت‌های مذهبی موافق با روح ملیت را محترم شمرده و روح عقیده وایمان را در افراد ملت تقویت می‌کنند از مذهب غیر اسلام و غیر ایرانی تنفردار نمودایان دیگر را شدیداً مورد بی‌مهری قرارداده‌اند. ارمنیها و آسوریها و یهودیها اگر تحت تعقیب قرار نگیرند میتوان گفت که مسلمان محبوبیت همگانی ندارند.

تشکیل باشگاه و اجتماعات اقلیت ممنوع است (گرچه هنوز بد سازمانهای مذهبی آنان دست نزده‌اند) و هر چند افراد اقلیت‌های مذهبی از بیکاری و ناتوانی در زحمت نیستند اما چنین بنظر میرسد که به آنان مقامات و مشاغل مهمی و اگذار نمی‌شود.

در کشور ایران ارمنی‌ها بیش از اقلیت‌های مذهبی دیگر گرفتارند زیرا در سابق آنان کارهای اداری دولتی داشتند و با مشاغل آزاد دیگری آشنا نبودند ولی اکنون که بخدمات دولتی پذیرفته نمی‌شوند بطور قطعی در

رحمت هستند.

ارمنیها از لحاظ اینکه به مرام کمو نیست و ایجاد انقلاب تمایل دارند همواره مورد سوء ظن واقع گشته‌اند و این سوء ظن شاید تا اندازه‌ای هم بدون دلیل نباشد ولی در هر صورت نظر آن نیست که ارمنیها را بطور کلی طرد کنند بلکه می‌خواهند آنان هم افراد مورد اعتماد جامعه آرام ایرانی باشند.

در کشور ایران این نوع احساسات شبیت به عومنم خارجیان وجود دارد. ایرانیان از هیئت‌های مذهبی خارجیان که بیشتر هم خود را در پیشرفت امور بپداشتی و فرهنگی صرف کرده‌اند هیچ‌گونه آزاری نمیدهند اما در امور تجارت و اقتصادی سودی عاید ایران نشده و ملت ایران از عملیات هیئت‌های مربوط به اینکار لخوشی ندارد.

افسان ارش و کارمندان رسمی دولتی ایران از معاشرت و آمیزش با خارجیان (مخصوصاً هیئت‌های سیاسی) محروم هستند و سایر افراد هم از آنان پیروی می‌کنند.^۱

درین ملت ایران سوء ظن شدیدی ایجاد شده است که خارجیها با نظر تمسخر به ایرانیان مینگرن و بهمین جهت مردم و مطبوعات منتظرند که انتقادوای اشاره ساده‌ای از خارجیان بینند و شدیداً به آن اعتراض کنند. با تمام وسایل این وجهه ملی تقویت می‌شود.

ایجاد پرچم جدید و سرود ملی و لغو القاب و عنوانی که در قرن نوزدهم میلادی مورد علاقه اشراف ایران بود و معمول ساختن کلمه ایران درین خارجیان بجای کلمه پارس نمونه‌ها ایست از فعالیت و تبلیغات خستگی

۱ - نظر نویسنده کتاب مربوط به سال ۱۹۴۱ میلادی است. مترجم

نایابی‌یاری که برای شناساندن کشور ایران بمالک خارجی و خارجیان آغاز گردیده است.

برای روشن شدن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات مردم در ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ انجمن هدایت افکار در کشور ایران ایجاد گردید. انجمن هدایت افکار از نمایندگان دانشگاه و سازمان تعلیمات اکابر و تشکیلات پیش‌آهنگی و سانسور مطبوعات تشکیل یافته و مأموریت دارد که با انتشار مقالات سودمند، جزووهای خواندنی و کتابهای مفید و تنظیم برنامه‌های وسیع سخنرانی در سراسر کشور و ایجاد نمایش و نشان دادن فیلم‌های مفید و ایراد گفتار در رادیو و نواختن موسیقی‌های متنوع و سرود ملی و خلاصه کلیه وسايل گونه‌گون فرهنگی روح ملت ایرانی را تقویت کند. دونمونه ذیل از بزم سخنرانی‌های تهران، سیاست، تبلیغاتی دولت را بخوبی نشان میدهد.

دوشنبه - وظایفی را که جوانان در عصر حاضر بر عهده دارند.

سهشنبه - چگونه پزشگ خون باشد. مبارزه بر علیه خرافات و موهوم پرستی.

چهارشنبه - وفاداری به شاه و میهن.

پنجمین - وظایفه‌ای را که افراد ملت در راه ترقی و موفقیت کشور بر عهده دارند. اولین کمک قبل از رسیدن پزشگ.

چهارشنبه - کشاورزی.

ورود به مجالس سخنرانی برای تمام افراد ملت آزاد و مجانی است. در سال ۱۹۴۰-۱۹۴۱ بیش از هفت هزار بار جلسه سخنرانی تشکیل گردید که یک میلیون و پانصد هزار نفر در این جلسات حضور یافتند.

باید توجه داشت که اصرار بتویت روح ملی و روشن کردن افکار مردم از اهم مطالب است وسعی و کوشش زیادی بکار می‌رود تا افراد ملت نادان و بی اطلاع نباشند.

روز بیست و نهم ماه ژوئن سال ۱۹۴۰ اعلیحضرت پادشاه ایران در حضور روز نامه نگاران و مدیران جراید نطقی ایراد کردند و گفتند (چون ممکن نیست ایران از حوادث جاری جهان بر کنار بماند لذا نه تنها باید ایرانیان را از حقایق مربوط به اوضاع جاری جهان و ملیت خود آگاه ساخت بلکه باید به آنان کمک کرد تا از حقیقت مطالب آگاه شده و خود آنچه را که برای مردمان امروزی لازم است بفهمند).

مطبوعات ایران جداً سعی دارند طبق همین دستور رفتار کنند.

گرچه راجع به امور داخلی تفسیرهای زیادی نوشته می‌شود و گاهی هم با کمال احتیاط مقالاتی درباره اوضاع وحوادث بین المللی انتشار میدهند اما با وجود تمام اینها بیشتر نویسندهای ترجیح میدهند که بدون ایجاد مزاحمتی برای خودشان یک سلسله تلگرافهای خشک آژانسهای خارجی را در نهایت بیطرفی انتشار دهند و مقالات مهم و برجسته را از مطبوعات و مجلات اروپائی ترجمه کرده و منتشر سازند.

البته منابع خبر و خبرنامه و مجله‌ای که اخبار و مقالات را از آنها ترجمه کرده‌اند باید معلوم و مشخص باشد.

تمام اخبار را نمایند گان خبر گزاری پارس که یکی از سازمانهای دولتی است به تهران مخابر می‌کنند بنابراین سانسور کلیه خبرها بدون هیچ گونه اشکالی صورت می‌گیرد با این وصف پیشرفت و ترقی مطبوعات ایران عجیب بنظر میرسد.

در سراسر کشور ایران سیصد روزنامه و مجله بطور روزانه، هفتگی و ماهیانه انتشار می‌یابد و هر چند اغلب از آنها عمر شان خیلی کوتاه است اما بزودی جای خود را بنشریه دیگری میدهند.

در هر شهری لااقل یک نشریه یافت می‌شود و بهمین لحاظ چاپخانه هم در شهرها و استانها دایر کرده‌اند و بطوری در این راه پیش می‌روند که حتی در اروپا هم اینگونه پیشرفت‌ها دیده نمی‌شود.

البته تیراز روزنامه‌های ایران کم است و حتی روزنامه اطلاعات و یا روزنامه ایران که در سراسر کشور خواندنده دارای میزانی پانزده هزار نسخه بیشتر چاپ نمی‌کنند.

این روزنامه‌ها دست‌بدست می‌گردد و در کافه‌ها و بازار با صدای بلند آنها را می‌خوانند.^۱

این روزنامه‌ها صفحات زیادی ندارند مثلاً روزنامه ایران در چهار صفحه منتشر می‌شود در صفحه اول سرمهاله و تفسیر اخبار و خبرهای داخلی در صفحه دوم و سوم تلگرافهای خارجی و بعضی داستانهای مورد علاقه خوانندگان و چند آگهی چاپ می‌گردد و صفحه چهارم هم مخصوص آگهی‌های تجارتی و آگهی‌های متفرقه است.

دولت در امور مطبوعات چندان نظارتی ندارد و همین قدر که دارنده امتیاز صلاحیت علمی و اخلاقی داشته باشد می‌تواند روزنامه و یا مجله خود را انتشار دهد و در عین حال اداره سانسور هر وقت که مقتضیات ایجاب کند می‌تواند در مندرجات جراید بازرسی بعمل آورد و در صورت اقتضا فوری

۱- نظر مؤلف کتاب دزبانه روزنامه‌ها و مجلات ایران مربوط به سال ۱۹۴۱ میلادی یعنی ۱۳۱۹ شمسی است. مترجم

دستور توقیف روزنامه و یا مجله‌ای را بدهد ،
بعضی از وزارتخانه‌ها مانند وزارت فرهنگ، وزارت جنگ، وزارت
کشاورزی، وزارت پیشہ و هنر مجله مخصوصی دارند که همه ماهه انتشار
می‌باید و نیز چند مجله مصور فرهنگی دیگری هم منتشر می‌گردد که کم
و بیش معروفیت دارند .

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سی و ششم

رادیو - سینما - آثار باستانی

رادیودر کشور ایران بتازگی بوجود آمده و در ماه آوریل سال ۱۹۴۰ ولیعهد ایران دستگاه فرستنده رادیو تهران را افتتاح کردند و انتظار می‌رود که بزودی در تمام استانهای کشور دستگاه‌های فرستنده دایر و مشغول کار گردد و البته تا کنون در بعضی از نقاط در این باره اقدامات لازم معمول شده است.

بر نامه رادیویی شباهت به مندرجات روزنامه‌ها نیست البته قسمت اعظم وقت رادیو بدنو اختن موسیقی ایرانی و قطعاتی از موسیقی غربی اختصاص دارد و مظفر اصلی دولت ایران از تأسیس رادیو آنستکدو سیله آموزش عمومی باشد و از این رو اغلب اوقات مقالات اقتصادی و فرهنگی و صنعتی در رادیو خوانده می‌شود.

از آغاز جنگ دوم جهانی تا کنون ایرانیان و سیله‌ای نداشتند تا بتوانند وقایع وحوادث جهان را بزبان خودشان بشنوند و بهمین جهت طبق آمار موجود در سرتاسر کشور ایران بیش از پنج تا شش هزار دستگاه رادیو وجود نداشت اما اخیراً دولت برای ورود دستگاه‌های گیرنده تسهیلاتی

قابل شده و بلند‌گوهائی هم در میدانهای عمومی تهران و سایر شهرستانها نصب کرده است تا تمام مردم بتوانند از برنامه‌های رادیو تهران استفاده کنند.

سینما از مدتی پیش در کشور ایران بوده است و مشتریهای سینما بمراتب از مشتریان کافه بیشتر است.

شهر تهران دوازده سینما خارجودرسا بر شهر هاهم برای استفاده مردم سینما دایر کرده‌اند.

اکنون که کشورهای جهان در حال جنگ هستند بیشتر فیلم‌ها را از امریکا و آلمان می‌آورند اما قبل از جنگ فیلم‌های انگلیسی و فرانسوی هم در ایران شهرت داشتند.

اینکه می‌گوئیم فیلم‌های انگلیسی و فرانسوی شهرت داشتند البته تعبیر نسبی است زیرا آنطوری که باید و شاید ایرانیان سینما نمی‌روند شاید هم این اشکال برای ندانستن زبان باشد اما خلاصه مطالب هر فیلم را بزبان فارسی روی فیلم مینویسند.

بهر حال ایران تا اکنون توانسته است استودیوهای فیلمبرداری دایر کنند و فیلم‌های ایرانی بیزاری باورد^۱. طبق مقرراتی که در ماه ژوئیه سال ۱۹۳۹ وضع گردید بهجه‌های کمتر از هفت سال نمی‌توانند به سینما بروند و آنهایی هم که سناشان بین هفت تا شانزده سال است اجازه دارند فقط روزها

۱- این کتاب را مؤلف در سال ۱۹۴۱ نوشته است که در آن موقع ما هنوز استودیوی فیلمبرداری نداشتیم ولی اکنون استودیوهای متعددی در کشور ما بوجود آمده و فیلم‌های ایران در مالک دیگر هم در معرض نمایش گذارده می‌شود و مخصوصاً در ممالک عربی خواستاران زیادی دارد و نیز در حال حاضر همین شهر خودمان تهران هشتاد و چهار سینما دارد که همه روز مسنه نوبت فیلم‌های مختلف را در معرض نمایش می‌گذارند. مترجم

به بعضی از سینماهابروند که مقامات فرهنگی و پلیسی فیلمهای را که نمایش داده می‌شود قبل اکنترل کرده باشند و دیدن آن فیلم‌ها را از نظر اخلاقی برای اطفال مفید تشخیص بدھند

با این وصف سینما نمیتواند جای کافه‌ها و قهوه خانه‌های ایران را بگیرد. دردهات و شهرهای دوردست قهوه خانه مرکز اجتماعات و پخش خبرهاست زیرا رانندگان اتوموبیل‌های سواری و اتوبوس و همچنین شوfer-های کامیون برای استراحت خودشان و تعمیر وسائط نقلیه در قهوه خانه‌های بین راه توقف می‌کنند و خبرهای تازه را که در شهر شنیده‌اند بمدم می‌گویند.

در این قهوه خانه‌ها چای شیرین بدون شیر در استکانهای کوچک می‌نوشند و برای طالبین مشروب‌هم موجود است و هر کس مایل باشد دستور میدهد براش می‌آورند.

کافه و رستورانهای تهران شبیه کافه و رستورانهای اروپا است و در این شهر کباب‌های هم وجود دارد که هنریشگان آنها از اهالی اروپای مرکزی هستند و این هنریشگان درین افسران ارش و کارکنان دولت شهرت زیادی دارند اما در باره عقاید خارجیان مقیم کشور ایران نسبت به آن باید سأکت ماند.

رقص عمومی در ایران هنوز هم پسندیده نیست ولی در عین حال در باشگاهها و بعضی از مجامع رقص عمومی آزاد است. در تهران چند باشگاه

۱- این مقررات برای اطفال بسیار بجا و بموردن بود زیرا حالا والدین بجهه‌ها از دست آنها به تنگ آمدند و چون دیدن تمام فیلم‌ها برای کودکان خوب نیست در اثر مشاهده مضرات زیادی وزارت کشور مجبور گردید قبل اکنترل فیلم‌ها را کنترل کند و دیدن بعضی از فیلم‌ها را برای اطفال ممنوع سازد حال است که مردم مملکت متوجه می‌شوند کارهایی که در ۲۲ سال قبل بنا بر اراده اعلیحضرت رضا شاه کبیر صورت می‌گرفت برای سعادت ملت لارم و ضروری بوده است. مترجم

ایرانی وجود دارد که از آن جمله میتوان باشگاه ایران را نام برد که رئیس آن نخست وزیر است.

باشگاه افسران، باشگاه ایران جوان و باشگاه ارامنه هم از باشگاههای معروف بشمار میآیند.

خارجیان مقیم کشور ایران هم هر یک برای خودشان باشگاههای جداگانه دارند که از آن جمله باشگاه اسکاندیناویها، باشگاه روسها و چند باشگاه دیگر از همین قبیل است.

چند سال قبل در ایران مقرراتی وضع شده که باشگاه باید به یک ملت اختصاص داشته باشد و یا آنکه عمومی باشد و تمام ملتها بتوانند در آن شرکت کنند شاید وضع این مقررات از آنجهت است که افسران و کارکنان دولت تحت نفوذ خارجیها نروند.

غلب از متمولین تهران در شمیران که یکی از نواحی خوش آب و هوای پا یخت است اقامت دارند.

شمیران بیلاق تهران و محل راندویی روزهای تعطیل ماههای گرم تابستان است. آنها یک که وسیله و توانائی مالی دارند روزهای تعطیل تابستان را به رامسر و چالوس و بابل و باپلسر که در سواحل دریای خزر واقع شده است میروند.

در رامسر و باپلسر کازینو و هتلهای عالی وجود دارد که وسایل راحتی و آسایش مسافرین از هر حیث آماده است.

شهر همدان هم خوش آب و هوای بیلاق بسیار خوبی است.

در کشور ایران از نظر ادبی هم نهضت هائی بوجود آمده است.^۱

۱ - در عرض ده سال اخیر چهارهزار جلد کتاب چاپ و منتشر شده است. مؤلف

گرچه بیشتر کتابهای تاریخ و کلاسیک و اشعار انتشار داده‌انداما عموماً از زبانهای خارجی مخصوصاً زبان فرانسه کتابهای ترجمه کرده و منتشر ساخته‌اند.

مجموعه‌ای از تاریخ شعرای عصر جدید ایران در کلکته بچاپ پرسیده و آثار هشتاد و سه سخنور مشهور را نشان میدهد اما باید دانست که بعضی از این سخنوران مورد بی‌مهری دولت واقع شده و در تبعید بسرمیبرند. اشعار جدید ایران اغلب ساده و جنبه‌آموزشی دارده‌اند بعضی از قطعات خالی از ذوق ادبی نیست.

عده‌ای از شعرای ایران به سبک قدیم و بعضی هم به سبک جدیده شعر می‌گویند اما موضوع اشعار هردو دسته مسائل روز و قضایای جدید است. یکی از شعرای ایران بنام هادی ایتاتی راجع به پائیز سروده است که میتواند نمونه‌ای از ادبیات جدید این کشور باشد.

در این چکامه یک لغت بیگانه یافت نمی‌شود و تماماً فارسی سره است. این عمل درست مانند آنست که یک شاعر انگلیسی شعری بگوید و در آن لغات لاتینی و یونانی نباشد.

فرهنگستان ایران در ماه مارس سال ۱۹۳۵ تأسیس گردید و مأموریت دارد که زبان فارسی را از لغات خارجی مخصوصاً واژه‌های عربی که هفتاد درصد زبان فارسی کنونی را تشکیل میدهد بلکی پاک نموده و بجای آن لغات، واژه‌های فارسی سره بوجود آورد و کتاب لغت جدیدی تألیف کند. اولین مجموعه واژه‌های فرهنگستان در سال ۱۹۳۸ منتشر گردید

واز آن تاریخ بعد همه ساله مجموعه‌های دیگری انتشار می‌یابد. البته نظر این نیست که به فوریت تمام واژه‌های زبان خارجی را از

زبان فارسی حذف کنند و حتی بعضی از همان لغات را قبول دارند و اجازه داده‌اند مانند سابق بکار بردۀ شوند.

بطورکلی سیاست دولت در این مورد برآ نستکه لغات و جملات زیبادی را حذف کنند و بجای آن اصطلاحات جدید قضائی، فنی، اقتصادی و علمی بوجود آورند که بکار بردن این اصطلاحات برای روزنامه‌ها و کلیه مطبوعات اجراری است ولی مردم تامدی هم در صحبت کردن با یکدیگر همان کلمات سابق را بکار خواهند برد.

در وضع لغات جدید غالباً تصورات و تحلیلات فرهنگستان نشان داده شده است مثلاً برای کلمهٔ تورپیدو (Torpedo) انگلیسی واژه از در را وضع کرده‌اند در صورتی که منظور از کلمهٔ از در در شاهنامهٔ فردوسی از دهائی است که از دهائش آتش بیرون می‌آید.

سیاست تغییر الفبا بر عکس کشور ترکیه عملی گردید.

چندی صحبت از تغییر الفبای عربی بحروف رومی بود ولی بزودی این موضوع هم مسکوت ماند و سیاست تغییر را فت بطوريکه در سال ۱۹۳۸ نوشتن تابلوهای مغازه‌ها بزبان اروپائی برای دکانداران و تابلو نویسان خارجی بکلی ممنوع گردید و مقرر شد که حتی نوشته‌های را که به زبان خارجی بود از عکس‌های سینماها و کنار فیلم‌ها بردارند و بجای آن حروف فارسی و عربی بنویسند اما با وجود این احتمال دارد که موضوع تغییر الفبا در آینده نزدیکی دوباره مطرح گردد زیرا گرچه الفبای عربی برای خود عربها بسیار خوبست اما آشنا شدن به آن برای ایرانیان و ترکها آسان نیست.

در قسمت هنری پیشرفت زیبادی حاصل نشده است و فقط معماری

وحجاری سنگهای ساختمانی تا اندازه‌ای رونق دارد .
ساختمانهای جدید ایران بمنظور تقویت روح ملی براساس و مانند
ستونها و حجاری‌های پرسپولیس (Persepolis) یعنی تخت جمشید فارس
آثار دوره سلطنت هخامنشیان و بنای ایوان تیسفون (Ctesiphon) یعنی
ایوان مدائن آثار دوره سلطنت پادشاهان ساسانی که در کشور عراق واقع
است بنا می‌گردد .

بنای شهر بازی کل کشور و بانکملی ایران که هریو در شهر تهران
ساخته شده است نمونه بارزی برای اثبات این مطلب است .
این آثار باستانی که از نظر شناسائی ایران قدیم برای ملت ایران
ارزش زیادی دارد بطرز بسیار خوبی نگاهداری می‌شود و برای تقویت دروح
ملی لازم و بسیار مؤثر است .

بموجب قانون آثار عتیقه که در سال ۱۹۳۰ تصویب رسید تمام
حفاریها و کاوشها تحت نظر مستقیم دولت درآمده است و امتیازی که چند
سال قبل به فراسوی‌ها داده شده بود و بموجب آن حفاری زمینی برای آثار
عتیقه در انحصار آنان قرار گرفته بود لغو گردید وهم اکنون چندھیئت
حفاری در ایران مشغول کارند که از آنجلمه میتوان هیئت اعزامی دانشگاه
شیکاگو (Chicago) را نام برد که در شهری و تخت جمشید مشغول کاوش
هستند .

طبق قانون مزبور آثار باستانی باید از کشور خارج شود بلکه باید
بموزه باستان شناسی که به استناد همین قانون در شهر تهران تأسیس یافته
است تسليم گردد .

مقررات و آئین‌نامه‌های مخصوصی برای نگاهداری و تعمیر آثار و

ابنیه باستانی وضع و برحله اجرا در آمده است و تا آخر سال ۱۹۳۲ دوست
و چهل و هفت ساختمان باستانی به ثبت رسیده که هشتاد و دو ساختمان آن
مربوط به دوره های قبل از اسلام بوده است.

این نکته جالب توجه است که معابد و اماکن مقدسه اديان ديگر
باید مانند مسجد مسلمانان جزء آثار باستانی محفوظ بماند.

موزه ملی ایران کتابخانه ای دارد که نسخه های خطی پارزش و
گرانبهائی در آن یافت می شود.
موسیقی هم جزء آن قسمت از هنرها است که پورتوجه فرار دارد
و تا اندازه ای پیشرفت کرده است.

در باره هنرستان عالی موسیقی قبله توضیحاتی داده شد و در اینجا
لازم است اضافه کنیم که در سال ۱۹۳۹ اداره جدید و مخصوصی برای ترویج
موسیقی تأسیس یافت و عده ای از استادان اروپائی برای تدریس استخدام
شدند. این مؤسسه همه ماهه مجله ای که شامل تصنیف های قدیمی ایران
و آهنگ های محلی است منتشر می سازد و آهنگسازان جدید را تشویق می کنند
وموجبات ترویج آواز های ایرانی را فراهم می سازند و عده ای مردم با استعداد
هم پیدا شده اند که سرودها و اشعار تازه ای می گویند و مینویسند و آهنگ های
جدیدی می سازند که از آنان قدردانی می شود.

در باره موسیقی اختلاف بزرگی مشاهده می شود که در خور توجه
است. آئین اسلام موسیقی را منع کرده است ولی در عصر حاضر آن ممنوعیت
اکید دیگر عملی نیست و در غالب کشورهای اسلامی (جز ممالک بدیع)
بسیاری از خانواده های مسلمان گرامافون دارند اما با وجود این ازطرف
مقامات رسمی برای ترویج موسیقی به ندرت اقدامات جدی صورت می گیرد.
نظر دولت ایران آنست که موسیقی و سیله تبلیغات و آموزش عمومی بشود.

فصل سی و هفتم

روابط خارجی

بعد از تجربه های تلخی که در اثر ارتباط با اغلب از کشورهای غربی برای کشور ایران حاصل گردیده است جای تعجب نیست این کشور اکنون که میتواند روش مستقلی را پیش گیرد نسبت به دول غربی چندان خوش بین نباشد.

کشور ایران با داشتن این تجربه های تلخ در روابط خارجی خود با کشورهای دیگر روی ناسازگاری نشان نداد و در هیچ موقعی سیاست تهاجم ممالک دیگر را تعقیب نکرده است و بطور قطع و یقین میتوان ادعا کرد که عملیات بین المللی ایران همیشه با ملت های کوچک عموماً و با همسایگان خود خصوصاً جنبه همکاری دارد و نیز در استقرار اصلاح و امنیت جهانی جدا با کشورهای صلح دوست تشریک مساعی میکند.

روی همین نظر بود که کشور ایران در سال ۱۹۱۹ عضویت جامعه ملل درآمد و در سال ۱۹۳۷ عضو علی البدل شورای جامعه شد و در صد هین جلسه شورای جامعه ملل که در ماه ژانویه سال ۱۹۳۸ تشکیل یافت نماینده ایران ریاست جلسه را بر عهده داشت.

در سال ۱۹۳۲ با امضای قرار داد مربوطه تصمیم دیوان داوری بین المللی را قبول کرد و در سال ۱۹۳۳ به پیمان هشت دولت ملحق شد و در سال ۱۹۳۸ موافقنامه دریائی لندن را امضاء کرد و همچنین در سال ۱۹۳۴ با کشور سویس و در سال ۱۹۳۸ با کشورهای مکزیک (Mexico) و آرژانتین (Argentina) و در سال ۱۹۳۹ با کشور ژاپن (Japan) پیمان مودت و دوستی منعقد کرد.

بین ایران با چند کشور کوچک و دور دست ملتفترومانی (Rumania) و اسپانیا (Spain) روابط سیاسی برقرار است و نهاند کان سیاسی بکشورهای یکدیگر میفرستند.

از کشورهای اسکاندیناوی و بلژیک (Belgium) و هلند (Holland) که هیچگاه و در هیچ بابت مورد سوء ظن سایر کشورها واقع نمیشوند کارشناسان فنی برای ساختن راه آهن و کارخانجات به ایران می‌آیند و در قسمتهای مختلف مشغول کار میشوند و مخصوصاً در سال ۱۹۳۹ یک شرکت هلندی بنام شرکت (اکتشاف الجمین ما انجاییح) – The Algemeine Exploratie Maatschappij J درباره گرفتن امتیاز سه ساله معادن آذربایجان با مقامات مسئول ایران مشغول مذاکره شد.

روابط فرهنگی ایران با کشور فرانسه با وجودی که به علت پیش آمد تأسف آوری در آغاز سال ۱۹۳۹ برای مدت کوتاهی قطع گردید تا سقوط دولت فرانسه برقرار بود.

کارشناسان فنی ایتالیائی در ساختن خطوط شوسه و راه آهن ایران شرکت داشتند.

ناوهای نیروی دریائی ایران از کارخانجات کشتی سازی ایتالیا خریداری شده است و قانون کیفری این کشور را از روی پنال کود (Penal Code) ایتالیا گرفته اند و حتی ایتالیا سعی میکرد که در سال ۱۹۳۶ در اختلافات مرزی ایران و غراق میانجی گردد.

در این اوخرای ایتالیا برای جلب محبت ایرانیان تبلیغات دامنه داری را شروع کرده بود اما چون رویه تبلیغاتی آن کشور روی اصول و قواعد صحیحی نیست در این باره موقفيتی بلطف نیاوردن اینجا همچنان مثلا ایتالیا خبری در ایران منتشر ساخت مبنی بر اینکه هواپیما های او که در ماه مارس سال ۱۹۴۱ بحرین را بمباران کردند ممکن است آبادان را هم بمباران کنند که البته این نوع تبلیغ برای آن کشوف نتیجه معکوس داد.

ایالات متحده امریکا هم از نظر اینکه برای کلاهای تجملی ایران خریدار بسیار خوبی است برای مدتی مورد مهر و تمجید قرار داشت اما به علت پیش آمد های تأسف آور سیاسی واشتباهاتی چند آن صمیمت و روابط حسنی در حال حاضر تا اندازه ای تیره گشته است.

در خلال سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴ مذاکرات بی نتیجه ای برای واگذاری امتیاز نفت بین ایران و ایالات متحده امریکا جریان داشت و پس از آن در سال ۱۹۳۷ امتیاز استخراج نفت شمال شرق ایران بشرکت نفت امریکا واگذار گردید ولی سال بعد به علت اشکالاتی که در امور حمل و نقل وجود داشت و موافعی که در اوضاع بازار نفت ایجاد شده بود آن امتیاز لغو گردید.

در عرض سال ۱۹۴۰ کلاهای متبادله بین ایران و ایالات متحده

امریکا تقریباً بدو برای سال قبل افزایش یافت باین ترتیب که کالاهای خریداری شده از امریکا از چهار میلیون و چهارصد هزار دلار بدهش میلیون و پانصد هزار دلار و کالاهای صادره به امریکا از چهار میلیون و سیصد هزار دلار به هشت میلیون و شصت هزار دلار رسید.

روابط ایران با سه دولت بزرگ غربی یعنی بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و آلمان و همچنین مناسبات این کشور با همسایگان نزدیکش بیش از شناسائی با کشورهای دوربیست اوضاع و موقعیت بین المللی ایران را روشن میسازد.

در آغاز کار نیاست بریتانیای کبیر در ایران خوب بود و رویدای را که در پیش گرفتند غلط از آب درآمد.

سیاستمداران و نماینده‌گان بریتانیا در خاور نزدیک که راه غلطی رفته و نتوانستند بمیزان نیروی حقیقی ملی ایران پی ببرند دچار اشتباه گردیدند و در نظر ایرانیان مانند روسیه یک دشمن دیرین جلوه گردند. این بدینی بعلت وقوع چند حادث کوچک داخلی تقویت گردید.

در سال ۱۹۲۵ موقع اختلافات شیخ خرعل، خان محمره بریتانیا آنقدر در این امر دخالت نکرد و خود را بر کنار داشت تا همیمان سابقش سقوط کردو آنوقت اعاده حیثیت اورا درخواست نمود و همچنین برای خدمات تفکداران پلیس جنوب در موقع جنگ تقاضای پاداش کرد.

در سال ۱۹۲۷ دولت ایران ادعای خود را در باره بحرین واقع در ساحل غربی خلیج فارس تجدید کرد.

این جزایر تاسال ۱۷۸۳ در دست ایرانیان و جزء خاک ایران بود و در آن سال عربها بحرین را از ایران گرفتند و در سال ۱۹۰۶ شیخ بحرین

قرارداد تحت الحمايگي بریتانيا را امضاء کردو تحت حمايت دولت انگلستان درآمد که از آن موقع تاکنون بریتانيا با همين سمت در بحرین باقیمانده است ولي ايران اين عمل را تابحال بدرسميت نشانخته است و در سالهاي ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ و ۱۹۳۴ و ۱۹۳۶ در جامعه ملل بعمل بریتانياي کبير اعتراض کرده و همچنين امريكا هم که در بحرین امتياز استخراج نفت دارد مورد اعتراض دولت ايران واقع گردیده است.^۱

این اختلافات هنوز باقی است و تاکنون حل نشيده زيرا مسلم است که بریتانيا نميتواند از چنین لنگر گاه مهم در ي اي جيشم پيوشد مخصوصاً لنگر گاههای سواحل خلیج فارس و حتی امور روشنائی ماحلى که قبلاً متعلق به انگلستان بوده تماماً بدولت ايران واگذار شده است.

(Capitulations) در سال ۱۹۲۸ بریتانيا از حق (حقوق خارج الأرضی) خود در ایران (البته از روی بی میلی) صرف نظر نمود و در سال ۱۹۳۲ شرکت (تلگراف هندواروپا) امتياز خود را فسخ کرد ولي نتایج نیکوئی که انتظار ميرفت اين دوعمل در برداشته باشد در اثر اختلافات شرکت نفت انگلیس و ايران متأسفانه خنثی گردید.

۱ - در باره اينکه مجمعالجزاير بحرین متعلق به کشور ايران بوده و هست چندين بار از طرف دولت ايران به کشور انگلستان تذکرداده شده و بموجب اسناد و مدارکي که در دست داريم وبارها در روزنامهها برای اطلاع عموم ملت ايران درج گردیده است بحرین به ايران تعلق دارد وادعای دولت انگلستان به چوچه صحیح نیست . مترجم

فصل سی و هشتم

امتیاز نفت و اختلاف دولت ایران با شرکت نفت

دولت ایران هیچ وقت از امتیاز دارسی راضی نبود و این امتیاز را شاه ایران امضاء کرده بود که بیش از هر چیز به آسایش فوراً حتی خودش اهمیت میداد و بمفاد امتیاز و نفع کشورش توجّهی نداشت.

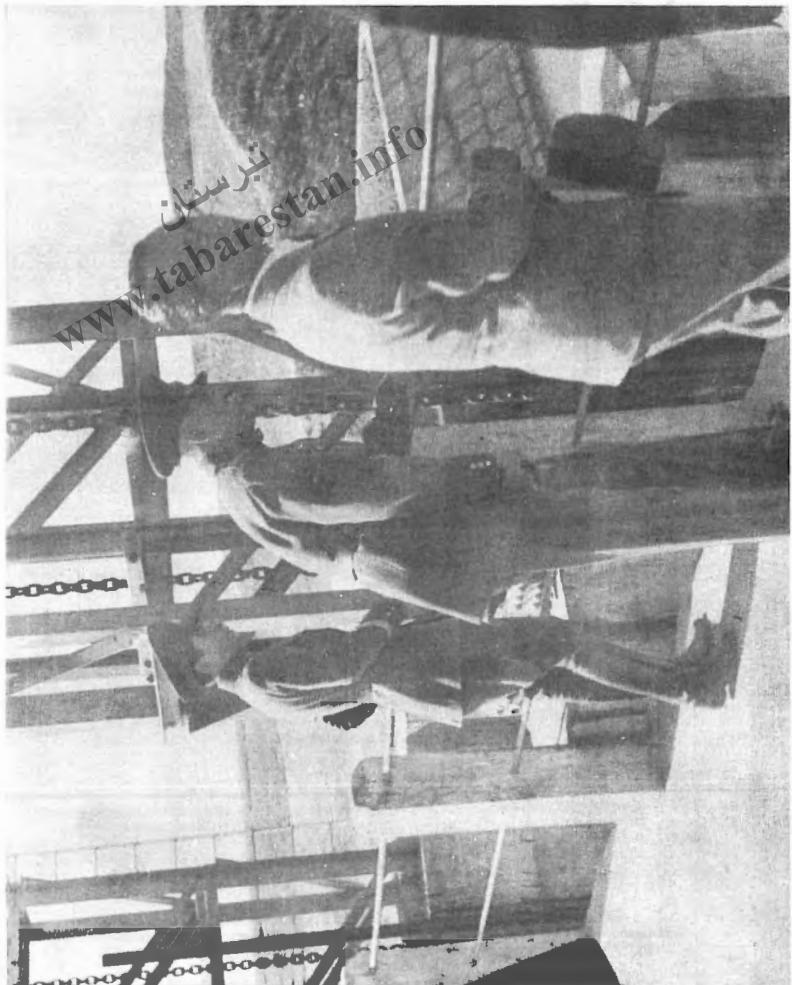
دولت ایران علاقه داشت که در مواد قرارداد تجدید نظری بشود و منافع آن کشور حفظ گردد ولی بدینخانه هر موقعی که راجع باین موضوع پیشنهادی میشد و یا مذاکراتی صورت میگرفت شرکت نفت روی موافق نشان نمیداد و بنای ناسازگاری را میگذاشت اما دولت بریتانیا را هم که سهم بزرگی در آن شرکت داشت نمیتوان در اینکار بدون دخالت دانست و از ملامت مصون نخواهد بود.^۱

در ماه دسامبر سال ۱۹۲۰ شرکت نفت با دولت وقت ایران قراردادی منعقد نمود که بموجب آن کلیه حساب‌های معوقه تسویه میگردید

۱- سهام دولت بریتانیا در شرکت نفت ایران و انگلیس عبارتست از :
الف - ۱۱۲۵۰۰۰ لیره از ۲۰۱۳۷۵۰ لیره سهام عادی که هر سهمی دارای دورانی میباشد .

ب- ۱۰۰۰ لیره از قرار هشت درصد مجموع ۷۲۳۲۸۳۸ لیره سهام ممتاز و نه درصد ۵۴۷۳۴۱۴ لیره که هر پنج سهم دارای یک رأی میباشد . بطور کلی از مجموع سهام شرکت نفت ایران و انگلیس ۵۵ درصد آن تحت نظرارت دولت بریتانیا است و از شرکت نفت برمه (Burmah) هم ۵۳۴۲۹۸۵ لیره سهام عادی دارد . (مؤلف)

اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همايون شاهنشاه هنگام بازدید از
اسکله بندر مشهور



تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

ولی این قرار داد بهیچو جد مورد موافقت و تصویب دولت های بعدی واقع نشد.

در سال ۱۹۲۸ دولت ایران پیشنهاد تازه‌ای برای تجدید مواد قرارداد عنوان کرد و سال بعد سر جان کدمان (Sir John Cadman) رئیس شرکت نفت برای مذاکره به تهران آمد و مذاکرات در این زمینه مدته ادامه یافت ولی در سال ۱۹۳۱ بمحض اینکه معلوم گردید سهمیه ایران یک چهارم سهمیه‌ایست که در سال ۱۹۳۰ پرداخته‌اند شاه و دولتش خشمگین و عصبانی شدند و روز بیست و هفتم ماه نوامبر سال ۱۹۳۲ امتیاز شرکت را لغو کردند و بهمین مناسبت دو روز تعطیل عمومی اعلام شد و هر دم در سراسر کشور جشن گرفتند و شادی گردند.

شکایت اصلی دولت ایران (البته بعقیده خودشان) این بود که اولاً سهم آن دولت کم است و در رثای در حساب سود و زیان شرکت نفت دخل تصرفی میکنند و نیز نظر بمصالح شرکت نفت عراق و امریکای جنوبی و با ملاحظه اوضاع سیاسی بازار نفت در دنیا بطور کلی از نفت ایران کمتر از آنچه باید و شاید استخراج میشود.

دیگر اینکه دولت ایران مدعی بود که کارمندان ایرانی شرکت نفت ایران و انگلیس خیلی کمتر از عده‌ایست که در امتیازنامه سابق پیش بینی وذ کر شده است.

گرچه در یادداشت الغای امتیاز امکان انعقاد قرارداد جدید ذکر شده بود ولی شرکت نفت این نکته را نکیده گرفت و موضوع را بدولت بریتانیا مراجعت کرد.

دولت بریتانیا هم یادداشت شدیداللحن و تهدید آمیزی در پاسخ فرستاد

و آنرا با یک نمایش دریائی در خلیج فارس توأم ساخت .
بدیهی است که این طرز رفتار بسیار نامطلوب بود و احتمال میرفت
بارو شی که پیش گرفته بودند وضع و خیم تری ایجاد گردد و چون دولت
ایران سخت ایستاد گردد و برای احراق حق خود پاشاری نمود دولت
بریتانیا بهتر دید که بجای شدت عمل و شتابزدگی موضوع اختلاف را بشورای
جامعه ملل مراجعه کند .

ایران به این عمل بریتانیا شدیداً اعتراض کرد و متذکر شد که
رسیدگی به اختلاف بین دولت ایران و شرکت از امور داخلی ایران
بود و به دولت بریتانیا و یا شورای جامعه ملل هیچ ارتباطی ندارد و همچنین
یاد آور شد که دولت ایران در عین حال برای اثبات حسن نیت خود حاضر
است قرارداد جدید و مناسبی با شرکت منعقد کند و روی اصل همین حسن
نیت و پاکی نظر بوده که تا کنون از کارهای شرکت نفت جلوگیری بعمل
نیاورده است .

در ماه ژانویه سال ۱۹۳۳ وزیر دادگستری ایران در شورای جامعه
ملل در مقابل اظهارات سر جان سیمون (Sir . John Simon) نماینده
میرز دولت بریتانیا ثابت نمود که شرکت نفت حاضر نیست حتی مواد
پیمان دادرسی را هم اجرا کند و همین مراجعه بشورای جامعه ملل خود
دلیل بارزی برای اثبات این ادعای ایران است زیرا هر گاه بریتانیا واقعاً
حاضر باجرای مواد قرارداد دارسی بود می بایستی بجای مراجعه بشورای
جامعه ملل بدادگاههای صالحه ایران مراجعه کرده باشد .

در جواب نماینده ایران سر جان سیمون اظهار داشت که شرکت
نفت بطريق سودمندی مبالغه‌گزافی برای افزایش و توسيعه میدانهای نفت

صرف کرده است و سودی که در مقابل این مخارج گزاف عاید آن شده خیلی کمتر از ارقامی است که ایرانیان میگویند و از این گذشته دولت ایران موقعی لغوامتیاز رااعلام داشت که مذاکرات ما درباره ارجاع اختلاف بداد گاههای محلی جریان داشت. به صورت درحال حاضر بریتانیا برای حل مسالمت آمیز موضوع نفت آماده است.

پس از اظهارات نمایندگان طرفین در شورای جامعه ملل بالآخره در یک محیط حسن نیت وصمیمیت متقابل تصمیم گرفته شده که در خارج از دادگاه شورای جامعه ملل قضیه حل وفصل شود و پس از مذاکراتی که بعداً در همین زمینه صورت گرفت در ماه مه سال ۱۹۳۳ قرارداد جدیدی باضاء رسید و دولت ایران برای مدت شصت سال امتیاز نفت را بشرط نفت ایران و انگلیس اعطای کرد.^۱

۱- چون دولت انگلستان برخلاف مقررات پیمان منعقده بادولت شاهنشاهی ایران درمورد استخراج واکشاف نفت ایران رفتار مینمود و سود سهمیه ایران را آنطوری که در قرارداد قید شده بود پرداخت نمیکرد از این و ابتدا ازطرف دولت ایران در این باره اقدام لازم بعمل آمد و متعاقب آن در مجلس شورای ملی بین نمایندگان ملت مذاکراتی آغاز شد که بالاخره منجر بصوبی قانون ملی شدن صنعت نفت درسراسر کشود ایران گردید که متن این دو قانون از نظر اهمیتی که دارد برای اطلاع خوانندگان گرامی درج میگردد :

باتأییدات خداوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

نظر باصل بیست و هفتم هتم قانون اساسی مقرر میداریم :
ماده اول - تصمیم قانونی دائم بملی شدن صنعت نفت درسراسر کشود
بقیه در ذین صفحه بعد

امتیاز جدید البته بصرفه ایران بود زیرا قرارهای مالی بطور قابل

و دوماه تمدید بکمیون نفت جهت مطالعه در اطراف اجرای این اصل و تصمیم
منتخده کمیون نفت که در جلسه بیست و چهارم اسفند ۱۳۲۹ بتصویب مجلسین
سنا و شورای ملی رسیده و منضم باین دستخط است بموقع اجرا گذارده شود.

ماده دوم - هیئت دولت مامور اجرای این قانون هستند بتأریخ دهم

اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

باتأیینهات خداوند متعال

پرستان

پهلوی شاهنشاه ایران

نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میدایم:
ماده اول - طرح قانونی دائم بطرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت
درسراسر کشور که در جلسه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ بتصویب مجلسین سنا و
شورای ملی رسیده و منضم باین دستخط است بموقع اجرا گذاشته شود.
ماده دوم - هیئت دولت مامور اجرای این قانون هستند . بتأریخ دهم

اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

پس از تصویب دو قانون مذکور اختلافی بین دولت ایران و دولت انگلستان
وجود آمد که متعاقب آن دولت شاهنشاهی ایران بدیوان دادگستری لاهه
شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت برد و حقانیت دولت ایران مسلم
گردید انگلیسیها از مناطق نفت خیز ایران اخراج شدند واشرکت سابق
نفت انگلیس و ایران خلع ید شد وبالآخره با فعالیتهای زیادی که در این پاره
عمل آمد قرارداد استخراج نفت با کنسرسیوم نفت جهانی منعقد گردید که
از هر حیث منافع و مصالح کشور شاهنشاهی ایران را متنضم است و با تنظیم این
قرارداد مجدد آنها بعذر خیز ایران یعنی نفت بکار افتد و مشغول بهره برداری
از این ماده حیاتی و صدور آن بکشورهای خارج شده اند . دولت ایران طبق
اوامر اعلیحضرت همایيون محمد رضا شاه پهلوی با چند شرکت بزرگ خارجی
قراردادهای جدیدی برای استخراج نفت درفلات قاره منعقد نمود که در یکی
از این قراردادها سهم ایران به هفتاد و پنج درصد میرسد و از موقیتهای
بزرگی است که در دوره سلطنت پادشاه دموکرات ایران نسبت ملت ایران
شده است . مترجم

مالحظه‌ای تغییر یافت و بجای شاترده درصد که طبق قرارداد سابق از سود ویژه بدولت ایران پرداخت می‌گردید اکنون بیست درصد از سود سهام عادی را دریافت می‌کند و علاوه بر آن سالی ۶۷۱۲۵۰ لیره بدولت ایران نادیه می‌گردد.

حق السهم دولت ایران از قرار هر تن چهار شیلینگ از نفت صادره و فروش شده بخارج تأمین گردید و بجائی مالیات‌های قرارداد سابق در پانزده سال اول امتیاز برای شش میلیون تن از قرار هر تن نهادنیش و برای مازاد شش میلیون تن از قرار هر تن شش پنس مقرر شد و پایان پانزده سال اول شش میلیون تن اول یک شیلینگ و بقیه هر تن نه پنس مخلوک بود و در امتیاز نامه ذکر شده است که در هر صورت سهمیه پرداختی به ایران سالیانه نباید از یک میلیون و پنجاه هزار لیره کمتر باشد.

شرکت یک میلیون لیره بابت اختلاف حساب سابق پرداخت و متعهد شد که در تمام مدت امتیاز تنظیم حسابهای شرکت با نظر نماینده دائمی ایران صورت گیرد.

حقوق و مخارج نماینده ناظر ایران را هم که وظیفه‌اش رسیدگی بحساب شرکت است پردازد.

شرکت تعهد کرد که تا پایان سال ۱۹۳۸ نفت یکصد هزار میل هریع از اراضی نفت خیز مندرج در امتیاز نامه را استخراج کند و عملیات خود را بیش از مقدار ذکر شده در قرارداد توسعه ندهد.

شرکت در صورت لزوم باید وسایل باربری و مخابرات را با اختیار دولت بگذارد و از تعداد کارمندان غیر ایرانی خود بکاهد و بکارمندان ایرانی شرکت بیفراید و دانشجویان ایرانی را برای کارمندی در مؤسسات

نفت همه‌ساله به انگلستان اعزام دارد و در آموزشگاه و مدارس بریتانیا فنون مختلف صنایع نفت را یاموزند.

از آن پس سهم دولت ایران سالی به سه میلیون و پانصد هزار لیره بالغ گردید در صورتیکه در سال ۱۹۳۹ به ۲۷۷۰۸۱۴ لیره تنزل یافت.

دولت ایران ادعا داشت که این تنزل درآمد بواسطه ازدست رفتن بازارهای آلمان و ایتالیا بوده است (این ادعا تا اندازه‌ای درست است).

دولت ایران میخواست با این ادعا زمینه دیگری برای لغو قرارداد جدید فراهم سازد بدین معنی که بگویید تحری اخیر در اثر جریانات سیاسی بوده و با اوضاع اقتصادی ارتباطی ندارد.

شرکت‌هم این نظر دولت ایران را در ماه اوت سال ۱۹۴۰ قبول کرد و موافقت نمود که سهمیه سال ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ دولت ایران را مطابق سال ۱۹۳۷ یعنی ۳۵۴۵۳۱۳ لیره پردازد و نیز تعهد کرد که سهم سال ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ ایران کمتر از چهار میلیون لیره ننشود.

بریتانیا عملاً به بازرگانی ایران کمکی نکرده است.

اعتبار پنج میلیون لیره که در سال ۱۹۳۹ تخصیص داده شده بود بمناسبت شروع جنگ پس گرفته شد.

بازرگان ایرانی از قانون محاصره دریائی خیلی صدمه و خسارت دیدند اما توسعه سیستم (نوی سرت) (Navicert)^۱ در ایران در ماه مه سال ۱۹۴۱ نسبتاً با مضيقه تخفیف داد.

روابط دوستی و اقتصادی بریتانیا با کشور ایران با اعزام ارل اف آتلون (Earl of Athlone) و پرنسس الیس (Princess Alice) به

۱- نوی سرت عبارت بود از یک سیستم جنگی بازرگانی که دولتها بیطرف از آن استفاده میکردند. مترجم

تهران و شرکت آنان در عروسی ولیعهد ایران که در ماه مارس سال ۱۹۳۹ صورت گرفت بیش از پیش محکمتر گردید و همچنین تأسیس نمایشگاه صنایع ایران بسال ۱۹۳۰ در برلینگتون هاوز (Burlington House) و پخش اخبار بیان فارسی از بی. بی. سی (B. B. C) بنگاه سخن پراکنی انگلستان از ماه دسامبر سال ۱۹۴۰ نمونه کاملی از دوستی ایران با بریتانیا است و مخصوصاً قسمت اخیر درس اسرای ایران با هسته تلقی شد و موجب رضایت مردم گردیده است .

جای تأسف است که افراد بریتانیائی در ایران و انگلستان آنطور یکه میتوانستند برای استحکام و دوام این دوستی اقدام مؤثری نکردن و همراه ساعدت ننمودند و مخصوصاً افراد انگلیسی مقیم ایران از دوراه بقویت تنفرو افزار مقابل ایران و بریتانیا که هنوز هم باقی است کمک کردند .

اینان اولاً نسبت به افراد واعظای یک نژاد شرقی همان رویه غرور و تکبر و مسخر آمیز را پیش گرفتند و در ثانی نخواستند نسبت به رنجهای روزافزون یا که هنوز هم باقی است کمک کردند .
طبعاً همین اشخاص هم نخستین کسانی بودند که از تأثیر و پیشرفت تبلیغات آلمان بر ضد روابط دیرین ایران و بریتانیا داد و پیدا در اهانداختند و سروصدائی پیاساختند .

کرچه تبلیغات آلمان برای ابراز دوستی و حسن نیت نسبت به ایرانیان مؤثرتر و مفیدتر از تبلیغات انگلستان بود اما پایه و اساس صحیحی نداشت .

۱- درباره بحرانهای اخیر در فضول بعد صحبت خواهیم کرد. (مؤلف)

فصل سی و نهم

روابط سیاسی و اقتصادی ایران با روسیه شوروی

روسیه در ابتدای امر تا اندازه‌ای توفيق حاصل کرد که آن کشور هم مانند بریتانیا در جنایت شرکت داشت اما انقلاب روسیه توپیمیداد که آن کشور در رفتار و کردار سابق خود تغییر رویه خواهد داد.

کشور روسیه در پایان جنگ ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ میخواست در حصاری که دولتهای متخاصم اطراف آن کشیده‌اند رخنه‌ای ایجاد کند بنابراین ایران هم مانند ترکیه و افغانستان از کشورهای جوانی بود که مهر و محبتی به عملت‌های سرمایه دار غربی نداشت و البته با این ترکیب و از نظر هم‌جواری متحد مناسبی برای روسیه شوروی بشمار می‌آمد اما خودش هم حاضر نبود برای جلب این دوستی علاقه‌ای نشان دهد.

در عرض چند سال اخیر پنج قرارداد بین این چهار دولت منعقد و امضاء گردید و آنان را بیکدیگر متصل ساخت.

اساس این قراردادها پیمان سال ۱۹۲۱ روسیه شوروی با ایران بود که در سال ۱۹۲۶ تجدید شد و ما نیاز آن ذکری بیان آوردیم. بموجب این قرارداد قسمتی از اراضی را مجدداً به کشور ایران پس

دادند (بندرانزلی سابق و پهلوی فعلی در سال ۱۹۲۸ اضافه گردید).

تمامی وام‌ها و امتیازات دولت امپراتوری تزار را به ایران بخشیدند و برای پرداخت خساره‌ی که ارتش روسیه وارد ساخته بود قرار هائی کذاشتند و از کلیه حقوق و امتیازات اختیارانی که روسیه در کشور ایران داشت صرف نظر کردند.

اباع روسیه شوروی مقیمه ایران در برای قانون مانند ایرانیان بحساب آمدند (بدیهی است از قانون نظام وظیفه معاف هستند) سازمانهای مذهبی روسها در ایران منحل گردید و دارائی آنها را بدولت ایران دادند. مذاکره درباره مسائل اقتصادی بعده موکول شد و فقط مقررات داشتند که دو کشور ایران و روسیه شوروی از حقوق دولت‌های کامله الوداد بهره‌مند گردند.

امور کشتیرانی و ماهیگیری دریای خزر (فرضًا نعملاً) بطور تساوی بین طرفین تقسیم گردید.

مهترین مواد این قرارداد آن بود که دولت اتحاد جماهیر شوروی متعهد گردید ایران را از حملات از طریق ارمنستان یا آذربایجان حفظ کند و در مقابل به روسیه شوروی اجازه داده شد در صورتیکه آن دولت از طرف جنوب مورد حمله واقع گردد و ایران از عهده دفاع برآیند دولت شوروی حق داشته باشد که در سرزمین ایران از دشمنان خود جلوگیری کرده و بدفاع پردازد و همچنین حق داشته باشد انفال و اخراج مامورین رسمی خارجی را که بر ضد صالح شوروی اقدامی کرده و بعملیات خصم‌نامه پرداخته‌اند از ایران بخواهد. بزودی روابط سیاسی بین دو کشور برقرار گردید و به روسیه شوروی اجازه داده شد در تهران سفارتخانه‌ای دایر

کرده وسفیر کبیر خود را بدر بار ایران اعزام دارد (اخیراً به کشورهای ترکیه، افغانستان و مصر هم این اجازه را داده اند).

طرح قرارداد گمر کی مشکلاتی ایجاد کرد بطور یکه در سال ۱۹۲۶ کلیه کالاهای ایرانیان در بنادر متوقف ماند . در سال بعد یک قرارداد موقتی با مضاء رسید (در سال ۱۹۲۴ یک قرارداد بازرگانی امضاء شده بود) و در ماه آگوست سال ۱۹۲۷ یک قرارداد نهائی انعقاد یافت و مقررات مربوط بمقدار وارزش کالاهای متبادله بین ایران و روسیه تعین گردید و بمنظور آزمایش موضوع صید ماهی در بای خزرهم بنحوی تسویه شد . در سال ۱۹۳۱ یک قرارداد بازرگانی تصویب رسید که در سال ۱۹۳۵ آن قرارداد تجدید شد و میزان داد و ستد طرفین بسالی پنج میلیون لیره ثبیت گردید و مقرر شد که ایران پشم، پوست و پنبه، ماهی و خاویار بددهد و آهن، فولاد و ماشین آلات بگیرد و در ضمن پیش فتهای دیگری هم حاصل شد . در سال ۱۹۲۴ روسها کوشش زیادی کردند که امتیاز سال ۱۸۷۸ و سال ۱۹۱۶ را تجدید کنند.

این امتیاز حق استخراج معادن شمالی ایران را به روسها میداد . شرکت جدید در ابتدا ایرانی خالص بود ولی بعد بصورت های فرانسوی و روسی اختلاط میافت .

در سال ۱۹۳۲ ایران به روسها حق انحصار قندو شکرداد و در سال بعد موقتاً کالای روسی در ایران تحریم گشت .

در ماه اوت سال ۱۹۳۳ قرارداد دیگری منعقد شد که بموجب آن اختلافات مربوط بصیدماهی مرتفع شد و یک شرکت روس و ایران تشکیل یافت و در همان وقت ایرانیان نسبت بدر روسها اندکی مهر باشند برای آنکه

روسیه در بحران نفت و اختلافات ایران با شرکت نفت از ایران طرفداری کرد و از همان تاریخ نفوذ روسیه شوروی افزایش یافت و بازارهای ایران را در دست گرفت بقسمی که در سال ۱۹۳۶ بیست و هشت درصد صادرات ایران به روسیه میرفت (۱۲/۸ درصد به آلمان) و سی درصد کالاهای وارداتی ایران از روسیه می‌آمد (۱۴/۸ درصد از آلمان).

مهندسین و کارشناسان روسی ^{برای ایران} هجوم آوردند و برای ساختن آسیاب و نانوائی و انبار و کارخانجات قراردادهای منعقد ساختند. کارشناسان روسی برای احداث راههای شوشه و زمین سازی استخدام شدند و عده‌ای هم راننده تانک و خلبان به استخدام دولت دید آمدند ولی هیچیک از این عملیات سبب جلب اعتماد ایران نسبت به روسیه شوروی نشد.

شاید سیاستمداران ایران میدانستند که سیاست خارجی هر کشوری منوط بوضع جغرافیائی و سوق الجیشی آن کشور است و بتغییر روش سیاست داخلی آن چندان ارتباطی ندارد.

روسیه شوروی همیشه احتیاج مبرمی با آب گرم داشته است و بگانه راه آب گرمی که روسیه میتواند با آن دست یابد همانا خلیج فارس است و برای نیل به این منظور همواره قصد استیلای بر کشور ایران را دارد و یا لاقل میخواهد کنترل قابل ملاحظه‌ای در آن کشور داشته باشد و بهمین جهت است که ایران از هر حرکت و جنبش تازه روسیه شوروی سوء ظن پیدا میکند.

به صورت نفوذ اقتصادی روسیه شوروی رویگزروی گذارد و در سال ۱۹۳۹ باز اختلافاتی بین ایران و روسیه در امور بازرگانی پدید آمد و

تقریباً داد و ستد میان دو کشور متوقف گردید و روز بیست و پنجم ماه مارس سال ۱۹۴۰ قرارداد جدیدی که مر بوط به امور بازرگانی، کشاورزی، صنعتی، کشتیرانی و راه آهن بود بامضاء رسید و دستور داده شد که نمایندگان ایران در مسکو در باره جزئیات این قرارداد مذاکرات لازم بعمل آورند.

در ماه ژوئیه همان سال دو هیئت به روسیه شوروی اعزام گردید. اولین هیئت نمایندگان ایران که تحت لوای است یکی از مأمورین عالیرتبه وزارت امور خارجه به مسکو رفته بود موفق شد در ماه اکتبر قراردادی منعقد سازد که بموجب آن کلیه واگنهای و کامیونهای دو کشور میتوانستند بدوں خالی کردن بارها از مزهای هم بگذرند (گرچه اختلاف عرض خط آنهای این قرار زا هم بصورت غیر عملی در میآورد) از همه مهمتر کالاهای ایران بدون پرداخت وجهی یعنی مجانية از سر زمین روسیه شوروی میگذشت و این موضوع برای ایران ارزش و اهمیت بسزائی داشت زیرا تسهیلاتی در بازرگانی ایران و آلمان و روسیه فراهم میساخت هیئت دیگری از نمایشگاه کشاورزی بازدید کرد و مذاکراتی در باره امور کشاورزی بعمل آورد زیرا در ماه دسامبر همان سال هیئتی از روسیه به تهران آمد که در باره آفات نباتی با مقامات ایرانی تبادل نظر و اقدام کنند.

نوازش‌های روسیه بصور مختلف جلوه گر میشد. رادیوی مسکو برنامه‌ای برای ایران ترتیب داد و سخن پراکنی مخصوصی بزبان فارسی آغاز کرد.

فیلم‌های روسی را در سینماهای ایران بمعرض تماشا گذارند و

در سال ۱۹۳۵ خاورشناسان روسی در جشن تولد فردوسی شرکت کردند و بیاد هشتادمین سال تولد نظامی شاعر ایرانی در مسکو مجلس جشنی برپا ساختند.

در مقابل ایران هم بمناسبت بیست و سومین سال جشن انقلاب اکبر نمایندگانی به کشور روسیه شوروی اعزام داشت.

عده‌ای مردمان ایرانی الاصل در سرزمین روسیه اقامت‌دارند و در نواحی بخارا و سمرقند و جمهوری تاجیکستان واقع در شمال افغانستان تحت اوامر حکومت اتحاد جماهیر شوروی بسرمیبرند.

در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ دولت روسیه شوروی به ایرانیان ساکن اطراف دریای خزر اخطار کرد که یا تابعیت دولت شوروی را قبول کنند و یا اینکه از سرزمین اتحاد جماهیر شوروی بروند.

این اقدام روسیه بی‌اندازه موجب خشم ایرانیان شد. تصور می‌رود که هر اجمعه مسکو در موارد مختلف با ایجاد اینگونه روابط فرنگی نیات مرموزی با خود همراه دارد و اینها به آنها یست که می‌خواهد ایران ضمیمه اتحاد جماهیر شوروی گردد شاید هم همین فکر است که باعث تنفر ایرانیان گردیده است.^۱

۱ - این نظر مؤلف کتاب است . مترجم

فصل چهلم

روابط سیاسی و بازرگانی ایران با آلمان

بر عکس روسیه شوروی و بریتانیا تا این اوآخر آلمان با کشور ایران روابط سیاسی نداشت ولی از طرف دیگر مستشاران مالی آلمان از سال ۱۹۲۵ در ایران اقامت داشتند.

اولین قرارداد تجارتی که در تاریخ هیجدهم ماه فوریه سال ۱۹۲۹ انعقاد یافت بهردو کشور حقوق مملکت الوداد و متساوی را میداد و از آنروز بعد صادرات ایران به کشور آلمان و همچنین واردات از آن کشور روز بروز افزایش مییافت تا آنکه در سال ۱۹۳۵ یک قرارداد پایاپایی که بنفع بازرگانی آلمان بود بین دو دولت منعقد گردید و همانوقت آلمانها در روابط تجارتی خود با کشور ایران درجه سوم شدند.

شاخت (Reichs Schacht) مدیر کل تامال اختیار ایش بانک (Bank of Nuremberg - Anti - Semitic) گردش خاورمیانه در سال ۱۹۳۶ به ایران آمد گرچه از او بسردی پذیرائی شد (شاید هم برای آنکه در آن موقع ایرانیان هم از قوانین ضد یهود (Nuremberg) مستثنی نشده بودند) ولی توانست قرارداد جدیدی با ایران منعقد سازد که بموجب آن بهای

مجموع واردات و صادرات به سه میلیون لیره تعیین گردید و قرار شد که لوازمات الکتریکی ، منسوجات ، ماشینهای مختلف ، اتوموبیل ، اتوبوس و کامیون ، سیمان ، اجنباس خرازی ، مبل و اثاثیه منزل از آلمان بگیرند و در مقابل پنبه ، نقره ، طلا ، برنج ، خاویار و پوست آن کشور بدهند . در آن موقع آلمان یک راه بازرگانی جدید در نظر داشت که از رن (Rhine) و دانوب (Danube) عبور کرده و به طرابوزان و دریای سیاه می‌آمد و از آنجا بوسیله راه شوسه به امام آهن سفرا برای ایران اتصال میافتد .

فروش فرآوردهای آلمان در خاور روز بروز افزایش میافتد بطوریکه در سال ۱۹۳۸ - ۳/۸ درصد کلیه واردات آن کشور از خاور می‌آمد و ۴/۵ درصد کلیه صادراتش آنجا میرفت و بیست درصد پنبه موردنیاز آلمان از کشورهای مصر ، ترکیه ، ایران و عراق تأمین میگردید .

در سال ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ بازرگانی ایران و آلمان به ۱،۲۰۰،۰۰۰ لیره رسید و رقیب تجارت شوروی گردید . ایران بیش از هر چیز به آهن احتیاج داشت و آلمان معمولاً سالی ۶۵ تا ۷۰ هزار تن آهن به کشور ایران میفروخت ولی بمناسبت شروع جنگ و تحدید صادرات آهن آلمان نتوانست در ظرف یکسال یعنی از ماه مارس سال ۱۹۳۹ تا ماه مارس ۱۹۴۰ بیش از سی و نه هزار تن آهن به کشور ایران بفرستد اما در نتیجه مذاکراتی که در این باب بعمل آمد آلمانی‌ها نسبت به ایران مساعدت خاصی کردند بدین معنی که تحدید صدور آهن را ملغی ساخته واژ ماه مارس سال ۱۹۴۰ تا ماه سپتامبر سال ۱۹۴۰ پنجاه و یک هزار تن آهن به ایران ارسال داشتند . ارقام رسمی واردات ایران از آلمان در سال ۱۹۴۰ چهل و یک

میلیون و سیصد هزار مارک نشان میداد در صورتی که در سال ۱۹۳۹ پاترده میلیون و هفتصد هزار مارک و در سال ۱۹۳۸ ده میلیون و هشتصد هزار مارک بود و تصور میرفت در سال ۱۹۴۱ پنجاه درصد نسبت بسال قبل افزایش یابد اما واقعیت جاری این تخمین را تغییرداد زیرا بازرگانی آلمان و ایران از راه روسیه شوروی صورت میگرفت و حمله آلمان به روسیه تأثیر قابل توجهی در این موضوع داشت.

ایران در برابر خرید آهن و ماشین آلات علاوه بر کالاهایی که ذکر شد پشم، ابریشم و میوه خشک و در صورت امکان نفت به کشور آلمان میفروخت.

در ماه سپتامبر سال ۱۹۴۰ هیئتی از نمایندگان ایران به برلن رفت و در ماه دسامبر همان سال یک قرارداد بازرگانی دیگر منعقد ساخت و در ماه آوریل سال ۱۹۴۱ هیئت دیگری بریاست وزیر بازرگانی ایران به آلمان اعزام گردید و در همان ماه یک هیئت نازی از آنکارا به ایران آمد (بدون شک برای تأمین و همکاری با شورش عراق) ولی ظاهراً پذیرائی گرمی از این هیئت بعمل نیاوردند.

علاوه بر این تماس‌های دوستانه و خصوصی آلمانیها به اقتصادیات و صنایع ایران کمکهای مالی عمومی کردند و این مساعدتها بیش از آنچه ارزش داشت مورد تقدیر ایرانیان واقع گردید.

از شرکت آلمانی‌ها در ساختمن راه آهن و امتیاز هواییمایی یونکرس در سال ۱۹۲۸ قبل از ذکری شد.

در ماه مارس سال ۱۹۳۸ دولت آلمان از ایران اجازه گرفت که لوفت هانزا (Luft-Hansa) در مسافرت هوایی خود از برلن به توکیو

(Tokyo) در تهران فرود بیاید و دولت شوروی باین عمل ایران شدیداً اعتراض کرد و همچنین با احداث فرودگاه در مشهد که امتیاز آن به آلمان اعطاء شده بود اعتراض شد امادولت ایران قسمت اخیر را انکار کرد.

در عین حال که در نیروی هوائی ایران ماشین‌های بریتانیائی بکار میرفت کامیونها و توپ و سایر مهمات ارتش از آلمان خریداری شده بود و ماشین‌های کارخانه باروت سازی را که در تزدیکی تهران تأسیس شده است از آلمان آورده‌اند.

دستگاه‌فرستنده‌رادیو تهران را از کارخانه تلفونیکن (Telefunken) آلمان خریده‌اند و به کارخانه‌های آلمانی دیگری بنام تیف‌باوبر گر (Tiefbau Berger) و فروشتال (Ferrostahl) و کروب (Krupp) و دوئیزبرگ (Duisburg) واشکودا (Skoda) اجازه داده‌شد که کارخانه‌های بافندگی، بلورسازی، آهن‌آلات، شیمیائی، ماشین‌های کشاورزی در سراسر ایران تأسیس کنند (مخصوصاً کارخانه آهن غنی آباد، کشتی سازی و تعمیر گاه کشتی بندر پهلوی و امین‌آباد دریای خزر و بندر لگه در خلیج فارس).

شرکت کشتیرانی هانزا (Hansa) ادارات و شبكاتی در خرمشهر و اهواز و بندر شاهپور تأسیس کرد و چند کارخانه شیمیائی مانند بایر (Bayer) و مرک (Merck) وغیره نمایندگی‌های در ایران دایرنمودند. در ماه ژوئن سال ۱۹۳۸ یک شرکت آلمانی امتیاز استخراج معدن تزدیک تهران را بدست آورد اما در امتیاز نامه آن شرکت قید شده بود که باید تحت نظر دولت ایران کار کند و تمام کارکنش ایرانی باشند. در ماه اکتبر همان سال یک هیئت مأمور تحقیق و تعیین نفت به ایران

وارد شد ولی شاید مهمتر از همه این باشد که مشاغل مهمی در دست کارشناسان آلمانی بود و هر دستگاه ماشین آلمانی که به ایران وارد میشد یک دسته مهندس و متخصص آلمانی هم دنبال آن می آمدند و با اجرت کمی برای سوار کردن و بکار اندختن ماشینهای جدید استخدام میشدند.

مثلثاً اغلب کارخانه‌های تبریز بدهست آلمانی‌ها اداره میشدند.

بسیاری از دستگاه‌های هیدروالکتریک بنادر و مرآکز تلفن و تلگراف وایستگاه‌های راه آهن را آلمانی‌ها اداره میکردند و از طرف دیگر عده زیادی از دکانداران و مقاوه دارهای تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران یهودی آلمانی بودند.

در سالهای ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ چهار نفر دانشیار آلمانی برای تدریس در دانشگاه تهران استخدام شدند و رئیس چاپخانه مجلس شورای ملی یکنفر آلمانی بود و همچنین رئوسای دانشکده‌های کشاورزی و دامپزشکی آلمانی بودند.

نفوذ آلمانی‌ها در کشور ایران بقدرتی زیاد شد که حتی دولت روسیه شوروی که شاهد این فعالیت بود در ماه اوت سال ۱۹۳۸ تحریک شده و اعتراض کرد ولی در اینجا سؤالی پیش می‌آید و آن سؤال عبارت از اینست که بهینیم چطور دولت روسیه شوروی چند سالی بدون سروصدای تنها و دوراز چشم رقیب خودش همین رویه را در ایران تعقیب میکرد و باید دید که با وجود همه اینها آیا نفوذ آلمانی‌ها در ایران بیشتر بود یا نفوذ روسها؟ بعدها در عرض چند ماه اخیر عده زیادی از آلمانی‌ها بنام دروغی سیاح و بازرگان و مسافر و کارشناس و میکانیک و دیپلمات از طریق ترکیه و روسیه به ایران آمدند.

یکی از مأمورین رسمی نازی که مسئولیت امور آلمانی‌های خارج از کشور را بر عهده داشت در ماه ژوئن اظهار داشته بود که در شهر تهران نهصد نفر آلمانی اقامت دارند و همچنین در شهرهای اصفهان و شیراز و مشهد و تبریز و کارخانه کشتی‌سازی بندر شاهپور عده‌دیگری هستند که تعداد آنها بدو برآبر آلمانی‌های ساکن تهران میرسد.

دولت آلمان از تبلیغات مستقیم در ایران خودداری نمی‌کرد و باید داشت که پس از پایان جنگ بین المللی اول مرتباً این تبلیغات ادامه داشته است.

یک مجله ایرانی در سال ۱۹۱۶ در برلن منتشر یافت و تا سال ۱۹۱۹ انتشار آن ادامه داشت ولی گاهی از اوقات مقاله و مندرجاتش تغییر می‌کرد چاپخانه این مجله گاهی هم کتب علمی و ادبی منتشر میداد.

از سال ۱۹۲۲ از ارامنه داشجوان ایرانی برای ادامه تحصیل به کشور آلمان شروع گردید و از آن تاریخ بعده هرساله تعداد داشجوان اعزامی رو با فرایش گذارد.

شدت تبلیغات آلمان در ایران با ظهور هیتلر (Hitler) شروع گردید.

این تبلیغات بطوری ادامه می‌یافت که ایرانیان آنرا قبول می‌کردند زیرا مردم ایران نه تنها طرفدار یک دولت مقتصد هستند بلکه دوست دارند که آنها را آریائی حقیقی تصور کنند بهمین علت یک مجله فارسی به کمک آلمانیها از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۳۷ بنام ایران باستان در ایران منتشر می‌شد که صفحه اول آن دارای علامت صلیب شکسته بود.

در سال ۱۹۳۷ بالدوردون شیراخ (Baldur Von Sehira ch)

پیشوای جوانان هیتلری ضمن مسافرت خود درخاور میانه به تهران آمد و بطوری که شایع بود از پادشاه ایران دعوت کرد که از کشور آلمان دیدن کنندولی این شایعه جداً تکذیب شد.

صرف نظر از مقالات منتشره بزبان فارسی بسیاری از مجلات و جزوای آلمانی در ایران مجاناً و بدون دریافت وجهی توزیع میگردید و فیلمهای تبلیغاتی راهم بطور رایگان نمایش میدادند و بطور یکه میگفتند چهلدر صد فیلمهای را که در سراسر کشور ایران در سینماها نمایش میدادند از آلمان آورده بودند.

آلمنی‌ها اعانت قابل توجهی برای امور خیریه ایران می‌برداختند و میخواستند با این وسائل اثرات نیکوئی از خودشان بیاد گاربمانند. سخنپراکنی رادیو برلن که از تاریخ شروع جنگ آغاز شد چندان پیشرفته نداشت و در ابتدای امر ایرانیان توجهی بمطالب و سخنان آن داشتند ولی همینکه فحش دادن و ناسزاگفتن آغاز گردید و با اغراق و مبالغه بیان آمد سوء ظن و حسن بدینی در ایران تولید کرد.

آژانس خبرگزاری رسمی آلمان مرتباً رادیو و مطبوعات ایران را از اخبار و مطالب محور پرمیکرد و تا چندی مندرجات جراید ایران منحصر آزه مینگونه خبرها بود اما بعداً سیاست بیطرفی را پیش گرفتند واعلام داشتند که ایران در این جنگ کشور بیطرفی است و تمام دولتها با یک نظر مینگرد و با این ترتیب درحال حاضر عین اخبار متفقین و محور بدون تفسیر درستون اخبار خارجی جراید کشور درج میگردد.

بطور وضوح معلوم بود که این عملیات در اثر فعالیت یک سازمان

بسیار وسیعی بوجود آمده بود که مرکز آن در تهران قرار داشت ولی مقامات مسئول ایران در عدم وجود این دستگاه اصرار میورزیدند.

قبل از جنگ تبلیغات آلمان در خاور نزدیک بیشتر متوجه کشورهای عربی بود و مرکز این کار را بغداد قرار داده بودند.

افراد برجسته و امراء این سازمان عبارت بودند از دکتر جردن (Dr. Jordan) دراداره کل باستان‌شناسی و دکتر گروبا (Dr. Grobba) یکی از رجال مطلع و بصیر که از سال ۱۹۲۲ وزیر مختار آلمان در عراق شد و در نتیجه ارتباط آلمان با کشور عراق تا اندازه‌ای شهرت پیدا کرده و ذی نفوذ شده بود.

بمحض اینکه کشور عراق در آغاز جنگ با آلمان قطع روابط سیاسی نمود دکتر گروبا و همکارانش همگی به تهران آمدند و تا مدتی باسفارت ایتالیا و اخیراً با سفارت ژاپن در عراق با اعراب ارتباط داشتند و پس از قیام رشید عالی بکشور عراق بازگشتند و بعد از پایان شورش بطوریکه میگفتند به سوریه پرواز کردند.

در هر حال مرکز تهران بهمان حال باقیماند و تحت ریاست اتل (Eitel) وزیر مختار آلمان در ایران و همچنین شخص دیگری بنام دکتر مایر (Dr. Meyer) اداره میگردید و هر قدر میدان جنگ نزدیک نزدیک شد فعالیت آلمانی‌ها برای بدست آوردن نفوذ بیشتری در ایران شدیدتر میگردید.

سفارت آلمان در ایران بکار خود ادامه میداد و عده زیادی آلمانی بنام کارکنان سفارت در تهران اقامت داشتند و عده دیگری هم در سراسر کشور میزیستند و برای مقاصد خودشان مشغول فعالیت بودند و بدون تردید

آنها با رشید عالی و مقنی اورشلیم (Mufti of Jerusalem) دائماً در تماس بوده و ارتباط داشتند.

ایران نسبت باین دولتهای غربی سیاستی پیش گرفته بود که بخانه خرابی هرسه منتج میگردیدزیرا نتایج وعواقب کار تا حد امکان بدازآب درمیآمد.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل چهل و یکم

روابط ایران با همسایهان خودستان

کشور ایران نسبت به همسایه‌های خود سیاست مثبت و روشنخی اتخاذ کرد و اختلافاتی که بین دولتین ایران و افغانستان در مرز شمال شرقی ایران وجود داشت بزودی فراموش شد و در سال ۱۹۲۳ میلادی قراردادی با کشور افغانستان منعقد گردید (البته با کمک مؤثر روسیه) و دو سال بعد خطوط مرزی بین دو کشور تعیین شد.

امان‌الله پادشاه افغانستان با مملکه در سال ۱۹۲۹ از ایران دیدن گردند و بی‌حجاب بودن ملکه افغانستان در افکار عمومی اثر بسیار بخشید.

امان‌الله پادشاه افغانستان و کمال آتاتورک رئیس جمهوری ترکیه بی‌اندازه باعث تقویت افکار غربی در روحیه پادشاه ایران شدند و از آغاز کار رئیس جمهوری ترکیه مورد تقدیر شاه ایران بود.

قسمتی از اختلافات که از قدیم بین دولتین ایران و ترکیه وجود داشت با مذاکراتی که بین طرفین بعمل آمد محل وتسویه گردید و قرارداد سال ۱۹۲۶ انعقاد یافت ولی اختلافاتی که درباره مرزها و کردهای مرزنشین ایران و ترکیه و سوریه و عراق از سال ۱۹۱۴ موجود بود حل نشد تا این‌که

در ماه ژانویه سال ۱۹۳۲ و ماه مه سال ۱۹۳۷ و ماه زوئن سال ۱۹۳۹ موافقنامه مرزی بامضاء رسید و مقرر شد که آرارات کوچک و رشته (آغزی داغ) متعلق به کشور ترکیه باشد و در مقابل کوتور و گردنه باسیرج (Bacirge) و در یاچه رضائیه به ایران تعلق گرفت.

در ماه نوامبر سال ۱۹۳۲ پیمان دوستی ایران و ترکیه بامضاء رسید و در سال ۱۹۳۴ شاه ایران از کشور ترکیه و کمال آتاورک رئیس جمهوری آن کشور دیدن کردند. در سال ۱۹۳۷ در باره امور قضائی و تحويل دادن مقصرين و فاريان و همچنین راجع بمسئل مربوط باور بازر گانی بين دو کشور، گمرک، پزشگی، تلگراف و خطوط هوائي و راه طرابوزان به تهران مذاكرات نهايی بعمل آمد.

روابط ایران با کشور عراق قدری پيچide و غامض بنظر ميا مذير از يكطرف اما کن مقدسه شيعيان در کشور عراق يعني نجف، کربلا، سامره و کاظمين رابطة محكم واستوار مذهبی بين دو کشور بوجود ميآورد و از طرف ديگر مجتهدین و ملاهای مرجع آن اما کن مقدسه را مرکز امنی برای تبلیغات بر ضد اصلاحات و رژيم جديده ایران قرار مي دادند و علاوه بر اين مسئله کرده هم باعث ناراحتی و اسباب نگرانی داخلی شده بود.

پس از پایان جنگ اول جهانی که عراق از امپراطوری عثمانی مجزا گردید ایران تا مدتی حاضر نبود وضع جديد و استقلال کشور عراق را ب رسميت بشناسند و برای اتباع خود مانند اتباع بریتانیا و سایر کشورهای اروپائی حقوق و اختیارات ویژه (Capitulatory) می خواست

۱ - بعقیده اينجا نب در اين مورد نظر مؤلف محترم درست نیست. هترجم

اما همینکه در سال ۱۹۲۸ حقوق و اختیارات ویژه در کشور ایران ملغی گردید و سال بعد هم در کشور عراق لغو شد این اختلاف بخودی خود ازین رفت و دولت ایران بنا تقاضای بریتانیا کشور عراق را برسمیت شناخت و پس از استقلال یافتن عراق ملک فیصل پادشاه آن کشور در سال ۱۹۳۲ ملاقات دوستانه‌ای از شاه ایران بعمل آورد و کم کم روابط این دو کشور روبه بهبودی رفت.

در سال ۱۹۳۵ در باره مسائل موجود و روابط بین دو کشور مذاکرات مفصلی بعمل آمد و قسمتی از مشکلات موجود حل و قابل گردید ولی اختلاف مرزی مخصوصاً موضوع شط العرب (مجرای عمومی فرات و اجله بطرف خلیج فارس) همچنان باقی ماند .

بموجب پیمان ارض روم که در سال ۱۸۴۷ منعقد گردید این مجراء به امپراطوری سابق عثمانی واگذار شده بود و حالا که کشور عراق مستقل گشته بود خود را وارث کلیه حقوق امپراطوری سابق عثمانی میدانست ولی ایران حاضر نبود این ادعا را قبول کند و کشتی‌های خود را در خرمشهر نگاهداشت و برای ورود به دریا منتظر اجازه عراق بماند .

در ماه زانویه سال ۱۹۳۵ این موضوع در جامعه ملل مطرح شد و ایران از روی منطقه دلائل تلقن تقاضا نمود که می‌ظرفین و سلط شط العرب باشد اما با تقاضای ایران موافقت نشد و دولت عراق جدا آبهای حدود شرقی را (طبق تصمیم کمیسیون مرزی سال ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴) مطالبه داشت و بعداً ایجاد بندر شاهپور در آبهای واقعی ایران باعث شد که دولت ایران برای سازش با عراق آماده شود و بهمین دلیل روز چهارم ماه زوئیه سال ۱۹۳۷ توافق نظری بین طرفین حاصل شد و با استثنای اینکه خطی از

مقابل بندر آبادان تا وسط شط العرب با حق لنگر اندازی برای ایران برقرار باشد دولت ایران قرارداد سال ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ را برسمیت شناخت. شط العرب برای عبور کشتی های تجارتی تمام ملل (با پرداخت حق لاروبی شط) آزاد ماند و فقط کشورهای ایران و عراق میتوانند کشتی های جنگی در شط العرب داشته باشند و نیز هر یک از دو دولت عراق و ایران میتوانند با اطلاع قبلی طرف دیگر بنا و گان جنگی کشور ثالثی اجازه عبور از شط العرب را بدهد.

این قرارداد مقدمه دو قرارداد دیگر بود که در سیاست خاور نزدیک اهمیت زیادی داشتند.

قرارداد تاریخ دوازدهم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۷ ایران با کشور عراق وسیله ای شد که اختلاف طرفین بدست جامعه ملل حل گردید. قرارداد دیگری بنام پیمان سعدآباد که روز هشتم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۷ در کاخ ییلاقی شاه واقع درده میلی شهر تهران بامضاء رسید چهار دولت همسایه (ایران - عراق - ترکیه - افغانستان) را با انعقاد قرارداد دوستی و عدم تهاجم بیکدیگر مربوط ساخت.

پیمان سعدآباد بعنوان موقتی و پیروزی سیاست بریتانیا و شکست سیاست روسیه شوروی مورد تمجید و حمله واقع گردید ولی باید دانست که در حقیقت پیمان سعدآباد بیان صریح و مستقیمی از تصمیم چهار کشور شرقی است که مایلند سرنوشت خودشان را بدون دخالت کشورهای غربی در دست داشته باشند.

موقعیکه در کشور عراق بحرانی بوجود آمد هر چهار دولت در آنکارا اجتماع کرده و کنفرانسی تشکیل دادند اما اعلامیه ای که حاکی از

تصمیمات دولتین هم پیمان و مذاکرات کنفرانس باشد دراین باره از طرف آنان انتشار نیافت و حتی نگفتند که اگر یکی از چهار دولت متعاهد مورد حمله واقع گردد دیگران چه تکلیفی خواهند داشت و فقط نتیجه‌های که از این کنفرانس گرفتند این بود که ایران از کمک به رشید عالی امتناع کرد ترکیه و افغانستان عملیات انگلستان و روسیه شوروی را در ایران بشدت انتقاد کردند اما غیر از حرف و انتقاد خشک و خالی قدمی برداشتند.

بهر صورت محرک انعقاد پیمان سعدآباد هر چهوین اعلیحضرت پادشاه ایران و کمال آتاتورک رئیس چمهوری ترکیه در نتیجه امضا آن حیثیت و احترام قابل توجهی پیدا کردند.

پس از انعقاد پیمان سعدآباد قراردادهای داخلی دیگری درباره پست، بی‌سیم، تلگراف در ماه زوئیه سال ۱۹۳۸ و ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ با افغانستان و قرارداد ترازنیت بازرگانی در ماه اوت سال ۱۹۳۸ با کشور ترکیه منعقد گردید.

در ماه مه سال ۱۹۴۱ کشورهای ترکیه و ایران تصمیم گرفتند با استناد حسن تفاهمی که در ماه دسامبر گذشته بین آنان ایجاد شده بود مرزهای یکدیگر را مستحکم سازند و بطوریکه خودشان توضیح دادند این اقدام را برای جلوگیری از شورش قبایل یاغی کرد بعمل آورده بودند (احتمال قوی دارد که حرکت روس‌ها و آلمانی‌ها آنها را باینکار و ادار کرده بود).

در سال ۱۹۴۰ روابط اقتصادی فيما بین سه کشور ایران، ترکیه و عراق بمیزان قابل ملاحظه‌ای توسعه یافتد زیرا پس از بسته شدن مدیرانه خلیج فارس تنها راه دریائی ترکیه بود. در ماه اکتبر نمایندگان را مأهون

سه کشور در آنکارا گردآمدند و پس از مذاکرات لازم کشور ترکیه در ماه مه سال ۱۹۴۱ شصت میلیون لیره برای اتصال راه آهن خود با ایران و عراق اختصاص داد. در بین سایر کشورهای عربی کشور مصر بیش از سایر هم‌ملک مورد توجه است زیرا بدون تردید متمن‌ترین کشورهای عربی بوده و از هر حیث موفق و مترقب محسوب می‌گردد.

ازدواج ولیعهد ایران با فوزیه خواهر ملک فاروق پادشاه مصر در ماه مارس سال ۱۹۳۹ حاکمی از آن بود که ایران میلک دارد دوستی و روابط صمیمانه و همکاری نزدیکتری بین ملت‌های خاورمیانه برقرار گردد. بطوریکه استنباط می‌شود ایران مایل است دو کشور مصر و عربستان سعودی (که در سال ۱۹۲۹ قرارداد مودت با ایران منعقد ساخت) هم به پیمان سعد آباد ملحق گردند اما هنوز اختلافات و مشکلاتی از نظر معنوی و اجتماعی بین ملت ایران و اعراب وجود دارد که فعلاً برای اینکار زمینه فراهم نیست.

اتحاد اسلام در ایران طرفدار ندارد (در سایر نقاط جهان هم اتحاد اسلام قدرت چندانی ندارد) و علاوه بر آن ایرانیان و اعراب از دیر زمانی نسبت بیکدیگر تنفر دارند.^۱

باید دانست که تنفر فعلی معلول علی است که متدرجاً مرتفع شده و ازین می‌رود و با ازین رفقن این مانع بزرگ نقشه‌های تهاجمی کشورهای غربی عقیم خواهد ماند و پس از حل مسائل اقتصادی و حاضر بودن طرفین برای اغماض و چشم‌پوشی از اختلافات گذشته دلیلی وجود ندارد که منافع عمومی و سیاست عمومی کشورهای خاور نزدیک و خاورمیانه ذرین خود آن کشورها رعایت نگردد.

۱ - این نظر نویسنده کتاب است. مترجم

فصل چهل و دوم

موقعیت ایران در جهان کنونی سشان

موقعیکه من مشغول نوشتن این سطور هستم نیروهای بریتانیا و روسیه شوروی نقاط متصرفی خودرا در ایران مستحکم میسازند . در تمام مدت جنگ سیاست خارجی ایران (وبطورقطع تاحدی هم امور داخلی آن) تحت نظارت متفقین خواهد بود.

این مصیبت جنگ است که هیچیک از ملتها را از بد بختی و مصائب معاف نمیدارد و لااقل ایران از این حیث میتواند سپاسگزار باشد که آینده آن با سرنوشت بریتانیا و روسیه شوروی هربوط است و با آلمان ارتباطی ندارد. .

او ضاع کنونی حاکی از آنست که دوره‌ای از تاریخ ایران سپری شده و نقطه‌ فعلی بهترین نقطه‌ای است که میتوان در آنجا توقف نمود و نه تنها راجع به گذشته بلکه در باره آینده هم برسیهای لازم بعمل آورد .

برای اینکه بتوان موقعیت و اوضاع فعلی ایران را بطور واضح درک کرد باید بعملیات و نقشه‌های استیلای آلمان تمام کشورهای جهان توجه کامل نمود . نقشه روزنبرگ (Rosenberg) که در ابتدای امر فقط برای تسلط

و استیلا به کشورهای اروپای مرکزی و اروپای شرقی آغاز شده بود بزوادی شامل سرتاسر کشورهای اروپائی گردید و طبعاً دامنه آن تا بالکان (Balkans) و از آنجا باخوار نزدیک و کشورهای عربی امتداد میابفت و سرانجام به او کراین (Ukraine) منتهی میگردید.

این موضوع باید برای خوانندگان گرامی روشن باشد که این نقشه مولود جنگ کنونی نیست بلکه قبل از روی کار آمدن هیتلر طرح و پیش بینی شده بود.

روزنامهٔ تایمز (Times) درماه مه گذشته استاد و مددار کی را که در سال ۱۹۳۴ کارشناسان آلمانی تنظیم و تهیه کرده بودند انتشار داد. ریاست این عده از کارشناسان آلمانی را دکتر ایلرس (Dr. Eilers) بعده داشت و چند سال با دارا بودن مقام ریاست آموزشگاه باستان‌شناسی آلمان در تهران ساکن بود.

این مدارک بطور واضح نشان میداد که آلمان حتی در همان موقع هم نقشه‌ای طرح کرده بود که کشورهای شرقی را تا خلیج فارس بتصريف خود درآورد بدین ترتیب که ابتدا از راه تبلیغات فرهنگی و پس از آن با بست آوردن نفوذ اقتصادی و سیاسی منظور اصلی را که همان تسخیر ممالک شرقی بود عملی سازد.

بطوریکه در آن استناد ذکر شده بود کشورهای ترکیه و مصر و ایران بیش از سایر کشورها مورد توجه بوده و اهمیت داشتند.

این موضوع جالب توجه است که در این نقشه از بکار بردن قوای نظامی ذکری نشده و آنطوریکه تا کنون جنگ فعلی هم نشان میدهد حمله برق آسا موقعی صورت میگیرد که قبل از مینه برای پیشرفت و پیروزی

حتمی آماده شده باشد.

اولین قدم آلمان برای تسخیر جهان بموجب نقشه نازی این بود که جهان را به سه ناحیه تقسیم کند آلمان ممالک اروپائی و افریقara مسخر سازد و زبان هم آسیا را بگیرد در حالی که ظاهراً به امریکا اجازه داده شود مالک نیمکرهٔ غربی باشد^۱.

در تمام حریفات موقعت بریتانیا ایجاب میکند که تبعیت یکی از دو نیروی بزرگ را قبول کند بدین معنی که آلمان از طرفی و امریکا از طرف دیگر بریتانیا را محصور بدارند تا سریع‌ترم بکی از این دو کشور ملحق گردد.

محاج به گفتن نیست که این نقشه و تقسیم هم تقسیم و نقشهٔ نهائی نخواهد بود زیرا همان‌طوری که روسیه شوروی روزی شریک در اجرای نقشه آلمان بود و در حال حاضر مورد حمله‌واقع شده است بدون تردید ژاپن و امریکا هم بهمان سر نوشته دچار میگردند^۲.

این پیش‌بینی از اظهارات بعضی از مبلغین نازی که در امور هر بوطه بی‌احتیاطی میکنند بخوبی استنباط میگردد.

به صورت ما بمنطقهٔ خاور نزدیک مربوط بوده و بقسمتی از نقشه که شامل آلمان و روسیه میباشد علاقمندیم.

۱- اخیراً یکی از روزنامه‌های ژاپنی مقاله‌ای درج و طی آن اظهار عقیده کرده بود که باید در هندوستان، افیانوسیه، ایران، عربستان سعودی، سیبریه و اورال به ژاپن آزادی کامل داده شود. (مؤلف)

۲- شب هشتم ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ دولت ژاپن بدون اعلام جنگ باهوایما - های بمب افکن غفلت‌پایگاه‌های بزرگ دریائی امریکا را در پرل هاربور و جز ایر هاوائی بمباران کرد و تمام ناوهای امریکائی را که در پایگاه‌های مزبور لنگرانداخته بودند و انتظار چنین پیش‌آمدی را نداشتند از بین برد و خسارات قابل توجهی وارد ساخت و جنگ بین ژاپن و امریکا رسماً شروع گردید.

مترجم

قبل از جنگ روسیه شوروی و آلمان دلایل و شواهد کافی در دست بود که هردو دولت نقشه مناطق نفوذ در خاور نزدیک را بتراضی طرفین طرح کرده بودند بدین ترتیب که آلمان پس از گرفتن داردانل (Dardanelles) و ترکیه با یک حرکت گاز ابری از راه قفقاز و مصر سرزمین‌های نفت خیز عراق و ایران را تصرف کند و در همان موقع روسیه شوروی شرق ایران و افغانستان را اشغال کرده و آماده حمله به هندوستان باشد. (عیناً شبیه قرارداد سال ۱۹۱۱ پوتسدام Potsdam) . مطمئناً جنگ آلمان با روسیه شوروی این نقشه را برهم تدویی احتمال می‌رود که آلمانی‌ها همچنان در فکر اجرای آن نقشه هستند و امیدوارند که روسیه شوروی پیش‌پا فشاری ولجاج بخراج دهد زیرا در صورتی که قوای آلمان در داخله سرزمین روسیه پیش‌برود بناقچار روسیه مجبور است عقب نشینی کرده و جبهه جنگ را در خاک خود جلو تیرید.

بدیهی است در صورتی که آلمان بتواند او کراین را تصرف کند بدون اینکه بسایر نقاط و نواحی خاک روسیه شوروی توجهی داشته باشد آسانی خود را بمعادن نفت قفقاز میرساند و البته چنین پیشرفتی بسیار سودمند و پر ارزش خواهد بود زیرا آلمان بر میدانهای نفت با کو (Baku) و گروزنی (Grozny) دست می‌یابد (معدن نفت با کو و گروزنی هردو با لوله و راه آهن بدریای سیاه متصل است) و هفتاد و پنج درصد نفت روسیه هم از این دو معادن تأمین می‌شود و در این صورت علاوه بر میل و آرزوی طبیعی آلمانی‌ها که قصد دارند مناطق جنوبی را هرچه زودتر مسخر سازند از نظر سوق - الجیشی هم ناقارند ایران و عراق را اشغال کنند و یک حصار امنیت حلقه مانندی برای حفظ اراضی و مناطق هنرمندان خود بوجود آورند.

آلمان باجرای این نقشه خلیج فارس را اشغال میکنند و ممکن است که از ارتباط نیروهای متفقین مقیم خاورمیانه با هندوستان و روسیه شوروی جلوگیری کند (آلمانیها که در سال ۱۹۱۸ اوکراین را اشغال کردند همین نقشه را داشتند).

آلمان از مرز قفقاز بدوزطرف نیرو اعزام خواهد داشت یکی از ایران و ترکیه بطرف موصل و دیگری از شرق سمت قزوین و تهران و قطعاً موانع طبیعی برای اعزام قوا در این مناطق بمرأکب کمتر از حمله مستقیم از راه مغرب به روشه جبال مرکزی میباشد.

این موضوع بسته بوضع جبهه است و ممکن است که آلمانی‌ها اعزام نیرو به کشورهای ترکیه و سوریه و مصر را لازم تشخیص دهند و با امکان دارد که بطريق دیگر اقدام کنند بدین معنی که بایک حرکت قهرائی از طرف شمال مرکز مقاومت متفقین را در خاورمیانه در هم شکسته و متلاشی سازند. در همان موقع ممکن است بدروزیه مغلوب هم دستورداده شود که زیر نظر آلمانیها و تحت تعليمات فرماندهان آلمانی از راه مناطق و نواحی شرقی ایران و کوههای افغانستان به هندوستان حمله کند.

احتمال دارد که بیرون آمدن امان‌الله پادشاه سابق افغانستان از محل ارزوای سابق رم در این ایام واقعات مختصر و کوتاه او در تهران با این نقشه بی ارتباط نباشد.

اینها نقشه‌های مهمی هستند که کمتر قسمتی از آنها قبل اجراء است زیرا درست است که حمله و هجوم به بریتانیا نظر اصلی آلمانیهاست و سایر نقشه‌های جنگی نسبت بآن در درجه دوم قرار دارد.

ممکن است پس از شکست روسیه شوروی یا سازش با آن کشور حمله

به مجمع الجزایر بریتانیا شروع شود .

ممکن است این حمله از راه هوائی و هجوم بوساسیل نظامی و یا با سیستم جدید (صلاح) صورت گیرد ولی در هر حال این امر با وضع امریکا بستگی و ارتباط کامل دارد با این حال ما نمیتوانیم موقعیت مهم خاور نزدیک را نادیده بگیریم زیرا از نظر نظامی خاور نزدیک حلقة ارتباط حیاتی نقاط پراکنده امپراتوری بریتانیا است .

فصل چهل و سوم

نفت خاورمیانه و خطوط ارتباطی

اهمیت خاورمیانه از نظر وجود نفت محتاج بتد کر نیست و هر چند محصول سالیانه نفت ایران و فرقان و ممالک عربی در سالهای قبل از جنگ کمتر از چهل میلیون تن بوده است و محصول نفت آن روز جهان به دویست و هشتاد میلیون تن میرسید اما آنچه مسلم است اینستکه معادن نفت بسیار مهمی در کشورهای خاورمیانه وجود دارد و در صورتیکه بدانیم سالیانه دویست و پیست میلیون تن نفت باید از امریکا باین قطعه از جهان برسد بطور حتم با اهمیت معادن نفت خاورمیانه بیشتر پی میریم .

قبل از جنگ کنونی بریتانیا بیست درصد نفت خودرا از ایران، سه درصد از روسیه شوروی و چهار درصد از عراق می‌ورد و معادن نفت کشور عراق را بطور کلی چند شرکت استخراج می‌کنند (باستانی زمین‌های کم وسعت نفت خیز خانقین که در مرز ایران واقع است و جزء امتیاز نفت و درست شرکت نفت ایران و انگلیس قرار دارد) بدین ترتیب :

- ۱ - شرکت نفت عراق که ۲۳/۷۵ درصد سهام آن متعلق به شرکت نفت ایران و انگلیس می‌باشد .

- ۲ - شرکت استاندارد اویل (Standard oil) که ۲۳/۷۵ درصد سهم آن به امریکائی‌ها تعلق دارد .
- ۳ - شرکت سلطنتی هلند (Royal Dutch Shell) که ۲۳/۷۵ درصد آن انگلیسی و هلندی است .
- ۴ - شرکت سی فرانسايز (Cie. Francaise) که ۲۳/۷۵ درصد آن فرانسوی است .
- ۵ - ام گلبانکیان (M. Gulbenkian) که پنج درصد سهام را دارد .
محصول سالیانه معدن نفت کشور عراق در حال حاضر چهار میلیون تن است ولی شرکت مجاز است در آینده در سایر نواحی نفت خیلی کثافت استخراج نفت دست بزند .
- شرکت استاندارد اویل تا قبل از جنگ سالیانه یک میلیون تن نفت از جزایر بحرین استخراج میکرد و اخیراً هم معدن نفت عربستان سعودی را استخراج میکند .
- از کویت همقدار قابل اهمیتی نفت بدست می‌آید . در کشور مصر هم در نقاطی بنام هارقادا (Hurghada) و رأس القریب (Ras Gharib) شروع باستخراج نفت کرده‌اند .
- کشور ترکیه هم در جنوب شرقی آناتولی (Anatolia) باستخراج نفت دستزده است و امید می‌رود که احتیاجات داخلی آن کشور با همین معدن جدید تأمین گردد .
- در تمام سواحل شبه‌جزیره عربستان فلسطین (Palestine) و مواراء اردن (Trans Jordan) کاوش و بررسی‌های لازم برای پیدا کردن نفت ادامه دارد .

از جهات اصلی دیگر اهمیت خاور نزدیک برای انگلستان حفاظت خطوط هوائی و زمینی دریائی به هندوستان و خاور دور واسترالیا میباشد. تنها راه دریائی این نواحی مهم و قابل توجه کانال سوئز (Suez Canal) و دریای قره زاست ولی راه دیگری هم از دریایی سیاه و از طریق بنادر اریگلی (Eregli) و سامسون (Samsun) و از همه کوتاهتر طرابوزان که متعلق بکشورتر کیه هستند وجود دارد که بخارا هم آهن بغداد و تمام خطوط انشعابی آن متصل میگردد و نیز میتوان ازا نجا به باطوم (Batum) رفت و از راه روسیه شوری به تبریز وارد شد و نیز باید دانست که خلیج فارس هم برای آهن بصره و بغداد می پیوندد.

مهمترین راه ارتباطی این حدود راه آهن است و دو قسمت راه آهن بغداد پس از قریباً چهل سال در تابستان سال ۱۹۴۰ بهم وصل شد. این راه آهن از استانبول به آنکارا وادانه (Adana) می‌آید و پس از عبور از خاک سوریه به حلب متصل میگردد و دوباره به ترکیه می‌رود مجدد اوارد سوریه شده و از نصیبین (Nisibin) و تل کوچک (Tel Kotchek) عبور کرده به بغداد میرسد و ۱۶۳۶ میل را مرا در عرض سه روز طی میکند. راه آهن بغداد که عرض آن یک متر است تا بصره می‌رود و بکنار خلیج فارس میرسد. یک رشته راه آهن جدید از آنکارا به سیواس (Sivas) و دیاربکر (Diyarbekir) می‌آید و شاید بدون عبور از سرزمین سوریه به نصیبین برسد. راه آهن اصلی از حلب به رایاک (Rayak) می‌رود و ازا نجا با خط آهن یک متر عرض به بیروت (Beirut) و دمشق (Damascus) و حیفا (Haifa) اتصال می‌یابد.

راه آهن از کار افتاده حجاز یکی از شعب همین رشته است. از حیفا یک رشتہ راه آهن عریض اصلی تا کanal سوئز می‌رود.

در خاک ترکیه رشته‌های راه‌آهن از آنکارا تا اریگلی و از سیواس تا سامسون و از راه ارض روم (Erzerum) تا کارس (Kars) و از آنجا بخاک روسیه شوروی و تبریز مر بوط می‌گردیدند هم برآه‌آن ایران اتصال یابد. راه‌آهن ارض روم بزودی با دریای طرابوزان وصل می‌شود و قرار است یک رشتہ دیگر از العزیز (Elaziz) در شمال دیاربکر و دریاچه وان (Van) بگذرد و به مرز ایران برسد.

نکته قابل توجه اینستکه از داده‌دانل و دریای سیاه به سوریه و کشورهای عراق، هندوستان و ایران و روسیه شوروی راههای موجود است. علاوه بر اینها هر گاه راه‌آهن قم - یزد برآه‌آن اصلی ایران متصل گردد و خطی هم تازه‌دان ادامه یابد به هندوستان و خاور دورهم متصل خواهد شد. در عین حال باید مشکلات ناشی از اختلاف عرض راه‌آنهای کمی لوازم حمل و نقل این خطوط را هم در نظر گرفت.

خطوط هوائی با درنظر گرفتن وضع طبیعی آنها دائمی نیستند ولی قبل از جنگ مصر و عراق خطوط ارتباطی هوائی انگلستان و فرانسه و هلند و ایتالیا و آلمان به هندوستان و استرالیا و هندوچین فرانسه و هند شرقی هلند و کشور ژاپن بودند.

هوایپماهای بریتانیا و ایتالیا همچنین از راه مصر و دریای سیاه پرواز می‌گردند.

از نظر سوق الجیشی قاهره (Cairo) و بغداد مراکز مهمی هستند که اولی بر کanal سوئز و دریای قرمز مسلط است و دومی برآه‌آن و خلیج فارس است. تلا دارد و دفاع از این مراکز بمحض پیمانی که ما «انگلیسیها» با کشورهای مصر و عراق منعقد ساخته‌ایم جزء اصول اساسی و اصلی سیاست بریتانیا است.

فصل چهل و چهارم

بیطرفی ایران در جنگ دوم جهانی شان

تشکیل دسته‌ای از کشورهای دوست در سراسر آسیای جنوبی (Southern Asia) که برای جلوگیری از پیشرفت‌های هیتلر بطرف اقیانوس هند مانند سدی محکم هستند بسیار ضروری بود و ما «انگلیسیها» این منظور را بوسیلهٔ کشورهای مصر و سوریه و عراق انجام دادیم.

اساس و بنیان این اتحاد از آنجا سرچشمه می‌گیرد که از طرف شرق هم کشورهای هندوستان و عراق بایکدیگر مربوط هستند و تحت فرمان واحدی زیر نظر ژنرال ویول (General Wavell) اداره می‌گردند.

تنها نقطهٔ ضعیف این حلقهٔ ارتباطات کشور ایران بودواگردد قفقاز پیشرفتی نصیب آلمان نیهار می‌گردید بقیهٔ کار برای آنان بسیار سهول و آسان بود. آلمان از این موضوع بخوبی اطلاع داشت و بهمین علت بود که کار کنان خود را دسته دسته به ایران گسیل میداشت.

دولت بریتانیا از تابستان سال ۱۹۴۰ متوجه اوضاع و احوال ایران و همچنین این خطرمهلك بود و چندین بار بطور دوستانه دولت ایران را از این جریان نامطلوب مطلع ساخت و حتی از مقامات مسئول درخواست

کرد که این مهمنان ناخوانده و هولناک را از کشور خود برآورد و لی پیشنهادات انگلستان در محافل رسمی ایران با بی اعتمانی تلقی شد.

در درجه اول ایران نمیتوانست برای آلمانی های مقیم آن کشور جانشین تعیین کند زیرا اغلب از آنها کارشناسان فنی بودند و مشاغل مهم و حساسی را بر عهده داشتند و علاوه بر این ایران تصور میکرد (تاجدی هم حق داشت) که مبادرت بخوبی عملی باعث خواهد شد که دولت آلمان آن کشور را ناقض اصول بیطرفی بداند.

دولت ایران روز چهارم ماه سپتامبر سال ۱۹۴۱ موقع شروع جنگ بیطرفی خود را در جنگ اروپا اعلام داشت و همچنین مذکور بیست و ششم ماه زوئن سال ۱۹۴۱ هنگام آغاز جنگ آلمان با روسیه شورش اعلام بیطرفی نمود.

از روز اعلام جنگ تادو سال قبل کشور ایران کراراً اظهار و اعلام داشته است که میل دارد با سرتاسر جهان و کلیه کشورهای عالم در حال صلح باشد و هرگاه در باره انحراف ایران از رویه و طریقه بیطرفی و با بدخواهی و بیمه ری آن کشور نسبت به همسایه هایش یعنی کشورهای روسیه شورشی و ترکیه اظهاری میشود فوراً مقامات رسمی ایران تأکید و تصریح میکرند که در برابر هر تعریضی بخاک کشورشان مقاومت خواهند کرد و از میهن خویش دفاع خواهند نمود و به چوجه امکان ندارد و اجازه نخواهند داد که سرزمین ایران بمیدان جنگ و صحنه نبرد مبدل گردد.

روز پانزدهم ماه زوئن سال ۱۹۴۱ آقای مقدم وزیر مختار دولت شاهنشاهی ایران در لندن نامه ای بعنوان روزنامه تایمز نگاشته و طی آن نظر رسمی دولت متبع خود را اعلام داشت. خلاصه این نامه رسمی

چنین است :

۱ - دولت ایران بیطرفی کامل خودرا اعلام داشته و از روز آغاز جنگ علاوه هم این بیطرفی را ثابت و مدلل ساخته است و اکنون نیز تصمیم دارد که در برابر هر پیش آمد و وضع و یا اوضاعی موقعیت بیطرفی خود را محفوظ بدارد .

۲ - هیچگونه فشار و یا تحریکی از طرف هیچیک از دولتهای خارجی بکشور ایران وارد نیامده است و دولت ایران که بقدرت کفا است قوی و نیرومند است در برابر تحمل هر گونه فشار و یا مبادرت به نوع تحریکی در خاک کشورش مقاومت خواهد کرد و هر گونه گزارش‌هایی که برخلاف این حقیقت مسلم انتشار یافته و یا بعداً انتشار یابد دلیل بر بی اطلاعی و گفوتاه نظری نسبت بموقعیت واوضاع حقیقی ایران میباشد .

۳ - موضوع اقامه اتباع دولتهای خارجی در ایران باید باین حقیقت توجه داشت که بمحض قوانین و مقررات جاری کشور خارجیان میتوانند در ایران اقامه کنند و هیچ یگانه‌ای از هر ملیت که باشد اجازه و قدرت ندارد که بر ضد امنیت و یا بیطرفی کامل ایران کاری بکند و عملی انجام دهد . البته نمیتوان تصور کرد که این اظهارات ایران از روی حقیقت و صمیمیت تبوده است و بطور قطع و یقین ایران ترجیح میداد که بیطرف بماند و آن کشور را بحال خود و اگذارند تا اصلاحات اجتماعی خود را که در آن موقع پیشرفت قابل توجهی کرده بود تکمیل سازد اما همینکه احساس کرد دامنه جنگ اروپائی تا نزدیکی‌های مرزش پیش آمده است بانو میدی شدیدی مواجه گشت .

شاه ایران بخوبی اطلاع داشت که کشور او از مقاومت در برابر طمع و تعریض کشورهای جهانگیر عاجز و ناتوان است و فقط امیدوار

بود که دولتهای متهاجم قبل از رسیدن به هر زهای ایران در جاهای دیگر از کار بیقتند و به کشور او نرسند.

شاه ایران بخوبی واقف بود که اگر دولت نیرومندی به کشورش حمله کند و کمکی هم به ایران نرسد یارای مقاومت خواهد داشت و در عین حال که با هر دو دستهٔ متهاجم مواجه بود می‌کوشید مورد خشم دولتی که بیشتر امیدوار به پیروزی اوست واقع نگردد.

شاه بخوبی می‌فهمید که تزدیکی ایران با دستهٔ شکست خورده مصیبت و بد بختی بزرگی برای کشورش بیار می‌آورد.

مردم ایران از مطالعهٔ اوضاع جنگ و موقعیت آمروزن چنین حدس می‌زدند که آلمان در این جنگ فاتح خواهد بود اما فکر این موضوع را نمی‌کردند و توجه نداشتند که هر ام نازی چیست و آلمانی‌ها نقشه‌جهان‌گیری و سلط بر دنیا را درس می‌پرورانند.

ایرانیان با این تصور بزودی تحت تأثیر تبلیغات آلمان نازی واقع می‌شدند و می‌پنداشتند که آلمان برای نابود ساختن کمونیزم جهاد می‌کند و ایران را از شر دشمنان دیرین یعنی بریتانیا و روسیهٔ شوروی نجات خواهد داد.

برای دولتین بریتانیا و روسیهٔ شوروی مبارزه با این افکار بسیار سخت و دشوار بود و مخصوصاً پس از اتحاد و همکاری اخیر بین این دو کشور مبلغین نازی موفق شدند رنگی آن افکار و خیالات بدنهند و ایرانیان پیش خود می‌گفتند که دو دشمن دیرین ایران بریتانیا و روسیهٔ شوروی اکنون برای بر باد دادن استقلال و حاکمیت ماهمدست شده‌اند و می‌خواهند جبههٔ جنگ جدیدی در ایران بوجود آورند در صورتیکه حقیقت درست بر عکس تصور آنان بود.

این آلمان بود که میخواست جبهه جنگ در ایران پدید آورد ولی ایرانیان از این مطلب غافل ماندند.

در نتیجه این پیش آمدها نفوذ آلمان سرعت پیشرفت دولت ایران هم ظاهرآ حضور عده زیادی مأمورین رسمی آلمان و اگزاری مشاغل مهم فنی بکارشناسان آلمانی را نادیده انگاشت اما نباید این مطلب را از نظر دورداشت که با وجود تمام اینها احتمال میرود که تمايل و تکیه ایرانیان به آلمان بهمان اندازه ای که از ترس بود همانقدر هم در اثربلیغات فرضیه نژادی و مرام سباسی نازی بوجود آمده بود.

ایرانیان بر عکس نظری که در باره آلمانی ها داشتند نسبت به بریتانیا سوء ظن شد، یعنی پیدا کردند ممکن بود در صورتی که انگلستان مساعدت و اتحاد نظامی قطعی بدولت ایران پیشنهاد میکرد آن کشور با میل و رضاور غبت به متفقین ملحق میشد و در آن صورت امکان داشت که تا اندازه ای برای تبلیغات متفقین در خاور میانه اهمیت بیشتری قائل میشدند ولی حقیقت اینستکه نباید از یک دولت کوچک انتظار داشت در برابر جنگی که هیتلر در دنیا برپا کرده است بیطرف بماند.

تامد تی وضع چنین بود و همینکه روسیه شوروی و آلمان با یکدیگر مشغول نبرد شدند فوریت و اهمیت وضع ایران آشکار گردید ولی تمامی این وقایع و پیش آمد ها چیزی از سختی اوضاع ما نکاست و سوء ظن ایران نسبت به بریتانیا در نتیجه اتحاد و همکاری با روسیه شوروی بمراقب بیشتر شد.

عملیات یکی دو ساله روسیه شوروی هم طوری نبود که از ایران نسبت بخود شوروی ها رفع سوء ظن و بدگمانی بشود.

فصل چهل و پنجم

اهمیت ایران در پیروزی متفقین

ارتش روسیه شوروی در اوخر سال ۱۹۳۹ در مرزهای فرقاژو خراسان و افغانستان مستقر شده بود. رزمیاوهای دریای خزر پیاده کردن نیرو را تمرين میکردند و چنین شایع شده بود که روسیه شوروی امتیاز راه آهن و فرودگاه هوائی در نواحی شمال ایران میخواهد.

در تابستان سال ۱۹۴۰ آلمانیها کتاب سفیدی انتشار دادند و در آن کتاب متفقین را به توطئه برای بمباران مناطق نفت خیز با کوهرتم ساختند. روز اول ماه اوت مولوتف (M. Molotov) نطق مفصلی ایراد کرد وطی آن توطئه مندرج در کتاب سفید آلمانیها را به ایران و ترکیه چسبانید و چنین استدلال کرد که در ماه مارس گذشته هوایپماهای خارجی از طرف جنوب بسمت باکو و باطن آمده‌اند.

دولت ایران جداً این موضوع را انکار کرد ولی تیرگی رو باطن ایران با همسایه شمالی همچنان ورزبان مردم بود و ظاهراً تا روز بیست و دوم ماه زوئن چنین بنظر میآمد که روسیه شوروی اتحاد و همکاری با دولت آلمان را از سرخواهد گرفت.

در اثر حمله آلمان به روسیه شوروی و اتحاد انگلستان و روسیه
علاقة شوروی به ایران بیشتر شد .

مسئله سوق الجیشی ایران در نظر روسیه شوروی عیناً مانند آلمان بود بدین معنی که میخواستند از مناطق نفت خیز با کو نگاهداری و حفاظت کنند و در عین حال به خلیج فارس هم راه یابند زیرا روسها بیشتر از آلمانیها برآههای ایران محتاج بودند برای اینکه گرفتن کمک از بریتانیا و ممالک امپراتوری آن فقط از راه ایران امکان پذیری نداشت و بالاتر از همه اینها بمحض قرارداد سال ۱۹۲۱ که بین کشورهای ایران و روسیه شوروی منعقد شده بود روسها حق داشتند در بعضی موارد بعلت پیش آمد حوادث نامطلوب کشور ایران را میدان عملیات نظامی خود قرار دهند (گرچه این فکر ابتدا از رادیوهای محور منتشر گردید) بنابراین تعجبی نداشت که روسیه شوروی برای اشغال نظامی ایران پیش از گذشتن وقت و از دست رفتن فرصت به بریتانیا کبیر اصرار میورزید.

اولین یادداشت دولت روسیه شوروی روز یست و ششم ماه ژوئن بدولت ایران واصل شد و از آن روز نوزدهم ماه ژوئیه دولتین انگلستان و روسیه شوروی مشترک یادداشت دیگری فرستادند که مضمون هر دو یادداشت اطلاع دوستانه در باره آلمانی‌های مقیم ایران و گماشتن آنان بکارهای حساس و مشاغل مهم بود . در آن موقع بموجب مدارکی که در دست بود نازی‌ها با عده‌ای عناصر مظنون کشور که از طبقات مختلف مردم بودند ارتباط داشتند و نقشه کودتاًی در سرمی پروراندند اما با وجود قدرت رژیم پهلوی آن نقشه بهیچوجه عملی نشده و خنثی ماند . جواب ایران بدلاًیلی که ذکر شد بنظر دوپهلوآمد لذا در تاریخ شانزدهم ماه اوت یادداشت

شدیداللحن و تهدید آمیزی ارسال گردید و این بار پاسخ ایران با مهارت خاصی تهیه شده بوداما رضایت‌بخش نبود و در این یادداشت دولت ایران و عده میداد که متدرجاً خارجیها را از کشور اخراج خواهد کرد(ایران بی اندازه استیاق داشت که این نقشه را در مورد کارکنان خارجی شرکت نفت ایران و انگلیس مجری دارد) .

برای مقامات مسئول ایران بخوبی واضح آشکار بود و کامل مطلع بودند که آنچه‌را دو کشور متفق یعنی بریتانیا و روسیه شوروی خواسته‌اند و می‌خواهند این نیست و در عین حال از قدرت آن دو جوالت غافل بودند و آلمان هم‌روز بوسایلی ایران را برای ادامه رویه‌ای که در پیش گرفته بود تشویق می‌کرد و مقامات مسئول هم بامید کمک آلمان وقت می‌گذراندند ولی همینکه روزیست و پنجم ماه‌آوت قوای بریتانیا و روسیه شوروی وارد ایران شدند آلمان هیچ‌گونه کمکی باین کشور نداد و دولت ایران فقط سه روز شبه مقاومتی نشان داد و بعد از این سه روز دولت استعفا داد و دولت جدید دستور ترک مقاومت صادر کرد.

روسیه شوروی آذربایجان و استان‌های ساحل دریای خزر و شهرهای شمالی خراسان را اشغال کرد و بریتانیا هم محافظت معادن نفت جنوب و جنوب غربی را بر عهده گرفت و هر دو دولت متفق چه قبلاً و چه بعد از اشغال ایران اعلام داشتند که این تصرف فقط جنبه نظامی دارد و پس از جنگ قوای این دو کشور بدون معطلی و فوری از ایران خواهند رفت.

در ظاهر چنین بنظر میرسید که اشغال ایران فقط برای جلوگیری از رخدنه در خط دفاعی آسیای جنوبی است ولی باید دانست که تأثیر این عمل مربوط بدو عامل مؤثر و بسیار مهم است .

اولین عامل قوا و نیروی دفاعی روسیه شوروی است برای آنکه اگر آلمانی‌ها به فقاز وارد شوند و روسیه شوروی را از منابع حیاتی نفت محروم ساخته و قدرت مقاومت آن کشور را در هم بشکند آنوقت است که آنچه را انگلستان حصار و پناهگاه میدانست تله و دام بزرگی خواهد شد. هر گاه که آن پیش آمد ناگوار روی ندهدو کار با نجاح انکشد باز هم متفقین باید موقعيت کشور ترکیه را از نظر دور ندارند زیرا پس از شکست در جنگ‌های یونان ترکیه کم کم بطرف آلمان متمايل گشت و البته این تمایل بیشتر از نظر ترس از قوای آلمان بود نه همراه و محبت بانازی‌ها و هم آهنگی با اداره کنندگان آن کشور و در هر صورت ترکیه نمیتواند تصویر کنکه که ورود روسیه شوروی به ایران قدم دیگری برای محاصره آن کشور نباشد.

تبیلیغات آلمان در خاور نزدیک تمام مملک اسلامی و کشورهای مسلمان خبرداد که ییکی از همسایگان آنان حمله ناگهانی شد و در این صورت هر گاه کشور ترکیه تقاضای محور را قبول کرده و تسليم گردد و اجازه دهد که ارتش آلمان ییکی از مرآکر مقاومت متفقین در خاور میانه حمله کند بطور حتم وضع بسیار دشوار خواهد بود.

بهترین امید متفقین اینست که دست به تبیلیغات سیاسی دامنه داری بزنند و بدآنوسیله افکار و مقاصد خود را بطور کاملی معلوم و روشن سازند.

تبیلیغات سیاسی با برنامه صحیح و درست در کشور ایران اهمیت بسیاری دارد. اشغال نظامی ایران بخودی خود ممکن است مؤثراً عاق گردد اما گر متفقین بتوانند مردم ایران را حاضر کنند که وضع فعلی را بارضاؤ غبت و در عین حال با اعتماد و صمیمیت قبول کنند بدیهی است کار بمراتب آسانتر خواهد شد.

در حال حاضر هر قدر هم ایرانیان نسبت بمتقین دوستانه رفتار کنند حس
کنچگاوهی آنان را وادار می سازد که عوامل محرک مارا در اشغال ایران بدانند
و پس از آن ما را برای سختی هائی که تحمل کرده اند سرزنش و ملامت
خواهند کرد (همانطور یکه دولت خودشان را ملامت کردند) .

تأثیر اشغال ایران در روحیه شاه هم نهایت اهمیت را دارد است زیرا
سیاست بیطرفی شدید وی در هم شکست و در نتیجه تا اندازه ای از شهرت
شاه کاسته شد .

بدیهی است که از این بعد متقین اصل امور زند که دولت
سیاست آزادتری را برقرار سازد .

فصل چهل و ششم

بریتانیا و ایران

در حال حاضر که کارهای اصلاحی رضا شاه روی پایه محلمن استوار گشته است نصایح و کمک بریتانیا برای کشور ایران ذی قیمت خواهد بود. بعد از جنگ اول و پس از شکست دیپلماسی بریتانیا در ایران سیاست عمومی انگلستان نسبت برتری و پیشرفت ایران (با استثنای یکی دو مورد) دوستانه بوده است و هرگاه ماموفق شویم اثر نامطلوب اشغال نظامی را که بطور قطع در میان ایرانیان تولید کدوست کرده است بر طرف سازیم بخوبی میتوانیم ایرانیان را نسبت بخودمان صمیمی ساخته و قلوب بی آلاش آنانرا بخویش معطوف سازیم.

شرط اصلی عملی شدن این نظر آنست که در روش ما تغییر کلی و اساسی داده شود یعنی ماباید در درجه اول به ایرانیان بفهمانیم که برای رسیدن به پیروزی و شکست دشمنان خود بقدر کافی نیرومند هستیم و باید طوری رفتار کنیم که آنان بدانند منافع ما در ایران هر دو یکی است و مصالح عالیه ما و کشور آنها جنبه مشترک دارد ولی آلمان خیال تسخیر و تصرف تمام کشورهای خاور نزدیک را دارد و ما بر عکس در عین حال که

کوشش داریم ایران را از میدان جنگ دور بداریم قطعاً پیروزی ما پیروزی ایران خواهد بود .

قسمتی از این موضوع را توضیحات لازم در اطراف رویه و مقاصد جدید نازی تشکیل میدهد که منتهی به سلب استقلال و جلوگیری از هر گونه پیشرفت و ترقی است و شامل بردگی ملتها و مردمان مغلوب در مقابل آلمانیها و نسبت بمنافع آنهاست چنانکه در حال حاضر عین این حقایق در کشورهای مغلوب اروپا دیده میشود ولی ممکن است اینها کار کنیم .

ما باید سیاست دوستانه کاملی نسبت بسرواسر جهان اعلام داریم و بعالمیان بگوئیم که برای ابد سیاست امپریالیزم دیرین را ترک کرده‌ایم و از این پس دیگر کشورهای جهان را برای موقعیت نظامی و مواد خام آنها تحت تسلط و فرمانروائی خویش قرار نمیدهیم .

ما تصمیم داریم و کوشش خواهیم کرد که تمام منابع و راههای اقتصادی جهان را بازنگاهداریم .

این راههای بازرگانی منحصراً برای مانیست بلکه تمام ملت‌های جهان تعلق دارد . بازرگانی خارجی ما روی اصل مبادله کالاهای توسعه داد و ستد متقابل استوار است و در معاملات خود با کشورهای دیگر رویه همسایه خوب را پیش میگیریم .

این چنین وضعی نه تنها امنیت و استقلال ملت‌های کوچک جهان را محفوظ نگاه میدارد بلکه آنها را در انجام مقاصد ملی خودشان کمک و مساعدت خواهد کرد .

فایده این نوع سیاست آن است که مارا از مذاکره و یا منازعه در

نوع حکومت مستغنى میسازد و یک نوع اصولی را که در تمام نقاط جهان طرفدار داشته و قابل قبول است پیش پای ما میگذارد.

هدف و مقاصد ملی ایران چیست و ما چگونه میتوانیم ایران را برای رسیدن آن مقاصد کمک کنیم؟

ابتدا باید باین موضوع توجه داشت که ایرانیان هانند هر ملت معروف و با افتخار دیگری خواهان استقلال و وحدت ملی خود میباشند. ایرانیان معتقدند که در محیط سیاسی امنی باین هدفها رسیده‌اند.

ایران تصمیم گرفته است که با متعدد شدن و توسعه و ترقی کامل منابع خود جای خودرا در میان ملل جهان بگیرد و سرزمین ایران را از حیث آبادی و پیشرفت و ترقی گلستان سازد و حالاً موقعی است که کارشناسان فنی و فرهنگی ما میتوانند همه گونه مساعدت در راه پیشرفت مقاصد ایران بعمل آورند.

ما یکی از مهمترین مواد خام اولیه خودمان را از ایران میگیریم و هر گاه بخواهیم باین کارآدame دهیم باید بجای حرفاً پوچ و بی ربط مالی که قبل اتحویل میدادیم کالا و یا مواد پر ارزش و فاسد نشدنی به ایران بدهیم.

اساس جهان آینده باید بیش از وامهای دروغین بر روی تبادل حقایق استوار باشد و ایرانیان که خاطرات تلخ و ملال انگیزی ازربودن امتیازات قرن نوزدهم دارند بیش از سایر ملت‌ها تبادل حقایق را خوش‌آمد میگویند.

پس از خاتمه جنگ بدیهی است ما عده‌ای مهندس و کارشناس فنی اضافه بر عدهٔ مورد احتیاج خودمان داریم و بخوبی میتوانیم آنانرا در اختیار دولت ایران بگذاریم تا طرحهای آبیاری، سدسازی، تولید برق، صنایع

و میکانیک را در آن کشور ب مرحله اجرا درآورند.

افرادی را که مابخارج از کشور می فرستیم نباید خودشان را مهندس امپراتوری بدانند بلکه باید سفرای کشورشان برای ایجاد حسن تفاهم باشند.

این اشخاص نمیتوانند امتیازات و مزایائی را که حالا بریتون ها از شرق انتظار دارند در آنوقت هم از ایران بخواهند بلکه برعکس آنان باید باشرا بیط مساوی با ایرانیان همکاری و معاوضت کنند و از عادات حقارت آمیز اسلام خودشان چشم پیوشند.

باید تعلیم و تربیت و همه چنین شخصیت کسانی که بکشور ایران اعزام میگردند از هر حیث مورد نظر و دقت کامل قرار گیرد.

این افراد علاوه بر دارا بودن معلومات فنی باید طبعاً با نظر احترام و محبت به ایرانیان بنگرند و از زبان و فرهنگ کشور ایران هم اطلاع کاملی داشته باشند.

ما در گذشته از این نوع اشخاص نام بر دیم و شرایطی را که باید دارا باشند بطور اجمال صحبت داشتیم اینک چند نفری را در اینجا ذکر میکنیم.

ریچارد برتون (Richard Burton) کاشف و معدن شناس معروف ای. جی. براؤن (E. G. Browne) که در انقلاب مشروطیت سال ۱۹۰۶-۱۹۰۷ (طرفدار مردم ایران بوده‌تی. ای. لورنس (T. E. Lawrence) که در جنگ گذشته عامل اصلی شورش اعراب بدیعی بر علیه امپراتوری عثمانی بود و عده‌ای دیگر که هر یک کارهای مؤثر و بسیار مفیدی انجام دادند و همچنین زنانی مانند جرتودبل (Gertude Bell) و فریبا استارک

(Freya Stark) که کوشش‌های فراوانی بکار بردن تابع خوب انگلیسیها را بشرقیها نشان دهند. اشخاصی که دارای این شرایط باشند بدون شک و تردید بخوبی می‌فهمند درک می‌کنند که وظایف آنها خدمت بدولت ایران و در نظر گرفتن منافع آن دولت است نه یک دولت خارجی.

طرحها نقشه‌هایی را که اجرا می‌کنند ساختمانهای را که می‌سازند کارخانه‌هایی را که بکار می‌اندازند همه وهمه متعلق بدولت ایران خواهد بود وامر دیگری که در سر لوحه وظایف آنها قرار دارد این است که جوانان ایرانی را برای بدهاتریت نموده و آنان را بکارهای فنی بخوبی آشنا سازند تا بتوانند کارهای کشورشان را خودشان انجام دهند و احتیاجی بوجود کارشناسان خارجی نباشد.

در آینده باید روابط سیاسی مانه تنها با ایران بلکه با سایر کشورهای خاور نزدیک و خاور دور هم برروی همین اصل برقرار و استوار باشد. امید است با اجرای نقشه‌ای منظم ترتیبی اتخاذ گردد که تمام کشورهای خاور نزدیک و خاورمیانه در حلقه کشورهای مشترک المنافع درآیند.

اجرای این طرح باید ابتدا از تشکیل اتحادیه کشورهای عربی آغاز گردد زیرا اغلب از ساکنین این کشورها با وجودیکه از مشکلات موجود اطلاع دارند باز هم طرفدار چنین اتحادیه‌ای هستند که بین ممالک عربی بوجود آید.

این اشکالات در وهله اول در تقسیمات سیاسی که منافع خارجیان بوجود آورده است ناشی می‌شود و در وهله دوم باید آنرا علت عقب ماندگی امور اقتصادی دانست و بالاخره قسمتی هم معمول اختلافات مذهبی و مشاجرات اقلیت‌هاست.

موضوع اول یعنی امور سیاسی و اقتصادی ممکن است با کمک دولتهای غربی مرفوع شده و یا لااقل تقلیل یابد و در عین حال باید سازمانهای اجتماعی و اقتصادی بوجود آورد که دسته‌های مختلف را مانند کردهای سوریه و عراق و یهودیهای فلسطین و مسیحیان لبنان تشویق کرد تا با همسایگان عرب خود از در صلح و صفا برآمده و با یکدیگر زندگی آرام و بی‌سر و صدائی را آغاز نمایند. احتمال کلی دارد که بعضی از این نواحی هم اکنون برای تشکیل اتحادیه آماده باشند.

کشورهای عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و ملأوراء اردن (بانه میلیون جمعیت) تشکیل یک واحد جغرافیائی و اقتصادی را خواهند داد که روز بروز قویتر و متحده‌ی آن بیشتر خواهند شد و باید گفت که این اتحادیه حکم (هلال بار آوری) را دارد.

در نواحی جنوبی هم عربستان سعودی، یمن و عدن و امارات ساحلی خلیج (که در حال حاضر نه میلیون نفر جمعیت دارند و تحت الحمایه دولت بریتانیا هستند) اتحادیه دیگری تشکیل میدهند که این دو اتحادیه میتوانند با یک اتحادیه دیگر که از مصر، سودان و سیرنائیک (با بیست میلیون نفر جمعیت) تشکیل خواهد شد همکاری و تشریک مساعی کنند.

اتحادیه دیگری مرکب از طرابلس، تونس، الجزیره و مراکش (با شانزده میلیون نفر جمعیت) تشکیل میگردد و از طرف دیگر کشورهای ترکیه و ایران هم میتوانند باهم متحد و متفق گردند.

این افکار ممکن است در حال حاضر فرضیه‌ای بیش نباشد و مسائل دیگری هم هست که ذکر آن مسائل در اینجا لازم بنظر نمیرسد ولی اینطور استنباط میشود که تمایلاتی برای عملی شدن این نظر وجود دارد.

بموجب قرارداد سعدآباد که در سال ۱۹۳۷ منعقد شده است چهار دولتی را که قبل از کرشد با یکدیگر مربوط و متحد می‌سازد .
کشورهای عراق ، عربستان سعودی و یمن هم در سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ قرارداد دوستانه‌ای امضاء کرده‌اند . کشور مصر بموجب قراردادی که دارد با عربستان سعودی و با وصلت شاهانه با کشور ایران مربوط است .
مقاله ذیل که سال گذشته در یکی از روزنامه‌های تهران انتشار یافته است طرز فکر و عقیده طبقات متفکر و مردمی ایران را بخوبی نشان میدهد و ما اینک عین آن مقاله‌را در اینجا ذکرمی‌کنیم :

ما احساس می‌کنیم منافع مشترک عمومی که دائماً از نظرهم کیشی و عقاید دینی و تعلیم و تربیت و ادبیات و طریقه‌تفکر و اخلاق در امور معنوی بین ملت‌های خاور نزدیک وجود داشته است در حال حاضر موجب می‌شود که زمینه مناسبی برای همکاری صمیمانه بین آنها بوجود آید و این همکاری و معاضدت دوستانه باعث آن خواهد شد که با ایجاد تضییبات متقابل توده محکم و شکست ناپذیری در این نواحی از جهان ایجاد گردد .

درست است که کشورهای خاوری از نظر قدرت اقتصادی و نیروی اخلاقی و فرهنگی وسایر جهات با یکدیگر مساوی نیستند ولی بطور حتم این موضوع مانع همکاری نزدیک آنها نخواهد بود و این کشورها می‌توانند با اتحاد و اتفاق اشتراك مساعی فیما بین را محکم و ثابت سازند .

در صورتیکه هر یک از کشورهای مورد بحث مادر استحکام وضع موقعیت خودشان کوشش کنند و احساس نمایند که اتحاد و هماهنگی برای آنان لازم و حتمی است و در عین حال تا حد امکان رعایت وضعیگران را بگذرنداز کمکهای لازم در امور فرهنگی و اخلاقی و دینی بین خودشان

درین نتیجه نمایند و مساعدت یکدیگر را تا جایی که ممکن باشد جزء اصول عقاید خویش قرار دهند بطور حتم و یقین خطاهای گذشته تکرار نخواهد شد و کشورهای خاور نزدیک با آرامی و آسایش کامل زندگی خود را ادامه خواهند داد و روز بروز بر قدرت آنان افزوده شده موفقیت روز افزونی را در پیشرفت امور اجتماعی و سیاسی خود خواهند داشت.

ملتهاي خاور نزدیک آماده‌اند در دنیائی که تأمین اقتصادی و آزادی عامل و راهنمای اصلی آن باشد نقش خود را بازی گشته‌اند در صورتی که ملتهاي صنعتی بزرگ غربی راهنمای آنان را بر عهده نگیرند: در عرض یکی دو سال آینده معلوم خواهد شد که آیا هاروبه توحش و بردگی توده‌ها بعقب می‌رویم و یا آنکه با الهام گرفتن از قدرت و نیروی آزادی کره‌جان امروز بما داده است برای بدست آوردن پیروزی نهائی و ابراز وجود شخصیت فردی بجلو میرانیم.

فصل چهل و هفتم

آغاز جنگ دوم جهانی

ساعت پنج بعداز نصف شب روز اول ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ میلادی قوای مسلح آلمان که در مرزهای لهستان تمرکز یافته بود بموجب فرمان حمله هیتلر پیشوای آلمان وارد خاک آن کشور گردید و نبرد خونینی را که شروع جنگ جهانی دوم بود آغاز نمود.

ستاد کل ارتش آلمان طبق نقشه تنظیم شده پنجاه و هشت لشگر از جمله ده لشگر موتوریزه برای این کار یعنی حمله به لهستان و از پای در آوردن آن کشور اختصاص داد و نظر این بود که سپاه سوم مرکب از هشت لشگر از پروس شرقی بقصد تسخیر برست لیتواسک حرکت کند و سپاه چهارم متشکل ازدوازده لشگر پس از تصرف منطقه معروف به دالان دانتسیگ و انہدام سر بازان مقیم آن ناحیه به امتداد رود دیستول (Vistule) از پرمانی (Pomeranie) عازم مرکز لهستان شود و شهر ورشو پا یاخت آن کشور را اشغال کند.

وظیفه عمدۀ بعده سپاه دهم که مرکب از هفده لشگر بود و جناح راستش را سپاه هشتم با هفت لشگر تقویت مینمود محول گشت.

این سپاه مکلف بود برای تصرف ورشو مستقیماً بطرف آن شهر برود و کلیه استحکامات موانعی را که در سرراه بیابد در مدت قلیلی از بین بردارد.

کمی دورتر در جنوب سپاه چهاردهم مرکب از چهارده لشکر تمرا کز یافته بود که دو تکلیف بر عهده داشت یکی اینکه بدو ناحیه صنعتی کراکوی (Cracovie) را تسخیر کند و دیگر آنکه بعداز تصرف کراکوی شهر بزرگ لوو (Lvow) را که در جنوب شرقی لهستان بود بدست آورد.

طبق نقشه فوق قوای نظامی آلمان میباشد سربازان لهستانی را که در مراتع بین دو کشور موضع گرفته بودند شکست داده منهدم سازد سپس با حرکت گازابری آنها را محاصره و نابود کند.

حرکت گازابری اول که از شمال و جنوب غربی بوسیله سپاههای چهارم و دهم انجام میگرفت مقصد آن شهر ورشو پایتخت لهستان بود که می‌بایستی دو سپاه مذکور یکی از شمال و دیگری از جنوب غربی بطرف ورشو حرکت کرده قوا واستحکامات لهستانی را مغلوب و منهدم ساخته در شهر ورشو بیکدیگر ملحق شوند و در حقیقت دوشاخه گازابری یکدیگر اتصال بیاند و از فرار و عقب نشینی سربازان لهستانی که بین دو شاخه گازابر موصوف اسیر شده‌اند جلو گیری نمایند و چنانچه احیاناً عده‌ای موفق به نجات خود و عقب نشینی منظم میشند بطور قطع از حرکت گازابری دو هی که بوسیله سپاه سوم از شمال و سپاه چهاردهم از جنوب صورت میگرفت و مقصد آن شهر برست لیتوساک هشتر و رشوبود نجات نمی‌یافتد اسیر و یا نابود میگردیدند.

در صورت موقیت واجرای نقشهٔ مزبور و اتصال دو حرکت گاز-انبری در شهرهای ورشو و برست لیتوسک ارتش لهستان بلی از پایی در عیامد و دیگر سربازی باقی نمی‌ماند که خلاصی یابد و در مشرق لهستان اقدام باستاد گی کند.

یک هزار و پانصد فروند هوایپیما جدید قوای زمینی آلمان را تقویت می‌کردد و مأموریت داشتند که به هوایپیماهای لهستانی فرصت پرواز ندهند و روی زمین آنها را نابود کنند و پس از آن به کمک قوای زمینی شتافته تأسیسات نظامی پشت جبهه را بسختی بمباران و خطوط ارتباط و راه آهن را خراب و از کار بیندازند بنحوی که انتظام ارتش لهستان کسیخته شده موفق بایجاد جبههٔ مکمل و منظمی نگردند و باضافهٔ بین افراد کشوری و ساکنین شهرها رعب و هراس ایجاد گردد و امنیت داخلی کشور لهستان مختل شود.

در مقابل این ماشین عظیم جنگی که بدست فرماندهان لایق و آزموده‌ای اداره می‌شد لهستان بطور کلی سی‌لشگر سرباز و نهصد فروند هوایپیما بیشتر نداشت و از نظر تجهیزات و نوع اسلحه بهیچ وجود قابل مقایسه با تسليحات ارتش آلمان نبود و فرماندهان آن فقط چشم امید به کمک انگلیس و فرانسه ضامن استقلال و تمامیت ارضی لهستان دوخته بودند.

سر بازان آلمانی که مقدم بر آنها هوایپیماهای حرکت می‌کردد از روز آغاز حمله به هجوم ناگهانی پرداختند و در عرض یک هفته چنان در خاک لهستان کسترده شدند که دشمن با وجود مقاومت مردانه ولی بیهوده در تمام جبهه‌ها عقب‌نشینی اختیار کرد.

دولتین انگلستان و فرانسه که از حملهٔ قوای آلمان به لهستان باخبر

شده و میدانستند که دیریا زود قوای منظم و مجهز آلمان کشور لهستان را نابود خواهد کرد روز سوم ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ یعنی سهروز بعد از صدور فرمان حمله به لهستان بدولت آلمان اعلان جنگ دادند.

در تمام جبهه‌های جنگ زدو خوردخونینی بین قوای لهستان و آلمان در گرفت و سرانجام نیروی مجهز آلمان سپاه و نیروی لهستان را روز بیست و هشتم ماه سپتامبر یعنی در عرض بیست و هشت روز شکست داده و آن کشور را تصرف نمود.

دولت آلمان بعد از شکست لهستان دارای یکمیتوشاژده لشکر مجهز و کامل بود که چهل و دولشکر آن در مغرب و شاتزده لشکر در آلمان مرکزی و پنجاه و هشت لشکر در جبهه هشتاق افتادند.

بعد از شکست لهستان و امضای قرارداد عدم تجاوز باروسیه و فراغت از جبهه مشرق دولت آلمان می‌توانست چهل لشکر از قوای مقیم لهستان را کسر و به جبهه غرب اضافه کند و با هیجده لشکر بقیه در حال صلح لهستان را حفظ و حراست نماید با این ترتیب مجموع قوای آلمان در مغرب به هشتاد و دولشکر مجهز میرسید.

در مقابل این عده کشور فرانسه هفتاد و دولشکر و کشور انگلستان در خط مقدم جبهه چهار لشکر داشتند ولی ممکن بود هر چه جنگ طول بکشد از سر بازان افریقائی و آسیائی به خاک اروپا پیاده کنند و بر تعداد سپاه خود بیفزایند. آلمان در جبهه مغرب دارای دوهزار فروند بمبا فکن جدید بود در صورتیکه فرانسه و انگلستان مجموعاً نهصد و پنجاه فروند بمبا فکن داشتند با توجه باین موضوع و در نظر گرفتن قوای طرفین دولتین فرانسه و انگلیس حاضر تجاوز بخاک آلمان و حمله با آن کشور نبودند و خود را

بمخاطره نمی‌انداختند و ناچار بودند تا تهیه سر باز و مهمات و هواپیمای کافی حال دفاعی بخود بگیرند. استحکامات و موضع نظامی و پایگاههای خود را تکمیل نمایند.

آلمان که از حیث نفرات و تجهیزات و هواپیمادر سال ۱۹۳۹ بر متفقین برتری داشت از سه راه میتوانست بخاک فرانسه حمله کند.

اول - تعریض بخط مستحکم‌بازینو و عبور از سرحد مشترک با فرانسه که این اقدام برفرض موفقیت و شکافته شدن خط مازینو با تلفات و خسارات زیاد توأم بود و چه بسا امکان داشت با عدم موفقیت مواجه گردد.

دوم - برای احتراز از مقابله با خط مازینو دور زدن آن و جلوگیری از تلفات زیاد از سویس به فرانسه وارد شود و بیطرفی کشور نامبرده را نقض کند که این اقدام هم با وجود کوهستانهای صعب العبور سویس و موقعیت بین‌المللی آن کشور خالی از مخاطرات نظامی و سیاسی نبود و سران نظامی آلمان تا آن تاریخ هیچ وقت بچنین فکری نیقتاده و آماده چنین امری نشده بودند.

سوم - نقض بیطرفی بلژیک و هلند و ورود از شمال شرقی به خاک فرانسه که البته اجرای این فکر از نظر عدم وجود استحکامات نظامی سهل‌الحصول بنظر میرسید و مسلماً تلفات و خسارات هم کمتر بود.

بدلایل مذکور متفقین منتظر بودند که آلمان مانند سال ۱۹۱۴ یعنی جنگ اول جهانی از فرضیه سوم استفاده کرده از راه بلژیک به کشور فرانسه حمله کند.

روی این نظر از اوایل ماه اکتبر سال ۱۹۳۹ ژنرال گاملن رئیس کل ستاد ارتش فرانسه با دولت بلژیک وارد مذاکرات محروم‌های شدتا

موافقت آن دولت را برای ورود ارتش متفقین به بلژیک جلب کند و بعد از یک سلسله مذاکرات بالاخره دولت بلژیک راضی شد که در صورت تجاوز ارتش آلمان متفقین حق داشته باشند سرباز به بلژیک وارد و خط دفاعی (موزوانورس) را تصرف و به ارتش بلژیک کمک کنند و متعاقب این موافقت شورای عالی جنگ متفقین هم در روز هفدهم ماه نوامبر در پاریس تشکیل و تصمیم ذیل را اتخاذ نمودند:

چون لازم است هرچه امکان داشته باشد ارتش آلمان را از سرحد فرانسه دور نگاهداشت از این نظر اشغال خط (موزوانورس) در صورت نقض بیطرفی بلژیک و حمله آلمان بآن کشور ضرورت پیدا کرده است اجازه داده میشود ارتش متفقین در صورت لزوم باینکار مبادرت نماید. با این نحو نقشه جنگ آتید تنظیم شد و متفقین آنچه در قوه داشتند برای استحکام خطوط دفاعی خود در این منطقه و جلوگیری از پیشرفت ارتش آلمان در فرانسه و بلژیک همت گماشتند و وقت خود را در زمستان ۱۹۳۹ صرف این موضوع وازدیاد سرباز و مهمات کردند و منتظر فرا رسیدن بهار سال ۱۹۴۰ و آغاز حمله آلمان و مقابله با آن شدند.

از روز سوم ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ یعنی همانروزی که دولتی انگلستان و فرانسه بد آلمان اعلام جنگ دادند زیر دریائی های آلمانی بفعالیت پرداختند و هر جا با کشتی های انگلیسی و فرانسوی رو برو میشدند آنان را غرق و این راه خسارات و تلفات سنگینی بدول متخاصم خود وارد میساختند. اولین کشتی انگلیسی که بعد از اعلام جنگ منهدم گردید کشتی آتنیا (Athenia) بود که همان روز سوم ماه سپتامبر ساعت ۹ بعد از ظهر بوقت کرینویچ در مغرب جزایر انگلستان بوسیله یک زیردریائی آلمانی غرق شد.

فصل چهل و هشتم

حمله آلمان به روسیه شوروی

هر چند در سال ۱۹۳۹ قبل از شروع جنگ دوم جهانی بعلوهای سیاسی دولت آلمان مجبور شد که قرارداد عدم تعرض با دولت روسیه شوروی منعقد کند ولی معناً از نیت باطنی و مطالبی که در سخنرانی‌های خود گفته بود عدول نکرده و مترصد بود که در صورت لزوم پیمان منعقد را کان لم بکن پنداشته نظر خود را در خصوص مبارزه با کمونیست‌ها بموضع اجراء درآورد.

بعد از ختم جنگ جهانی دوم موقعی که سربازان متین وارد برلن پا یاخت آلمان شدند و بایگانی وزارت امور خارجه آن کشور را بازدید کردند اسناد و مدارک زیادی که مبنی بر صحت نظر فوق‌الذکر و چگونگی نیات زمامداران آلمان در خصوصت با روسیه بود یافتدند که تماماً حاکی از تعرض آن کشور بخاک شوروی و برچیدن اساس کمونیست بود.

در اسناد و مدارک مذبور نامه‌ای وجود داشت که هیتلر قبل از حمله بخاک روسیه به موسولینی همکار و متفق خود نوشته بود که خلاصه آن از این فقره است:

من در این اوآخر بشما گفتم که تجربه حاصل از جنگ کرت و

نتایجی که از آن بدست آمده ثابت کرده است که حمله به انگلستان مستلزم بکار افتدن کلیه قدرت ما میباشد اگر پیروزی نهائی فقط مستلزم تفوّق قدرت هوائی بود در اتخاذ چنین مسئولیتی بک دقیقه تأخیر نمیکردم بشرطی که از طرف مشرق غفلتاً مورد تهاجم واقع شوم . حرکت سربازان روسیه در مرزهای مارو بشدت گذارده و زنگالیدل در این خصوص بواسطه نظامی شما اطلاعات کافی داده است و میتوان یقین حاصل کرد قسمت اعظم سربازان روسی در سرحدات ما تمرکز یافته و بفعالیت پوشاخته اند . از وقتی که هوا رو به گرمی میرود با عجله و شتاب مشغول ساختن استحکامات شده اند .

بعد از تفکر زیاد من با این نتیجه رسیده ام که باید گره طنابی را که بدور گردن ما بسته میشود قبل از اینکه فشار وارد آورده قطع کنیم و بدین طریق بمرا مشارک خودمان در جنگ خدمت بزرگی بنمایم .
نامه مذکور صراحتاً دلالت دارد که دولت آلمان از طرف مشرق یعنی روسیه بینناک بود و عملیات سربازان روسی را در مرکز خود بدیده دشمنی مینگریست و میدانست با آن دولت نمیتواند همیشه روابط دوستی اه موضوع ییمانهای منعقد را محفوظ دارد و بمحض اینکه مقتضیات و اوضاع و احوال ایجاب کرد دولت روسیه پشت پا بتعهدات خود زده بمغرب اروپا و خاک آلمان تجاوز خواهد کرد در اثر همین خیال بود که هیتلر از بدو شروع بجنگ چندین مرتبه سعی نمود با دولت انگلستان کنار آمده پیمان صلح جدا گانه ای منعقد سازد .

مسافرت رودلف هس به انگلستان به نتیجه نرسید و صلح با کشور فامبرده همچنان در بوئه اجمال باقیماند بالاخره پیشوای آلمان با تمام مشکلاتی که در کار خود میدید تصمیم گرفت که نیت خود را بموقع اجراء

گذارده کار روسیه را یکطرفه کند و سپس متوجه انگلستان شود.
نامه‌ای که به موسولینی نوشته بود و ترجمه آن با اطلاع خوانندگان
گرامی رسید حاکمی از نیت باطنی هیتلر پیشوای آلمان می‌باشد.
روز سوم ماه فوریه سال ۱۹۴۱ هیتلر شورای عالی جنگ‌کرا که مرکب
از افسران عالیرتبه و قدیمی ارتش بود در برلن تشکیل داد و نطق جامعی
راجح بارتش روسیه و وضعیت آن کشور ایراد نمود که تمام حاضرین یقین
کردند جنگ بین دو کشور آلمان و روسیه تزدیک بوقوع است قسمتی از
اظهارات پیشوای آلمان از اینقرار بود.

روسها یکصد لشکر پیاده ویست و پنج لشکر سواروسی لشکر زرهی
دارند و سپاهیان ما از حیث عده تقریباً همین مقدارند اما از جهت ارزش
نظمی بمراتب بسربازان روسی ترجیح دارند:

هنگام جنگ با شورویها مانباید سعی در عقب نشینی و فرار آنان
از میدان نبرد بکنیم بزرگترین خطر برای ما عقب نشینی سربازان روسی
می‌باشد باید سعی کنیم آنها را محاصره و نابود سازیم در این صورت در همان
پیشرفت‌های اولی ما ملت روس برضد استالین قیام نموده و دست شورش
خواهد زد و نتیجتاً رژیم استالین ازین خواهدرفت.

جنگ روسید ییش از شش تا هشت هفته طول نخواهد کشید بعد
از این مدت ما بخطی که ازولگا نا آرخانگل (Arkhangel) کشیده
می‌شود خواهیم رسید و این همان خط دفاعی اروپاست.

روز چهارم ماه ژوئن همان سال مجدداً هیتلر در جلسه دیگر شورای عالی
جنگ اظهار داشت: جنگ با روسید غیر قابل اجتناب و حتمی است بعدهار
چهار هفته نبرد سخت ارتش روسیه مضمحل شده وجاده مسکو بر روی ما

با زخواه دشده و با حرکت سریع میتوانیم پایان خت روسید برسیم .
این بیانات و سوابق جای تردیدی درباره خیال باطنی هیتلر باقی
نمیگذشت و مسلم بود که دیریا زود جنگ خونینی در مشرق اروپا آغاز
وارتش آلمان بانی روی عظیم خود بخاک روسیه حمله خواهد کرد .

روزیست دوم ماه زوئن سال ۱۹۴۱ سه ساعت و نیم بعد از نصف
شب در جبهه‌ای که از اقیانوس منجمد شمالی تا دریای سیاه ادامه داشت
حمله شدید نازیها بکشور روسیه شوروی شروع گردید و همانطوریکه
پیش ای آلمان پیش بینی کرده بود در اوایل کاربیرونی و قیوهات قبل توجهی
نصیب آنان شد .

در همان موقع که اولین حمله سپاهیان آلمان آغاز شد اعلامیه هیتلر
بوسیله وزیر امور خارجه آلمان قرائت و از رادیو برلن پخش گردید .

هیتلر در این اعلامیه علل و موجبات حمله بخاک روسیه شوروی را
باطلاع جهانیان رسانید و در آن متذکر شد که هرگاه حمله بخاک روسیه
از طرف آلمان صورت نمیگرفت روسیه شوروی با قوای کاملی که برای
حمله به آلمان تهیه دیده بود دیریا زود بخاک آلمان حمله میکرد .

جنگ ساعت سه و نیم بعد از نصف شب بیست و دوم ماه زوئن باشد
هرچه تمامتر شروع شد ابتکار عملیات در دست سپاهیان آلمانی بود و
غافلگیری دشمن و سرعت عمل بدی بود که دو ساعت بعد از شروع جنگ
سه هزار فروند هوایپماهای روسی که مجال پرواز نیافتنند در فرودگاههای
خود نابود شده ازین وقتند .

غروب روزیست دوم ماه زوئن نصف هوایپماهای شوروی از حیز
انتفاع افتاده بود . با اینکه چرچیل نخست وزیر انگلستان به پیروی از

افکار ملت خود یکی از دشمنان سر سخت کمونیست بود و پیوسته از بدوبیدایش و تشکیل دولت جدید شوروی برپایه و مبنای آن مخالفت خود را آشکار کرده در مجلات و روزنامه ها مقالات متعددی بر علیه افکار کمونیست نوشته بود به محض اینکه حمله آلمان به روسیه آغاز شد بمنظور پیروزی بر دشمن موقتاً ضدیت خود را کنار گذاشت و به دولت روسیه وعده همه گونه مساعدت و همراهی را داد و روز بیست و دوم ماه ژوئن سال ۱۹۴۱ اعلامیه ذیل را منتشر ساخت :

دولت انگلستان بار دیگر با یکی از لحظات بحرانی جنگ مواجه گردیده است نخستین بار موقعی بود که فرانسه سقوط نمود و انگلستان در میدان جنگ تنها مانند دوم هنگامیکه نیروی هوایی انگلستان موفق گردید که خطر تهاجم بخاک انگلستان را منتفع سازد. سوم موقعی که رئیس جمهوری و کنگره امریکا قانون وام و اجاره را تصویب نمودند.

اکنون چهارمین لحظه بحرانی فرار سیده است زیرا ارتش آلمان امروز صبح خاک روسیه شوروی را مورد تهاجم قرار داد و حمله آلمان موقعی بمورد عمل گذارده شد که پیمان عدم تهاجم فیما بین دو کشور موجود بود دولت آلمان تا آنوقت هیچگونه شکایتی راجع بعدم اجرای آن نکرده بود. من از این واقعه بهیچوجه در شکفت نیقاد امام و در حقیقت چندین بار استایلین را از آنچه که امروز بوقوع پیوست مطلع ساخته بودم همینطور کشورهای دیگر را از این خطر آگاه نمودم فقط امیدداشتم آنچه که گفتم مورد توجه آنان قرار گرفته باشد.

آنچه که اکنون میدانیم این است که ملت روس بدفاع از خاک خود برخاسته و پیشوای شوروی آنها را به منتهی درجه مقاومت دعوت کرده است.

ماشین نظامی موحسی که ماوسایر کشورهای متعدد دنیا فقط و فقط از روی نادانی وجهات به دزدان نازی اجازه دادیم اندک اندک برپا سازند اکنون دوباره بکار آفتد است این ماشین نمیتواند متوقف بماند چرخهای آن باید دائماً در حرکت باشند و نه تنها از نفت بلکه از خون نیز باید تغذیه نمایند.

برای این منظور هیتلر ارتضی میکانیزم خود را به میدان جنگ مهیبی برای غارت و تخریب روانه نموده است او انتظار دارد که پیروزی را در نتیجه قتل و غارت بدست آورد و بدانوسیله چین و هندوستان را در گرداب فنا غرق نماید. اگر بگوییم که حیات شانزده بليون نفر در معرض خطر نازی قرار گرفته است اغراق نگفته ام.

اگرچه همین کافی است که مارا دروحش و شگفت بیندازد لیکن باید منظور اصلی را که در پس این خطر قرار گرفته و در حیات انگلستان و امریکا تأثیر دارد بیان کنم.

بین مردم نازیسم و بدترین شکل مردم کمونیسم نمیتوان کوچکترین تفاوتی قائل شد این مردم جز حرص و تسلط نژادی فاقد هر گونه اصولی است هیچکس چون من مخالف مردم کمونیسم نبوده است و اکنون چیزی که با عقیده و اظهارات قبلی خودم تناقض داشته باشد بیان نمیکنم اما میگوییم که تمام مخالفتهاي من در مقابل منظمهای که خود را در برابر جهانیان آشکار ساخته بکلی نابود میشود.

گذشته با تمام آن جنایات جنون آمیز و مناظر رقت انگیزش از نظر محومیگردد من سربازان روسیه شوروی را می بینم که در خاک موطن خود ایستاده بحر است اراضی و مزارعی که پدران آنها از قدیم در آن زراعت

نموده‌اند می‌پردازند. آنرا می‌بینم بحث‌ای خانه‌هائی که مادر اچوزنان آنها در آن دعا می‌کنند مشغولند ما فقط یک هدف داریم. ما مصمم هستیم آنچه وابسته به نازی است معذوم سازیم از این تصمیم هیچ چیز نمیتواند مارا منصرف سازد.

ما هیچوقت به مشورت و مذاکره با هیتلر و یا یکی از همکاران و طرفداران او نخواهیم پرداخت.

ما در زمین و دریا و هوا خواهیم چنگید. غایب‌کننده بیاری خداوند متعال زمین را از وجود افرادی که موجب ظلمات آئی شده‌اند پاک نموده‌ممل مختلفه را از زیر بار رقیت آنان رهایی بخشیم.

هر شخص و یا کشوری که علیه نازیسم بچنگد ما با او کمک خواهیم کرد و هر شخص و یا کشوری که بر له هیتلر قدم بردارد از دشمنان ما محسوب خواهد شد. این اصل نه تنها در باره حکومتهای متحده آلمان اجرا خواهد شد بلکه مشمول حکومتهای هم خواهد بود که برخلاف مصالح کشور و هم میهنان خود آلت‌دست نازی‌ها قرار گرفته‌اند و این دست نشانده‌ها چنانچه مانند سران نازی بدست هم میهنان خود معذوم نگردند در روز پیروزی به دادگاه عدل متفقین کشیده خواهند شد.

این است مشی سیاسی ما و آنچه که باید بجهانیان اعلام نمائیم از این نظر هر گونه کمک و مساعدتی که در حدود قدرت و توانائی ما باشد در باره ملت و کشورشوروی مبذول خواهیم داشت و از تمام دوستان و متفقین خود در کلیه نقاط دنیا تقاضا می‌کنیم که این سیاست را تا پایان چنگ تعقیب نمایند.

ما به دولت روسیه‌هر گونه کمک فنی و اقتصادی که در حدود توانائی ما باشد و ممکن است مورد استفاده آن کشور قرار گیرد پیشنهاد نموده‌ایم.

آلمان را شب و روز بمباران خواهیم کرد و هر روز بر شدت حملات هوایی خود خواهیم افزود و بمب های بیشتری بر فراز آلمان فرو خواهیم ریخت و برآلمانی ها طعم بلائی را که بر سر بشر آورده اند خواهیم چشانید.

این جنگ طبقاتی نسبت این جنگ جنگی است که در آن کلیه کشورهای امپراتوری انگلستان بدون هیچگونه تبعیض نژادی و مذهبی وحزبی به پیکار مشغولند.

وظیفه من این نیست که ازمشی سیاسی دولت امریکا سخن بگویم ولی میتوانم اعلام کنم که اگر هیتلر خیال میکند حمله اوبخاک شوروی مسکن است در کشورهای دموکراسی موجب اختلاف آراء یا تقلیل کوشش شود اشتباه بزرگی کرده است بر عکس ما سعی و کوشش خود را با دلگرمی واطمینان خاطر بیشتری بکار خواهیم برد تا بتوانیم بشر را از یداد گریهای آلمان رهائی بخشیم.

تهاجم هیتلربه روسیه مقدمه حمله او به کشورهای بریتانیای کبیر است هیتلر امیدوار است قبل از آنکه امریکا در جنگ مداخله کند انگلستان را از پای در آورد بنابراین خطر روسیه خطر ما و ایالات متحده امریکا است و هدف اهالی روسیه شوروی که برای دفاع از میهن خود میجنگند هدف مردان آزادی خواه در هر یک از نقاط جهان است. ما باید هر آن به کوشش خود بیفزاییم و با نهایت قدرت واخود گذشتگی دشمن را معدوم سازیم.

از نطق فوق الذکر که حاکی از سیاست آینده انگلستان نسبت به روسیه شوروی و آلمان بود بر همه دنیا مخصوصاً زمامداران نازی هسلم

گردید که متفقین چه رویه‌ای را در برابر هجوم آلمان به رویه‌ای اتخاذ واز
چه سیاستی پیروی خواهند کرد.

ملتونما یند کان مجلس شورای ملی انگلستان سخنرانی نخستوزیر
را پسندیدند و دولت را در کمک به رویه‌یه و بمباران شبانه روزی آلمان
تشویق و ترغیب کردند و کلیه ممالک متحده بریتانیا نیز سیاست چرچیل و
نظریه ملت و دولت انگلستان را تصویب و در پیروی از آن همقدم شدند.
روز بیست و سوم ماه زوئن سال ۱۹۴۱ سمنر و لول (Sumner Welles) وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا حمله آلمان را بخاک شوروی
مورد انتقاد قرارداد و وعده همه گونه مساعدت و کمک را به دولت رویه
شوری داد و روزولت رئیس جمهوری امریکا صراحتاً در مصاحبه مطبوعاتی
خود گفت که در آتیه هر گونه کمکی که در حدود قدرت و توانائی امریکا
باشد از رویه شوروی در بین نخواهد داشت و صدور تجهیزات نظامی را
بمقصد رویه در کشتی‌های امریکا آزاد خواهد گذارد و به وزارت دارائی
دستور خواهد داد که وجود نقد موجودی شوروی را در امریکا از قیود
موانع مستخلص سازد تا آن دولت بتواند به خریدهای آلات و ادوات جنگی
و حمل آنها بخاک خود اقدام کند.

رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا با موافقت دولت انگلستان
به رویه شوروی رسم‌آیینشناه کمک نظامی کرد و دولت رویه این‌یشن‌ناه
را پذیرفت و طبق قانون وام و اجاره قرارشده دولت مجبور سلاح مورد لزوم
خود را دریافت دارد.

قانون وام و اجاره عبارت از این بود که در تاریخ یازدهم ماه مارس
سال ۱۹۴۱ دولت ایالات متحده امریکا تصمیم گرفت بکلیه کشورهایی که
مخالف دول محور هستند و بعلت نداشتن موجودی طلا و دolar قادر بخرید

در امریکا نیستند و سایل دفاعی امانتاً بعارتیت بسپارد و در خاتمه جنگ و سایل تحول شده به دول را پس بگیرد و چنانچه اصل آنها ازین رفته باشد قیمتش را دریافت دارد.

بعول روزولت رئیس جمهوری ایالات متحدة امریکا قانون مزبور بمنزله لوله آبپاشی بود که به همسایه حریق زده امانتاً و عاریتاً واگذار میشد همانطوریکه همسایه پس از رفع احتیاج و فرونشاندن آتش لوله آبپاش را پس میداد همانطور هم دولی که آلات و ادواء نظامی را برای دفاعه در مقابل دول مهاجم طبق قانون مذکون بعارتیت میگرفتند ملزم بودند بعداز خاتمه جنگ و فرونشاندن آتش نبرد بدولت امریکا مسترد دارند. مجموع کمک امریکا طبق قانون موصوف بدول روی زمین به چهل و یک میلیارد دolar بالغ میشد که نود و هشت درصد مبلغ مزبور به دول چهار گانه انگلستان و فرانسه و روسیه شوروی و چین داده شد.

انگلستان ثلث اعتبار را دریافت داشت و بیشتر در راه خرید هوایپما که قریب ده هزار فروند میشد خرج کرد شوروی یک پنجم اعتبار را بدست آورد و صرف خرید چهارده هزار فروند هوایپما و هفت هزار ارابه جنگی و چهل و یک هزار اتوموبیل از امریکا نمود که قسمت اعظم این تجهیزات از راه ایران به روسیه شوروی ارسال گردید اما روسیه شوروی بعداز ختم جنگ و امضای معاهدات صلح از استرداد تسليحاتی که امانت گرفته بود و یا پرداخت بهای آن خودداری کرد و با اینکه در اوخر ماه ژانویه سال ۱۹۵۱ دولت ایالات متحدة امریکا چندین بار استرداد ادوایی را که طبق قانون وام و اجاره در ایام جنگ به روسیه داده بود خواستار شد دولت نامبرده از استرداد و یا تأییده بهای تجهیزات و ادوای جنگی دریافتی خود که بالغ بر پانصد میلیون دolar شده بود امتناع ورزید.

فصل چهل و نهم

نشر اتلانتیک

در اوایل ماه اوت سال ۱۹۴۱ میلادی فرانکلین روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا ووینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان دراقیانوس اطلس و در عرش رزمناو امریکائی که او گوستر (Auguster) نام داشت ملاقات و راجع به سیاست مشترک کی که باید در جنگ بر علیه دول محور تعقیب کنند تبادل نظر نمودند و در نتیجه روز چهاردهم ماه اوت سال ۱۹۴۱ اعلامیه‌ای که بنام منشور اتلانتیک معروف است منتشر ساختند که متن آن اعلامیه مشترک بدینقرار است:^۱

۱- در پیمان اتحاد که متن آن نقل می‌شود دولت شاهنشاهی ایران رسم‌آموخت خود را با اصول هشت گانه منشور اتلانتیک اعلام کرد نظر باهیت منشور اتلانتیک که اساس سیاست جهانی متفقون را در موقع جنگ و بعد از آن اعلام میدارد شرح مختصری از جریان صدور آن داده می‌شود.

روز ۱۴ اوت ۱۹۴۱ (۲۰ مرداد ۱۳۲۰) آفای کلامان اتلی (Clement Atlee) معاون نخست وزیر انگلستان اعلامیه‌ای منتشر نمود و توضیح داد که رئیس جمهور کشورهای متحده آمریکا و نخست وزیر انگلستان در اقیانوس اطلس یکدیگر را ملاقات کرده و راجع به موضوع ارسال مهمات بموجب قانون وام و اجاره بکشورهایی که در مقابل مهاجمین در جنگند (بیشتر کشور اتحاد جماهیر شوروی) مذاکره کردند. در این مذاکرات جزئیات خطمشی دو کشور برای دفاع خود و همچنین بقیه در زیر صفحه بعد

رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا و نیستون چرچیل نخست وزیر انگلستان از طرف اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان یکدیگر را ملاقات کرده و چنین صلاح دانستند که پاره‌ای از اصول مربوط به سیاست کشورهای خود را که بین دولت مشترک می‌باشد و برای تمام عالم آینده بهتری را تأمین می‌نماید انتشاردهند اصول مورد توافق از این‌قرار است:

۱- هیچیک از دو کشور طالب هیچ‌گونه تملک ارضی دیگری نمی‌باشد.

۲- هردو کشور مخالف هر گونه تغییرات مرزی که با موافقت آزاد ملل مربوطه انجام نشود می‌باشند.

۳- هردو کشور حق هر ملتی را در انتخاب حکومتی که مایل است محترم می‌شمارند و امیدوارند که حقوق حاکمیت و استقلال بهر ملتی که حقوق مزبور از آنها گرفته شده است داده شود.

رویه‌ای که باید نسبت بملل دیگر در موقع جنگ و بعد از آن اتخاذ نمایند تعیین گردید.

ملاقات روزولت و چرچیل در کشتی پرس افولز (Prince of wales) متعلق به انگلستان و در نیزد ناو اگوستر (Augester) متعلق بکشورهای متحده آمریکا واقع شد.

صاحبمنصبان عالی‌تبه و افسران ارشد دو کشور نیز در مذاکرات شرکت داشتند. از جمله :

(Admiral Sir Dudley Pound) از اطراف انگلستان؛ دریاسالار سرداری پوند (Lord of the Admiralty) و رئیس ستاد نیروی دریائی.
ژنرال سر جون دیل (G. Sir John Dill) رئیس ستاد امپراطوری.
لرد بیوربروک (Lord Beaverbrook) وزیر مهام.

از طرف کشورهای متحده آمریکا :

دریاسالار کینگ (Admiral King) فرمانده ناوگان اقیانوس اطلس.
ژنرال ژئوگرافیک (G. George Marshall) رئیس ستاد نیروی امریکا.
هاری هاپکینز (Harry Hapkins) رئیس وام واجاره. مترجم

۴- با توجه به تعهداتی که هردو کشوردارند سعی خواهند کرد که برای هر ملتی بطور تساوی کوچک یا بزرگ فاتح یا مغلوب دخول در تجارت دنیارا تسهیل و هر گونه مواد اولیه که برای پیشرفت اقتصادی آنها لازم باشد بدست آورند.

۵- هردو کشور ما می‌لند نهایت کوشش را بعمل آورند تا کلیه ملل در قسمت اقتصادی بمنظور تحصیل شایسته بهتری برای کارو پیشرفت اقتصادی و امنیت در شؤون اجتماعی با یکدیگر همکاری کاملی نمایند.

۶- پس از برآنداختن کامل ظلم و جور نازی هردو کشور امیدوارند صلحی که بتوانند وسائل زندگی و امنیت داخلی تمام ملل را تأمین نمایند برقرار شود و آنها را اطمینان دهد که هر کس در هر کشوری میتواند فارغ از ترس و احتیاج زندگانی کند.

۷- چنین صلحی باید بهر کس اجازه دهد که آزادانه در اقیانوسها و دریاها سیر نماید.

۸- دو کشور تصور می‌کنند که تمام ملل دنیا خواه به عمل مادی و خواه معنوی باید از اعمال زور دست بردارند و در آینده هر گاه ملتی تسلیحات زمینی و هوایی و دریائی خود را برای هجوم به مرزهای دیگر بکار برد هیچ گونه صلحی نمیتواند برقرار بماند.

بنابراین دو کشور تصور می‌کنند که تا ترتیب دائمی و وسیع برای امنیت عمومی داده نشده خلع سلاح ملی که ممکن است نیروی مسلح خود را برای تهاجم بکار ببرند ضروری است.

دو کشور مساعی خود را بکار خواهند برد تا ملل صلح جورا از زیر بار تسلیحات آزاد سازند.

فصل پنجم

اثرات جنگ روسیه و آلمان و استعفای اعلیحضرت رضا شاه کبیر

هر چند در فصول چهل و چهارم و پنجم و چهل و ششم درباره یادداشت‌های اعتراضی دولتین انگلستان و روسیه شوروی توضیحات کافی داده شده و بهانه‌هایی که در مورد وجود یک‌عدد آلمانی در ایران دستاویز آنان شده بود مفصل‌اً بحث شدولی برای اطلاع بیشتری در این فصل بنکات تاریخی دیگری که با ورود متفقین به ایران و اشغال کشور عزیز ما از طرف آنان بستگی کامل دارد توضیحاتی با اطلاع خواندن‌گان ارجمند میرسانیم.

در اوایل ماه اوت سال ۱۹۴۱ (مرداد ۱۳۲۰) اتنوی ایدن وزیر امور خارجه انگلستان در مجلس مبعوثان آن‌کشور ضمن سخنرانی مفصل خود راجع باوضاع بین‌المللی اشاره‌ای هم به ایران نمود و گفت:

وجود عده زیادی متخصص آلمانی در ایران خطر بزرگی برای استقلال آن‌کشور ایجاد نموده است و دولت انگلستان از روی کمال پا کی و صداقت نسبت باین خطر بدولت ایران تذکرداده و امیدوار است این اظهارات مورد توجه قرار گیرد.

چندی بعد هم تذکاریه‌هایی بین دولتین شوروی و انگلستان و وزارت امور خارجه ایران رد و بدل شد که مؤید اظهارات انتوئی ایدن وزیر امور خارجه انگلستان بود و دولتین نامبرده وجود متخصصین آلمانی را در ایران ستون پنجم یعنی جاسوسان آلمانی دانسته و اخراج آنها را خواستار شدند. دولت ایران در جواب تذکاریه‌های واصله از طرف دولت مزبور دولتین روسیه و انگلستان را مطمئن ساخت که نسبت بر فتار اتباع ییگانه مراقبت کامل داشته اعمال و کردار آنها را تحت دقت مخصوص قرارداده است.

اطمینان خاطر دولت ایران و وعده مراقبت و دقت در رفتار اتباع ییگانه برای دولتین روسیه و انگلستان که تصمیم خود را نسبت مسنوشت ایران گرفته بودند تأثیر نبخشید و ساعت چهار بعد از نصف شب دوشنبه سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ سفرای کبار دولتین مزبور به منزل نخست وزیر ایران رفته یادداشت مشترکی از طرف دولتها متبوع خود بمشارالیه تسلیم و شفاهای اظهارات داشتند که در همین ساعت یعنی چهار بعداز نصف شب سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ در مرزهای شمالی و جنوبی و غربی ایران قوای مسلح روسیه و انگلستان دست بقوه قهریه زده‌اند.

نخست وزیر همان موقع ملاقات سفرای کبار روسیه و انگلستان و تسلیم یادداشت و اظهارات شفاهی آنان را باطلاع اعلیحضرت رضاشاپهلوی پادشاه ایران که مردی مقندر و در تمام شئون کشورذی نفوذ بودند رسانید.

شاه از این واقعه غیرمنتظره و تجاوز علنی و مسلحانه و بدون علت و سبب باستقلال و تمامیت ایران در حیرت و تعجب ماندند و نتوانستند عملیات جابرانه دولت بزرگ را که در زمان صلح همیشه دم از عدالت بین المللی و طرفداری از ملل ضعیف میزدند و ظاهراً بهمین جهت هم با دولت آلمان

وارد جنگ شده بودند با اصول وقواعد بین المللی تطبیق دهند.

خبر تلگرافی واصله از شهرستانهای کشور حاکی بود در همان

ساعتی که سفرای کبار روس و انگلیس یادداشت‌های خود را به نخست وزیر ایران داده بودند ناوهای جنگی انگلیس بساحل خرمشهر در جنوب تزدیک شده و با حمله مسلح‌انه ناوهای ایران را غرق و چندین ملوان و افسر از جمله فرمانده نیروی دریائی جنوب را بنام دریادار بایندر کشته و سربازان هندی و انگلیسی در ساحل پیله و شهر آهوان را نیز بمباران کرده‌اند.

خبر و اطلاعات واصله از شمال هم حاکی از تجاوز سربازان روسی به استانهای آذربایجان و خراسان و بمباران شهرستانها و سربازخانه‌های واقع در شمال ایران بود. این پیش آمد ناگوار شاه را که از عملیات جابرانه همسایه‌های ایران در شگفت بود برآن داشت که سفرای دولتی نامبرده را بحضور طلبیده علت و سبب تجاوز غیر عادلانه و نابهنجام را استعلام کنند.

در ملاقات مزبور که پیش از یک ساعت بطول انجامید جواب مستدل و قانع کننده‌ای به اعلیحضرت پادشاه ایران داده نشد و نتیجه مثبتی بدست نیامد ناچار نخست وزیر جریان وقایع را برای اطلاع مردم بعد از ظهر روز سوم شهریور ماه در مجلس شورای ملی طرح و نطقی در این باره ایراد کرد که برای اطلاع خوانندگان ارجمند عیناً درج میگردد:

مطلوبی کدحالا با اطلاع آقایان نمایندگان میرسد فقط برای گزارش جریانات اخیر و وقایعی است که روی داده. آقایان نمایندگان در این موضوع هر گونه اظهاراتی داشتند باشند تمنا می‌شود به جلسات بعد معمول دارند.

بطوریکه ازابتدای وقوع جنگ کنونی بنا بفرمان ملوکانه مقرر گردید دولت شاهنشاهی بیطری ایران را اعلام نمود و با تمام وسایل و قوای خود دقیقاً این سیاست را پیروی و بموضع اجرا گذاشته و با یکرویه صریح و روشنی در حفظ کشور از خطر سرایت و قایع جنگ و درصیانت حقوق مشروع تمام دول که با ایران روابط دارند بویژه دول همسایه کوشیده چنانکه تا حال بهیچوجه منظری در ایران از هیچ طرف بیچیک از آنها متوجه نگردید با این حال دولت انگلستان و بعد از اتفاق آن دولت با دولت شوروی هردو متفقاً اظهاراتی مبنی بر نگرانی اقو وجود یک عده آلمانی در ایران نمودند و دونوبت در تاریخ ییست و هشتم تیرماه و تاریخ ییست و پنجم مردادماه برطبق اظهارات مزبور بوسیله نمایندگان خود تذکاریههایی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عمدہای از آلمانیهای مقیم ایران را درخواست میکردند در پاسخ این اظهارات چه ضمن مذاکرات عدیده شفاها و چه طبق تذرکایدهای تاریخ هفتم مرداد و تاریخ سی ام مرداد کتبأً اطمینانهای کافی در مراقبت‌های دولت ایران نسبت برقرار کلیه اتباع ییگانه و عدم امکان بروز مخاطراتی از عده محدودی آلمانی که در ایران مشغول کارهای معینی هستند داده شد و برای مزید اطمینان دودولت اقدامات مقتضی برای کاستن عده معتبر بهی از شماره آلمانی‌ها بعمل آمده و بجریان افتاد و مراتب مکرر چه در تهران و چه در مسکو و لندن بمقامات مربوطه دولت انگلستان و شوروی خاطر نشان و آنچه ممکن بود برای حصول اطمینان و روشن ساختن نظریه آنها کوشش بعمل آمد.

متأسفانه با تمام این مبارزات که دولت ایران بمنظور حفظ امنیت و آسایش کشور و وضع نگرانی دودولت همسایه خود نمود در عوض حسن

تفاهم و تسویه مسالمت آمیز قضیه نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت چهار صبح امروز منزل نخست وزیر رفته هر کدام یادداشتی مبنی بر تکرار مطالب گذشته که جواب آنها با اقدامات اطمینان بخشیداده شده بود تسلیم نموده و در این یادداشتها توسل خود را به نیروی نظامی اخطار کرده‌اند و مطابق گزارش‌های که رسیده معلوم شد نیروهای نظامی آنها در تاریخ همان ساعت که نمایندگان مزبور در منزل نخست وزیر مشغول مذاکره بودند از مرزهای ایران تجاوز نموده‌اند. نیروی هوایی شوروی در آذربایجان به بمباران شهرهای بازویی دفاع پرداخته قوای زیاد از جلفا به سمت تبریز اعزام شده است. در خوزستان قوای انگلیس به بندر شاهپور و خرم‌شهر حمله برد کشته‌های مارا غافل‌گیر نمودند و نیروی هوایی آن دولت به اهواز بمب ریخته و همچنین قوای انگلیسی با وسایل موتوریزه فوق العاده زیاد از طرف قصر شیرین بسمت کرمانشاه در حر کت می‌باشد.

قوای مت加وز در هر نقطه که با نیروی ارتش شاهنشاهی مواجه شده‌اند طبعاً تصادم و زد و خوردی هم رخداده است و دولت برای روشن ساختن علت و منظور این تجاوزات بفوریت مذاکره و اقدامات بعمل آورده و منتظر نتیجه می‌باشد که البته با استحضار مجلس شورای ملی خواهد رسانید.

چون فعلاً منتظر نتیجه مذاکرات هستیم تقاضاشد در این جلسه غیر از استماع گزارش صحبتی نشود بعد بموقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد.

دولت لازم میداند بعموم افراد کشور توصیه و تأکید نماید که در این موقع باید کمال خونسردی و متناسب را بخرج داده و با رعایت آرامش رفتار نمایند.

روزهای بعد یعنی سوم و چهارم شهریور سر بازان روسی و انگلیسی در شمال و جنوب و مغرب ایران تجاوز مسلحانه خود بدون توجه به یطرفی کشورها ادامه داده و رو بمر کرپیش تاختند و بعضی از شهرها را از هوا بمباران نمودند و تا روز هشتم شهریور ماه که برابر با سی ام ماه اوت سال ۱۹۴۱ میلادی است دست از عملیات جنگی نکشیده تجاوز خود را تعقیب میکردند و با اینکه روز پنجم شهریور ماه رئیس دولت استعفا داد و دولت جدیدی بنظرور اینکه دولتی روس و انگلیس حاضر بمناسبت این کره و سازش شوند روی کار آمد معهداً نتیجه‌ای حاصل نگردیده و تاخت و تاز آنان کما کان ادامه داشت.

چون کم و بیش از طرف قوای نظامی ایران هرجا با قوای متفقین تماسی حاصل میشد اقدام به زد و خورد و دفاع میگردید لذا به طرفین تلفات وارد می‌آمد.^۱

۱- اطراف ایان اعلیحضرت رضاشاه کبیر ازقبیل وزراء و کارمندان مؤمن و عالیرتبه دولت علاقه چندانی بوطایف و تکالیف خود نداشتند و حتی عده‌ای از آنها در بعضی از موارد هم اگر توفیق می‌یافتدند و جرأت میکردند از اخلال در امور خودداری نمودند حادثه ذیل را که در همان روزهای تیر جنگ و ورود سپاهیان متفقین به ایران اتفاق افتاد برای تموهه ذکر میکنیم.

این حادثه حاکی از علاقه اعلیحضرت رضاشاه کبیر بعطفت و سبلندی ایران است و از حسن وطنبرستی شدید وی سرچشمہ میگیرد و همچنین ببعاقگی اطراف ایان ایشان را با مور کشور بخوبی نشان میدهد این جریان عیناً از یکی از جراید یومیه عصر نقل میگردد:

افسان عالیرتبه ارش از که عضویت شورای عالی جنگ را داشتند صبح آن روز (سوم شهریور ۱۳۲۰) جلسه‌ای تشکیل داده ولایحه‌ای را امضا کرده بودند که طبق آن خدمت نظام وظیفه در کشور موقوف گردد و بتدربیج افراد مرخص شوند و برای آینده قشون داوطلب گرفته شود. این پیشنهاد در حقیقت انجلال ارش ایران بود و زحمات جند ساله رضا شاه را در برقراری نظام وظیفه در ایران بهدر میداد. شاه دستور بقیه در زیر صفحه بعد

دولت جدید بمنظور اثبات نیات خیرخواهانه خود صلاح کشور را در ترک مخاصمه و متار که خونریزی دانست ورئیس دولت در مجلس اعلام نمود که چون دولت وملت ایران صمیمانه طرفدار صلح و مسامتم بوده و میباشند برای اینکه نیت تزلزل ناپذیر خود را کاملاً برجهانیان مکشف سازند راین موقع که از جانب دو دولت شوروی و انگلستان اقدام به عملیاتی شده که ممکن است هوجب اختلال صلح و سلامت گردد دولت پیروی از هنوهای صلح خواهانه اعلیحضرت همایونی قوای نظامی کشورهم را کنون دستور میدهد که از هر گونه عملیات مقاومتی خودداری نمایند تاموجنبات خونریزی و اختلال امنیت هر تفعیش شود و آسایش عمومی حاصل گردد.

داد اعضاء کنندگان پیشنهاد بسعد آباد احضار شوند و همینکه همه جمع شدند شاه در حالی که ولیعهد نیز همراه او بود با فسان نزدیک شد و پرسید علت این پیشنهاد چه بود و برای چه آنرا اعضاء کردند. افسران از چگونگی برخورد شاه و شدت خشم او بر خود لرزیدند و نتوانستند جواب قانون گشته ای بدھند.

این پیشآمد درست بدنیال هر خص کردن سربازان لشکر های یا یتحت بود که با وضع تأسفآوری چند هزار سرباز را از سربازخانه ها بی پول و گرسنه خارج و آواره شهر و بیابانها کرده بودند همان شب که سربازها هر خص شده و با وضع حزن انگیزی در خیابانها و کوچه های ههران سرگردان بودند ولوانه عجیبی در شهر افتادند، نگرانی و اضطراب شدیدی در مردم تولید گردید و همان شب بود که عده بیشماری از تهران فرار کردند و سربازان گرسنه و بدبخت هم رویدهات و شهروندان خود پیاده و گرسنه روان گردیدند.

فردا آنروز بود که شاه فقید از قضیه مستحضر گردید و متأثر شد و بلا فاصله دستور جمع آوری افراد را صادر کرد و اتو مو بیل ها و مو تور سیکلت ها در شهرها و جاده های خارج برای افتادند و عده زیادی از سربازان آواره شده را جمع آوری و بسر بازخانه ها بر گردانندند.

این واقعه دلخراش بتمام معنی حکایت از کمک و تسريع در بهم ریختن اوضاع میکرد والا چگونه ممکن بود چند هزار سرباز وظیفه را لخت و گرسنه از سربازخانه ها خارج کنند و حیره و مواجه آنها را عیف و میل نمایند بعلاوه صدور چنین امریه ای که کسی زیر بار آن نمیرفت از مسائلی بود که شاه فقید راسخ ظنین ساخته بود از اینها گذشته گز ارشاتی همان دور روز اول حادته از طرف افسران ستاد بقیه در زیر صفحه بعد

در حقیقت از صبح روز هفتم شهریور ماه قوای نظامی ایران از هر نوع مقاومت و زد خوردی دست برداشت و بهیچگونه عملیات جنگی اقدام نکرد ولی سربازان روسی و آینگلیسی کما کان بطرف مرکز پیش میرفتند و حدی برای توقف خود قائل نبودند و تصور میشد که میخواهند بر تمام خاک کشور مسلط شوند . روزهیجدهم شهریور ماه ۱۳۲۰ برابر با نهم ماه سپتامبر سال ۱۹۴۱ وزیر امور خارجه ایران در مجلس جریان مذاکرات دولت را با سفرای کبار دولتین انگلیس و روس بیان داشت و نامه های متبادل را فرائت نمود او لین نامه صادره بعنوان سفرای کبار دولتین انگلستان و روسیه شوروی بدینظر از است :

دولت ایران با رعایت سیاست بیطرفی پیوسته کوشش داشته است مناسبات دوستانه خود را با تمام دول بویژه با دول همسایه محفوظ بدارد در این موقع هم که نیروی جنگی دولتین وارد خاک ایران گردیده اند دولت

شورای جنگ تقدیم شاه فقید شده و اظهار عقیده کرده بودند که نمیتوان هیچگونه مقاومتی با قوای مهاجم کرد و ترک مقاومت و تسليم را پیشنهاد نموده بودند و استقرار قوا را در چند کیلومتری پاخته برای حفاظت شهر از هجوم قشون اجانب که بشکل نگین شهر را نگاهداری کنند امری بیهوده دانسته و با کمال تأسف نتوانستند یا خواستند بچند هزار سر باز در چند کیلومتری تهران خوراک برسانند.

این جریانات در فکر شاه دفیله میداده رثایه نیز بر خشم اولیا فزوداما پیش آمدی رشته فکر شاه را مشوش تر و بدتر کرد و آن گزارشی بود که تلگرافی قصر سعدآباد حضور شاه تقدیم نمود و آن گزارش حاکی از عبور قشون شوروی از ینگی امام (شتگرد) راه قزوین بست تهران بود .

در این موقع حالت شاه تغییر کرد و گویا انحرافی در فکرش بیداشد جلوی دونفر از افسران رفت و با فشار دست درجه آنها را از روی شانه و لباستان پاره کرد و دستورداد که این دونفر را توقیف کنند و بدون اینکه دیگر حرفی بزند راه خود را پیش گرفت و از یکی از خیابانهای سعادآباد عبور کرد و رفت، افسران دیگر نفسی بر احتی کشیدند و با عجله بشیر باز گشتند.

این بود متن مقاله ای که درباره وقایع شوم شهریور ماه ۱۳۲۰ در یکی از جراحت یومیه عصر تهران درج شده بود و عیناً برای اطلاع خوانندگان گرامی نقل شد. مترجم

ایران برای ابراز کمال حسن نیت و حفظ مناسبات اقدام بجنگ نمود با اینحال قوای آن دولت اقدام بعملیات جنگی و بمباران شهرها نموده و نیروی پادگان ایران در شهرستانها هم در مقابل حمله‌ای که با آنها شده است ناگزیر از خود دفاع و مقاومت نموده‌اند ولی دستور داده شد که نیروی دولتی بکلی ترک مقاومت نموده از هر گونه اقدامی خودداری کنند انتظار دارد قوای آن دولت هم حرکت خود را متوقف ساخته عملیات جنگی را متوقف کردند. جواب دولتین انگلستان و روسیه شوروی به امامه فوق الذکر بشرح ذیل است :

۱ - دولت ایران باید امر صادر نماید که ارتش ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال و شرق خطی که از خانقین و کرمانشاه و خرمآباد و مسجد سلیمان و هفت گل و گچساران و از آنجا بیندر دیلم که در خلیج فارس واقع شده است عقب‌نشینی نماید .

در شمال هم ارتش ایران باید از اشنو و حیدرآباد و میاندوآب و زنجان و قزوین و خرمآباد و بابل و زیرآب و سمنان و شاهroud و علیآباد عقب‌نشینی کنند و موقتاً این نقاط در جنوب بوسیله ارتش انگلیس و در شمال بوسیله ارتش شوروی اشغال گرددند .

۲ - دولت ایران باید ظرف یک هفته کلیه اتباع آلمان را باستثنای اعضا حقیقی سفارت آلمان و چند نفر اشخاص فنی که در بنگاه‌های مخابراتی و نظامی نپاشند از ایران خارج نموده و صورت اسامی آلمانی‌های مذبور را برای موافقت نمایند کان انگلیس و شوروی در تهران تسليم نماید و دولت باید تعهد کند که اتباع آلمانی دیگر بخاک ایران وارد نشوند .

۳ - دولت ایران باید تعهد نماید که مانعی در راه حمل و نقل

لوازمی که شامل ادوات جنگی نیزخواهد بود و از وسط خاک ایران بین نیروهای شوروی و انگلیس بعمل خواهد آمد قرار نداده بلکه تعهد نماید و سایل تسهیل حمل و نقل این قبیل لوازم را که بوسیله راه آهن و یا از طریق هوا حمل میشود فراهم سازد.

در مقابل دولتین انگلیس و شوروی موافقت مینماید که:

الف - حقوق مربوط بنفت وغیره ایران را کما فی السابق پیردادند.

ب - وسایل تسهیل لوازم مورد احتیاجات اقتصادی ایران را فراهم سازند .

ج - پیش روی زیبادتر نیروهای خود را متوقف ساخته و بمحمد اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد ارتضی خود را از خاک ایران خارج نمایند.

د - علاوه بر این دولت ایران تعهد نماید که بیطرفی خود را ادامه داده و هیچگونه عملی که برخلاف منافع دولتین انگلیس و شوروی باشد در این مبارزه که بر اثر تجاوز آلمان بر آنها تحمیل گردیده است ننماید.

دولت ایران تقریباً تمام تقاضاهای دولتین انگلستان و روسیه شوروی را قبول و اصلاحات جزئی پیشنهاد نمود که مورد موافقت دو دولت نامبرده واقع نشد و تمام درخواستهای آنان به موقع اجرا درآمد معهداً به بهانه‌های مختلف سربازان دول مذکور حرکت خود را متوقف نساختند و مخصوصاً قوای روسیه از قزوین عازم تهران شد که آنجا را تصرف کند.

رشاشه کبیر که برخلاف میل باطنی با جبارتن به تقاضاهای اجانب داده بودند چون عهدشکنی و تخلف از پیشنهادات آنان را دیدند یقین حاصل کردند که آنچه تاکنون مورد مذاکره و بحث قرار گرفته و اوقات دولت ایران را بخود مشغول داشته بهانه‌ای بیش نیست و دولتین انگلستان و روسیه شوروی

معناً با سلطنت و برقراری پادشاهی ایشان مخالف هستند بدین جهت برای جلوگیری از خرایی کشور و قتل و غارت که ممکن بود بدست قوای یگانه صورت گیرد به صلاح مردم ایران تصمیم گرفتند که از سلطنت استعفای داده و کناره گیری کنند و قبل از ظهر روز یست و پنجم شهریور ماه سال ۱۳۲۰ با ابر با شاتزدهم ماه سپتامبر سال ۱۹۴۱ نخست وزیر کناره گیری رضا شاه پهلوی را از سلطنت بشرح ذیل در مجلس رسماً اعلام داشت :

یکی از مهمترین قضایا و امور را که واقع شده است باید بعرض مجلس شورای ایلی و باطلاع عموم ملت برسانم و آن این است که اعلیحضرت رضا شاه پهلوی بمحاجاتی که حالا خواهیم گفت اراده کردند که از سلطنت کناره کنند و امر سلطنت را بجانشین قانونی خودشان تفویض فرمایند ایشان استعفای نامه‌ای نوشته‌اند و احضرت همایون ولایت عهد زمام امور را بdest

گرفتند . متن استعفای نامه ایشان این است :

نظر باینکه همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام حس میکنم که اینک وقت آن رسیده است که قوه بینیه جوانتری بکار کشور که مرا قبیلت دائم لازم دارد پردازد که اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد بنابراین امور سلطنت را بولیعهد و جانشین خود تفویض واذ کار کناره نمودم از امروز که روز یست و پنجم شهریور ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشگری و لیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت بمن میکردد نسبت بایشان منظور دارند . کاخ مرمر تهران یست و پنجم شهریور ۱۳۲۰ . رضا شاه ضمناً اعلیحضرت جدید مرا مأمور فرمودند باطلاع مجلس شورای ملی برسانم که در امر مملک و مملکت داری کاملاً یک پادشاه قانونی هستند و

تصمیم قطعی ایشان براین است که قانون اساسی و مصالح عالیه دولت و مملکت و ملت ایران را کاملاً رعایت کرده و محفوظ بدارند امیدوارم این سلطنت نو بر ملت ایران مبارک باشد و تقاضا میکنم فردا باز مجلس شورای ملی تشکیل شود که اعلیحضرت همایونی تشریف آورده بوظایف قانونی خودشان عمل کنند.

روزیست و هشتم شهریورماه ۱۳۲۰ محمد رضا شاه پهلوی پادشاه جدید در جلسه علنی مجلس شورای ملی حاضر و قسم نامه را که متن آن بقرار ذیل است :

بسمه تعالی

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام الله مجید و با نجه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت را نگهبان و بر طبق آن وقواین مقرر ره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عز شانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت به ترقی ایران توفیق می طلبم و از ارواح طيبة اولیاء اسلام استمداد میکنم.

خوانند و امضاء کرند و سپس خطابهای مبنی بر رعایت اصول مشروطیت مخصوصاً تفکیک قوا و احترام به قانون اساسی و لزوم همکاری دولت و مجلس قرائت کرند و بین طریق رسمی بر تخت سلطنت نشستند و پادشاه قانونی کشور شدند.

رضاشاه کبیر بعد از اعلام کناره گیری خود از سلطنت با تمویل بطرف اصفهان و کرمان حرکت کردند و قرارشد با کشتی پستی موسوم به (بندر) به هندوستان و از آنجا به شیلی واقع در امریکای جنوبی بروند. رضاشاه کبیر پس از عزیمت از تهران بمنظور رسیدن کشتی بندراء به بندر عباس چند روزی در اصفهان توقف کردند در همین ایام کلیه اموال منقول و غیر منقول خود را به فرزندشان اعلیحضرت همايون محمد رضا شاه پهلوی بخشیدند تا بمقتضای مصلحت کشور به مصرف امور خیریه و فرهنگی برسانند. متن صلح نامه صادره از طرف اعلیحضرت رضاشاه کبیر بدین قوای است:

بنام خداوند متعال

چون از ابتدای تأسیس و تشکیل سلطنت خود پیوسته در فکر عمران و آبادی کشور بوده و این مطلب را در مقدمه برنامه اصلاحات کشور خود فرارداده بودم و همواره در نظر داشتم آن رویه عمران سرشق کلیه صاحبان زمین و املاک گردد تا در موقع خود بتوانم از نمرة این املاک کلیه ساکنین و رعایای کشور خود را بهره مند سازم این فرصت در این موقع که فرزند ارجمند عزیزم اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی زمام امور کشور را بdest گرفته اند حاصل شده است بنابراین صالح نمودم کلیه اموال و دارائی خود را اعم از منقول و غیر منقول و کارخانجات وغیره از هر قبیل که باشد بایشان بمال الصلح ده گرم نبات موهوب تا بمقتضای صالح کشور بمصارف خیریه و فرهنگی وغیره به رطیقی که صلاح بدانند برسانند.

رضاشاه کبیر روز پنجم مهرماه از بندر عباس به کشتی پستی بندراء نشستند و بسمت هندوستان حرکت کردند و امیدوار بودند همانطوری که وعده داده بودند وسایل عزیمت ایشان را به کشور شیلی در امریکای جنوبی

فراهم‌سازنداماچون کشتی «بندرا» انگلیسی بود برخلاف وعده و تعهد فوق الذکر انگلیسیها معظم له را بجزیره موریس واقع در افریقای جنوبی که از جزایر بدآب و هوا میباشد برند و رضا شاه از این عهد شکنی انگلیسیها خصوصاً اینکه اورا در جزیره بدآب و هوائی پیاده میکنند بسیار ملول و مکدر شد و پس از آن این پادشاه وطن پرست و عالیقدر را بجزیره زوہانسبورگ منتقال دادند که قدری قبل از طلوع آفتاب روز چهارشنبه چهارم مردادماه سال ۱۳۲۳ در جزیره اخیر الذکر دارفانی را وداع گفت و با مرگ این پادشاه وطن پرست و فداکار کشور ایران یکی از لایق ترین و گرامی ترین فرزندان خود را ازدست داد ولی باید باطلاع خوانندگان ارجمند برسانم که کشور وملت ایران فداکاریها و اصلاحات اساسی این مرد بزرگ را که در تمام شئون اداری و اجتماعی در زمان سلطنت خود بعمل آورده است و در فصول گذشته بتفصیل در این باره بحث شده است فراموش نخواهد کرد و همانطوری که نویسنده این کتاب در بیان داشت دوم خود نوشته است باید نام رضا شاه کبیر جزء فرمانروایان بزرگ در تاریخ جاویدان ثبت گردد .

فصل پنجم و یکم

پیمان اتحاد سه گانه

در موقعیکه جنگ دوم جهانی در سراسر کره ارض جهان داشت و کشور ایران از طرف قوای متفقین اشغال شده بود اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی پادشاه جوان ایران و شادروان محمد علی فروغی نخست وزیر و سیاستمدار با تدبیر آن زمان با فعالیت‌های شبانه روزی با نمایندگان تام‌الاختیار کشورهای انگلستان و روسیه شوروی مشغول‌مذاکره شدند و پس از مدت‌ها کفتگو و تبادل نظر پیمان اتحاد سه گانه‌ای با دو کشور مذکور منعقد ساختند که چون این پیمان در تاریخ کشور ایران بسیار مؤثر است برای اطلاع خوانندگان گرامی درج می‌گردد.

این پیمان روز پنجشنبه نهم بهمن ماه ۱۳۲۰ (۲۹ زانویه ۱۹۴۲)

ساعت هیجده و پانزده دقیقه در کاخ وزارت امور خارجه با مضاء رسید.

پیمان اتحاد

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یکطرف و اعلیحضرت پادشاه

بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس مأوراء بحار و امپراطور هندوستان

و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف دیگر،
نظر با صل منشور ااتلاتیک که رئیس جمهور دول متحده امریکا و نخست وزیر
دولت انگلستان در چهاردهم ماه اوت ۱۹۴۱ بر آن توافق کرده و بجهان
اعلام نموده اند و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز در بیست و
چهارم سپتامبر ۱۹۴۱ اصل مذبور را تأیید نموده و دولت اعلیحضرت همایون
شاهنشاه ایران هم توافق کامل خود را با آن اصل ایراز مینمایند و مایلند
که با مملک دیگر جهان بطور یکسان ازان به ممند شوند و چون آرزومند
میباشند که رشتہ دوستی و حسن تفاهم فیما بین استوار شود و نظر با ینکه این
مقاصد بوسیله عقد پیمان اتحاد بهتر حاصل میشود؛ توافق نمودند که برای
این منظور پیمانی منعقد سازند و نمایندگان مختار خود را از این قرار
تعیین نمودند:

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران:

جناب آقای علی سرهیلی

وزیر امور خارجه شاهنشاهی

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس
ماوراء بخار و امپراتور هندوستان بنام مملکت متحده بریتانیای
کبیر و ایرلند شمالی:

جناب آقای سر ریدر ویلیام بو لارد

وزیر مختارونما بندۀ فوق العادة اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ایران

هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی:

جناب آقای اندریو یوج اسمیر نوف

سفیر کبیر فوق العادة اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران.

ونمایندگان مذبور اختیارات تامة خود را ارائه نمودند که صحیح

و معتر بوده و بر مقررات ذیل موافقت کردند:

فصل اول

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس ماوراء بخار و امپراطور هندوستان و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (که از این پس آنها را دول متحده خواهیم نامید) مشترکاً و هر یک منفرداً تعهد میکنند که تمامیت خاک ایران و حاکمیت واستقلال سیاسی ایران را محترم بدارند.

فصل دوم

ما بین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یکطرف و دول متحده از طرف دیگر پیمان اتحادی بسته میشود.

فصل سوم

۱ - دول متحده مشترکاً و هر یک منفرداً تعهد میشوند که بجمعیت وسائلی که در اختیاردارند از ایران در مقابل هر تجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگر دفاع نمایند.

۲ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران تعهد میشوند که :

الف - بجمعیت وسائلی که در دست دارند به روجه ممکن شود با دول متحده همکاری کنند تعهد فوق انجام یابد و لیکن معاضدت قوای ایرانی محدود بحفظ امنیت داخلی در خاک ایران خواهد بود.

ب - برای عبور لشکریان یا مریمات از یک دولت متحد بدولت متحد دیگر یا برای مقاصد مشابه دیگر بدولت متحده حق غیر محدود بدنهند که آنها جمیع وسائل ارتباطی را در خاک ایران بکاربرند و نگاهداری کنند و حفظ بنمایند و در صورتیکه ضرورت نظامی ایجاب نماید به نحوی که مقتضی بدانند در دست بگیرند. راههای آهن و راهها و رودخانه‌ها و میدانهای هواپیمائي و بنادر و لوله‌های نفت و تأسیسات تلفنی و تلگرافی و بی‌سیم مشمول این فقره میباشند.

ج - هر نوع مساعدت و تسهیلات ممکن‌هست بنماشند که برای منظور نگاهداری و بیبود وسایل ارتباطیه مذکور در فقره (ب) مصالح و کارگر فراهم شود.

د - با تفاق دولت متحده هر گونه عملیات سانسوری که نسبت‌بوسایل ارتباطیه مذکور در فقره (ب) لازم بدانند برقرار کنند و نگاه بدارند.

۳ - واضح و مسلم است که در فقره (ب - ج - د) از بند دوم این فصل دولت متحده حوائج ضروری ایران را کامل‌منظر نظر خواهد داشت.

فصل چهارم

۱ - دولت متحده میتوانند در خاک ایران قوای زمینی و هوایی و هوائی بعدمای که لازم بدانند نگاه دارند و تا جایی که مقتضیات است اثربک اجازه بدهد نقااطیکه این قوای آنجا نگاهداشته خواهد شد با موافقت دولت ایران تعیین خواهد شد. جمیع مسائل مربوط بروابط بین قوای دولت متحده و ادرات دولت ایران حتی الامکان با همکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد بنحوی که مأمویت قوای مزبور محفوظ باشد. مسلم است که حضور این قوا در خاک ایران اشغال نظامی نخواهد بود و نسبت بادارات و قوای تأمینیه ایران وزندگانی اقتصادی کشور ورفت و آمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات ایران هر قدر ممکن باشد کمتر مزاحمت خواهد نمود.

۲ - هر چه زودتر ممکن شود بعد از اعتبار یافتن این پیمان یک یا چند قرارداد راجع بتعهدات مالی که دولت متحده بسبب مقررات این فصل و فقره (ب - ج - د) از بند دوم فصل سوم بر عهده خواهد داشت در اموری از قبیل خریدهای محلی و اجازه ابنيه و تأسیسات صنعتی و بکار گرفتن کارگران و مخارج حمل و نقل و امثال آن فيما بین منعقد خواهد شد. قرارداد مخصوصی منعقد خواهد شدما بین دولت متحده و دولت شاهنشاهی ایران که

معین خواهد کرد که بعد از جنگ اینیه و اصلاحات دیگری که دولت متحده در خاک ایران انجام داده باشند بچه شرایط بدولت شاهنشاهی ایران واگذار میشود در قراردادهای مزبور مصونیت‌هایی هم که قوای دولت متحده در ایران از آن برخوردار خواهند بود مقرر خواهد گردید.

فصل پنجم

پس از آنکه کلیه مخاصمه‌های میان دولت متحده با دولت آلمان و شرکای آن بموجب یک یا چند قرارداد مtarکه جنگ متوقف شد دولت متحده در مدتی که زیاده از ششماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد و اگر پیمان صلح میان آنها بسته شد و لواینکه قبل از ششماه بعد از مtar که باشد بالاتفاقه قوای خود را بیرون خواهند برد. مقصود از شرکای دولت آلمان هر دولت دیگری است که اکنون یا در آینده بایکی از دولت متحده بنای مخاصمه گذاشته یا بگذارد.

فصل ششم

۱ - دولت متحده متعهد میشوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشن اختیار نکنند که تمامیت خاک و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد و پیمانهای نبندند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد و متعهد میشوند که در هر امری که مستقیماً با منافع ایران مرتبط باشد با دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشاوره نمایند.

۲ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه متعهد میشوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشن اختیار نکنند که با اتحاد منافی باشد یا پیمانهای منعقد نکنند که با مقررات این پیمان منافات داشته باشد.

فصل هفتم

دول متحده مشترکاً متعهد می‌شوند که بهترین مساعی خود را بکار ببرند که حیات اقتصادی ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند.

پس از آنکه این پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن باین تعهد مابین دولت ایران و دولت متحده مذاکرات شروع خواهد شد.

فصل هشتم

مقررات این پیمان مابین اعلیحضرت همایون شاهنشاه و هریک از دو طرف معظم متعاهد دیگر مانند تعهدات دو طرفی یکسان المقام آوراست.

فصل نهم

این پیمان پس از امضاء معتبر است و تا تاریخی که برای بیرون بردن قوای دول متحده از خاک ایران بر طبق فصل پنجم مقرر شده باعتبار باقی خواهد بود.

بنابراین نمایندگان مختارند که در فوق این پیمان را اعضاء عوهر کرده‌اند.

در تهران بسه نسخه فارسی و انگلیسی و روسی تحریر شدو هر سه نسخه یکسان معتبر خواهد بود.

علی سهیلی
ر. دبلیو. بولارد
ا. اسمیر نوف

فصل بیجاه و دوم

اعلامیه ملل متحده - اعلان جنگ ایران به آلمان - اعلامیه سرانه دولت

در تاریخ اول ژانویه سال ۱۹۴۲ مطابق با یازدهم دیماه ۱۳۲۰ در شهر واشنگتن پیمان اتحادی بین بیست و شش کشور بر علیه محور امضاء شد که این پیمان بعداً بنام اعلامیه ملل متحده -

(Declaration by United Nations) معروف گردید و اینک متنه آن برای اطلاع خوانندگان ارجمند درج میگردد.

نظر باینکه دول امضاء کننده به بر نامه مشترک اصول و مقاصد مندرجه در اعلامیه رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا و نخست وزیر بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی مورخ ۱۴ آوت ۱۹۴۱ معروف به منشور اتلانتیک ملحق شده‌اند و نظر باینکه یقین دارند دفاع از جان و آزادی واستقلال و حریت مذهبی و همچنین صیانت حقوق بشر و اجرای عدالت در کشورهای خود و کشورهای دیگر مستلزم این است که بر دشمنان خود کاملاً مظفر و پیروز گردند و نظر باینکه هم اکنون مشترکاً بمبارزه بر علیه قوای خشن ووحشی که در صدد است دنیا را تحت سلطه و انتقاد خود در آورد مشغول هستند علیهذا اعلام میدارند :

- ۱- هریک از دول اعضاء کننده متعهد میشود کلیه منابع اقتصادی و نظامی خود را بر علیه آن عضویا اعضای دول پیمان سه گانه و متعدد نشان که با آنها در حال جنگ است بکار برد .
- ۲- هریک از دول اعضاء کننده متعهد میشود باسا بر دول اعضاء کننده همکاری کرده به ترک مخاصمه و صلح جدا گانه با دشمنان مشترک مبادرت نماید .

ملل دیگری که هم اکنون در این موارزه بر علیه هیتلریسم کمک مادی یا مساعدتهای دیگری مینمایند یا ممکن است بعدها بن اقدام مبادرت نمایند میتوانند باین اعلامیه ملحق شوند .

در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۲ در واشنگتن تحریر یافت .

این اعلامیه مشترک از طرف دول زیر اعضاء شده است :

کشورهای متحده امریکا

بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی

اتحاد جماهیر شوروی .

هائیتی	چین
--------	-----

هندوراس	استرالیا
---------	----------

هندوستان	بلژیک
----------	-------

لوکزامبورگ	کانادا
------------	--------

هلند	کستاریکا
------	----------

زلاند جدید	کوبا
------------	------

نیکاراگوا	چک اسلواکی
-----------	------------

نروژ	جمهوری دومی نیکن
------	------------------

پاناها	سالوادر
لہستان	یونان
افریقای جنوبی	کوانتملا
یو گوسلاوی	

در ساعت نهودی دقیقه صبح روز پنجم شنبه هفدهم شهریور ماه ۱۳۲۲ (نهم سپتامبر ۱۹۴۳) فرمان اعلام حالت مخاصمه بین دولت ایران و دولت آلمان بشرح ذیل صادر گردید :

با تأییدات خداوند متعال ما

محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

بنا به پیشنهاد دولت و برطبق اصل پنجاه و یکم قانون اساسی از تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ حالت جنگ را بین کشور خودمان و آلمان مقرر و اعلام میداریم .

هفدهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و بیست و دو محل صحنه همایونی

و در ساعت ده صبح همان روز مرحوم سهیلی نخست وزیر ایران با هیئت دولت در مجلس شورای ملی حاضر شدند و مقارن ساعت یازده و نیم قبل از ظهر نخست وزیر بیاناتی بشرح ذیل :

بطوریکه خاطر نمایند کان محترم مستحضر است دولت شاهنشاهی در آغاز جنگ کنونی بیطرفی خود را بدول متخصص اعلام و در حفظ شرایط

آن نهایت مراقبت را معمول داشت ولی در نتیجه پیش آمدهائی که هنتری بوقایع شهریور ۱۳۲۰ گردید پیمانی بین دولت ایران از یکطرف و دولتی انگلیس و شوروی از طرف دیگر منعقد شد و از آن پس این قرارداد مبنای سیاست خارجی نسبت بمتخصصین قرار گرفت و روی دولت شاهنشاهی در مقابل دول محور روشن و اعلام شد و انتظار میرفت دول محور با در نظر گرفتن وضع خاص ایران و تهدایاتِ^{۱۰} کشور در مقابل متفقین دارد مبادرت باقدامات و عملیاتی نمایند تا بالنتیجه موج اخراج دولت ایران از تعقیب رویه‌ای که در پیمان سه‌گانه اتخاذ نموده گردید و قایعی که اخیراً بروز کرده و شواهد و مدارکی که درست است منجمله تحریک جمعی از عشایر بر علیه دولت که منجر بوقایع اسف آوری گردید و همچنین اعزام افراد مخصوص بوسیله هواپیماها بمنظور تخریب راه آهن و قطع وسائل ارتباطیه و تشکیل سازمانهای جاسوسی و سایر اقداماتی که خاطر نمایند گان محترم از چگونگی آنها آگاه می‌باشد آشکار ساخت که عمال آلمانی برخلاف انتظار دست بفعالیت‌های وحیمی در ایران زده وسعتی کرده‌اند با ایجاد اختلاف و تفرقه بین مردم این کشور آتش فتنه و انقلاب داخلی را بربا ساخته و موجبات سلب آسایش عامد و اختلال امنیت مملکت را فراهم کنند.

دولت ایران این قبیل عملیات نامشروع دولت آلمان را در داخله ایران خصمانه تلقی کرده و تحریکات و دسائی را هم که بمنظور ایجاد فتنه و آشوب در سراسر کشور بعمل آمده است مخاطره آمیز تشخیص و برای حفظ مصالح عالیه کشور خود حقاً موظف می‌باشد اقداماتی در خاتمه دادن با این وضعیت و اوضاع ناگوار که مورد انتزجار قاطبه ملت ایران است بعمل آورد بنابراین دولت بامداده در جمیع جهات امر و تشخیص منافع مملکت

در حال و استقبال خود را ناگزیر دید بفرمان اعیان حضرت همایون شاهنشاهی حالت مخاصمه را بین ایران و آلمان اعلام دارد و در همین حال الحق خود را باعلامیه مشترک ملل متفقه مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ اعلام میدارد.

ایراد نموده و فرمان همایونی را بشرح مذکور قرائت کرد و الحق کشور ایران را باعلامیه مشترک ملل متحده اعلام داشت.

پس از صدور فرمان مزبور و نطق تاریخی نخست وزیر تلگرافهایی بین اعیان حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی و پادشاه انگلستان و رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا و فرمانده کل قوا چین مخابره کردید.

در اثر سعی و کوششی که ایران در راه پیروزی متفقین معمول داشت سران سه کشور معظم در بحبوحه جنگ در تهران گردآمدند و اعلامیه بسیار مهمی راجع به ایران منتشر ساختند که ابتدا تذکریه دولت ایران و پس از آن متن اعلامیه کفرانس تهران را بینجا ذکر میشود.

تذکریه

دراينموقعي که بيارى خداوند متعال اين سعادت و افتخار نصيپ سر زمين ايران باستان ميهن عزيز ما شده است که محل ملاقات پيشوايان معظم سه دولت بزرگ متفق ايران واقع گردد و يكى از وقایع مهم تاریخی اين عصر برای حل مشکلات بين المللی واستقرار اصلاح و صفائد دائم و تأمین زندگانی آتیه کلیه ملل جهان بر پایه عدالت و مساوات که کمال مطلوب ملل متحده است و منشور اثباتیک بر آن استوار گردیده در ایران روی

میدهد بهترین فرصت مناسبی است که آرزوهای ملت ایران را با آگاهی بر ساند.

وضعیت کنونی ایران که بر اثر مجاہدت و زحمات واخود گذشتگیهای چندین ساله تمام طبقات این کشور ایجاد گردیده و مورد استفاده کامل متفقین برای پیشرفت مقصود و تسریع پیروزی واقع شده ایجاب مینماید که دولت و ملت ایران یقین داشته باشد که متفقین در کمک به ایران در حال و آتیه از بذل هر گونه مساعدتی مطابقه نخواهند نمود.

ایران از نظر تمايلات قلبی و قدمهای بر جسته و مؤثری که در کمک بمتقین برداشته عمل آرزوی خود را نشان داده است که جنگ کنوبی با پیروزی متفقین هر چه زودتر انجام یابد.

ایران که با ابراز همکاری صمیمانه و خالصانه طبق پیمان سه کانه و تشریک مساعی کامل با متفقین در این ظرف و فریروزی سهیم میباشد قطع دارد که متفقین تمام زحمات و خسارانی را که از اوضاع جنگ به ایران وارد آمده کاملا در نظر خواهند گرفت.

با امتحاناتی که دولت و ملت ایران در اینمدت از همکاری صمیمانه و تشریک مساعی خالصانه خود در تمام شئون و مراحل نشان داده و برای تأمین پیروزی متفقین و برافکنند ریشه ظلم و ستم از جهان مافق قدرت و توانائی خود و با تحمل مشکلات اقتصادی بیشمار بذل مساعی نموده و بالنتیجه با اعلان جنگ به آلمان اعتماد و اطمینان کامل متفقین را جلب نموده انتظار دارد که متفقین در تحویل رشته های حیاتی امور مملکتی که فعلا در دست آنها است و واگذاری امنیت کشور بقوای نظامی و انتظامی خود ایران و تأمین جمیع وسائل اینکار اهتمام خاص معمول دارند تا بدین نحو

اعتماد واطمینان موجوده صورت عمل بخود گیرد.

دولت وملت ایران رجاء وائق دارند که تعهدات کتبی واطمینان های شفاهی که از طرف متفقین نسبت بتمامیت واستقلال کامل ایران داده شده است با کمک ومساعدت های مادی و معنوی در تمام رشته های سیاسی و اقتصادی تقویت یافته و ایران بتواند بینو سیله نقش بالفتخاری را که در گذشته بین کشورهای متعدد جهان بعهده داشته در آن به نیاز آمده دهد.

دولت وملت ایران در قبال این اعزاز صمیمیت و یگانگی اطمینان میدهد همانطور که در سخت ترین موقع جنگ و همکاری صمیما نهاد دوستی صادقانه برای پیروزی عاجل متفقین خودداری ننموده اذ این پس نیز این رویه دیرینه را در مسائل مربوطه بین المللی ادامه داده و با متفقین خود تشریک مساعی کامل بنمایند.

دولت وملت ایران انتظار دارند در این موقع که پیشوا یان معلم سه دولت بزرگ در ایران اقامت دارند برای تأیید مراتب بالا اعلامیه صادر و بدین سیله حسن نیتی را که کراراً کتاب و شفاهان نسبت به ایران ابراز داشته اند بار دیگر تصریح نمایند.

تهران بتاریخ ۹ آذرماه ۱۳۲۲

اعلامیه سران سه دولت معظم در کنفرانس تهران بین قرار است:

اعلامیه سه دولت راجع بایران

مورد اول دسامبر ۱۹۳۴ - نهم آذرماه ۱۳۲۲

رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا ، نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی و نخست وزیر ممالک متحده انگلستان پس از مشورت بین خود و با نخست وزیر ایران مایلند موافق سه دولت را راجع بمنابع خود

با ایران اعلام دارند.

دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیرشوروی و ممالک متحده انگلستان کمکهای را که ایران در تعقیب جنگ بر علیه دشمن مشترک و مخصوصاً در قسمت تسهیل وسایل حمل و نقل مهمات از ممالک ماوراء بخار به اتحاد جماهیرشوروی بعمل آورده تصدیق دارند.

سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم آورده و موافقت دارند که با در نظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگی جهانی بر آنها تحمیل میکند و کمی وسایل حمل و نقل در دنیا و همچنین کمی مواد خام و سایر حوائج کشوری کمکهای اقتصادی خود را تاحد امکان بدولت ایران ادامه بدھند.

راجع بدوره بعد از جنگ دول کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیرشوروی و ممالک متحده انگلستان با دولت ایران موافقت دارند که هر نوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات ایران با آن مواجه باشد از طرف کنفرانسها یا مجامع بین المللی که برای مطالعه مسائل اقتصادی بین المللی تشکیل یا ایجاد شود با مسائل اقتصادی سایر ملل متحده مورد توجه کامل قرار گیرد.

دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیرشوروی و ممالک متحده انگلستان در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با دولت ایران اتفاق نظر دارند و بمشارکت ایران با سایر ملل صلح دوست در برق اری صلح بین المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ بر طبق اصول منشور اتالانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند.

وینستون چرچیل

ژ. و. استالین

فرانکلین. د. روزولت

امضاء

کشور ایران با استناد منشور ملل متحد در سال ۱۳۳۴ به پیمان مرکزی (ستنو) ملحق گردیده است و نیز در تاریخ چهاردهم اسفند ماه سال ۱۳۳۷ موافقت نامه همکاری بین دولت شاهنشاهی ایران و کشورهای متحده آمریکا منعقد شده است.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل پنجاه و سوم

حمله ژاپن به ایالات متحده امریکا - تسلیم آلمان و ژاپن و پایان جنگ دوم جهانی

روزیستم ماه نوامبر سال ۱۹۴۱ دولت ژاپن درخصوص اختلافی که در مورد هندوچین فرانسه با ایالات متحده امریکا داشت یادداشتی برای آن دولت فرستاد مبنی براینکه ژاپن نیروی خود را از هندوچین بعداز ختم زد و خورد در چین فراخواهد خواند بشرط آنکه دولت ایالات متحده امریکا او لا مقدار کافی نفت به ژاپن بفروشد و کلیه احتیاجات را از این حیث مرتفع سازد تا کارخانجات و مؤسسات نظامی ژاپن قادر برفع نیازمندی خود باشند و ثانیاً از کمک به کشور چین طبق قانون وام و اجاره که من غیر مستقیم خصومت با ژاپن محسوب میشود خودداری کند.

روز بیست و ششم ماه نوامبر سال ۱۹۴۱ دولت ایالات متحده امریکا پیشنهادات مقابله بدولت ژاپن داد مبنی براینکه برای فرستادن نفت کافی به ژاپن حاضر است بشرط آنکه اول ادولت مذکور از تسلط خود بر هندوچین فرانسه دست بردارد و کما کان حاکمیت فرانسه را بر کشور نامبرده برسمیت بشناسد و ثانیاً دولت ایالات متحده امریکا مجاز باشد کمک خود را به کشور چین ادامه دهد و مانند گذشت بدولت مجبور همایعت نماید.

دولت ژاپن شرایط پیشنهادی ایالات متحده آمریکا را که مخالف و مغایر مقاصد و نیات باطنی خود میدید نپذیرفت و حاضر به قبول پیشنهاد آن دولت نشد اما مذاکرات خودرا هم قطع نکرد و برای بدست آوردن زمینه مساعد و تحمیل نظریات خود مذاکرات را ادامه داد.

روز اول ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ در کنفرانسی که امپراتور ژاپن ریاست آنرا داشت تصمیم قطعی به جنگ و حمله به قوای نظامی و بنادر سوق الجیشی آمریکا گرفته شد و فردای همان روز عده‌ای از جهازات جنگی و چند ناو هواییما بر بزرگ را از پایگاههای خود مقصده غیر معلوم روانه ساختند و روز دوم ماه دسامبر بقیه جهازات جنگی را بطرق خلیج سیام فرستادند و روز هفتم ماه دسامبر دولت ژاپن بدلت ایالات متحده آمریکا اطلاع داد که پیشنهاد آن دولت را از نظر اینکه مخالف منافع ژاپن است نمیتواند قبول کند و چند ساعت بعد یعنی شب هشتم ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ بدون اعلان جنگ غفلت‌آهونهای بمب افکن ژاپنی به پایگاههای بزرگ دریایی آمریکا در پرل هاربور (Pearl Harbour) و جزایر هاوائی (Havaie) حمله کردند و تمام ناوهای آمریکائی را که در پایگاههای مزبور لنگر انداخته بودند و انتظار چنین پیش آمدی را نداشتند ازین بردن و خسارات قابل توجهی وارد ساختند. چهار هزار نفر افسر و ملوان آمریکائی در این حمله ناگهانی تلف شدند و دوهزار نفرهم مجروح گشتند و ناوهای جنگی آریزونا (Arizona) و آکلاهوما (Oklahoma) و وست ویرجینیا (West Virginia) و کالیفرنیا (California) و چندین رزمانا و کوچک دیگر را غرق کردند که مجموعاً شش رزمانا و بزرگ و سه رزمانا و زرهی و سه مین انداز و دویست و چهل و هفت فروند هواییما امریکائی ازین رفته

ونابود شدند و با این خسارات و تلفات بی حد تعادل قوای ایالات متحده
امریکا در اقیانوس کبیر بهم خورد.

روز هشتم ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ کنگره امریکا بدولت ژاپن اعلان
جنگ داد و روز یازدهم ماه دسامبر پس از آنکه دولت آلمان و ایتالیا به
ایالات متحده امریکا اعلان جنگ دادند کنگره امریکا بدو کشور اخیر-
الذکر هم که در هوای خواهی از ژاپن وارد صحنه کارزار شده بود ندر مقام
مقابلة بمثيل اعلان جنگ دادبا اين ترتيب ایالات متحده امریکا با منابع
سرشار و جمعیت کثیر و قوای نظامی عظیم خود در اثر اقدامات خصمانه کشور
ژاپن پا به میدان نبرد گذاشت و از آن تاریخ جنگ جهانگیر دوم ادر تمام کرده
ارض ناشدت ادامه یافت.

بعد از ورود ایالات متحده امریکا و ژاپن به جنگ انگلستان نیز
به طرفداری کشور امریکا به ژاپن اعلان جنگ داد و روزلت رئیس جمهوری
امریکا با چرچیل نخست وزیر انگلستان در ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ برای
تنظيم برنامهای واحد بین متفقین با حضور لیتوینف (Litvinov) سفیر
کبیر روسیه شوروی در امریکا و نماینده مخصوص آن دولت در آرکادی
(Arcadie) ملاقات کردند و راجع به امور جنگ با دول محور مذاکرات
مفصلی بعمل آوردند و نتیجه ملاقات مذبور این شد که خطر ژاپن هرچه
مهم و زیاد باشد متفقین بمسائل اروپائی حق تقدم میدهند بدین معنی که
به موضوعات ناشی از جنگ در اروپا و میدانهای جنگ این قاره توجه بیشتری
مبنول کرده قوای خود را در اروپا برای مغلوب ساختن محور بکار خواهند
برد و پس از فراغت از خطر دشمن در قاره اروپا بمسئله ژاپن فیصله خواهند
داد و ضمناً فرماندهی واحد متفقین نیز مورد مذاکره قرار گرفت ولی به

نتیجه قطعی نرسید اما بعد از آن تاریخ در این مورد هم موافقت طرفین جلب شد و فرماندهی کل ارتش متفقین تشکیل یافت و تا پایان جنگ دوم جهانی وظایف خود را انجام میداد.

در کنفرانسی که در کازابلانکا تشکیل یافت متفقین اعلام داشتند که غیر از تسليم بلاشرط دول محور به هیچ صورت دیگر حاضر بمذاکره صلح با آنان نیستند و فقط تسليم بدون قيد و شرط دول آلمان و ایتالیا و اپن ممکن است از ادامه زد خورد و خونریزی جلوگیری کند.

ایتالیا با همین کیفیت حاضر بمذاکره با متفقین گردید و آلمان هم هرگاه ختم جنگ را میخواست بایستی بهمین نحو بلاشرط تسليم گردد تا متفقین نبرد و بمباران آن کشور را پایان بخشدند و بمذاکره پردازند. باین علت بود که به اظهارات هیتلر برای ترک مخاصمه ترتیب اثر ندادند منتظر شدند حکومتی که جانشین هیتلر میشود در حدود مذاکرات کنفرانس کازابلانکا با آنان تماس بگیرد تا بتوانند به خونریزی درقاره اروپا خاتمه دهند.

ژنرال کرب رئیس ستاد ارتش آلمان بعد از مرگ هیتلر بامارشال ژوکف وارد مذاکره و شرایط اورا برای متار که جنگ خواستار شدولی مارشال ژوکف حاضر به گفتگو و بیان شرایط متار که نشد و تسليم بدون قيد و شرط آلمان را خواستار گردید.

دریا سالار دونیتز جانشین هیتلر که وضع را بدین هنوال دید ناچار تن درداد و اسلحه را زمین گذاشت و فرمان تسليم ارتش آلمان را صادر کرد و قرار شدن مایندگان آلمان از یک طرف در آموزشگاه ریمس (Reims) که محل ستاد آینه اور فرمانده کل قوای امریکا و متفقین و فرانسویان

آزاد بود حاضر شده پیمان را امضاء کنند و از طرف دیگر در برلن با مارشال ژو کف فرمانده قوای روسیه شوروی نظیر همین عمل را تکرار و پیمان ترک مخاصمه را امضاء نمایند.

در ساعت دو و چهل و یک دقیقه صبح روز هفتم ماه مه سال ۱۹۴۵ جنرال جادی (Jodi) و دریا سالار فریدبورگ (Freid Burg) به نمایندگی دولت آلمان در ریمس حضور یافته و قرارداد مربوطه را امضاء کردند و جنگ بعد از نصف شب هشتم ماه مه در تمام جبهه ها خاتمه یافت و بعداً مارشال کیتل به نمایندگی آلمان با مارشال ژو کف کمی بعد از نصف شب نهم ماه مه سال ۱۹۴۵ نظیر همان پیمان را امضاء کرد.
پس از بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناگازا کی روز نوزدهم ماه اوت سال ۱۹۴۵ نمایندگان ژاپون پیمان تسلیم بلاشرط کشور خود را در شهر مانیل و در عرش کشته کشی میگردند با حضور ژنرال مک آرتورو دریا سالار نی میتر نمایندگان دول متفق امضاء کردند و جنگ دوم جهانی خاتمه پذیرفت و دنیا از قتل و خونریزی به امید برقراری صلح و آرامش نجات یافت.

فصل پنجم و چهارم

اصلاحات ارضی ایرانستان
pharestaninfo

طی دهه‌الگذشته اجتماع ایران در زمینه کشاورزی به پیشرفت‌ها و ترقیات شایان توجهی نائل آمده و با استناد آماروارقام موجود اثرات آنی و سریع این پیشرفت‌ها در کلیه شئون جامعه آشکار شده است. این پیشرفت‌ها نتایجی است که از حل مسئله کشاورزی و تثبیت حقوق و سوق دادن نیروی عظیم کشاورزان در مجرای صحیح عاید گردیده است زیرا مالکیت زمین و در انحصار بودن آن موجب اسارت نیروهای فعاله کشاورز و استفاده از آن درجهت ایجاد بدترین نوع اتفاق مادی که آفت اقتصاد صحیح کشور است می‌گردد. بنابراین تحدید مالکیت‌های بزرگ والغاء سیستم تابعیت سیاسی کشاورز از اباب و قطع نفوذ و سلطه مالک و احیای استقلال سیاسی طبقه کشاورز از مهم‌ترین مسائلی بود که از سال‌های پیش مورد توجه شاهنشاه ایران بوده است.

برخمان اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی رستاخیز عظیم ایران با تقسیم املاک سلطنتی از سال ۱۳۲۹ شروع شد و تا پایان فروردینماه ۱۳۴۱ تعداد ۵۱۷ دهکده بمساحت ۱۹۹۶۲ هکتار میان ۴۲۲۰۳ نفر کشاورز تقسیم گردید

و بموجب فرمان مجددیکه در بهمن ماه ۱۳۴۱ صادر شد ۴۱۹ دهکده موروثی دیگر را اختیار بنیاد پهلوی قرار گرفت که بر اساس قانون و مقررات اصلاحات ارضی میان زارعین تقسیم شود بموازات تقسیم املاک سلطنتی با تقسیم ۵۷۷۶۶/۷۰ هکتار اراضی خالصه بین ۷۰۸۱ نفر کشاورزان کشور و تأسیس شرکتهای تعاونی روستائی در املاک تقسیم شده با سرمایه اولیه اعطائی شاهنشاه و حفاظ چاهها و قوایت واعظام روستا زادگان بخارج برای تحصیل و تخصص در امر کشاورزی و ایجاد زمینه مکانیزه نمودن سیستم کشاورزی در بهبود وضع کشاورزان و از دیاد سطح در آمدشان گامهای مؤثر و ارزشمندی برداشتهد و سیستم کشاورزی کهنه و نسخون مملکتی که درجهان بکشور (کشاورزی و فلاحتی) معروف است بسیستم جدید و نوین کشاورزی تبدیل گردید.

متن لایحه اصلاح شده اصلاحات ارضی در تاریخ سه شنبه ۱۹ دیماه ۱۳۴۰ به تصویب هیئت وزیران رسید و روز ۲۵ دیماه پس از توشیح برای اجرا به وزارت کشاورزی ابلاغ شد. بالاصله روز بعد سازمان اصلاحات ارضی منطقه مراغه تشکیل گردید و روز دهم بهمن ماه نخستین آگهی نوبتی شهرستان مراغه (یعنی شروع اجرای قانون برای تسلیم اظهار نامه از طرف مالکین) منتشر شد.

روز جمعه یازدهم اسفندماه املاک یکدسته از مالکین بدولت منتقل گردید و روز هفدهم اسفندماه که روز عید مذهبی فطر و تعطیل عمومی بود اسناد انتقال املاک به زارعین امضاء شد و بدین ترتیب ۵۲ روز پس از صدور دستور، اجرای قانون اصلاحات ارضی عملاً تحقق یافت.

شاهنشاه ایران بازها در بیاناتشان در مورد اصلاحات ارضی نکات

لازم را متذکر شده‌اند و هنگام گشايش اولين کنگره ملي شركتهای تعاونی روستائی که در فصول بعد در باره آن توضیحات کافی خواهیم داد چنین فرمودند:

«... در سال ۱۳۲۹ برای دادن نمونه عملی اقدامات اصلاحی دستور دادم املاک موروژی سلطنتی را در میان کشاورزان تقسیم کنند و قانون فروش خالصجات را تدوین نمایند معداً لک هیچیک از مالکان بزرگ سرمشق نگرفتند و در عناد ولجاج خود در مقابل سیر جبری تحولات زمان ایستادند»

اربابان چپاولگری که بقای خودرا در چپاول هستی و حبات دهقان می‌جستند از این ایده ثمر بخش شاهنشاه ایران که ممکن بر عالیترین ارزش‌های اخلاقی و هدف غائی آن اعتلا و پیشرفت اجتماع ایران است استقبال نکردند ولی «سیر جبری تحولات زمان» آنان را وادار به تمکین در مقابل این پدیده مثبت و سعادت‌بخش نمود.

با اجرای قانون اصلاحات ارضی و تحدید مالکیتهای بزرگ والغاء رژیم ارباب و رعیتی عمیق‌ترین و اساسی‌ترین تحولات در تمام شئون کشور ما پدید آمد که چند نکته آن برای اطلاع خوانندگان گرامی درج می‌گردد.

واژه «رعیت» که نشانه بردگی وزبونی و فقدان استقلال انسانها و یادگار سالهای سیاه کشاورزان ایرانی بود از قاموس فرهنگ اجتماع حذف شد ورشد شخصیت اجتماعی و استقلال رأی و عقیده فردی جایگزین آن گردید.

سطح تولید عمومی شانزده میلیون کشاورزان ایرانی ترقی کرد و

بموازات آن نیز در آمدشان فزونی یافت و این هردو عاملی مؤثر در سوق دادن آنان بسوی یک زندگی سعادتمندانه است.

با افزایش سطح تولید و درآمد عمومی بالمال سیستم کشاورزی و صنایع وابسته آن از مرحله رکود و سقوط پایه کشاورزی جدید و مکانیزه کشورهای متقدم میرسد.

در گذشته دهقان و کشاورزان ای بدلیل تعلق و بستگی اقتصادی که با ارباب داشت همواره چون برگان ~~سخواسته های آنان~~ محاکوم سخواسته های آنان وقاد استقلال رأی و عقیده بود و هر گز نمیتوانست در تعیین آینده و مقدرات خود و جامعه اش مؤثر باشد. لذا قوë مقننه که یکی از ارگان دموکراسی (حکومت مردم بر مردم) است منبعث از نیروی ملت نبود. باقطع نفوذ و سلطه ارباب که جز در راه منافع خود گام بر نمیداشت اکنون شانزده میلیون دهقان ایرانی خواهند توانست در سرنوشت خود و اجتماعشان مؤثر باشند.

آخرین آمار تقسیم املاک بموجب قانون اصلاحات ارضی ایران
تا پایان آذرماه ۱۳۴۲ یاری قرار است

عدد دهات خریداری شده اعم از ششدها	۸۲۰۵	قریب
عدد خانوار زارعینی که زمین گرفته اند	۲۲۸۶۲۸	خانوار
عدد عائله زارعینی که زمین گرفته اند	۱۳۹۳۱۴۰	نفر
بهای املاک خریداری شده	۴ر۸۸۹۵۲۵ر۲۱۳	ریال
پرداختی بمالکین بابت قسط اول	۵۱۷ر۳۹۸ر۴۵۷	ریال

عدد شرکتهای تعاونی روستائی	۲۱۹۸ شرکت
عدد اعضاء شرکتهای تعاونی روستائی	۲۴۹۳۸۶ نفر
سرمایه شرکتهای تعاونی روستائی	۲۵۴۰۴۹ ریال

بدیهی است اجرای قانون اصلاحات ارضی سر لوحه برنامه کار دولت هاست و در سراسر کشور ایران این قانون عادلانه باشد اجرا خواهد شد.

فصل پنجم

اولین کنگره ملی شرکت‌های تعاونی روستائی ایران

قرن حاضر قرن آزادی است، قرن تحول، تکامل، پیشرفت و ترقی است. قرنی است که در آن قانون بی‌تردید تحول و ارتقاء با همه قدرت بر عرصه حیات انسانیت حکومت دارد، سکون و سکوت، سستی و توقف مظہر بلا تردید شکست و فناست.

اردوی انسانیت نیز بحکم این قانون اجتناب ناپذیر که ضرورت و نیاز زمان است بیدرنگ، بدون تردید و تأمل تجلیات پرشکوه افکار سازنده و اندیشه خستگی ناپذیر خویش را بر پهنه حیات می‌گسترد و عرصه زندگی را جلوه گاه مظاهر روح و استعداد خود می‌کند.

این ناموس طبیعت و قانون تخلف ناپذیر بقای حیات انسانی است.

در نیمة دوم قرن بیستم زیستن بدسانان که در طول ادوار سیاه تاریخ، انسانها با عسرت و فقر و مذلت و عدم برخورداری از حقوق انسانی زیستند، امکان ندارد زندگانی پر افتخار و مشحون از آزادی وعدالت و رفاه آیت این عصر است هر روز و هر زمان گامی به پیش نشانه زیستن در این عصر می‌باشد.

روز چهارشنبه نوزدهم دیماه ۱۳۴۱ اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی برای همگام نمودن ملت ایران با کشورهای مترقب و پیشرفتۀ جهان وایجاد جامعهٔ نو براساس دموکراسی واقعی در اولین کنگره ملی شرکت‌های تعاونی روستائی ایران که در تهران تشکیل شده بود بیاناتی ایراد فرمودند و این نطق تاریخی ارکان پوسیده و فرتوت فئودالیسم را که مظہر بالاتر دید بندگی و بردگی انسانهاست بلزمۀ درآورد و برگ زرینی بر تاریخ پر افتخار شاهنشاهی ایران افروختند.

این نطق تاریخی و انقلابی شاهنشاه ایران به‌ای اطلاع خوانندگان کرامی درج میگردد.

ملت ایران :

روزی که مسئولیت سنگین پادشاهی را بعد از استعفای پدر تاجدار خود بر عهده گرفتم به کلام الله مجید سوگند یاد کردم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم و تعهد کردم که در تمام اعمال و افعال خداوند عز شانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری چرسعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان وارواح طبیة اولیای اسلام استمداد کردم که در خدمت برتری ایران توفیق پیدا کنم.

خداوند قادر متعال را بشهادت میطلبم که تا امروز با وجود مخاطراتی که در راه انجام این مقاصد حتی زندگی‌مرا تهدید میکرد باین پیمان وفادار بوده‌ام و در راه حفظ حدود ایران با وجود اشغال نظامی کشور در زمان جنگ و مصائبی که بعد از آن در دوره هرج و مرج بکمک عوامل

مخرب ایجاد شده بود بتوفیق الهی و پشتیبانی ملت عزیز ایران عموماً و مردم فدایکار آذربایجان خصوصاً توانستیم خطه مقدس آذربایجان را از کام تجزیه طلبان برهانم و تمامیت ارضی میهن خودرا محفوظ و محروس بدارم. بعد از رهائی آذربایجان و گذراندن گرفتاریهای ناشی از اشغال نظامی ایران در دوران جنگ جهانگیر بر سر پیمان خود در حفظ حقوق و ارتقاء ملت عزیز ایران ایستادم و از طریق اختیاراتی که در اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی از طرف ملت بمن سپری شد و بموجب آن حق انشاء قانون پادشاه و مجلسین تفویض گردید بمنظور ساختن ایران مترقبی و آزاد که در آن استقلال اقتصادی و اجتماعی افراد تأمین شده باشد چه از راه دستورات فکر ربدولتها برای پیشنهاد لواح قانونی مفید و چه از راه سفارش بنمایند کان مجلسین اقدام نمودم ولی متأسفانه ملاحظه شد بعضی از لواح مربوط به اصلاحات اجتماعی که دولتها برای ارتقاء ملت ایران و پاک کردن دستگاههای مملکتی از فساد ب مجالس تقدیم کردند بصورت قوانین مسخ شده‌ای درآمد که ضرر آن مستقیماً متوجه مردم و مملکت می‌شود وضع زود گذر آن به عده‌ای متنفذ میرسید. چنان‌که لایحه قانونی اصلاحات ارضی و لایحه قانونی مربوط به رسیدگی بدارائی وزراء و کارمندان دولت بصورتی از تصویب مجلسین گذشت که فقط ناظر به حفظ منافع تصویب کنند کان قانون یا گروهی متنفذ خارج از مجلس بود.

در سال ۱۳۲۹ برای دادن نمونه عملی اقدامات اصلاحی دستور دادم املاک موروثی سلطنتی را میان کشاورزان تقسیم کنند و قانون فروش خالصجات را تدوین نمایند معذاک هیچیک از مالکان بزرگ سرمشق نگرفتند و در عناد ولجاج خود در مقابل سیر جبری تحولات زمان ایستادند.

سعی کردم با حفظ اصول انتخاباتی قدیم و معمول ایران از طریق تشویق افراد به تشکیل احزاب اکثریت واقلیت شاید گروههای مشکل خوبی در پارلمان پشتیبان افکار و پیشنهادات اصلاحی بشوند ، دیدیم از این راه نیز نتیجه‌ای حاصل نشد . انتخابات دوره بیستم و تجدید آن نیز نمونه‌ای از نارسائی قانون انتخابات و عدم امکان اظهار نظر حقیقی و آزاد اکثریت مردم مملکت بود .

مجموعه این غرض ورزی‌ها و بیان اعثنای‌ها به مصالح مملکت و سرنوشت ملت ایران که مکرر مشاهده گردیده مبارکا بر آن داشت تا برای انجام اصلاحات لازم و اساسی دولت تازه‌ای را با اختیارات بیشتر مأمور نمایم و آن دولت در قدم اول شرط انجام اصلاحات را انحلال مجلسین دانست و تقاضای انحلال پارلمان را نمود و استدلال دولت مورد موافقت قرار گرفت و فرمان انحلال مجلسین را صادر نمودیم تأکید در اصلاح قانون انتخابات مندرج در فرمان انحلال به رعایت اصل دوم قانون اساسی که اعلام میدارد مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند واجرای این اصل عملا به دلیل وجود رژیم ارباب ورعیتی در دهات ایران که هفتاد و پنج درصد مردم ایران را شامل می‌شود و نبودن کارت انتخاباتی که جلوگیری از تقلبات انتخاباتی در شهرها بنماید متوقف مانده بود و با استفاده از قانون انتخاباتی که بدون تجربه کافی و با توجه به نظام اجتماعی و اقتصادی زمان تصویب شده بود عملا مردم واقعی ایران را از حق رأی آزاد و مملکت را از دموکراسی که حکومت آراء اکثریت مردم است محروم میداشت . بعد از انحلال مجلسین دولت بر اساس دستورالعملی که دادم و معروف به

فرمان شش ماده شد اقدام بیک سلسله اصلاحات عمیق اجتماعی کرد که نتایج و آثار آن اساس نظام اجتماعی کهن ایران را دگر گون خواهد کرد و از این لحاظ در سراسر تاریخ دوهزار و پانصد ساله ایران بیسابقه است مانند لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی و ملحقات آن که امروز در سراسر کشور در حال اجرا است و روح تازه‌ای بکالبد جامعه روستانشین ایران دمیده و به شانزده میلیون ایرانی حق حیاط اجتماعی بخشیده است و با تشکیل سپاه داشت بمنظور تسهیل تعلیمات عمومی و اجرایی تاریکی جهل و بی‌سوادی از جامعه ملت ایران رخت برخواهد است و در نتیجه مردم به حفظ حقوق خود و رعایت حقوق دیگران آشناei بیشتری پیدا خواهند کرد. اجرای این اصلاحات و آماده کردن ملت ایران برای شرکت در مسابقه ترقی و تعالی جامعه بین‌المللی امروز آرزوی من و هر فرد اصلاح طلب وطن پرست است. آنچه در زمینه اصلاحات تا کنون اقدام شده عبارت از زیر سازی بنای ایران نوین بر پایه جامعه آزاد و دموکرات و ترقی و مرافق است که باید تا آخرین مرحله بهمین نحو پیش برود و از مردم زحمتکش ایران ملتی شاداب و متعدد و مرافق و سعادتمند بسازد و بیعدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی را از میان مردم وطن ما بزداید و فوائل طبقاتی را از میان بردارد.

بدون شک عوامل سیاه ارتتعاجی که بخاطر حفظ منافع خود ملت ایران را در غرقاب مذلت و فقر و بی‌عدالتی می‌خواهد در قبال این تحول عمیق و اساسی از پای نخواهد نشست همچنین قوای مخرب سرخ که هدفش اضمحلال مملکت و تسلیم آن به اجانب است از پیشرفت این برنامه ناراضی است و در تخریب آن خواهد کوشید. در اینجا من بحکم مسئولیت پادشاهی

و وفاداری بسوگندی که در حفظ حقوق و اعلاء ملت ایران یاد کرده‌ام نمی‌توانم ناظری طرف در مبارزه قوای یزدانی با نیروهای اهریمنی باشم زیرا پرچم این مبارزه را خود بردوش گرفته‌ام . برای آنکه هیچ قدرتی نتواند در آینده رژیم بردگی دهقان را از نو در مملکت مستقر سازد و ثروتهاي ملي کشور را بتاراج جماعتي قليل بسپارد وظيفه خود ميدانم بنام رئيس قوای سه‌گانه مملکتی براساس اصل يسيت و هفتمن و استناد به اصل يسيت و ششم متمم قانون اساسی که اعلام میدارد: «قوای مملکت ناشی از ملت است» مستقیماً به مردم ایران رجوع کنم و استقرار اين اصلاحات را از طريق مراجعي به آراء عمومي پيش از انتخابات مجلسين از ملت ایران که حاكم بر مجلسين ومنشأ اقتدارات ملي است تقاضا کنم تا بعد از اين منافع خصوصي هيچکس و هیچ گروهي قادر به محظ آثار اين اصلاحات که آزاد كننده دهقان از نجير اسارت رژيم ارباب و رعите و تامين کننده آينده بهتر و عادلانه تروهتري تری برای طبقه شريف کارگر و بهبودزنگي کارمندان صديق و زحمت‌كش دولت و رونق زندگي اصناف و پيشوران و حافظ ثروتهاي ملي است نباشد من علاقمندم اين قوانين که بمنظور تحقق تحول عظيم تاریخي در ایران بموضع اجرا گذاشته شده است مستقیماً مورد تصویب افراد ملت ایران قرار گیرد پس برای سعادت ملت ایران و بمنظور اصلاحات انجام شده و احترام از خدشدار کردن اين اصلاحات از طرف عوامل ارتجاعی و مخرب پیاداش مجاهداتی که در راه رستاخيز ملي ایران شده است و با توجه به علاقه قلبي که مرا با ملت ایران پيوسته داشته از فرد فرد مردم ایران در هرجا که هستند تقاضا ميکنم برای تصویب ملي اين اصلاحات شرکت کنند و آراء مثبت خود را بدنه و شايستگي

خود را در مقابل جامعهٔ مترقبی جهانی و نسلهای آینده و تاریخ ایران بمرحلهٔ ثبوت برساند.

اصولی که من بعنوان پادشاه مملکت و رئیس قوای سه‌گانه به آراء عمومی می‌گذارم و بدون واسطه مستقیماً رأی مثبت ملت ایران را در استقرار آن تقاضا می‌کنم بشرح زیراست:

۱ - الگاء رژیم ارباب و رعیتی با تصویب اصلاحات ارضی ایران بر اساس لایحهٔ اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دیماه ۱۳۴۰ و ملحقات آن.

۲ - تصویب لایحهٔ قانونی ملی کردن جنگلها در سراسر کشور.

۳ - تصویب لایحهٔ قانونی فروش سهام کارخانجات دولتی بعنوان پشتوانهٔ اصلاحات ارضی.

۴ - تصویب لایحهٔ قانونی سهیم کردن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی و صنعتی.

۵ - لایحهٔ اصلاحی قانون انتخابات.

۶ - لایحهٔ ایجاد سپاهاداش بمنظور تسهیل اجرای قانون تعییمات عمومی و اجرباری.

در ابتدای امر انجام این انقلاب تاریخی در دایرهٔ محدود شعور و ادراک اقلیت محدودیکه هستی و ارتزاق خوش را در فنای اکثریت می‌جستند قبل هضم نبود و حتی برخی از مطلعین در امورهم انجام این تحول عظیم تاریخی را با تردید می‌نگریستند ولی این واکنش تاریخ و ضرورت شدیدzman بود که در اندیشهٔ قاطع وارث و پادشاه شاهنشاهی کهن ایران تجلی کرد و از مردم منطقه‌ای فلسفی تاریخ پیش‌افتاد و نشان داد اراده‌ای که

بر گزیده نیروها و اراده هاست میتواند موج انقلابی عظیم و ثمر بخش گردد.

در روز تاریخی ششم بهمن که بنام (انقلاب شاه و ملت) در تاریخ پر افتخار ایران ثبت گردیده است اراده روشنفکران جامعه در قالب ۵، ۵۹۸، ۷۱۱ رأی مثبت تجلی کرد و بر اصالت پیگیری نیات بشردوستانه شاهنشاه ایران صحه گذار دو نظمی پی ریزی یک جامعه نوپدید آمد که نیروی شگرف قوای سازنده و خلاقه ملت و ضرورت زمان و تمدنیات اجتماعی ضامن استقرار آنست.

آری قلب شاه، از طیش قلب ملت نیرو دارد و این نیرو از بد و پیدا شدن سرزمین ایران همواره ضامن سعادت و رفاه و آسایش جامعه ما بوده است.

فصل پنجم و ششم

ترویج کشاورزی - بانک اعتبارات کشاورزی

در اجرای برنامه اصلاحات ارضی و رفرم کشاورزی به تشکیل سازمان مرکزی تعاون روستائی اقدام گردید.

وظایف اساسی این سازمان عبارتست از:

- ۱- آموزش اصول تعاون و روش اداره شرکتهای تعاونی دهقانان عضو و اعضاء هیئت مدیره و مدیران عامل شرکتها.
- ۲- ارشاد و رهبری شرکتهای تعاونی و کنترل دفاتر و حسابهای شرکتها.
- ۳- توسعه شبکه تعاونی در مناطق روستائی کشور.
- ۴- کمک اعتباری بشرکتهای تعاونی بمنظور افزایش محصول، درآمد دهقانان، بازاریابی و فروش محصول کشاورزان و تهیه لوازم زندگی و حرفه آنان.
- ۵- اجرای برنامه توسعه و تقویت صنایع دستی و روستائی.
- ۶- برقراری ارتباط با شرکتهای تعاونی هصرف.
- ۷- برقراری ارتباط با سازمانهای بینالمللی تعاونی.

این سازمان جدید التأسیس بوسیله وزارت کشاورزی و با نک اعتبرات کشاورزی و عمران روستائی ایران هدایت و حمایت میشود و وسیله‌ای است که خدمات فنی و کمکهای اعتبرای دولت را در سطح ده تر کیب نموده و در اختیار دهقانان عضو میگذارد.

سرمایه اولیه این سازمان مبلغ یک میلیارد ریال پیش بینی گردید و بتدریج معادل همین مبلغ نیز شرکتهای تعاونی از سهام سازمان خریداری خواهند کرد تا دهقانان عضو شرکتها در سرمایه سازمان مشارکت داشته و علاقه‌ی پیشتر بخدمت و کار وزندگی تعاونی پیدا کنند.

تعداد شرکتهای تعاونی که تا پایان آبانماه ۱۳۴۲ تشکیل گردیده بالغ بر ۳۴۰۰ شرکت است که از تعداد فوق ۲۳۸۴ شرکت کلیه تشریفات سازمانی و ثبتی خود را تکمیل نموده و با ۳۲۴ میلیون ریال سرمایه پرداختی اعضاء آماده کار میباشند و از ۲۷۰ هزار نفر دهقانان اصلاحات ارضی متباوز از ۱۵۰ هزار نفر آنان از خدمات این شرکتها استفاده مینمایند.

اعماری که تا پایان آبانماه ۱۳۴۲ برای کمک به تعداد کثیری از شرکتهای تعاونی ثبت شده اعطای گردیده معادل ۴۲۳ میلیون ریال است. مبلغ اعتبرای که هر عضو شرکت تعاونی میتواند برای دریافت وام و تهیه وسایل تولید از قبیل کود و بذر استفاده نماید از پنج هزار ریال تا ده هزار ریال افزایش داده شده است و اختیارات کافی بسر پرستان تعاونی استانها و شهرستانها اعطای گردید تا در کوتاه ترین مدت ممکنها احتیاجات اعتبرای شرکتها را مرتفع نمایند.

علاوه بر کمک اعتبرای بددهقانان که انجام آن وظیفه فوری این سازمان میباشد سازمان مرکزی تعاون روستائی توجه جدی به تهیه عوامل

تولید کشاورزی جهت دهقانان دهات اصلاحات ارضی داشته و برای پائیزه کاری سال جاری بیش از یک میلیون کیلو بذر گندم اصلاح شده بین اعضاء شرکتهای تعاونی دهات اصلاحات ارضی توزیع کرده و حدود ۴۰۰۰ تن کود شیمیائی مختلف نیز در مناطق مربوطه متصرف کرده و آماده مصرف برای زراعت‌های بهاره نموده است.

توزیع حدود ۱۵ هزار تن کود شیمیائی در برنامه کار سال آینده سازمان قرارداد راه‌آهن اکنون حمل قسمتی از آن از کارخانه‌شیراز بمناطق مصرف شروع گردیده است.

یک واحد شیار در مراغه توسط اتحادیه شرکتهای تعاونی با ۱۰ دستگاه تراکتور تشکیل و شروع بکار نموده و در عملیات پائیزه کاری دهات اصلاحات ارضی مراغه مشارکت مؤثر نموده است.

اجرای برنامه‌های آموزشی برای اعضاء هیئت مدیره اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی و تربیت و آماده نمودن آنان جهت در دست گرفتن مدیریت این واحدهای مهم اقتصادی بطور منظم ادامه دارد و اولین سمینار مدیران عامل اتحادیه‌های تعاونی در مراغه تشکیل می‌گردد.

پیشرفت برنامه اصلاحات ارضی ایجاد مینماید که شبکه تعاون روستائی در سرتاسر کشور توسعه و گسترش پیدا کند. ایجاد این شبکه و مدیریت اقتصادی روستاهای کشور مستلزم وجود کادر ورزیده‌ای است که با اصول تعاونی آشنایی داشته و توانایی خدمت در سطح ده را داشته باشند.

برای این منظور یک دوره آموزشی سرپرستی تعاونی در مرکز آموزش روستائی وزارت فرهنگ در رامین و یک دوره آموزش حسابداری

تعاونی دردانشگاه ملی ایران تشکیل شده‌هم اکنون ۲۵۰ نفر داشتند مشغول تحصیل و کارآموزی هستند.

بعلاوه ۲۴ نفر از سرپرستان شرکتها در خارج از کشور مشغول گذراندن دوره تخصصی تعاون روستائی میباشند و پس از مراجعت از وجود آنان در سرپرستی شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی استفاده می‌شود.

توسعه و تکامل واحدهای تعاونی و واکذاری امور اقتصادی و اجتماعی ده بدهقانان از موارد اصلی سیاست کشاورزی کشور بوده و دولت حمایت مادی و معنوی شرکتها برای تعاونی را در مناطق روستائی مورد توجه مخصوص قرارداده و دربرنامه عمرانی سوم نیز تقویت و پیشرفت شرکتها برای تعاونی ملحوظ و اعتبارات لازم پیش‌بینی گردیده است.

چون مروجین کشاورزی تنها افرادی بودند که در طول سال‌ها خدمات ترویجی خود باوضاع و احوال دهات و قبایات و خصوصیات کشاورزان آشنائی پیدا نموده بودند از این رو مفیدترین عواملی در ده بشمار میرفند که بتوانند برنامه اصلاحات ارضی را بطور سریع به مرحله اجرا درآورند. کلیه مراحل آمار گیری دردهات بعهده مروجین کشاورزی گذارده شد و از نظر اعتمادی که کشاورزان در طول سال‌ها خدمات ترویجی با آنها پیدا نموده‌اند نقش مهمی را در راهنمائی کشاورزان جهت تأسیس شرکتها برای تعاونی و راهنمائی و تشویق آنان بهده گرفتند و بدین ترتیب در پیشرفت سریع برنامه اصلاحات ارضی سهم بسزائی داشته‌اند.

۶۶۶ نفر از مروجین کشاورزی همراه با ۱۱۳ دستگاه وسیله نقلیه سازمان ترویج کشاورزی در تمام نقاط کشور برای اجرای هرچه سریعتر قانون اصلاحات ارضی کوشیده‌اند و کوشش ثمر بخش آنها هم اکنون در

سراسر کشور ادامه دارد.

یکی از هدفهای قانون اصلاحات ارضی که زارع را بزمین علاوه‌مند مینماید بالابردن میزان تولید درواحد سطح است و برای برداشت حداقل محسول اقدام اساسی بعمل آمده تا بزارعین کمکهای فنی و اقتصادی بشود.

هدف این فعالیت تعیین میزان کمبود مواد غذائی گوناگون در خاکها و شرائط زراعی مختلف کشور مینماید تا بزارعین را بخصوص در زمینه مصرف کودهای شیمیائی راهنمایی نموده فریبا بدون اینکه مطالعات لازم انجام گیرد هر گونه راهنمایی بی اساس ممکنست موجبات خسارت غیرقابل جبرانی را فراهم نماید، لذا این مطالعات که از سال ۱۳۴۰ آغاز گردیده بود همزمان با جنبش همگانی، وسعت و دامنه پیشتری گرفت در صدھا ده کودهای شیمیائی عمل در مزارع زارعین مورد آزمایش قرار گرفت، صدھا نمونه خاک تهیه و تجزیه گردید، محسول هزارها کرت آزمایشی برداشت، توزین و محاسبه گردید تا راه را برای راهنمایی زارعین در مورد نحوه تقویت اراضی خود بگشاید، راهی که لازم است قبل اهتماموارشود تا برداشتن گامهای سریع بدون موانع امکان پذیر باشد.

هم‌آنکنون نتایج پنج دوره مطالعات در دست است که بر اساس آنها راهنمایی‌های مقدماتی برای کود دادن محصولات عمده زراعی انجام می‌گیرد در حال حاضر این مطالعات روی چندین قند - پنبه - برنج - چای - توتون - سیب زمینی - یونجه - انگور - مرکبات - خربزه - گندم و جو در نقاط مختلف فسا - کازرون - شیراز - اصفهان - قزوین - مراغه -

رضايه - گilan و مازندران صورت ميگيرد و با نتيجه رضايت بخش خود
وجبات ببود امر کشاورزی را فراهم ميآورد .

بانک اعتبارات کشاورزی و عمران روستائي ايران با سرمایه ده
مiliارد ريال همگام با تحول همه جانبه کشور در اعطای وام بروستائيان
و فراهم آوردن تسهيلات لازم برای آنان فعالiteای درخسانی انجام
داده است.

هدفها وظایف مهم اين باank که عامل تسهيل جريان سرمایه هاي
پيشتر بکشاورزی و افزاري دردست توليد کنند و وسیله ای برای اجرای
برنامه های عمومی دولت در توسعه و گسترش کشاورزی است پس از تهیه
طرحهای اعتباری عبارتست از :

الف- عملیات مربوط به پیشرفت برنامه اصلاحات ارضی

ب- کمک بتوسعه منابع آب زراعی کشور

ج- تهیه برنامه های مختلف برای توسعه کشاورزی شامل تأمین

طرحهای عمرانی ، طرحهای فصلی و منطقه ای

وظایيف باank درمورد پیشرفت برنامه اصلاحات ارضی عبارتست از:

۱- تأمین مالی ورفع حوايج اعتباری خرده مالکانيکه بر اثر اجرای

قانون اصلاحات ارضی صاحب زمين شده اند .

۲- خزانه داری سازمان اصلاحات ارضی

۳- وصول اقساط بابت اراضی فروش رفته بزارعين

۴- پيش بيني مکانيسم اعتباری لازم برای سوق منابع حاصل از

بهای املاک و اگذاري بدولت، بامور تولیدی.

عملیات باank اعتبارات کشاورزی و عمران روستائي اiran درمورد

خزانه‌داری اصلاحات ارضی غیر از تأمین مالی سازمان اصلاحات ارضی
برای خرید املاک در سالهای گذشته در نه ماهه سال ۴۲ بشرح زیر
بوده است :

۱ - وصول اقساط اصلی و بهره املاک فروش رفته بزارعین بمبلغ

۵۳،۹۳۸،۹۰۰ ریال

۲ - تضمین دستور پرداختهای مربوط بخرید املاک و ثبت آن در دفاتر

بانک بمبلغ ۶۸۵،۰۵۳،۳۲۵ ریال

۳ - مطالعه طرحهای تولیدی از محل تنزيل دستور پرداختها

۴ - اجازه تنزيل به بانکهای دیگر

۵ - تنزيل مستقيم آن قسمت از دستور پرداختها که بانک ارائه نمی‌شود

بنظرورا بجای تعادل بین عرضه و تقاضای دستور پرداختها

برای تهیه آب زراعی ، بانک سعی کرده اعتبارات لازم بنظرور

اصلاح و ادامه پیشکار قنوات و حفر قنوات جدید و همچنین حفر چاههای

عمیق و نیمه عمیق و پروژه‌های مطالعه شده آبیاری پرداخت نماید.

این اعتبارات بصورت وامهای انفرادی تضمینی بکشاورزان مناطق

خشک پرداخت شده و مجموع آن در یک حساب جمعی برای حفر چاههای

عمیق یا نیمه عمیق منظور گردیده و یا اینکه بصورت وامهای مستقيم

بحرده مالکان وثیقه دار پرداخت شده است و تا کنون ۷۵۸ حلقة چاه عمیق

و نیمه عمیق و آرتزین و معمولی در نقاط مختلف کشور حفر و روستائیان از

آب آن در امر کشاورزی استفاده می‌کنند و ضمناً با استفاده از اعتبارات

عمرانی برنامه سوم طرح خاصی با بودجه‌ای بمبلغ سیصد میلیون ریال

برای حفر ۱۹۰ حلقه‌چاه دیگر در نقاط مختلف کشور تصویب و قریباً بمرحلة

اجرا درخواهد آمد .

همچنین اعتباری بمبلغ ۶۰ میلیون ریال برای حفر پنجاه حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق در مناطق خشک کرمان - بلوچستان - اصفهان - فارس - خوزستان - کرمانشاه که از لحاظ شرب اراضی مزروعی و مصرف آب مشروب دچار مضیقه‌اند تصویب گردیده و مقدمات شروع آن فراهم گردیده است.

طرح پانصد و پنجاه میلیون ریالی که از محل اعتبارات کشاورزی بر نامه سوم اختصاص داده شد بمنظور رفع احتیاجات کشاورزی فعلی و با استثنائی استانهاست که زیر نظر کمیسیونی مرکب از نمایندگان کشاورزی - سازمان برنامه و برنامه در استانها خوزستان، فارس، کرمان، اصفهان، خراسان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، میسان و بلوچستان، کرمانشاه و کردستان، استان مرکزی، مازندران، گیلان، بوشهر و بنادر و برازجان، بندرعباس و بنادر، لرستان توزیع گردیده است.

بانک همچنین برای بعضی از استانها که بسبب خشک سالی و یا عوامل دیگر نسبت بمناطق دیگر زیان بیشتری دیده‌اند اعتبارات اضافی با مقررات خاص و تسهیلات لازم پیش‌بینی نموده است این اعتبارات که علاوه بر طرح ۵۵ میلیون ریالی مذکور است در نه ماهه سال ۱۳۴۲ در مناطق زیر:

فارس	مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال
سیستان و بلوچستان	« « ۵۰
کردستان	« « ۵۰

اعتبار تخصیص داده است.

در نه ماهه سال ۱۳۴۲ بانک برای توزیع بین پیمانکاران چند نهاد و کنفوپینه کارهای بلغ چهارصد هیلیون ریال اعتبار در اختیار شرکت سهامی کارخانجات ایران قرارداده است.

همچنین در باره تعدادی از کارخانجات غیر دولتی نیز برای تهیه مواد خام جهت کارخانجات اعتبارات قابل ملاحظه‌ای اعطای گردیده است.

فصل پنجم و هفتم

ملی شدن جنگلها - سهیم کردن کارگران در منافع کارگاهها -
فروش سهام کارخانه‌های دولتی

جنگل ثروت ملی است و باید در جهت منافع ملی و مصالح جامعه از آن بهره‌برداری گردد.

تا قبل از تصویب «قواین ششگانه» جنگلهای ایران که ثروت عظیم ملی را تشکیل میدهند بدست عده‌ای مالکان سودجو از بین میرفت و هیچگونه فعالیتی نیز در احیای جنگلها و مراعط ایران بعمل نمی‌آمد. با اجرای قانون الغاء مالکیتهای خصوصی و تثبیت مالکیت ملی بر اراضی جنگلی آن قسمت از اراضی چنگل که غیر مولد است با شرایط مناسب و آسان در اختیار شرکتهای دامپروری قرار داده شده تا در آنجا باحداث مراعط مصنوعی و تهیه علوفه مرغوب بپردازند و طرحهای مفید جنگلداری براساس روشهای علمی و نو در مناطق مولد بمرحله اجرا در آمد و برخلاف گذشته بهره‌برداری بطور صحیح صورت می‌گیرد.

اجرای قانون ملی شدن جنگلها در پیشرفت‌های بازرگانی و اقتصادی کشور ایران تأثیر بسزائی دارد زیرا:

نیازمندیهای داخل کشور از لحاظ فرآورده‌های جنگلی بصورت
اطمینان‌بخش و ثابتی تأمین می‌گردد.

از نظر صادرات چوب نیز چون خریداران خارجی بیک سازمان
دولتی بمراتب بیش از بازار گنان متفرقه اعتماد دارند طبعاً صادرات چوب
رونق خواهد یافت و این راه ارزیبیشتری برای کشور تأمین خواهد شد.
با ثبیت مالکیت ملی بر اراضی جنگل و نظارت دولت در امر بهره
برداری از جنگلها امکانات یافته های سرمایه‌های خارجی
بمنظور توسعه صنایع چوب فراهم شده است.

با اجرای این قانون گام مؤثر و مهی نیز در عمران اراضی جنگلی
از طریق واگذاری آنها بزارعین و کشاورزان برداشته شده است.

بمنظور اجرای کامل قانون ملی شدن جنگلها، هیئت دولت در
جلسهٔ مورخ ۴۲/۶/۲۷ تصویب‌نامهٔ قانونی حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها
ومراتع را تصویب کرد و چون امر حفاظت این سرمایهٔ کرانبهای ملی مورد
توجه کامل بود گردان مستقل گارد جنگل تشکیل شد تا مسئولیت حفظ
جنگلها را بعده کیرد. گردان مستقل گارد جنگل در جنگل‌های کرانه
دریای خزر مستقر گردیده و بتدریج در کلیه جنگل‌های سراسر کشور استقرار
خواهد یافت.

جنگل‌های شمال که دائمه شمالي جبال البرز را پوشانیده انبوهای
و کرانبهای جنگل‌های ایران شمرده می‌شوند.

جنگل‌های شمال از دهستان گلیداغی در شهرستان بجنورد آغاز
می‌شود و تا شهر آستارا دنباله دارد جنگل‌های ارسباران واقع در جنوب روود
ارس نیز جزء این دسته بشمار می‌آیند.

مساحت منطقه جنگل‌های کرانه دریای خزر رویه مرتفع پس از عکسبرداری هوائی که اخیراً شده است نزدیک به ۳۴،۰۰۰ هکتار است. جنگل‌های که بنام (بلوط) خوانده می‌شوند بیشتر درختانشان بلوط می‌باشد و از جنوب غربی رضائیه شروع می‌شوند و از امتداد سلسله جبال زاگرس تا کوه‌های بختیاری و جنوب شرقی فارس ادامه دارد.

بیشتر قسمت‌های کردستان، کمانشاهان، لرستان، کوه‌های بختیاری، چهار محال، کوه کیلویه و کوه‌های بخش کازرون فارس از جنگل‌های بلوط پوشیده شده است.

مساحت جنگل‌های بلوط را رویه مرتفع به ۱۰ میلیون هکتار برآورد کرده‌اند. تقریباً یک‌دهم این جنگل‌ها انبوه می‌باشند.

کارگران قشروسيعی از نيري و مولد و سازنده هر کشوری را تشکيل ميدهند چرخ صنعت و اقتصاد کشور بر بازوan نير و مندانان استوار است و اين نيري عظيم و شگرف کشور ايران نيز در راه بارور ساختن «انقلاب شاه و مردم» نقش مهم و اساسی بر عهده دارد برای اينکه نيري انساني دو ميليون کارگر ايراني همگام با اين تحول اساسی در مسیر پيشرفت و وترقي جامعه تجهيز گشته و با افزايش ميزان در آمد کارگران تحرك و تحولي نيز در ارگان‌يسم صنعت و اقتصاد ملي کشور پديد آيد و پرتو عدالت اجتماعي بموازات همه شئون بروابط بين نيري انساني و کارنيز سايه افکند در روز ع بهمن قانون سهيم کردن کارگران در سود کارگاهها بصويف ملت رسيد و از آن پس با استقرار اين سистем عادلانه در اكثرا دستگاهها توليدي کشور کارگران بموازات کوشش و فعاليت خويش از منافع حاصله برخوردار گردیدند و در آمدها بر پايه معقول و نوي

توزيع شد.

با اجرای این قانون زمینه مساعدی برای تشدید فعالیتهای تولیدی آماده شده و جهش عظیم و تحرک شدیدی در موضوع صنعتی کشور پدید آمده است زیرا دومیلیون کارگر ایرانی بخاطر تحصیل درآمد بیشتر برای تأمین زندگی بهتر، همگام با فرم اساسی اصلاحات ارضی با پشتکار و علاقه و امیدواری بیشتری تلاش و فعالیت میکنند تا صنعت و اقتصاد صنعتی کشور را پیاپی کشورهای مترقی جهان رسانیده و در پیشرفت و ترقی همه جانبه جامعه خود سهیم باشند.

هم اکنون غالب کارگران کارگاههای تولیدی و صنعتی و باسندیکا-های مربوطه، با کارفرمایان خود به عقد قراردادهای دسته جمعی مبادرت ورزیده و ضمن کاهش میزان ضایعات و با افزایش تولید با اجرای سیستم استحصال بهتر و با روش‌های دیگر در منافع کارگاه سهیم و شریک شده‌اند. فروش سهام کارخانه‌های دولتی از سه لحظه اهمیت داشت.

نخست اینکه سرمایه مالکانی که املاک آنها طبق قانون اصلاحات ارضی بفروش میرود را کد نمایند و آنان بتوانند این سرمایه را با خرید سهام کارخانه‌ها بوسیله قبوض اقساط املاک خود در کارهای تولیدی بکار اندازند تا پرداخت اقساط برای دولت هم امکان بیشتری داشته باشد.

لحاظ دیگر این بود که با فروش کارخانه‌های دولتی، این کارخانه‌ها بصورت شرکت سهامی و با وضع بهتری اداره شوند و مردم در کارهای تولیدی و اقتصاد مملکت دخالت مستقیم داشته باشند.

بودن سهام این کارخانه‌ها بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی و ایجاد اطمینان خاطر در مالکان قدیم املاک، خود از لحظه اقتصادی و اجتماعی

اهمیت کامل داشت بنا بر این فروش سهام این کارخانه‌ها ضروری و بسیار مهم بود.

برای انجام این امر به تأسیس شرکت سهامی کارخانه‌های دولتی مبادرت شد و نسبت به پیبود تشکیلات اداری و وضع مدیریت این کارخانه‌ها اقدام لازم بعمل آمد تا از سال آینده سهام آنها در هر عرض فروش بمالکین قرار گیرد. سود سهام این کارخانه‌ها بموجب قانون، شش درصد از طرف دولت تضمین شده است.

فصل پنجم و هشتم

اصلاح قانون انتخابات آزادی زنان

با تصویب لایحه اصلاحی قانون انتخابات در روز ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ ملت ایران دست مداخله عدمی از مالکان بزرگ وایادی آنان را در امر انتخابات کوتاه کرد و از آن پس تمام طبقات مختلف مردم ایران در تعیین سرنوشت خویش دخیل شدند لزوم (اصلاح قانون انتخابات) بچند دلیل لازم و ضروری بود .

نخست اینکه از آغاز مشروطیت ایران تا کنون نمایندگان کارگران و کشاورزان که اکثریت ملت را تشکیل میدهند بمجلس راه نیافته بودند و موجب عدمه آن نقص مقررات مربوط با انتخابات بود که دست کارگزاران حرفه‌ای و مالکان بزرگ و متنفذان را برای هر گونه مداخله در امر انتخابات باز میکذاشت .

دومین علت لزوم اصلاح قانون انتخابات ، قید صریح آن در مورد

انجمنهای نظارت بود که از طبقه اعیان و مالکان باید در آنها عضویت مییافتند و این خود مهترین وسیله‌ای بود که مالکان بزرگ و متنفذان که هردو در واقع یک طبقه را تشکیل میدادند انتخابات را بهر نحوی

که بخواهند بنفع خود و دست نشاند گان خود انجام دهند.
از طرف دیگر نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل میدهند که در میان آنان امروز زنان داشمند و بزرگ و متفکر و قانون دان و تحصیل کرده زیاد هستند و این نتیجه بود که زنان ایران از حقوق انسانی بی بهره باشند و توانند در تعیین سرنوشت خود و کشور خویش همکاری و هماهنگی کنند.

مجموع این علل و موجبات، اصلاح قانون انتخابات و پیدا کردن راه حل های مناسب برای پیش گیری از نیزه و مداخله ناروا در امر انتخابات را باعث شد و بدین ترتیب نمایند گان همه طبقات مختلف مردم کشور ایران بویژه کارگران، کشاورزان و زنان توانستند به مجلس راه یابند و در تعیین سرنوشت خویش شرکت داشته باشند.

این قانون که مشتمل بر ۴۳ ماده است قانون انتخابات سابق مجلسین را اصلاح نمود و انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای اسلامی و دوره چهارم مجلس سنا براساس قوانین قبلی و قانون و آئین نامه ای که بموجب ماده ۳۴ قانون تصویب ملی از هیئت وزیران گذشت انجام گرفت.

هر کاه تصویب‌نامه قانونی مورخ ۱۶/۱۲/۴۱ راجع بشرکت‌بانوان را در انتخابات بتحولی که این قانون در طرز انتخاب نمایند گان پدیدآورد اضافه کنیم میتوان گفت که انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای اسلامی و دوره چهارم مجلس سنا با هیچیک ازادوار تقنینیه سابق قابل مقایسه نبوده است زیرا قانون اصلاح قانون انتخابات مصوب ششم بهمن ۱۳۴۱ انتخابات مجلسین را بصورت جدیدی درآورده است که مبنی بر دو اصل صحت و سرعت میباشد.

بطوریکه درفصل سی و دوم این کتاب باطلاع خوانندگان گرامی رسید درروز هفدهم دیماه سال ۱۳۱۴ اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر در دانشسرای عالی آزادی زنان ایران را اعلام و مقرر شد که زنان کشورها مانند مردان درامور اجتماعی شرکت کنند ولی بآن حق شرکت درامور سیاسی داده نشده بود تا اینکه روز هشتم اسفندماه ۱۳۴۱ در طغیان تحولات اجتماع ایران تحول حیات بخش دیگری بوقوع پیوست و اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی که مظہر ترقی و تحول و پیشرفت کشورند علیرغم تلاش بی فرجام و مذبوحانه قشر کوتاه فکر و مرتباً با فرمائی قاطع، منشور آزادی کامل زنان ایرانی را صحه گزاردند و با اعطای این آزادی حیات سیاسی نیمی از اجتماع ایران احیاء گردید.

این اقدام عالی و انسانی را میتوان در خشانترین تحولی دانست که در عصر حاضر در اجتماع ایران انجام شده و در زمینه تحکیم ارکان دموکراسی برپایه های آزادی رأی و اندیشه و تأمین عدالت اجتماعی اهمیت بسزائی دارد.

با برطرف شدن این نقص واضح حقوق انسانی، بندها و زنجیر هائیکه بدست وبا زنان ایرانی بسته شده بود بیکباره از هم کسست و امکانات بیشتری را بوجود آورد تا در دوران تحول که کلیه نیرو ها بخاطر پیشرفت و ترقی اجتماع بسیج شده زنان نیز بتوانند همگام با مردان فعالانه کوشش نمایند.

زنان کشورما اکنون بیش از پیش مشکل شده و در کلیه شئون دوش بدوش مردان مصممانه کوشش میکنند تا جبران رکود و جمود سالهای سیاه گذشته را نموده در ساختمان نوین اجتماع ایران نقش ارزشمند خویش

را ایفاء نمایند.

از سوی دیگر زنان روشنفکر و فاضلی که تا دیروز جزو دیوانگان و مهborین محسوب میشدند در آن جمنها و سازمانهایی که طی ۲۷ سال گذشته تشکیل یافته و هدف آن تنویر افکار زنان و مبارزه علیه جهل و خرافات و بیداشتی و گسترش فعالیتهای اجتماعی است به فعالیت مشغولند.

در انتخابات دوره بیست و پنجم مجلس شورای اسلامی و دوره چهارم مجلس سنای ایران زنان در انتخابات شرکت داشتند و برای اولین بار در تاریخ مشروطیت ایران دونماینده زن به مجلس سنای ایران نماینده زن به مجلس شورای اسلامی راه یافتند.

فصل پنجم و نهم

سپاه دانش تبرستان

هیچ تحول و انقلابی نمیتواند بنیاد جامعه و اساس فناواری دار آنرا
دکر کون کرده و موحد نظامی نوبر اساس آزادی وعدالت و رفاه کردد مگر
اینکه افکار افراد آن جامعه را با حقیقت و مفهوم آن تحول آشنا ساخت و
در مسیر نیازمندیهای آن دکر کونی تجهیز کرد تا استعداد ها در محیطی
آماده و مستعد بتوانند با شناخت نیازمندیهای آن تحول و دکر کونی
در راه بشر رسانند آن انقلاب و تحول کوشش و مجاهدت نمایند.

طرح عظیم سپاه دانش که با تکار شاهنشاه ایران پر حله اجراء رآمد
آشنا کنند افکار و استعدادهای سازندگان امروز و فردای جامعه بنا نیازمندیهای
«انقلاب بزرگ شاه و ملت» است.

اجرای طرح عظیم سپاه دانش، پیکار مقدس و حیاتی و بردار زندگانی است
با جهل و بیدانشی و ظلمت که بمدد نیروی اندیشه سپاهیان ظلمت شکن
و دانش افزون در نقاط مختلف کشور ایران برای باسواندن فرزندان این
مرزوک بوم فعالیت مجدانه و صمیمانه ای آغاز کردیده است.

بموجب گزارشها و اطلاعات واصله نتایج فعالیتهای سپاهیان دانش تا کنون بسیار عالی و درخشنan بوده است. ۲۴۶۰ تن از سپاهیان دانش دوره اول، به ۱۰۷۴ شهرستان کشور اعزام شدند تا به امر تعلیم و تربیت نوباوگان و روستازادگانیکه تا کنون از نعمت سواد محروم بوده اند پیردازند.

بر طبق آخرین آماری که از ۹۹ شهرستان از ۱۰۷ شهرستان مزبور بدست آمده است سپاهیان دانش این شهرستانها در ۲۱۸۹ دهکده سرگرم کار و فعالیتهای اجتماعی خویش هستند.

سپاهیان دانش هم اکنون به تعلیم و تربیت ۶۹،۶۹ نفر دانش آموز پسر و ۱۴،۶۸۷ نفر دانش آموز دختر و ۳۲،۲۹۴ نفر بزرگسالان مرد و ۱،۹۲۸ نفر بزرگسال زن اشتغال دارند و تا کنون موفقیتهای شایانی در این زمینه حاصل نموده اند.

علاوه بر امر تعلیم و تربیت روستائیان و فرزندان آنان را در سالمسازی محیط و تعیین بهداشت و سایر خدمات اجتماعی نیز راهنمائی و ارشاد نموده اند.

ضمناً بسبب تشویق و ترغیب مردم به توسعه امر فرهنگ عمومی طی این مدت کوتاه تعداد ۹۵۶ باب دبستان بوسیله نیکوکاران دردهات و قصبات ساخته شده و بفرهنگ اهداء گردیده است. این اقدام تا کنون بی نظیر بوده و کمتر سابقه داشته است.

بر اهمیتی و تشویق سپاهیان دانش در این مدت ۹۷۴ قطعه زمین منظور احداث مزارع سبزیکاری نمونه، ایجاد زمین ورزش و نظایر آن از طرف مردم بلا عوض در اختیار فرهنگ قرار گرفته تا هنگام اجرای برنامه های تعلیم و تربیتی مورد استفاده قرار گیرند و همچنین در اثر مساعی و فعالیتهای مداوم افراد سپاه دانش مبلغی معادل ۳،۶۵۸،۰۸۵ ریال بوسیله

روستاییان زحمتکش نقاط مختلف کشور بمنظور تهیه وسایل تحصیلی نوآموزان پرداخت شده که زیرنظر شورای ده بمصرف رسیده است.

هم اکنون بیش از ۳۱۶۱ دهکده دیگر از این شهرستانها آماده تأسیس دبستان میباشدند که از دوره های بعدی سپاهیان داشت به این نقاط اعزام خواهد شد و بتدریج برای توسعه امر تعلیم و تربیت افراد سپاهی داشت به ۱۸۸۹۲ دهکده دیگر از این شهرستانها فرستاده خواهد شد.

سپاهیان داشت تا کنون با فعالیت های حسیگی ناپذیر خویش موفق شده اند کشاورزان دهات و قصبات را به احداث ساختمان های عام المنفعه از قبیل دبستان ، پل ، حمام ، غسالخانه ، کشتار کاه و تسطیح و مرمت جاده ها عادت دهنده و به فعالیت های اجتماعی و ادار سازند تا خود بخود در راه توسعه و تعمیم امر بهداشت که یکی از مسائل مهم و حیاتی در بهبود وضع و پیشرفت همه جانبه زندگی مردم روستاهای کشور است قدم های اساسی و مهمی برداشته شده باشد .

گذشته از این اقدامات افراد سپاهی داشت در مرور تقسیم ولوله کشی آب مشروب ، حفر چاهها و قنوات ، نصب موتور روی چاهها و فعالیت های دیگری نظیر آنها بكمک و راهنمائی و ارشاد کشاورزان شتافته و از بدل هیچ گونه مساعدت و راهنمائی و همکاری دریغ ننموده اند . در اثر فعالیت های این سربازان وطن پرست و با ایمان ، همه اختلافات و ناراحتی های محلی که اکثراً در اثر جهل و ندانی میان عده ای از کشاورزان بروز میکرد از میان برداشته شده و از طریق کدخدامنشی حل و فصل گردیده است .

افراد دوره دوم سپام داشت نیز ۵۶۶ نفر بودند که با عزم راسخی برای نجات مردم قراء و قصبات سایر نقاط کشور شتافته اند .

فصل شصتم

اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات - آبیاری و سد سازی

« هیچ چیز نباید مارا از رسیدن به هدف خود بازدارد هدف»
« ما اینست که مردم دهات از نیروی نهفته و استعداد»
« ذاتی خود بیشتر بهره برداری نموده و در راه تولید»
« بیشتر و بهتر موفق شوند. »
« برنامه عمران دهات بر اساس اصل خود یاری استوار»
« گرددیده است، هدف این برنامه اینستکه ابتکار عملیات»
« عمرانی بدست خود مردم روستائی داده شود و روح»
« همکاری در بین مردم بوجود آید بنحویکه جوامع »
« روستائی خود سرنوشت خود را بدست گیرند»
« از بیانات شاهنشاه »

بمنظور تحقق این هدف عالی شاهنشاه ایران که شالودهای یک دموکراتی واقعی وارکان حکومت مردم بر مردم میباشد و همچنین بمنظور اینکه طبقه روستائی در تعیین خط مشی و سرنوشت خویش مؤثر بوده و از نیروی بزرگ و انسانی این طبقه درجهت ترقی و پیشرفت اجتماع استفاده شود در سال ۱۳۳۲ به تنظیم برنامه‌ای که (اصول اولیه آن برپایه شناختن

مشکلات زندگانی روستائیان بوسیله خودشان و حل آن از طریق خود یاری و همکاری استوار است) اقدام کردید.

در این برنامه نیل بترفیات مادی هدف اصلی نیست بلکه موقیت حقیقی در این برنامه عبارتست از تغییراتی که دروضع روحی و معنوی طبقه روستائی حاصل میشود.

این تغییرات شامل توسعه افق‌گرد و اعمال و روابطی است که شایستگی روستائیان را برای رسیدن بهدفهای خوبی و تقویت میکند و ایشان را نسبت به مسئولیتی که در مقابل زندگی خویش و اجتماعی دارند آگاه میسازد. با اجرای این برنامه روستائیان خود رأسا در کلیه فعالیتها و اقداماتی که سبب بالا بردن سطح دانش و ارزیاباد قوه تولید و بطور کلی اصلاح امور اجتماعی و عمران محیط زندگی آنهاست شرکت خواهند داشت.

با اجرای این برنامه سعی میشود که منابع محلی برای اصلاحات و تحولات لازم در میان روستائیان تجهیز شده و ایشان را نسبت به نیروی که در وجودشان نخیر داشده و بلا مصرف مانده است آشنا نماید.

با این ترتیب آنان در تهیه برنامه های مفید خود قدم اول را خود برخواهند داشت و اصول فن طرح ریزی و طرز اجرای برنامه های عمرانی را فرا خواهند گرفت.

اقدامات مفیدی که در این زمینه از سال ۱۳۳۲ (یعنی از سال تأسیس بنگاه اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات) انجام یافته در بیهود زندگی روستائیان و آشنا نمودن آنان بنی روی فعاله و سازنده خود و استفاده از آن درجهت پیشرفت اجتماع تأثیر بسزائی داشته است.

طی ده سال گذشته در نقاط مختلف روستائی ۳۰۷۵۷ شورای ده

تشکیل شده تا روستاییان را در طرح و اجرای برنامه های عمرانی کمک نماید.

بخاطر بالا بردن سطح معلومات عمومی کشاورزان و آماده ساختن آنان در اجرای برنامه های عمرانی با اجرای برنامه های آموزشی پیشرفتهای شایان توجهی حاصل شده است.

با اجرای برنامه اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات نتایج مفید و ثمر بخشی حاصل گردید لذا بمنظور توسعه و گذشتگی این برنامه اقدام با اجرای طرح های عمران ناحیه ای از قبیل طرح عمران لاهجه خوزستان، طرح عمران ناحیه سیستان، طرح عمران ناحیه گرگان گردیده است. اجرای این طرحها که بمنظور ایجاد یک تحول مفید اقتصادی و اجتماعی است باعث شد که در مدت کمی فعالیتهای عمرانی جدیدی در نقاط مختلف مملکت بوجود آید.

فعالیتهای ثبت و ثمر بخشی که طی دهه ای گذشته در زمینه ایجاد سدهای بزرگ و تأسیسات جدید آبیاری در نقاط مختلف کشور انجام شده در بیرون وضع کشاورزی که اقتصاد کشورها بر پایه های آن بنا شده تأثیر بسزائی داشته است.

بر اثر ساختن سدهای بزرگ، حفر چاههای عمیق، ایجاد قنوات، لوله کشی شهرها و استفاده از منابع آب زیرزمینی، سطح زیر کشت کشاورزی ایران بطور فوق العاده ای افزایش یافته و بالمال موجب افزایش درآمد کشاورزان شده است.

کشاورز ایرانی امروز از لحاظ کم آبی نگرانی ندارد زیرا آب رودخانه ها و قنوات با اصول فنی نوین بین آنان تقسیم می شود و ایجاد سد-

های بزرگ نیز نگرانی آنان را از نیامدن باران بر طرف نموده است. شبکه آبیاری در کشورها بنحوی ساقه‌ای گسترش یافته و کمبود آب که یکی از عوامل هم کمی محصول است تأمین شده است.

علت عدم وجود رودهای پرآب و دائمی در نقاط مختلف کشاورزی مطالعات و بررسیهای لازم در مورد استفاده از آبهای زیرزمینی در نقاط فزوین، کرج، ورامین، تهران و مراغه، رضائیه، مشهد، اصفهان و جهرم بعمل آمده و میزان و گنجایش مخزنها تخت الارضی نقاط فوق مشخص و اقدام به استفاده از آنان شده است.

تا کنون ۱۱۲ حلقه چاه عمیق بمنظور تأمین کمبود آب در نقاط مختلف روستائی حفر و در نقاط دیگر نیز بمنظور تعیین سفره آب آرتزین حفاریهای بسیار مفیدی بعمل آمده است. ضمناً با خاطر آشنائی کشاورزان بنحو استفاده کامل از آبهای زیرزمینی راهنماییها و کمکهای لازم شده است.

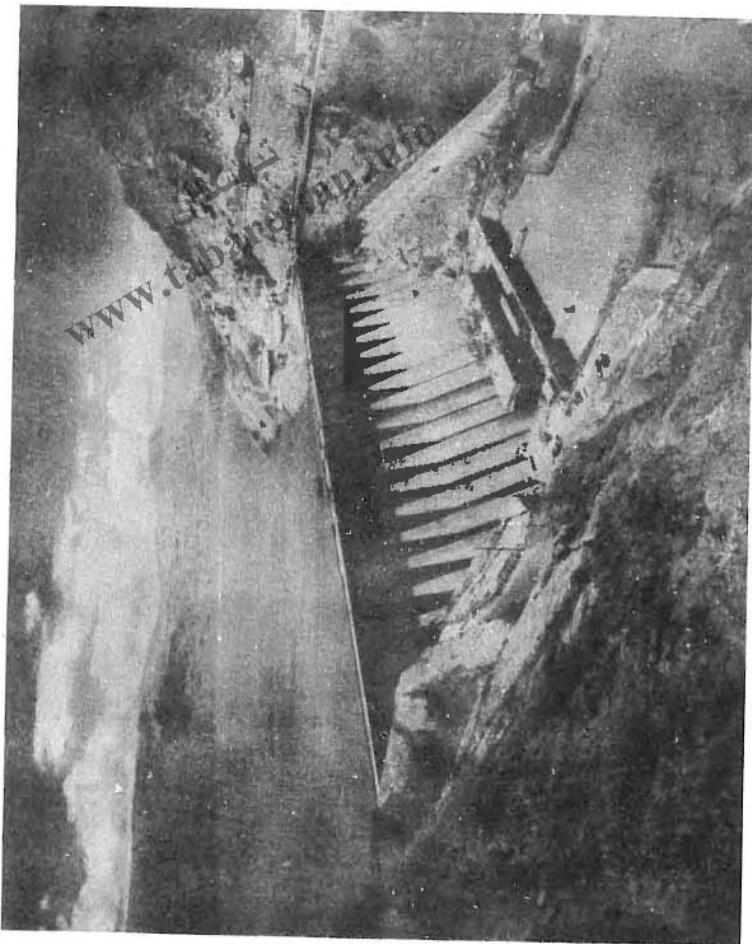
اقداماتیکه بمنظور توسعه شبکه آبیاری طی دهه‌الی گذشته در

کشور انجام شده بدین شرح است:

سلسله‌هناز - این سد بمنظور تأمین آب آشاییدنی شهر همدان در ۱۱ کیلومتری شهر و بر روی رودخانه یالغان ساخته شده است. این سد علاوه بر مصرف آب مسروب شهر همدان میتواند آب مورد لزوم آبیاری ۱۰۰۰ هکتار زمین زراعی را تأمین نماید.

سد مخزنی گلپایگان - اجرای پروژه سد مخزنی گلپایگان با اعطای ۴۰۰،۰۰۰،۱۶۳ میلیارد ریال عطیه و اعتبار آغاز و در سال ۱۳۳۶ مراسم افتتاح و بهره‌برداری از آن در پیشگاه شاهنشاه انجام گردید.

سد سفید رود



تبرستان
www.tabarestan.info

جلگه کلپایگان یکی از مناطق مستعد کشاورزی است و احداث این سد که ارتفاع آن ۵۲ متر و گنجایش مخزن آن ۳۵ میلیون مترمکعب است میتواند نگرانی کشاورزان آن منطقه را از نظر کمبود آب رفع نماید.

با احداث سدهای مخزنی کلپایگان ۴۵۰۰ هکتار بر اراضی زیر کشت در آن منطقه افزوده شده است.

آبیاری جهرم - با حفر پانصد حلقه چاه مجذوبه تلبیه الکتریکی در جلگه جهرم چندین هزار هکتار اراضی نخلستانی این منطقه در تمام ایام سال مشروب میگردد.

آبیاری قائنات - با احداث ۱۸۳ حلقه چاه عمیق و سه دهکده نمونه و با ساختمانهای جدید در منطقه قائنات کمک شایسته‌ای به کشاورزان و اهالی این منطقه شده است.

منطقه قائنات یکی از مناطق خشک ایران است و بارندگی سالیانه آن در حدود ۱۰ تا ۲۰ میلیمتر میباشد. با تأمین آب مورد نیاز زارعین قائنات اهالی آن منطقه از خطر قحطی و برسانی برای همیشه نجات یافته‌اند.

سد گرخه - سد گرخه برای آبیاری اراضی جنوب غربی خوزستان احداث گردیده و بمنظور احتراف آب رودخانه گرخه میباشد. با احداث سد گرخه میتوان ۸۰،۰۰۰ هکتار اراضی آن منطقه را بخوبی آبیاری نمود. با توسعه امور آبیاری این منطقه عده‌ای از کشاورزان نقاط دیگر خوزستان که زراعت آنها کم و درآمد کافی نداشته‌اند در این منطقه اسکان داده شده‌اند.

آبیاری در جلگه شبانکاره - از سال ۱۳۳۵ که اجرای برنامه

سالم سازی اراضی و توسعه آبیاری جلکه شبانکاره انجام شد بالغ بر سیصد هزار درخت خرما و سی هزار نهال جوان لیمو و انواع مرکبات بوسیله کشاورزان در حوزه آبیاری شبانکاره غرس شده . از آن‌زمان کشت انواع صیفی و جالیز در شبانکاره معمول گردیده است و بواسطه موقعیت اقتصادی ممتازی که از نظر نزدیکی بمرکز نفت خیز جنوب دارد کشاورزان آن آینده در خشانی خواهند داشت .

سد بمپور - ایجاد سد بمپور در منطقه لوچستان که از نظر کشاورزی بکی از مناطق با استعداد ایران محسوب می‌شود از جمله کامهای ارزانه‌ایست که در عمران و آبادی و رفاه حال کشاورزان این منطقه برداشته شده است .

با احداث این سد در حدود ۵۰۰۰ هکتار بر اراضی زراعی این منطقه افزوده شد و دهقانان بمپور که اکثر اوقات زراعتشان هورده‌جوم سیل قرار می‌گرفت اکنون دیگر از نظر خطر سیل ناراحتی ندارند .

ساختن سد موجب علاقمندی کشاورزان گشته بطوریکه قبل از ساختمان این سد درختکاری در این نواحی سابقه نداشت ولی اکنون درختکاری بسحو پیسابقه‌ای رواج پیدا کرده و بطورکلی در امر کشاورزی این منطقه تغییرات زیاد و پیشرفتهای قابل توجهی حاصل شده است .

سه‌گرج - ایجاد سدهای بزرگ‌ضمن تأمین آب مورد لزوم و توسعه و گسترش سطح زیر کشت در تولید برق بمقدار بسیار زیاد نیز مؤثر است . سد کرج از جمله سدهای بزرگ‌گیست که ضمن فراهم آوردن آب آلوه کشی تهران بزرگ بمیزان ۱۱۵،۰۰۰،۰۰۰ متر مکعب و تنظیم آب کشاورزی مناطق اطراف تهران در فصول و سالهای مختلف میتواند

۱۱۰,۰۰۰ کیلووات برق نیز تولید کند.

سد اصلی سدی است بتونی بالاچنانه در دو جهت ارتفاع آن ۱۸۰ متر و طولش در بالا ۳۹۰ متر و ضخامت آن در کف ۳۰ متر است. پشت سد اصلی در یاچه‌ای برای ذخیره کردن هازاد آب رودخانه بوجود آمده که گنجایش آن ۲۰۵ میلیون مترمکعب و طولش ۱۴ کیلومتر است.

چون توربینهای برق فقط در ساعات سر شب که مصرف برق تهران زیاد است کار خواهد کرد آبی که از آنها مخراج میگردد پشت سر تنظیم کننده جمع میشود تا در روز بمصرف کشاورزی و آب‌الوله کشی شهر تهران برسد. این سد با یتون ساخته شده ارتفاعش ۵۰ متر و حجم در یاچه آن ۸۵۰,۰۰۰ مترمکعب است.

سد سفیدرود ساجرای پروژه سد سفیدرود از سال ۱۳۴۴ آغاز و در اردیبهشت سال ۱۳۴۱ بست توانای اعلیحضرت همایونی گشایش یافت. افتتاح این سد چشم انداز جدیدی در ساختمان ایران نوین بوجود آورد با ایجاد این سد کشاورزی در شمال ایران برسیستم جدید آن استوار و به پیشرفت‌های قابل توجهی از نظر افزایش محصول و افزایش درآمد نایل آمده است.

قبل از ساختمان سد سفیدرود ۱۲/۳ میلیارد متر مکعب آب رودخانه سفیدرود بدون هیچگونه استفاده‌ای بدریای خزر میریخت و سالیانه بطور متوسط ۱/۷ میلیارد مترمکعب آب از آن برداشت میشود. با ایجاد این سد $2/3$ میلیارد مترمکعب آبیکه در محزن سد جمع میگردد میتواند نیروی برق قابل ملاحظه‌ای تولید نماید.

هر چند امکانات استفاده از سد سفیدرود بمنظور تولید نیرو^ه برق

بسیار قابل ملاحظه میباشد ولی در برنامه بهره برداری از سد آبیاری مقدم
برسایر امور است.

کل خانه هیدروالکتریک سد دارای دو گروه ۱۷,۵۰۰ کیلوواتی
برای تأمین نیروی برق استان گیلان میباشد و در مرحله دوم سه گروه
۱۷,۵۰۰ کیلوواتی برای تولید نیروی برق کافی در روی شبکه آینده
ارتباطی شمال ایران با انتقال بدهشت قزوین بمنظور بهره برداری از آبهای
زیرزمینی آن منطقه در نظر گرفته شده است.

با ایجاد سد سفیدرود از زیان ناشی از کم آبی در دشت سفیدرود
(بدون اختساب زیان فومن) که در چهار سال اخیر فقط برای برنج بطور
متوسط ۳۵۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال در سال بوده است جلوگیری میشود.

با تکمیل شبکه آبیاری سفیدرود و فومنات فرونی و عوامل ناشی
از افزایش محصول برنج و جلوگیری از زیان کم آبی جمعاً سالی
۱۶۵۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال است.

هر چند تولید برق در سفیدرود یک امر ثانوی است ولی دو دستگاه
توربین فعلی میتوانند تا حدود ۲۰۰ میلیون کیلووات برق در سال تولید
کند . که اگر هر کیلووات آنرا ۲/۵ ریال فرض کنیم عواید برق آن در
حدود ۵۰۰ میلیون ریال در سال خواهد بود . پیش از ساخته شدن سد
سفیدرود بسیاری از نقاط استان گیلان دچار کم آبی بود ، در این مناطق
محصول اندکی پس از سبزشدن بر اثر بی آبی ازین هیرفت این نقیصه
بزرگی که موجب وارد آمدن زیان بکشاورزی و اقتصاد کشور بودا کنون
رفع گردیده است.

در سال ۱۳۴۴ جمع محصول شلتونک در استان گیلان ۱۹۰,۰۰۰

تن بود اما در سال ۱۳۴۰ به ۲۲۰،۰۰۰ و کمی پس از گشایش هیزان محصول به ۴۵۰،۰۰۰ تن رسید.

با این ترتیب برای ریک محسوبه دقيق با ساخته شدن سد سفیدرود تنها از نظر محصول شلتوك آنهم در طول سال ۱۳۴۱ یك میلیارد و چهارصد میلیون ریال بردرآمد فروش شلتوك افزوده شده است که بطور قطع اثر فوق العاده‌ای در پیشرفت و رفاه حال کشاورزان ما و اقتصاد کشور دارد.
سد محمد رضا شاه پهلوی - که بزرگترین سد حاوله‌یانه و ششمین سد بلند دنیاست در اسفند ماه سال ۱۳۴۱ بدست احمد معروف همایونی گشایش یافت.

با افتتاح این سد دشت وسیع و حاصلخیز و مستعد خوزستان عظمت گذشته خود را بار دیگر بدست خواهد آورد و کشاورزان و اهالی آن از بهترین امکانات زندگی برخوردار خواهند شد ، ساختمان این سدی کی از مهمترین اقداماتی است که طی دهه‌ی گذشته در ایران انجام شده است.
سد محمد رضا شاه پهلوی از لحاظ اقتصادی عواید سرشاری برای استان خوزستان و سایر مناطق کشور تأمین خواهد نمود زیرا این سد راه را برای اجرای طرحهای عمرانی که موجب بالارفتن سطح زندگی مردم و دوام و قوام اوضاع اقتصادی و بهبود وضع بهداشت و فرهنگ و رفاه اجتماعی است هموار خواهد ساخت .

سد محمد رضا شاه پهلوی یك سد دو انحنای و قوسی است که ۲۰۳ هکتار از بستر رودخانه ارتفاع دارد. این سد میتواند یک کصد و پنج هزار هکتار اراضی حاصلخیز خوزستان را از جنوب دزفول تا هفت تپه و شوش آباری کند و در نتیجه سطح زیر کشت در این مناطق بمیزان قابل توجهی

بالا خواهد رفت .

قبل از ایجاد این سد هم‌ساله بر اثر سیل و طغیان رودخانه میلیاردها
ریال به کشاورزان خوزستان زیان میرسید و دیگر کشاورزان خوزستان
از این احاظ نگرانی ندارند بلکه آب سیل و آبهای اضافی در مخزن بزرگ
سد ذخیره میشود و هنگام خشکسالی با استفاده از شیرهای کشاورزی هر
مقدار آب که برای ذراعت لازم باشد مورد استفاده قرار خواهد گرفت.
در پاچه سد محمد رضا شاه پهلوی هر جنوار شصت کیلومتر طول دارد
و سه هزار و سیصد و پنجاه میلیون متر مکعب حجم آب داشت که تقریباً مساوی
با بزرگترین مخزن دره تنی امریکا است ، ارتفاع آب دوپیش این سد
تا صد و هشتاد متر میرسد .

این سد میتواند ۵۲۰،۰۰۰ کیلووات برق تولید نماید که در حال حاضر
۱۳۰،۰۰۰ کیلووات آن بکار اندخته شده و شهرهای اهواز ، آبادان ،
خرمشهر ، اندیمشک و دزفول از نیروی آن برخوردار میشوند .

سد محمد رضا شاه پهلوی در توسعه کشاورزی نوین خوزستان نقش
مهما و نمربخشی را ایفاء مینماید و با کمال جرئت میتوان گفت ایجاد این سد نه
تنها موجب بهبود وضع کشاورزی منطقه خوزستان میگردد بلکه اثراقابل
توجهی در پیشرفت اقتصاد کشور ایران دارد .

فصل شصت و پنجم

پیشرفت صنعت نفت در دهه‌های محمد شفان

در روز ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ با مراعای حضرت همایون محمدضا شاه

پهلوی صنعت نفت ملی اعلام کردید و اداره امور این صنعت عظیم در اختیار ایرانیان یعنی صاحبان اصلی منابع سرشار نفت ایران قرار گرفت و شرکت ملی نفت ایران بوجود آمد تا از جانب دولت ایران از این منابع پرثمر ببره برداری کند.

تحصیل عواید بیشتر از نفت ایران برای مصرف در راه عمران و آبادی کشور، کشف منابع نفت در سایر نقاط ایران و بهره برداری از آنها و همچنین توسعه دائمی عملیات پخش مواد نفتی و استفاده از استعداد کارکنان ایرانی در صنعت نفت و ارتقاء آنان به مقامات حساس وسیع در فراغم ساختن رفاه آنان از جمله اقداماتیست که شرکت ملی نفت ایران انجام میدهد.

پس از انعقاد قرارداد با کنسرسیوم همساله درآمد ایران رو با فرایش بوده است برای مقایسه کافیست گفته شود که تنها از بابت مالیات و حق الامتیاز در سال ۱۳۲۸ درآمد دولت ایران از نفت فقط ۱۶ میلیون لیره

بوده است در حالیکه این رقم در سال ۱۳۴۰ حدود یکصد و چهار میلیون لیره شده است.

طی ده سال گذشته بر نامه های وسیعی برای اکتشاف و بهره برداری از منابع نفت کشور اجرا شده و موقتی های بزرگی در این راه بدست آمده است چنانکه در منطقه البرز قم تا حال ۱۱ حلقه چاه حفر گردیده و بمبنیع

بزرگی از نفت خام رسیده است. در منطقه سر اجده تا کنون هفت چاه حفر گردیده که پنج چاه آن قابل بهره برداری است، در نواحی مازندران و خراسان و گرگان نیز عملیات اکشافی و حفاری انجام گرفته است.

علاوه بر این تصفیه خانه کرمانشاه توسعه داده شده و میزان تولید نفت در نفت شاه نیز بر اثر حفر چاه های تازه بدوبرابر افزایش یافته است. تأسیسات نفتی کرمانشاه و نفت شاه منحصرآ بدست کارشناسان ایرانی اداره میشوند.

از جمله اقدامات سودمند دیگری که انجام شده احداث خط لوله سرتاسری از اهواز به تهران است. این خط لوله از لحاظ صرفه جوئی در هزینه حمل مواد نفتی به تهران و سهولت عمل حائز اهمیت فراوانی است. طرفیت این خط لوله در ابتدا سالیانه یک میلیون و دویست هزار تن بود ولی آکنون به دو میلیون و نیم تن افزایش یافته است. یک خط لوله فرعی نیاز از (ازنا) به اصفهان کشیده شده است.

خط لوله تهران - اهواز تا قزوین نیز کشیده شده و بزودی تا رشت امتداد خواهد یافت. یک خط لوله هم به شهرود و از آنجا به مشهد

کشیده شده است. خط لوله نفت معلمئن ترین وسیله رسانیدن مواد نفتی بیناط مختلف کشور است و با استفاده از این خطوط مصرف مواد نفتی در تمام فصول سال برای کلیه ساکنین سرزمین پهناور ایران تأمین شده است.

در امور آموزشی و تربیت کادر فنی برنامه های وسیعی بمورد اجرا گذاشته شده و همه ساله عده‌ای مهندس و رزیده و کارگرفتی تربیت شده از دانشکده فنی آبادان و آموزشکاه های حرفه ای فارغ التحصیل میگردد تابعی خارجیان و کارکنانی که بازنشسته میشوند در صنایع نفت مشغول به کار شوند.

بمنظور بهره داری کامل از منابع نفت طی ده سال گذشته قراردادهای با شرکتهای خارجی منعقد گردیده است.

اهمیت این قراردادها در آنست که برای اولین بار در جهان شرکت ملی نفت ایران توافق بر اساس دریافت ۷۵ درصد از منافع با شرکتهای خارجی فرارداد بیندو با عقد این گونه قراردادها فصل تازه‌ای در تاریخ بهره برداری از منابع نفت ایران گشوده شد.

همچین برای اولین بار یک قرارداد برای فروش نفت با گشور افغانستان منعقد شده است و بموجب این قرارداد سالیانه ۱۷ هزار تن مواد نفتی آن گشور صادر میشود.

میزان تولید نفت در ایران در ده سال گذشته سال بسان رو با فرایش یوده است چنانکه مجموع تولید نفت ایران که در سال ۱۳۴۰ برابر ۱۷،۱۲۵،۰۰۰ تن در سال ۱۳۴۱ - ۱۵۵،۰۰۰ تن در سال ۱۳۴۲ برابر ۱۱،۱۵۵،۰۰۰ تن مود در سال ۱۳۴۱ بـ ۸۶۹،۵۹۶،۷۶ تن رسیده است.

علاوه بر بالایشگاههای نفت آبادان و کرمانشاه ساختمان پالایشگاه عظیم نفت تهران نیز بزودی شروع و پس از آن بهره برداری از آن آغاز خواهد شد . بی شک این امر در پیشرفت صنعت نفت ایران اهمیت فراوانی خواهد داشت .

پایان

تبرستان
www.tabarestan.info



مترجم و مؤلف کتاب رضا شاه کبیر - یا - ایران تو

تبرستان
www.tabarestan.info

۲۰۰ ریال